

دوفصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد (نشریه علمی)



سال هجدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۸

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

- ۱ فراتحلیل مطالعات رابطه سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی در ایران در سال های ۱۳۸۸-۱۳۹۸
محسن نیازی، شیوا آقابزرگی زاده، امین گودرزی
- ۲۷ بررسی رابطه دینداری و سبک زندگی در بین دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر شیروان
نوروز نیمروزی ناوخی، مریم باقرزاده
- ۵۹ بررسی رابطه سرمایه اجتماعی زنان با تبعیض پذیری آنان در خانواده
مریم رفعت جاه، مرجان رشوند سرخکوله، فاطمه سیدزاده
- ۹۱ بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین عوامل سرمایه‌ای، اخلاق کار و عملکرد شغلی (مورد مطالعه: کارکنان شهرک صنعتی کلات مشهد)
زهره خضری، محمد مظلوم خراسانی، محسن نوغانی دخت بهمنی
- ۱۳۱ هنجاریابی، روایی و پایایی ابزار سنجش ارزش‌های اخلاقی (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)
علی مرادی، نجات محمدی فر
- ۱۶۵ مواجهه بازندیشانه با بحران اقتصادی در زندگی روزمره: راهبردها و پیامدها
مجتبی میرزانی، غلامرضا صدیق اورعی، مهدی کرمانی، احمدرضا اصغرپور ماسوله
- ۱۹۵ ارائه مدل همدلی قومی فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد انسجام ملی (مطالعه کیفی مبتنی بر نظریه پرخاسته از داده‌ها)
نوراله رضائی کلواری، سعید شریفی، فائزه تقی پور
- ۲۲۷ فهم ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی در حاشیه شهر مشهد: (مطالعه موردی محله قلعه‌خیابان مشهد)
احمد رمضانی فرخند، حسین اکبری، مجید فولادیان، میثم موسایی
- ۲۶۷ مطالعه زمینه‌های اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری بیماری‌های اعصاب و روان (روان‌پریشی) با استفاده از استراتژی نظریه زمینه‌ای
علیرضا صنعت خواه، محمد جلال کمالی، نوید فاتحی راد، مهناز زعیم باشی
- ۲۹۷ دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در شهرستان‌های کشور (مطالعه موردی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶)
ابراهیم صالح آبادی
- ۳۳۹ شناسایی مؤلفه‌ها و سنجش روابط ابعاد دانش کارآفرینی در تعاونی‌های بزرگ‌مقیاس
عبدالرضا کریم پور ملک‌شاه، مریم تقوایی یزدی، فاطمه هاشم نژاد آبرسی
- ۳۷۳ تحلیل جامعه‌شناختی همسرستایی و تکوین همسر (زن - مرد) در شعر و ادب فارسی
محمدیار انصاری، محمدهادی خالق زاده، جلیل نظری



سال هجدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۸

بر اساس مصوبه وزارت عتف از سال ۱۳۹۸، کلیه نشریات دارای درجه "علمی - پژوهشی" به نشریه "علمی" تغییر نام یافتند.

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر محسن نوغانی دخت بهمنی (دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد)

سردبیر: دکتر حسین بهروان (استاد دانشگاه فردوسی مشهد)

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر تقی آزاد ارمکی، استاد دانشگاه تهران (دکترای جامعه‌شناسی)	دکتر رامپور صدر نوی، استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای علوم اجتماعی)
دکتر حسین بهروان، استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جامعه‌شناسی)	دکتر عبدالعلی لهسایی‌زاده، استاد دانشگاه شیراز (دکترای جامعه‌شناسی)
دکتر غلامرضا جمشیدیه، استاد دانشگاه تهران (دکترای جامعه‌شناسی)	دکتر محسن نوغانی دخت بهمنی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جامعه‌شناسی)
دکتر سیدمحمد سیدمیرزائی، استاد دانشگاه شهید بهشتی (دکترای جمعیت‌شناسی)	دکتر منصور ووقی، دانشیار دانشگاه تهران (دکترای جامعه‌شناسی)
دکتر علی‌اصغر سیلانیان‌طوسی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جامعه‌شناسی)	دکتر علی یوسفی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جامعه‌شناسی)
دکتر محمدتقی شیخی، استاد دانشگاه الزهرا (دکترای جامعه‌شناسی)	

مقالات نمودار آرای نویسندگان است و به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی نویسنده اصلی به چاپ رسیده است.

مدیر داخلی: دکتر حسین میرزایی

ویراستار ادبی: دکتر سیده مریم فضائی

ویراستار انگلیسی: مرکز ویراستاری انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی

حروفچین و صفحه‌آرا: الهه تجویدی

کارشناس اجرایی دفتر مجله: زهرا بنی‌اسد

شمارگان: ۳۰ نسخه

نشانی: مشهد دانشگاه فردوسی مشهد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی ۹۱۷۹۴۸۸۸۳، نامبر: ۳۸۸۰۷۰۶۰ (۰۵۱)

۳۸۸۰۵۱۹۴ (۰۵۱)، سردبیر: ۳۸۸۰۵۱۹۲ (۰۵۱).

خارج کشور: ۲۵ دلار (آمریکا - سالانه)، ۲۰ دلار (سایر کشورها - سالانه)

نشانی اینترنتی مجله، ارسال مقاله و حاوی متن کامل مقالات:

http://social.um.ac.ir

Email: Jss@ferdowsi.um.ac.ir

شماره پرونده: ۳/۱۱/۵۴۳ - این مجله در نشست کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور مورخ ۸۸/۳/۲۳، رتبه علمی - پژوهشی دریافت نموده است.

این مجله در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)
- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)
- پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)

شماره پروانه انتشار از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۴/۶۰۷ مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

دکتر سمیرا بامشکی (استادیار، گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر غلامرضا حسنی درمیان (استادیار علوم جمعیتی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر بهبود خادمی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیریز)
دکتر مریم تقوایی یزدی (دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری)
دکتر محمود تیموری (دانش آموخته دکتری جامعه شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر ولی الله رستمعلی زاده (عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور)
دکتر سید علی سراج (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه نیشابور)
دکتر بهمن سعیدی پور (استاد گروه علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه پیام نور)
دکتر محسن شریعتی (استادیار جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان))
دکتر محسن صفاریان (استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه پیام نور تهران)
دکتر طاهره صادقلو (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر بتول صیفوری طغرجردی (دانش آموخته دکتری جامعه شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر طاهای عشایری (استادیار گروه تاریخ و جامعه شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی)
دکتر کوروش غلامی کوتنائی (استادیار گروه آموزشی علوم اجتماعی و سیاسی، دانشگاه گلستان)
دکتر علی کریمی مله (استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه مازندران)
دکتر محمود کیوان آرا (استاد گروه سلامت و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان)
دکتر فاطمه گللابی (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز)
دکتر علی اکبر مجدی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مریم محمودی (دانش آموخته دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر علی مرادی (دانشیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام آبادغرب)
دکتر سید یعقوب موسوی (دانشیار جامعه شناسی دانشگاه الزهراء (س))
دکتر حسین میرزائی (استادیار جامعه شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر سیداحمد میرمحمدتبار (استادیار جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه اراک)
دکتر نوروز نیمروزی ناوخی (استادیار جامعه شناسی، دانشگاه گلستان)

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

۱. مقاله‌ها حداکثر در ۸۵۰۰ کلمه (با احتساب چکیده و منابع) از طریق پرتال مجله به آدرس <http://social.um.ac.ir> ارسال شوند. ذکر مشخصات نویسنده اصلی و ترتیب اسامی نویسندگان (رتبه علمی، گرایش تخصصی، محل خدمت، تلفن تماس و نشانی پست الکترونیکی) ضروری است.

۲. فاصله خطوط ۱، حاشیه از طرفین ۳ و از بالا ۵ سانتی متر و پایین ۴ سانتی متر، متن مقاله با قلم بی لوتوس ۱۳ و چکیده با قلم بی لوتوس ۱۲ باشد.

۳. ساختار مقاله: صفحه عنوان، چکیده فارسی به همراه لاتین آن (حداکثر ۳۰۰ کلمه)، کلیدواژه‌ها (حداکثر ۵ واژه)، متن مقاله، یادداشت‌ها، منابع.

– صفحه عنوان: نام مقاله به صورت کامل

نام نویسنده (رتبه علمی، رشته و محل خدمت)

ایمیل نویسندگان (در زیر نام هر نویسنده، ایمیل مربوط به آن نویسنده ذکر شود).

نویسنده مسئول و عهده‌دار مکاتبات مشخص شود.

– متن مقاله: در متن مقاله، رعایت و ذکر همه بخش‌های مقاله، شامل: مقدمه، مبانی نظری، روش تحقیق، یافته‌های پژوهش، بحث و نتیجه‌گیری الزامی است.

– ارجاعات مقاله، درون‌متنی و براساس APA نسخه ۶ باشد (به راهنمای آن در سامانه نشریه مراجعه شود).

– در نقل قول‌ها (خواه مستقیم، خواه غیرمستقیم)، استناد به آرا و اقتباس از آثار دیگران، حتماً نام نویسنده/ نویسندگان و سال انتشار و در صورت لزوم شماره صفحه اثر داخل پرانتز در متن آورده شود. هرگاه نقل قول مستقیم باشد، شماره صفحه مطلب در اثر اصلی نیز همان‌جا در متن آورده شود.

نقل قول‌های مستقیم مفصل، به صورت جدا از متن، با تورفتگی از دو طرف و فونت ریزتر آورده شود. اسامی و واژه‌های غیرفارسی فارسی نیز به صورت فارسی نوشته شود و معادل لاتین آن‌ها در پاورقی بیاید.

– در نقل قول‌هایی که دو نویسنده دارد، در هر بار ارجاع، نام هر دو نفر ذکر شود و در نقل قول‌هایی که بیش از دو نویسنده دارد، اگر تعداد نویسندگان پنج نفر یا کمتر باشد، فقط در اولین بار ارجاع نام همه نویسندگان ذکر شود و در دفعات بعد، نام نویسنده اول و «دیگران» بیاید. همچنین در صورتی که تعداد نویسندگان شش نفر یا بیش‌تر باشد، تنها نام نفر اول و عبارت «و دیگران» ذکر شود.

– در پایان مقاله، تنها منابعی که در متن مقاله نام برده و ارجاع داده شده است، بیاید. منابع پایان مقاله براساس ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان به شرح زیر آورده شود:

– کتاب: نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده/ نویسندگان. (تاریخ انتشار داخل پرانتز). نام کتاب (ایتالیک). نام مترجم/ مصحح. محل نشر: نام ناشر.

- **مقاله:** نام خانوادگی، حرف اوّل نام نویسنده/ نویسندگان. (تاریخ انتشار داخل پرانتز). عنوان مقاله. نام مترجم. نام نشریه (ایتالیک)، دوره/ سال (شماره)، شماره صفحات اول و آخر مقاله.
- **مجموعه مقالات:** نام خانوادگی، حرف اوّل نام نویسنده/ نویسندگان. (تاریخ انتشار داخل پرانتز). عنوان مقاله. نام ویراستار یا گردآورنده. نام مجموعه مقالات (ایتالیک). محل نشر: ناشر.
- **همایش‌ها:** نام خانوادگی، حرف اوّل نام نویسنده/ نویسندگان. (تاریخ انتشار داخل پرانتز). عنوان مقاله. زمان دقیق همایش (روز و سال و ماه). مکان همایش. شماره صفحات اول و آخر مقاله.
- **سایت‌های اینترنتی:** نام خانوادگی، حرف اوّل نام نویسنده/ نویسندگان. عنوان موضوع (ایتالیک)، نام و آدرس سایت/ اینترنتی (آخرین تاریخ و زمان تجدید نظر در سایت اینترنتی، شامل روز و ماه و سال).
- **رساله‌های تحصیلی:** نام خانوادگی، حرف اوّل نام نویسنده. (تاریخ نگارش داخل پرانتز). نام پایان‌نامه (ایتالیک). مقطع تحصیلی. نام دانشکده. نام دانشگاه، کشور.
- در موارد دیگر نیز انواع منابع به شیوه APA عمل شود.
۴. متن کامل مقاله نباید در هیچ‌یک از مجلات داخل یا خارج از کشور و یا در مجموعه‌مقاله‌های همایش‌ها چاپ شده باشد. نویسنده/ نویسندگان موظفند در صورتی که مقاله آن‌ها در جای دیگر چاپ شده یا پذیرش چاپ آن اعلام شده باشد، موضوع را به آگاهی دفتر مجله برسانند.
۵. مدیریت مجله در ویراستاری ادبی مقاله، بدون تغییر محتوای آن، آزاد است.
۶. فایل الگوی نگارش مقاله مطابق قواعد پیش گفته در سامانه مجله موجود است.

فهرست مندرجات

-
- ۱-۲۶ ■ فراتحلیل مطالعات رابطه سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی در ایران در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۸
محسن نیازی، شیوا آقابزرگی زاده، امین گودرزی
 - ۲۷-۵۸ ■ بررسی رابطه دینداری و سبک زندگی در بین دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر شیروان
نوروز نیمروزی ناوخی، مریم باقرزاده
 - ۵۹-۹۰ ■ بررسی رابطه سرمایه اجتماعی زنان با تبعیض‌پذیری آنان در خانواده
مریم رفعت جاه، مرجان رشوند سرخکوله، فاطمه سیدزاده
 - ۹۱-۱۳۰ ■ بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین عوامل سرمایه‌ای، اخلاق کار و عملکرد شغلی (مورد مطالعه: کارکنان شهرک صنعتی کلات مشهد)
زهره خضری، محمد مظلوم خراسانی، محسن نوغانی دخت بهمنی
 - ۱۳۱-۱۶۴ ■ هنجاریابی، روایی و پایایی ابزار سنجش ارزش‌های اخلاقی (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)
علی مرادی، نجات محمدی فر
 - ۱۶۵-۱۹۴ ■ مواجهه بازاندیشانه با بحران اقتصادی در زندگی روزمره: راهبردها و پیامدها
مجتبی میرزائی، غلامرضا صدیق اورعی، مهدی کرمانی، احمدرضا اصغرپور ماسوله
 - ۱۹۵-۲۲۶ ■ ارائه مدل همدلی قومی فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی بارویکرد انسجام ملی (مطالعه کیفی مبتنی بر نظریه برخاسته از داده‌ها)
نوراله رضائی کلواری، سعید شریفی، فائزه تقی پور
 - ۲۲۷-۲۶۶ ■ فهم ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی در حاشیه شهر مشهد: (مطالعه موردی محله قلعه‌خیابان مشهد)
احمد رمضانی فرخند، حسین اکبری، مجید فولادیان، میثم موسایی
 - ۲۶۷-۲۹۵ ■ مطالعه زمینه‌های اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری بیماری‌های اعصاب و روان (روان‌پریشی) با استفاده از استراتژی نظریه زمینه‌ای
علیرضا صنعت خواه، محمد جلال کمالی، نوید فاتحی راد، مهناز زعیم باشی
 - ۲۹۷-۳۳۷ ■ دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در شهرستان‌های کشور (مطالعه موردی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶)
ابراهیم صالح آبادی
 - ۳۳۹-۳۷۱ ■ شناسایی مؤلفه‌ها و سنجش روابط ابعاد دانش کارآفرینی در تعاونی‌های بزرگ‌مقیاس
عبدالرضا کریم پور ملک‌شاه، مریم تقوایی یزدی، فاطمه هاشم نژاد آبرسی
 - ۳۷۳-۴۰۳ ■ تحلیل جامعه‌شناختی همسرستایی و نکوهش همسر (زن - مرد) در شعر و ادب فارسی
محمدیار انصاری، محمدهادی خالق زاده، جلیل نظری
-

دوفصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

(شریه علمی)

سال هجدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۸



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

فرا تحلیل مطالعات رابطه سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی در ایران در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۸

محسن نیازی (استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران)

niazim@kashanu.ac.ir

شیوا آقابزرگی زاده (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، نویسنده

مسئول)

shiva.bozorgy@gmail.com

امین گودرزی (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران)

amin.goodarzy70@gmail.com

چکیده

هدف این مطالعه بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی در مطالعات انجام شده در ایران بود. سرمایه اجتماعی، موقعیت و روابط موجود در گروه بندی‌ها و شبکه‌های اجتماعی است و مدارا ناظر بر وضعیتی است که در آن افراد و گروه‌ها، نسبت به وضعیت، رویداد و پدیده‌ای که آن را به شدت ناپسند می‌شمارند و یا نسبت به آن بی‌تفاوت هستند، با خویشتن‌داری و مدارا برخورد عملی کنند. در این پژوهش از نظریه‌های پاتنام و کلمن در بررسی مدارای اجتماعی و از نظریه‌های پیر بورديو در قسمت سرمایه اجتماعی استفاده شد. تحقیق حاضر با روش فراتحلیل پیرامون رابطه سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی در ایران انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه پژوهش‌های انجام شده در ایران در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۸ با موضوع مشابه تحقیق حاضر بود. نتایج نشان داد از مجموع ۱۱ مطالعه مورد بررسی، رابطه سرمایه اجتماعی بر مدارای اجتماعی با اثرات ثابت و تصادفی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. نتایج بیانگر ناهمگونی مطالعات انجام

شده است. از سوی دیگر میانگین اندازه اثر سرمایه اجتماعی (اثرات ترکیبی تصادفی) بر مدارای اجتماعی در مطالعات مورد پژوهش معادل ۰/۲۰۵ است که در سطح کم متمایل به متوسط قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، مدارای اجتماعی، اندازه اثر، فراتحلیل.

۱. مقدمه

همزیستی موضوعی است که همیشه و در طول تاریخ وجود داشته و انسان‌ها همواره در پی آن بوده‌اند که راه‌ها و شیوه‌های زندگی مسالمت‌آمیز را در کنار یکدیگر بیابند. اگر تاریخ را ورق بزنیم متوجه جنگ‌هایی می‌شویم که برای مبارزه با هویت‌های مختلف، رفتارهای متعارض و سیاست‌های متفاوت شکل گرفته است. اما این موضوع (همزیستی) در تاریخ بشر، هیچگاه به گستردگی امروز محل بحث و مناقشه نبوده، و این از آن روست که آدمیان هرگز اهمیت تفاوت را چنین ملموس و گسترده به صورت رویارویی هر روزه با دیگربودگی^۱ تجربه نکرده بودند (والزر^۲، ۱۳۸۳، ص. ۱۲).

زندگی انسان‌ها در گذشته‌های دور به گونه‌ای بود که در واحدهای انسانی مجزا و جدا از هم می‌زیستند. بر این واحدهای انسانی، نوعی نظام ارزشی حاکم بود و رفتارهای اعضای گروه می‌بایست منطبق با این نظام ارزشی باشد. از آنجایی که ارتباط بین گروه‌ها بسیار کم بود، افراد تفاوت‌های عقیدتی و فرهنگی را احساس نمی‌کردند و تصویری از نظام‌های ارزشی دیگر گروه‌ها نداشتند. اما در جامعه جدید با گسترش وسایل ارتباطی، امکان ارتباطات محلی، ملی و بین‌المللی فراهم گردیده و مردمان سراسر دنیا امکان تعامل و ارتباط وسیع با یکدیگر را پیدا کرده‌اند. در چنین شرایطی انسان‌ها بیشتر با تفاوت روبه‌رو شده و به تمایز فرهنگ خود با دیگران پی می‌برند. آنچه باعث می‌شود انسان‌ها با این تفاوت‌ها کنار بیایند و به سایر فرهنگ‌ها احترام بگذارند، گسترش فرهنگ مداراست. مدارا را می‌توان پذیرش و

1. Otherness

2. Walzer

کنار آمدن افراد و گروه‌هایی که از نظر نظام ارزشی و عقیدتی با یکدیگر متفاوت می‌باشند، تعریف کرد (کبایشی^۱، ۲۰۱۰، ص. ۳۲۱).

به باور پیترسون کینگ^۲، مدارا ناظر بر وضعیتی است که در آن افراد و گروه‌ها، نسبت به وضعیت، رویداد و پدیده‌ای که آن را به شدت ناپسندیده می‌شمارند و یا نسبت به آن بی‌تفاوت هستند، با خویش‌داری و مدارا برخورد عملی کنند (کینگ، ۱۹۹۷، ص. ۶). تساهل، نوعی توانایی و تعهد به شناخت، احترام، مشارکت، گفتگو و توافق با کسانی است که متفاوت هستند و این به عنوان نیرویی سیاسی-اجتماعی شناخته می‌شود (دلیسل^۳، ۲۰۰۴). مدارا و تساهل با مؤلفه‌هایی چون وجود تنوع، اختلاف، ناخشنودی و نارضایتی، وجود آگاهی و قصد، احترام، توافق، وجود قدرت و توانایی مداخله و در نهایت، کنترل خویش‌داری و مهار خویش در مداخله و مقاومت ملازم و همراه است (ادیبی سده، رستگار، بهشتی، ۱۳۹۱، ص. ۳۵۶).

آنچه مدارا را متمایز می‌سازد، قدرت برقراری و حفظ همزیستی صلح‌آمیز و غلبه بر تفاوت‌ها و تعصبات و دشمنی بین مردم است که برابری، احترام و پذیرش، همزیستی عقاید، ارزش‌ها و تفکرات را امکان‌پذیر می‌سازد (ویتنبرگ و برتراس^۴، ۲۰۱۳، ص. ۲۹۰؛ داسش^۵، ۲۰۰۲). به طور کلی مفهوم مدارا، دارای محتوای کثرت‌گرا است؛ زیرا زندگی و حیات بشری، جمعی و محل تكثر ارزش‌ها و غایت‌ها و تقابل و رویارویی میان آن‌هاست. بنابراین اگر مدارا صورت می‌گیرد به این دلیل است که من و دیگری به عقاید و نظرات یکدیگر توجه داریم و اگر امر توجه نباشد، احترام هم وجود نخواهد داشت و آن‌جا که احترام متقابل نباشد، مدارا هم نمی‌تواند به عنوان یک اصل شکل بگیرد، بنابراین مدارا برای هر گونه کنش و عمل اجتماعی، الزامی است و اگر به صورت درست و دقیق تمرین نشود، نابود

1. Kobayashi

2. King

3. Delisle

4. Witenberg & Butrus

5. Dusche

می‌شود (جهانبگلو، ۱۳۸۱، ص. ۵۲). ماهیت مدارا این است که مردم حق دارند بر اساس باورهایشان رفتار کنند، حتی اگر باورها و رفتارهای منبعث از آن، مورد قبول ما نباشد. لازمه مداراجو بودن پذیرش تفاوت‌های افراد در نگرش، گفتار، رفتار و ارزش‌ها است.

آمارهای موجود نیز نشان‌دهنده افزایش خشونت در سطح جامعه و بین افراد است؛ به گونه‌ای که در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵، قتل عمد ۵/۳ درصد و ضرب و جرح ۲/۲ درصد افزایش داشته است. پرونده‌های مختومه مربوط به خشونت نیز با رشدی ۴۰ درصدی از ۵۴۴ مورد در سال ۱۳۷۶، به ۷۵۵ مورد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. این افزایش خشونت خود نشان‌دهنده تبعات اولیه و آشکار فقدان و یا کاهش مدارا در بین شهروندان است (بیاتی، جهانبخش، بهیان، ۱۳۹۶، صص. ۲۰-۱۹). پایین آوردن میزان خشونت و بالا بردن میل به برقراری ارتباط انسانی با دیگران در جامعه در گرو نهادینه شدن مدارای اجتماعی و راه‌های ارتقای آن در جامعه است.

فهم عوامل مؤثر بر مدارا بسیار اهمیت دارد؛ زیرا شناسایی این عوامل و تمرکز بر آن‌ها و افزایش‌شان در جامعه سبب تأثیرگذاری و در نهایت افزایش مدارا در جامعه می‌شود. سرمایه اجتماعی از عوامل مهم در ارتقای مدارا نسبت به دیگران است (شارع‌پور، آزاد ارمکی، عسگری، ۱۳۸۸، ص. ۶۶). «منابع سرمایه اجتماعی (اعتماد، هنجار و شبکه‌ها) به طور معمول خود تقویت‌کننده و خودافزاینده هستند. چرخه باز تولید‌کننده فضایل، به تعادل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه جمعی منجر می‌شود. این ویژگی‌ها معرف جامعه مدنی هستند» (پاتنام، ۱۳۹۲، ص. ۳۰۶). این منابع سرمایه برقراری ارتباط و تعامل گروه‌های مختلف با یکدیگر و متعاقب آن تساهل را افزایش می‌دهد منابع برای کسب اطلاعات و در اختیار داشتن انواع سرمایه و آگاهی داشتن نسبت به آنان و تقویت روابط میان فردی و هنجاری- اجتماعی و تسریع گردش اطلاعات تساهل را به احتمال زیاد افزایش خواهد داد. «سرمایه اجتماعی یک سیستم محوری

است که از بروز خشونت و کشمکش جلوگیری می‌کند و تساهل را افزایش می‌دهد» (فاین، ۱۳۸۵، ص. ۲۸۵).

بنابراین با توجه به اینکه مدارای اجتماعی در ادبیات نظری متأثر از سرمایه اجتماعی دانسته شده و تحقیقات متعددی در این زمینه انجام گرفته است، سوال اساسی پژوهش حاضر این است که بین سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی چه رابطه‌ای وجود دارد؟ برای یافتن پاسخ، با روش فراتحلیل به مطالعه و بررسی پژوهش‌های انجام شده در مورد موضوع مذکور پرداخته شده است. در سال‌های اخیر، در زمینه سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی مطالعات متعددی صورت گرفته است و این مطالعات، در حوزه‌های مختلف و از جوانب مستقیم و غیر مستقیم به بررسی ارتباط بین دو مفهوم مذکور پرداخته‌اند. گستردگی و پراکندگی مطالعات در این حوزه و رواج رویکردهای متعدد، لزوم انجام فراتحلیلی منسجم برای نیل به تصویری جامع‌تر از وضع موجود موضوع و نیل به نقایص و کاستی‌های حوزه پژوهش و ارائه تصویر و چشم‌اندازی یکپارچه از یافته‌های علمی در این حوزه را ایجاب کرده است. در این مقاله سعی شده است تا مطالعات صورت گرفته در دهه ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۸، گردآوری و نتایج آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. با توجه به موارد فوق، هدف اساسی این مقاله انجام فراتحلیل پژوهش‌های ارتباط میان سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی در ایران در سال‌های اخیر است و می‌توان گفت مقاله‌ای پژوهشی محسوب می‌شود هر چند که به مطالعات دیگر رجوع کرده و آن‌ها را مرور می‌کند، اما به یافته‌های حاصل از آن‌ها پرداخته و به پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از دیگر مطالعات می‌پردازد.

۲. مبانی نظری تحقیق

سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر مستقل در پژوهش حاضر مطرح شده است. مفهومی که توجه جدی به آن به دهه ۱۹۶۰ میلادی و جنبش‌های اجتماعی مانند فمینیسم و برابری

خواهی سیاهان باز می گردد. از قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم رابطه اجتماعی و ویژگی های آن یکی از موضوعات مرکزی جامعه شناسی بوده است (دورکیم، ۱۳۸۱)، اما توجه به رابطه اجتماعی به عنوان مسئله ای برای سیاست گذاران اجتماعی و برنامه ریزان بسیار جدی تر است (فیلد، ۲۰۰۳، به نقل از ماجدی و لهسایی زاده، ۱۳۸۵). این اهمیت یافتن روابط اجتماعی وجه دیگری نیز داشته است که رابطه آن با اقتصاد است.

پیربورديو، به عنوان يك جامعه شناس انتقادی كه زمینه های مارکسیستی روشنی در افكارش وجود داشت، در جستجوی منابع طبقه مسلط برای باز تولید فرادستی خود، چهار نوع سرمایه را نام برد: سرمایه مادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادی. تمام این اشکال سرمایه در خدمت صاحبان آنان هستند تا نابرابری را تجدید کنند. تعریف بورديو از سرمایه اجتماعی، مشتمل است بر «مجموعه منابع واقعی یا مجازی كه از طریق داشتن شبکه های پایا و كم و بیش نهاده شده روابط دو طرفه آشنایی و شناخت، برای يك فرد یا گروه انباشته می شود». جیمز كلمن، جامعه شناس آمریکایی، تقریباً هم زمان با بورديو اما در زمینه ای متفاوت وارد حوزه سرمایه اجتماعی شد. دیدگاه محافظه کارانه او موجب شد كه از جنبه ای كاملاً متفاوت به سرمایه اجتماعی بنگرد. كلمن سرمایه اجتماعی را چنین تعریف می كند: «مجموعه منابع كه در روابط خانواده و در سازمان اجتماعی یا شناختی يك كودك یا جوان مفید هستند این منابع برای افراد مختلف متفاوت اند و می توانند امتیاز مهمی را برای توسعه سرمایه انسانی كودكان و جوانان ایجاد كنند» (كلمن، ۱۹۹۴، ص. ۳۰۰). در دیدگاه كلمن جایی برای باز تولید نابرابری نیست. او سرمایه اجتماعی را دارایی می داند كه می تواند به همه افراد جامعه كمك كند. در این زمینه او اهمیت زیادی برای نهادهای كهین جامعه مانند خانواده و كليسا قائل است و معتقد است این دو نهاد می توانند به خوبی تأمین كننده سرمایه اجتماعی برای نسل جدید باشند. رابرت پاتنام، عالم علوم سیاسی آمریکایی، در اواخر دهه ۱۹۹۰ با رویكردي متفاوت وارد حوزه سرمایه اجتماعی شد و البته رونقی صدچندان به آن بخشید. در واقع پاتنام كار خود را با مسئله ای شروع كرد كه آن را

خطر افول حیات مدنی در ایالات متحده می‌نامید. او معتقد بود که آن ویژگی‌های مثبتی که توکویل در قرن نوزدهم برای جامعه آمریکا نام برده است رو به زوال هستند. ویژگی‌هایی مثل مشارکت جدی مردم در حیات مدنی و وجود پیوندهای اجتماعی فراتر از روابط دوستی و خویشاوندی. پاتنام برای فرمول‌بندی این مسئله از مفهوم سرمایه اجتماعی استفاده کرد. او درباره سرمایه اجتماعی می‌گوید: «این مفهوم به ارتباطات بین افراد، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و قابل اعتماد بودن که از آن‌ها ناشی می‌شود، اشاره دارد» (فیلد، ۲۰۰۳، به نقل از ماجدی و لهسایی زاده، ۱۳۸۵).

به نظر پاتنام سرمایه اجتماعی عامل شکل‌گیری ویژگی‌های نگرشی و رفتاری معطوف به اجتماع در افراد است. به طور درونی، انجمن‌ها و شبکه‌های کمتر رسمی، مشارکت مدنی، عادات همکاری، روحیه جمعی و مهارت‌های عملی لازم برای شرکت در زندگی جمعی را به اعضای خود القا می‌کنند. آن‌ها فرصتی برای یادگیری سجایای مدنی از قبیل مدارا هستند (شارع‌پور، آزادارمکی، عسگری، ۱۳۸۸، ص. ۷۱).

سرمایه اجتماعی دارای سه بعد است که هر کدام از آن‌ها می‌توانند بستری برای درگیری افراد در روابط اجتماعی و شکل‌گیری تساهل و مدارای اجتماعی فراهم کنند. یکی از این ابعاد اعتماد است. اعتماد^۱ لازمه شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است (اکبری، ۱۳۸۳، ص. ۱۱). اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری و مدارا بوده و حاصل پیش‌بینی پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیکان با دیگران به دست می‌آید. در جوامع بزرگتر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیرشخصی تر و یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد که توسعه مدارا را روان‌تر می‌گرداند (شارع‌پور، آزادارمکی، عسگری، ۱۳۸۸، ص. ۷۲). اعتماد اجتماعی برگرفته از عدالت (برابری) بوده و امنیت اجتماعی نیز زاینده آن‌هاست. آنتونی گیدنز^۲، اعتماد و تأثیر آن بر فرآیند توسعه را زیربنا و

1. Trust

2. Anthony Giddens

زمینه‌ساز اصلی در جوامع مدرن می‌داند، هر جا که سطح اعتماد اجتماعی بالا باشد، مشارکت و همیاری مردم در عرصه‌های اجتماعی بیشتر و آسیب‌های اجتماعی کمتر است (اکبری، ۱۳۸۳، ص. ۱۱). به عبارتی ابعاد سرمایه اجتماعی مانند اعتماد و مشارکت به یکدیگر مرتبط اند و از سوی دیگر فرد را به سمت مدارای اجتماعی رهنمون می‌کنند.

پانتام مؤلفه دیگری از سرمایه اجتماعی مطرح می‌کند و آن شبکه‌ها است. وی شبکه‌های افقی یا «مساوات طلب» را از شبکه‌های عمودی یا «انحصارطلب» جدا می‌کند و شبکه‌های عمودی را فاقد توان برقراری اعتماد و هنجارهای همیاری معرفی می‌کند. به نظر وی شبکه‌های افقی از قبیل آن‌هایی که در انجمن‌های داوطلبانه ایجاد می‌شوند برای تولید همکاری، اعتماد و مدارا مناسب‌تر هستند چرا که به مشارکت‌کنندگان اجازه تعامل در شرایط برابر و مبادله اطلاعات به شیوه‌ای آزاد را می‌دهد و برای افراد فرصت درگیر شدن در چارچوب گسترده‌تری از گروه‌ها را فراهم می‌آورد (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۸، ص. ۷۲). حمایت اجتماعی مؤلفه دیگر سرمایه اجتماعی است که میزان برخورداری از محبت و توجه و مساعدت اعضاء خانواده و دوستان و سایر افراد است که فرد از آن‌ها برخوردار است (کوبز^۱، ۱۹۷۶، ص. ۳۸).

حمایت اجتماعی می‌تواند حمایت عاطفی، ابزاری یا مالی (اقتصادی) و حمایت دولتی باشد. حمایت عاطفی را می‌توان ایجاد نوعی رابطه صمیمی و بامحبت نظیر دوست داشتن و عشق ورزیدن و احترام گذاشتن به دیگران تعریف کرد که نشانی از مدارا با خود دارد. حمایت اقتصادی یا ابزاری را می‌توان در انجام کارهایی چون پول یا ابزاری یا کمکی به دیگران قرض دادن مشاهده کرد. حمایت دولتی را نیز در ارائه خدمات و تسهیلات از سوی دولت و نهادهای دولتی می‌توان تعریف کرد. حمایت دیگران می‌تواند به فرد احساس امنیت بدهد و وی را از خشم ناشی از ناامنی برهاند؛ بنابراین فرد پذیرای عقاید و اندیشه دیگران باشد.

مدارای اجتماعی که به عنوان متغیر وابسته در پژوهش حاضر بررسی شده برابرنهاد واژه تولریشن است. واژه تولریشن از ریشه لاتین تولرو به معنای تحمل کردن، اجازه دادن و ابقا کردن است (بهشتی و رستگار، ۱۳۹۲، ص. ۱۰). در فرهنگ هریتیچ آمریکا، مدارا به معنای احترام به هویت، عقاید و رفتار دیگران و شناسایی حقوق رسمی افراد و گروه‌ها برای داشتن عقاید مخالف تعریف شده است (قاضی‌نژاد و اکبرنیا، ۱۳۹۶).

مدارا فضیلتی است که صلح را امکانپذیر می‌کند و به جایگزینی «فرهنگ صلح» به جای «فرهنگ جنگ» کمک می‌کند. وگت مدارا را یک گرایش رفتاری تعریف می‌کند؛ یعنی نگرش را از خلال رفتار فهم می‌کند و مدارا در این معنا در مقابل نگرش قرار می‌گیرد (بیاتی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۲۱). منظور وگت از مدارای اجتماعی مدارا نسبت به حالتهای مختلف انسان بودن میباشد، چه آنهایی که از هنگام تولد همراه با افراد است مثل رنگ پوست و قومیت و چه آنهایی که در طول زندگی از طریق فرایند اجتماعی شدن کسب میشوند، مانند زبان صحبت کردن (گلایی و رضایی، ۱۳۹۲).

نظریه پردازان و پژوهشگران همچون پاتنام سرمایه اجتماعی را یکی از عواملی می‌دانند که باعث ارتقای مدارا نسبت به دیگران می‌شود به این معنا که وقتی افراد در شبکه‌های اجتماعی مختلف قرار می‌گیرند و تحت تأثیر هنجارهای موجود در این شبکه‌ها با اقوام، مذاهب و اندیشه‌های متفاوت برخورد می‌کنند، نسبت به زمانی که در این گونه شبکه‌ها شرکت ندارند، نگرش مداراجویانه‌تری نسبت به این گونه تفاوت‌ها نشان می‌دهند. سرمایه اجتماعی، سیستمی محوری-امنیتی است که از بروز خشونت و کشمکش جلوگیری می‌کند و مدارا را افزایش می‌دهد. شواهد نشان می‌دهد مردمی که از نظر سرمایه اجتماعی غنی باشند، مدارای اجتماعی بیشتری نیز از خود بروز می‌دهند (افشانی و رام، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۱).

در مجموع سرمایه اجتماعی به عنوان سرمایه‌ای که فرد با آن به روابط اجتماعی ورود پیدا می‌کند با مدارای اجتماعی مرتبط است چرا که هر شکلی از رابطه اجتماعی می‌تواند وجود مدارا و عدم وجود آن را توضیح دهد به عبارتی شکل‌گیری روابط سالم و پویا در

لوی اعتماد و احساس تعلق در گرو مدارای افراد نسبت به یکدیگر و پذیرش و عدم تعصب و پیشداوری و قوم مداری است که بنیان‌های نژادپرستی و جنگ‌های ناشی از آن را از بین می‌برد و به واقع تمایزها و امتیازات شکل گرفته ناشی از نابرابری‌ها کمرنگ شده و جای خود را به شناخت آن به عنوان تفاوت و نه تمایز می‌دهد. نظریه پردازان به طور کلی معتقدند شبکه‌های اجتماعی و اعتماد به عنوان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بسترهای مدارا و تساهل را در جامعه فراهم می‌کنند.

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر با روش فراتحلیل انجام شده است. در فراتحلیل، مورد مطالعه، پژوهش‌ها و یا مطالعات انجام شده قبلی است. فراتحلیل مقید به رویکرد، روش، مسیر و یا فن آماری و ترکیبی خاصی نبوده است. از رویکرد پراگماتیستی یا عملگرایانه بسیار انعطاف‌پذیر استفاده کرده و همیشه در انجام ترکیب‌ها، تفاسیر و قضاوت‌های عینی و کارآمد در عمل است (قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۹، ص. ۳۹). در پژوهش فراتحلیل، محقق با ثبت ویژگی‌ها و یافته‌های توده‌ای از تحقیقات در قالب مفاهیم کمی، آن‌ها را آماده استفاده از روش‌های نیرومند آماری می‌کند (دلاور، ۱۳۸۴) و نتایج جدید و منسجم را با استفاده از روش‌های نیرومند آماری استخراج می‌کند. به باور گلاس (۲۰۰۹) فراتحلیل یک روش تحقیقی است که در آن ابتدا اجزاء به عناصر اولیه خود شکسته شده و سپس این عناصر، طوری سازماندهی می‌گردند که عناصر ناهمگون در یک چارچوب قابل قبول قرار گیرند. از دیدگاهی دیگر، فراتحلیل یک روش آماری محسوب می‌شود که به منظور ترکیب نتایج مجموعه‌ای از تحقیقات مستقل از یکدیگر، مورد استفاده قرار می‌گیرد (نیازی، حسینی‌زاده و سخایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۸). روش مذکور خود مرکب از چند مرحله است؛ ۱- تعریف موضوع پژوهش: موضوع پژوهش حاضر بررسی ارتباط میان سرمایه اجتماعی (متغیر مستقل) و مدارای اجتماعی (متغیر وابسته) است. ۲- جمع‌آوری نظام‌مند مطالعات انجام شده در زمینه

موضوع مورد نظر: جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه پژوهش‌های انجام شده در ایران در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۸ با موضوع مشابه تحقیق حاضر است که در یکی از پایگاه‌های اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۱، مجلات تخصص نورمگز^۲، بانک اطلاعات نشریات کشور^۳، مرکز اسناد و مدارک علمی ایران^۴ و ... نمایه شده باشند. این پژوهش‌ها تا قبل از مرحله غربال، ۲۱ مطالعه را شامل می‌شد. ۳- غربال مطالعات و گزینش مطالعات مناسب: برای غربال‌گری و نمونه‌گیری از جامعه یاد شده، ۱۱ سند پژوهشی که حائز شرایط و ملاک‌های اولیه همچون داشتن ضریب همبستگی، سطح معناداری و مشخص بودن حجم نمونه بوده‌اند، گزینش و برای ترکیب کمی نتایج و به دست آوردن نتیجه احصاء شدند. ۴- گردآوری اطلاعات لازم از هر یک از مطالعات: فهرست اطلاعاتی که از مطالعات مذکور استخراج شده است شامل موارد زیر است: اطلاعات عمومی (نام نویسنده‌ها، سال انتشار و جامعه آماری)، اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش (ضریب همبستگی و سطح معناداری) و حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری. در این مرحله علاوه بر گردآوری داده‌ها، هر یک از مطالعات کدبندی شده و برای مرحله بعدی در نرم‌افزار CMA وارد شد. ۵- محاسبه اندازه اثر^۵: روش اصلی فراتحلیل مبتنی بر ترکیب نتایج است که معمولاً پس از تبدیل آماره‌ها به شاخص (r) و برآورد اندازه اثر مورد استفاده قرار می‌گیرد. اندازه اثر به زبان ریاضی تفاضل میانگین گروه کنترل و آزمایش، تقسیم بر انحراف معیار گروه کنترل است (کولیک^۶، ۲۰۰۳). شایان ذکر است که در این پژوهش، آماره‌های پژوهشی با استفاده از رویکرد هانتر و اشمیت^۷ به شاخص r تبدیل شد. برای تحلیل استنباطی داده‌ها نیز ابتدا به بررسی مفروضات فراتحلیل

1. SID
2. Noormags
3. Magiran
4. Irandoc
5. Effect Size
6. Kulik
7. Hunter & Schmidt

پرداخته شده است، به نحوی که به کمک نمودار کیفی^۱ و روش رگرسیونی خطی اگر^۲، همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار^۳ و N ایمن از خطا به بررسی خطای انتشار و با آزمون Q به بررسی ناهمگونی مطالعات پرداخته شد، سپس با توجه به ناهمگونی بین مطالعات مورد بررسی مدل اثرات تصادفی برای ترکیب نتایج و رسیدن به اندازه اثر به کار گرفته شد. به عبارتی معنادار بودن شاخص Q نشان دهنده وجود ناهمگنی در اندازه اثر پژوهش‌های اولیه است. با توجه به این که اندازه اثر، یک شاخص اساسی در مطالعات فراتحلیل است. باید پس از محاسبه، آن‌ها را برای خوانندگان گزارش فراتحلیل تفسیر نماییم. یکی از مواردی که پژوهشگران می‌توانند برای تفسیر اندازه اثر استفاده کنند، جدول راهنمای کوهن است که جدول مربوطه در قسمت مربوط به اندازه اثر آورده شده است. پژوهشگران فراتحلیل باید سعی کنند تا میزان اندازه‌های اثر را برای مخاطبان تفسیر کنند. این کار به خوانندگان پژوهش کمک می‌کند تا نتایج حاصله را بهتر درک کنند. پژوهشگران برای تفسیر اندازه‌های اثر از جدول خطوط راهنمای کوهن (۱۹۹۷) استفاده می‌کنند. بر مبنای معیار کوهن برآورد نقطه‌ای بین ۰/۱ تا ۰/۲ اثر در حد کم، ۰/۳ تا ۰/۵ اثر در حد متوسط و ۰/۵ تا ۰/۸ اثر در حد زیاد را نشان می‌دهد.

در جدول ۱ خلاصه اطلاعات مربوط به مطالعات مختلف پیرامون رابطه بین سرمایه اجتماعی با مدارای اجتماعی نمایش داده شده است.

-
1. Fannel plot
 2. Egger,s Linear Regression Method
 3. Begg & Mazumdar Rank Correlation

جدول ۱- خلاصه اطلاعات جمع آوری شده پیرامون ارتباط میان سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی

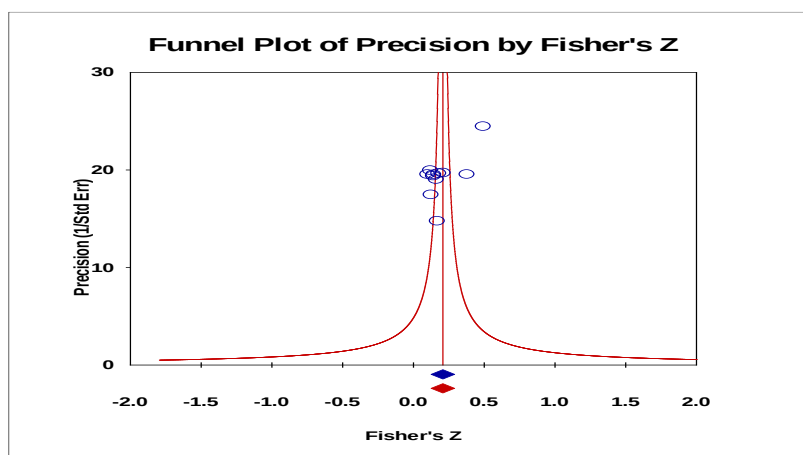
ردیف	محققان	سال انجام تحقیق	حجم نمونه	جامعه آماری	ضریب همبستگی	نمونه گیری
۱	بیاتی، جهانبخش و بهیان	۱۳۹۶	۳۸۴	شهروندان ۱۸ تا ۷۰ ساله شهر تهران	۰,۱۰۵	طبقه ای چند مرحله ای
۲	جلالین بخشنده، قاسمی و ایمان	۱۳۹۶	۶۰۰	جوانان ۱۸-۲۹ سال شهر اصفهان	۰,۴۶	تصادفی طبقه ای
۳	سفیری، کمالی و مزیدی	۱۳۹۵	۳۷۸	نوجوانان دوره متوسطه اول شهر تهران	۰,۱۴۴	خوشه ای چند مرحله ای
۴	نصراللهی و قادرزاده	۱۳۹۵	۳۸۳	شهروندان ۱۸-۵۰ سال شهر میاندوآب	۰,۱۴۷	خوشه ای چند مرحله ای
۵	جهانگیری، سردارنیا و علیزاده	۱۳۹۵	۳۹۰	دانشجویان دانشگاه شیراز	۰,۲۱۱	احتمالی طبقه بندی شده متناسب با حجم
۶	فیروزجانیان، شارع پور و فرزام	۱۳۹۴	۴۰۰	جوانان ۱۸-۳۵ سال شهر ساری	۰,۱۲۴	خوشه ای
۷	رام هفشجانی، افشانی و عسگری ندوشن	۱۳۹۴	۳۸۴	جوانان ۱۵-۲۹ سال شهر یزد	۰,۳۶۵	خوشه ای چند مرحله ای
۸	گللابی و رضایی	۱۳۹۲	۳۰۷	دانشجویان دانشگاه پیام نور مشکین شهر در استان آذربایجان شرقی	۰,۱۲۸	تصادفی طبقه ای متناسب با حجم
۹	موسوی، سفیری و شریفی	۱۳۹۲	۳۴۶	شهروندان ۱۸ تا ۷۰ سال ساکن شهر تهران	۰,۱۶۴	خوشه ای چند مرحله ای
۱۰	مقتدایی، باقری و نبوی	۱۳۸۹	۳۸۸	شهروندان ۱۸-۷۰ سال شهر اهواز	۰,۱۸۱	طبقه ای انتخاب شده
۱۱	شارع پور، آزاد ارمکی و عسکری	۱۳۸۸	۲۲۰	دانشجویان دانشکده های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی	۰,۱۷۱	طبقه ای

بررسی مفروضه سوگیری انتشار

بخش دیگر فرایند فراتحلیل بررسی سوگیری انتشار است که ناشی از انتشار پژوهش‌های چاپ شده و عدم انتشار پژوهش‌های صورت گرفته و انواع خطاهاست. به بیانی دیگر یکی از مشکلاتی که موجب مخدوش شدن اعتبار نتایج فراتحلیل می‌شود عدم دسترسی محقق به تمام مطالعاتی است که در فاصله زمانی خاص در موضوع مورد بررسی انجام شده‌اند. به منظور بررسی این مفروضه از نمودار کیفی و روش رگرسیونی اگر استفاده شده است که نتایج بررسی این مفروضه به کمک روش‌های مختلف در قسمت زیر ارائه گردیده است.

نمودار کیفی

معمول‌ترین و ساده‌ترین روش شناسایی سوگیری انتشار، استفاده از یک نمودار پراکندگی دو بعدی به نام نمودار فائل یا کیفی است که در آن اثر مداخله برآورد شده از هر مطالعه در مقابل اندازه نمونه آن مطالعه رسم می‌شود. اگر سوگیری انتشار وجود نداشته باشد انتظار این است که نمودار متقارن باشد و مقدار پراکندگی حول اندازه اثر مداخله با افزایش اندازه نمونه کاهش یابد.



شکل ۱- نمودار کیفی به منظور بررسی سوگیری انتشار

از لحاظ تفسیری در نمودارهای فائل یا کیفی شکل، مطالعاتی که خطای استاندارد پایین دارند و در بالای قیف جمع می شوند دارای سوگیری انتشار نیستند. اما هرچه مطالعات به سمت پایین قیف کشیده می شوند، خطای استاندارد آن ها بالا می رود و دارای سوگیری انتشار هستند. نتایج حاصل از نمودار کیفی وارونه تداعی کننده عدم تقارن مطالعات انجام شده است که نشان از سوگیری انتشار دارد، اما از آنجا که قضاوت صریحی در این مورد نمی توان انجام داد می بایست برای این منظور از آزمون های آماری مربوطه (روش رگرسیونی خطی اگر) استفاده شود در این روش فرض صفر (H_0) بیانگر متقارن بودن نمودار و عدم سوگیری انتشار است و فرض خلاف (H_1) بیانگر عدم تقارن نمودار کیفی و سوگیری انتشار است.

۴. یافته های تحقیق

۴.۱. یافته های توصیفی

جدول ۲- خلاصه اطلاعات مربوط به فراتحلیل بر روی پژوهش های نمونه

ردیف	محقق و سال	اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	Z-Value	P-Value
۱	بیانی، جهانبخش و بهیان (۱۳۹۶)	۰/۱۰۵	۰/۰۰۵	۰/۲۰۳	۲/۰۵۷	۰/۰۴۰
۲	جلانیان بخشنده، قاسمی و ایمان (۱۳۹۶)	۰/۴۶۰	۰/۳۹۴	۰/۵۲۱	۱۲/۱۵۱	۰/۰۰۰
۳	سفیری، کمالی و مزیدی (۱۳۹۵)	۰/۱۴۴	۰/۰۴۴	۰/۲۴۱	۲/۸۰۸	۰/۰۰۵
۴	نصراللهی و قادرزاده (۱۳۹۵)	۰/۱۴۷	۰/۰۴۷	۰/۲۴۴	۲/۸۸۶	۰/۰۰۴
۵	جهانگیری، سردارنیا و علیزاده (۱۳۹۵)	۰/۲۱۱	۰/۱۱۴	۰/۳۰۴	۴/۲۱۴	۰/۰۰۰
۶	فیروزجائی، شارع پور و فرزام (۱۳۹۴)	۰/۱۲۴	۰/۰۲۶	۰/۲۱۹	۲/۴۸۳	۰/۰۱۳
۷	رام هفشجانی، افشانی و عسگری ندوشن (۱۳۹۴)	۰/۳۶۵	۰/۲۷۵	۰/۴۴۹	۷/۴۶۹	۰/۰۰۰
۸	گللابی و رضایی (۱۳۹۲)	۰/۱۲۸	۰/۰۱۶	۰/۲۳۷	۲/۲۴۴	۰/۰۲۵
۹	موسوی، سفیری و شریفی (۱۳۹۲)	۰/۱۶۴	۰/۰۶۲	۰/۲۶۲	۳/۱۴۴	۰/۰۰۲

ردیف	محقق و سال	اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	Z-Value	P-Value
۱۰	مقتدایی، باقری و نبوی (۱۳۸۹)	۰,۱۸۱	۰,۰۸۳	۰,۲۷۶	۳,۵۹۱	۰,۰۰۰
۱۱	شارع‌پور، آزاد ارمکی و عسکری (۱۳۸۸)	۰,۱۷۱	۰,۰۴۰	۰,۲۹۷	۲,۵۴۴	۰,۰۱۱
۱۲	اثرات ترکیبی ثابت	۰,۲۲۰	۰,۱۹۱	۰,۲۴۹	۱۴,۴۵۲	۰,۰۰۰
	اثرات ترکیبی تصادفی	۰,۲۰۵	۰,۱۲۵	۰,۲۸۳	۴,۹۳۴	۰,۰۰۰

در جدول شماره ۲ ضمن برآورد اندازه اثر تفکیکی پژوهش‌های برگزیده مبتنی بر یک مقیاس مشترک، اثرات ترکیبی ثابت و تصادفی کلی نیز مشخص گردید. جدول فوق نشان‌دهنده اندازه اثر در خصوص رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی با فاصله معناداری ۹۵ درصد در هر کدام از پژوهش‌های انتخاب شده است. اندازه اثر نشان‌دهنده میزان یا درجه حضور پدیده‌ها در جامعه و برابر با نسبت سطح معناداری به شاخصی از حجم نمونه است. در تمامی ۱۱ مطالعه مورد بررسی، ارتباط میان سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی با اطمینان ۹۹٪ معنادار بوده و بزرگ‌ترین مقدار اندازه اثر مربوط به مطالعه (جلالیان‌بخشنده، قاسمی و ایمان) و کوچکترین مقدار اندازه اثر مربوط به مطالعه (بیاتی و همکاران، ۱۳۹۶) است. همچنین، هر دو اثرات ثابت و اثرات تصادفی در سطح ۱٪ معنادار است.

۲.۴. یافته‌های استنباطی

در این قسمت ابتدا به بررسی مهم‌ترین پیش‌فرض‌های فراتحلیل (همگن بودن مطالعات انجام شده و بررسی خطای انتشار در میان مطالعات) پرداخته خواهد شد.

۴. ۲. ۱. بررسی مفروضه همگنی مطالعات انجام شده

یکی از مفروضات اصلی فراتحلیل، آزمون همگنی مطالعات است که به منظور بررسی این مفروضه از آزمون Q استفاده می شود. نتایج حاصل از بررسی این آزمون در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج حاصل از آزمون Q

شاخص آماری	مقدار آزمون (Q)	درجه آزادی (Df)	سطح معناداری (P-Value)	I-Squared
نتایج	۷۳,۲۴۵	۱۰	۰,۰۰۰	۸۶,۳۴۷

برای تعیین مدل نهایی و اطمینان از وجود متغیرهای تعدیل کننده آزمون‌های ناهمگنی صورت پذیرفته که نتایج آن در جدول ۳ مشاهده می شود. در این آزمون، در صورت وجود ناهمگنی معنادار، مدل اثرات تصادفی انتخاب می شود و در بررسی‌ها فرض می شود که ماهیت روابط بین متغیر مستقل و وابسته تحت تأثیر متغیر تعدیل کننده است. همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود، بر اساس نتایج حاصل از آزمون ($Q = 73,245$ ، $P < 0.05$) باید گفت با اطمینان ۹۹٪ فرض صفر مبنی بر همگن بودن مطالعات انجام شده رد گردیده و فرض ناهمگونی میان پژوهش‌ها تأیید می شود. به علاوه شاخص مجذور I موید این مطلب است که حدوداً ۸۶ درصد از تغییرات کل مطالعات به ناهمگنی آن‌ها مربوط است؛ بنابراین، تلفیق آن‌ها با مدل اثرات ثابت موجه نیست و باید از مدل آثار تصادفی به منظور ترکیب نتایج استفاده کرد. در واقع این آزمون به ما می گوید که رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی، به شدت به لحاظ ویژگی‌ها و مشخصات مطالعات متفاوت است و در این وضعیت باید از متغیرهای تعدیل گر برای مشخص کردن واریانس و محل این تفاوت‌ها استفاده شود.

۴.۲.۲. نتایج همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار

آزمون همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار، همبستگی رتبه‌ای (تاوکندال) بین اندازه اثر استاندارد و واریانس این اثرات را مشخص می‌کند. تفسیر این ضریب به این صورت است که در آن مقدار صفر، دال بر نبود رابطه بین اندازه اثر و دقت است و انحراف از صفر از وجود رابطه حکایت می‌کند. اگر عدم تقارن ناشی از سوگیری انتشار باشد، انتظار این است که در ارتباط با اندازه اثر بزرگتر، خطای استاندارد بیشتر مشاهده شود. نتایج حاصل از بررسی روش همبستگی بگ و مزومدار، به منظور بررسی سوگیری انتشار به شرح جدول ذیل است.

جدول ۴- نتایج حاصل از بررسی روش همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار

شاخص آماری	مقدار ضریب کندال (tau)	Z-Value	سطح معنی‌داری (P-Value)
نتایج	-۰,۱۸۱	۰,۷۷۸	۰,۲۱۸

طبق اطلاعات جدول ۴، مقدار تائوکندال بی برابر با -۰,۱۸۱ شده است که با توجه به مقدار معناداری ($P=0.218$) می‌توان اذعان داشت که اگرچه بین اندازه اثر و دقت، رابطه وجود دارد، اما این رابطه معنادار نیست و فرض صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار کیفی و عدم سوگیری انتشار تأیید می‌شود.

۴.۲.۳. نتایج روش رگرسیون خطی اگر

در نبود سوگیری انتشار انتظار می‌رود در تحقیقات کوچک، اثر استاندارد کوچک و در تحقیقات بزرگ، اثر استاندارد بزرگ مشاهده شود. این حالت خط رگرسیونی را ایجاد می‌کند که برشی از خط رگرسیون اصلی است. اگر برش خط رگرسیونی با سطح مورد انتظار تفاوت داشته باشد علت آن ممکن است سوگیری انتشار باشد. نتایج حاصل از بررسی روش رگرسیون خطی اگر، به منظور سوگیری انتشار به شرح جدول ۵ است.

جدول ۵- نتایج حاصل از بررسی روش رگرسیون خطی اگر

شاخص آماری	برش (B)	خطای استاندارد (SE)	t-value	مقدار معناداری (p-value)	
				یک دامنه	دو دامنه
نتایج	-۱۴,۹۹	۵,۸۹۹	۲,۵۴۰	۰,۰۱۵	۰,۰۳۱

بر اساس نتایج روش رگرسیون اگر، برش برابر با (-۱۴,۹۹) است. همچنین فاصله اطمینان ۹۵ درصد و مقدار t برابر با ۲,۵۴۰ است. از آنجا که مقدار p یک دامنه ۰,۰۱۵ و دو دامنه ۰,۰۳۱ است؛ بنابراین بیانگر این مطلب است که فرض صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار کیفی و عدم سوگیری انتشار تأیید می شود.

۴.۲.۴. N ایمن از خطا

آزمون N ایمن از خطای روزنتال، تعداد مطالعات گمشده (با میانگین اثر برابر با صفر) یعنی تعداد مطالعات مؤید فرضیه صفر را که باید به تحلیل اضافه شوند و از لحاظ آماری یک اثر کلی غیر معنادار به دست داده و نتیجه را تغییر می دهد، پیشنهاد می کند. نتایج حاصل از این روش به شرح جدول ۶ است.

جدول ۶- محاسبات N ایمن از خطا

مقدار	شاخص
۱۳,۷۴۶	مقدار Z برای مطالعات مشاهده شده
۰,۰۰۰	مقدار P برای مطالعات مشاهده شده
۰,۰۵۰	آلفا
۲	باقیمانده
۱,۹۵۹	Z برای آلفا
۱۱	تعداد مطالعات مشاهده شده
۵۳۱	تعداد مطالعات گمشده ای که مقدار P را به آلفا می رساند

آماره‌های حاصل از محاسبه ضریب N ایمن از خطا بیانگر این مطلب می‌باشند که باید تعداد ۵۳۱ مطالعه دیگر صورت گرفته و بررسی شوند تا مقدار P دوسویه ترکیب شده از ۰/۰۵ تجاوز نکند، به این معنی که باید ۵۳۱ مطالعه دیگر انجام شود تا در نتایج نهایی محاسبات و تحلیل‌ها خطایی رخ دهد و این نتیجه حاکی از دقت و صحت بالای اطلاعات و نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش است. ۵۳۱ مورد مطالعه فاصله از خطا، مقدار مناسب و درخور توجهی است.

۴.۲.۵. ضریب اندازه اثر

با توجه به اینکه پس از بررسی مفروضات فراتحلیل این نتیجه حاصل شده که باید از مدل اثر تصادفی به منظور ترکیب نتایج برای گزارش اندازه اثر استفاده شود، بنابراین در جدول ۷ گزارش اندازه اثر مطالعات انجام شده در مدل تصادفی ارائه شده است.

جدول ۷- اندازه اثر مطالعات رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی

رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی	تعداد مطالعات	اندازه اثر (r)	حد پایین	حد بالا	Z-Value	P-Value
	۱۱	۰/۲۰۵	۰/۱۲۵	۰/۲۸۳	۴/۹۳۴	۰/۰۰۰

محاسبات آماری بیانگر این مطلب هستند که میانگین اندازه اثر سرمایه اجتماعی (اثرات ترکیبی تصادفی) بر مدارای اجتماعی در نمونه مورد پژوهش معادل ۰,۲۰۵ است. از آنجایی که اندازه برآورد شده در محدوده اطمینان است؛ بنابراین باید اذعان داشت که تأثیر سرمایه اجتماعی بر مدارای اجتماعی تأیید می‌شود. شایان ذکر است برآورد نقطه‌ای به‌دست‌آمده (۰,۲۰۵) بر مبنای معیار کوهن جدول ۸ حاکی از اثر در حد متوسط است؛ بنابراین سرمایه اجتماعی در سطح کم متمایل به متوسط می‌تواند بر مدارای اجتماعی مؤثر باشد.

جدول ۸- مدل کوهن، نظام تفسیر اندازه اثر ناشی از فرا تحلیل

D	R	اندازه اثر
۰/۲	۰/۱	کم
۰/۵	۰/۳	متوسط
۰/۸	۰/۵	زیاد

۵. نتیجه گیری

پژوهش حاضر که با هدف فرا تحلیل تحقیقات انجام گرفته در زمینه سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی در راستای تجمیع پژوهش های پیشین با این موضوع انجام گرفته است، در مجموع تعداد یازده پژوهش که از نظر محتوایی قابلیت ارجاع و استنتاج داده های مورد نظر را دارا بودند انتخاب گردید، نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر حاکی از این است که، میانگین اندازه اثر سرمایه اجتماعی (اثرات ترکیبی تصادفی) بر مدارای اجتماعی در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۲۰۵ است، از آنجا که اندازه برآورد شده در محدوده اطمینان است، بنا براین باید اذعان داشت که تأثیر سرمایه اجتماعی بر مدارای اجتماعی تأیید می شود، بنابر نظام تفسیر اندازه اثر ناشی از فرا تحلیل معروف به مدل کوهن، اندازه اثر به دست آمده از پژوهش حاضر در سطح کم متمایل به متوسط است. همچنین در بررسی مفروضات همگنی مطالعات انجام گرفته نشان داد که مطالعات انجام شده ناهمگن می باشند، بنابراین باید از مدل آثار تصادفی به منظور ترکیب نتایج استفاده کرد. نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی رتبه ای بگ و مزومدار و نتایج روش رگرسیون اگر بیانگر عدم سوگیری انتشار است.

در مجموع فرا تحلیل علاوه بر مزایایی که در ترکیب نتایج دارد معایبی را نیز دربردارد. از جمله این معایب این است که به بررسی بدون نقص مطالعات آسیب وارد می کند که عبارت است از: آزمون های چندگانه یک فرضیه از یک مطالعه واحد، عدم اطمینان نسبت به یک

ضریب توافق یا ضریب اعتبار میان داوران در کدگذاری ویژگی‌های مطالعه، سیستم کدگذاری پیچیده و دشوار در مقابل اطلاعات ناقص و کند بودن پیشرفت‌های آماری نسبت به روند کمی فراتحلیل (گلاس^۱، ۱۹۸۱). از سوی دیگر جامعه آماری برخی از مطالعات شامل جوانان در سنین خاصی است که به نظر می‌رسد برای جوانی پژوهشگران در مطالعه خود دوره مشخصی را تعریف کرده‌اند و نه براساس آنچه در جامعه شناخته شده است. ناهمگنی مطالعات بین پژوهش‌ها به ما می‌گوید که مطالعات نتایج و مشخصاتشان متفاوت است. یکی از دلایل این امر را می‌توان در چگونگی سنجش اعتبار مفاهیم در مطالعات دانست چرا که بی‌توجهی به این امر یکی از معضلات پژوهش‌های سال‌های اخیر است. از طرفی جوامع آماری متفاوت و حجم نمونه اندک می‌تواند کاستی‌های دیگر مطالعات باشد. این عوامل علاوه بر مواردی مطرح می‌شوند که ناشی از عدم دسترسی به همه پژوهش‌هاست.

از طرف دیگر تحلیل و بررسی رابطه دو متغیر نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی با مؤلفه جوهری درونی به نام اعتماد و مؤلفه‌های بیرونی یعنی شبکه‌های اجتماعی و همکاری و تعهد اجتماعی نیز از مهم‌ترین بسترهای مهم برای مدارای اجتماعی هستند. بر اساس نظریات مطرح شده در این رابطه، باور بر آن است که سرمایه اجتماعی با مؤلفه‌های یاد شده و تجربه مشارکتی اجتماعی ضمن آن که سبب انسجام اجتماعی می‌شود، در عین حال سبب تخصم و درگیری در افراد جامعه نیز می‌شود. از سویی انسان موجودی است اجتماعی و این اجتماعی بودن اقتضا زندگی در کنار سایرین را طلب می‌کند و از سوی دیگر، وجود تفاوت‌های قومی، زبانی، مذهبی و... باعث بروز اختلاف‌هایی بین انسان‌ها می‌شود. بنابراین انسان‌ها همیشه در معرض جنگ و ستیز بوده و تنها راه اجتناب از این وضعیت، گسترش دامنه مدارای اجتماعی بین جوامع مختلف است.

1. Glass

چنانچه مدارای اجتماعی در میان کنشگران وجود نداشته باشد تحمل شرایط برای آنها سخت می شود. سرمایه اجتماعی افراد به ویژه برقراری رابطه با افراد دیگر و حس تعلقی که میان افراد شکل می گیرد می تواند آنها را به پذیرش تفاوت ها یاری رساند. با این وجود آنچه در مطالعات حاصل شده به گونه ای است که ضریب همبستگی پایینی میان سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی وجود دارد. سرمایه اجتماعی با ابعاد خود بستری برای پذیرش، از بین رفتن دشمنی و در حد اعلای آن جنگ می شود.

سرمایه اجتماعی با پتانسیل هایی چون اعتماد، مشارکت، انسجام، شبکه های اجتماعی می تواند روابط فرد را هر چه بیشتر و گسترده تر گرداند. چنانچه فرد وارد روابط بیشتر شود تعاملات گسترده تر و حمایت های بیشتری را دریافت کرده و در سایه حمایت و احساس امنیت دیگران را آن گونه که هستند می پذیرد نه آن گونه که خود می خواهد. به علاوه مدارا احساس دلبستگی به افراد دیگر را در فرد تقویت می کند و از درگیری ها بر سر مسائل پیش آمده براساس تفاوت ها جلوگیری می کند.

کتاب نامه

۱. ادیبی سده، م.، رستگار، ی.، و بهشتی، س. (۱۳۹۱). مدارای اجتماعی و ابعاد آن. مجله رفاه اجتماعی، (۵۰)، ۳۸۰-۳۵۲.
۲. افشانی، ع.، و رام، ن. (۱۳۹۶). رابطه سرمایه اجتماعی با مدارای اجتماعی در بین جوانان شهر یزد، (۷۲)، ۱۱۵-۱۳۴.
۳. اکبری، ا. (۱۳۸۳). نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت: بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی-اجتماعی (مطالعه موردی روستای فارسنج از توابع سقز) (پایان نامه منتشر نشده دانشکده علوم اجتماعی)، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۴. بهشتی، س.، و رستگار، ی. (۱۳۹۲). تبیین جامعه شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی مسائل اجتماعی ایران، (۲)، ۳۵-۷.

۵. بیاتی، پ.، جهانبخش، ا.، و بهیان، ش. (۱۳۹۶). تبیین جامعه‌شناختی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی شهروندان شهر تهران. *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، (۲)، ۳۹-۱۷.
۶. پاتنام، ر. (۱۳۹۲). *دموکراسی و سنت‌های مدنی* (م. ت. دلفروز. مترجم). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۷. جلائیان بخشنده، و.، قاسمی، و.، و ایمان، م. (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی رابطه اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی مبتنی بر نظریه ساختاربندی گیدنز. *فصلنامه توسعه اجتماعی*، (۴)، ۳۲-۷.
۸. جهاننگلو، ر. (۱۳۸۱). مدارا و کثرت‌گرایی. *فصلنامه پل فیروزه*، (۵)، ۵۶۶-۵۴۵.
۹. جهانگیری، ج.، سردارنیا، خ.، و علیزاده، ق. (۱۳۹۵). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارای سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه شیراز). *فصلنامه توسعه اجتماعی*، (۳)، ۸۲-۶۷.
۱۰. دلاور، ع. (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی* (چاپ دوم). تهران: انتشارات سمت.
۱۱. دورکیم، ا. (۱۳۸۱). *درباره تقسیم کار اجتماعی* (ب. پرهام، مترجم). تهران: نشر مرکز.
۱۲. رام هفشجانی، ن.، افشانی، ع.، و عسگری ندوشن، ع. (۱۳۹۴). *عوامل اجتماعی مرتبط با مدارای اجتماعی در بین جوانان شهر یزد* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه یزد، یزد، ایران.
۱۳. شارع‌پور، م.، آزادارمکی، ت.، و عسگری، ع. (۱۳۸۸). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی. *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ۱۰ (۱)، ۹۸-۶۴.
۱۴. شریفی، س. (۱۳۹۲). *سنجش مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین شهروندان ساکن تهران* (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد رشته پژوهشگری اجتماعی). دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
۱۵. فاین، ب. (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی* (م. ک. سروریان، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۶. فیروزجائیان، ع.، شارع‌پور، م.، و فرزام، ن. (۱۳۹۴). سرمایه فرهنگی و مدارای اجتماعی (آزمون مدل میمیک)، *فصلنامه توسعه اجتماعی*، (۲)، ۶۴-۳۳.
۱۷. فیروزجائیان، ع.، شارع‌پور، م.، و فرزام، ن. (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی. *مطالعات فرهنگ ارتباطات*، (۳۵)، ۷-۳۱.

۱۸. قاضی طباطبایی، م.، ودادهیر، ا. (۱۳۸۹). *فرا تحلیل در پژوهش های اجتماعی و رفتاری*. تهران: جامعه شناسان.
۱۹. قاضی نژاد، م.، و اکبرنیا، ا. (۱۳۹۶). دینداری: مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی (پیمایشی در میان مسلمانان و مسیحیان شهر تهران). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، (۱)، ۴۰-۲۱.
۲۰. کلمن، ج. (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی* (م. صبور، مترجم). تهران: نشرنی.
۲۱. گلابی، ف.، و رضایی، ا. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، (۱)، ۸۶-۶۱.
۲۲. ماجدی، س. م.، لهسایی زاده، ع. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی: مطالعه موردی در روستاهای استان فارس، *فصلنامه روستا و توسعه*، (۴)، ۹۱-۱۳۵.
۲۳. مزیدی، ش. (۱۳۹۵). *رابطه میزان سرمایه اجتماعی و فرهنگی والدین و مدارای اجتماعی آنان با فرزندان* (مورد مطالعه: نوجوانان دوره متوسطه اول شهر تهران) (پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، گرایش پژوهشگری). دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.
۲۴. مقتدایی، ف.، باقری، م.، و نبوی، ع. (۱۳۸۹). بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن مورد تحقیق: جامعه شهری اهواز (پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
۲۵. نصرالهی، ی. (۱۳۹۵). *تأثیر اشکال سرمایه بر مدارای اجتماعی (مطالعه پیمایشی شهروندان ۵۰-۱۸ ساله میاندوآب)* (پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی). دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.
۲۶. نیازی، م.، حسینی زاده، س. س.، و سخایی، ا. (۱۳۹۵). *فرا تحلیل (نظریه تا کاربرد)*. تهران: سخنوران.
۲۷. والزر، م. (۱۳۸۳). *در باب مدارا* (ص. نجفی، مترجم). تهران: انتشارات شیرازه.

29. Glass, G.V., McGraw, B., & Smith, M. L. (1981). *Met-analysis in social research*. Beverly Hills: CA Sag.
30. King, P. (1997). *Toleration*, New York: St, Martins Press.
31. Kobayashi, T (2010). Social bridging social capital in online communities: Heterogeneity and social tolerance of online game players in Japan. *Journal of Human Communication*, 36(4), 546-569.
32. Kulik, J. A. (2003). Effect Of using instructional technology in elementary and secondary schools: what cotrolled evaluation studies say. *Research*, 36, 546-569.
33. Witenber, R. T., & Butrus, N. (2013). Some personality predictors of tolerance to human diversity: the roles of openness, agreeableness, and empathy. *Journal of Australian Psychological Society*, 65, 220-235.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

بررسی رابطه دینداری و سبک زندگی در بین دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر

شیروان

نوروز نیمروزی ناوخی (استادیار جامعه شناسی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران، نویسنده مسئول)

nimrooz58@gmail.com

مریم باقرزاده (کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی قوچان، قوچان، ایران)

mbagherzade68@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی دختران دانش‌آموز مقطع متوسطه شهر شیروان است. فرض مسئله تحقیق این است که با توجه به تغییرات فرهنگی-اجتماعی در سطح کلان جامعه و به تبع آن تغییرات احتمالی در سطح میانه خانواده، به احتمال زیاد در سطح نگرش‌ها و باورهای افراد به‌ویژه نسل نوجوان و جوان جامعه نیز شاهد تغییرات قابل توجهی باشیم. روش تحقیق روش پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه سبک زندگی (LSQ) و مقیاس سنجش دینداری گلاک و استارک است. جامعه آماری مورد بررسی همه دانش‌آموزان ۱۶ دبیرستان دخترانه شهر شیروان است. حجم نمونه مورد بررسی ۳۶۸ دانش‌آموز است که به‌صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از معادلات ساختاری PLS استفاده شد. نتایج حاکی از ارتباط مستقیم و زیاد (با ضریب مسیر ۰,۸۰۴، مقدار احتمال T-Value ۳۷,۴۵۸ و میزان اثر ۰,۳۸۲) بین میزان دینداری با سبک زندگی دختران است. همچنین سطح سواد والدین رابطه مستقیمی با سبک زندگی سلامت محور آنان دارد (با ضریب مسیر ۰,۰۹۶، مقدار احتمال T-Value ۲,۲۸۸ و میزان اثر ۰,۱۱۰)، اما بین وضعیت

اقتصادی-اجتماعی دانش‌آموزان با سبک زندگی آنان ارتباط چندان قوی یافت نشد. به احتمال زیاد معنادار نشدن این ارتباط به دلیل واریانس پایین وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده‌ها در شهری کوچک مانند شیروان است. یافته‌ها نیز پایین بودن چنین واریانسی را تأیید کرده است.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، دینداری، دانش‌آموزان، مقطع متوسطه، شیروان.

۱. مقدمه

تغییرات اجتماعی در جامعه متأخر ایران آن چنان سریع هستند که با اندک توجهی می‌توان تغییر در مهم‌ترین عناصر فرهنگی در مدت زمانی نه چندان طولانی را به روشنی دید. به باور روشه (۱۳۷۵)، تغییرات اجتماعی شدید نشان‌دهنده بریده‌شدن رابطه فرهنگی جامعه امروز با گذشته است. تغییر در عناصر فرهنگی از قبیل هنجارها، ارزش‌ها و حتی سلیق نشان می‌دهد که چگونه جوان ایرانی در طول نسل‌های اخیر دچار تحول شده است. بررسی این ویژگی‌های زندگی جدید جوانان و سبک زندگی آنان از این نظر دارای اهمیت است که می‌تواند تصویری واقع‌نگر از وضعیت موجود به دست دهد.

درحقیقت، تغییرات به وجود آمده از زمان مارکس تا دوره کنونی در سرمایه‌داری و عبور از مرحله تولید به مرحله مصرف و در کنار آن بهبود وضعیت نسبی طبقات متوسط و پایین در اروپا و آمریکا و رشد و گسترش طبقات متوسط، نوعی استقلال عمل فردی و آزادی انتخاب برای افراد ایجاد کردند و سبک‌های زندگی به‌عنوان پاسخ‌های کارکردی به نوگرایی پدید آمدند (چنی^۱، ۱۳۸۲). براساس نظریه‌های بسیاری از جامعه‌شناسان ازجمله وبر، زیمل، گیدنز، بوردیو و ... امروزه تنها عامل اقتصادی، مثل آنچه مارکس می‌گفت، نمی‌تواند تعیین‌کننده شیوه زندگی افراد باشد و عوامل دیگر یا به تعبیر بوردیو سرمایه‌های دیگری چون سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و نمادین نیز بر کنش و سبک زندگی انسان‌ها مؤثرند (استوری، ۱۳۸۶).

1. Chaney

سبک زندگی هر فرد متأثر از نظام معنایی اوست و یکی از این نظام‌های معنایی، دین است. همه ادیان دارای نظام‌های معنایی، آموزه‌ها، نهادها و ساختارهایی هستند که پیروانشان را در ایجاد سبک‌های زندگی مبتنی بر آن‌ها توانمند می‌کنند. دین می‌تواند در ایجاد منش، سلیقه و زیباشناختی و در نتیجه سبک‌های زندگی نقش ایفا کند و جدا از سبک‌های زندگی دینی، در شکل‌گیری دیگر سبک‌های زندگی نیز دخیل است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ۱۹۰).

اولین پژوهشگران سبک زندگی نیز ارزش‌ها را اصلی‌ترین منبع شکل‌گیری سبک زندگی می‌دانستند و تأکید داشتند که شناخت ساختار ارزش‌های فردی اصلی‌ترین وظیفه برای درک سبک زندگی افراد است. فرض مسئله مقاله حاضر این است که میزان پایبندی افراد به احکام و آموزه‌های دینی در اتخاذ نوعی از سبک زندگی تأثیرگذار است. در این تحقیق منظور از دینداری، صفتی است فردی، که در آن فرد بر الگوها و دستورات یک دین پایبند است، نگرش خاصی به هستی پیدا می‌کند و شخصیت و کنش‌هایش متمایز از دیگران می‌شود (شجاعی زند، ۱۳۸۶).

دین یکی از عناصر اساسی در جامعه ایرانی به شمار می‌رود و تا به امروز نیز عاملی پایدار در کنش و رفتار فردی و اجتماعی است؛ به عبارتی فضای اجتماعی مدنظر بوردیو که بستر شکل‌گیری سرمایه‌هاست، در ایران فضایی دینی است که بر تشکیل سرمایه دینی افراد تأثیر می‌گذارد؛ هرچند ظهور مدرنیته و گسترش تدریجی آن در جوامع جهان سوم و از جمله کشور ما تأثیرات انکارناپذیری بر دین و ارزش‌های دینی گذاشته است. از نظر ترنر، دین و مدرنیته می‌توانند همزیستی داشته باشند، اما این بدان معنا نیست که دین در دنیای مدرن تغییر نمی‌کند؛ بلکه برعکس، مدرنیزاسیون تغییرات دینی مهمی به همراه می‌آورد. ترنر از مفهوم عادتواره بوردیو برای تأثیر دین و تحولات دینی بر سبک زندگی استفاده می‌کند. از نظر وی، تمایلات افراد که در نظریه بوردیو نشان‌دهنده ذائقه آن‌هاست، می‌تواند تمایلات دینی افراد را نیز توضیح دهد و اینکه چطور در اجرای وظایف دینی و مصرف کالاهای دینی (مانند غذای حلال) ذائقه خاصی پیدا می‌کنند (ترنر، ۱۳۸۷، ص. ۷).

از آنجاکه ایران یک جامعه‌ای دینی است، دین همچون یک سرمایه نقشی تأثیرگذار بر کنش و انتخاب سبک زندگی و نحوه مصرف فرهنگی و مادی افراد دارد، اما باید توجه داشت که قرارگرفتن در معرض مدرنیته و شاخصه‌های آن ازجمله عقلانیت، فردگرایی، مصرف‌گرایی و ...، همواره تغییراتی در تمام زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و همچنین در فرهنگ و نگرش‌های دینی به دنبال خواهد داشت (ویلیامز، ۱۳۸۶، ص. ۲). این تغییرات در میان نوجوانان و جوانان به دلیل اینکه آنان بیشتر تحت تأثیر خانواده، دوستان و اجتماع هستند، مسئله‌سازتر است. نسل جوان، خاصه دختران به دلیل هماهنگ‌سازی ارزش‌های خود با جریان مدرنیته و تقابل با ارزش‌های سنتی در تلاش برای حل این تعارضات دست به بازتعریف ارزش‌های خود می‌زنند و از این رهگذر سبک زندگی افراد شکل می‌گیرد.

در این تحقیق، از یک سو دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه که در سنین نوجوانی قرار دارند، متأثر از محیط پیرامونی خانواده، دوستان، رسانه و ... هستند و در مواجهه با ارزش‌ها و هنجارهای متفاوت و گاهی متضاد این محیط‌ها در انتخاب سبک زندگی دچار سردرگمی و تعارض ارزشی خواهند شد. از سوی دیگر، دختران دانش‌آموز با مسائلی چون شکاف نسل‌ها، نحوه گذران اوقات فراغت، نحوه تعاملات اجتماعی، نحوه پوشش و آرایش، مصرف‌گرایی و نحوه انتخاب همسر در شکل‌گیری سبک زندگی شان روبه‌رو هستند؛ بر این اساس، بررسی ارتباط خصوصیات محیط خانواده (وضعیت دینداری، وضعیت اقتصادی اجتماعی، سواد والدین) با سبک زندگی فرزندان دختر ضرورت پیدا می‌کند؛ بنابراین سؤال آغازین پژوهش حاضر این است که چه رابطه‌ای بین وضعیت دینداری دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه و سبک زندگی آنان وجود دارد؟

۱. اهداف تحقیق

- شناسایی رابطه دینداری و سبک زندگی در بین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه
- شناسایی رابطه متغیرهای وضعیت خانواده و سبک زندگی در بین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه

- شناسایی رابطه بین ویژگی‌های فردی و سبک زندگی در بین دانش آموزان دختر مقطع متوسطه

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق: مروری سیستماتیک بر پژوهش‌های انجام‌شده

جدول ۱- تحقیقات پیشین

ردیف	نویسندگان	عنوان	نتایج
۱	حجازی و حیدرخانی (۱۳۹۳)	بررسی رابطه میزان دین‌داری و سبک زندگی جوانان	بین میزان دین‌داری و سبک زندگی (بعد هنجارهای مصرف و بعد روابط بین شخصی) رابطه وجود دارد. سبک زندگی پاسخگویان برحسب تحصیلات و وضعیت تأهل آنان متفاوت است.
۲	خواجه نوری، ربیاحی و مساوات (۱۳۹۱)	گرایش به حجاب و سبک‌های متفاوت زندگی مطالعه موردی: شهر شیراز	مؤلفه‌های سبک زندگی در آن شامل فعالیت‌های مذهبی، هویت مذهبی، تصور از بدن، مدیریت بدن، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، فعالیت‌های ورزشی، فعالیت‌های موسیقایی مدرن، سبک مشارکتی جدید و سبک‌های فراغتی جدید بوده است.
۳	کفاشی، پهلوان و عباس‌نژاد (۱۳۸۹)	بررسی تأثیر سبک زندگی بر هویت اجتماعی (مطالعه موردی جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر بابل)	مؤلفه‌های سبک زندگی شامل مصرف محصولات فرهنگی، فعالیت فراغتی، مدیریت بدن، الگوی تغذیه و الگوی خرید بوده است که در کنار ویژگی‌های فردی مانند سن، جنسیت و تحصیلات مورد توجه قرار گرفته است.
۴	میری (۱۳۹۰)	بررسی رابطه ابعاد دین‌داری و سبک زندگی جوانان	بین ابعاد اعتقادی، شرعی و اخلاقی، دین‌داری افراد نمونه و سبک زندگی آنان رابطه معناداری به دست آمد؛ اما بین هر یک از دو بعد مناسکی و تجربی افراد نمونه و سبک زندگی آنان رابطه معناداری وجود ندارد.
۵	حمیدی و فرجی (۱۳۸۶)	سبک زندگی و پوشش زنان در تهران	نُه تیپ اجتماعی در ارتباط با موضوع حجاب شناسایی و طبقه‌بندی شده‌اند: حجاب به‌منابه تکلیف، نوعی ایدئولوژی، حجاب سنتی، حجاب زیبایی‌شناختی، بازاندیشی در موضوع

ردیف	نویسندگان	عنوان	نتایج
			حجاب معرفی سبک زندگی ویژه، مد اینترنتی پرهیز از هرگونه مدگرایی و مدل پوشش فمینیستی.
۶	بکت ^۱ (۱۹۹۲)	رابطه دین و رفتارهای غذایی	اغلب مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق تصدیق کردند که میان آنچه مطابق باورها برای خود خوب می‌دانند و عادات غذایی واقعی ایشان هماهنگی وجود دارد.
	سوییتینگ و هونت (۲۰۱۴)	بررسی وضعیت اقتصادی اجتماعی بر سلامتی و سبک زندگی دانش آموزان	افرادی که مهارت‌های اجتماعی را در دبیرستان خوب فراگرفته‌اند در بزرگسالی دچار مشکلاتی در روابط اجتماعی خود می‌شوند و این وضعیت بر سلامتی و سرزندگی دانش‌آموزان و سبک زندگی آنان در آینده تأثیرگذار است.
۷	آرین (۱۹۹۹)	بررسی رابطه دینداری و روان درستی در بین ایرانیان مقیم کانادا	۱. باورهای دینی: توحید ایمان نبوت معاد، ۲- رفتارهای دینی اخلاق اسلامی نماز، روزه، خمس، دینداری استخراج شده دستورات زندگی از متون دینی شرکت در اجتماعات مذهبی تربیت دینی فرزندان، ۳- تعاملات الهی دعا و نیایش توکل توسل رضا نظارت خداوند. بالین حال، این پژوهش از نظر روششناختی اشکالاتی دارد؛ از جمله اینکه گروه مورد آزمون در مطالعه مقدماتی را فقط دانشجویان تشکیل می‌دادند؛ درحالی‌که آزمودنی‌های اجرای نهایی از اقشار مختلف جامعه بودند که هم دامنه سنی و هم سطح تحصیلات آنان با دانشجویان متفاوت بود.
۸	کاتزگرو ^۲	دین و سبک زندگی	در آلمان، اسرائیل و ایتالیا هر قدر که افراد دین‌دارترند، کمتر در فعالیت و مصرف فرهنگی متعالی مشارکت می‌کنند، اما در آمریکا و سوئد کاملاً برعکس است. وی مطالعه خود را در اسرائیل به صورت جدی‌تر تکرار می‌کند و نتیجه می‌گیرد که تفاوت کاملاً معناداری میان سبک زندگی افراد دین‌دار و افراد دارای گرایش‌های سکولاریستی وجود دارد

1. Backett

2. Katz-Gerro

همان‌طور که در تحقیقات ذکر شده در جدول ۱ مشاهده می‌شود، تحقیق درباره سبک زندگی و سبک دین‌داری و بررسی رابطه بین آن‌ها در داخل و خارج از کشور به ندرت انجام گرفته است؛ در حالی که این دو متغیر بر یکدیگر تأثیرگذار هستند. همچنین در تحقیقات خارجی، دین‌داری در مفهوم اسلامی آن سنجش نشده است. اغلب این پژوهش‌ها روی جامعه جوانان و میان‌سالان انجام شده است و تحقیق در یک جنسیت خاص (به‌ویژه دختران) کمتر انجام شده است؛ این در حالی است که دختران دانش‌آموز با مسائلی چون شکاف نسل‌ها، نحوه گذران اوقات فراغت، شکل تعاملات اجتماعی، نحوه پوشش و آرایش، مصرف‌گرایی، جهت‌دهی رفتارهای دینی و نحوه انتخاب همسر اصلی در شکل‌گیری سبک زندگی روبه‌رو هستند؛ بنابراین پژوهش‌های بیشتری در این زمینه می‌طلبد. علاوه بر این، در مطالعات پیشین، تأثیرات خانواده از جمله سطح سواد والدین و وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها بر سبک زندگی نوجوانان کمتر بررسی شده است.

۲.۲. چارچوب نظری تحقیق

شیوه زندگی یا سبک زیستن منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه است؛ عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و... که با هم، طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازد (لغتنامه رندم هاوس، به نقل از مهدوی کنی، ۱۳۸۶، ص. ۲۰۴). مک‌کی سبک زندگی را الگویی برآمده از ارزش‌ها و باورهای مشترک یک گروه یا جامعه می‌داند که به صورت رفتارهای مشترک ظاهر می‌شود؛ اصطلاحی که در موارد متعدد با پاره‌فرهنگ مترادف است (مک‌کی، ۱۹۶۹؛ مهدوی کنی، ۱۳۸۶، ص. ۲۰۷).

در برخی رهیافت‌های جامعه‌شناسانه متأخر تلاش شده است میان مصرف فرهنگی، سبک زندگی و طبقه و پایگاه اجتماعی افراد ارتباط برقرار شود. تقسیم‌بندی چنین رهیافت‌هایی توسط تاملینسون^۱ و مک‌میکین^۲ (۲۰۰۰) و سینتاس^۳ و آلوارس^۱ (۲۰۰۲)، صورت گرفته

1. Tamlinson

2. Mc Meechin

3. Sintas

است. این رهیافت‌ها در پژوهش‌های نام‌برده به سه دسته تقسیم شده‌اند: رهیافت‌های هم‌سیاقی^۲، رهیافت تفرد^۳ و رهیافت همه‌چیزخوار- تک‌خوار^۴.

نقطه مشترک تمام این رهیافت‌ها، تبیین مفهوم سبک زندگی و مصرف فرهنگی از طریق ارتباطی است که این مفهوم با قشربندی اجتماعی یا به بیان دیگر موقعیت‌های پایگاهی و طبقاتی افراد در جامعه دارد. در رهیافت هم‌سیاقی این دیدگاه وجود دارد که سبک زندگی و مصرف فرهنگی به طور کامل از طریق متغیر طبقه و پایگاه تبیین می‌شود؛ به بیان دیگر افراد متعلق به قشرهای بالای اجتماعی، در نوع مصرف فرهنگی خود با افراد متعلق به قشرهای پایین جامعه متفاوت‌اند. این رهیافت، بیشتر بر مبنای دیدگاه‌های پیروردیو در باب مصرف فرهنگی شکل گرفته است. بوردیو در کتاب مشهورش با عنوان تمایز (۱۹۸۴)، با استفاده‌ای که از تمایز مفهومی وبر میان طبقه و پایگاه کرده است، پایه‌های این مبحث نظری را بنیان نهاده است.

در رهیافت تفرد، بیشتر ردپای دیدگاه‌ها و نظریه‌های آنتونی گیدنز^۵ جامعه‌شناس معاصر بریتانیایی دیده می‌شود. در این رهیافت، مصرف فرهنگی به طور کامل بر اساس موقعیت طبقاتی و پایگاهی فرد مصرف‌کننده در جامعه تبیین نمی‌شود. در این رهیافت نوع مصرف فرهنگی و سبک زندگی در جوامع توسعه‌یافته امروزی با نوع مصرف فرهنگی و سبک زندگی در جوامع توسعه‌نیافته متفاوت است. در جوامع توسعه‌یافته کنونی، هر فرد براساس اصطلاح کلیدی «خودشکوفایی فردی»^۶ دست به مصرف می‌زند و سبک زندگی خود را بر می‌سازد (گیدنز، ۱۹۹۱: ۳۶).

1. Alvarez

2. Homology

3. Individualisation

4. Omnivore - Univore

5. Giddenz

6. Self - Realization

خودشکوفایی فردی یا فردیت فزاینده مصرف‌کننده در جامعه توسعه‌یافته امروزی، مهم‌ترین عامل در تبیین شکل سبک زندگی بر اساس چیزی غیر از عامل موقعیت طبقاتی و پایگاهی افراد در جامعه است؛ این در حالی است که براساس این رهیافت، سبک زندگی در جوامع توسعه‌نیافته، هنوز براساس موقعیت طبقاتی و پایگاهی آن‌ها تبیین می‌شود. در اینجا فرد و سبک زندگی او دارای نوعی «آزادی»^۱ در انتخاب است و اسیر «عادت واره» خود نیست (فدرستون، ۱۹۸۷، ص. ۶۱).

با توجه به دسته‌بندی اگنیو و پترسون برای سبک زندگی می‌توان شاخص‌های مختلفی در نظر گرفته شود که شامل این موارد است:

۱. سبک‌های فراغتی منفعلانه یا غیراجتماعی (گوش دادن به رادیو داخلی، تماشای تلویزیون داخلی، رفتن به سینما، پاساژ گردی و پرسه زنی بی‌هدف در خیابان‌ها)؛
۲. سبک‌های فراغتی فعالانه یا اجتماعی (دیدوبازدید از دوستان، شرکت در مهمانی‌های دوستانه)؛

۳. سبک‌های مذهبی (رفتن به مسجد و سایر فعالیت‌های مذهبی)؛

۴. سبک‌های مدیریت بدن؛

۵. استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی (اگنیو و پترسون، ۱۹۸۷، ص. ۳۳۲).
- بورديو روش نهادی شدن فلسفه دیالکتیکی‌اش را از رهگذر مفهوم عادت‌واره میسر می‌داند که همان نظام‌های گرایش بادی و قابل انتقال و بستر شکل‌گیری سلیق متفاوت‌اند. درواقع، مفهوم عادت واره بورديو می‌تواند مصداق روح دینی در جامعه ایرانی باشد که به نوعی در ذهن افراد جامعه درونی شده است و قابل انتقال نیز است؛ اما مفهوم بسیار اساسی در آرای بورديو که ما را در مطالعه رابطه دین‌داری و سبک‌های زندگی هدایت می‌کند، مفهوم سرمایه است. وی سرمایه را تنها سرمایه اقتصادی نمی‌داند و قائل به انواع سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، نمادین و اقتصادی و... است؛ ازاین‌رو، منشأ تمایز میان

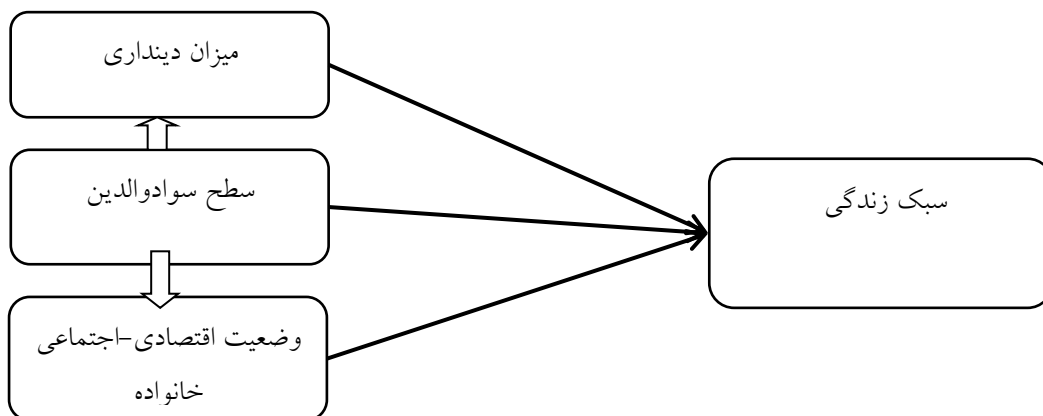
افراد را در ترکیب انواع سرمایه و حجم آن‌ها تلقی می‌کند. «عاملان اجتماعی در بعد اول بر اساس میزان کلی سرمایه‌های مختلفی که دارا هستند و در بعد دوم بر اساس ساختار سرمایه‌هایشان، یعنی بر اساس وزن نسبی هر یک از انواع مختلف سرمایه، که به صورت جداگانه دارا هستند، توزیع می‌شوند» (بورديو، ۱۳۸۱، ص. ۳۴).

۳.۲. فرضیه‌های تحقیق

- بین میزان دینداری دختران مقاطع متوسطه و سبک زندگی آنان رابطه وجود دارد.
- بین سطح سواد والدین و سبک زندگی دختران آنان رابطه وجود دارد.
- بین وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده و سبک زندگی دختران رابطه وجود دارد.

۴.۲. مدل نظری

در بررسی رابطه بین متغیرها با تأسی از نظریه‌های ویلیامز (۱۳۸۶)، گیدنز (۱۹۹۱)، اگنیو و پترسون (۱۹۸۷) و نتایج مطالعات تجربی انجام شده، مدل مفهومی زیر برای آزمون فرضیه‌ها و نشان دادن رابطه میان متغیرها ترسیم شده است:



شکل ۱- مدل نظری تحقیق

در مدل بالا سطح سواد والدین می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم (به واسطه متغیرهای میزان دینداری و وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده) بر متغیر سبک زندگی اثرگذار باشد.

برای پرهیز از به هم ریختگی مدل، شاخص‌های سازه‌های تحقیق به صورت زیر است:

- میزان دینداری: ابعاد اعتقادی، عاطفی، پیامدی و مناسکی.
- وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده: سطح درآمد خانواده، شغل والدین، محل سکونت و خودارزیابی طبقه‌ای.
- سبک زندگی: سلامت جسمانی، ورزش و تندرستی، سلامت اجتماعی، معنوی، روان‌شناختی، پیشگیری از بیماری‌ها و حوادث، سلامت محیطی.

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش انجام تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی است؛ زیرا علاوه بر توصیف وضع موجود، به آزمون فرضیه‌ها برحسب روابط مبتنی بر روابط احتمالی موجود بین متغیرها می‌پردازد و به دنبال تعیین رابطه متغیرها از طریق آماره‌های استنباطی است. جامعه آماری همه دانش‌آموزان دختر ۱۶ دبیرستان شهرستان شیروان در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ است که تعداد آن‌ها ۵۲۷۴ نفر است. حجم نمونه ۳۶۸ نفر است. از آنجاکه وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده‌ها (متغیر احتمالی اثرگذار بر متغیرهای اصلی تحقیق) در شهری کوچک مانند شیروان واریانس پایینی دارد و درواقع در بین طبقات تشکیل‌دهنده جامعه آماری همگنی وجود دارد و احتمال ناهمگنی در درون طبقات وجود دارد، روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به کار گرفته شد؛ بر این اساس، تعداد چندین دبیرستان به صورت تصادفی در سطح شهر شیروان انتخاب شد و در مدارس انتخاب‌شده، تعدادی دانش‌آموز به صورت تصادفی براساس فهرست اسامی انتخاب شدند و با آن‌ها مصاحبه شد.

۳.۱. ابزار گردآوری داده‌ها

جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه سبک زندگی (LSQ)، پرسشنامه میزان دینداری گلاک و استارک، پرسشنامه وضعیت اجتماعی-اقتصادی (SES) قدرت نما، پرسشنامه سطح سواد انجام شده است.

پرسشنامه سبک زندگی (LSQ): این پرسشنامه دارای ۶۸ سؤال است و هدف آن ارزیابی ابعاد مختلف سبک‌های زندگی (سلامت جسمانی، ورزش و تندرستی، کنترل وزن و تغذیه، پیشگیری از بیماری‌ها، سلامت روان شناختی، سلامت معنوی، سلامت اجتماعی، اجتناب از داروها و مواد مخدر، پیشگیری از حوادث و سلامت محیطی) است.

پرسشنامه سنجش دینداری گلاک و استارک: این پرسشنامه توسط گلاک و استارک برای سنجیدن نگرش‌ها و باورهای دینی و دینداری ساخته شده است (گلاک و استارک، ۱۹۶۵).

پرسشنامه حاضر یک سنجش پنج بعدی است که شامل ابعاد پنجگانه اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی و فکری به سنجش دینداری می‌پردازد.

– بعد اعتقادی یا باورهای دینی عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین به آن‌ها اعتقاد داشته باشند.

– بعد مناسکی یا اعمال دینی شامل اعمال دینی مشخصی همچون عبادت، نماز، شرکت در آئینهای دینی خاص، روزه گرفتن و... است که انتظار می‌رود پیروان هر دین آن‌ها را به جا آورند.

– بعد تجربی یا عواطف دینی ناظر بر عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی همچون خدا یا واقعیتی غایی یا اقتداری متعالی است.

– بعد فکری دین یا دانش دینی مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌های مبنایی در مورد معتقدات هر دین است که پیروان باید آن‌ها را بدانند.

– بعد پیامدی یا آثار دینی ناظر به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است (گلاک و استارک، ۱۹۶۵، به نقل از سراج‌زاده، ۱۳۷۴).

پرسشنامه استفاده شده در این پژوهش چهار بعد از ابعاد فوق را به کار برده است و بعد فکری دین به دلیل وسعت تبلیغات در ایران حذف شده است. پرسشنامه حاضر دارای ۲۶ گویه است که در چهار بعد اعتقادی (با ۷ گویه: سؤالات ۱-۷)، عاطفی (با ۶ گویه: ۸-۱۳)، پیامدی (با ۶ گویه: سؤالات ۱۴-۱۹) و مناسکی (با ۷ گویه: ۲۰-۲۶) برای سنجش میزان دینداری به کار می رود.

برای سنجش وضعیت اجتماعی-اقتصادی عموماً از پرسشنامه وضعیت اجتماعی-اقتصادی قدرت نما (۱۳۹۲) که دارای ۴ مؤلفه میزان درآمد، خود ارزیابی طبقه‌ای، تحصیلات و وضعیت مسکن است، استفاده شده است. مقیاس اندازه‌گیری سؤال‌ها در این پرسشنامه پنج گزینه‌ای و روش امتیازگذاری با استفاده از طیف لیکرت، به ترتیب خیلی پایین=۱ تا خیلی بالا=۵ است.

۲.۳. روایی و پایایی ابزار

برای آزمون روایی پرسشنامه سنجش دینداری گلاک و استارک برای استاندارد کردن در کشورهای مختلف اروپا، آمریکا، آفریقا و آسیا روی پیروان ادیان مسیحیت، یهودیت و اسلام اجرا شده است (به نقل از محمدرضا طالبان، ۱۳۷۷) و با دین اسلام هم انطباق یافته است (سراج‌زاده، ۱۳۷۴). ضمن اینکه در این تحقیق نیز برای تأمین روایی صوری از روش توافق داوران (استادان رشته‌های جامعه‌شناسی و معارف دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان و قوچان) استفاده شده است. در یک مدل PLS، پایایی هر یک از نشانگرهای^۱ متغیرها (سازه‌ها)، سازگاری درونی (پایایی سازه) و همچنین روایی همگرا و روایی افتراقی تجزیه و تحلیل خواهد شد.

۳.۳. پایایی سازه (سازگاری درونی)

پایایی سازه این امکان را فراهم می‌کند که سازگاری درونی شاخص‌هایی که یک مفهوم را می‌سنجد، بررسی شود؛ به عبارت دیگر پایایی سازه نشان می‌دهد که متغیرهای مشاهده‌شده (نشانگرها) با چه دقتی متغیر را می‌سنجند. برای اندازه‌گیری این پایایی، شاخص پایایی ترکیبی در مدل PLS ارائه می‌شود و طبق آن باید بزرگتر از ۰,۷ باشد. در جدول ۲ آلفای کرونباخ که نشان‌دهنده پایایی و نیز پایایی ترکیبی هریک از متغیرهای پژوهش است، با نرم افزار Smart PLS محاسبه و ارائه شده است.

جدول ۲- آلفای کرونباخ و پایایی سازه متغیرهای پژوهش

متغیرها	سبک زندگی	میزان دینداری	سطح سواد والدین	وضعیت اقتصادی اجتماعی
آلفای کرونباخ	۰,۹۰۹	۰,۹۲۳	۰,۷۰۰	۰,۷۳۳
پایایی ترکیبی	۰,۹۲۵	۰,۹۴۶	۰,۸۶۵	۰,۸۲۵

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی تمامی متغیرها بیشتر از ۰,۷ است که قابل قبول است.

۳.۴. روایی همگرا^۱

علاوه بر موارد ذکرشده، از بارهای عامل ارائه‌شده در جدول ۳ برای بررسی همگرایی ابزار تحقیق استفاده می‌شود. یک ابزار اندازه‌گیری دارای روایی همگراست؛ به شرطی که نمرات حاصل از دو یا چند ابزار در مورد یک مفهوم همبستگی زیادی داشته باشند. برای اثبات اینکه ابزار تحقیق از روایی همگرا برخوردار است، لازم است معیار میانگین واریانس استخراج شده^۱ (AVE) انجام شود. این شاخص برای بررسی واگرا توسط فورنل و لارکر (۱۹۸۱) پیشنهاد شد که حداقل مقدار برای پذیرفته شدن ۰,۵ در نظر گرفته شده است.

1. Convergent Validity

جدول ۳- روایی همگرایی سازه‌ها (متغیرهای) تحقیق

وضعیت اقتصادی اجتماعی	سطح سواد والدین	میزان دینداری	سبک زندگی	روایی همگرایی متغیر
۰,۸۱۳	۰,۷۰۷	۰,۷۶۲	۰,۵۸۰	AVE

جدول ۳ نشان می‌دهد که تمامی متغیرها میانگین واریانس استخراج شده آن بیشتر از ۰,۵ است؛ بدین معنا که هریک از متغیرهای پنهان مورد نظر حداقل ۵۰٪ واریانس مشاهده پذیرهای خود را تبیین می‌کند و هریک از متغیرهای پژوهش از روایی همگرایی لازم برخوردارند.

۳.۵. روایی افتراقی

برای ارزیابی اعتبار افتراقی باید بررسی شود که آیا میزان واریانس استخراج شده AVE برای یک سازه بیشتر از توان دوم همبستگی بین سازه و سازه‌های دیگر مدل است یا خیر. این بررسی نشان می‌دهد که آیا یک سازه از سازه‌های دیگر مدل متفاوت است یا خیر. برای عملی‌تر شدن رویه محاسبه اعتبار افتراقی، می‌توان به صورت معکوس عمل کرد و ریشه دوم AVE را محاسبه کرد. این مقدار باید از مقدار همبستگی سایر سازه‌ها بیشتر شود. مقادیر قطر اصلی در جدول نشان‌دهنده ریشه دوم AVE و سایر مقادیر نشان‌دهنده همبستگی بین سازه است (فورنل و لاکر، ۱۹۸۱).

جدول ۴- بررسی روایی افتراقی پژوهش

وضعیت اقتصادی اجتماعی	سطح سواد والدین	میزان دینداری	سبک زندگی	متغیر متغیر
			۰,۷۶۱	سبک زندگی
		۰,۸۷۳	۰,۷۱۸	میزان دین‌داری
	۰,۸۴۱	۰,۰۶۹	-۰,۰۴۲	سطح سواد والدین

1. Average Variance Extracted

وضعیت اقتصادی اجتماعی	سطح سواد والدین	میزان دینداری	سبک زندگی	متغیر متغیر
۰,۹۰۲	۰,۱۹۵	-۰,۰۵۶	-۰,۰۷۱	وضعیت اقتصادی- اجتماعی

با توجه به جدول ۴ ملاحظه می شود، تمامی سازه‌ها با شرایط مدنظر مطابقت دارند و بنابراین می توان بیان کرد که سازه ها از اعتبار افتراقی برخوردارند.

۴. یافته‌ها

۴.۱. یافته‌های توصیفی

یافته‌ها نشان می‌دهد ۳۳٪ دانش آموزان در پایه دهم (دوم دبیرستان)، ۳۶٪ آنان در پایه سوم دبیرستان و ۳۱٪ از دانش آموزان در پایه چهارم (پیش‌دانشگاهی) مشغول به تحصیلی هستند. از این میان، ۵٪ دانش آموزان در دبیرستان شاهد، ۴٪ در دبیرستان سما (وابسته به دانشگاه آزاد)، ۱۹٪ در دبیرستان های نمونه دولتی و ۷۲٪ در دبیرستان های دولتی مشغول به تحصیل هستند.

ارزیابی وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده‌ها نشان می‌دهد که ۶۸٪ پاسخگویان این وضعیت را در حد متوسط، ۲۴٪ در حد بالا و خیلی بالا و ۸٪ در حد پایین و خیلی پایین ارزیابی کردند. میانگین این ارزیابی در حد متوسط (نمره ۲,۹ در بازه ۱ تا ۵) و واریانس آن در حد کم (۱,۱٪) به دست آمده است.

بررسی مجموع میانگین‌های به دست آمده از ابعاد متغیر دینداری (اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی) بیانگر نمره دینداری در حد زیاد (نمره ۴ در بازه ۱ تا ۵) است که بعد اعتقادی در مقایسه با سایر ابعاد میانگین بیشتری داشته است.

جدول ۵- میانگین‌های ابعاد دینداری

ردیف	ابعاد دینداری	میانگین
۱	اعتقادی	۴/۱
۲	عاطفی	۴
۳	پیامدی	۴
۴	مناسکی	۳/۹
----	میانگین کل	۴

همچنین مجموع میانگین‌های حاصل شده از ابعاد مختلف متغیر سبک زندگی (سلامت جسمانی، سلامت معنوی، سلامت اجتماعی و...) نشان‌دهنده میانگین نمره در حد زیاد (نمره ۳,۹ در بازه ۱ تا ۵) است.

جدول ۶- میانگین‌های ابعاد سبک زندگی

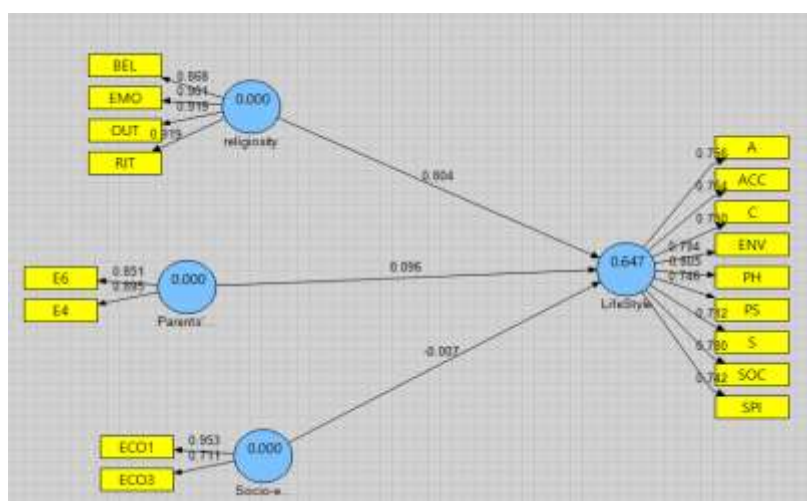
ردیف	ابعاد سبک زندگی	میانگین
۱	سلامت جسمانی	۳/۸
۲	ورزش و تندرستی	۳/۹
۳	کنترل وزن و تغذیه	۴/۱
۴	پیشگیری از بیماری‌ها	۴/۱
۵	سلامت روان‌شناختی	۳/۹
۶	سلامت معنوی	۴
۷	سلامت اجتماعی	۳/۹
۸	پیشگیری از حوادث	۳/۹
----	میانگین کل	۳/۹

۴.۲. یافته‌های استنباطی

یک مدل ساختاری که از روش PLS استفاده کرده است، باید در دو مرحله تحلیل شود. ابتدا مدل اندازه‌گیری و سپس مدل ساختاری (سانچز و لیگرو، ۲۰۱۰). منظور از مدل

اندازه‌گیری، بررسی وزن‌ها و بارهای عاملی متغیرها و منظور از مدل ساختاری، بررسی ضرایب مسیر بین متغیرهاست. درواقع، PLS آمیخته‌ای از نمودار مسیر و تحلیل عاملی تأییدی است (هومن، ۱۳۹۱).

در این تحقیق مدل اندازه‌گیری بیانگر وزن شاخص‌های هریک از سازه‌های تحقیق است که بارهای عاملی آن‌ها نمایش داده شده است؛ به‌عنوان مثال، سازه دینداری از طریق شاخصه‌های اعتقادی، عاطفی، پیامدی و مناسکی سنجش می‌شود و در مدل ساختاری روابط پنهان بین سازه‌های تحقیق که در قالب فرضیات بیان شده، از طریق معادله ساختاری آزمون می‌شود.



شکل ۲- مدل مفهومی برازش شده در حالت تخمین استاندارد

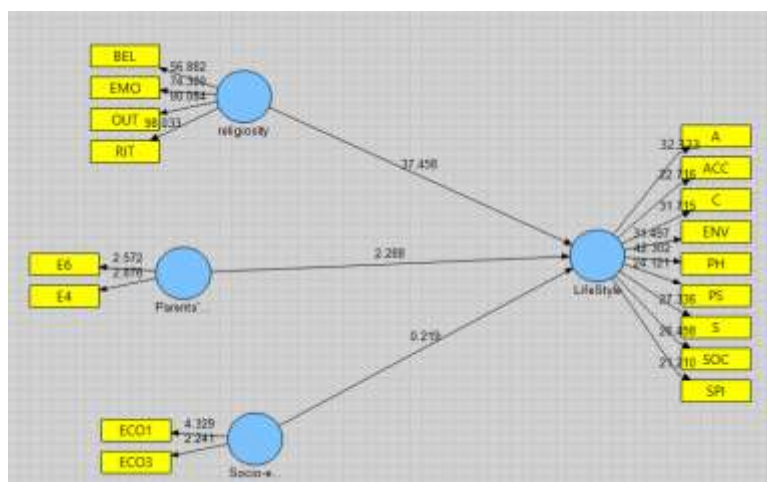
* دایره‌های رنگی سمت چپ از بالا به‌ترتیب معرف متغیرهای دینداری، سواد والدین و وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده و دایره سمت راست بیانگر متغیر سبک زندگی به همراه شاخص‌های آن شامل سلامت جسمانی، تغذیه، ورزش، سلامت معنوی، سلامت اجتماعی، روان‌شناختی، پیشگیری از حوادث، پیشگیری از بیماری‌ها و سلامت محیطی در مستطیل‌های زردرنگ است.

قدرت پیش‌بینی مدل طراحی شده با استفاده از مقدار واریانس توضیح داده شده (R^2) برای متغیرهای وابسته تحلیل می‌شود (لیل و رالدن^۱، ۲۰۰۱؛ فالک و میلر^۲، ۱۹۹۲؛ چین^۳، ۱۹۹۸). ضریب همبستگی (r) شدت رابطه بین دو متغیر را نشان می‌دهد و مجذور این ضرایب (R^2)، میزان واریانس متغیر مستقل است. تحلیل ضرایب تعیین به درک این موضوع کمک می‌کند که چه اندازه از واریانس متغیر وابسته توسط مجموعه‌ای از پیش‌بینی‌کننده‌ها قابل تعیین است (سکاران، ۱۳۸۰).

در شکل ۲ ضرایب مسیر یا ضریب بتا مشخص شده است. دیگر خروجی نرم‌افزار، ضریب R^2 است که در درون دایره هر متغیر مکنون درون‌زا (متغیر مکنونی که فرض شده است تحت تأثیر یک یا چند متغیر مکنون دیگر است) در این شکل آمده است. این ضریب نشان‌دهنده درصدی از واریانس متغیر وابسته مکنون است که توسط متغیرهای مکنون اثرگذار بر آن توضیح داده می‌شود.

درواقع، براساس خروجی مدل، مقدار تغییر در سبک زندگی (ضریب R^2) را می‌توان به کمک تغییرات به‌دست‌آمده در متغیرهای دینداری، سواد والدین و وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده تبیین کرد؛ به عبارت دیگر متغیر مکنون دینداری به مقدار بیشتری (0.80) تغییرات احتمالی در سبک زندگی را تبیین و پیش‌بینی می‌کند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سبک زندگی دانش‌آموزان دختر در این تحقیق در حد زیادی متأثر از وضعیت دینداری آنان است که این نتیجه با بیشتر تحلیل‌های صورت گرفته از رابطه دینداری و سبک زندگی همسوست که در آن باورها، احساسات و رفتارهای دینی مرجع مهمی در تعیین شاخصه‌های سبک زندگی است.

1. Leal & Rold
2. Falk & Mill
3. Chin



شکل ۳- مدل مفهومی برازش شده در حالت معناداری پارامترها

* دایره‌های رنگی سمت چپ از بالا به ترتیب معرف متغیرهای دینداری، سواد والدین و وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده است. و دایره سمت راست بیانگر متغیر سبک زندگی به همراه شاخص‌های آن شامل سلامت جسمانی، تغذیه، ورزش، سلامت معنوی، سلامت اجتماعی، روان شناختی، پیش گیری از حوادث، پیشگیری از بیماری ها و سلامت محیطی در مستطیل‌های زردنگ است.

شکل ۳ مدل مفهومی برازش شده در حالت معناداری پارامترها را نشان می‌دهد. درواقع، در این شکل مقادیر T-Value نشان‌دهنده معناداری مسیر است. در ادامه براساس نتایج به‌دست‌آمده از نرم‌افزار، به تحلیل و تفسیر مدل درونی و بیرونی (مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری) و فرضیه‌های تحقیق پرداخته شده است.

ضریب تعیین در مقایسه با ضریب همبستگی معیار گویاتری است و مهم‌ترین معیاری است که با آن می‌توان رابطه بین دو متغیر مستقل را توضیح داد. این ضریب بیان‌کننده درصد تغییرات متغیر تابع، به وسیله متغیر مستقل است. ضریب تعیین بین صفر و ۱ در نوسان است. اگر مقدار آن صفر باشد، یعنی خط رگرسیون هرگز نتوانسته تغییرات متغیر تابع را به متغیر مستقل نسبت دهد؛ به عبارت دیگر، چنانچه تغییری در مقادیر وابسته توسط

رابطه رگرسیون توضیح داده نشود، مقدار ضریب تعیین صفر است. اگر $R^2 = 1$ شود، یعنی خط رگرسیون توانسته تغییرات متغیر وابسته را به تغییرات متغیر مستقل نسبت دهد.

جدول ۷- ضریب تعیین متغیر وابسته پژوهش

R ²	شاخص
	متغیر وابسته
۰,۶۴۷	سبک زندگی

با توجه به جدول ۷ ملاحظه می‌شود، میزان حدود ۶۴٪ از واریانس متغیر سبک زندگی توسط متغیرهای واردشونده به آن مدل توضیح داده می‌شود که مقدار قابل قبولی است. باید توجه داشت که ضرایب تعیین تنها برای متغیرهای درون زا (وابسته) محاسبه می‌شوند. با توجه به مطالب عنوان شده درخصوص تحلیل مدل اندازه‌گیری، ملاحظه می‌شود تمامی شاخص‌های مورد بررسی شرایط لازم را دارند؛ بنابراین مدل پیشنهادی از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی کافی برخوردار است. پس از بررسی و تحلیل مدل اندازه‌گیری، ضرایب مسیر و فرضیه‌ها را بررسی می‌کنیم.

۴.۳. تحلیل مسیر

برای تشخیص متغیرهای مستقل و وابسته از روش تحلیل مسیر استفاده می‌شود. این روش آماری از خانواده تحلیل رگرسیون است که برای درک علیت و نمایش الگوی روابط علی در میان مجموعه‌ای از متغیرهای مرتبط با هم کاربرد دارد. در تحلیل مسیر، رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته (تابع یا مسیر) با فلش یک‌طرفه مشخص می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹، ص. ۲۹۳)؛ یعنی روابط بین متغیرها در یک جهت جریان می‌یابد و به‌عنوان مسیرهای متمایزی در نظر گرفته می‌شود. برای برآورد هریک از مسیرهای مشخص‌شده، ضرایب استاندارد شده رگرسیون (یا ضریب مسیر^۱) محاسبه می‌شود (β).

1. Path Coefficient

جدول ۸- مقادیر احتمال T-Value مسیر بین متغیرهای پژوهش

مسیر	مقادیر احتمال T-Value
میزان دینداری سبک زندگی	۳۷,۴۵۸
سطح سواد والدین سبک زندگی	۲,۲۸۸
وضعیت اقتصادی اجتماعی سبک زندگی	۰,۲۱۹

- اندازه اثر

برای هر اثر در مدل مسیری می‌توان اندازه اثر را با استفاده از f^2 کوهن ارزیابی کرد. اندازه اثر f^2 به صورت نسبتی از تغییرات R^2 به روی بخشی از واریانس متغیر مکنون درون‌زا است که به صورت تبیین‌نشده در مدل باقی می‌ماند. طبق نظر کوهن مقادیر ۰,۰۲، ۰,۱۵ و ۰,۳۵ برای f^2 به ترتیب بیانگر اثر کوچک، متوسط و بزرگ است. برای محاسبه f^2 لازم است مقادیر R^2 را یکبار با وجود متغیر پیش بین و سپس بدون آن متغیر اجرا کرد. سپس اندازه اثر آن متغیر از فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$f^2 = (R^2_{Included} - R^2_{Excluded}) / (1 - R^2_{Included})$$

که در آن:

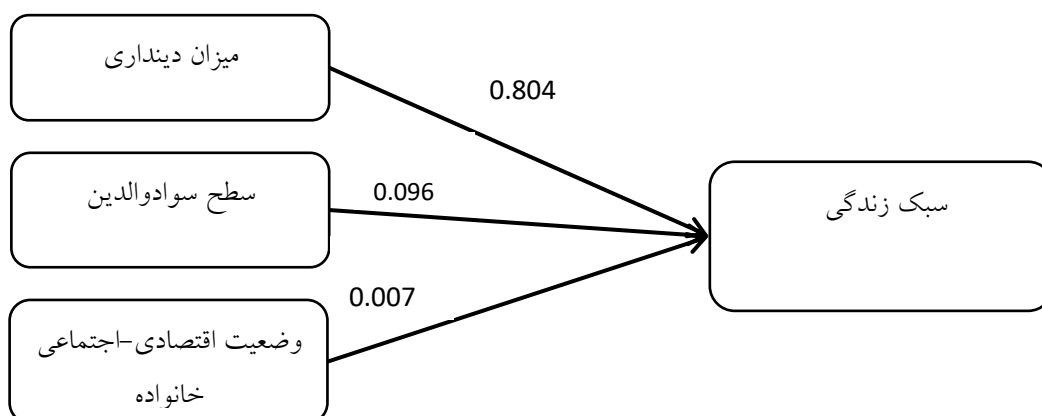
$R^2_{Included}$: ضریب مسیر با حضور متغیر پیش بین / $R^2_{Excluded}$: ضریب مسیر در غیاب متغیر پیش بین

در جدول ۹ مقادیر $R^2_{Included}$ و $R^2_{Excluded}$ و f^2 برای هریک از مسیرهای متغیرهای تحقیق محاسبه شده است.

جدول ۹- محاسبه مقادیر ضریب مسیر

مسیر	$R^2_{Included}$	$R^2_{Excluded}$	f^2
میزان دینداری ← سبک زندگی	۰,۶۴۷	۰,۵۱۲	۰,۳۸۲
سطح سواد والدین ← سبک زندگی	۰,۶۴۷	۰,۶۰۸	۰,۱۱۰
وضعیت اقتصادی اجتماعی ← سبک زندگی	۰,۶۴۷	۰,۶۴۶	۰,۰۰۳

جدول ۹ مبین اندازه اثر هریک از مسیرهای مدل مورد بررسی است. در ادامه به بررسی فرضیه‌های تحقیق پرداخته خواهد شد و هریک اندازه اثرهای جدول بالا نیز بررسی خواهد شد.



شکل ۴- نمودار تحلیل مسیر

۴. بررسی فرضیه‌ها

الف) بررسی فرضیه اول پژوهش

بین میزان دینداری دختران مقطع متوسطه و سبک زندگی آنان رابطه وجود دارد.

جدول ۱۰- بررسی فرضیه اول پژوهش

نتیجه آزمون	T-Value	ضریب مسیر	مسیر مستقیم
معنادار و مثبت	۳۷,۴۵۸	۰,۸۰۴	میزان دینداری ← سبک زندگی

همان‌طور که در جدول ۱۰ ملاحظه می‌شود، ضریب مسیر میزان دینداری و سبک زندگی مثبت و مقدار T-value آن ۳۷,۴۵۸ شده است که در سطح معناداری ۰,۰۵ بیش از ۱,۹۶ (و در سطح معناداری ۰,۰۱ بیشتر از مقدار ۲,۵۸) است. همچنین ضریب مسیر میزان دینداری به سمت سبک زندگی دختران مقدار ۰,۸۰۴ است. ضریب مسیر نشان‌دهنده همبستگی بین دو متغیر پنهان است و ضریب مثبت آن بیانگر این است که با افزایش متغیر مستقل (میزان دینداری) شاهد افزایش در متغیر وابسته (سبک زندگی) خواهیم بود؛ پس میزان دینداری رابطه‌ای مثبت با سبک زندگی دارد. همچنین اندازه اثر میزان دینداری بر سبک زندگی با توجه به جدول ۹ به میزان ۰,۳۸۲ شده است که نسبتاً زیاد است. در ضمن باید یادآور شد، از آنجاکه پرسشنامه سبک زندگی با رویکرد سلامت‌محور تدوین شده است، بدین معناست که افزایش میزان دینداری تأثیری مثبت و معنادار بر سبک زندگی سلامت‌محور دختران دارد و میزان اثر آن نیز زیاد است؛ بنابراین فرضیه اول پذیرفته می‌شود.

ب) بررسی فرضیه دوم پژوهش

بین سطح سواد والدین و سبک زندگی دختران آنان رابطه وجود دارد.

جدول ۱۱- بررسی فرضیه دوم تحقیق

مسیر	ضریب مسیر	T-Value	نتیجه آزمون
سطح سواد والدین ← سبک زندگی	۰,۰۹۶	۲,۲۸۸	مثبت و معنادار

همان‌طور که در جدول ۱۱ ملاحظه می‌شود، مقدار T-value سطح سواد والدین و سبک زندگی ۲,۲۸۸ شده است که در سطح معناداری ۰,۰۵ بیش از ۱,۹۶ است، همچنین ضریب مسیر سطح سواد والدین به سمت سبک زندگی دختران مقدار ۰,۰۹۶ و مثبت است. اندازه اثر این مسیر نیز قبلاً محاسبه شده است که به میزان ۰,۱۱۰ است که میزان آن در حد متوسط است؛ بنابراین فرضیه دوم نیز پذیرفته می‌شود؛ بدین معنا که سطح سواد والدین بر سبک زندگی سلامت‌محور دختران دانش آموز تأثیری مثبت و معنادار دارد و میزان اثر آن نیز در حد متوسط است.

ج) بررسی فرضیه سوم پژوهش

بین وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده و سبک زندگی دختران آنان رابطه وجود دارد.

جدول ۱۲- بررسی فرضیه سوم پژوهش

مسیر	ضریب مسیر	T-Value	نتیجه آزمون
وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده ← سبک زندگی دختران	-۰,۰۰۷	۰,۲۱۹	غیر معنادار

همان‌طور که در جدول ۱۲ ملاحظه می‌شود، مقدار T-value وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده و سبک زندگی ۰,۲۱۹ شده است که در سطح معناداری ۰,۰۵ کمتر از ۱,۹۶ است و معنادار نیست؛ بنابراین فرضیه سوم پذیرفته نمی‌شود.

۴.۵. بررسی شاخص‌های برازش مدل

برای بررسی شاخص‌های برازندگی مدل، آزمون‌های گوناگونی وجود دارد که پیوسته در حال مقایسه، توسعه و تکامل است؛ به عنوان نمونه، شاخص نیکویی برازش^۱، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده^۲، شاخص برازش مقایسه‌ای^۳، ریشه میانگین توان دوم باقی مانده^۴، متوسط ضریب مسیر^۵، متوسط ضریب تعیین^۶، متوسط عامل تورم واریانس^۷، شاخص‌های بررسی اعتبار^۸ شامل شاخص بررسی اعتبار اشتراک^۹، شاخص بررسی اعتبار حشو^{۱۰} هستند، اما هنوز در مورد حتی یک آزمون بهینه توافق همگانی وجود ندارد (هومن، ۱۳۹۱).

به طور کلی این شاخص‌ها تعیین می‌کنند که یک مدل از پیش تعیین شده، چقدر برای داده‌های به دست آمده از نمونه مناسب است و همچنین نشان می‌دهد که آیا مدل پیشنهادی بهترین تناسب را با نمونه دارد یا خیر.

در پژوهش حاضر، برای بررسی کیفیت یا اعتبار مدل از بررسی اعتبار استفاده شده است که شامل شاخص بررسی اعتبار اشتراک (CV-Com) و شاخص بررسی اعتبار حشو یا افزونگی (CV-Red) است. شاخص اشتراک، کیفیت مدل اندازه‌گیری دو بلوک را می‌سنجد. شاخص حشو یا یا استون-گیسر، با در نظر گرفتن مدل اندازه‌گیری، کیفیت مدل ساختاری را برای هر بلوک درون‌زا اندازه‌گیری می‌کند. مقادیر مثبت این شاخص‌ها نشانگر کیفیت مناسب و قابل قبول مدل اندازه‌گیری و ساختاری است. در جدول ۱۳ مقادیر هریک از شاخص‌های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته آورده شده است.

1. Goodness of Fit Index (GFI)
2. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
3. Comparison Fit Index (CFI)
4. Root Mean Squared Residual (RMR)
5. Average of Path Coefficient (APC)
6. Average of Determination Coefficient (ADC)
7. Average Variance Inflation Factor (AVIF)
8. Cross Validation
9. Cross Validation Commuality
10. Cross Validation Redundancy

جدول ۱۳- شاخص اعتبار اشتراک (CV-Com) و شاخص بررسی اعتبار حشو یا افزونگی (CV-Red)

متغیر	CV-Com	CV-Red
سبک زندگی	۰,۴۳۸	۰,۳۶۴
میزان دینداری	۰,۶۶۸	۰,۶۶۸
سطح سواد والدین	۰,۲۵۲	۰,۲۵۲
وضعیت اقتصادی اجتماعی	۰,۱۶۹	۰,۱۶۹

مشاهده می شود که شاخص ها مثبت و بزرگ تر از صفر است که نشان دهنده ارزش خوب مدل است؛ بنابراین می توان گفت مدل تحقیق به خوبی برازش شده است؛ در نتیجه تأیید می شود. در واقع، این شاخص ها کیفیت مطلوب مدل مفهومی را ارزیابی می کنند.

۵. نتیجه گیری

در این تحقیق به طور کلی رابطه بین وضعیت دینداری پاسخگویان و سبک زندگی آنان تأیید شد. نتایج میانگین های به دست آمده از ابعاد متغیر دینداری (اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی) بیانگر نمره دینداری در حد زیاد است که بعد اعتقادی در مقایسه با سایر ابعاد میانگین بیشتری داشته است. همچنین مجموع میانگین های حاصل شده از ابعاد مختلف متغیر سبک زندگی (سلامت جسمانی، سلامت معنوی، سلامت اجتماعی و...) نشان دهنده میانگین نمره در حد زیاد است. یافته های استنباطی بیانگر آن است که بین متغیرهای دینداری و سطح سواد والدین از یک سو و متغیر سبک زندگی از سوی دیگر رابطه معناداری وجود دارد و مجموع اثرات متغیرهای وارد شده در تحلیل معادله ساختاری ۶۴ درصد تغییرات متغیر سبک زندگی را تبیین می کند که بر این اساس فرضیه های تحقیق در اینجا به طور موقت تأیید می شود. این یافته ها با نتایج تحقیق های حجازی و حیدرخانی (۱۳۹۳)، اصغری (۱۳۹۲)، میری (۱۳۹۰)، مولاپناه (۱۳۸۸)، مهدوی کنی (۱۳۸۷) و فلر (۲۰۰۹) همسوست.

بورديو روش نهادی شدن فلسفه دیالکتیکی اش را از رهگذر مفهوم عادت‌واره میسر می‌داند که همان نظام‌های گرایشی بادوام و قابل انتقال و بستر شکل‌گیری سلیق متفاوت‌اند. دیلون معتقد است مذهب از نظر بورديو نظام نمادینی است که همزمان، هم‌ساخت یافته و هم‌ساخت دهنده است (دیلون، ۲۰۰۱). از دیرباز، دین یکی از عناصر اساسی در جامعه ایرانی به شمار می‌رفته است و تا به امروز نیز عاملی پایدار در کنش و رفتار فردی و اجتماعی است؛ به عبارتی، فضای اجتماعی مدنظر بورديو که بستر شکل‌گیری سرمایه‌هاست، در ایران فضایی دینی است که بر تشکیل سرمایه دینی افراد تأثیر می‌گذارد؛ هرچند ظهور مدرنیته و گسترش تدریجی آن در جوامع جهان سوم و ازجمله کشور ما تأثیرات انکارناپذیری بر دین و ارزش‌های دینی گذاشته است. سبک زندگی هر فرد متأثر از نظام معنایی اوست و یکی از این نظام‌های معنایی، دین است. دین می‌تواند در ایجاد منش، سلیقه و زیباشناختی و در نتیجه سبک‌های زندگی نقش ایفا کند و جدا از سبک‌های زندگی دینی، در شکل‌گیری دیگر سبک‌های زندگی نیز دخیل است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۰). از نظر بورديو، شرایط عینی زندگی و موقعیت فرد در ساختار اجتماعی به تولید منش خاص منجر می‌شود و منش دو دسته نظام است. نظامی برای طبقه‌بندی اعمال و نظامی برای ادراکات و شناخت‌ها (قریحه‌ها). نتیجه نهایی تعامل این دو نظام، سبک زندگی است. در تحقیق حاضر نیز ارتباط معناداری بین دینداری و سبک زندگی پاسخگویان به دست آمده است. درواقع، دینداری به مثابه یک نظام گرایشی بادوام و بستر شکل‌گیری علایق و سلیق افراد در قالب مفهوم سبک زندگی عمل می‌کند که سبک زندگی دانش‌آموزان دختر در این تحقیق در حد زیادی متأثر از وضعیت دینداری آنان است. همچنین نتایج این فرضیه با تحقیق هلت و دیگران (۲۰۰۵) هم‌راستاست. آن‌ها با بررسی نقش مذهب در اعتقادات و رفتارهای زنان آفریقایی-آمریکایی بیان می‌کنند که اعتقادات مذهبی در میان زنان آفریقایی-آمریکایی تأثیر بسزایی دارد و بر سبک زندگی و رژیم غذایی آن‌ها مانند استفاده از میوه، سبزیجات و وعده‌های غذایی سالم اثر می‌گذارد. کسانی که مذهبی هستند، بیشتر میوه و

سبزیجات مصرف می‌کنند و هنگامی که بیمار می‌شوند، بیشتر احساس می‌کنند که می‌توانند با بیماری مقابله کنند.

همچنین نتیجه دیگر حاصل از آزمون فرضیه‌ها بیانگر رابطه معنادار سواد والدین و سبک زندگی سلامت محور دختران است. کولی و همکاران (۲۰۰۵) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که سطح سواد والدین با سلامت روان‌شناختی فرزندان ارتباطی مستقیم و معنادار دارد. از آنجاکه سلامت روان‌شناختی یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی در پژوهش ما به حساب می‌آید و رابطه مستقیمی بین سطح سواد والدین با تمامی مولفه‌های سبک زندگی پیدا شد، نتایج تحقیق کولی و همکاران با نتایج پژوهش ما هم‌راستاست؛ بر این اساس سبک زندگی مدنظر دختران در سنین دوره متوسطه ضمن تأثیرپذیری از محیط مدرسه و فضای اجتماعی تعامل با دوستان، به طرز درخور توجهی متأثر از شرایط فرهنگی خانواده است که در این تحقیق این مطلب تأیید شد.

درنهایت بین متغیر وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده و سبک زندگی دختران رابطه معناداری دیده نشد. مقدار T-value وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده و سبک زندگی ۰,۲۱۹ شد که در سطح معناداری ۰,۰۵ کمتر از ۱,۹۶ است و معنادار نیست؛ بنابراین فرضیه سوم پذیرفته نشد. اما نتایج این فرضیه پژوهش با تحقیق سوییتینگ و هونت (۲۰۱۴) که نتیجه گرفتند وضعیت اجتماعی و اقتصادی دانش‌آموزان در دوران دبیرستان بر وضعیت سلامتی و سرزندگی و سبک زندگی آن‌ها در آینده تأثیرگذار است، هم‌راستا نیست. شاید یکی از دلایل آن این باشد که ما در پژوهش خود سبک زندگی دانش‌آموزان را در زمان حال بررسی کردیم و تحقیق سوییتینگ و هونت (۲۰۱۴) سبک زندگی دانش‌آموزان را در آینده بررسی کرده است.

خودشکوفایی فردی یا فردیت فزاینده مصرف‌کننده در جامعه توسعه‌یافته امروزی، مهم‌ترین عامل در تبیین شکل سبک زندگی براساس چیزی غیر از عامل موقعیت طبقاتی و پایگاهی افراد در جامعه است؛ این در حالی است که براساس این رهیافت، سبک زندگی در

جوامع توسعه نیافته، هنوز براساس موقعیت طبقاتی و پایگاهی آنها تبیین می شود. در برخی رهیافت های جامعه شناسانه متأخر نیز تلاش شده است میان مصرف فرهنگی، سبک زندگی و طبقه و پایگاه اجتماعی افراد ارتباط برقرار شود. نقطه مشترک تمام این رهیافت ها، تبیین مفهوم سبک زندگی و مصرف فرهنگی از طریق ارتباطی است که این مفهوم با قشربندی اجتماعی یا به بیان دیگر موقعیت های پایگاهی و طبقاتی افراد در جامعه دارد؛ به عنوان مثال، در رهیافت هم سیاقی این دیدگاه وجود دارد که سبک زندگی و مصرف فرهنگی به طور کامل از طریق متغیر طبقه و پایگاه تبیین می شود. در تحقیق حاضر با توجه به بافت اقتصادی اجتماعی شهر شیروان و به تبع آن همگونی نسبی وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوارهای پاسخگویان، رابطه معناداری بین طبقه اجتماعی و سبک زندگی آنان حاصل نشد.

برخی از مطالعات نشان داده اند که وضعیت اقتصادی-اجتماعی والدین عامل واسطه ای در سلامت روان شناختی که یکی از وجوه سبک زندگی سلامت محور نوجوانان است که در این پژوهش در نظر گرفته شده است. این نتیجه با نتیجه پژوهش ما ناهمسو است؛ به طور مثال، در مطالعه ای که در سال های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۸ روی ۲۶۷۷ نفر از کودکی تا هنگام جوانی انجام شد، نشان داد که بین وضعیت اقتصادی-اجتماعی با شاخص های رفتاری فرزندان همبستگی زیادی وجود دارد (کان و ویلسون، ۲۰۰۵). اگرچه مطالعه کولی و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد که رفاه اجتماعی و سطوح بالای اقتصادی خانواده بر سلامت روان شناختی نوجوانان مؤثر است و همچنین نتایج تحقیق فراهانی (۱۳۸۵) رابطه سلامت روان شناختی نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله را با وضعیت اقتصادی-اجتماعی والدین بررسی کرده بود و رابطه ای مؤثر و مثبت بین این دو پیدا کرده بود. نتایج دو پژوهش مذکور با نتایج پژوهش ما در تضاد است.

کتابنامه

۱. اباذری، ی.، و چاوشیان، ح. (۱۳۸۱). از «طبقه اجتماعی» تا «سبک زندگی»: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه شناسی هویت اجتماعی. *نامه علوم اجتماعی*، (۲۰)، ۳-۲۷.
۲. استوری، ج. (۱۳۸۶). *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه* (ح. پایند، مترجم). تهران: نشر آگاه.
۳. اصغری، م. (۱۳۹۲). دین، وجدان کاری و رابطه آن با سبک زندگی. *پژوهش‌های اجتماعی/اسلامی*، ۱۹(۹۷)، ۹۲-۶۹.
۴. بوردیو، پ. ی. (۱۳۸۱). *نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی* (م. مردیها، مترجم). تهران: انتشارات نقش و نگار.
۵. ترنر، ب. (۱۳۸۷). *مصاحبه دین و مدرنیته* (ه. نیلی، مترجم). سایت نشریه علمی اجتماعی جامعه شناسی ایران.
۶. چنی، د. (۱۳۸۲). *سبک زندگی* (ح. چاوشیان، مترجم). نسخه چاپ نشده.
۷. حجازی، س. ن.، و حیدرخانی، ه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه میزان دینداری و سبک زندگی جوانان. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۶(۲۳)، ۹۸-۸۱.
۸. خواجه نوری، ب.، ریاحی، ز.، و مساوات، س. ا. (۱۳۹۲). رابطه سبک زندگی با میزان دینداری جوانان: مورد مطالعه جوانان شیراز. *مجله علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر)*، ۲۰، ۱۳۰-۱۰۳.
۹. شجاعی زند، ع. (۱۳۸۰). *دین، جامعه و عرفی شدن: جستارهایی در جامعه شناسی دین*. تهران: نشر مرکز.
۱۰. فاضلی، م. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*. تهران: پژوهشگاه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۱. گیدنز، آ. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی* (م. صبور، مترجم). تهران: نی.
۱۲. گیدنز، آ. (۱۳۸۷). *تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید* (ن. موفقیان، مترجم). تهران: نشر نی.
۱۳. مهدوی کنی، م. س. (۱۳۸۷). *مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی*. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۱(۱)، ۲۰۳-۱۹۹.
۱۴. میری، ا. (۱۳۸۰). *رابطه دین و سیاست*. تهران: نشر نی.
۱۵. ویلیامز، ک. (۱۳۸۶). *درک تئوری رسانه* (ر. قاسمیان، مترجم). تهران: نشر ساقی.

16. Agnew, R., & Petersen, D. (1989). Leisure and delinquency. *Social Problems*, 36(4), 332.
17. Bourdieu, P. (1984). *Distinction* (K. Smith, Trans). London, Oxford University Press.
18. Featherstone, M. (1987). Lifestyle and consumer culture. *Theory, Culture & Society*, 4(1), 55-70.
19. Giddens, A. (1991). *Modernity and self identity*. Cambridge: Polity Press.
20. Jensen, M. (2007). Defining lifestyle. *Environmental Sciences*, 4(2), 63-73.
21. Sweeting, H., & Hunt, K. (2014). Adolescent socio-economic and school-based social status, health and well-being. *Social Science & Medicine*, 121, 39-47.
22. Turner, B. S. (1991). *Religion and social theory*. London: Sage publications.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی زنان با تبعیض‌پذیری آنان در خانواده

مریم رفعت‌جاه (دانشیار گروه انسان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

rafatjah@ut.ac.ir

مرجان رشوند سرخکوله (استادیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)

m.rashvand@atu.ac.ir

فاطمه سیدزاده (کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

fs.seyedzadeh@gmail.com

چکیده

تبعیض‌های جنسیتی مسئله‌ای اجتماعی است که غالب جوامع امروزی با آن مواجه هستند و زنان قشر گسترده‌ای هستند که بیشترین آسیب را از این مسئله دریافت می‌کنند؛ از این رو پرداختن به این مسئله و آشنا شدن زنان با این تبعیض‌ها برای بهبود بخشی به شرایط زندگی و جایگاه‌شان در خانواده و جامعه ضروری می‌نماید. مطالعه حاضر در همین راستا با هدف بررسی تأثیر منابع و سرمایه‌های زنان به ویژه سرمایه اجتماعی بر میزان تبعیض‌پذیری آنان در خانواده صورت گرفته است. برای دستیابی به این هدف از نظریه تضاد کالینز برای تدوین چارچوب نظری بهره گرفته شد. این پژوهش به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام گرفته و جامعه آماری آن زنان متأهل ۲۵ تا ۵۰ ساله ساکن تهران بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۱۹۶ نفر آنان برگزیده و مورد تحقیق قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که به طور کلی تبعیض‌پذیری زنان در بعد نگرشی کم‌تر از بعد رفتاری بوده است. همچنین میزان سرمایه فرهنگی زنان مورد مطالعه نسبت به سرمایه اجتماعی آن‌ها بیش‌تر بوده، اما میزان دسترسی آنان به

سرمایه اقتصادی در سطح نازلی قرار دارد. همچنین تأثیر سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و تعداد فرزندان زنان بر تبعیض‌پذیری آنان تأیید شد. تحلیل‌های رگرسیونی نشان داد میزان تبعیض‌پذیری کلی زنان بیش از همه با افزایش سرمایه فرهنگی، سپس با افزایش سرمایه اجتماعی و در نهایت با افزایش سرمایه اقتصادی کاهش می‌یابد، اما افزایش تعداد فرزندان، موجب تبعیض‌پذیری بیش‌تر زنان در خانواده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تبعیض جنسیتی، تبعیض‌پذیری، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی.

۱. مقدمه

تفکیک اجتماعی جنسیت میان زن و مرد در جامعه ایران از عمیق‌ترین لایه‌های ذهنی کنشگران اجتماعی آغاز می‌شود و دامنه خود را تا بارزترین ساختارها و نهادهای اجتماعی مانند نهاد خانواده، نهاد آموزش و نهاد اقتصاد می‌گستراند. این تفکیک، تفکیکی است بر ساخته اجتماع، متأثر از تصورات قالبی، سوگیرانه و غالباً متضمن موقعیت‌های برتر و امتیازهای بیش‌تر برای مردان که در طول تاریخ تداوم داشته است.

در خصوص تفکیک‌های جنسیتی پژوهش‌های انجام شده در ایران (احمدی، ۱۳۹۷؛ مهرآرا، شفیعی‌پور، دیانتی و زارع زیدی، ۱۳۹۷؛ حسینی و احمدی، ۱۳۹۵؛ سلگی، ۱۳۹۵؛ رفعت‌جاه و رهبری، ۱۳۹۳؛ ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۶) نشان‌دهنده وجود تبعیض جنسیتی در خانواده ایرانی و در عین حال حاکی از آن است که با افزایش بهره‌مندی زنان از منابع و سرمایه‌های مادی (اقتصادی) و غیرمادی (سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی) زنان مخالفت و مقاومت بیش‌تری در برابر کلیشه‌های جنسیتی و تبعیض‌های اجتماعی کرده و در صدد کسب حقوق انسانی، جایگاه ممتازتر و بهبودبخشی به شرایط زندگی‌شان برآمده‌اند.

سرمایه اجتماعی سرمایه‌ای غیرمادی و متشکل از شبکه روابط اجتماعی، میزان تعامل و مشارکت اجتماعی و نیز اعتماد و دارایی نسبتاً پایدار است که سبب کسب امتیازات اقتصادی، اجتماعی می‌شود. افراد و گروه‌ها با برقراری و گسترش شبکه روابط بیرونی خود

می‌توانند سرمایه اجتماعی‌شان را افزایش دهند و از این طریق به اطلاعات، قدرت و همبستگی بیش‌تری دست یابند. اهمیت سرمایه اجتماعی در آن است که می‌تواند جایگزین یا مکمل منابع دیگر باشد. زیرا مشخصاً شامل موقعیت‌ها و روابط موجود در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که دسترسی به فرصت‌ها، آگاهی‌ها و اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد (کمپل^۱، ۲۰۰۰). با وجود اهمیت این نوع سرمایه و علی‌رغم این‌که در شرایط کنونی زنان با حضور فزاینده در دانشگاه‌ها و اشتغال توانسته‌اند منابع اقتصادی و فرهنگی خود را توسعه دهند به سبب وجود موانع ساختاری گوناگون هنوز در زمینه سرمایه اجتماعی فاصله زیادی با مردان دارند. از این‌رو در این کار پژوهشی ضمن واکاوی نقش سرمایه‌های گوناگون بر میزان تبعیض‌پذیری جنسیتی بر چند و چون سرمایه اجتماعی زنان مورد مطالعه و بررسی ارتباط آن با تبعیض‌پذیری در خانواده پرداخته‌ایم.

مطالعه تبعیض‌پذیری، در دو بُعد نگرشی و رفتاری صورت گرفته زیرا از سویی نگرش کنشگران اجتماعی پیرامون هر موضوع، شکل‌دهنده رفتار آن‌ها در مواجهه با آن موضوع در دنیای واقعی است. از سوی دیگر رفتار همیشه با نگرش هم‌جهت نیست و چه بسا شرایط اجتماعی و محدودیت‌های ساختاری مانع از تحقق یافتن نگرش و بروز آن در قالب رفتار متناسب با آن می‌شود (کریمی، ۱۳۹۶). اتکینسون و هیلگارد (۱۳۹۵) نگرش را ترکیبی از باورها و هیجان‌هایی می‌دانند که شخص را پیشاپیش آماده می‌کند تا به دیگران، اشیا و گروه‌های مختلف به شیوه مثبت یا منفی نگاه کند. نگرش‌ها ارزیابی از اشیا را خلاصه می‌کنند و در نتیجه پیش‌بینی یا هدایت اعمال یا رفتارهای آینده را بر عهده می‌گیرند.

به همین دلیل، مطالعه مسئله تبعیض‌پذیری، دارای دو بُعد یا جنبه ذهنی و عینی است و از این‌رو با در نظر گرفتن هر دوی این ابعاد، شناخت و تبیین کامل آن امکان‌پذیر است. بنابراین در این تحقیق ابتدا به دنبال آن بودیم که دریابیم زنان چه نگرش و ذهنیتی نسبت به

1. Campbell

تبعیض جنسیتی دارند و در مرحله بعد می‌خواهیم دریابیم که در خانواده خودشان تا چه حد تبعیض جنسیتی را می‌پذیرند و در عمل به آن تن می‌دهند.

از آنجاکه دغدغه اصلی ما از پرداختن به مسئله تبعیض‌پذیری، آگاهی بخشی و ارتقاء قدرت زنان در مواجهه با موقعیت‌های تبعیض‌آمیز است. به همین دلیل آنچه در این پژوهش دنبال شده، بررسی تبعیض‌پذیری زنان، و تاثیر عامل سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی آگاهی بخش، بر آن است. انتخاب سرمایه اجتماعی به عنوان عامل موثر بر این مسئله، به دو دلیل است: اولاً این مفهوم به صرف سرمایه بودنش، در حکم منبع بوده و دسترسی به آن برای افراد، طبیعتاً قدرت را به دنبال دارد. ثانیاً این سرمایه چون از بطن روابط اجتماعی و مبادلات افراد با یکدیگر حاصل می‌شود، ماهیتی آگاهی بخش دارد (کمپل، ۲۰۰۰)؛ بنابراین بحث اصلی تحقیق حاضر سنجش میزان سرمایه اجتماعی شخصی زنان، مستقل از خانواده (همسر)، و تاثیر آن بر پذیرش یا عدم پذیرش تبعیض در خانواده از سوی آن‌ها است.

همچنین با توجه به این که دسترسی به سرمایه اجتماعی برای بیش تر مردم به سرمایه اقتصادی و فرهنگی آنان بستگی دارد و از طرف دیگر گسترش سرمایه اجتماعی و برقراری روابط متقابل فردی و گروهی مستلزم اعتماد و مشارکت اجتماعی است (بوردیو، ۱۳۸۰)، بررسی عواملی که بر سرمایه اجتماعی اثرگذار هستند به شناسایی بهتر سایر ابعاد مسئله کمک خواهد کرد. اشکال مختلف سرمایه، در سایه وجود یکدیگر و در کنار هم به وجود می‌آیند. لذا سنجش تاثیر این سرمایه‌ها بر سرمایه اجتماعی و سایر عوامل موثر بر آن نیز در دستور کار این پژوهش قرار داشته است.

اهمیت این مطالعه، در محرز نمودن نقش سرمایه اجتماعی در افزایش توانمندی زنان، کاهش تبعیض‌های جنسیتی و بهبود کیفیت زندگی خانوادگی به عنوان نفعی مشترک است، چنین پژوهش‌هایی می‌تواند به تقویت همدلی و روابط عاطفی میان اعضای خانواده و رشد شخصیت آن‌ها، و استقلال و ایفای نقش موثرتر زنان در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور یاری برساند.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق

حسینی و احمدی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و گرایش والدین به تبعیض جنسیتی» به این نتایج رسیدند که رابطه معنادار بین دو متغیر سرمایه فرهنگی والدین و گرایش آن‌ها به تبعیض جنسیتی وجود دارد. بر این اساس بین میزان سرمایه فرهنگی والدین و گرایش آن‌ها به تبعیض جنسیتی نسبت به فرزندانشان، رابطه معکوس وجود داشت؛ به این معنی که گرایش به تبعیض جنسیتی در میان والدین با سرمایه فرهنگی پایین‌تر، بیش‌تر از والدین با سرمایه فرهنگی بالاتر است.

رفعت‌جاء و قربانی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقای شغلی زنان» دریافتند که زنان مدیر، عمدتاً از پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا و از خانواده‌هایی با ساختار دموکراتیک و مشارکتی برخاسته‌اند؛ درحالی‌که زنان غیر مدیر در بیش‌تر موارد در خانواده‌هایی با ساختار تساهل‌گرا یا اقتدارگرا تربیت شده‌اند. همچنین میزان سرمایه اجتماعی (روابط اجتماعی، مشارکت و اعتماد اجتماعی) زنان دارای پست‌های مدیریتی بیش‌تر از سایر زنان بوده و ترکیب و ساختار آن با سایر زنان متفاوت است. نتایج این تحقیق نه تنها از نظر اشاره به تأثیر سرمایه اجتماعی بر موفقیت‌های شغلی زنان قابل توجه است، بلکه از این حیث که به نقش و تأثیر خانواده و نابرابری‌های موجود در آن بر میزان سرمایه اجتماعی و تبع آن موفقیت‌های اجتماعی زنان توجه می‌کند نیز برای پژوهش حاضر حائز اهمیت است. اهمیت و ربط این پژوهش با پژوهش ما در تاکید بر نقش سرمایه اجتماعی در دستیابی به جایگاه اجتماعی ممتاز برای زنان است.

ملکی و نژادسبزی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «رابطه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم‌آباد» به این نتایج رسیدند که سرمایه اجتماعی رابطه معنی‌دار و معکوسی با خشونت خانگی علیه زنان دارد. این پژوهش از این لحاظ مدنظر ما

قرارگرفت که تأثیر سرمایه اجتماعی را بر خشونت خانگی علیه زنان به عنوان یکی از مظاهر آشکار و شدید تبعیض علیه زنان در خانواده نشان می‌دهد.

گروسی و نقوی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی» به بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی افراد پرداختند. این تحقیق نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی رابطه خطی مثبت و معناداری وجود دارد؛ یعنی با افزایش سرمایه اجتماعی کیفیت زندگی نیز افزایش می‌یابد. از میان ابعاد سرمایه اجتماعی، اعتماد، هنجار و مشارکت غیررسمی با کیفیت زندگی رابطه معناداری دارند. نتایج این پژوهش گرچه با رویکردی جنسیتی نیست و به عبارتی بیان نتایج به تفکیک جنسیت نیستند، همین که اذعان می‌دارد سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی افراد موثر است، قابل توجه و بررسی است.

اعظم آزاده (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «آگاهی از نابرابری‌های جنسیتی: مدلی برای سنجش میزان شناخت از نابرابری‌های جنسیتی» در وهله اول به بررسی شناخت وضعیت آگاهی جنسیتی در اذهان افراد جامعه اعم از زن و مرد و سپس به تأثیر آگاهی جنسیتی و درک نابرابری جنسیتی بر حمایت عملی از برابری‌خواهی و تبعیض‌ستیزی در افراد مطالعه شده پرداخت. او به این نتایج رسید که تجربیات، سبک زندگی، منابع ارزشمند اجتماعی (سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) از یک سو و عوامل زمینه‌ای سن، وضعیت تأهل و پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده، از سویی دیگر بر چگونگی شکل‌گیری هویت جنسیتی و میزان آگاهی از نابرابری‌های جنسیتی تأثیر می‌گذارد و آگاهی از نابرابری‌های جنسیتی به شکل‌گیری مطالبات و کنش‌های ضدنابرابری در افراد می‌انجامد. این پژوهش از نظر موضوع مورد مطالعه‌اش (تبعیض ستیزی زنان و ارتباط آن با منابع و سرمایه‌های در اختیار زنان) با پژوهش ما مشابهت دارد.

نتایج پژوهش امانی کلاریجانی (۱۳۸۴) با عنوان «توصیف و تبیین تبعیض جنسیتی از منظر دانشجویان دختر دانشگاه تهران» نشان داد که بیش از نیمی (۵۸٪) از افراد مورد مطالعه بر این نظر بودند که تبعیض جنسیتی در خانواده آن‌ها وجود دارد. ۷۰٪ پاسخگویان معتقد به وجود نظام پدرسالاری در خانواده‌شان بودند و در مجموع قریب به ۸۰ درصد پاسخگویان به نابرابری جنسیتی در آموزه‌های دینی و نیز در قوانین خانواده تأکید کردند. تمایز جنسیتی در فرایند اجتماعی‌شدن و تحصیلات پدر (به عنوان متغیر زمینه‌ای) عواملی بودند که در تبعیض جنسیتی علیه زنان در خانواده، مؤثر دیده شدند. این پژوهش از نظر تشابه با متغیر وابسته و مطالعه این موضوع در بستر نهاد خانواده و نیز از نظر تلاش در شناسایی و تبیین عوامل مهم مؤثر بر آن با موضوع این پژوهش مرتبط است.

لاوی و کاتز^۱ (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان «تقسیم‌کار غیرمنصفانه ادراک‌شده و کیفیت تأهل: اثر ایدئولوژی جنسیت» ارزش‌ها و هنجارهایی را که زنان در فرایند جامعه‌پذیری کسب و درونی کرده‌اند، عامل مهمی بر شیوه عملکرد آن‌ها در فرایند قدرت برمی‌شمارند؛ به عبارتی آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که نوع نگرش زنان به تفکیک‌های جنسیتی و آنچه در اندیشه افراد درباب جنسیت شکل می‌گیرد، تأثیر قابل توجهی بر پذیرش یا عدم پذیرش چرخه سلطه و قدرت در خانواده دارد.

جوآنا^۲ (۲۰۰۳) نیز در مطالعه خود با عنوان «شکاف جنسیتی در کانادا، آنچه اکنون می‌بینید و نمی‌بینید»، ابعاد متفاوت نگرش زنان نسبت به شکاف جنسیتی را مطالعه می‌کند و به این نتایج دست می‌یابد که افزایش سطح تحصیلات زنان، اشتغال و رشد جنبش‌های رهایی‌بخش زنان، تأثیر بسزایی در دگرگونی نقش‌های سنتی زنان و افزایش رشد آگاهی جنسیتی و کاهش نابرابری جنسیتی در بین آن‌ها داشته است.

1. Lavee & Katz

2. Joanna

زو و بیان^۱ (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان «فراتر از منابع و پدرسالاری: ساخت و ساز تأهل در قدرت تصمیم‌گیری در خانواده در پست‌مائو شهری در چین» به این مطلب پرداخته‌اند که دسترسی زنان به کار و درآمد، به عنوان منبعی در اختیار آنان، به صورت مستقیم نقش آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی افزایش می‌دهد. علاوه بر این به صورت غیرمستقیم موقعیت آنان را از طریق تعدیل نگرش‌های نقش جنسیتی، در روابط قدرت با همسران‌شان بهبود می‌بخشد؛ بدین ترتیب افزایش منابع قدرت‌آور مانند اشتغال و درآمد در بین زنان، وضعیت ایشان را در روابط خانوادگی بهبود داده و این فرایند با کم‌رنگ شدن ایدئولوژی جنسیت‌گرا سرعتی بیش‌تر گرفته است.

نتایج مطالعه کانه^۲ (۱۹۹۸) با عنوان «عقاید زنان و مردان درباره نابرابری جنسیتی، روابط خانوادگی، وابستگی و سازش» در جامعه آمریکا نشانگر آن است که هرچقدر وابستگی زنان به مردان از نظر مادی و عاطفی بیشتر باشد، درک آنان از قشربندی جنسیتی و نابرابری کم‌تر خواهد بود؛ چراکه کنترل فزاینده مردان بر منابع و نهادهای اجتماعی اغلب منجر به وابستگی زنان به مردان و پیدایش نابرابری جنسیتی می‌شود.

۲.۲. چارچوب نظری تحقیق

کالینز در نظریه تضاد خود، وجود تضاد و کشمکش در روابط انسانی بدیهی می‌داند و عمدتاً به تضادهای موجود در سطح خرد به ویژه در عرصه روابط خانوادگی می‌پردازد. در این نظریه سه اصل کلی قابل تشخیص است: نخست آنکه کالینز معتقد بود انسان‌ها در جهان‌های ذهنی ساخته بشر زندگی می‌کنند؛ دوم آنکه آدم‌ها قدرت تأثیرگذاری یا حتی نظارت بر تجربه ذهنی افراد دیگر را دارند؛ سوم اینکه آدم‌ها غالباً می‌کوشند افراد دیگری را که با آن‌ها مخالفت می‌ورزند تحت نظارت خودشان درآورند (ریتزر، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۳). پس به طور خلاصه می‌توان چنین بیان کرد که کشمکش از نظر کالینز دربردارنده تأثیرگذاری

1. Zuo & Bian

2. Kane

و تاثیرپذیری در تجربه ذهنی افراد دیگر است. کالینز به مسئله منابع و تاثیر آن بر کنش متقابل کنشگران توجه خاصی داشت. او معتقد بود کنشگرانی که منابع قابل توجهی در اختیار دارند، می‌توانند در برابر فشارهای گوناگون مقاومت کنند و حتی آن را دگرگون سازند، اما آن‌هایی که به منابع اندکی دسترسی دارند، احتمالاً افکار و اعمال‌شان بیش‌تر از افراد دسته بالا تحت‌تأثیر محیط فیزیکی‌شان تعیین می‌شود. کالینز استدلال می‌کند که در موقعیت نابرابر، آن‌هایی که منابع را تحت نظارت خود دارند، احتمالاً می‌کوشند تا افراد فاقد منابع را استثمار کنند (ریتزر، ۱۳۹۲، صص. ۱۷۳-۱۷۴). وی بر این نظر بود که خانواده عرصه کشمکش بین دو جنس است و در آن مردان همیشه پیروز بوده‌اند که نتیجه‌اش این بوده که زنان همیشه تحت تسلط مردان و در معرض انواع رفتارهای نابرابرانه بوده‌اند (ریتزر، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۵). این نظریه نه‌تنها به منابع اقتصادی و تاثیر آن بر قدرت و سلطه و یا پذیرش سلطه، بلکه به کلیه منابع در اختیار افراد در این زمینه اشاره دارد. کولینز در این-رابطه به‌طور مشخص درباره زنان و موقعیت فرودست آنان در خانواده اظهارنظر کرده است. پی‌یر بوردیو نظریه‌پرداز نامدار فرانسوی در اثر معروف خود تمایز نظریه فراگیری در خصوص منشاء نابرابری‌های اجتماعی ارائه نموده که در آن علاوه بر منابع اقتصادی به سایر منابع و سرمایه‌هایی که افراد یا گروه‌ها در اختیار دارند از جمله سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی توجه کرده است. در نظریه بوردیو، در میان انواع سرمایه‌ها، سرمایه اجتماعی، تاحدی مستقل از سرمایه اقتصادی و فرهنگی عمل می‌کند، ضمن اینکه از آن‌ها کاملاً مستقل نیست (فیلد، ۱۳۹۲، ص. ۲۹)؛ ازاین‌رو برای شناخت بهتر سرمایه اجتماعی لازم است از سرمایه اقتصادی و به ویژه سرمایه فرهنگی فرد یا گروه مورد نظر نیز آگاهی داشته باشیم.

ابعاد سرمایه اجتماعی از نظر بوردیو، شبکه‌ها و روابط اجتماعی افراد و نیز نوع جامعه‌پذیری آن‌هاست؛ بدین‌معنا که افراد علاوه بر ایجاد روابط و شبکه‌های اجتماعی باید بدانند و بیاموزند که چگونه این شبکه‌ها را حفظ کرده و از منابع موجود در آن‌ها بهره ببرند، و تنها صرف قرارگرفتن در شبکه‌ها، نمی‌تواند برای آن‌ها به منزله سرمایه باشد؛ ازاین‌رو در

بررسی سرمایه اجتماعی، پرداختن به شبکه‌های ارتباطی افراد و نیز آنچه موجب دوام و قابل استفاده بودن‌شان برای آن‌ها می‌شود، ازجمله اعتماد، در اولویت قرار دارد.

کلمن از نظریه پردازان سرمایه اجتماعی است که اهمیت ویژه‌ای برای مفهوم اعتماد در مناسبات و روابط بینافردی قائل است. وی اعتماد را یکی از عوامل مهم شکل‌گیری و سنجش میزان سرمایه اجتماعی می‌داند (کلمن، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۶).

بر همین اساس، در این تحقیق برای سنجش مفهوم سرمایه اجتماعی، از دو مؤلفه نوع و دامنه شبکه ارتباطی و اعتماد استفاده کرده‌ایم. علاوه بر این، براساس نظریه کلمن، چگونگی وضعیت اشتغال زنان، به دلیل ایجاد منبع درآمد و یا دارایی‌های آنان، تأثیر مستقیمی بر سرمایه اقتصادی آنان دارد و از این طریق بر سرمایه اجتماعی آنان نیز مؤثر است. وضعیت اشتغال زنان همچنین به دلیل ایجاد امکان ارتباطات بیش‌تر برای آن‌ها می‌تواند از این طریق نیز، عامل تأثیرگذاری بر سرمایه اجتماعی آنان باشد.

در این پژوهش، تبعیض‌پذیری در دو بُعد نگرشی و رفتاری بررسی شده است. در بُعد نگرشی، نگرش^۱ زنان نسبت به کلیشه‌های جنسیتی^۲ سنجیده شده است. کلیشه‌ها یا تصورات قالبی جنسیتی به معنای تصاویر ذهنی یکنواخت و قالب‌بندی شده‌ای از رفتارهای خاص زنان و مردان بدون بررسی و آزمون آن‌هاست. براساس کلیشه‌های جنسیتی، زنان و مردان دارای خصوصیات و حالات روانی خاص خود هستند؛ درنتیجه هر کدام قابلیت انجام وظایف و کارهای متفاوتی را دارند (اعزازی، ۱۳۸۰، ص. ۴۵). آنچه در بررسی کلیشه‌های جنسیتی در جامعه جلب توجه می‌کند، رواج کلیشه‌های عمدتاً منفی در مورد زنان و نیز شیوع و پذیرش کلیشه‌های عمدتاً مثبت راجع به مردان است که این کلیشه‌ها در نهایت به پیش‌داوری و تبعیض جنسیتی منجر می‌شود (ریاحی، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۱).

1. Attitude

2. Gender stereotypes

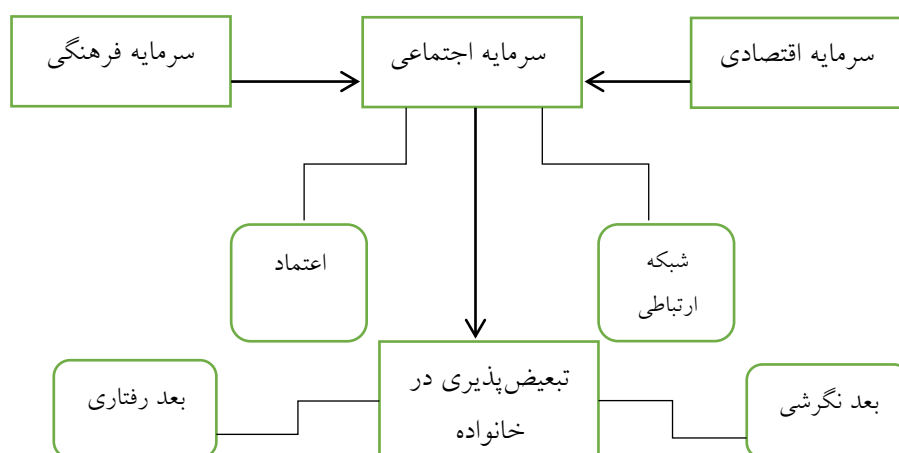
اما در بُعد رفتاری تبعیض‌پذیری، بررسی واکنش و عملکرد زنان در موقعیت‌های تبعیض‌آمیز در حیطه زندگی واقعی و روزمره‌شان در دو قلمرو نحوه تقسیم کار خانگی و تصمیم‌گیری در خانواده حائز اهمیت است. یکی از تعارض‌ها و تبعیض‌هایی که زنان در عرصه زندگی خانوادگی تجربه می‌کنند حوزه تقسیم کار است که مبنایی کاملاً جنسیتی دارد (آبوت و والاس، ۱۳۷۶، ص. ۱۶۷)؛ یعنی بر تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی استوار است و نه تفاوت‌های زیستی و طبیعی. براساس تقسیم جنسیتی کار، کارهای درون خانه و مراقبت از کودکان برعهده زنان است چه شاغل باشند و چه نباشند و مردان صرفاً عهده‌دار کارهای شغلی و فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی بیرون از حوزه خانه و خانواده هستند. نتیجه این تقسیم کار به صورت «فشار مضاعف» بر زنان متأهل شاغل در بیرون از خانه، نمایان می‌شود (گرت، ۱۳۹۶، ص. ۵۶). در این شرایط زنان فرصت کم‌تری برای پرداختن به علایق شخصی و گذران فراغت پیدا می‌کنند.

یکی از نمودهای دیگر نابرابری و تبعیض جنسیتی در خانواده قدرت «تصمیم‌گیری»^۱ در خانواده است؛ بدین معنا که در زمینه هزینه کردن پول، خرید امکانات برای خانواده و تربیت فرزندان، چه کسی حرف آخر^۲ را می‌زند (مهدوی و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲، صص. ۳۱-۳۲). تصمیم‌گیری‌ها در خانواده اعم از مالی و غیرمالی، از حوزه‌های مورد توجه این پژوهش در زمینه ابعاد تبعیض‌پذیری رفتاری زنان است.

برای تبیین رابطه سرمایه اجتماعی و تبعیض‌پذیری، از نظریه تضاد کالینز که عمدتاً به تضادهای موجود در خانواده می‌پردازد، بهره گرفته‌ایم. این نظریه نه تنها به منابع اقتصادی و تاثیر آن بر قدرت و اعمال سلطه و یا پذیرش سلطه، بلکه به کلیه منابع در اختیار افراد از جمله منابع و سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی توجه کرده و در این زمینه به‌طور مشخص به زنان و موقعیت نابرابر آنان در خانواده پرداخته است. شایان ذکر است که کالینز به تسلط

1. Decision making
2. Final say

ناخودآگاه افراد دارای منابع بیش تر بر سایرین اشاره می کند. به نظر او این اتفاق آگاهانه رخ نمی دهد؛ بلکه افراد تنها چیزی را که به صورت کاملاً آگاهانه پیگیری می کنند، نفع شخصی است و در این راه آنان که منابع بیش تری در اختیار دارند نسبت به سایرین از توان بیش تری برای تحمل فشارها و مقابله با آن و تغییر دادن شرایط به نفع خودشان برخوردارند. براساس رویکرد نظری پژوهش، برای پی بردن به چگونگی تبعیض پذیری زنان در خانواده مجموعه ای از منابع و سرمایه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را مورد واکاوی قرار داده ایم. در مدل زیر مفاهیم و عوامل مطالعه شده در قالب یک مدل درج شده است (شکل ۱).



شکل ۱- مدل نظری پژوهش

۳. روش تحقیق

این بخش به گونه ای اجمالی به تعریف مفاهیم، روش مطالعه، جامعه آماری و شیوه نمونه گیری می پردازد. همان گونه که پیش تر نیز اشاره شد، هدف این مقاله بررسی رابطه میان

سرمایه اجتماعی زنان، با تبعیض‌پذیری آنان در خانواده است. متغیر وابسته تحقیق تبعیض‌پذیری زنان و متغیرهای مستقل شامل سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی هستند. متغیرهای زمینه‌ای تحقیق نیز شامل سن فرد پاسخگو، تحصیلات، تعداد فرزندان، وضعیت اشتغال (شاغل بودن یا نبودن) و منزلت شغلی است. در این پژوهش مفاهیم تبعیض‌پذیری، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی به شرح ذیل بررسی و اندازه‌گیری شد.

تبعیض‌پذیری: زمانی که در یک گروه یا جامعه، جزئی از جمعیت در مقایسه با مجموع آن، در برابر رفتارها و کردارهای متفاوت قرار می‌گیرند، از تبعیض سخن به میان می‌آید. تبعیض جنسی یعنی اعمال، رفتار، پیش‌داوری‌ها و جهان‌بینی‌هایی که زنان را فرودست و کم‌ارزش‌تر از مردان دانسته و جنس مذکر را مسلط بر جنس مونث می‌داند (میشل، ۱۳۸۲، ص. ۱۷). بدین طریق تبعیض‌پذیری در زنان، به معنای نبود واکنش مقاومتی در برابر تضييع حقوق و محدودیت فرصت‌های آنان نسبت به مردان است. به عبارت دیگر تبعیض‌پذیری زنان، به معنای تن دادن به قرارگرفتن در مواضع نه تنها متفاوت، بلکه ناخوشایند، محدودکننده و گاهی ظالمانه، نسبت به مردان است. در این پژوهش متغیر تبعیض‌پذیری، در دو بُعد رفتاری و نگرشی، بررسی خواهد شد. بُعد نگرشی با سه شاخص نگرش به کلیشه‌ها و تبعیض‌های شغلی، تحصیلی و خانوادگی بررسی شده و بُعد رفتاری با دو شاخص تقسیم کار و تصمیم‌گیری در خانواده سنجیده شده است.

سرمایه اجتماعی: برای سنجش شاخص سرمایه اجتماعی از دو متغیر شبکه ارتباطی و اعتماد استفاده شده است. منظور از شبکه ارتباطی میزان و تعداد افراد و گروه‌هایی است که یک شبکه ارتباطی را تشکیل می‌دهند. تعداد افراد و گروه‌هایی که در شبکه ارتباطی زنان، حضور دارند، شامل والدین پاسخگو و همسر، خواهر و برادران پاسخگو و همسر، اقوام پاسخگو و همسر، دوستان، همکاران و همسایگان هستند که در قالب گویه‌هایی بررسی شدند. همچنین متغیر اعتماد توسط اعتماد بنیادین و اعتماد بین‌شخصی سنجیده شده است.

اعتماد بنیادی از ترکیب دو بُعد رضایت از زندگی با چهار گویه و رضایت از ویژگی‌های فردی با شش گویه بررسی شدند. اعتماد بین‌شخصی نیز توسط یک مقیاس دوازده گویه‌ای سنجش شده است.

سرمایه فرهنگی: بوردیو معتقد است که سرمایه فرهنگی می‌تواند به سه شکل متجسد^۱ یا تجسم‌یافته (تمایلات و گرایش‌های روانی فرد نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی یا به عبارتی سلیق فرهنگی)، عینیت‌یافته^۲ (میزان مصرف کالاهای فرهنگی چون کتاب‌ها، کامپیوتر، هنر و...) و نهادینه‌شده^۳ (مدارک واقعی یا شواهد پایگاه‌های علمی-فرهنگی مثل مدرک تحصیلی) وجود داشته باشد (بوردیو، به نقل از تاجبخش، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۷). در پژوهش حاضر بُعد تجسم‌یافته سرمایه فرهنگی از طریق علاقه به انواع مختلف کتاب‌ها، روزنامه‌ها و نشریات، برنامه‌های تلویزیون و شبکه‌های ماهواره‌ای، سینما، تئاتر و انواع فیلم‌ها، انواع استفاده از رایانه و اینترنت سنجیده شده است. بُعد عینیت‌یافته شامل میزان استفاده از موارد فوق بوده و بُعد نهادینه شده از طریق سوال درباره سطح تحصیلات سنجیده شده است.

سرمایه اقتصادی: سرمایه‌ای است که مستقیماً قابل تبدیل به پول است و ممکن است به شکل حقوق مالکیت درآمد (بوردیو به نقل از تاجبخش، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۶). سرمایه اقتصادی در این پژوهش از ترکیب دو شاخص درآمد و دارایی‌های زنان تشکیل می‌شود. علاوه بر این، وضعیت اشتغال زنان بررسی شد؛ به این دلیل که اشتغال نه تنها منبعی برای بالابردن سرمایه اقتصادی (درآمد و دارایی‌ها) است، بلکه می‌تواند در مرحله بعدی اثرگذاری، به عنوان یکی از عوامل یا لوازم گسترش شبکه ارتباطی زنان، عمل کند؛ پس اثر آن علاوه بر سرمایه اقتصادی (از لحاظ درآمد) بر سرمایه اجتماعی نیز قابل بررسی است.

-
1. Embodied
 2. Objectified
 3. Presuppositions

تمام گویه‌ها برای بررسی شاخص‌ها و مقولات، با استفاده از طیف لیکرت با گزینه‌های پنج‌تایی مطرح شدند که پس از بررسی مقدماتی^۱ و پس از محاسبه ضرایب آلفای کرونباخ به منظور تعیین پایایی آن‌ها برای بررسی نهایی انتخاب شدند.

جامعه آماری شامل همه زنان متأهل ۲۵-۵۰ ساله شهر تهران است. دلیل بازه سنی انتخاب شده به دلیل مطالعه نسل تاحدودی جوان‌تر است؛ چراکه نسل‌های مسن‌تر، احتمالاً از نظر سرمایه اجتماعی حالت متفاوت‌تری نسبت به نسل‌های جوان‌تر داشته و مخصوصاً از بُعد اشتغال که علاوه بر درآمد، از لحاظ تولید سرمایه اجتماعی نیز، یکی از مسائل مورد توجه پژوهش حاضر است، احتمالاً بیش‌تر در وضعیت بازنشستگی و عدم اشتغال قرار دارند.

حجم نمونه مقتضی به دو عامل کلیدی دقت احتمالی مطلوب و دامنه تغییر یکی از متغیرهای اصلی مورد مطالعه بستگی دارد و عمدتاً با استفاده از فرمول کوکران، تعیین می‌شود (دواس، ۱۳۸۹، ص. ۷۸).

با توجه به نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن انجام شده، تعداد جمعیت مورد نظر پژوهش حاضر ۱۶۳۳۰۹۹ نفر به دست آمد. براساس فرمول کوکران و با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵٪ و در نتیجه ضریب اطمینان ۱/۹۶ و دقت احتمالی مطلوب ۰/۰۷ و نیز با در نظر گرفتن بیش‌ترین میزان پراکندگی متغیر (تبعیض‌پذیری) در جامعه، حجم نمونه مورد بررسی پژوهش حاضر، ۱۹۶ نفر محاسبه شد.

در مرحله بعد مناطق ۲۲ گانه شهر تهران از نظر سطح توسعه‌یافتگی به سه گروه مناطق بالا، متوسط و پایین تقسیم شد. سپس به صورت تصادفی از هر گروه، یک منطقه انتخاب شد که عبارت‌اند از منطقه ۱ به عنوان منطقه دارای سطح توسعه‌یافتگی بالا، منطقه ۴ به عنوان منطقه دارای سطح توسعه‌یافتگی متوسط و منطقه ۱۸ به عنوان منطقه دارای سطح

توسعه‌یافتگی پایین^۱. مرحله بعد، انتخاب تصادفی نواحی و بلوک‌های هریک از این سه منطقه برای انتخاب افراد نمونه از بین آن‌ها بود؛ اما نکته‌ای که در طی این مراحل در نظر گرفته شد، حجم یا تراکم جمعیتی هر منطقه و ناحیه نسبت به سایر مناطق^۲ (دو منطقه دیگر) بود. پس از مشخص شدن اینکه به هر بلوک انتخابی تصادفی، چه تعداد از افراد نمونه تعلق می‌گیرد، افراد واجد شرایط نمونه (زنان ۵۰-۲۵ ساله متاهل)، در این بلوک‌ها به صورت تصادفی انتخاب شده و مورد پرسشگری با پرسشنامه قرار گرفتند.

۴. یافته‌های تحقیق

۷۲ درصد زنان مورد مطالعه در سنین جوانی یعنی ۲۵ تا ۳۹ سال قرار داشته‌اند و تنها ۲۷ درصد آن‌ها در سنین ۴۰ تا ۵۰ سال قرار داشتند و میانگین سنی آن‌ها ۳۵ سال بوده است. حدود ۱۳ درصد زنان دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۳۶ درصدشان دارای تحصیلات دیپلم و کاردانی و ۵۲ درصد آنان دارای تحصیلات کارشناسی و بالاتر بودند. همچنین ۳۳ درصد زنان مورد مطالعه شاغل (تمام وقت یا نیمه‌وقت)، ۱۱ درصد بازنشسته و ۵۶ درصد از زنان فقط خانه‌دار بوده‌اند. منزلت شغلی^۳ حدود ۵۷ درصد آن‌ها پایین و نسبتاً پایین، ۳۲٫۶ درصد نسبتاً بالا و ۱۱ درصد آنان بالا بوده است. در میان افراد دارای درآمد، ۶۰ درصد آنان درآمد کم و نسبتاً کم و حدود ۴۰ درصد نیز درآمد زیاد و نسبتاً زیاد داشته‌اند. همچنین حدود ۴

۱. برای دسته‌بندی مناطق، از مقاله «تحلیل فضایی سطح توسعه‌یافتگی تهران به تفکیک مناطق شهری» نوشته رفیع‌یان و شالی (۱۳۹۱) استفاده شده است. در این مقاله، مناطق ۱، ۲، ۳ و ۶ به‌عنوان مناطق توسعه‌یافته، مناطق ۵ و ۷ به‌عنوان مناطق نسبتاً توسعه‌یافته، مناطق ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ مناطقی با توسعه‌یافتگی متوسط و مناطق ۱۵، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ به‌عنوان مناطق توسعه‌نیافته ذکر شده‌اند. در این پژوهش به‌صورت تصادفی از مناطق توسعه‌یافته، مناطق دارای توسعه‌یافتگی متوسط و مناطق توسعه‌نیافته، یک منطقه انتخاب گردید؛ بدین ترتیب، منطقه ۱ به‌عنوان منطقه توسعه‌یافته، منطقه ۴ به‌عنوان منطقه‌ای با توسعه‌یافتگی متوسط و منطقه ۱۸ به‌عنوان منطقه توسعه‌نیافته انتخاب شده است.

۲. حجم جمعیت مناطق، از نتایج آخرین سرشماری عمومی انجام شده استخراج گردید.

۳. منزلت شغلی براساس جدول ساختار پرستیژ شغلی ایران که توسط دکترنایی و عبداللهیان در سال ۱۳۸۱ تدوین شد، استخراج و دسته‌بندی شده است.

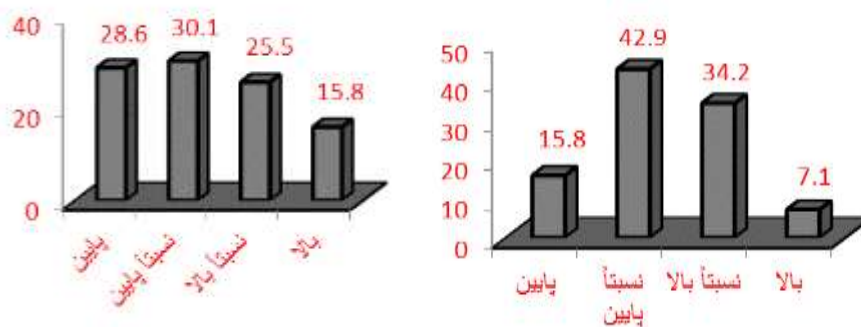
درصد زنان بدون فرزند، نیمی از زنان مورد مطالعه دارای یک فرزند، ۴۲ درصد آنان دارای دو تا سه فرزند و ۴ درصد دارای ۴ فرزند و بیشتر بوده‌اند.

میزان سرمایه اجتماعی ۵۴ درصد زنان، پایین و ۴۵ درصد آنان بالا بوده است. این آمار نشان‌دهنده وضعیتی نه‌چندان مطلوب در زمینه سرمایه اجتماعی زنان، به‌عنوان منبعی در اختیار آن‌هاست. وضعیت زنان از لحاظ در اختیار داشتن سرمایه فرهنگی نسبت به سرمایه اجتماعی، وضعیت مناسب‌تری است؛ به گونه‌ای که میزان سرمایه فرهنگی ۷۴ درصد زنان بالا و ۲۶ درصدشان پایین بوده است. در رابطه با سرمایه اقتصادی ۱۰ درصد پاسخگویان فاقد سرمایه اقتصادی (یعنی فاقد هیچ‌گونه درآمد و دارایی)، قریب به ۷۰ درصد آنان دارای سرمایه اقتصادی پایین، حدود ۱۶ درصد دارای سرمایه اقتصادی متوسط و تنها ۴ درصد آن‌ها دارای سرمایه اقتصادی بالایی بوده‌اند.

میزان تبعیض‌پذیری کلی (شامل دو بُعد رفتاری و نگرشی) در بین ۱۲/۸ درصد از زنان مورد مطالعه بالا، در ۳۶/۷ درصد زنان نسبتاً بالا، در ۳۹/۸ درصد آنان نسبتاً پایین و در ۱۰/۷ درصد آن‌ها پایین بوده است. تبعیض‌پذیری رفتاری که خود از دو مولفه تقسیم کار خانگی و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده تشکیل شده در قریب به ۱۶ درصد زنان مورد مطالعه پایین، در ۴۳ درصدشان نسبتاً پایین، در ۳۴ درصدشان نسبتاً بالا و در ۷ درصد آنان بالا بوده که نشانه این است که تبعیض‌پذیری پایین، در زنان بیش‌تر است؛ به عبارتی گرایش عملی زنان به عدم پذیرش تبعیض، بیش‌تر است تا به پذیرفتن و تن‌دادن به آن. همچنین تبعیض‌پذیری نگرشی (در سه عرصه خانوادگی، شغلی و تحصیلی) در حدود ۲۹ درصد افراد نمونه پایین، در ۳۰ درصد آنان نسبتاً پایین، در ۲۵/۵ درصدشان نسبتاً بالا و در ۱۶ درصدشان بالا بوده است. ارقام نسبی تبعیض‌پذیری رفتاری و نگرشی و کل به تفکیک در جدول صفحه بعد آمده است.

جدول ۱- توزیع فراوانی نسبی متغیرهای تبعیض پذیری رفتاری، نگرشی و کل

بالا	نسبتاً بالا	نسبتاً پایین	پایین	
۷/۱	۳۴/۲	۴۲/۹	۱۵/۸	تبعیض پذیری رفتاری
۱۶/۰	۲۵/۵	۳۰/۰	۲۹/۰	تبعیض پذیری نگرشی
۱۲/۸	۳۶/۷	۳۹/۸	۱۰/۷	تبعیض پذیری کل



شکل ۲- نمودار توزیع فراوانی تبعیض پذیری نگرشی پاسخگویان برحسب درصد نمودار توزیع

فراوانی میزان تبعیض پذیری رفتاری پاسخگویان برحسب درصد

جدول ۲- شاخص های آماری محاسبه شده برای خرده ابعاد تبعیض پذیری نگرشی

خرده ابعاد	میانگین	واریانس	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
خانوادگی	۸,۹۳	۸,۳۶	۲,۹	۰,۲۱
شغلی	۹,۶۵	۸,۷۴	۲,۹۵	۰,۲۱
تحصیلی	۷,۴۶	۷,۴۵	۲,۷۳	۰,۱۹

میانگین های سه خرده بعد تبعیض پذیری نگرشی (خانوادگی، شغلی و تحصیلی) نشان می دهد که زنان مورد مطالعه، درباره تبعیض ها و تفاوت های جنسیتی در حوزه اشتغال زنان

مقاومت کمتری دارند. از این لحاظ حوزه خانوادگی در مرتبه دوم، و حوزه تحصیلات در مرتبه سوم واقع شده‌اند؛ به عبارتی با کلیشه‌های شغلی کمتر از کلیشه‌های مربوط به سایر حوزه‌ها و در مقابل، با کلیشه‌های تحصیلی بیشتر از کلیشه‌های مربوط به سایر حوزه‌ها مخالفت می‌شود که گویای آن است که هنوز هم مسئله اشتغال در ذهن زن ایرانی که همه مسئولیت‌های حوزه خانوادگی را نیز به دوش دارد، مسئله‌ای حل نشده و تناقض‌آمیز است (رفعت‌جاه، ۱۳۹۱). علاوه بر این، امروزه با توجه به موفقیت‌های تحصیلی دختران، بیش از پیش شاهد افزایش مخالفت با تبعیض‌های جنسیتی در حوزه تحصیلات هستیم.

۴.۱. یافته‌های تبیینی

میان سرمایه اجتماعی زنان و میزان تبعیض‌پذیری آنان در خانواده رابطه‌ای با شدت متوسط و معنادار و معکوس مشاهده شد؛ یعنی با افزایش سرمایه اجتماعی زنان میزان تبعیض‌پذیری آن‌ها در خانواده کاهش می‌یابد. نتیجه حاصل بیانگر این مطلب است که سرمایه اجتماعی برای زنان به مثابه یک منبع عمل می‌کند و مقاومت آن‌ها را در برابر موقعیت‌های تبعیض‌آمیز (چه در عرصه رفتار و چه در زمینه نگرش نسبت به این‌گونه موقعیت‌ها) افزایش می‌دهد. همچنین رابطه بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان سرمایه اقتصادی نیز قابل توجه، معنادار و معکوس است؛ بدین ترتیب که با افزایش میزان سرمایه فرهنگی و اقتصادی فرد، میزان تبعیض‌پذیری او (در همه ابعاد) کاهش می‌یابد (جدول ۲). شایان توجه است که رابطه تبعیض‌پذیری رفتاری با انواع سرمایه در مقایسه با تبعیض‌پذیری نگرشی ضعیف‌تر بوده که احتمالاً به دلیل آن است که تغییرات نگرشی غالباً مقدم بر تغییرات رفتاری پدید می‌آید و سپس با تاخیری زمانی به عرصه رفتار رسوخ می‌کند.

جدول ۳- رابطه تبعیض پذیری جنسیتی با سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی

متغیر وابسته انواع سرمایه	تبعیض‌پذیری نگرشی	تبعیض‌پذیری رفتاری	تبعیض‌پذیری کل
	ضریب همبستگی و سطح معناداری	ضریب همبستگی و سطح معناداری	ضریب همبستگی و سطح معناداری
سرمایه اجتماعی	$r = -0/295$ پیرسون $P_0 = 0/000$	$r = -0/276$ پیرسون $P_0 = 0/001$	$r = -0/398$ پیرسون $P_0 = 0/000$
سرمایه فرهنگی	$r = -0/391$ پیرسون $P_0 = 0/000$	$r = -0/165$ پیرسون $P_0 = 0/021$	$r = -0/431$ پیرسون $P_0 = 0/000$
سرمایه اقتصادی	$r = -0/271$ پیرسون $P_0 = 0/000$	$r = -0/171$ پیرسون $P_0 = 0/017$	$r = -0/326$ پیرسون $P_0 = 0/000$

جدول ۴ رابطه دو متغیره بین تبعیض‌پذیری جنسیتی و متغیرهای زمینه‌ای را نشان می‌دهد. رابطه بین تحصیلات و تبعیض‌پذیری کل و تبعیض‌پذیری نگرشی در سطح ۰/۰۱ معنادار است. علامت منفی ضریب همبستگی پیرسون، بیانگر رابطه معکوس بین دو متغیر است؛ بدین معنا که با افزایش تحصیلات زنان، میزان تبعیض‌پذیری کل و تبعیض‌پذیری نگرشی کاهش می‌یابد. بین تعداد فرزندان و تبعیض‌پذیری کل و تبعیض‌پذیری نگرشی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد و این رابطه در سطح ۰/۰۱ معنادار شده است؛ بدین معنا که هرچه تعداد فرزندان بیش‌تر باشد، تبعیض‌پذیری کل و تبعیض‌پذیری نگرشی افزایش می‌یابد. همچنین بین منزلت شغلی و تبعیض‌پذیری نگرشی رابطه مستقیم وجود دارد و این رابطه در سطح ۰/۰۵ درصد معنادار شده است؛ بدین معنا که با افزایش منزلت شغلی زنان میزان تبعیض‌پذیری نگرشی آنان افزایش خواهد یافت.

جدول ۴- رابطه تبعیض پذیری جنسیتی با متغیرهای زمینه‌ای

متغیر وابسته متغیرهای زمینه‌ای	تبعیض‌پذیری نگرشی	تبعیض‌پذیری رفتاری	تبعیض‌پذیری کل
	ضریب همبستگی و سطح معناداری	ضریب همبستگی و سطح معناداری	ضریب همبستگی و سطح معناداری
سن پاسخگو	$r = -0/009$ $P_0 = 0/905$	$r = -0/068$ $P_0 = 0/343$	$r = -0/040$ $P_0 = 0/576$
تحصیلات	$r_s = -0/444$ $P_0 = 0/000$	$r_s = -0/145$ $P_0 = 0/420$	$r_s = -0/477$ $P_0 = 0/000$
تعداد فرزندان	$r = 0/224$ $P_0 = 0/002$	$r = 0/038$ $P_0 = 0/594$	$r = 0/221$ $P_0 = 0/002$
اشتغال	$\text{Eta} = 0/246$ $P_0 = 0/461$	$\text{Eta} = 0/171$ $P_0 = 0/305$	$\text{Eta} = 0/277$ $P_0 = 0/549$
منزلت شغلی	$r_s = 0/372$ $P_0 = 0/023$	$r_s = -0/068$ $P_0 = 0/521$	$r_s = 0/208$ $P_0 = 0/470$

۲.۴. نتایج تحلیل رگرسیونی

در این بخش به منظور بررسی چگونگی تأثیرگذاری همزمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (تبعیض‌پذیری کل) و نیز به سبب آنکه متغیر وابسته در سطح سنجش فاصله‌ای سنجیده شده است، با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره به تحلیل چند متغیره‌ی داده‌ها پرداخته شد تا تأثیر خالص متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تبعیض‌پذیری زنان در خانواده شناسایی شود. به دلیل فهم دقیق‌تر عوامل مؤثر بر تبعیض‌پذیری زنان، رگرسیون چندمتغیره در دو مرحله انجام شده است. مرحله اول بر اساس سه متغیر مستقل اصلی (سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی) و مرحله دوم نیز با ورود متغیرهای زمینه‌ای (سن، تعداد فرزندان، اشتغال و منزلت شغلی) و براساس هفت متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، سن، تعداد فرزندان، اشتغال و منزلت شغلی) انجام شده است.

جدول ۵ خروجی رگرسیون چندمتغیره عوامل مؤثر بر تبعیض پذیری کل را بر اساس سه متغیر مستقل سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی نشان می دهد. در این جدول، ضریب تأثیر استاندارد (Beta) گویای جهت و به ویژه شدت تأثیر هریک از متغیرهای مستقل، بر تبعیض پذیری است؛ بر این اساس، متغیر سرمایه فرهنگی با بالاترین ضریب (۰/۳۸۵) قوی ترین پیش بینی کننده میزان تبعیض پذیری زنان است. متغیرهای سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی به ترتیب در مرتبه بعدی اهمیت قرار دارد. در مجموع سه متغیر مذکور ۲۶/۴ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده اند. جهت رابطه متغیرهای مستقل بر تبعیض پذیری منفی بوده است؛ بدین معنی که با افزایش سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی از میزان تبعیض پذیری زنان کاسته می شود.

جدول ۵- نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره عوامل مؤثر بر تبعیض پذیری کل

متغیرهای مستقل	B	ضرایب استاندارد شده B	مقدار t	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی	-۰/۱۲۶	-۰/۳۳۹	-۳/۴۸۷	۰/۰۰۱
سرمایه اقتصادی	-۰/۴۰۰	-۰/۲۵۱	-۲/۲۳۲	۰/۰۲۷
سرمایه فرهنگی	-۰/۱۱۰	-۰/۳۸۵	-۴/۱۰۲	۰/۰۰۰
ضرایب رگرسیون	$R^2 = ۰/۳۶۴$ تعدیل شده	$R^2 = ۰/۲۷۶$		$R = ۰/۵۴۷$
متغیرهای مستقل	B	ضرایب استاندارد شده B	مقدار t	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی	-۰/۱۵۶	-۰/۲۹۸	-۲/۰۱۵	۰/۰۴۲
سرمایه اقتصادی	-۰/۳۵۵	-۰/۱۳۶	-۱/۲۵۸	۰/۲۱۲
سرمایه فرهنگی	-۰/۱۱۷	-۰/۳۷۸	-۲/۵۶۳	۰/۰۱۲
سن	-۰/۳۴۶	-۰/۰۸۷	-۰/۶۹۵	۰/۴۳۲
تعداد فرزندان	۱/۴۷۳	۰/۳۰۶	۲/۰۹۵	۰/۰۳۷
اشتغال	-۰/۴۵۲	-۰/۰۶۱	-۰/۵۷۵	۰/۵۶۷
منزلت شغلی	-۰/۳۳۶	-۰/۰۷۸	-۰/۶۸۴	۰/۴۵۲
ضرایب رگرسیون	$R^2 = ۰/۳۴۰$ تعدیل شده	$R^2 = ۰/۳۴۹$		$R = ۰/۶۳۵$

آماره‌های رگرسیون چندمتغیره عوامل مؤثر بر تبعیض‌پذیری کل بعد از ورود متغیرهای زمینه‌ای^۱، نشان می‌دهد که از میان هفت متغیر مستقل وارد شده در مدل رگرسیونی، سه متغیر تأثیر مستقل و معناداری بر متغیر وابسته یعنی تبعیض‌پذیری کل داشته‌اند. متغیر سرمایه فرهنگی با بالاترین ضریب (۰/۳۷۸) قوی‌ترین پیش‌بینی کننده میزان تبعیض‌پذیری زنان است. متغیرهای تعداد فرزندان و سرمایه اجتماعی در مراتب بعدی اهمیت قرار دارند. در مجموع سه متغیر سرمایه فرهنگی، تعداد فرزندان و سرمایه اجتماعی ۳۴ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. جهت رابطه متغیرهای سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی بر تبعیض‌پذیری کل منفی بوده است؛ بدین معنی که با افزایش سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی از میزان تبعیض‌پذیری زنان کاسته می‌شود؛ این در حالی است که جهت رابطه متغیر تعداد فرزندان بر تبعیض‌پذیری زنان مثبت بوده است. بدین معنی که با افزایش تعداد فرزندان بر میزان تبعیض‌پذیری زنان نیز افزوده می‌شود.

متغیر وابسته تبعیض‌پذیری دارای دو بُعد نگرشی و رفتاری است؛ بنابراین در ادامه، رگرسیون چندمتغیره برای تبعیض‌پذیری نگرشی و تبعیض‌پذیری رفتاری انجام شده است. برای فهم دقیق‌تر عوامل مؤثر بر تبعیض‌پذیری نگرشی و تبعیض‌پذیری رفتاری، رگرسیون چندمتغیره در دو مرحله انجام شده است مرحله اول براساس سه متغیر مستقل اصلی (سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی) و مرحله دوم نیز با ورود متغیرهای زمینه‌ای (سن، تعداد فرزندان، اشتغال و منزلت شغلی) و براساس هفت متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، سن، تعداد فرزندان، اشتغال و منزلت شغلی) انجام شده است.

جدول ۶ خروجی رگرسیون چندمتغیره عوامل مؤثر بر تبعیض‌پذیری نگرشی را براساس سه متغیر مستقل سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی نشان می‌دهد؛ بر این

۱. شایان ذکر است که متغیر زمینه‌ای تحصیلات به جهت آن که خود جزو مولفه‌های سرمایه فرهنگی بوده جداگانه در مدل رگرسیونی وارد نشده است.

اساس، متغیر سرمایه فرهنگی با بالاترین ضریب تأثیر (۰/۲۹۲) قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده میزان تبعیض‌پذیری نگرشی است. متغیر سرمایه اجتماعی در مرتبه بعدی اهمیت قرار دارد. در مجموع دو متغیر مذکور حدود ۱۹ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. جهت رابطه متغیرهای مستقل بر تبعیض‌پذیری منفی بوده است؛ بدین معنی که با افزایش سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی از میزان تبعیض‌پذیری نگرشی زنان کاسته می‌شود.

جدول ۶- نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره عوامل مؤثر بر تبعیض‌پذیری نگرشی

متغیرهای مستقل	B	ضرایب استاندارد شده B	مقدار t	سطح معناداری	مرحله اول
سرمایه اجتماعی	-۰/۰۶۸	-۰/۲۴۶	-۲/۵۷۰	۰/۰۴۱	
سرمایه اقتصادی	-۰/۲۹۶	-۰/۱۲۳	-۱/۷۴۰	۰/۰۸۳	
سرمایه فرهنگی	-۰/۱۰۱	-۰/۲۹۲	-۳/۹۹۱	۰/۰۰۰	
ضرایب رگرسیون	$R^2 = ۰/۱۸۷$ تعدیل شده	$R^2 = ۰/۱۹۸$		$R = ۰/۴۸۵$	
متغیرهای مستقل	B	ضرایب استاندارد شده B	مقدار t	سطح معناداری	مرحله دوم
سرمایه اجتماعی	-۰/۱۴۶	-۰/۲۷۴	-۲/۰۱۰	۰/۰۴۸	
سرمایه اقتصادی	-۰/۳۴۵	-۰/۱۲۸	-۱/۲۴۶	۰/۳۱۴	
سرمایه فرهنگی	-۰/۱۲۷	-۰/۳۵۸	-۲/۵۴۳	۰/۰۲۳	
سن	-۰/۳۲۹	-۰/۰۷۹	-۰/۶۵۸	۰/۴۵۸	
تعداد فرزندان	۱/۴۷۳	۰/۳۰۸	۲/۰۹۷	۰/۰۳۵	
اشتغال	-۰/۴۵۸	-۰/۰۷۳	-۰/۶۳۹	۰/۵۳۹	
منزلت شغلی	-۰/۱۲۵	-۰/۳۴۷	-۲/۵۳۹	۰/۰۲۹	
ضرایب رگرسیون	$R^2 = ۰/۳۶۸$ تعدیل شده	$R^2 = ۰/۳۷۹$		$R = ۰/۵۲۸$	

آماره‌های رگرسیون چندمتغیره عوامل مؤثر بر تبعیض‌پذیری زنان بعد از ورود متغیرهای زمینه‌ای نشان می‌دهد که از میان هفت متغیر مستقل وارد شده در مدل رگرسیونی، چهار متغیر تأثیر مستقل و معناداری بر متغیر وابسته یعنی تبعیض‌پذیری نگرشی داشته‌اند.

متغیرهای سرمایه فرهنگی، منزلت شغلی، تعداد فرزندان و سرمایه اجتماعی به ترتیب بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته داشتند. در مجموع چهار متغیر سرمایه فرهنگی، منزلت شغلی، تعداد فرزندان و سرمایه اجتماعی حدود ۳۷ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. جهت رابطه متغیرهای سرمایه فرهنگی، منزلت شغلی و سرمایه اجتماعی بر تبعیض‌پذیری نگرشی منفی بوده است؛ بدین معنی که با افزایش سرمایه فرهنگی، منزلت شغلی و سرمایه اجتماعی از میزان تبعیض‌پذیری نگرشی زنان کاسته می‌شود؛ این در حالی است که جهت رابطه متغیر تعداد فرزندان بر تبعیض‌پذیری نگرشی زنان مثبت بوده است؛ بدین معنی که با افزایش تعداد فرزندان بر میزان تبعیض‌پذیری نگرشی زنان نیز افزوده می‌شود.

جدول ۷- نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره عوامل مؤثر بر تبعیض‌پذیری رفتاری

متغیرهای مستقل	B	ضرایب استاندارد شده B	مقدار t	سطح معناداری	مرحله اول
سرمایه اجتماعی	-۰/۰۵۹	-۰/۳۳۲	-۳/۰۳۰	۰/۰۰۳	
سرمایه اقتصادی	-۰/۱۰۴	-۰/۰۸۲	-۱/۰۸۵	۰/۲۷۹	
سرمایه فرهنگی	-۰/۰۰۸	-۰/۰۴۵	-۰/۵۸۰	۰/۵۶۳	
ضرایب رگرسیون	$R^2 = ۰/۱۵۱$ تعدیل شده	$R^2 = ۰/۱۵۳$		$R = ۰/۳۹۲$	مرحله دوم
متغیرهای مستقل	B	ضرایب استاندارد شده B	مقدار t	سطح معناداری	
سرمایه اجتماعی	-۰/۱۶۸	-۰/۳۱۲	-۳/۰۱۲	۰/۰۱۰	
سرمایه اقتصادی	-۰/۱۶۴	-۰/۱۸۹	-۱/۲۴۷	۰/۳۲۴	
سرمایه فرهنگی	-۰/۰۵۲	-۰/۰۵۹	-۰/۶۹۳	۰/۵۷۳	
سن	-۰/۲۰۷	-۰/۱۷۸	-۰/۸۶۹	۰/۳۳۸	
تعداد فرزندان	۰/۴۵۲	۰/۱۰۷	۰/۴۹۸	۰/۷۲۵	
اشتغال	-۰/۴۳۷	-۰/۱۹۴	-۰/۹۳۷	۰/۲۳۷	
منزلت شغلی	-۰/۱۶۴	-۰/۱۴۸	-۰/۵۳۵	۰/۶۲۴	
ضرایب رگرسیون	$R^2 = ۰/۱۸۵$ تعدیل شده	$R^2 = ۰/۱۸۹$		$R = ۰/۴۳۴$	

جدول ۷ خروجی رگرسیون چندمتغیره عوامل مؤثر بر تبعیض پذیری رفتاری را براساس سه متغیر مستقل سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی نشان می دهد؛ بر این اساس، متغیر سرمایه اجتماعی با بالاترین ضریب (۰/۳۳۲) قوی ترین پیش بینی کننده میزان تبعیض پذیری رفتاری است. متغیر مذکور (سرمایه اجتماعی) ۱۵,۱ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده است. جهت رابطه متغیر سرمایه اجتماعی بر تبعیض پذیری رفتاری منفی بوده اس؛ بدین معنی که با افزایش سرمایه اجتماعی از میزان تبعیض پذیری رفتاری زنان کاسته می شود.

آماره های رگرسیون چندمتغیره عوامل مؤثر بر تبعیض پذیری زنان بعد از ورود متغیرهای زمینه ای نشان می دهد که از میان هفت متغیر مستقل وارد شده در مدل رگرسیونی، تنها متغیر سرمایه اجتماعی تأثیر مستقل و معناداری بر متغیر وابسته یعنی تبعیض پذیری رفتاری داشته است. متغیر سرمایه اجتماعی ۱۸/۵ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده است. جهت رابطه متغیر سرمایه اجتماعی بر تبعیض پذیری رفتاری منفی بوده است؛ بدین معنی که با افزایش سرمایه اجتماعی از میزان تبعیض پذیری رفتاری زنان کاسته می شود.

۵. نتیجه گیری و پیشنهادها

تبعیض جنسیتی پدیده ای دارای قدمت و جهان شمول است که همواره زمینه ساز شماری از مسائل و آسیب های اجتماعی بوده است. از آنجا که نوک پیکان این گونه تبعیض ها اغلب به سمت زنان است، برای ارتقا و بهبود موقعیت آنان، پرداختن به این مسئله به ویژه عوامل پذیرش این تبعیض ها و تداوم آن ها ضروری به نظر می رسد؛ به ویژه در شرایط کنونی که جوامع امروزی و از جمله جامعه ما در معرض دگرگونی های ساختاری و فرهنگی قرار گرفته است، تداوم این تبعیض ها هم در مسیر رشد شخصیت فردی دختران و زنان و هم در مسیر توسعه اجتماعی، اقتصادی موانع جدی ایجاد می کند. در همین راستا در مطالعه حاضر تأثیر سرمایه های در اختیار زنان به ویژه سرمایه اجتماعی آن ها بر تبعیض پذیری یا

تبعیض ستیزی آن‌ها در خانواده را واکاوی کرده‌ایم و به مقایسه تأثیر سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر تبعیض‌پذیری زنان در خانواده پرداخته‌ایم.

بر اساس این پژوهش، زنان مورد مطالعه از نظر تبعیض‌پذیری کلی، در سطح متوسطی قرار دارند. این مسئله که با وجود اختلاف کم میان میزان تبعیض‌پذیری بالا و پایین در هر دو بعد نگرشی و رفتاری، بازهم تبعیض‌پذیری پایین بیشتر بوده، نشان دهنده وضعیت رو به بهبود این قشر از زنان از نظر تبعیض‌پذیری است.

در رابطه با بعد رفتاری تبعیض‌پذیری، مشاهده شد که زنان تبعیض در بعد تقسیم کار را بیش از تبعیض در بعد تصمیم‌گیری می‌پذیرند؛ به عبارتی آن‌ها به تقسیم جنسیتی کار بیشتر گردن می‌نهند تا به دخالت و شرکت‌نداشتن در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده؛ بدین ترتیب به نظر می‌رسد در رابطه با الگوی قدرت در خانواده (که نمود بارز آن مسئله تصمیم‌گیری است) زنان در وضعیت بهتری قرار دارند تا در حوزه تقسیم کار خانگی.

همچنین در زمینه ابعاد تبعیض‌پذیری نگرشی مشاهده شد که زنان تفاوت‌ها و تبعیض‌های جنسیتی مربوط به حوزه اشتغال را بیشتر از سایر حوزه‌ها می‌پذیرند. تبعیض‌های مربوط به خانواده از این نظر در مرتبه دوم قرار دارد و تبعیض‌پذیری نگرشی در حوزه تحصیلات از همه کمتر است. این مطلب بیانگر قدرت باورهای کلیشه‌ای مربوط به تقسیم کار جنسیتی (مبنی بر اختصاص کارهای عرصه خصوصی به زنان و کارهای عرصه عمومی به مردان) در ذهن جمعی افراد جامعه است.

براساس تحلیل‌های دو متغیره، رابطه سرمایه اجتماعی با تبعیض‌پذیری، با جهت معکوس و شدت قابل توجهی تأیید شد؛ بدین معنا که هرچه میزان سرمایه اجتماعی زنان بیش‌تر شود، میزان تبعیض‌پذیری آنان در خانواده چه در بُعد رفتاری و چه در بُعد نگرشی کاهش می‌یابد. همچنین رابطه میزان سرمایه فرهنگی با میزان تبعیض‌پذیری، با جهت معکوس و شدت قابل توجهی تأیید شد؛ بدین معنا که هرچه میزان سرمایه فرهنگی زنان بیش‌تر شود، میزان تبعیض‌پذیری رفتاری و نگرشی آنان در خانواده کم‌تر می‌شود. شدت بالای این

همبستگی حکایت از اهمیت توجه به سرمایه فرهنگی به عنوان عاملی مؤثر بر کاهش میزان تبعیض پذیری زنان در خانواده دارد. در نهایت ارتباط سرمایه اقتصادی و تبعیض پذیری نگرشی و رفتاری نیز با جهت معکوس و شدتی کم تر از دو سرمایه دیگر تأیید شد.

در مورد تأثیر متغیرهای زمینه‌ای به جز دو متغیر وضعیت اشتغال و سن سایر متغیرهای زمینه‌ای شامل تحصیلات، تعداد فرزندان و منزلت شغلی رابطه معناداری با متغیر وابسته (تبعیض پذیری زنان) دارند. تحصیلات با تبعیض پذیری رابطه معکوس داشت و شدت این رابطه، بسیار قابل توجه بود. به نظر می‌رسد جنبه آگاهی بخشی تحصیلات، همان گونه که پژوهش‌های پیشین نیز آن را تأیید کرده‌اند، موجب وجود چنین رابطه‌ای است. همچنین بین متغیر تعداد فرزندان با تبعیض پذیری رابطه‌ای مستقیم با شدت نسبتاً پایین برقرار بود.

برای پی بردن به میزان تأثیر خالص هریک از این سرمایه‌ها از تحلیل رگرسیونی استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل چندمتغیره و بررسی تأثیرات هم‌زمان سه سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر تبعیض پذیری، نشان می‌دهد بیشترین میزان تأثیر بر تبعیض پذیری ابتدا متعلق به سرمایه فرهنگی، سپس سرمایه اجتماعی و در نهایت سرمایه اقتصادی است. مقایسه این نتایج نشان می‌دهد که کاهش دادن میزان تبعیض پذیری در زنان بیش از همه به افزایش سرمایه فرهنگی، سپس به افزایش سرمایه اجتماعی و در مرحله بعدی به بالا رفتن سرمایه اقتصادی آنان وابسته است.

در مرحله بعد علاوه بر سه سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، متغیرهای زمینه‌ای را نیز وارد تحلیل رگرسیونی کردیم و دریافتیم که بیشترین تأثیر بر تبعیض پذیری، به ترتیب متعلق به سرمایه فرهنگی، تعداد فرزندان و سرمایه اجتماعی است. سرمایه فرهنگی دربردارنده سلیقه فرهنگی افراد و میزان استفاده آن‌ها از کالاهای فرهنگی و میزان تحصیلات است. افزایش تحصیلات به خصوص تحصیلات دانشگاهی در وهله نخست سبب افزایش آگاهی و دانش و توانایی تحلیل و نقادی زندگی روزمره می‌شود، اما از سوی دیگر موجب

افزایش شانس افراد در دستیابی به موقعیت‌های شغلی ارزشمند و نیز گسترش شبکه روابط اجتماعی و اعتماد به نفس و در نتیجه ارتقای سرمایه اقتصادی و اجتماعی می‌شود.

در رابطه با تأثیر تعداد فرزندان بر افزایش تبعیض‌پذیری مادران، می‌توان اظهار کرد در شرایطی که مسئولیت پرورش فرزند به‌طور کامل بر دوش مادر است و با توجه به اینکه مادری در ابعاد زیستی و مراقبتی و تربیتی کاری بس دشوار و مستلزم صرف توجه و زمان است، از سویی مانع فعالیت‌های اجتماعی و شغلی زنان می‌شود. ازسوی دیگر در شرایط تبعیض آمیز نیز مادران به سبب علقه مادری تمایلی برای مقاومت و تحمل هزینه‌های سرپیچی از سلطه از جمله پرتنش کردن محیط خانه و یا جدایی و ترک فرزندان شان را ندارند؛ در نتیجه به تبعیض‌های جنسیتی تن می‌دهند و باعث تداوم آن می‌شوند. علاوه بر تأثیر بالای این دو متغیر (سرمایه فرهنگی و تعداد فرزندان) بر میزان تبعیض‌پذیری، سرمایه اجتماعی بر تبعیض‌پذیری زنان تأثیر معکوس دارد؛ بدین معنی که هرچه میزان سرمایه اجتماعی زنان بیش‌تر شود، میزان تبعیض‌پذیری آن‌ها در خانواده کم‌تر خواهد شد. این یافته بیانگر این مطلب است که در جامعه امروز ما، سرمایه اجتماعی برای زنان به‌واقع به‌مثابه یک منبع عمل می‌کند و مقاومت آن‌ها را در برابر موقعیت‌های تبعیض‌آمیز بالا می‌برد.

در نهایت مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج این پژوهش‌ها مشابهت دارد: پژوهش ملکی و نژادسبزی (۱۳۸۹) از نظر رابطه سرمایه اجتماعی زنان با میزان اعمال خشونت خانگی علیه آنان در خانواده به عنوان یکی از مظاهر آشکار و شدید تبعیض علیه زنان در خانواده، پژوهش ساروخانی و رفعت‌جاه (۱۳۸۶) با عنوان «بازاندیشی در تقابل‌های جنسیتی و هویت‌های زنانه» از نظر تأیید تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بر مخالفت با کلیشه‌های تبعیض آمیز جنسیتی، پژوهش حسینی و احمدی (۱۳۹۵) از نظر تأیید رابطه سرمایه فرهنگی با گرایش به تبعیض جنسیتی، پژوهش رفعت‌جاه و قربانی (۱۳۹۰) از نظر تأثیر سرمایه اجتماعی بر بهبود شرایط زندگی زنان و پژوهش هومن (۱۳۹۸) در مورد نقش سرمایه اجتماعی در توانمندسازی زنان به رشد فردی و اجتماعی.

یافته‌های این پژوهش کارآمدی نظریه تضاد کالینز برای تبیین عوامل تبعیض‌پذیری زنان در خانواده را تصدیق می‌کند. رویکرد نظری پژوهش (که از نظریه تضاد کالینز برگرفته شده است)، به خوبی تبیین‌کننده رابطه میان منابع مختلف در دسترس زنان با میزان تبعیض‌پذیری آن‌ها در خانواده است. براساس این رویکرد، کنشگرانی که منابع قابل توجهی در اختیار دارند، بیش‌تر می‌توانند در برابر فشارها مقاومت کنند و حتی آن‌ها را دگرگون سازند. قدرت حاصل از این منابع و سرمایه‌ها موجب مقاومت زنان در برابر موقعیت‌های تبعیض‌آمیز در خانواده می‌شود. مقابله با کلیشه‌های جنسیتی، به ویژه کلیشه‌های جنسیتی تحصیلی از مصادیق این مقاومت‌ها و تغییرها است.

کتاب‌نامه

۱. احمدی، ا. (۱۳۹۷). انعطاف ناپذیر دانستن نقش‌های جنسیتی و دفاع از تبعیض‌های جنسیتی. *پژوهش‌نامه زنان*، ۹(۱)، ۳۵-۲۵.
۲. اعزازی، ش. (۱۳۸۰). *تحلیل ساختاری جنسیت: نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران* (چاپ اول) (ن. جزنی، مترجم). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۳. اعظم‌آزاده، م. (۱۳۸۴). آگاهی از نابرابری‌های جنسیتی: مدلی برای سنجش میزان شناخت از نابرابری‌های جنسیتی، *پژوهش زنان*، ۳(۲)، ۷۳-۵۱.
۴. امانی کلاریجانی، ا. (۱۳۸۴). *توصیف و تبیین جنسیتی (با تکیه بر تبعیض جنسیتی دانشجویان دختر دانشگاه تهران)* (پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی). دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۵. آبوت، پ. و والاس، ک. (۱۳۷۶). *درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی* (چاپ اول) (م. خراسانی و ح. احمدی، مترجم). تهران: دنیای مادر.
۶. بوردیو، پ. (۱۳۸۰). *نظریه‌ی کنش* (م. مردیها، مترجم). تهران: انتشارات: نقش و نگار.
۷. تاجبخش، ک. (۱۳۸۹). *سرمایه اجتماعی اعتماد، دموکراسی، توسعه* (چاپ سوم) (ا. خاکباز و ح. پویان، مترجم). تهران: نشر شیرازه.

۸. حسینی، س.ح.، و احمدی، م. (۱۳۹۵). رابطه سرمایه فرهنگی و گرایش والدین به تبعیض جنسیتی، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۷ (۱)، ۵۶-۲۷.
۹. دواس، د.ا. (۱۳۸۹). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی* (چاپ دوازدهم) (ه. نایی، مترجم). تهران: نشر نی.
۱۰. رفعت‌جاه، م.، رهبری، ل. (۱۳۹۳). گونه‌شناسی اکتشافی برداشت از مفهوم زنانگی. *مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۳ (۲)، ۳۳۴-۳۱۱.
۱۱. رفعت‌جاه، م.، و قربانی، س. (۱۳۹۰). تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقاء شغلی زنان. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۹ (۱)، ۱۱۷-۱۴۶.
۱۲. ریاحی، م.ا. (۱۳۸۶). عوامل اجتماعی موثر بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی. *پژوهش زنان*، ۵ (۱)، ۱۳۶-۱۰۹.
۱۳. ریتزر، ج. (۱۳۹۲). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر* (چاپ هجدهم) (م. ثلاثی، مترجم). تهران: انتشارات علمی.
۱۴. ساروخانی، ب.، و رفعت‌جاه، م. (۱۳۸۶). بازاندیشی در تقابل‌های جنسیتی و هویت‌های زنانه (بررسی کیفی هویت اجتماعی در میان زنان تهرانی). *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، (۲۵)، ۳۳۴-۳۱۱.
۱۵. سلگی، پ. (۱۳۹۵). نقش زنان در بازتولید جایگاه زن در ساختار خانواده (پایان نامه کارشناسی ارشد انسان‌شناسی). دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۱۶. فیلد، ج. (۱۳۹۲). *سرمایه اجتماعی* (چاپ دوم) (غ. غفاری، و ح. رمضانی، مترجم). تهران: انتشارات کویر.
۱۷. کریمی، ی. (۱۳۹۶). *روان‌شناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)* (چاپ ۳۶). انتشارات ارسباران.
۱۸. کلمن، ج. (۱۳۹۰). *بنیادهای نظریه اجتماعی* (چاپ سوم) (م. صبور، مترجم). تهران: نشر نی.
۱۹. گرت، ا. (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی جنسیت* (چاپ سوم) (ک. بقایی، مترجم). تهران: نشر دیگر.
۲۰. گروسی، س.، و نقوی، ع. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر کرمان. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱ (۳۰ و ۳۱)، ۸۲-۶۱.

۲۱. ملکی، ا.، و نژادسبزی، پ. (۱۳۸۹). رابطه مولفه‌های سرمایه اجتماعی با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم‌آباد. *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱ (۲)، ۵۳-۳۱.
۲۲. مهدوی، م.ص.، و صبوری خسروشاهی، ح. (۱۳۸۲). بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده. *مطالعات زنان*، ۱ (۲)، ۶۷-۲۸.
۲۳. مهرآرا، ا.، شفیعی‌پور، س.ف.، دیانتی، ر.، و زارع زیدی، ع. (۱۳۹۷). سقف شیشه‌ای، از چالش‌ها و راهکارها تا توانمندسازی زنان. *مجله پژوهش در هنر و علوم انسانی*، ۵۸-۴۵.
۲۴. میشل، آ. (۱۳۸۲). *بیکار با تبعیض جنسی* (چاپ دوم) (م.ج. پوینده، مترجم). تهران: موسسه انتشارات چشمه.
۲۵. نایی، ه.، و عبداللہیان، ح. (۱۳۸۱). تبیین قشربندی اجتماعی. *نامه علوم اجتماعی*، (۲۰)، ۲۳۶-۲۰۵.
۲۶. هومن، ن. (۱۳۹۸). *مطالعه نقش شبکه‌های اجتماعی در توانمندسازی زنان برای مشارکت در فرایند توسعه اجتماعی ایران* (پایان‌نامه دکترای علوم ارتباطات). دانشگاه تهران، تهران، ایران.

27. Franks, D. (1972). Role-taking & power in social psychology. *American Sociological Review*, 37, 605-614.
28. Joanna, E. (2003). The gender gap in Canada: "Now You See It, Now You Don't". *Canadian Review of Sociology, Andropology*, 35(2), 191-219.
29. Kane, E. (1998). Men's and women's beliefs about gender inequality, family ties, dependence, and agreement. *Sociological Forum*, 13(4), 611-637.
30. Lavee, Y., & Katz, R. (2002), division of labor perceived fairness, and marital quality: The effect of gender Ideology, *Journal of Marriage and the Family* 64(1), 27-39.
31. Olson, D. H. (1969). The measurement of family power by self-report & behavioral methods, *Journal of Marriage & the Family*, 31, 545-550.
32. Zuo, J., & Bian, Y. (2005). Beyond resources and patriarchy: marital construction of family decision making power in post-mao urban China. *Journal of Comparative Family Studies*, 36(4), 601-622.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین عوامل سرمایه‌ای، اخلاق کار و عملکرد شغلی (مورد مطالعه: کارکنان شهرک صنعتی کلات مشهد)

زهره خضری (دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

khrc01@gmail.com

محمد مظلوم خراسانی (استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

mmkhorasani@um.ac.ir

محسن نوغانی دخت بهمنی (دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

noghani@um.ac.ir

چکیده

با توجه به نقش برجسته نیروی انسانی در تحقق اهداف سازمانی، وجود نیروهایی با عملکرد شغلی بالا نیازمند رعایت اخلاق کار و مدیریت دارایی‌های مشهود و نامشهود است؛ بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین عوامل سرمایه‌ای، اخلاق کار و عملکرد شغلی در بین کارکنان شهرک صنعتی کلات مشهد است. نوع تحقیق براساس هدف پژوهش از نوع کاربردی و بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها، روش پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش، همه کارکنان شهرک صنعتی کلات تعیین شدند و ۲۸۰ نفر از آنان به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار تحقیق برای سنجش متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، اخلاق کار و عملکرد شغلی، پرسشنامه‌های محقق‌ساخته بودند که با استفاده از اعتبار محتوا و اعتبار سازه، تعیین اعتبار و با استفاده از همسانی درونی به روش آلفا کرونباخ تعیین پایایی شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، از میان عوامل سرمایه‌ای، فقط سرمایه اجتماعی بر اخلاق کار

کارکنان و سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر عملکرد شغلی تأثیر معنادار و مثبت دارد، اما سرمایه اقتصادی تأثیر معناداری ندارد. همچنین اخلاق کار بر عملکرد شغلی کارکنان تأثیر معنادار دارد. مربع ضریب همبستگی چندگانه مدل معادله ساختاری نشان می‌دهد متغیرهای مستقل به میزان ۳۳ درصد، واریانس متغیر وابسته اخلاق کار و به میزان ۳۹ درصد واریانس متغیر وابسته عملکرد شغلی را تبیین می‌کنند؛ نتیجه اینکه، برای افزایش عملکرد شغلی کارکنان، ضمن رعایت اخلاق کار، باید عوامل سرمایه‌ای به خصوص سرمایه اجتماعی و فرهنگی کارکنان مورد توجه مدیران عامل شرکت‌ها قرار گرفته و تقویت شود.

کلیدواژه‌ها: عوامل سرمایه‌ای، اخلاق کار، عملکرد شغلی، شهرک صنعتی کلات مشهد.

۱. مقدمه

مهم‌ترین مسئله در هر سازمان عملکرد آن است؛ به‌طوری‌که عملکرد خوب بهره‌وری سازمان‌ها را افزایش می‌دهد و باعث بهبود اقتصاد آن جامعه می‌شود. عملکرد سازمان بستگی به توانایی کارکنان دارد و سازمانی که از منابع انسانی توانمند برخوردار باشد، قطعاً با توجه به سهم مهم و عظیم منابع انسانی در بهره‌وری سازمانی، از عملکرد متفاوتی برخوردار خواهد بود. عملکرد یک سازمان معرف وضعیت بقای آن در محیط است و تأکید مدیریت بر نقش کارکنان در ارتقای عملکرد اهمیت آن را نمایان می‌کند که می‌تواند به شکل سرمایه‌گذاری زیربنایی در بخش منابع انسانی صورت گیرد (سامرز^۱، ۲۰۱۰).

توسعه هر سازمان و نهادی منوط به سطحی از کارایی شغلی است (الینگر^۲ و همکاران، ۲۰۱۳)؛ به این معنی هرچه به لحاظ روان‌شناختی و جوسازمانی، روابط متقابل، اعتماد سازمانی، تقید به هنجارهای گروهی، مبادله گروهی و سازمانی، در حالت مطلوبی قرار بگیرد، مجموعه توان سرمایه اجتماعی، عملکرد شغلی آن مجموعه در جهت افزایش بازدهی سازمانی و کارایی بهبود خواهد کرد؛ بر این اساس، عملکرد شغلی در کشورهای توسعه‌یافته

1. Summers
2. Ellinger

مطرح است و آن را محصول رفتارهای انسانی می‌دانند (احدی، فتحی و عبدالحمیدی، ۱۳۹۳، ص. ۶۵). عملکرد شغلی، رفتار سازمانی مهمی است که نقش مؤثری در موفقیت سازمان دارد (کریمی و شاه‌دوستی، ۱۳۹۶، ص. ۵۴). عملکرد شغلی یک سازه ترکیبی است و عبارت از محصول و بازده افراد در رابطه با عملی که انجام می‌دهد. یا عملکرد همان کار واقعی افراد با توجه به شرح وظایفشان است. عملکرد شغلی در یک شبکه ناشی از سرمایه اجتماعی رشد و نمو می‌یابد (اومه و زاچر^۱، ۲۰۱۵).

از میان عوامل اثرگذار بر عملکرد شغلی کارکنان، اخلاق کار^۲ از نقش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نتایج تحقیقات مختلف، مؤید این امر مهم است. اخلاق کار، هنجاری فرهنگی است که به انجام کار به نحو احسن و مناسب در جامعه، ارزش معنوی خوب و مثبت می‌دهد و نشان می‌دهد کار ارزش ذاتی دارد (اسدی، راد و علیزاده اقدم، ۱۳۹۱، ص. ۲۹). بررسی کارشناسانه مسائل اجتماعی نشان می‌دهد که اخلاق و فرهنگ کار در ایران در مقایسه با کشورها و جوامع صنعتی در سطح پایین‌تری قرار دارد؛ به‌طوری‌که متوسط ساعات کار مفید در ژاپن و اغلب کشورهای توسعه‌یافته روزانه حدود هفت ساعت است (مکیدفر، ۱۳۸۶، ص. ۷)؛ درحالی‌که این میزان، طبق آخرین آمار اعلام‌شده از سوی مرکز مطالعات و پژوهش‌های مجلس ایران در سال ۱۳۹۶، تنها بیست و دو دقیقه است (مرکز مطالعات و پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۶). با اندک تأملی در آیات قران کریم و روایات شریف متوجه می‌شویم که در اکثر آیات و روایات رابطه‌ای عمیق بین ایمان و کار وجود دارد (چلبی، ۱۳۷۷، ص. ۸)، اما متأسفانه گزارش‌ها حاکی از آن است که بی‌اخلاقی کاری و اقتصادی بر کشورهای اسلامی تأثیر گذاشته است؛ به‌طوری‌که طبق مطالعات انجام‌شده در سال ۲۰۰۸ با موضوع اخلاق و اقتصاد، بین ۱۹۰ کشور دنیا با مد نظر قرار دادن ۱۲ شاخص اخلاقی تا رده ۲۹ هیچ کشور اسلامی دیده نمی‌شود و این امر به نوبه خود درخور توجه است. در این بین،

1. Ohme & Zacher
2. Ethic Work

مالزی در رده ۳۰ و ایران در رتبه ۱۳۰ و پس از آن نیز عربستان قرار دارد (طباطبایی یزدی و مافی، ۱۳۸۹، ص. ۸). موارد مذکور گویای این است که ضعف اخلاق کاری در جامعه ما به عنوان یک معضل اقتصادی و اجتماعی تلقی می شود و عملکرد افراد را در محیط های کاری تحت تأثیر قرار می دهد و موجب ضعف عملکرد نیروی انسانی در بخش های مختلف اعم از تولیدی یا سایر سازمان های دولتی و غیر دولتی شده است؛ به طوری که این مسئله تبدیل به یکی از تنگناهای دستیابی به توسعه همه جانبه در کشور شده است و در شرایط فعلی، پاسخ راهبردی، کاربردی و هدف دار به این معضل، بخشی از تعهدات و وظایف محققان، برنامه ریزان و دانشگاهیان کشور است؛ بنابراین توجه به عوامل اثرگذار بر ارتقای اخلاق کار در محیط های کاری می تواند در فرایند توسعه گامی مؤثر تلقی شود؛ عواملی که می توانند از بستر اخلاق کار، فرایندهای خلاقیت آفرین را به ظهور برسانند و مانع خلاقیت و نوآوری شوند. در هر حال، اخلاق کار به عنوان متغیری جامعه شناختی و نه الزاماً فلسفی نیاز به تبیین جامعه شناختی دارد.

همچنین، در دهه های اخیر سازه های سرمایه های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی^۱ از مفاهیم نوینی هستند که از سوی صاحب نظران و جامعه شناسان در رابطه با مفاهیم توسعه اجتماعی و اقتصادی بحث و بررسی شده است. براساس پژوهش های متعدد، سازمان های برخوردار از سطوح بالای سرمایه اجتماعی از رقبای خود موفق تر هستند؛ بنابراین افزایش سرمایه اجتماعی تأثیر بسزایی بر بهبود عملکرد سازمانی خواهد داشت؛ چراکه کارکنانی که از سرمایه اجتماعی مطلوبی برخوردارند، دارای ارتباطات شغلی قوی هستند و در تعامل با سایر همکاران به طور مطلوبی رفتار می کنند، از کار در سازمان لذت بیشتری می برند؛ بنابراین احساس امنیت، آرامش و تعلق خاطر بیشتری به شغل و سازمان خود دارند (آزادی و عیدی، ۱۳۹۴، ص. ۱۵). سرمایه اقتصادی نیز به واسطه خصلت اش در دنیای امروز به مثابه پول و اشیای مادی است که در مقابل تولید کالا و خدمات به کار می رود (بوردیو، ۱۳۸۹،

1. Social Capital & Cultural Capital & Economic Capital

ص. ۳۷) و افراد به نسبت برخورداری از این سرمایه از طریق احساس امنیت شغلی می‌توانند عملکرد مطلوب‌تری داشته باشند و به دلیل قابل تبدیل بودن سرمایه اقتصادی به سایر سرمایه‌ها از جمله سرمایه فرهنگی می‌تواند بر ارتقای عملکرد فرد مؤثر باشد. به زعم بوردیو، تنها سرمایه اقتصادی نیست که منشأ توسعه است؛ بلکه میزان تحصیلات فرد و امکان دسترسی به آنچه وی اموال سمبلیک می‌خواند (فرهنگ، مهارت، زبان، درک زیباشناختی، دانش)، همه جزء عوامل توسعه به شمار می‌روند (حسین‌زاده، ۱۳۸۶، ص. ۲۱).

در مجموع، با توجه به اینکه متغیرهای سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی به عنوان دارایی‌های ناملموس و اساسی در این تحقیق به کار رفته‌اند و با در نظر گرفتن نقش کلیدی هریک از این سرمایه‌ها در اخلاق کار و نیز عملکرد شغلی، می‌توان متصور شد که نتایج تحقیق حاضر در بهبود کیفیت کاری نیروی انسانی و افزایش بهره‌وری نیروی انسانی و بهره‌وری تولید و توسعه شهرک صنعتی کلات کاربرد داشته باشد. همچنین با ارائه اطلاعات از کم و کیف اخلاق کار و عملکرد نیروی کاری در بین کارکنان شهرک صنعتی کلات برای برنامه‌ریزی مناسب برای توسعه انسانی و اقتصادی می‌توان گام‌های مؤثرتری برداشت. در نهایت، انتظار می‌رود نتایج پژوهش حاضر برای سایر شهرک‌های صنعتی، اداره کار و تعاون و رفاه اجتماعی، وزارت صنعت معدن و تجارت، مؤسسات پژوهشی، دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات و سازمان‌ها که به نحوی از نتایج این تحقیق بهره لازم را می‌برند، استفاده شود.

شهرک صنعتی کلات قدیمی‌ترین و اولین شهرک صنعتی استان خراسان است که عملیات اجرایی آن در سال ۱۳۶۲ آغاز شد و هم‌اکنون شامل سه فاز صنعتی است که مساحتی بالغ بر یکصد و سیزده هکتار را در بر گرفته است و نقش بسزایی در اشتغال افراد، تولید و توسعه منطقه دارد. یکی از چالش‌هایی که اکثر کارخانجات در این شهرک علاوه بر موارد کلان ساختاری که گریبان صنعت را به طور کلی گرفته است با آن روبه‌رو هستند، مشکل نیروی انسانی است که عمدتاً کارایی لازم را ندارد. مشکلاتی که نیروی کار در این کارخانجات با

آن روبه‌رو هستند نیز به نوبه خود باید در بستر کلان‌تری بررسی شود، اما انجام تحقیقاتی که به بررسی عملکرد شغلی کارکنان و وضعیت اخلاق کار آنان بپردازد می‌تواند برای بالابردن کیفیت تولید و بهره‌وری بیشتر نیروی انسانی مفید واقع شود. با این تفصیل، مسئله اساسی پژوهش حاضر این است که آیا به لحاظ جامعه‌شناختی رابطه‌ای بین عوامل سرمایه‌ای، اخلاق کاری و عملکرد شغلی کارکنان شهرک صنعتی کلات مشهد وجود دارد؟

۱.۱. اهداف تحقیق

- بررسی و تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و اخلاق کار کارکنان شهرک صنعتی کلات
- بررسی و تحلیل رابطه بین سرمایه فرهنگی و اخلاق کار کارکنان شهرک صنعتی کلات
- بررسی و تحلیل رابطه بین سرمایه اقتصادی و اخلاق کار کارکنان شهرک صنعتی کلات
- بررسی و تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و عملکرد شغلی کارکنان شهرک صنعتی کلات
- بررسی و تحلیل رابطه بین سرمایه فرهنگی و عملکرد شغلی کارکنان شهرک صنعتی کلات
- بررسی و تحلیل رابطه بین سرمایه اقتصادی و عملکرد شغلی کارکنان شهرک صنعتی کلات
- بررسی و تحلیل رابطه بین اخلاق کاری و عملکرد شغلی کارکنان شهرک صنعتی کلات

۲.۱. سؤالات تحقیق

- آیا بین عوامل سرمایه ای (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) و و اخلاق کار کارکنان شهرک صنعتی کلات رابطه معنادار وجود دارد؟
- آیا بین عوامل سرمایه ای (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) و و عملکرد شغلی کارکنان شهرک صنعتی کلات رابطه معنادار وجود دارد؟
- آیا بین اخلاق کاری و عملکرد شغلی کارکنان شهرک صنعتی کلات رابطه معنادار وجود دارد؟

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق

ویسه و علی دادی گراوند (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر اخلاق کسب و کار در شرکت های کوچک و متوسط شهرک صنعتی ایلام»، به شیوه پیمایش و در بین ۱۶۳ نفر از جامعه مدیران و کارکنان شهرک صنعتی ایلام و با ابزار پرسشنامه انجام دادند. آن ها به این نتایج رسیدند که همبستگی معناداری بین مولفه های سرمایه اجتماعی (سرمایه ساختاری، سرمایه شناختی، سرمایه رابطه ای) و اخلاق کاری مدیران و کارکنان وجود داشته است و در تحلیل رگرسیونی نیز مولفه های سرمایه اجتماعی بر اخلاق کسب و کار تأثیر معنادار از نظر آماری داشته اند. نعمتی، اکبرزاده صفویی، زنگیان و باقرصادرنانی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی، تعهد و رفتار شهروندی در بهبود عملکرد شغلی (مورد مطالعه: شهرداری شهرستان خوی)»، با روش پیمایشی در بین ۱۴۰ نفر از کارکنان ستادی شهرداری شهرستان خوی با استفاده از پرسشنامه انجام دادند. آن ها به این نتایج رسیدند که سرمایه اجتماعی بر تعهد کارکنان، رفتارهای شهروندی سازمانی و عملکرد شغلی تأثیر مثبت و معنادار دارد. همچنین، تأثیر مثبت تعهد کارکنان و بروز رفتارهای شهروندی سازمانی توسط سرمایه اجتماعی بر عملکرد شغلی، به لحاظ آماری تأیید شد.

قنبری و همی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی با عملکرد شغلی کارکنان دانشگاه بوعلی سینا» با روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه در بین نمونه ۷۴۸ نفر از کارکنان دانشگاه بوعلی سینا که به شیوه تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده بودند، انجام دادند. نتایج نشان داد که میزان سرمایه اجتماعی و عملکرد شغلی بیشتر از حد متوسط است. همبستگی بین سرمایه اجتماعی و عملکرد شغلی مثبت و به لحاظ آماری معنادار بود. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد که از بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، سرمایه رابطه‌ای بیشترین تأثیر را بر عملکرد شغلی کارکنان داشت و در مجموع، متغیرهای حاضر در مدل رگرسیونی توانستند ۵/۶ درصد از تغییرات متغیر عملکرد شغلی را تبیین کنند. سالاری اسکر، بحرالعلوم و بیگلری (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «تأثیر حمایت اجتماعی و تعارض کار-خانواده بر عملکرد شغلی کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان کرمان»، با روش پیمایش در بین کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان کرمان به تعداد ۱۵۷ نفر که به روش تصادفی خوشه‌ای جهت جمع‌آوری اطلاعات انتخاب شده بودند، انجام دادند. آن‌ها به این نتایج رسیدند که حمایت اجتماعی بر عملکرد شغلی تأثیر مستقیم و معناداری دارد؛ همچنین حمایت اجتماعی بر تعارض کار-خانواده و تعارض کار-خانواده بر عملکرد شغلی تأثیر منفی و معنادار دارد. نتایج مدل‌سازی پژوهش نشان داد که حمایت اجتماعی به واسطه تعارض کار-خانواده بر عملکرد شغلی کارکنان تأثیر معناداری ندارد. درنهایت، همه شاخص‌های برازش مدل نشان‌دهنده برازش مطلوب آن بودند.

اسیبانجو، آکینبود، فالولا و الودایو^۱ (۲۰۱۵) پژوهشی با عنوان «اخلاق کاری و عملکرد کارکنان» با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام دادند. آن‌ها به این نتایج رسیدند که همبستگی معناداری بین متغیر اخلاق کار و مؤلفه‌های عملکرد شغلی (حس مسئولیت، کیفیت، نظم و انضباط فردی و حس کار گروهی)، به لحاظ آماری وجود دارد.

1. Osibanjo, Akinbode, Falola & Oludayo

همچنین اخلاق کاری کارکنان تأثیر معناداری بر عملکرد شغلی آنان داشت. فمینا^۱ (۲۰۱۵) پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی در محیط کار، رضایت شغلی و عملکرد شغلی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه» با استفاده از مدل معادله ساختاری انجام دادند. نتایج حاصل از کشورهای توسعه یافته نشان داد که سرمایه اجتماعی محیط کار تأثیر مثبت بر رضایت شغلی و عملکرد شغلی حتی در دوره‌های بحران اقتصادی داشت. صلاح‌الدین، آلوی، بهارالدین و هالیمات^۲ (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان «رابطه بین اخلاق کاری و عملکرد شغلی» با روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه که در اختیار ۱۵۷ نفر از کارکنان نساجی سنگاپور، کوالالامپور و جوهور قرار گرفت، انجام دادند. آن‌ها به این نتایج رسیدند که همبستگی بین مؤلفه‌های اخلاق کاری و عملکرد شغلی به لحاظ آماری معنادار بوده است. همچنین، نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری نشان داد که متغیر اخلاق کاری تأثیر معناداری بر عملکرد شغلی کارکنان ادارات خدمات خرده‌فروشی دارد. ساپادا، مودینگ، گانی و جونوم^۳ (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان «اثر فرهنگ سازمانی و اخلاق کار بر رضایت و عملکرد شغلی کارکنان» که در حوزه اقتصاد و به روش کمی در بین ۳۵۷ از کارکنانی که در پینرنگ^۴ استان سولاوسی جنوبی^۵ اندونزی کار کردند، انجام دادند. آن‌ها درصدد جست‌وجوی رفتار کارکنان از طریق تحلیل و بررسی اثر فرهنگ سازمانی، اخلاق کار و عملکرد شغلی کارکنان با رضایت شغلی به عنوان متغیر واسط بودند. نتایج تحقیق نشان داد که رابطه همه متغیرهای مستقل تحقیق خطی و مثبت بود؛ بنابراین فرهنگ سازمانی از طریق ایجاد رضایت در بین کارکنان به افزایش عملکرد آنان منجر می‌شود. لی و ژانگ^۶ (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان «رابطه بین استفاده از رسانه‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی و عملکرد شغلی کارکنان براساس

1. Femina

2. Salahdin, Alvi, Baharuddin & Halimat

3. Sapada, Modding, Gani & Nujum

4. Pinrang

5. South Sulawesi

6. Li & Zhang

منطقه ساحلی در چین» در بین ۴۹۶ نفر از کارکنان در سازمان‌های منطقه ساحلی مینان با استفاده از پرسشنامه خودگزارشی انجام دادند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که استفاده از رسانه‌های اجتماعی تأثیر مستقیم درخور توجهی بر عملکرد شغلی کارکنان دارد و از طریق نقش واسطه‌ای سرمایه اجتماعی نیز بر عملکرد شغلی تأثیر می‌گذارد.

نقد و بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در ایران و سایر کشورها نشان می‌دهد که مطالعات درباره اخلاق کار و عملکرد شغلی از دهه ۸۰ شروع شده است و در کشورهای اسلامی، رابطه اخلاق کار اسلامی و عملکرد شغلی از طریق تحلیل متون و احادیث، دریچه جدیدی را به روی مطالعات این حوزه نوپدید گشوده است. مزیت پژوهش حاضر بهره‌گیری از ظرفیت علم جامعه‌شناسی و صاحب‌نظران برجسته این حوزه است. عمده مطالعات داخلی با ضعف تئوری و فقدان بهره‌گیری از نظریه‌پردازان متأخر و جدید برای تبیین موضوع روبه‌رو هستند؛ به نحوی که اکثر تحقیقات بدون در نظر گرفتن شرایط خاص کار در جامعه هدف صرفاً با ابزارهای استاندارد که بومی نشده‌اند، به تکرار مکررات پرداخته‌اند؛ بنابراین دستاوردهای درخور توجهی که سبب انباشت دانش شود، حاصل شده است؛ از این‌رو تأکید تحقیق حاضر برای بهره‌گیری از نظریه‌پردازان جدید و در نظر گرفتن شرایط خاص کار در جامعه بررسی‌شده، یکی از قوت‌های مطالعه حاضر است. در بسیاری از مطالعات، با پراکندگی عوامل اثرگذار بر اخلاق کار و عملکرد شغلی روبه‌رو هستیم. یکی از برجستگی‌های تحقیق حاضر، تجمع عوامل اثرگذار بر مبنای رویکرد بوردیو با عنوان عوامل سرمایه‌ای است که ضمن تأکید بر نگاه جامعه‌شناختی به موضوع، اولین بار است که تأثیر سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را بر اخلاق کار و عملکرد شغلی آن‌هم در فضایی تولیدی بررسی می‌کند. نتیجه بررسی‌های محقق نشان می‌دهد که در حوزه تولید در شهر مشهد با فقدان مطالعات به‌خصوص با رویکردی جامعه‌شناختی روبه‌رو هستیم؛ بنابراین انجام مطالعاتی از این دست که به شناخت این حوزه کمک می‌کند، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. جامعه

آماري پژوهش حاضر، کارکنان شهرک صنعتی کلات در شهر مشهد بودند که تاکنون روابط بین متغیرهای مذکور در یک شهرک صنعتی مطالعه نشده است.

۲.۲. مفاهیم بنیادی

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، محصول تعلقات (اتصالات) اجتماعی است که در شرایط معینی، قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و ممکن است به شکل مواردی چون عنوان و نجیب‌زادگی، نهادینه شود (بورديو^۱، ۱۹۸۶، ص. ۲۴۳). از دیدگاه کلمن، سرمایه اجتماعی از طریق کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی، هستی واحدی نیست؛ بلکه از هستی‌های متعددی تشکیل شده است و دو ویژگی مشترک دارد: اول اینکه جنبه‌ای از ساختار اجتماعی را تشکیل می‌دهند و دوم اینکه کنش‌های معینی را برای افراد در درون ساختار اجتماعی تسهیل می‌کنند (کلمن^۲، ۱۹۹۰، ص. ۳۰۲). اینگلهارت نیز معتقد است که سرمایه اجتماعی، فرهنگ اعتماد و مدارایی است که به واسطه آن شبکه‌های گسترده‌ای از انجمن‌های داوطلبانه اجازه بروز و ظهور پیدا می‌کنند (اینگلهارت^۳، ۱۹۹۷: ۱۸۸) و این اعتماد سازمانی می‌تواند بر هنجارهای مرتبط با اخلاق کار اثر بگذارد و از آن طریق عملکرد شغلی کارکنان سازمان را تحت تأثیر خویش قرار دهد.

سرمایه فرهنگی

شکلی از مفهوم‌پردازی قدرت به عنوان سرمایه در جوامع گوناگون که بورديو با عمومیت دادن منطق تحلیل اقتصادی به کالاها و خدمات غیر اقتصادی ارائه می‌دهد، سرمایه فرهنگی است. مفهوم‌پردازی بورديو، منابع وسیعی چون مهارت‌های زبان‌شناختی، آگاهی فرهنگی، ترجیحات زیباشناختی، اطلاعات درباره سیستم آموزشی و قوانین آموزشی را پوشش می‌دهد

-
1. Bourdiue
 2. Coleman
 3. Ingelhart

(اسوارتز^۱، ۱۹۹۷، ص. ۷۵). از دیدگاه بوردیو، سرمایه فرهنگی تابعی از سرمایه اقتصادی است (بوردیو، ۱۹۸۶، ص. ۲۴۳). سرمایه فرهنگی بیانگر منابع نمادین یا کالاهایی است که از نسلی به نسل دیگر در میان طبقات متوسط و بالا به منظور حفظ پایگاه طبقه منتقل می‌شوند (بوردیو، ۱۹۷۷).

سرمایه اقتصادی

سرمایه اقتصادی ثروت و پولی است که هر کنشگر اجتماعی در دست دارد و شامل تمام امکانات مادی، درآمدها و انواع منابع مالی است که در قالب مالکیت، جلوه نهادی پیدا می‌کند (فکوهی، ۱۳۸۴، ص. ۳۰۰). از دیدگاه بوردیو، سرمایه اقتصادی حالت بنیادی دارد؛ به‌طوری‌که بر سطح سایر سرمایه‌ها نیز مؤثر واقع می‌شود؛ به سخن دیگر، می‌توان گفت که سرمایه اقتصادی سرمایه اولیه فرد است، اما ممکن است پس از کسب آن، صاحب سرمایه در معرض تاثیرات عمیق و بزرگ قرار گیرد. در این نوع سرمایه ماهیت ابزاری و نفع شخصی در کنش بسیار آشکار است (گرنفل^۲، ۱۳۹۳، ص. ۳۳۶). بوردیو سایر سرمایه‌ها را در رابطه تنگاتنگ با سرمایه اقتصادی تعریف می‌کند. وی معتقد است، سرمایه اقتصادی ریشه اشکال دیگر سرمایه‌ها است و تمامی سرمایه‌ها به‌نوعی منبعث از سرمایه اقتصادی است. از طرفی دیگر، در این تبدیل متناوب سرمایه‌ای هیچ‌یک از اشکال سرمایه‌های دیگر قابلیت تقلیل کامل به آن را ندارد؛ به عبارت دیگر، اساس سرمایه‌های دیگر از جایی نشئت می‌گیرد که به‌طور کامل سرمایه اقتصادی محسوب نمی‌شود (صالحی امیری و سپهرنیا، ۱۳۹۴، ص. ۴۲). درواقع، بوردیو بر تبدیل‌پذیری اشکال گوناگون سرمایه و بر تقلیل‌نهایی همه اشکال به سرمایه اقتصادی تأکید می‌کند. از نظر وی، سرمایه اقتصادی همان کار انسانی انباشته شده است؛ به این ترتیب کنشگران می‌توانند با استفاده از سرمایه اجتماعی به سرمایه اقتصادی یا

1. Swarts

2. Grenfell

فرهنگی دست یابند و به همین نحو برای دستیابی به سرمایه اجتماعی نیز باید سرمایه گذاری های هوشمندانه ای در منابع اقتصادی و فرهنگی انجام دهند (بوردیو، ۱۹۸۶، ص. ۵۲).

اخلاق کار

اخلاق یکی از مهم ترین جنبه های کار و به ویژه در مدیریت منابع انسانی محسوب می شود و در تعیین عملکرد شغلی مؤثر است (صلاح الدین، آلوی، بهارالدین و هالیمات^۱، ۲۰۱۶، ص. ۴۶۵). ماکس وبر، هفت بعد اساسی را برای اخلاق کار معرفی می کند که عبارت اند از: خوداتکایی، اخلاق گرایی، تن آسایی، سخت کوشی، تمرکز کاری، اتلاف وقت و به تعویق انداختن لذت (میلر، ووهر و هادپیث^۲، ۲۰۰۱، ص. ۳). اخلاق کار به هنجارهای فرهنگی اشاره دارد که مردم را در قبال کاری که انجام می دهند مسئولیت پذیر می کند؛ براساس این باور که کار جزء ارزش های درونی فرد محسوب می شود (چارینگتون^۳، ۱۹۸۰، ص. ۸). این انگاره که فعالیت مواد یا کار، به خودی خود برای کسانی که آن را انجام می دهند ارزش دارد و آنان را به تلاشی بیشتر از آنچه به واسطه فشارهای اجتماعی، پرداخت های تشویقی، یا دیگر تدابیر اندیشیده شده از سوی کارفرمایان برای دستیابی به حداکثر بازده نیروی کار صورت می گیرد، تشویق می کند (مارشال^۴، ۱۹۹۸: ۷۰۸).

عملکرد شغلی

عملکرد شغلی به فعالیت هایی اشاره دارد که افراد در محیط کاری در راستای شغل شان انجام می دهند و دربرگیرنده جنبه رفتاری است. مفهوم عملکرد شغلی، فعالیت هایی را توصیف می کند که برای سازمان، هدف محور هستند (سوننتاگ، وولمر و اسپیچالا^۵، ۲۰۰۸، ص. ۴۲۷). عملکرد شغلی یعنی حاصل فعالیت های نیروی انسانی از لحاظ اجرای وظایف

1. Salahdin, Alvi, Baharuddin & Halimat

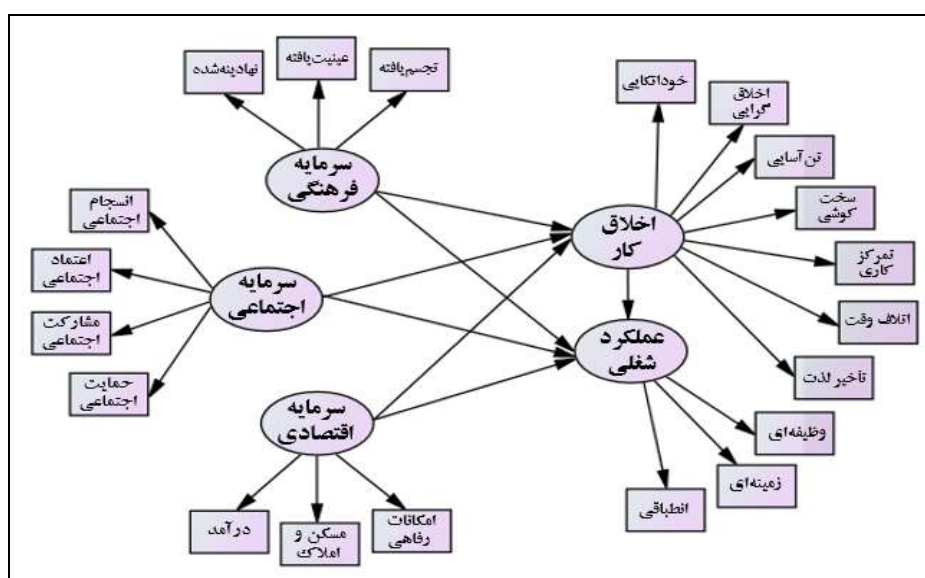
2. Miller, Woehr & Hudspeth

3. Chrrington

4. Marshall

5. Sonnentag, Volmer & Spsychala

محواله که پس از زمان معین می‌تواند جنبه بهره‌وری و کارایی داشته باشد. درواقع، عملکرد شغلی به انجام دادن وظایفی اطلاق می‌شود که شغل یک فرد را تشکیل می‌دهد. اساساً این عملکرد، اثر خالص تلاش یک فرد است که به وسیله توانایی و خصوصیات او و همچنین نحوه ادراک وی از نقشی که برعهده دارد، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و تغییر می‌کند (ساعتچی، کامکاری و عسگریان، ۱۳۸۹، ص. ۳۳۵).



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

۳.۲. فرضیه‌های تحقیق

براساس چهارچوب نظری و مدل مفهومی تحقیق، فرضیه‌های تحقیق به این ترتیب مطرح می‌شود:

۱. بین سرمایه اجتماعی و اخلاق کار کارکنان شهرک صنعتی کلات رابطه وجود دارد.
۲. بین سرمایه فرهنگی و اخلاق کار کارکنان شهرک صنعتی کلات رابطه وجود دارد.

۳. بین سرمایه اقتصادی و اخلاق کار کارکنان شهرک صنعتی کلات رابطه وجود دارد.
۴. بین سرمایه اجتماعی و عملکرد شغلی کارکنان شهرک صنعتی کلات رابطه وجود دارد.
۵. بین سرمایه فرهنگی و عملکرد شغلی کارکنان شهرک صنعتی کلات رابطه وجود دارد.
۶. بین سرمایه اقتصادی و عملکرد شغلی کارکنان شهرک صنعتی کلات رابطه وجود دارد.
۷. بین اخلاق کاری و عملکرد شغلی کارکنان شهرک صنعتی کلات رابطه وجود دارد.

۳. روش تحقیق

نوع تحقیق استفاده شده براساس هدف پژوهش از نوع کاربردی است که منظور، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص (بررسی روابط بین عوامل سرمایه ای، اخلاق کار و عملکرد شغلی در بین کارکنان شهرک صنعتی کلات مشهد) است و براساس نحوه گردآوری داده ها، روش پیمایشی است. از لحاظ میزان ژرفایی، پژوهش حاضر پهنانگر بوده و با در نظر گرفتن معیار زمان، مقطعی است. منظور اینکه، تحقیق بر روی داده ها درمورد چندین صفت مطالعه شده در مقطعی از زمان گردآوری شده اند. جامعه آماری پژوهش، همه کارکنان شهرک صنعتی کلات به تعداد ۴۰۰۰ نفر است. با استناد به فرمول نمونه گیری کوکران^۱ و افزایش سطح خطای مجاز، اندازه نمونه متناسب با جامعه آماری مذکور، ۲۸۰ نفر است که به صورت تصادفی ساده به روش قرعه کشی انتخاب شدند. چنانچه فردی حاضر به پاسخگویی نبود، با نفر دیگر جایگزین می شد. شهرک صنعتی کلات مشهد، قدیمی ترین و اولین شهرک صنعتی استان خراسان رضوی است. عملیات اجرایی آن از سال ۱۳۶۲ آغاز شد و هم اکنون شامل سه فاز صنعتی است که مساحتی بالغ بر یکصد و سیزده هکتار را در بر می گیرد. قرارگرفتن این شهرک در کیلومتر ۱۴ محور مشهد-کلات سبب شده است که از آن به عنوان شهرک

1. Cochran

صنعتی کلات نیز نام برده شود. نوع صنایع مجاز در شهرک صنعتی کلات، عبارت از فلزی و ریخته‌گری، شیمیایی، برق و الکترونیک، نساجی و پوشاک، کانی غیرفلزی، دارویی و بهداشتی، غذایی، سلولزی و خدماتی است.

۳.۱. ابزار تحقیق

پرسشنامه عملکرد شغلی: برای سنجش متغیر عملکرد شغلی، از پرسشنامه استاندارد کوپمنز و همکاران^۱ (۲۰۱۳) استفاده شده است. این پرسشنامه در سه بعد است: عملکرد وظیفه‌ای (۵ گویه): عملکرد وظیفه‌ای شامل فعالیت‌هایی است که مواد اولیه را به کالا و خدمات تبدیل می‌سازد و به این طریق، سطح کارایی سازمان را بالا می‌برد (سوننتاگ و همکاران، ۲۰۰۸، ص. ۴۲۸)؛ عملکرد زمینه‌ای (۱۴ گویه): این نوع عملکرد شامل رفتارهایی است که به طور مستقیم در عملکرد سازمانی دخیل نیستند، اما محیط روانی و اجتماعی سازمان را پشتیبانی می‌کنند و شامل فعالیت‌هایی است که به صورت بخشی از خصایص شغلی محسوب نمی‌شوند و به صورت غیرمستقیم و از طریق تسهیل عملکرد وظیفه‌ای باعث کارایی سازمان می‌شوند (سوننتاگ و همکاران، ۲۰۰۸، ص. ۴۲۸)؛ عملکرد انطباقی (۸ گویه): این نوع عملکرد شامل رفتارهایی است که در نتیجه آن، کارکنان خود را با تغییرات محیط کاری سازگار می‌کنند و در این نوع عملکرد انعطاف‌پذیری اهمیت خاصی دارد و فرد خود را با عوامل فرهنگی، اجتماعی و فیزیکی سازمان مطابقت می‌دهد (سوننتاگ و همکاران، ۲۰۰۸، ص. ۴۲۹). این پرسشنامه با ۲۷ گویه، در سطح سنجش رتبه‌ای و در قالب طیف لیکرت و با گزینه‌های هرگز (۱)، به ندرت (۲)، گاهی (۳)، اغلب اوقات (۴) و همیشه (۵)، طراحی شده است. دامنه نمرات ۲۷ تا ۱۳۵ است. براساس گزارش کوپمنز و همکاران، روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه در حد مطلوب است. لاندرس و کالان^۲ (۲۰۱۴) نیز

1. Koopmans

2. Landers & Callan

ضریب آلفای کرونباخ را برای پایایی هریک از ابعاد عملکرد وظیفه‌ای، عملکرد زمینه‌ای و عملکرد انطباقی، به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۷ و ۰/۸۶، گزارش کردند (گل‌پرور، ۱۳۹۵، ص. ۲۳).

پرسشنامه اخلاق کار: پرسشنامه اخلاق کار در این پژوهش، با هفت بعد به شرح زیر سنجیده شده است: خوداتکایی (۸ گویه): عبارت از تلاش برای استقلال در کار روزانه و عدم وابستگی به دیگران است؛ اخلاق‌گرایی (۶ گویه): عبارت از اعتقاد به موجودیت درست و اخلاقی است. اخلاق‌گرایی به مطالعه استانداردهای رفتاری و قواعد درست یا نادرست می‌پردازد. این بعد به اخلاقی بودن نحوه انجام کار یا به عبارتی، انجام وظایف کاری بر مبنای ارزش‌ها و قواعد اخلاقی دلالت دارد؛ تن‌آسایی (۷ گویه): تن‌آسایی، اشتیاق به شرکت در فعالیت‌هایی است که در مقوله و حوزه کار قرار نمی‌گیرند. این بعد نگرش‌ها و باورهای افراد را نسبت به میزان اهمیت فعالیت‌های غیرکاری می‌سنجد؛ سخت‌کوشی (۱۰ گویه): سخت‌کوشی اعتقادی است که افراد می‌توانند بهتر و فعال‌تر شوند و اهدافشان را از طریق تعهد به ارزش‌ها و باور به اهمیت کار انجام دهند. سخت‌کوشی اعتقاد به فضایل سخت‌کوشی و باور به این است که سخت‌کوشی نتایج بهتر و مطلوب‌تری به همراه دارد؛ تمرکز کاری (۱۰ گویه): تمرکز کاری دلالت بر اهمیتی دارد که افراد به کار اختصاص می‌دهند. درواقع، تمرکز کاری، اعتقاد به کار و اهمیت دادن به آن به‌خاطر خود کار است؛ اتلاف وقت (۵ گویه): عبارت از استفاده مفید و پربار از زمان به هنگام انجام کار و اتلاف وقت نکردن است. این بعد به پیوستاری اشاره دارد که در یک سر آن مدیریت زمان برای افزایش بهره‌دهی و تولید وجود دارد و سر دیگر طیف اهمیت کمتری به مدیریت زمان داده می‌شود؛ به تعویق انداختن لذت (۴ گویه): به معنی تأخیر در ارضا نیازها، نپرداختن به خوش‌گذرانی و سرگرمی به‌خاطر انجام فعالیت‌های کاری است. به تعویق انداختن لذت نشان‌دهنده توانایی افراد برای فراموشی لذت‌های زودگذر برای دسترسی به منافع و مزایای درازمدت در آینده است. این امر به توانایی‌های فرد بستگی دارد که منافع درازمدت را قربانی منافع کوتاه‌مدت نکند (میلر و همکاران، ۲۰۰۱، ص. ۱۴). این پرسشنامه به‌صورت ۵۰

گویه با مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت به صورت کاملاً مخالفم (۱)، مخالفم (۲)، بینابین (۳)، موافقم (۴) و کاملاً موافقم (۵) و دامنه نمرات ۵۰ تا ۲۵۰ طراحی شده است.

پرسشنامه سرمایه اجتماعی: در پژوهش حاضر، پرسشنامه سرمایه اجتماعی با چهار مؤلفه سنجش شده است: اعتماد اجتماعی (۱۳ گویه): فرایندی است که در طول زمان توسط کنشگران برای شناخت یکدیگر و از طریق مبادله دوطرفه گسترش پیدا می‌کند و مبتنی بر صداقت، صراحت و انتظار مشترک است (تانسلی و نیول^۱، ۲۰۰۷، ص. ۳۵۱)؛ حمایت اجتماعی (۱۴ گویه): حمایت اجتماعی نوعی مبادله بین فردی است که پیوندهای عاطفی، کمک‌های مؤثر ابزاری، ارائه اطلاعات و اظهارنظر و ارزیابی دیگران را در بر می‌گیرد (لی^۲، ۲۰۰۵، ص. ۱۴)؛ مشارکت اجتماعی (۹ گویه): مشارکت اجتماعی دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر گذاشتن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. در نتیجه این مشارکت، روابط اجتماعی و پیوندهای بین افراد مستحکم‌تر می‌شود و این استعداد در جامعه به وجود می‌آید که سرمایه اجتماعی تقویت شود (موسوی، ۱۳۸۵، ص. ۷۷)؛ انسجام اجتماعی (۹ گویه): انسجام اجتماعی بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دلالت دارد که حاصل پذیرش و درونی کردن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه و وجود تعلق جمعی (احساس ما کردن) و تراکمی از وجود تعامل در میان افراد آن جامعه است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۶، ص. ۲۸۷). این پرسشنامه به صورت ۴۵ گویه با مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) و دامنه نمرات ۴۵ تا ۲۲۵ طراحی شده است.

پرسشنامه سرمایه فرهنگی: برای سنجش سرمایه فرهنگی و با استفاده از نظریه بورديو (۱۹۸۶)، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. بورديو در نظریه سرمایه فرهنگی خود مدعی است سرمایه فرهنگی می‌تواند به سه شکل ظاهر شود: تجسم یافته شامل تمامی اشیاء

1. Tansley & Newell
2. Lee

و کالاهای فرهنگی (میزان آشنایی و فعالیت های هنری مانند موسیقی، خط و نقاشی، ورزش، زبان خارجی و...) است، عینیت یافته شامل مؤلفه های نرم افزاری (کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه) و وسایل سخت افزاری (کامپیوتر، اینترنت، ماهواره، دوربین) است؛ نهادهای شده به انواع مدارک تحصیلی، گواهینامه های معتبر فنی و حرفه ای مربوط است (بوردیو، ۱۹۹۷، ص. ۴۲). در پژوهش حاضر، پرسشنامه سرمایه فرهنگی در سه بعد تجسم یافته (۹ گویه)، عینیت یافته (۱۰ گویه) و نهادهای شده (۴ گویه) سنجش شده است. این پرسشنامه به صورت ۲۳ گویه با مقیاس ۵ درجه ای لیکرت از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) و دامنه نمرات ۲۳ تا ۱۱۵ طراحی شده است.

پرسشنامه سرمایه اقتصادی: سرمایه اقتصادی بیانگر دارایی های مالی از هر شکلی است که مستقیماً قابل تبدیل به پول است (بوردیو، ۱۹۸۶). برای سنجش سرمایه اقتصادی و با استفاده از نظریه بوردیو (۱۹۸۶)، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. در پژوهش حاضر، پرسشنامه سرمایه اقتصادی در سه بعد درآمد (۲ سؤال باز)، مسکن و املاک (۳ سؤال باز و تعاقبی) و امکانات رفاهی (۷ سؤال باز و چندگزینه ای) سنجش شده است. برای سنجش این متغیر ۱۲ سؤال طراحی شده است.

۲.۳. روایی و پایایی

برای سنجش اعتبار وسیله اندازه گیری، ابتدا اساتید و تعدادی از متخصصان مربوطه پرسشنامه مقدماتی را بررسی کردند و در نهایت، اعتبار محتوایی به روش اعتبار صوری پرسشنامه با حذف و اصلاح تعدادی از گویه ها حاصل شد. همچنین از اعتبار سازه به روش تحلیل عاملی برای تعیین اعتبار ابزار تحقیق و از همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ^۱ برای تعیین پایایی ابزار تحقیق استفاده شد. نتایج نشان داد که مقدار ضریب پایایی متغیرهای تحقیق و ابعاد آنها بیشتر از ۰/۷ است؛ بنابراین بیانگر همسانی درونی گویه های این متغیرها

1. Cronbach's Alpha

است. نتایج تحلیل عاملی نیز نشان داد که مقدار شاخص KMO^1 برای اکثر ابعاد متغیرهای تحقیق نزدیک به یک و تا حدود زیادی قابل قبول است؛ بنابراین تعداد نمونه برای تحلیل عاملی کافی است. مقدار sig آزمون بارتلت^۲، برای همه ابعاد، کوچکتر از ۵ درصد است که نشان می‌دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار هر بعد مناسب است و فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی رد می‌شود. همچنین بار عاملی برای تمامی گویه‌ها، مقادیر بیشتر از ۰/۴ را نشان داد که بیانگر اعتبار سازه متغیرهای تحقیق و ابعاد آنهاست. با توجه به اینکه برای سنجش متغیر سرمایه اقتصادی از سؤالاتی با مقیاس اسمی دو و چند گزینه‌ای و نسبی استفاده شده است، مبنای اعتبار اندازه‌گیری این متغیرها، اعتبار محتوا و نظر کارشناسان مربوطه بوده است. مبنای پایداری این متغیرها، روش بازآزمایی بوده است که بعد از حدود دو هفته، ۲۰ درصد از نمونه بررسی شد که ضریب همبستگی پاسخ‌های آنها در مقیاس سرمایه اقتصادی در دو نوبت برابر با ۰/۷۶ به دست آمد که بیانگر پایداری سؤالات تحقیق است.

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. بحث و تحلیل یافته‌های توصیفی

طبق نتایج توصیفی، ۱۸/۶ درصد (۵۲ نفر) پاسخگویان زن و ۸۱/۴ درصد (۲۲۸ نفر) مرد بودند. بازه سنی در پژوهش حاضر ۲۰ تا ۶۰ سال بود. برای توصیف بهتر متغیر سن، پاسخگویان در ۴ گروه سنی، گروه‌بندی شدند که نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخگویان (۵۱/۴ درصد) در گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال بودند. همچنین گروه سنی ۵۰ تا ۶۰ سال با حدود ۵ درصد، کمترین تعداد پاسخگویان را داشتند. از نظر وضعیت تأهل، ۸۰ درصد از پاسخگویان متأهل، ۱۸/۲ درصد مجرد و ۱/۸ درصد مطلقه بودند. به لحاظ سطح تحصیلات، بیشتر پاسخگویان (۴۵/۴ درصد) مدرک دیپلم داشتند و بعد از آن

1. Kaiser-Meyer-Olkin
2. Bartlett

حدود ۲۰ درصد در سطح راهنمایی (سیکل) بودند. نوع شغل ۷۵/۴ درصد از پاسخگویان، کارگری و ۲۴/۶ درصد اداری بود. ساعت کاری اکثر پاسخگویان (۵۲/۵ درصد) ۸ ساعت و ۳۸/۲ درصد از افراد نیز بیش از ۸ ساعت بود. بیشتر پاسخگویان (۳۲/۵ درصد) از ۱ تا ۵ سال سابقه خدمت داشتند و بعد از آن، حدود ۲۷ درصد از افراد ۶ تا ۱۰ سال سابقه خدمات داشتند. نوع استخدام اکثر پاسخگویان (حدود ۸۶ درصد) قراردادی بود.

طبق نتایج توصیفی جدول ۱، میانگین متغیر سرمایه فرهنگی و ابعاد آن کمتر از مقدار متوسط ۳ است. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای حاکی معنادار بودن ($\text{sig} < 0/05$) اختلاف میانگین به‌دست‌آمده متغیر سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با میانگین وزنی ۳ است؛ به این ترتیب که مقادیر t منفی متغیر سرمایه فرهنگی و ابعاد آن بیانگر کم‌تر بودن میانگین از مقدار آزمون‌شده (۳) است؛ به عبارت دیگر، میزان سرمایه فرهنگی پاسخگویان پایین‌تر از متوسط است.

میانگین متغیر سرمایه اجتماعی و ابعاد انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی بیشتر از مقدار متوسط ۳ و میانگین بعد حمایت اجتماعی کمتر از مقدار متوسط ۳ است. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای حاکی معنادار بودن ($\text{sig} < 0/05$) اختلاف میانگین به‌دست‌آمده متغیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با میانگین وزنی ۳ است؛ به این ترتیب که مقادیر t مثبت سرمایه اجتماعی و ابعاد انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی بیانگر بیشتر بودن میانگین از مقدار آزمون‌شده (۳) و مقادیر t منفی متغیر بعد حمایت اجتماعی بیانگر کم‌تر بودن میانگین از مقدار آزمون‌شده (۳) است؛ به عبارت دیگر، میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان بیشتر از متوسط است.

میانگین درآمد پاسخگویان یک میلیون و هشتصد و چهار هزار تومان است. همچنین میانگین سرمایه اقتصادی پاسخگویان شامل درآمد، مسکن و املاک و امکانات رفاهی حدود ۳۵ میلیون تومان است.

میانگین متغیر اخلاق کار و ابعاد آن بیشتر از مقدار متوسط ۳ است. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای حاکی از معنادار بودن ($\text{sig} < 0/05$) اختلاف میانگین به‌دست‌آمده متغیر اخلاق

کار و ابعاد آن با میانگین وزنی ۳ است؛ به این ترتیب که مقادیر t مثبت متغیر اخلاق کار و ابعاد آن بیانگر بیشتر بودن میانگین از مقدار آزمون شده (۳) است؛ به عبارت دیگر، میزان اخلاق کار پاسخگویان بیشتر از متوسط است.

میانگین متغیر عملکرد شغلی و ابعاد آن بیشتر از مقدار متوسط ۳ است. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای حاکی از معنادار بودن ($\text{sig} < 0/05$) اختلاف میانگین به دست آمده متغیر عملکرد شغلی و ابعاد آن با میانگین وزنی ۳ است؛ به این ترتیب که مقادیر t مثبت متغیر عملکرد شغلی و ابعاد آن بیانگر بیشتر بودن میانگین از مقدار آزمون شده (۳) است؛ به عبارت دیگر، میزان عملکرد شغلی پاسخگویان بیشتر از متوسط است.

جدول ۱- شاخص‌های آماری و نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرها	ابعاد	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	معناداری (sig)
سرمایه اجتماعی	انسجام اجتماعی	۲۸۰	۱/۳۳	۵	۳/۵۱	۰/۷۱۰	۱۲/۰۸	۰/۰۰۰
	اعتماد اجتماعی	۲۸۰	۱	۵	۳/۴۳	۰/۷۲۸	۹/۹۱	۰/۰۰۰
	مشارکت اجتماعی	۲۸۰	۱/۳۳	۵	۳/۳۴	۰/۷۹۶	۷/۲۵	۰/۰۰۰
	حمایت اجتماعی	۲۸۰	۱/۴۳	۵	۲/۸۸	۰/۷۷۳	-۲/۵۹	۰/۰۱۰
	مجموع	۲۸۰	۱/۳۹	۴/۸۵	۳/۲۹	۰/۶۰۱	۸/۱۴	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی	تجسم یافته	۲۸۰	۱	۵	۲/۱۱	۰/۸۱۴	-۱۸/۲۲	۰/۰۰۰
	عینیت یافته	۲۸۰	۱	۵	۲/۴۲	۰/۷۷۳	-۱۲/۶۳	۰/۰۰۰
	نهادینه شده	۲۸۰	۱	۵	۲/۲۵	۰/۹۸۴	-۱۲/۸۷	۰/۰۰۰
	مجموع	۲۸۰	۱	۴/۵۹	۲/۲۶	۰/۷۷۵	-۱۵/۹۷	۰/۰۰۰
سرمایه اقتصادی	درآمد	۲۸۰	۰/۵	۹	۱/۸۴	۱/۲۴۰	۲۸۰	۰/۵
	مسکن و املاک	۲۸۰	۰/۲	۱۰۰۰	۷۰/۸۸	۱۴۲/۸۳	۲۸۰	۰/۲
	امکانات رفاهی	۲۸۰	۰/۱	۸۳۷	۳۲/۱۹	۹۳/۰۸	۲۸۰	۰/۱
	مجموع	۲۸۰	۰/۲	۶۰۷	۳۴/۹۷	۶۲/۷۳	۲۸۰	۰/۲
اخلاق کار	خوداتکایی	۲۸۰	۱/۵	۵	۳/۹۱	۰/۷۶۸	۱۹/۹۴	۰/۰۰۰
	اخلاق گرایی	۲۸۰	۲/۵	۵	۴/۲۳	۰/۶۷۲	۳۰/۵۶	۰/۰۰۰

متغیرها	ابعاد	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	معناداری (sig)
	تن آسایی	۲۸۰	۱	۵	۳/۲۸	۰/۹۰۹	۵/۱۱	۰/۰۰۰
	سخت کوشی	۲۸۰	۲/۲	۵	۴/۰۱	۰/۷۳۶	۲۲/۹۲	۰/۰۰۰
	تمرکز کاری	۲۸۰	۲/۴	۵	۳/۹۱	۰/۶۰۳	۲۲/۱۴	۰/۰۰۰
	اتلاف وقت	۲۸۰	۱/۸	۵	۴/۰۸	۰/۶۶۰	۲۷/۳۷	۰/۰۰۰
	تأخیر لذت	۲۸۰	۱/۵	۵	۳/۸۱	۰/۷۳۱	۱۸/۵۸	۰/۰۰۰
	مجموع	۲۸۰	۲/۸۹	۴/۸۶	۳/۸۸	۰/۴۸۲	۳۰/۳۹	۰/۰۰۰
عملکرد شغلی	وظیفه‌ای	۲۸۰	۱/۴	۵	۴/۰۴	۰/۷۴۷	۲۳/۴۰	۰/۰۰۰
	زمینه‌ای	۲۸۰	۱/۵۷	۵	۳/۸۴	۰/۶۶۳	۲۱/۳۳	۰/۰۰۰
	انطباقی	۲۸۰	۱	۵	۳/۸۲	۰/۷۵۳	۱۸/۳۳	۰/۰۰۰
	مجموع	۲۸۰	۱/۷	۵	۳/۹۰	۰/۶۵۳	۲۳/۱۸	۰/۰۰۰

همچنین طبق نتایج آزمون t نمونه‌های مستقل، اختلاف میانگین معنادار بین زنان و مردان ($\text{sig} > ۰/۰۵$) درباره هیچ کدام از متغیرهای سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی، اخلاق کار و عملکرد شغلی وجود ندارد.

طبق نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، اختلاف میانگین معنادار بین گروه‌های سنی ($\text{sig} < ۰/۰۵$) فقط درباره متغیر سرمایه اقتصادی وجود دارد؛ به این ترتیب که میانگین سرمایه اقتصادی با افزایش سن، بیشتر می‌شود. درباره سایر متغیرهای تحقیق، اختلاف میانگین معناداری بین گروه‌های سنی وجود ندارد.

طبق نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، اختلاف میانگین معنادار بین وضعیت تأهل ($\text{sig} < ۰/۰۵$) فقط درباره متغیر سرمایه اقتصادی وجود دارد؛ به این ترتیب که میانگین سرمایه اقتصادی در افراد مطلقه بیشتر از متأهلان و در بین متأهلان بیشتر از مجردهاست. درباره سایر متغیرهای تحقیق، اختلاف میانگین معناداری بین وضعیت تأهل وجود ندارد.

طبق نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، اختلاف میانگین معنادار بین سطح تحصیلات ($\text{sig} < 0/05$) فقط درباره متغیر سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی وجود دارد؛ به این ترتیب که میانگین سرمایه فرهنگی با افزایش سطح تحصیلات، بیشتر می شود. میانگین سرمایه اقتصادی به ترتیب برای افراد با سطح تحصیلات کارشناسی ارشد، کارشناسی، ابتدایی و دیپلم بیشتر است. درباره سایر متغیرهای تحقیق، اختلاف میانگین معناداری بین سطح تحصیلات وجود ندارد.

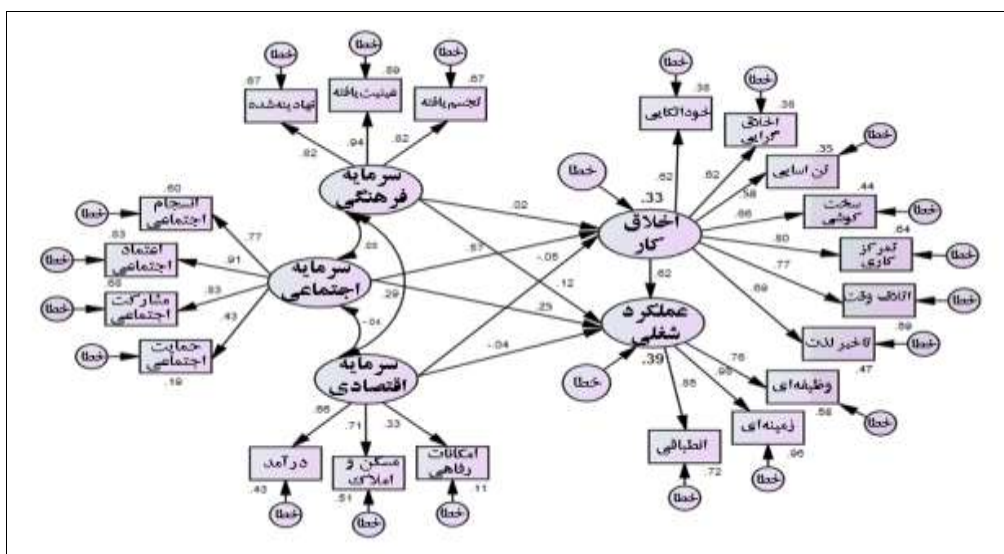
طبق نتایج آزمون t نمونه های مستقل، اختلاف میانگین معنادار بین زنان و مردان ($\text{sig} > 0/05$) درباره متغیرهای سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی دارد؛ به این ترتیب که میانگین سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی کارکنان اداری از کارگران بیشتر است. درباره سایر متغیرهای تحقیق، اختلاف میانگین معناداری بین نوع شغل وجود ندارد.

طبق نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، اختلاف میانگین معنادار بین سابقه خدمت ($\text{sig} < 0/05$) درباره متغیر سرمایه اقتصادی و سرمایه اجتماعی وجود دارد؛ به این ترتیب که میانگین سرمایه اقتصادی با افزایش سابقه خدمت، بیشتر می شود و سرمایه اجتماعی در افراد کم سابقه و پرسابقه، بیشتر از سایر افراد است. درباره سایر متغیرهای تحقیق، اختلاف میانگین معناداری بین سابقه خدمت وجود ندارد.

طبق نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، اختلاف میانگین معنادار بین نوع استخدام ($\text{sig} < 0/05$) درباره متغیر سرمایه فرهنگی و اخلاق کار وجود دارد؛ به این ترتیب که میانگین سرمایه فرهنگی به ترتیب برای کارکنان شرکتی، پیمانی، رسمی و قراردادی بیشتر است و میانگین اخلاق کار به ترتیب برای کارکنان شرکتی، قراردادی، پیمانی و رسمی بیشتر است. درباره سایر متغیرهای تحقیق، اختلاف میانگین معناداری بین نوع استخدام وجود ندارد.

۲.۴. نتایج استنباطی (مدل معادله ساختاری)

در پژوهش حاضر، مدل نظری تحقیق در قالب مدل معادله ساختاری برای تبیین رابطه بین عوامل سرمایه‌ای، اخلاق کاری و عملکرد شغلی در بین کارکنان شهرک صنعتی کلات تدوین شده است. پس از آزمون مدل، نتایج برآوردهای استاندارد برای کوواریانس، وزن‌های رگرسیونی شامل بارهای عاملی و ضرایب تأثیر و ضریب همبستگی چندگانه در شکل ۲ نمایش داده شده است.



شکل ۲- مدل معادله ساختاری برای تبیین رابطه بین عوامل سرمایه‌ای، اخلاق کاری و عملکرد شغلی در بین کارکنان شهرک صنعتی کلات با برآوردهای استاندارد

با توجه به این مدل، متغیر سرمایه اجتماعی با ضریب تأثیر ۰/۵۷ بیشترین تأثیر را بر اخلاق کار داشته است؛ بنابراین اخلاق کار بیش از سایر متغیرهای تأثیرگذار در مدل، تابع سرمایه اجتماعی است. همچنین متغیر اخلاق کار با ضریب تأثیر ۰/۶۲ بیشترین تأثیر را بر عملکرد شغلی داشته است؛ بنابراین عملکرد شغلی بیش از سایر متغیرهای تأثیرگذار در مدل،

تابع اخلاق کار است. با توجه به هفت ضریب تأثیر در مدل حاضر می‌توان گفت، متغیرهای اخلاق کار، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی به ترتیب به میزان ۶۲، ۲۵ و ۱۲ درصد متغیر عملکرد شغلی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین تنها متغیر سرمایه اجتماعی به میزان ۵۷ درصد متغیر اخلاق کار را پیش‌بینی می‌کند. مربع ضریب همبستگی چندگانه نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل به میزان ۳۳ درصد، واریانس متغیر وابسته اخلاق کار و به میزان ۳۹ درصد واریانس متغیر وابسته عملکرد شغلی را تبیین می‌کنند.

طبق نتایج شاخص‌های برازش مدل، شاخص کای اسکوتر نسبی (CMIN/DF) با مقدار ۳/۵۴۲ (۱ تا ۵)، شاخص برازش تطبیقی (CFI) با مقدار ۰/۸۴۸ (نزدیک به مقدار قابل قبول ۰/۹۰)، شاخص برازش هنجار شده مقتصد (PNFI) با مقدار ۰/۶۷۷ (بزرگ‌تر از ۰/۵ یا ۰/۶) و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) با مقدار ۰/۰۹ (کوچک‌تر از ۰/۰۹) برازش مدل را تأیید می‌کنند؛ بنابراین داده‌های جمع‌آوری شده تا حد زیادی مدل نظری تدوین شده را حمایت می‌کنند.

در ادامه برای آزمون فرضیه‌ها، ضرایب ساختاری هریک از متغیرها بر بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه و نسبت بحرانی آن‌ها آورده شده است.

جدول ۲- ضرایب تأثیر استاندارد شده و نسبت بحرانی (فرضیه‌های تحقیق)

مسیر	ضریب استاندارد شده	نسبت بحرانی (CR)	معناداری (P)	نتیجه
سرمایه اجتماعی ← اخلاق کار	۰/۵۷	۷/۳۲۴	۰/۰۰۰	معناداری مسیر تأیید فرضیه
سرمایه فرهنگی ← اخلاق کار	۰/۰۲	۰/۴۷۰	۰/۶۳۸	معنادار نبودن مسیر رد فرضیه
سرمایه اقتصادی ← اخلاق کار	-۰/۰۵	-۰/۷۲۸	۰/۴۶۷	معنادار نبودن مسیر رد فرضیه

مسیر	ضریب استاندارد شده	نسبت بحرانی (CR)	معناداری (P)	نتیجه
سرمایه اجتماعی ← عملکرد شغلی	۰/۲۵	۳/۱۴۶	۰/۰۰۰	معناداری مسیر تأیید فرضیه
سرمایه فرهنگی ← عملکرد شغلی	۰/۱۲	۲/۰۵۸	۰/۰۴۰	معناداری مسیر تأیید فرضیه
سرمایه اقتصادی ← عملکرد شغلی	-۰/۰۴	-۰/۵۳۵	۰/۵۹۳	معنادار نبودن مسیر رد فرضیه
اخلاق کار ← عملکرد شغلی	۰/۶۲	۶/۶۷۹	۰/۰۰۰	معناداری مسیر تأیید فرضیه

طبق جدول ۲، در مسیر اول، اثر متغیر سرمایه اجتماعی بر اخلاق کار به مقدار ۰/۵۷ به لحاظ آماری ($CR > ۲/۵۷$ و $P < ۰/۰۱$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد با صفر تفاوت معنادار دارد. برآورد استاندارد شده نشان می‌دهد که از روی متغیر سرمایه اجتماعی به میزان ۵۷ درصد می‌توان متغیر اخلاق کار را پیش‌بینی کرد؛ بنابراین با توجه به نتایج این مسیر، معناداری فرضیه اول تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی بر اخلاق کار تأثیر معنادار و مثبت دارد؛ یعنی هرچه کارکنان شهرک صنعتی کلات از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار باشند، اخلاق کار بهتر دارند.

در مسیر دوم، اثر متغیر سرمایه فرهنگی بر اخلاق کار به مقدار ۰/۰۲ به لحاظ آماری ($CR < ۲/۵۷$ و $P > ۰/۰۱$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد با صفر تفاوت معنادار ندارد؛ بنابراین با توجه به نتایج این مسیر، معناداری فرضیه دوم تأیید نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، سرمایه فرهنگی بر اخلاق کار تأثیر معنادار ندارد.

در مسیر سوم، اثر متغیر سرمایه اقتصادی بر اخلاق کار به مقدار -۰/۰۵ به لحاظ آماری ($CR < ۲/۵۷$ و $P > ۰/۰۱$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد با صفر تفاوت معنادار ندارد؛ بنابراین با

توجه به نتایج این مسیر، معناداری فرضیه سوم تأیید نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، سرمایه اقتصادی بر اخلاق کار تأثیر معنادار ندارد.

در مسیر چهارم، اثر متغیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد شغلی به مقدار ۰/۲۵ به لحاظ آماری ($CR > 2/57$ و $P < 0/01$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد با صفر تفاوت معنادار دارد. برآورد استاندارد شده نشان می‌دهد که از روی متغیر سرمایه اجتماعی به میزان ۲۵ درصد می‌توان متغیر عملکرد شغلی را پیش‌بینی کرد؛ بنابراین با توجه به نتایج این مسیر، معناداری فرضیه چهارم تأیید قرار می‌شود؛ به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی بر عملکرد شغلی تأثیر معنادار و مثبت دارد؛ یعنی هرچه کارکنان شهرک صنعتی کلات از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار باشند، عملکرد شغلی بالاتری دارند.

در مسیر پنجم، اثر متغیر سرمایه فرهنگی بر عملکرد شغلی به مقدار ۰/۱۲ به لحاظ آماری ($CR > 1/96$ و $P < 0/05$) در سطح اطمینان ۹۵ درصد با صفر تفاوت معنادار دارد. برآورد استاندارد شده نشان می‌دهد که از روی متغیر سرمایه فرهنگی به میزان ۱۲ درصد می‌توان متغیر عملکرد شغلی را پیش‌بینی کرد؛ بنابراین با توجه به نتایج این مسیر، معناداری فرضیه پنجم تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر، سرمایه فرهنگی بر عملکرد شغلی تأثیر معنادار و مثبت دارد؛ یعنی هرچه کارکنان شهرک صنعتی کلات از سرمایه فرهنگی بیشتری برخوردار باشند، عملکرد شغلی بالاتری دارند.

در مسیر ششم، اثر متغیر سرمایه اقتصادی بر عملکرد شغلی به مقدار ۰/۰۴- به لحاظ آماری ($CR < 2/57$ و $P > 0/01$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد با صفر تفاوت معنادار ندارد؛ بنابراین با توجه به نتایج این مسیر، معناداری فرضیه ششم تأیید نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، سرمایه اقتصادی بر عملکرد شغلی تأثیر معنادار ندارد.

در مسیر هفتم، اثر متغیر اخلاق کار بر عملکرد شغلی به مقدار ۰/۶۲ به لحاظ آماری ($CR > 2/57$ و $P < 0/01$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد با صفر تفاوت معنادار دارد. برآورد استاندارد شده نشان می‌دهد که از روی متغیر اخلاق کار به میزان ۶۲ درصد می‌توان متغیر

عملکرد شغلی را پیش‌بینی کرد؛ بنابراین با توجه به نتایج این مسیر، معناداری فرضیه هفتم تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر، اخلاق کار بر عملکرد شغلی تأثیر معنادار و مثبت دارد؛ یعنی هرچه کارکنان شهرک صنعتی کلات از اخلاق کار بیشتری برخوردار باشند، عملکرد شغلی بالاتری دارند.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

طبق نتایج توصیفی، اختلاف میانگین معنادار بین زنان و مردان درباره هیچ‌کدام از متغیرهای سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی، اخلاق کار و عملکرد شغلی وجود ندارد. نتایج حاصل با پژوهش توسلی و نجار نهایندی (۱۳۸۷) با عنوان «مطالعه تجربی اخلاق کار با تاکید بر جنسیت» هم‌خوانی دارند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند میانگین اخلاق کاری به تفکیک جنسیت در بین کارکنان دانشگاه تهران تفاوت معناداری از نظر آماری نداشته است. نتایج پژوهش غیبی‌پور (۱۳۸۹) با عنوان «بررسی رابطه بین اخلاق کار با تعهد سازمانی و عملکرد شغلی از دیدگاه معلمان شهرستان لالی» نیز مؤید نتایج پژوهش حاضر است. آن‌ها نشان دادند میانگین متغیرهای اخلاق کاری و عملکرد شغلی معلمان به تفکیک جنسیت در بین گروه‌های مورد مطالعه تفاوت معناداری نداشته است.

طبق نتایج تحقیق حاضر، میزان اخلاق کار، سرمایه اجتماعی و عملکرد شغلی کارکنان شهرک صنعتی کلات بیشتر از متوسط است. نتیجه حاصل منطبق بر پژوهش معیدفر (۱۳۸۵) با عنوان «اخلاق کار و عوامل موثر بر آن در بین کارکنان دولتی» و پژوهش حسن‌پور، حسنعلی‌پور و رحیمی (۱۳۹۱) با عنوان «پژوهشی پیرامون تحلیل و تبیین اخلاق اسلامی کار در سازمان‌های دولتی ایران (مطالعه موردی سازمان‌های دولتی استان قزوین)» است. آن‌ها به این نتیجه رسیدند، میزان اخلاق کار در سازمان‌های دولتی بیشتر از حد متوسط است و در سطح رضایت‌بخش قرار دارد. نتایج پژوهش محمدخانی، بلالی و محمدی (۱۳۹۱) با عنوان «تأثیر عوامل سازمانی بر سطح اخلاق کار در میان کارکنان ادارات دولتی شهرستان خوانسار»

نیز حاکی این است که پابندی به اخلاق کار در سطح بالاتر از متوسط است. همچنین نتایج، منطبق بر پژوهش احمدی و فیض‌آبادی (۱۳۸۸) با عنوان «بررسی ارتقاء سرمایه اجتماعی و تاثیر آن بر بهبود عملکرد سازمان مطالعه موردی: سازمان‌های ستادی شهرداری تهران» است. آن‌ها به این نتیجه رسیدند، میزان سرمایه اجتماعی و بهبود عملکرد افراد در سازمان حد متوسط است.

براساس یافته‌های تحقیق، از میان عوامل سرمایه‌ای، فقط سرمایه اجتماعی بر اخلاق کار کارکنان تأثیر معنادار و مثبت دارد؛ یعنی هرچه کارکنان شهرک صنعتی کلات از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار باشند، در محیط کاری خود اخلاق کار بهتری دارند. نتایج حاصل با پژوهش معیدفر (۱۳۸۲) با عنوان «بررسی اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن» هم‌خوانی دارد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که افرادی که به ارزش‌های اجتماعی جامعه سنتی نزدیک‌تر هستند، به محیط اجتماعی پیرامون خود خوشبین‌ترند و از نظر اخلاق کاری وضع بسیار مطلوب‌تری دارند. درمقابل افرادی که به ارزش‌های اجتماعی جامعه شهری امروز نزدیک‌ترند و نوعی بدبینی نسبت به محیط اجتماعی اطراف خود دارند، وضع نامناسب‌تری از نظر اخلاق کار دارند. عظیمی سقین‌سرا (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی سازمانی با اخلاق کار در بین کارمندان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه اجتماعی و اخلاق کار رابطه معنادار وجود دارد.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت، اخلاق کاری یک فرد متأثر از سرمایه‌هایی است که فرد در میدان‌های اجتماعی مختلف، به‌ویژه میدان سازمانی از آن‌ها برخوردار می‌شود؛ بنابراین می‌توان اخلاق کاری را به‌عنوان عادت‌واره‌های فرهنگی در نظر گرفت که تحت تأثیر روند جامعه‌پذیری در ادوار مختلف زندگی تکوین یافته است. از طریق تعاملات اجتماعی، فرد یاد می‌گیرد که کدام نوع کار را ارزش‌گذاری کند و براساس ستایش و توبیخ، فرد یاد می‌گیرد که چه عملکردی ارزش اخلاقی دارد. از دیدگاه بوردیو، سرمایه اجتماعی بر تعهدات و

ارتباطات اجتماعی مبتنی است (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴، ص. ۸)؛ بنابراین کنشگران دارای سرمایه‌های متعدد مسلم است که قدرتمندتر هستند و در القای ارزش‌های خویش به عنوان اخلاق کار نقش بیشتری ایفا می‌کنند.

طبق یافته‌های تحقیق، از میان عوامل سرمایه‌ای، سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر عملکرد شغلی کارکنان تأثیر معنادار و مثبت دارد؛ یعنی هرچه کارکنان شهرک صنعتی کلات از سرمایه اجتماعی و فرهنگی بیشتری برخوردار باشند، عملکرد شغلی بالاتری دارند. باقرصادرنانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی، تعهد و رفتار شهروندی در بهبود عملکرد شغلی (مورد مطالعه: شهرداری شهرستان خوی)» هم‌راستا با نتایج این پژوهش به این نتیجه رسید که سرمایه اجتماعی بر عملکرد شغلی تأثیر مثبت و معنادار دارد. تقوایی یزدی و چیت‌ساز (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی با عملکرد شغلی مدیران مدارس شهرستان» منطبق با نتایج حاضر به این نتیجه رسیدند که هوش فرهنگی و سرمایه فرهنگی بر عملکرد شغلی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر مثبت و معنادار دارد. فمینا (۲۰۱۵)، هادور (۲۰۱۷)، احمدی و فیض‌آبادی (۱۳۸۸)، ابوالقاسمی، مرادی سروش، نریمانی و زاهد (۱۳۹۰)، معمارزاده، دانش‌فرد و حسامی (۱۳۹۳)، آزادی و عیدی (۱۳۹۴) و صابر معاش و حسین‌زاده (۱۳۹۴)، در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه اجتماعی و عملکرد شغلی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت، به اعتقاد کلمن (۱۹۹۰) سرمایه اجتماعی نوعی از سرمایه است که مانند دیگر اشکال آن، مولد است و امکان دستیابی به اهداف معینی را فراهم می‌کند که در نبود آن دست‌نیافتنی هستند. درواقع، سرمایه اجتماعی سبب می‌شود تا هزینه‌های دستیابی به اهدافی معین کاهش یابد؛ اهدافی که در نبود سرمایه اجتماعی، دستیابی به آن‌ها تنها با صرف هزینه‌های زیاد امکان‌پذیر می‌شود. مفهوم سرمایه اجتماعی برای کلمن وسیله‌ای برای تبیین نحوه همکاری و تعاون افراد با یکدیگر است؛ بدین ترتیب کلمن بر

سودمندی سرمایه اجتماعی تأکید می‌ورزد و آن را منبعی برای همکاری، عملکرد شغلی بهتر، روابط دوجانبه و توسعه اجتماعی می‌داند.

براساس یافته‌های تحقیق، اخلاق کار بر عملکرد شغلی کارکنان تأثیر معنادار دارد؛ یعنی هرچه کارکنان شهرک صنعتی کلات از اخلاق کار بهتری برخوردار باشند، عملکرد شغلی بالاتری دارند. نتایج حاصل منطبق بر پژوهش محمدنژاد و قلعه‌ای (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی رابطه بین رضایت شغلی و اخلاق حرفه‌ای با عملکرد شغلی معلمان مدارس ابتدایی دولتی دخترانه ناحیه دو ارومیه در سال تحصیلی ۹۶-۹۵» است. آن‌ها به این نتیجه رسیدند، بین متغیرهای اخلاق حرفه‌ای با عملکرد شغلی معلمان همبستگی معناداری از نظر آماری وجود دارد. همچنین اسیبانجو و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «اخلاق کاری و عملکرد کارکنان» و صلاح‌الدین و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین اخلاق کاری و عملکرد شغلی» هم‌راستا با پژوهش حاضر به این نتیجه رسیدند که اخلاق کاری کارکنان تأثیر معناداری بر عملکرد شغلی آنان داشته است.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت، اخلاق کاری، عملکرد کارکنان را نظم می‌بخشد و منسجم می‌کند. عملکرد شغلی کارکنان ریشه در اخلاقیاتی دارد که تحت تأثیر ساختارها و واقعیت‌های اجتماعی ساختاربندی شده است؛ امری که در دستگاه اندیشه نیچه تبارشناسی اخلاق نام گرفته است. اخلاق، حلقه واسط عوامل و نتایج است؛ یعنی اخلاق از یک طرف تحت تأثیر عوامل ساختاری و موقعیتی است و از طرف دیگر همین اخلاق به نتایج مطلوب یا غیرمطلوب می‌تواند ختم شود. به زبان بوردیویی، اخلاق کار، ساختاری ساخت‌یافته و ساختاری ساخت‌دهنده است. اخلاق کار، کارکردهایش را در عملکرد شغلی متبلور می‌کند و خود اخلاق کار از نظام عقیدتی و ارزشی سازمان به مثابه یک واقعیت اجتماعی تأثیرگذار پرده‌برداری می‌کند.

بر اساس یافته‌های تحقیق، سرمایه اقتصادی بر اخلاق کار و عملکرد شغلی تأثیر معنادار ندارد. همچنین سرمایه فرهنگی بر اخلاق کار تأثیر معنادار ندارد؛ درحالی‌که طبق نتایج

توصیفی، اختلاف میانگین معنادار سرمایه اقتصادی در بین گروه‌های سنی، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، نوع شغل و سابقه خدمت وجود دارد؛ به این ترتیب که میانگین سرمایه اقتصادی با افزایش سن و تحصیلات بیشتر می‌شود و افراد متأهل، با سابقه و دارای نوع شغل اداری نیز سرمایه اقتصادی بیشتری دارند. همچنین اختلاف میانگین معنادار سرمایه فرهنگی با سطح تحصیلات، نوع شغل و نوع استخدام وجود دارد؛ به این ترتیب که کارکنان اداری با تحصیلات بالاتر و نوع استخدام شرکتی، سرمایه فرهنگی بیشتری دارند؛ اما این اختلافات معنادار بین کارکنان بر اخلاق کار و عملکرد شغلی آنان تأثیر ندارد.

براساس نتایج پژوهش، با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی و تاحدوی سرمایه فرهنگی در بروز بیشتر اخلاق کار و عملکرد شغلی بهتر کارکنان، پیشنهاد می‌شود مدیران عامل شرکت‌ها با فراهم کردن محیط کار برای ایجاد صمیمیت، آشنایی بیشتر و احساس نزدیکی کارکنان به همدیگر، زمینه افزایش اعتماد اجتماعی را فراهم کنند، به لحاظ مادی و معنوی از کارکنان حمایت کنند، زمینه نقش‌آفرینی کارکنان را در تصمیم‌های مختلف کاری فراهم کنند و در سطح مسئولیت به نیروهای رده‌پایین تفویض اختیار کنند؛ در نتیجه اعتماد و مشارکت اجتماعی آن‌ها را تقویت کنند. این امور زمانی به‌درستی محقق خواهد شد که امکان تعامل حداکثری در میان کارکنان و بین کارکنان و مدیران فراهم شود. تدارک دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی، معرفی و نمایش فیلم و فضاسازی محیط کار از طریق تابلوهایی با محتوایی انگیزشی و مشارکتی می‌تواند به افزایش سرمایه اجتماعی کارکنان کمک کند. همچنین در این زمینه، به مدیران عامل شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود با برگزاری دوره‌های آموزشی با هدف جامعه‌پذیری کارکنان و فراتر از ارائه صرف اطلاعات و یادگیری، سرمایه اجتماعی آنان را تقویت کنند. همچنین به‌منظور افزایش عملکرد شغلی کارکنان، می‌توان با برگزاری دوره‌های هدفمند و متناسب با توانایی و ظرفیت‌های هر نفر، مهارت‌های حرفه‌ای کاری را آموزش داد تا بهره‌وری و عملکرد شغلی فرد بهبود یابد.

براساس نتایج پژوهش مبنی بر تأثیر معنادار اخلاق کار بر عملکرد شغلی، به مدیران عامل شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود برای ارتقای اخلاق کار، به میزان مشروعیت اقدامات شرکت از دیدگاه کارکنان توجه کنند، در سیستم‌های گزینش و استخدام، حقوق و دستمزد، پاداش و ارتقای عدالت را رعایت کنند و منشور اخلاقی سازمان را تدوین کنند که در آن اصول اخلاقی سازمان در ارتباط با کارکنان، مشتریان، سهامداران، جامعه، دولت و... به‌طور شفاف بیان شده باشد. همچنین توجه و تأکید مدیران بر سلامت اداری و مبارزه با فساد اداری به معنی واقعی با تعریف مشخص وظایف هر شخص و تشکیل ساختار سازمانی منظم و دقیق، به‌طوری‌که ارتباط مؤثر بین کارکنان، توجه به مشارکت و تقدیر از کارکنان نمونه، توجه به وضعیت مالی و شخصی کارکنان محقق شود، تا حد زیادی می‌تواند باعث بروز اخلاق کار مؤثر در سازمان و در نتیجه ارتقای عملکرد شغلی افراد شود.

کتاب‌نامه

۱. ابوالقاسمی، ع.، مرادی سروش، م.، نریمانی، م.، و زاهد، ع. (۱۳۹۰). رابطه ابتکار شخصی، جهت‌گیری مذهبی و سرمایه اجتماعی سازمانی با عملکرد شغلی کارکنان مراکز تولیدی. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۲ (۱)، ۹۴-۸۶.
۲. احدی، ب.، فتحی، آ.، و عبدالحمیدی، ک. (۱۳۹۳). بررسی عوامل روانشناختی مؤثر بر عملکرد شغلی کارکنان فرماندهی انتظامی آذربایجان شرقی. *فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی*، ۴ (۱۵)، ۷۸-۶۴.
۳. احمدی، س. ع.، و فیض‌آبادی، ح. (۱۳۸۸). بررسی ارتقاء سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر بهبود عملکرد سازمان مطالعه موردی: سازمان‌های ستادی شهرداری تهران. *مدیریت دولتی*، ۳ (۶)، ۸۸-۳۵.
۴. اردلان، م. ر.، و بهشتی، ر. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی و سرمایه فکری بر بهره‌وری نیروی انسانی با نقش میانجی‌گری مسئولیت‌پذیری اجتماعی. *فصلنامه مدیریت برآموزش سازمانها*، ۴ (۱)، ۷۳-۱۰۲.

۵. ارشدی، ن.، و پیریایی، ص. (۱۳۹۳). رابطه اخلاق کار اسلامی با عملکرد شغلی، خشنودی شغلی و قصد ترک شغل کارکنان. *دوفصلنامه مدیریت اسلامی*، ۲۲ (۱)، ۲۳۴-۲۱۳.
۶. آزادی، ر.، و عیدی، ح. (۱۳۹۴). اثرات رضایت شغلی و سرمایه اجتماعی بر عملکرد کارکنان با نقش میانجی گری تعهد سازمانی (مطالعه موردی کارکنان وزارت ورزش و جوانان). *فصلنامه مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش*، ۲ (۸)، ۱۱-۲۴.
۷. ازکیا، م.، و غفاری، غ. ر. (۱۳۸۶). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: نشر نی.
۸. اسدی، ح.، راد، ف.، و عزیززاده اقدم، م. ب. (۱۳۹۱). بررسی اخلاق کار با تأکید بر عوامل سازمانی (مطالعه موردی کارکنان دانشگاه های دولتی کلانشهر تبریز). *مطالعات جامعه شناسی*، ۲ (۵)، ۴۴-۲۹.
۹. اسکندری، ا.، و ایران دوست، م. (۱۳۹۴). رابطه اخلاق کاری و رفتار شهروندی سازمانی با عملکرد سازمانی / *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۰ (۴)، ۱۱۴-۱۰۷.
۱۰. آقاجانی، ح. ع.، و کاویانپور، م. (۱۳۹۱). اخلاق کار به مثابه عامل بهبود عملکرد سازمان ها در عصر جهانی سازمانی. مقاله ارائه شده در *اولین همایش ملی حسابداری و مدیریت*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور.
۱۱. اندام، ر.، منتظری، ا.، و ابویسانی، آ. (۱۳۹۴). ارتباط بین اخلاق کاری، تعهد شغلی و عملکرد شغل کارکنان ادارات ورزش و جوانان خراسان رضوی. *پژوهش های معاصر در مدیریت ورزشی*، ۵ (۱۰)، ۷۲-۶۱.
۱۲. بوردیو، پ. (۱۳۸۹). شکل های سرمایه، *مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه* (ا. خاکباز، و ح. پویان، مترجمان). تهران: نشر شیرازه.
۱۳. تقوایی یزدی، م.، و چیت ساز، چ. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی با عملکرد شغلی مدیران مدارس شهرستان ساری. *کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، تهران*.
۱۴. توسلی، غ. ع.، و موسوی، م. (۱۳۸۴). مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه های سرمایه اجتماعی. *نامه علوم اجتماعی*، ۲۶، ۳۲-۱.

۱۵. توسلی، غ. ع.، و نجار نهاوندی، م. (۱۳۸۷). مطالعه تجربی اخلاق کار با تأکید بر جنسیت. زن پژوهش زنان، ۶ (۳)، ۶۰-۳۹.
۱۶. چلبی، م. (۱۳۷۷). بررسی تجربی اخلاق کار در ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی، معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۷. حاجی غلامرضا، ح. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر اخلاق اسلامی کار در بروندهای شغلی مورد مطالعه: کارکنان بیمارستان دکتر گنجویان دزفول (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه پیام نور استان مرکزی، ایران.
۱۸. حسن پور، ا.، حسنعلی پور، ر.، و رحیمی، م. (۱۳۹۱). پژوهشی پیرامون تحلیل و تبیین اخلاق اسلامی کار در سازمان‌های دولتی ایران (مطالعه موردی سازمان‌های دولتی استان قزوین). مدیریت توسعه و تحول، ۴ (۱۰)، ۲۹-۲۳.
۱۹. حسین زاده، م. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی). دانشگاه تبریز، ایران.
۲۰. ساعتچی، م.، کامکاری، ک.، و عسگریان، م. (۱۳۸۹). آزمونهای روانشناختی. تهران: نشر ویرایش.
۲۱. سالاری، ر.، بحرالعلوم، ح.، و بیگلری، ن. (۱۳۹۶). تأثیر حمایت اجتماعی و تعارض کار- خانواده بر عملکرد شغلی کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان کرمان. مدیریت ورزشی، ۱۲، ۱۸۱-۲۰۰.
۲۲. صابر معاش، ن.، و حسین‌زاده، ع. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و عملکرد شغلی. مقاله ارائه شده در سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران.
۲۳. صالحی امیری، س. ر.، و سپهرنیا، ر. (۱۳۹۴). الگوی ارتقای سرمایه فرهنگی در ایران. تهران: انتشارات ققنوس.
۲۴. طباطبایی یزدی، ر.، و مافی، ف. (۱۳۸۹). ارزش اخلاق، ارزش اقتصاد. هفته نامه خبری، تحلیلی وزارت امور اقتصاد و دارایی (اخبار اقتصاد و دارایی)، ۹ (۳۰۶)، ۱۰-۸.
۲۵. عسگری، م. ه.، و کاظم پور، ا. (۱۳۹۱). رابطه اخلاق کاری و عملکرد کارکنان مدارس ابتدایی غرب استان مازندران در سال تحصیلی ۸۹-۹۰. فصلنامه مهندسی مدیریت، ۵ (۴۵)، ۴-۱۰.

۲۶. عظیمی سقین سرا، ر. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی سازمانی با اخلاق کار در بین کارمندان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهراء، ایران.
۲۷. غیبی پور، ع. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین اخلاق کار با تعهد سازمانی و عملکرد شغلی از دیدگاه معلمان شهرستان لالی (پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی). دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران.
۲۸. فکوهی، ن. (۱۳۸۴). تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی. تهران: نشر نی.
۲۹. فجری، ن. و حیدری، ع. ر. (۱۳۹۴). رابطه مؤلفه های اخلاق حرفه ای با عملکرد شغلی کارکنان بانک های شهر اهواز در سال ۱۳۹۴. مقاله ارائه شده در سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران.
۳۰. قنبری، س. و همتی، مدینه. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی با عملکرد شغلی کارکنان دانشگاه بوعلی سینا. نامه آموزش عالی، ۹ (۳۵)، ۱۱۵-۱۳۳.
۳۱. کریمی، س. و شاه دوستی، م. (۱۳۹۶). از سرمایه اجتماعی به عملکرد شغلی: نقش میانجی گرایش کارآفرینانه در سازمان جهاد کشاورزی استان همدان. فصلنامه پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، ۱۰ (۳)، ۵۳-۶۲.
۳۲. گراوند، ا.، موسیوند، م. و ویسه، س. م. (۱۳۹۵). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با عملکرد شغلی اساتید دانشگاه پیام نور استان لرستان. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۴ (۱)، ۶۳-۳۸.
۳۳. گرنفل، م. (۱۳۹۳). مفاهیم کلیدی پیر بوردیو، ترجمه ی: لیبی، محمد مهدی، تهران: نشر افکار.
۳۴. گل پرور، م. (۱۳۹۵). سنجش کاربردی در روان شناسی سازمانی؛ معرفی پرسشنامه ها و مقیاس ها (جلد اول). تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.
۳۵. الماسی، ح. و مهربان، ب. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ابعاد عدالت سازمانی و سرمایه اجتماعی بر عملکرد شغلی کارکنان اداره امور مالیاتی استان تهران، مقاله ارائه شده در دومین کنفرانس بین المللی مدیریت در قرن ۲۱، تهران، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.
۳۶. محمدخانی، م.، بلالی، ا. و محمدی، ا. (۱۳۹۲). تأثیر عوامل سازمانی بر اخلاق کار در میان کارکنان ادارات دولتی (مورد شهرستان خوانسار)، فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، ۲۴ (۵۰)، ۱۶۴-۱۴۳.

۳۷. محمدنژاد، آ. و قلعه‌ای، ع. ر. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین رضایت شغلی و اخلاق حرفه‌ای با عملکرد شغلی معلمان مدارس ابتدایی دولتی دخترانه ناحیه دو ارومیه در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه ارومیه، ایران.
۳۸. مشبکی اصفهانی، ا.، وحدتی، ح.، و موسوی، س. ع. (۱۳۹۱). احساس مثبت نسبت به کار و تعهد کاری پل ارتباطی میان اخلاق کار اسلامی و عملکرد وظیفه‌ای (موردکاوی: دانشگاه‌های دولتی). پژوهشنامه مدیریت اجرایی، ۴ (۸)، ۱۳۰-۱۱۱.
۳۹. مطلق، م.، ترکاشوند، ا.، و نرگس، ت. (۱۳۹۳). تأثیر سرمایه اجتماعی بر اخلاق کاری دبیران مقطع متوسطه منطقه قلقلرود شهرستان تویسرکان، مقاله ارائه‌شده در دومین کنفرانس ملی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، تهران، مؤسسه اطلاع‌رسانی نارکیش.
۴۰. معروف، ا. و.، گنجی، ک. (۱۳۹۴). ارزیابی اخلاق کاری بر رضایت مشتری و عملکرد شغلی در شعب بانک ملی شهرستان ملایر. مقاله ارائه‌شده در کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و مهندسی صنایع، تهران، مؤسسه مدیران ایده‌پرداز پایتخت ویرا.
۴۱. معمارزاده، غ. ر.، دانش‌فرد، ک.، و حسامی، ز. (۱۳۹۳). رابطه بین سرمایه اجتماعی با عملکرد کارکنان در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین. فصلنامه مدیریت توسعه و تحول، ۱۷، ۵-۱.
۴۲. معیدفر، س. (۱۳۸۲). ارزش‌های اجتماعی و اخلاق کار در ایران. نمایه پژوهش، ۲۶-۲۵، ۲۳۰-۲۲۳.
۴۳. معیدفر، س. (۱۳۸۵). اخلاق کار و عوامل موثر بر آن در میان کارکنان ادارات دولتی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۶ (۲۳)، ۳۴۱-۳۲۱.
۴۴. معیدفر، س. (۱۳۸۶). اخلاق کار به عنوان یک مسئله اجتماعی، ماهنامه مهندسی فرهنگی، ۲ (۱۴)، ۱۸-۶.
۴۵. موسوی، م. ط. (۱۳۸۵). مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی. رفاه اجتماعی، ۶ (۲۳)، ۹۲-۶۷.
۴۶. نعمتی، م. ع.، اکبرزاده صفویی، م.، زنگیان، س.، و باقرصادرنانی، م. (۱۳۹۵). نقش سرمایه اجتماعی، تعهد و رفتار شهروندی در بهبود عملکرد شغلی (مورد مطالعه: شهرداری شهرستان خوی). اقتصاد و مدیریت شهری، ۵ (۱)، ۱۳۲-۱۱۵.

۴۷. ویسه، ص. م.، و علی دادی گراوند، م. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر اخلاق کسب و کار در شرکت‌های کوچک و متوسط شهرک صنعتی ایلام. مقاله ارائه شده در دومین کنفرانس بین المللی حسابداری، مدیریت و نوآوری در کسب و کار، رشت.

48. Bourdieu, P. (1997). *Practical Reason*. Cambridge: Polity Press.
49. Bourdieu, P. (1986). The Forms of Capital. In *Handbook of theory and research for the sociology of education*. New York. Greenwood Press.
50. Cherington, D, J. (1980). *The work ethic: Working values and value that work*. New York: Amacom.
51. Coleman, J. (1990). *Foundations of social theory*. Cambridge: Harvard University Press
52. Ellinger, A. E., Musgrove, C. C. F., Ellinger, A.D., Bachrach, D.G., Baş, A.B.E., & Wang, Y. L. (2013), Influences of organizational investments in social capital on service employee commitment and performance. *Journal of Business Research*, 66(8), 1124-1133
53. Femina, D. (2015). *Workplase social capital, job satisfaction and workplase performance in developed and developing countries* (Doctoral dissertation). University of Manchester.
54. Hayati, K., & Caniago, I. (2012), Islamic work ethic: The role of intrinsic motivation, job satisfaction, organizational commitment and job performance, procedia - social and behavioral sciences. *International Congress on Interdisciplinary Business and Social Science*, pp. 1102-1106.
55. Ingelhart, R. (1997) *Modernization and post-Modernization: Cultural, Economic and Political change in 43 Societies*. Princeton: Princeton University Press.
56. Lee, B. (2005). Alcohol-induced stress and social support as infulences of the substance abusers health and well-being (Doctoral dissertation). University of Pittsburgh.
57. Marshall, G. (1998). *Dictionary of sociology*. New York: Oxford University Press.
58. Ohme, M., & Zacher, H. (2015), Job performance ratings: The relative importance of mental ability, conscientiousness, and career adaptability. *Journal of Vocational Behavior*, 87, 161-170
59. Osibanjo, O.A., Akinbode, O.J., Falola. O. H., & Oludayo, O. A. (2015), Work Ethics and Employees' Job Performance. *Journal of Leadership, Accountability and Ethics*, 12(1), 107-117.
60. Pressley, A, M. (2015). Cultural capital, social capital and communities of practice in social marketing (Doctoral dissertation). Cardiff University.

61. Sabatini, F. (2006). *Social capital and labour productivity in Italy*. Department of Public Economics, University of Rome La Sapienza.
62. Salahdin, S.N. Alvi, M, N, P. Baharuddin, S. B., & Halimat, S. B. (2016). The relationship between work ethic and job performance. *Proceedings of the 3rd International Conference on Business & Economics* (BE-ci 2016), 21-23 September, Universiti Teknologi MARA Selangor Malaysia
63. Sapada, A. F. Modding, H.B, Gani, A., & Nujum, S. (2017). The effect of organizational culture and work ethics on job satisfaction and Employees performance. *International Journal of Engineering Science*, 6(12), 28-36.
64. Sonnentag, S., Volmer, J., & Spsychala, A. (2008). Job performance Micro Approaches. In *Handbook of organizational behavior* (Vol. 1.). (pp. 427-447). Ondon: SAGE.
65. Summers J. (2010). *An analysis of the correlations between financial compensation, burnout, and demographic factors for mental health clinicians* (Doctoral dissertation). Capella University, Minneapolis.
66. Swarts, D. (1997). *Power and culture: The sociology of Pierre Bourdieu*. Chicago: The University of Chicago Press.
67. Tansley, C., & Newell, S. (2007), Project social capital, leadership and trust. *Journal of Management Psychology*, 22(4), 350-368.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

هنجاریابی، روایی و پایایی ابزار سنجش ارزش‌های اخلاقی (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)

علی مرادی (دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد اسلام‌آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد غرب، کرمانشاه، ایران، نویسنده مسئول)

moradi.pop@gmail.com

نجات محمدی‌فر (استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران)

n.mohammadifar@ardakan.ac.ir

چکیده

یکی از اهداف مطالعه‌شده اندیشمندان علوم انسانی و به‌خصوص علوم اجتماعی، ساخت و طراحی ابزارهای مناسب و معتبر برای سنجش مفاهیم و واژه‌های انتزاعی است. ارزش‌های اخلاقی به‌عنوان مفهومی میان‌رشته‌ای مجموعه‌ای از قواعد و اصولی است که انسان آن را در زندگی به کار می‌برد. هدف این پژوهش، هنجاریابی، روایی و پایایی ابزار سنجش ارزش‌های اخلاقی است. روش مطالعه از لحاظ رویکرد، کمی، از نظر هدف، بنیادی، بر مبنای راهبرد، توصیفی و براساس نحوه گردآوری داده‌ها پیمایشی است. برای این منظور پس از مطالعه و بررسی ابزارهای موجود در دنیا (ابزارهای استاندارد) و همچنین تکمیل خلأهای این ابزارها (توسط محقق در فرایند انجام پژوهش)، به ابزاری جامع اقدام شد و از کل شهروندان بالای ۲۰ سال شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۹، ۴۴۰ نفر انتخاب شدند و داده‌های حاصل از این مطالعه به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای جمع‌آوری شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو نرم‌افزار SPSS و AMOS استفاده

گردید. ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳۶، همبستگی بین نیمه‌های آزمون برابر با ۰/۵۵۴، ضریب گاتمن ۰/۷۰۹ و ضریب اسپیرمن-براون ۰/۷۰۳ و کل واریانس تبیین‌شده همه ابعاد روی هم رفته توسط تحلیل عاملی برابر با ۸۷/۷۲ است. نتایج مدل اندازه‌گیری نشان می‌دهد که شاخص CMIN/DF برابر با ۴/۵۸، برازش تطبیقی CFI برابر با ۰/۸۵، توکر لوئیس برابر با ۰/۸۰ و شاخص RMSEA برابر با ۰/۰۸ برازش مدل را تأیید می‌کنند. ابزار طراحی شده می‌تواند به عنوان مقیاسی پایا و روا مورد استفاده مؤسسه‌های پژوهشی و پژوهشگران قرار بگیرد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که روایی ابزار مورد استفاده با استفاده از روایی صوری و سازه‌ای تأیید شد. برای برآورد پایایی نتایج، آلفای کرونباخ، روش دونیمه‌کردن و اسپیرمن-براون، آن را تأیید کردند و درنهایت با توجه به اینکه برخی گویه‌های پرسشنامه‌های مورد مطالعه متناسب با فرهنگ بومی نبودند، سعی شد با استفاده از نظرات متخصصان و متناسب با وضعیت فرهنگی جامعه ایران، اصلاح و هنجاریابی شوند.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌های اخلاقی، روایی، پایایی، هنجاریابی، ابزار اندازه‌گیری.

۱. مقدمه

اهمیت ارزش‌های اخلاقی در رابطه با زندگی اجتماعی و توضیح رفتار انسان‌ها از دیرباز مدنظر ادیان و اندیشمندان مختلف علوم اجتماعی قرار گرفته است. اخلاق معمولاً به ارزیابی رفتار انسان در زندگی روزمره اشاره دارد. گفته می‌شود شخصی اخلاقی است که رفتار او مطابق با ارزش‌ها و قواعدی باشد که در جامعه خاصی اعمال شده است و برعکس، اگر کسی رفتاری مطابق با ارزش‌ها و قواعد نداشته باشد، وی را انسانی غیراخلاقی می‌نامند (تحریر، دامایانتی و رویانی^۱، ۲۰۲۰، ص. ۱۸). از دیدگاه پارسونز و شیلز^۲، توصیف رفتار حتی در ابتدایی‌ترین سطح خود مستلزم شرح ارزش‌های اخلاقی است که توسط آن کنشگر

1. Tahrir, Damayanti & Royani
2. Parsons & Shils

سیر عمل خود را انتخاب می‌کند (پارسونز و شیلز، ۱۹۵۱). اخلاق از نظر بنتهام^۱، هنری برای به حداکثر رساندن خوشبختی (بنتهام، ۱۹۹۶) و از دیدگاه هازلایت^۲، فداکاری در راه خیر بیشتر و محافظت از زندگی اجتماعی بشر است (هازلایت، ۲۰۰۳). اخلاق مجموعه قواعد و اصولی است که آدمیان را در زندگی به کار آید (نهضتی، ۱۳۹۱، ص. ۲۶)؛ به عبارت دیگر، اخلاق رعایت اصول معنوی و ارزش‌های حاکم بر رفتار شخص یا گروه است؛ مبنی بر اینکه درست چیست و نادرست کدام است (نجاری، ۱۳۹۲، ص. ۸). درباره تعریف ارزش‌های اخلاقی اتفاق نظری وجود ندارد، اما آن‌ها اغلب به اصول انتزاعی و اعتقادات و باورهای عمومی اشاره دارند که در صورت خوب‌بودن برای جامعه، باید حمایت شوند (طائبی و کاداک^۳، ۲۰۱۰، ص. ۱۳۴۳). ارزش‌های اخلاقی حقایقی را درباره نحوه احساس و تفکر درباره انواع خاصی از رفتارهای اجتماعی منعکس می‌کنند (چرچلند^۴، ۲۰۱۵، ص. ۹۷)؛ به عبارت دیگر، ارزش‌های اخلاقی باورها، اعتقادات و عادات رفتاری هستند که رفتار یک فرد یا یک گروه را با توجه به اینکه چه چیز درست و چه چیز نادرست است، هدایت می‌کند و در بین اعضای یک جامعه مشترک است (اپریلندی و اسمیاتی^۵، ۲۰۲۰، ص. ۹۶)؛ بنابراین از توضیحات مذکور می‌توان نتیجه گرفت که ارزش‌های اخلاقی محرک رفتارهای خوب یا بد انسانی هستند که شامل ارزش‌های حقیقی حاکم بر زندگی اجتماعی بوده و عاملی مهم در تقویت رفتارهای نوع‌دوستانه مردم هستند که می‌توانند شهروندان را در مسیر کمال و اهداف والای یک نظام اخلاقی هدایت کنند.

درحالی‌که مشخص کردن پیوند بین ارزش‌ها و رفتار به وضوح یک هدف مطلوب است، بسیاری از محققان، در اشتیاق خود در تمرکز بر رفتار، توجه کافی به مفهوم‌سازی ارزش‌های

-
1. Bentham
 2. Hazlitt
 3. Taebi & Kadak
 4. Churchland
 5. Aprilyandi & Ismiyati

اخلاقی و روش‌های مناسب برای سنجش آن‌ها نداشته‌اند (پیتل و مندلسون^۱، ۱۹۶۶، ص. ۲۲). هم تجربه و هم ادبیات تحقیق به پیچیدگی رابطه ارزش‌های اخلاقی و رفتار اخلاقی اشاره دارند. از آنجاکه مدل‌های ساده قادر به تحلیل این رابطه نبودند، تکنیک‌های ارزیابی و سنجش آن مدام در حال تکثیر است؛ ظاهراً با این امید که شاید ابزاری بتواند ارزش‌های اخلاقی را به‌خوبی بسنجد.

بررسی تاریخ ادبیات مربوط به تلاش‌ها برای ارزیابی ارزش‌های اخلاقی به این نتیجه منجر شد که ابزارهای موجود ضعف‌هایی دارند که باعث می‌شود کاربرد آن‌ها به تحقیقات روان‌شناختی محدود شود. مهم‌ترین این نقاط ضعف عبارت‌اند از: (۱) مفروضات سؤال‌برانگیز درباره رابطه ارزش‌های اخلاقی و رفتار اخلاقی، (۲) تمرکز بر مفاهیم انتزاعی اخلاقی به جای رفتار اخلاقی در زمینه‌های واقع‌گرایانه، (۳) اتکا به روش‌های نمره‌گذاری ذهنی و استنباطی و (۴) مقیاس‌سازی‌های ناکافی و ناقص (پیتل و مندلسون، ۱۹۶۶، ص. ۲۲). همچنین با توجه به اینکه ارزش‌های اخلاقی ممکن است بسته به فرهنگ، علوم، آموزش، سوابق اجتماعی، زمینه خاص شکل‌گیری نگرش و قانون‌گذاری بین افراد متفاوت باشد (کربس و دنتون^۲، ۲۰۰۵؛ فریزر^۳، ۱۹۹۹؛ کوهن^۴، ۲۰۱۰) این مسئله می‌تواند به شرایطی منجر شود که افراد با مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی بتوانند نگرش‌های متفاوتی ایجاد کنند که سنجش ارزش‌های اخلاقی را دشوار کند (برگسترا، گریمن و استاسن^۵، ۲۰۱۵، ۳۷۸).

از آنجاکه در کشور ما ابزارهای معتبر و کافی برای سنجش ارزش‌های اخلاقی وجود ندارد، پرسشنامه‌های معتبری که در کشورهای مختلف استفاده شده است، مدنظر قرار گرفت تا با ترکیب و امتزاج آن‌ها یک ابزار جامع‌تر طراحی شود تا ضمن هنجاریابی، روایی و پایایی آن‌ها نیز مجدداً بررسی شود؛ چراکه هنجاریابی این پرسش‌نامه‌ها می‌تواند علاوه‌بر

1. Pittel & Mendelsohn

2. Krebs & Denton

3. Fraser

4. Cohen

5. Bergstra, Gremmen & Stassen

روشن‌تر کردن ابعاد بیشتر ارزش‌های اخلاقی، ابزاری را در اختیار پژوهشگران و متخصصان قرار دهد تا به واسطه آن به درک بهتری در این زمینه دست یابند؛ به همین دلیل هدف اصلی این پژوهش، هنجاریابی، روایی و پایایی ابزار سنجش ارزش‌های اخلاقی است. اهداف جزئی به شرح زیر بیان می‌شود: ۱) تعیین تفاوت میانگین‌ها در ابعاد مختلف ارزش‌های اخلاقی، ۲) تعیین پایایی^۱ ابزار خودتشخیصی ارزش‌های اخلاقی و ۳) تعیین روایی^۲ ابزار خودتشخیصی ارزش‌های اخلاقی.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. رویکرد عدالتی کلبرگ

کلبرگ^۳ (۱۹۸۱) بر این باور بود که رشد اخلاقی بر ساس توانایی‌های شناختی شکل می‌گیرد. همچنین اخلاق را با مفهوم عدالت تبیین می‌کرد و معتقد بود قضاوت‌های اخلاقی افراد با برداشت‌های متفاوتی از این مفهوم همراه است. مهم‌ترین ابعاد نظریه کلبرگ عبارت‌اند از: ۱) اخلاق، مفهومی مطلق در وجود بشر نیست؛ بلکه ابناء بشر از سطوح متفاوت رشد اخلاقی برخوردارند (موضع خاکستری میان اخلاق مطلق و نسبی)؛ ۲) رشد اخلاقی دارای مراحل است و این مراحل دارای تقدم و تأخر است؛ بنابراین می‌توان نگاهی فرایندی به آن داشت که حاصل این نگاه در گام اول اخلاق را تربیتی، تحلیلی و دارای ابعاد مشخصی می‌کند؛ ۳) رشد اخلاقی با نوع قضاوت افراد قابل اندازه‌گیری و تحلیل است؛ بنابراین در بیانی تقلیل‌یافته نشانه‌های اخلاقی همانا نشانه‌های قضاوت افراد و شرح و تعریفی است که از عدالت دارند؛ ۴) مراحل رشد اخلاقی در میان افراد گوناگون همگون و ثابت است؛ یعنی فرایند رشد اخلاقی در افراد متفاوت یکی است و تنها تفاوت قضاوت افراد، در جایگاه ایشان در مراحل رشدی است (عصاره، مهدیزاده تهرانی، امینی زرین و

1. Reliability
2. Validity
3. Kohlberg

عظیمی، ۱۳۹۷، ص. ۹۵). به طور کلی، کلبرگ با پیوند عدالت و اخلاق، اخلاق را مفهومی نسبی، فرایندی و دارای رشد تدریجی و متأثر از قضاوت افراد مختلف بر مبنای تعریف و تفسیر خود از عدالت می‌داند.

۲.۲. رویکرد تکثری هایت و گراهام

نظریه بنیادهای اخلاقی هایت و گراهام^۱ شهادهای اخلاقی مردم جهان از فرهنگ‌های متنوع را بر پنج نوع اساسی مراقبت/آسیب، انصاف/تقلب، وفاداری/خیانت، اطاعت/براندازی و تقدس/تنزل دانسته و آن‌ها را بنیادهای اخلاق شمرده است. براساس این نظریه، نوع بشر با آمادگی برای یادگیری باورهای اخلاقی و تبعیت از قوانین مبتنی بر این پنج بنیاد متولد می‌شود و بسته به (خرده) فرهنگی که فرد در آن رشد می‌کند، برخی بنیادها کاملاً بالیده می‌شوند؛ درحالی‌که برخی دیگر تقریباً نهفته باقی می‌مانند و به این ترتیب، نیمرخ اخلاقی خاص هر فرد یا گروه که بیانگر حساسیت‌ها یا ملاک‌های آن‌ها برای ارزیابی درست/غلط یا خوب/بد است بر بنیان این پنج بنیاد شکل می‌گیرد (گراهام و هایت، ۲۰۰۷، صص. ۱۰۵-۱۰۰). براساس این نظریه، ویژگی‌های فرهنگی و محیطی هر جامعه می‌تواند زمینه را برای پذیرش قواعد اخلاقی توسط افراد بر مبنای بنیادهای اخلاقی ذکرشده فراهم کند. اگر شرایط محیطی و فرهنگی با این بنیادهای اخلاقی سازگار باشد، آن‌ها تقویت شده و در غیر این صورت تضعیف می‌شوند. براساس این نظریه می‌توان چنین استنباط کرد که با توجه به حاکم‌بودن ارزش‌های دینی بر جامعه ما، افراد جامعه بیشتر مستعد پذیرش و تقویت این بنیادهای اخلاقی هستند.

۳.۲. رویکرد اسلام

اهمیت اخلاق در دین مبین اسلام به حدی است که رسول مکرم اسلام (ص)، دین‌دارترین افراد را خوش‌اخلاق‌ترین آن‌ها می‌داند و درجایی دیگر می‌فرماید که اخلاق بهترین چیزی است که خداوند به بنده‌اش عطا کرده است (تحف‌العقول، ۱۳۸۵، ص. ۷۵). امام علی (ع)

1. Haidt & Graham

می‌فرمایند: شش چیز است که اخلاق افراد در آن آزمایش می‌شود: خشنودی، خشم، امنیت، ترس، منع و رغبت؛ یعنی در این شش چیز هرکس از حد اعتدال و میانه خارج نشود، نیکو است و گرنه اخلاق او مذبوم است (غررالحکم، ۱۳۸۴، ص. ۳۳۳). عناصر اخلاق حسنه چهار فضیلت (حکمت، عفت، شجاعت و عدالت) است که هریک از آنها از تهذیب و پاکی یکی از قوای چهارگانه حاصل می‌شود؛ پس حقیقت هر صفت نیکی منشعب از این فضائل است (نراقی، ۱۳۸۶، ص. ۵۰). پیامبر اکرم (ص) به‌عنوان نماینده خدا بر زمین نقش مهمی در ترویج ارزش‌های اخلاقی داشتند؛ بنابراین می‌توان مهم‌ترین مؤلفه‌های ارزش‌های اخلاقی را در رفتار و کردار پیامبر اکرم (ص) مشاهده کرد که در دین مبین اسلام بر آنها تأکید زیادی شده است. این ارزش‌ها عبارت‌اند از: خوش اخلاقی، خیرخواهی، مردم‌داری، رعایت حقوق مردم، وفای به عهد، امانت‌داری، راست‌گویی، بخشش، سپاس‌گزاری، مهمان‌نوازی، خشنود کردن مردم، گذشت و خطاپوشی، فروخوردن خشم، پرهیز از رهبانیت، بی‌تکلفی، مسئولیت‌پذیری، کار و تلاش، عیادت بیمار، صبر و بردباری، تواضع و خاکساری، اجرای عدالت اجتماعی، اهتمام به امور مستضعفان و محرومان (نصیری، ۱۳۸۶). از دهه ۱۹۵۰ تاکنون تلاش‌های زیادی برای سنجش ارزش‌های اخلاقی شده است و هرکدام از محققان به ابعدادی از این متغیر اشاره کرده‌اند که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها پرداخته می‌شود.

۲.۴. مقیاس مسئولیت اخلاقی شوارتز (۱۹۶۸) و بلک (۲۰۱۲)

این مقیاس مشتمل بر یک پرسشنامه ۲۸ گویه‌ای است که بر طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت طراحی شده است (شوارتز^۱، ۱۹۶۸). هریک از عبارات این مقیاس، نگرش یا عقایدی است که برخی از افراد دارند. بلک^۲، مسئولیت اخلاقی را از دیدگاه فرد در نظر می‌گیرد. از دیدگاه وی سه شرط برای نگه‌داشتن احساس مسئولیت اخلاقی افراد لازم است: آنها باید بتوانند آزادانه اقدامات خود را انجام دهند و عواقب اخلاقی اعمال خود را درک کنند و عمل

1. Schwartz
2. Black

انتخاب شده باید با این عواقب رابطه علی داشته باشد. از دیدگاه فرد، اگر هریک از این سه شرط وجود نداشته باشد، انگیزه کمتری برای عمل به روش اخلاقی وجود دارد (بلک، ۲۰۱۲، ص. ۳۳). بلک سه خرده‌مقیاس را برای به دست آوردن نمره کلی مسئولیت اخلاقی در نظر گرفته است: الف) عاملیت اخلاقی: از دیدگاه بلک، این خرده‌مقیاس، عملکرد اخلاقی یا اعتقاد به توانایی فرد در انتخاب آزادانه اعمال اخلاقی و اجرای مؤثر آن‌ها را ارزیابی می‌کند، ب) شناخت اخلاقی: از دیدگاه بلک این خرده‌مقیاس، شناخت اخلاقی را با میزان احساس پاسخگویان با نتایج اقدامات‌شان ارزیابی می‌کند، ج) پیامدهای اخلاقی: از دیدگاه بلک، خرده‌مقیاس سوم به نحوه درک پاسخگویان از پیامدهای اخلاقی می‌پردازد. قبل از اینکه افراد مسئولیت اعمال خود را به عهده بگیرند، باید بدانند که این اعمال تا چه اندازه می‌تواند بر بهزیستی دیگران تأثیر بگذارد.

۲.۵. مقیاس هویت اخلاقی آکینو و رید (۲۰۰۲)، بلک (۲۰۱۲) و بلک و رینولدز (۲۰۱۶)

آکینو و رید هویت اخلاقی را به صورت یک خودپنداره تعریف کردند که حول مجموعه‌ای از ویژگی‌های اخلاقی مختلف مانند عدالت، دلسوزی، مهربانی، تعهد و غیره سازمان یافته است و برای آن دو بُعد درونی‌سازی و نمادسازی در نظر گرفتند. بُعد درونی‌سازی، وجه خصوصی و فردی هویت اخلاقی است که به میزان عمق و نفوذ اصول اخلاقی در خودپنداره‌ی فرد اشاره دارد. بُعد نمادسازی معطوف به وجه عمومی و اجتماعی هویت اخلاقی است که به صورت بازتاب اصول و ویژگی‌های اخلاقی در جهان اجتماعی و در دیگران در قالب رفتار تعریف شده است (آکینو و رید^۱، ۲۰۰۲). مقیاس هویت اخلاقی بلک و رینولدز دارای دو زیرمقیاس است: الف) تمامیت اخلاقی: از دیدگاه بلک و رینولدز، خرده‌مقیاس تمامیت، تمایل به ایجاد نیت و رفتار سازگار با آن را اندازه‌گیری می‌کند و اینکه برای فرد پاسخ‌گو چقدر مهم است که دیگران نیز مطابق با اصول بیان‌شده خود رفتار کنند.

ازجمله مقیاس‌های دیگر برای سنجش ارزش‌های اخلاقی، مقیاس تمامیت اخلاقی شلنگر^۱ است. این مقیاس مشتمل بر یک پرسشنامه ۱۸ گویه‌ای است که روی طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت طراحی شده است (شلنگر، ۲۰۰۸، ص. ۱۰۸۵؛ ب) خود اخلاقی: احساس خود اخلاقی نیروی محرک اصلی برای رفتار اخلاقی است. خود اخلاقی و تمامیت به هویت اخلاقی فرد کمک می‌کند که پایه و اساس قضاوت‌های مسئولیت اخلاقی باشد (بلک و رینولدز^۲، ۲۰۱۶، ص. ۷).

۶.۲. مقیاس بی‌تفاوتی اخلاقی (بی‌اشتیاقی اخلاقی) باندورا و همکاران (۱۹۹۶)

در مطالعه باندورا، باربارانلی، کاپرارا و پاستورلی^۳ (۱۹۹۶)، ساختار و تأثیر بی‌تفاوتی اخلاقی بر رفتارهای مخرب و فرایندهای روانی که از طریق آن اثرات خود را اعمال می‌کند، بررسی شده است. مقیاس بی‌تفاوتی اخلاقی باندورا و همکاران هشت مکانیسم دارد که برای ارزیابی استعداد فرد برای بی‌تفاوتی اخلاقی طراحی شده است هرکدام از این مکانیسم‌ها با چهار گویه سنجش شده‌اند و آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۲ گزارش شده است (باندورا و همکاران، ۱۹۹۶، ص. ۳۶۹). ضریب اعتبار این پرسشنامه در پژوهش احمدی، یاقوتی و فلاحی (۱۳۹۶) به ترتیب ۰/۷۶ برای توجیه اخلاقی، ۰/۷۶ برای زبان مدبرانه، ۰/۸۰ برای مقایسه سودمند، ۰/۷۷ برای جابه‌جایی مسئولیت، ۰/۷۶ برای پخش مسئولیت، ۰/۷۹ برای تحریف پیامدها، ۰/۷۵ اسناد دادن سرزنش، ۰/۷۹ برای غیرانسانی کردن و برای نمره کل بی‌اشتیاقی اخلاقی ۰/۹۰ به دست آمد.

1. Schlenker

2. Reynolds

3. Bandura, Barbaranelli, Caprara & Pastorelli

۷.۲. مقیاس شخصیت ماکیاولیستی (بی‌توجهی به اخلاقیات یا فقدان اخلاقیات) دالینگ و همکاران (۲۰۰۹)

ماکیاولیسم به عنوان تمایل فرد به بی‌اعتمادی به دیگران، مشارکت در انجام کار غیراخلاقی، میل به کنترل دیگران و پیگیری منافع شخصی مفهوم‌سازی شده است (دالینگ، ویتاکر و لوی^۱، ۲۰۰۹، ص. ۲۰۱۹). خرده‌مقیاس بی‌توجهی به اخلاقیات که به مقیاس شخصیت ماکیاولیستی دالینگ و همکاران معروف است، مشتمل بر چهار خرده‌مقیاس عمل غیراخلاقی، تمایل به کنترل، کسب موقعیت (جاه و مقام) و بی‌اعتمادی به دیگران است (دالینگ و همکاران، ۲۰۰۹، ص. ۲۲۹). دالینگو همکاران ابتدا ۴۵ گویه برای مقیاس شخصیت ماکیاولیستی در نظر گرفتند، اما بعد از اعتباریابی خیلی از گویه‌ها را به دلیل پایایی کم حذف کردند و در نهایت ۱۶ گویه را برای مقیاس خود در نظر گرفتند.

۸.۲. مقیاس صلاحیت (شایستگی) اخلاقی آساهارا و همکاران (۲۰۱۵)

آساهارا، کوبایاشی و اونی^۲ صلاحیت اخلاقی را توانایی یا ظرفیت افراد در درک و تشخیص موقعیت‌های اخلاقی، قضاوت درباره رفتار و عمل به شیوه‌هایی که بیشترین خیر را برای افراد به همراه داشته باشد، تعریف کردند (آساهارا و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۲۰). آن‌ها پنج مؤلفه نظری از صلاحیت اخلاقی را مشخص کردند: (۱) حساسیت اخلاقی، (۲) داوری اخلاقی؛ (۳) انگیزه اخلاقی (۴) شخصیت اخلاقی و (۵) اجرای تصمیم اخلاقی. آن‌ها با استفاده از تحلیل عاملی مقیاس صلاحیت اخلاقی را در سه بُعد سنجیدند: (۱) قضاوت براساس ارزش‌های اعضای جامعه، (۲) اراده قوی در مواجهه با وضعیت‌های دشوار و (۳) همکاری با افراد یا سازمان‌های مربوط.

1. Dahling, Whitaker & Levy

2. Asahara, Kobayashi & Ono

۹.۲. مقیاس کمال‌گرایی اخلاقی یانگ و همکاران (۲۰۱۵)

کمال‌گرایی اخلاقی مبحث مهمی در فلسفه است که معمولاً با جست‌وجوی معیارهای اخلاقی بالا و تلاش برای دستیابی به یک زندگی واقعاً معنی‌دار در ارتباط است (یانگ، استویر و وانگ^۱، ۲۰۱۵، ص. ۲۲۹). یانگ و همکاران (۲۰۱۵) مقیاسی برای سنجش کمال‌گرایی اخلاقی ارائه دادند که شامل شش خرده‌مقیاس کمال‌گرایی، ارزش‌های اخلاقی، فضائل اخلاقی، بخشش، سپاسگزاری و داوری رفتار نادرست می‌شود. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که کمال‌گرایی اخلاقی یک ویژگی شخصیتی است که ممکن است به تبیین تفاوت‌های فردی در ارزش‌ها، فضایل و قضاوت اخلاقی کمک کند.

۱۰.۲. مقیاس اصول اخلاقی سیدی و خدادادیان (۱۳۹۳)

پرسشنامه اصول اخلاقی سیدی و خدادادیان از ۱۵ گویه با مقدار آلفای برابر با ۰/۷۸ تشکیل شده است که اخلاقیات را در پنج بُعد صداقت (۰/۷۲)، کرامت انسانی (۰/۷۲)، توجه به سلامتی و بهداشت (۰/۷۲)، رقابت سالم اقتصادی (۰/۷۶) و شفافیت اطلاعات تبلیغات (۰/۷۱) سنجیده است. این پرسشنامه با تمرکز بر اصول اخلاقی در سازمان‌ها طراحی شده است و از طرفی برای سنجش هریک از ابعاد آن از حداقل گویه استفاده شده است.

جدول ۱- خلاصه ابزارهای سنجش ارزش‌های اخلاقی رایج در دنیا

مأخذ: نگارندگان (مستخرج از ادبیات نظری)

مقیاس	خرده‌مقیاس با ذکر منبع	تعداد گویه	آلفای خرده‌مقیاس	آلفای کل
مسئولیت اخلاقی (بلک، ۲۰۱۲)	عاملیت اخلاقی (بلک، ۲۰۱۲)	۱۴	۰/۷۷	۰/۸۶
	پیامدهای اخلاقی (بلک، ۲۰۱۲)	۱۱	۰/۸۷	
	شناخت اخلاقی (بلک، ۲۰۱۲)	۸	۰/۷۳	
هویت اخلاقی (بلک، ۲۰۱۲)	خودِ اخلاقی (بلک، ۲۰۱۲؛ بلک و رینولدز، ۲۰۱۶)	۱۰	۰/۸۳	۰/۹۰
	تمامیت اخلاقی (بلک، ۲۰۱۲؛ بلک و رینولدز، ۲۰۱۶)	۱۵	۰/۸۷	

مقیاس	خرده‌مقیاس با ذکر منبع	تعداد گویه	آلفای خرده‌مقیاس	آلفای کل
	(۲۰۱۶)			
تمامیت اخلاقی	تمامیت اخلاقی (شلنگر، ۲۰۰۸)	۲۲	_____	۰/۸۵
مسئولیت اخلاقی	(شوارتز، ۱۹۶۸)	۲۸	_____	_____
بی تفاوتی اخلاقی (بی اشتیاقی اخلاقی) (باندورا و همکاران، ۱۹۹۶)	توجیه اخلاقی	۴	_____	۰/۹۲
	حسن تعبیر	۴	_____	
	مقایسه سودمند	۴	_____	
	جابه‌جایی مسئولیت	۴	_____	
	تقسیم مسئولیت	۴	_____	
	تحریف پیامدها	۴	_____	
	نسبت دادن سرزنش	۴	_____	
	رفتارهای غیرانسانی	۴	_____	
هویت اخلاقی (آکینو و رید، ۲۰۰۲)	نمادسازی	۵	۰/۷۸	۰/۸۲
	درونی سازی	۵	۰/۶۹	
شخصیت ماکیاولیستی (فقدان اخلاقیات) (دالینگ و همکاران، ۲۰۰۹)	عمل غیر اخلاقی	۵	۰/۸۳	۰/۸۲
	میل به کنترل	۳	۰/۷۰	
	کسب موقعیت	۳	۰/۷۲	
	بی‌اعتمادی به دیگران	۵	۰/۷۵	
صلاحیت اخلاقی (آساهارا و همکاران، ۲۰۱۵)	قضاوت براساس ارزش‌های اعضای جامعه	۵	۰/۸۹	بین ۰/۸۵ تا ۰/۹۱
	اراده قوی برای مواجه شدن با شرایط دشوار	۵	۰/۹۱	
	همکاری با افراد/سازمان‌های ذی‌ربط	۵	۰/۸۵	
کمال‌گرایی اخلاقی (یانگ و همکاران، ۲۰۱۵)	کمال‌گرایی	۱۲	۰/۸۵	بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۴
	ارزش‌های اخلاقی	۱۵	۰/۹۴	
	فضائل اخلاقی	۹	۰/۹۵	
	بخشش	۵	۰/۸۵	
	سپاسگزاری	۵	۰/۸۱	
	ارزشیابی رفتار نادرست	۱۸	۰/۶۹	

مقیاس	خرده‌مقیاس با ذکر منبع	تعداد گویه	آلفای خرده‌مقیاس	آلفای کل
اصول اخلاقی (سیدی و خدادادیان، ۱۳۹۳)	صداقت	۳	۰/۷۲	۰/۷۸
	کرامت انسانی	۳	۰/۷۲	
	توجه به سلامتی و بهداشت	۳	۰/۷۲	
	رقابت سالم اقتصادی	۳	۰/۷۶	
	شفافیت اطلاعات تبلیغات	۳	۰/۷۱	

نتایج حاصل از مقیاس‌های صورت گرفته درباره ابعاد مختلف ارزش‌های اخلاقی پیچیدگی و پراکندگی ابعاد خاص آن را نشان می‌دهد. این مقیاس‌ها هرکدام تنها بُعد یا ابعادی از ارزش‌های اخلاقی را بررسی کرده‌اند؛ بنابراین نیاز به ابزار سنجشی که بتواند اجزای مختلف ارزش‌های اخلاقی را در بر گیرد، آشکار است. ابزارهای روان‌سنجی کنونی از نبود بازنمایی دامنه رنج می‌برند و صحت ادعاهای آن‌ها برای اندازه‌گیری حتی جنبه‌های محدود از حوزه اخلاقی نیز جای سؤال دارد. فرایندهای متمایزی که در تصمیم‌گیری اخلاقی نقش دارند پیچیده و متغیر هستند و نشانگر مناسب بودن یک مدل ساختاری است؛ با این حال، یک مدل خوب بدون اندازه‌گیری معتبر عوامل جداگانه آن امکان‌پذیر نیست. در حال حاضر، مدل‌ها و تئوری‌های ارائه شده درباره ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر آمیخته‌ای از ابزارهای مختلف روان‌سنجی، نتایج تجربی و رفتارهای گزارش شده توسط خود و دیگران در جوامع غربی است. پژوهش حاضر ادعای ساخت ابزار جدیدی برای اندازه‌گیری ارزش‌های اخلاقی ندارد؛ بلکه با ترکیب ابزارهای قبلی که هرکدام براساس بنیان‌های نظری یا برای اهداف متفاوتی توسعه یافته‌اند، تلاش دارد ضمن هنجاریابی، روایی و پایایی مقیاس‌های موجود در دنیا، از منظر اسلام نیز که هسته اصلی آن اصول و ارزش‌های اخلاقی است، بتواند زمینه را برای مقیاسی جامع‌تر و کامل‌تر برای سنجش ارزش‌های اخلاقی برای سایر جوامع، سازمان‌ها و محققان فراهم کند. مدل مفهومی زیر درصدد است تا این مهم را ارائه دهد.

شکل ۱- مدل مفهومی مستخرج بر اساس نردبان انتزاع

۳. روش تحقیق

روش استفاده‌شده در این مطالعه، پیمایش و مصاحبه با صاحب‌نظران است. از آنجاکه هدف اصلی این مطالعه، ابزارسنجی پرسشنامه ارزش‌های اخلاقی است، لازم بود در ابتدا پرسشنامه‌ها و مقیاس‌های مختلف در این زمینه بررسی شود و با تلفیق و هنجاریابی پرسشنامه‌های موجود در جهان، اقدام به تدوین و طراحی یک مقیاس جامع و کامل شود. برای این منظور، پس از طراحی پرسشنامه موجود، در اختیار چهار نفر از متخصصان و صاحب‌نظران فن^۱ قرار گرفت. کل عبارات پرسشنامه بر مبنای طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از نمره یک به منزله «کاملاً مخالف» تا نمره پنج به منزله «کاملاً موافق»، نمره‌گذاری شده است. جامعه آماری برای گردآوری داده‌ها، افراد بیشتر از ۲۰ سال شهر کرمانشاه است. براساس نرم‌افزار SPSS Sample Power اقدام به تعیین حجم نمونه شد. با توجه به اینکه در مطالعه حاضر یک سازه کمی به نام ارزش‌های اخلاقی وجود دارد، از پارامتر میانگین یک متغیر کمی، اقدام به برآورد حجم نمونه شده است. با پیش‌فرض‌های مربوط به نمونه‌گیری احتمالی (سطح اطمینان، توان آزمون، حجم اثر و انحراف معیار) و با استفاده از نرم‌افزار SPSS Sample Power حجم نمونه آماری برای آلفاهای ۰/۰۱ برابر با ۴۴۰ نفر، برای آلفای ۰/۰۳ برابر با ۳۴۰ نفر و برای آلفای ۰/۰۵ برابر با ۳۰۰ نفر به دست آمد. در این مطالعه با توجه به اینکه سنجش و اندازه‌گیری ابزار ارزش‌های اخلاقی حساسیت زیادی دارد، حجم نمونه به دست آمده در این مطالعه با پیش‌فرض ۰/۰۱ برای آلفا، ۰/۸۰ برای توان و انحراف معیار ۲/۵ با تعداد ۴۴۰ نفر مدنظر است.

۱. پس از بررسی و مطالعه ابزارهای رایج و طراحی‌شده در جاهای دیگر و قبل از طراحی پرسشنامه اصلی، چهار نسخه از آن به صورت الکترونیکی در اختیار چهار نفر از اساتید متخصص و اهل فن (در رشته‌های فلسفه، جامعه‌شناسی، الهیات و علوم تربیتی) که در حوزه پژوهش حاضر (دو استادیار و دو دانشیار) بودند، قرار گرفت. پس از بررسی و اعمال نظر به‌وسیله آن‌ها، بعضی از گویه‌ها که متناسب با فرهنگ بومی نبودند، حذف شدند و برخی از آن‌ها تغییر کردند و اصلاح شدند و در نهایت برخی که با هم همپوشانی داشتند، ادغام شدند.

۳. ۱. روایی^۱: در پژوهش حاضر برای به دست آوردن روایی ابزار پژوهش، روایی صوری و روایی سازه‌ای با استفاده از تحلیل عاملی به کار رفت.

۳. ۲. پایایی^۲ ابزار پژوهش: در پژوهش حاضر برای به دست آوردن پایایی ابزار پژوهش از تکنیک آلفای کرونباخ و دونیمه‌ای کردن استفاده شد.

۳.۳. ابزار استفاده‌شده در مطالعه حاضر

پس از بررسی ابزارهای مختلف برای سنجش ارزش‌های اخلاقی و با در نظر گرفتن روایی و پایایی آن‌ها و همچنین هنجاریابی آن‌ها برای جامعه مطالعه‌شده، در این پژوهش از ابزاری ترکیبی استفاده شد که در مقایسه با سایر ابزارهای موجود جامع‌تر است و روایی و پایایی مناسب دارد. در مطالعه حاضر سازه ارزش‌های اخلاقی در قالب نردبان انتزاع به صورت شکل ۱ و در جدول ۲ عملیاتی شده است.

جدول ۲- عملیاتی کردن ابزار ارزش‌های اخلاقی در مطالعه حاضر

مفهوم	ابعاد	مؤلفه‌ها/خرده‌ابعاد	تعداد گویه	شماره گویه	کل گویه
ارزش‌های اخلاقی	فقدان اخلاقیات	عمل غیراخلاقی	۵	۵-۱	۱۶ گویه
		میل به کنترل	۳	۸-۶	
		کسب موقعیت	۳	۱۱-۹	
		بی‌اعتمادی به دیگران	۵	۱۶-۱۲	
	مسئولیت اخلاقی	عاملیت اخلاقی	۱۰	۲۶-۱۷	۲۸ گویه
		پیامدهای اخلاقی	۱۰	۳۶-۲۷	
		شناخت اخلاقی	۸	۴۴-۳۷	
	هویت اخلاقی	خود اخلاقی	۱۰	۵۴-۴۵	۲۵ گویه
		تمامیت اخلاقی	۱۵	۶۹-۵۵	
	بی‌تفاوتی اخلاقی	توجیه اخلاقی	۴	۷۳-۷۰	۳۲ گویه
		حسن تعبیر	۴	۷۷-۷۴	

1. Validity

2. Reliability

مفهوم	ابعاد	مؤلفه ها/خرده ابعاد	تعداد گویه	شماره گویه	کل گویه
	(بی اشتیاقی اخلاقی)	مقایسه سودمند	۴	۸۱-۷۸	
		جابه جایی مسئولیت	۴	۸۵-۸۲	
		تقسیم مسئولیت	۴	۸۹-۸۶	
		تحریف پیامدها	۴	۹۳-۹۰	
		نسبت دادن سرزنش	۴	۹۷-۹۴	
		رفتارهای غیر انسانی	۴	۱۰۱-۹۸	
	صلاحیت (شایستگی) اخلاقی	قضاوت براساس ارزش های اعضای جامعه	۵	۱۰۶-۱۰۲	۱۵ گویه
		اراده قوی برای مواجه شدن با شرایط دشوار	۵	۱۱۱-۱۰۷	
		همکاری با افراد/سازمان های ذی ربط	۵	۱۱۶-۱۱۲	
	کمال گرایی اخلاقی	کمال گرایی	۸	۱۲۴-۱۱۷	۶۰ گویه
		ارزش های اخلاقی	۷	۱۳۱-۱۲۵	
		فضائل اخلاقی	۱۲	۱۴۳-۱۳۲	
		بخشش	۷	۱۵۰-۱۴۴	
		سپاسگزاری	۷	۱۵۷-۱۵۱	
		ارزشیابی رفتار نادرست	۱۰	۱۶۷-۱۵۸	
		نگرانی از اشتباهات اخلاقی	۹	۱۷۶-۱۶۸	
	اخلاق تجارت	اصل صداقت	۳	۱۷۹-۱۷۷	۱۵ گویه
		شفافیت اطلاعات	۳	۱۸۲-۱۸۰	
		اصل کرامت انسانی	۳	۱۸۵-۱۸۳	
		توجه به سلامتی و بهداشت مصرف کننده	۳	۱۸۸-۱۸۶	
		رعایت رقابت سالم اقتصادی	۳	۱۹۱-۱۸۹	
	کل مفهوم ارزش های اخلاقی		۱۹۱	۱۹۱-۱	۱۹۱ گویه

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. سؤال ۱) تفاوت میانگین ارزش‌های اخلاقی پاسخگویان به تفکیک ابعاد چقدر است؟

جدول ۳ مقایسه میانگین نظری و میانگین مورد انتظار شاخص‌ها و مؤلفه‌های ارزش‌های اخلاقی را نشان می‌دهد. برای پاسخ به این سؤال از مقایسه میانگین نظری و میانگین مورد انتظار به دو صورت میانگین تابع گویه استفاده شد و برای معناداری تفاوت احتمالی، آزمون تی تک‌نمونه‌ای به کار رفت. نتایج نشان می‌دهد میانگین‌های به‌دست‌آمده برای همه ابعاد ارزش‌های اخلاقی با میانگین مورد انتظار تفاوت معناداری دارد و این تفاوت برای برخی ابعاد و خرده‌ابعاد مانند مسئولیت اخلاقی، تمامیت اخلاقی و عمل غیراخلاقی کمتر از میانگین مورد انتظار است، اما برای بیشتر ابعاد بالاتر از میانگین مورد انتظار است.

جدول ۳- مقایسه میانگین نظری و میانگین مورد انتظار شاخص‌ها و مؤلفه‌های ارزش‌های اخلاقی

شاخص‌های آماری		آماره بررسی فرضیه		فاصله اطمینان ۰/۹۵		میانگین تابع گویه	
ابعاد	مؤلفه	آماره t	Sig.	کران پایین	کران بالا	نظری	واقعی
مسئولیت اخلاقی	عاملیت اخلاقی	-۴/۷۲	۰/۰۰۰	-۱/۵۱	-۶۲	۳۰	۲۸/۹۲
	پیامد اخلاقی	۱۳/۰۴	۰/۰۰۰	۲/۹۷	۴/۰۳	۳۰	۳۳/۵۰
	شناخت اخلاقی	۳۵/۳۷	۰/۰۰۰	۸/۹۷	۱۰/۰۳	۲۴	۳۳/۰۵
هویت اخلاقی	خود اخلاقی	۸۰/۸۶	۰/۰۰۰	۲۹/۰۲	۳۰/۴۷	۳۰	۵۹/۷۵
	تمامیت اخلاقی	-۱۲/۸۳	۰/۰۰۰	-۴/۲۰	-۳/۰۸	۴۵	۴۱/۳۵
فقدان اخلاقیات	عمل غیراخلاقی	-۳۰/۷۷	۰/۰۰۰	-۴/۶۴	۵/۲۷	۱۵	۱۹/۹۵
	میل به کنترل	۱۰/۹۵	۰/۰۰۰	۰/۹۱	۱/۳۰	۹	۱۰/۱۰
	کسب موقعیت	۹/۹۰	۰/۰۰۰	۰/۸۴	۱/۲۶	۹	۱۰/۰۵
	بی‌اعتمادی به دیگران	۲۸/۴۶	۰/۰۰۰	۴/۰۴	۴/۶۴	۱۵	۱۹/۳۴
	توجیه اخلاقی	۳۷/۶۴	۰/۰۰۰	۴/۷۳	۵/۲۵	۱۲	۱۶/۹۹
(بی‌اشتیاقی اخلاقی)	حسن تعبیر	۳۶/۱۷	۰/۰۰۰	۴/۸۴	۵/۲۹	۱۲	۱۷/۱۲

شاخص های آماری		آماره بررسی فرضیه		فاصله اطمینان ۰/۹۵		میانگین تابع گویه	
ابعاد	مؤلفه	آماره t	Sig.	کران پایین	کران بالا	نظری	واقعی
	مقایسه سودمند	۲۶/۶۴	۰/۰۰۰	۳/۷۸	۴/۳۸	۱۲	۱۶/۰۸
	جابه جایی مسئولیت	۳۸/۰۷	۰/۰۰۰	۴/۸۶	۵/۳۹	۱۲	۱۷/۱۳
	تقسیم مسئولیت	۳۲/۵۳	۰/۰۰۰	۳/۸۳	۴/۳۲	۱۲	۱۶/۰۷
	تحریف پیامدها	۳۷/۹۲	۰/۰۰۰	۴/۳۹	۴/۸۷	۱۲	۱۶/۶۳
	نسبت دادن سرزنش	۳۴/۰۳	۰/۰۰۰	۴/۲۱	۴/۷۳	۱۲	۱۶/۴۷
	رفتارهای غیرانسانی	۲۵/۰۴	۰/۰۰۰	۳/۰۴	۳/۵۵	۱۲	۱۵/۳۰
صلاحیت (شایستگی) اخلاقی	ارزش اعضای جامعه	۲۹/۱۳	۰/۰۰۰	۴/۴۸	۵/۱۲	۱۵	۱۹/۸۰
	اراده مواجهه با شرایط	۲۱/۱۹	۰/۰۰۰	۳/۵۸	۴/۳۱	۱۵	۱۸/۹۴
	همکاری با افراد	۲۸/۲۸	۰/۰۰۰	۳/۹۸	۴/۵۷	۱۵	۱۹/۲۷
کمال گرایی اخلاقی	کمال گرایی	۲۰/۰۱	۰/۰۰۰	۴/۰۱	۴/۸۸	۲۴	۲۸/۴۵
	ارزش های اخلاقی	-۶/۴۲	۰/۰۰۰	-۲/۳۳	-۱/۲۴	۲۱	۱۹/۲۰
	فضائل اخلاقی	-۱۸/۹۹	۰/۰۰۰	-۸/۲۵	-۶/۷۰	۳۶	۲۸/۵۱
	بخشش	۲/۰۱	۰/۰۰۴	۰/۰۱	۱/۴۲	۲۱	۲۱/۷
	کنش سپاسگزاری	-۱۲/۱۳	۰/۰۰۰	-۳/۷۱	-۲/۶۷	۲۱	۱۷/۸
	ارزشیابی رفتار نادرست	-۴۸/۶۵	۰/۰۰۰	-۱۰/۵۰	-۹/۶۸	۳۰	۱۹/۹۰
	اشتباه اخلاقی	-۳۴/۱۹	۰/۰۰۰	-۷/۵۰	-۶/۶۸	۲۷	۱۹/۹۰
اخلاق تجارت	اصل صداقت	۱۳/۰۱	۰/۰۰۰	۱/۰۳	۱/۴۰	۹	۱۰/۲۱
	شفافیت اطلاعات	۲/۲۹	۰/۰۲۲	۰/۰۳	۰/۵۱	۹	۹/۲۷
	اصل کرامت انسانی	۲۸/۴۳	۰/۰۰۰	۲/۸۴	۳/۲۶	۹	۱۲/۰۵
	توجه به سلامت	۱۳/۷۵	۰/۰۰۰	۱/۴۶	۱/۹۵	۹	۱۰/۷۰
	رقابت سالم اقتصادی	۱۷/۸۵	۰/۰۰۰	۱/۷۶	۲/۱۹	۹	۱۰/۹۵

جدول ۴ مقایسه میانگین نظری و میانگین مورد انتظار برای متغیرهای اصلی را نشان می‌دهد. برای پاسخ به این سؤال از مقایسه میانگین نظری و میانگین مورد انتظار به صورت میانگین تابع گویه استفاده شد و برای معناداری تفاوت احتمالی، آزمون تی تک‌نمونه‌ای به کار رفت. نتایج نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین میزان ارزش‌های اخلاقی در جامعه و میانگین مورد انتظار وجود دارد. نتایج آزمون تی نشان می‌دهد که میانگین ارزش‌های اخلاقی در جامعه مطالعه‌شده کمتر از میانگین مورد انتظار است؛ البته در برخی از ابعاد، این میانگین بیشتر است.

جدول ۴- مقایسه میانگین نظری و میانگین مورد انتظار متغیرهای اصلی

متغیر اصلی	آماره بررسی فرضیه		فاصله اطمینان ۰/۹۵ میانگین		میانگین تابع گویه	
	آماره t	Sig.	کران پایین	کران بالا	نظری	واقعی
مسئولیت اخلاقی	۲۴/۹۵	۰/۰۰۰	۱۴/۵۶	۱۷/۰۵	۸۴	۹۹/۸۱
هویت اخلاقی	۴۴/۶۲	۰/۰۰۰	۲۴/۹۵	۲۷/۲۵	۷۵	۱۰۱/۱۰۶
فقدان اخلاقیات	۳۰/۶۹	۰/۰۰۰	۱۰/۷۳	۱۲/۲۰	۴۸	۵۹/۴۶
بی تفاوتی اخلاقی	۴۱/۱۰	۰/۰۰۰	۳۴/۱۱	۳۷/۵۳	۹۶	۱۳۱/۸۲
صلاحیت اخلاقی	۳۰/۶۹	۰/۰۰۰	۱۲/۱۹	۱۳/۸۶	۴۵	۵۸/۰۳
کمال‌گرایی اخلاقی	-۱۶/۳۷	۰/۰۰۰	-۲۷/۴۳	-۲۱/۵۵	۱۸۰	۱۵۵/۵۰
اخلاق تجارت	۲۱/۷۳	۰/۰۰۰	۷/۴۸	۸/۹۷	۴۵	۵۳/۲۳
ارزش‌های اخلاقی	-۸۲/۷۱	۰/۰۰۰	۲۱۹/۱۰	-۲۰۸/۹۳	۸۷۳	۶۵۸/۹۷

۴. ۲. سؤال ۲) آیا ابزار خودتشخیصی ارزش‌های اخلاقی پایایی مناسب دارد؟

در این پژوهش، برای تعیین پایایی سازه ارزش‌های اخلاقی از آلفای کرونباخ و پایایی از راه دونیمه کردن با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن-براون استفاده شد.

۴. ۲. ۱. اعتبار با روش آلفای کرونباخ

در این پژوهش همه سازه‌ها به‌عنوان سنجه‌های چندگویه‌ای آزموده شده‌اند. این سنجه‌ها از یک پرسشنامه خودگزارشی به دست آمدند. هر گویه روی طیفی ۵ درجه‌ای با دامنه‌ای از «کاملاً موافق» تا «کاملاً مخالف» تعریف شده‌اند. هنجاریابی پرسشنامه با استفاده از عمل پیش‌آزمون و همچنین براساس نظرات استادان دانشگاه در یک مطالعه مقدماتی انجام گرفت. شایان ذکر است افرادی که در مطالعه مقدماتی به کار گرفته شدند، در پرسشنامه نهایی وارد نشدند؛ بنابراین آلفای کرونباخ برای ابزار سنجش در مطالعه مقدماتی به دست آمد. ضریب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای همه خرده‌مقیاس‌ها در حد قابل قبول به دست آمد. در مجموع، میزان آلفای کرونباخ برای ارزش‌های اخلاقی در این مطالعه ۰/۹۳۶ است که پایاب بودن ابزار پژوهش را تأیید می‌کند.

جدول ۵- ضریب پایایی متغیرها با استفاده از آلفای کرونباخ

آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها	شاخص‌های آماری		آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها	شاخص‌های آماری	
		مؤلفه	ابعاد			مؤلفه	ابعاد
۰/۸۲۷	۴	توجیه اخلاقی	بی تفاوتی اخلاقی	۰/۸۱۷	۱۰	عاملیت اخلاقی	مسئولیت اخلاقی
۰/۸۳۱	۴	حسن تعبیر		۰/۷۷۶	۱۰	پیامد اخلاقی	
۰/۸۲۹	۴	مقایسه سودمند		۰/۶۸۳	۸	شناخت اخلاقی	
۰/۸۳۵	۴	جابه‌جایی مسئولیت		۰/۸۲۸	۱۰	خود اخلاقی	هویت اخلاقی
۰/۷۶۰	۴	تقسیم مسئولیت		۰/۷۹۹	۱۵	تمامیت اخلاقی	
۰/۷۲۲	۴	تحریف پیامدها		۰/۶۹۰	۵	عمل غیر اخلاقی	فقدان اخلاقیات
۰/۷۲۸	۴	نسبت دادن سرزنش		۰/۴۴۱	۳	میل به کنترل	
۰/۶۲۷	۴	رفتارهای غیر انسانی		۰/۵۲۷	۳	کسب موقعیت	
۰/۷۷۲	۵	ارزش اعضای جامعه	شایستگی اخلاقی	۰/۶۹۴	۵	بی‌اعتمادی به دیگران	
۰/۶۹۷	۵	اراده مواجهه با شرایط		۰/۶۹۱	۵	کمال‌گرایی	کمال‌گرایی اخلاقی
۰/۶۹۱	۵	همکاری با افراد		۰/۸۱۴	۸	ارزش‌های	

آلفای کرونیاخ	تعداد گویه‌ها	شاخص‌های آماری		آلفای کرونیاخ	تعداد گویه‌ها	شاخص‌های آماری	
		ابعاد	مؤلفه			ابعاد	مؤلفه
						اخلاقی	
۰/۲۷۸	۳	اصل صداقت	اخلاق تجارت	۰/۶۵۵	۷	فضائل اخلاقی	
۰/۶۱۸	۳	شفافیت اطلاعات		۰/۸۴۳	۱۲	بخشش	
۰/۶۳۳	۳	اصل کرامت انسانی		۰/۶۴۴	۷	کنش سپاسگزاری	
۰/۷۷۵	۳	توجه به سلامت		۰/۸۰۷	۷	ارزشیابی رفتار نادرست	
۰/۶۸۴	۳	رقابت سالم اقتصادی		۰/۸۶۳	۱۰	اشتباه اخلاقی	
۰/۹۵	۳۲	بی تفاوتی اخلاقی		۰/۸۷۱	۲۸	مسئولیت اخلاقی	
۰/۸۶	۱۵	شایستگی اخلاقی		۰/۸۷۹	۲۵	هویت اخلاقی	
۰/۸۰	۱۵	اخلاق تجارت		۰/۷۸۷	۱۶	فقدان اخلاقیات	
۰/۹۳۶	۱۹۱	کل مفهوم ارزش‌های اخلاقی		۰/۹۴	۶۰	کمال‌گرایی اخلاقی	

۴.۲.۲. روش دونیمه‌کردن

برای انجام دادن دونیمه‌کردن، سؤالات فرد و سؤالات زوج به ترتیب از هم جدا شد و هر دسته از این سؤالات به مثابه یک آزمون در نظر گرفته شد. با استفاده از این روش ضریب همبستگی این دو آزمون به عنوان تکنیک آماری مناسب اجرا شد. نتایج حاصل برای تمام ابعاد ارزش‌های اخلاقی بیان شده است و برای مفهوم کلی پژوهش، ضریب همبستگی بین نیمه‌های آزمون برابر با ۰/۵۵۴، ضریب دونیمه‌کردن با تکنیک گاتمن برابر با ۰/۷۰۹ و ضریب اعتبار کل با استفاده از روش اسپیرمن-براون برابر با ۰/۷۰۳ است که بیشتر ضریب همبستگی بین دونیمه آزمون به دست می‌آید.

جدول ۶- مقادیر به دست آمده از روش دونیمه‌کردن برای اعتبار ابزار سنجش

نام مؤلفه	گروه‌ها	آلفای کرونباخ	میانگین گروه‌ها	انحراف معیار	همبستگی دونیمه با تکنیک		
					درونی	اسپیرمن-براون	گاتمن
مسئولیت اخلاقی	نیمه اول	۰/۶۷۱	۳/۷۵	۰/۳۷	۰/۵۹۱	۰/۷۴۳	۰/۷۴۳

نام مؤلفه	گروه‌ها	آلفای کرونباخ	میانگین گروه‌ها	انحراف معیار	همبستگی دونیمه با تکنیک		
					درونی	اسپیرمن-براون	گاتمن
	نیمه دوم	۰/۶۶۰	۳/۶۷	۰/۲۷			
هویت اخلاقی	نیمه اول	۰/۸۱۱	۳/۹۹	۰/۱۰۳	۰/۶۲۸	۰/۷۷۲	۰/۷۷۲
	نیمه دوم	۰/۸۱۰	۴/۱۰۱	۰/۲۵۰			
فقدان اخلاقیات	نیمه اول	۰/۷۹۰	۳/۴۶	۰/۱۱	۰/۶۴۸	۰/۷۸۷	۰/۷۸۶
	نیمه دوم	۰/۷۹۷	۳/۶۶	۰/۰۳			
کمال‌گرایی اخلاقی	نیمه اول	۰/۸۴۸	۲/۸۰۷	۰/۲۵۳	۰/۷۶۵	۰/۸۶۷	۰/۸۴۶
	نیمه دوم	۰/۹۲۷	۲/۳۷۵	۰/۲۲			
بی‌تفاوتی اخلاقی	نیمه اول	۰/۹۲۸	۴/۲۰۹	۰/۰۲۴	۰/۸۴۳	۰/۹۱۵	۰/۹۱۱
	نیمه دوم	۰/۸۸۸	۴/۰۳۱	۰/۰۴۲			
شایستگی اخلاقی	نیمه اول	۰/۸۲۶	۳/۸۲	۰/۲۲	۰/۶۳۳	۰/۷۷۵	۰/۷۴۲
	نیمه دوم	۰/۷۱۵	۳/۹۱	۰/۱۸			
اخلاق تجارت	نیمه اول	۰/۶۱۸	۳/۴۲	۰/۲۴۰	۰/۵۷۷	۰/۷۳۲	۰/۷۳۱
	نیمه دوم	۰/۷۶۴	۳/۷۰	۰/۱۰۳			
ارزش‌های اخلاقی	نیمه اول	۰/۹۰۱	۳/۰۷	۰/۶۴	۰/۵۵۴	۰/۷۰۳	۰/۷۰۹
	نیمه دوم	۰/۹۵۸	۳/۸۳	۰/۱۳			

۴. ۳. سؤال ۳) آیا ابزار خودتشخیصی ارزش‌های اخلاقی روایی مناسب دارد؟

برای برآورد روایی ابزار ارزش‌های اخلاقی از دو روش روایی صوری و روایی سازه‌ای استفاده شد. برای تعیین روایی صوری، ضمن استناد به مبانی نظری پژوهش، پس از طراحی گویه‌ها و هنجاریابی آن‌ها، ابزار مذکور در اختیار چند نفر از متخصصان قرار گرفت. اظهارنظر و بررسی این افراد منجر به حذف و اصلاح برخی گویه‌ها شد و در نهایت براساس اجماع نظر و توافق نسبی داوران، روایی صوری آن پذیرفته شد. برای تعیین روایی سازه از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد. نتایج آزمون کفایت نمونه‌برداری (KMO) با مقدار زیاد ۰/۷۵ برای همه ابعاد متغیر ارزش‌های اخلاقی، نیازی به حذف هیچ گویه‌ای از این مجموعه

نمی‌داند. از روش‌های آماری نسبتاً متداول که برای بررسی و تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عامل به کار می‌رود، آزمون کرویت بارتلت است که روی داده‌های نمونه حاضر نیز انجام گرفت. آزمون کرویت بارتلت در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان معناداری را نشان می‌دهد؛ بنابراین نتایج حاکی از این جدول به محقق اطمینان می‌دهد که می‌توان تحلیل عامل را ادامه داد. با توجه به اینکه برای انجام یک تحلیل عامل خوب در آزمون کفایت نمونه‌برداری، ارزش‌های $0/70$ و بیشتر از آن مدنظر است، در صورتی می‌توان گفت داده‌ها برای تحلیل عامل مناسب هستند که مقدار بارتلت در سطح معناداری قابل قبول باشد؛ به عبارت دیگر تحلیل عامل را به شرطی می‌توان انجام داد که شاخص آزمون کفایت نمونه‌برداری برابر یا بیشتر از $0/70$ باشد و حداقل شاخص کیزر-میر-اولکین برای انجام تحلیل عامل $0/60$ باشد. در جدول ۷ مشاهده می‌شود که ضریب به‌دست‌آمده در آزمون کفایت نمونه‌برداری، مناسب بودن داده‌ها را برای انجام تحلیل عامل تأیید می‌کند؛ به عبارت دیگر مقدار این ضریب برای انجام تحلیل عاملی داده‌ها در سطح رضایت‌بخشی قابل قبول است. همچنین آزمون کفایت کرویت بارتلت در سطح کمتر از $0/0001$ معنادار است که نشان می‌دهد ماتریس همبستگی داده‌ها در جامعه صفر نیست.

جدول ۷- ضریب پایایی ابعاد متغیر ارزش‌های اخلاقی با استفاده از تحلیل عاملی

مؤلفه‌های ارزش‌های اخلاقی	KMO	Bartlett	D.F	Sig.	تعداد عامل	واریانس تبیین‌شده
مسئولیت اخلاقی	۰/۸۵۶	۱۴۱۳۸/۹۳	۱۷۷۰	۰/۰۰۰	۷	۴۸/۰۴
هویت اخلاقی	۰/۸۴۸	۳۸۲۹/۴۱	۳۰۰	۰/۰۰۰	۲	۳۵/۹۴
فقدان اخلاقیات	۰/۹۱۲	۸۸۶۲/۰۶	۴۹۶	۰/۰۰۰	۸	۶۸/۶۷
کمال‌گرایی اخلاقی	۰/۸۴۵	۳۷۲۱/۶۰	۳۷۸	۰/۰۰۰	۳	۳۷/۵۴
بی‌تفاوتی اخلاقی (بی‌اشتیاقی اخلاقی)	۰/۸۰۴	۱۴۹۵/۱۹	۱۲۰	۰/۰۰۰	۴	۵۱/۲۹
شایستگی اخلاقی	۰/۸۶۵	۲۰۱۹/۷۶	۱۰۵	۰/۰۰۰	۴	۵۲/۱۶
اخلاق تجارت	۰/۷۸۹	۱۹۱۴/۱۷	۱۰۵	۰/۰۰۰	۵	۶۴/۰۸
کل مفهوم ارزش‌های اخلاقی	۰/۸۹۴	۱۰۳۷۱۱/۰۶	۱۸۱۴۵	۰/۰۰۰	۷	۸۷/۷۲

۴.۴. مدل اندازه‌گیری معادلات ساختاری

یکی از تکنیک‌های مهم در مدل‌های اندازه‌گیری، تحلیل عاملی است. تحلیل عاملی به پژوهشگر کمک می‌کند که تعدادی از معرف‌ها را به تعداد کمی از عامل‌ها تقلیل دهد؛ به نحوی که آن عامل‌ها کلی‌تر، گسترده‌تر و انتزاعی‌ترند. مدل عاملی تأییدی نظریه‌محور است؛ یعنی از قبل مشخص می‌کند که چند عامل داریم و اسم هر کدام از عامل‌ها چیست؟ ارزش‌های اخلاقی به عنوان یک سازه از هفت مؤلفه تشکیل شده است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که می‌توان ارزش‌های اخلاقی را با استفاده از یک مدل عاملی مرتبه دوم سنجید؛ بر این اساس، هریک از ابعاد هفت‌گانه آن به عنوان یک سازه یا متغیر پنهان تعریف شدند و این هفت متغیر به نوبه خود در نقش معرف‌های ارزش‌های اخلاقی به عنوان سازه پنهان و وابسته در مدل ساختاری قرار گرفتند. نتایج نشان می‌دهد که علاوه بر هماهنگی درونی آیتم‌های تعریف شده برای هریک از مقیاس‌های فرعی، روایی و اگرچه نیز برقرار است. معیارهای برازش مدل عاملی ارزش‌های اخلاقی نشان می‌دهد که مدل اندازه‌گیری از برازش نسبتاً مناسبی برخوردار است. شاخص‌های اصلی این مدل، نتایج زیر را نشان می‌دهند:

شاخص کای اسکوتر به عنوان شاخص بدی برازش مدل با مقدار زیاد $1798/78$ وضعیت نامطلوب مدل را رقم می‌زند. از آنجاکه در مطالعات با حجم نمونه زیاد، مقدار کای اسکوتر غیرمعنادار تحت تأثیر حجم نمونه قرار می‌گیرد و قابل اطمینان نیست، از شاخص ریشه میانگین مجذور باقیمانده‌ها استفاده شده است که مقدار آن برابر با $2/78$ است و نسبتاً برازندگی مدل را تأیید می‌کند. برای هماهنگی بهتر داده‌های تجربی با مدل نظری پژوهش از شاخص نسبت کای اسکوتر بر درجه آزادی استفاده می‌شود. نسبت کای اسکوتر به درجه آزادی $CMIN/DF$ در مدل برابر با $4/58$ است که در مجموع وضعیت بهبودی نسبی را برای مدل نشان می‌دهد. شاخص برازش تطبیقی (CFI) برابر با $0/85$ است که نتایج نسبتاً مطلوبی را نشان می‌دهد. شاخص توکر لوئیس (شاخص برازش هنجارنشده یا TLI) با مقدار $0/80$ منعکس‌کننده یک مدل خوب است. شاخص ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده یا

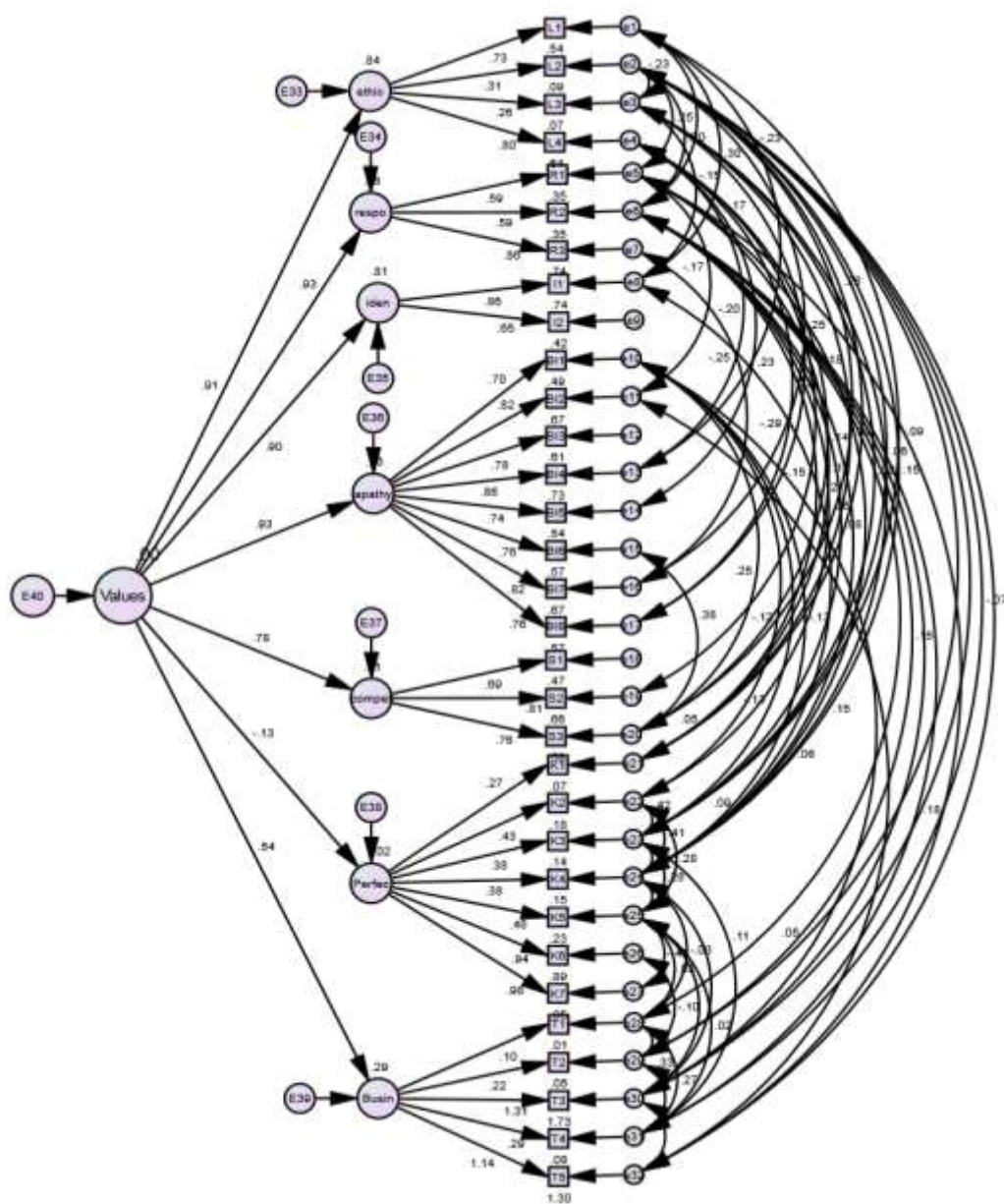
RMSEA برابر با ۰/۰۸ است که نزدیک به صفر بوده و برازندگی مدل را تأیید می‌کند. شاخص هلتر (Hoelter) در سطح معناداری ۰/۰۵ حجم نمونه را برابر با ۱۰۱ و در سطح معناداری ۰/۰۱ حجم نمونه را برابر با ۱۱۳ تأیید می‌کند. با توجه به اینکه حجم نمونه مطالعه شده (۴۴۰) بیشتر از مقدار گزارش شده توسط هلتر است، مدل تدوین شده را تأیید می‌کند.

جدول ۸- مقادیر برازش مدل اندازه‌گیری بر اساس شاخص‌های مختلف معادلات ساختاری

نوع شاخص	نام کامل شاخص	علائم اختصار	نقطه برش شاخص‌ها	مقادیر به دست آمده		
				اصلاح اصلی	اصلاح	اصلاح
شاخص مطلق	کای اسکوئر	X^2	کوچک تا مرز غیرمعناداری	۲۵۸۶/۲۳	۲۰۸۸/۲۳	۱۷۹۷/۷۸
	ریشه میانگین مربعات باقیمانده	RMR	هر چه کوچک‌تر، بهتر	۳/۰۰۰	۲/۹۰	۲/۷۸
	نیکویی برازش	GFI	بیشتر از ۰/۹۰ قابل قبول	۰/۷۲	۰/۷۷	۰/۸۱
	نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	بیشتر از ۰/۹۰ قابل قبول	۰/۶۷	۰/۷۱	۰/۷۴
شاخص تطبیقی	تاکر-لونیس	TLI	بیشتر از ۰/۹۰ قابل قبول	۰/۷۴	۰/۷۷	۰/۸۰
	برازش بنتلر بونت	NFI	بیشتر از ۰/۹۰ قابل قبول	۰/۷۳	۰/۷۷	۰/۸۱
	برازش تطبیقی	CFI	بیشتر از ۰/۹۰ قابل قبول	۰/۷۶	۰/۸۱	۰/۸۵
	برازش افزایشی	IFI	بیشتر از ۰/۹۰ قابل قبول	۰/۷۶	۰/۸۱	۰/۸۵
شاخص مقتصد	نسبت صرفه‌جویی	PRATIO	بیشتر از ۰/۵۰ قابل قبول	۰/۹۰	۰/۸۲	۰/۷۹
	برازش مقتصد هنجار شده	PNFI	بیشتر از ۰/۵۰	۰/۶۶	۰/۶۴	۰/۶۳

نوع شاخص	نام کامل شاخص	علامت اختصار	نقطه برش شاخص ها	مقادیر به دست آمده		
				اصلاح	اصلاح	اصلی
			قابل قبول			
	نیکویی برازش مقتصد	PGFI	بیشتر از ۰/۵۰ قابل قبول	۰/۶۷	۰/۵۹	۰/۴۹
	ریشه میانگین مربعات خطا	RMSEA	کوچک تر از ۰/۰۵ تا ۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۱۰۴
	کای اسکوئر بهنجار (نسبی)	CMIN/DF	بین ۲ تا ۳ قابل قبول	۴/۵۸	۵/۱۱	۵/۷۷
سایر شاخص	معیار اطلاعات آکائیک	AIC	نزدیک به صفر	۲۰۶۹/۷۵	۲۲۲۸/۲۳	۲۷۴۶/۲۳
	معیار اطلاعات بیز	BIC	نزدیک به صفر	۲۶۲۵/۵۸	۲۸۱۸/۶۴	۳۰۷۳/۱۷
	معیار اطلاعات آکائیک	CAIC	نزدیک به صفر	۲۷۶۱/۵۸	۲۹۳۸/۶۴	۳۱۵۳/۱۷
	شاخص هلتر	HOLTER	در نقطه برش ۰/۰۵	۱۰۸	۹۶	۸۵
			در نقطه برش ۰/۰۱	۱۱۳	۱۰۱	۸۹

نتایج تحلیل عاملی مرتبه دوم تأییدی برای متغیرهای مستقل در شکل ۲ ارائه شده است. نتایج به صورت استاندارد شده (واریانس) گزارش شده است.



شکل ۲- مدل استاندارد اندازه گیری عاملی ارزش های اخلاقی

۵. نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، ساخت و طراحی ابزار سنجش ارزش‌های اخلاقی و برآورد پایایی و روایی آن بود. برای سنجش ارزش‌های اخلاقی باید از یک پرسشنامه قابل اعتماد استفاده کرد که منعکس‌کننده دقیق و قابل استناد میزان آگاهی از ارزش‌های اخلاقی باشد. با توجه به نتایج این مطالعه، پرسشنامه حاصل شده، ابزار مناسبی برای سنجش ارزش‌های اخلاقی با هفت زیرمقیاس (مسئولیت اخلاقی، هویت اخلاقی، فقدان اخلاقیات، کمال‌گرایی اخلاقی، بی تفاوتی اخلاقی، صلاحیت (شایستگی) اخلاقی و اخلاق تجارت) است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد میانگین‌های به دست آمده برای همه ابعاد ارزش‌های اخلاقی با میانگین مورد انتظار تفاوت معناداری دارند و این تفاوت برای برخی ابعاد و خرده‌ابعاد مانند مسئولیت اخلاقی، تمامیت اخلاقی و عمل غیر اخلاقی کمتر از میانگین مورد انتظار است، اما برای بیشتر ابعاد بالاتر از میانگین مورد انتظار است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین ابعاد و مؤلفه‌های ارزش‌های اخلاقی هماهنگی و همبستگی درونی زیاد و معناداری وجود دارد و می‌توان گفت مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌های ارزش‌های اخلاقی با هم می‌توانند در راستای هماهنگی ابزار طراحی شده عمل کنند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سازه ارزش‌های اخلاقی و مؤلفه‌های آن همگی پایایی و روایی قابل قبولی دارند. این یافته‌ها با ادبیات نظری پژوهش نیز همخوان است؛ به گونه‌ای که مقیاس‌های بررسی شده در پژوهش حاضر برای سنجش ارزش‌های اخلاقی را تأیید می‌کند (شوارتز، ۱۹۶۸؛ بلک، ۲۰۱۲؛ آکینو و رید، ۲۰۰۲؛ بلک و رینولدز، ۲۰۱۶؛ شلنگر، ۲۰۰۸؛ باندورا و همکاران، ۱۹۹۶؛ دالینگ و همکاران، ۲۰۰۹؛ آساهارا و همکاران، ۲۰۱۵؛ یانگ و همکاران، ۲۰۱۵ و خدادادیان، ۱۳۹۳).

بر اساس یافته‌های مطالعات بلک (۲۰۱۲) و شوارتز (۱۹۶۸)، مسئولیت اخلاقی دارای سه زیرمقیاس عاملیت اخلاقی (۱۴ گویه)، پیامدهای اخلاقی (۱۱ گویه) و شناخت اخلاقی (۸ گویه) است که آلفای آن‌ها به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۸۷ و ۰/۷۳ است. در پژوهش حاضر نیز پس از هنجاریابی گویه‌های مدنظر بلک و شوارتز، مسئولیت اخلاقی در سه زیرمقیاس عاملیت

اخلاقی (۱۰ گویه)، پیامدهای اخلاقی (۱۰ گویه) و شناخت اخلاقی (۸ گویه) سنجش شد که به ترتیب برای آن‌ها آلفای ۰/۸۲، ۰/۸۳ و ۰/۸۲ به دست آمد. دومین مؤلفه ارزش‌های اخلاقی براساس پژوهش‌های بلک (۲۰۱۲) و بلک و رینولدز (۲۰۱۶)، هویت اخلاقی بود که دارای دو زیرمقیاس خود اخلاقی (۱۰ گویه با آلفای ۰/۸۳) و تمامیت اخلاقی (۱۵ گویه با آلفای ۰/۸۷) است. مقیاس تمامیت اخلاقی در پژوهش شلنگر (۲۰۰۸) نیز با ۲۲ گویه سنجش شد که آلفای آن نیز برابر با ۰/۸۵ بود. در پژوهش آکینو و رید (۲۰۰۲) هویت اخلاقی با دو مؤلفه نمادسازی و درونی‌سازی هرکدام با ۵ گویه و در مجموع با ۱۰ گویه سنجش شد. در پژوهش حاضر، هویت اخلاقی براساس پژوهش‌های بلک (۲۰۱۲)، بلک و رینولدز (۲۰۱۶)، آکینو و رید (۲۰۰۲) و شلنگر (۲۰۰۸) پس از هنجاریابی گویه‌ها با دو زیرمقیاس خود اخلاقی با ۱۰ گویه و تمامیت اخلاقی با ۱۵ گویه سنجش شد که به ترتیب برای آن‌ها آلفای ۰/۸۲ و ۰/۷۹ به دست آمد. سومین مؤلفه ارزش‌های اخلاقی براساس پژوهش دالینگ و همکاران (۲۰۰۹)، فقدان اخلاقیات (شخصیت ماکیاولیستی) با چهار زیرمقیاس عمل غیراخلاقی (۵ گویه با آلفای ۰/۸۵)، میل به کنترل (۳ گویه با آلفای ۰/۷۰)، کسب موقعیت (۳ گویه با آلفای ۰/۷۲) و بی‌اعتمادی به دیگران (۵ گویه با آلفای ۰/۷۵) سنجش شد. در پژوهش حاضر نیز براساس پژوهش دالینگ و همکاران، فقدان اخلاقیات پس از هنجاریابی گویه‌های مدنظر آن‌ها در چهار مؤلفه عمل غیراخلاقی (۵ گویه)، میل به کنترل (۳ گویه)، کسب موقعیت (۳ گویه) و بی‌اعتمادی به دیگران (۵ گویه) سنجش شد که به ترتیب برای آن‌ها آلفای ۰/۶۹، ۰/۴۴، ۰/۵۲ و ۰/۶۹ به دست آمد؛ البته میزان آلفای دو مؤلفه میل به کنترل و کسب موقعیت پایایی قابل قبول نداشت.

چهارمین مؤلفه ارزش‌های اخلاقی براساس پژوهش یانگ و همکاران (۲۰۱۵)، کمال‌گرایی اخلاقی می‌باشد که دارای زیرمؤلفه‌های کمال‌گرایی (۱۲ گویه با آلفای ۰/۸۵)، ارزش‌های اخلاقی (۱۵ گویه با آلفای ۰/۹۴)، فضائل اخلاقی (۹ گویه با آلفای ۰/۹۵)، بخشش (۵ گویه با آلفای ۰/۸۵)، سپاسگزاری (۵ گویه با آلفای ۰/۸۱) و ارزشیابی رفتار

نادرست (۱۸ گویه با آلفای ۰/۶۹) می‌باشد. در پژوهش حاضر بر اساس پژوهش یانگ و همکاران و بر اساس آیات و روایات برگرفته از دین اسلام که مهم‌ترین مؤلفه‌های ارزش‌های اخلاقی را در رفتار و کردار پیامبر اکرم (ص) می‌توان مشاهده کرد گویه‌های کمال‌گرایی اخلاقی استخراج شدند و با زیرمؤلفه‌های کمال‌گرایی (۵ گویه با آلفای ۰/۶۹)، ارزش‌های اخلاقی (۸ گویه با آلفای ۰/۸۱)، فضائل اخلاقی (۷ گویه با آلفای ۰/۶۵)، بخشش (۱۲ گویه با آلفای ۰/۸۴)، سپاسگزاری (۷ گویه با آلفای ۰/۶۴)، ارزشیابی رفتار نادرست (۷ گویه با آلفای ۰/۸۰) و اشتباه اخلاقی (۱۰ گویه با آلفای ۰/۸۶) بدست آمد.

پنجمین مؤلفه یا زیرمقیاس ارزش‌های اخلاقی براساس پژوهش باندورا و همکاران (۱۹۹۶)، بی‌تفاوتی اخلاقی (بی‌اشتیاقی اخلاقی) با مؤلفه‌هایی همچون توجیه اخلاقی، حسن تعبیر، مقایسه سودمند، جابجایی مسئولیت، تقسیم مسئولیت، تحریف، پیامدها، نسبت‌دادن سرزنش و رفتارهای غیرانسانی است که هرکدام با ۴ گویه سنجش شده‌اند و به‌طورکلی آلفای ۰/۹۲ داشتند. در پژوهش حاضر نیز همین مؤلفه‌ها پس از هنجاریابی گویه‌های مدنظر باندورا و همکاران سنجش شدند و آلفای به‌دست‌آمده برای آن‌ها برابر با ۰/۹۵ بود. ششمین مؤلفه ارزش‌های اخلاقی براساس پژوهش آساهارا و همکاران (۲۰۱۵)، صلاحیت اخلاقی با سه زیرمقیاس قضاوت براساس ارزش‌های اعضای جامعه (۵ گویه با آلفای ۰/۸۹)، اراده قوی برای مواجهه‌شدن با شرایط دشوار (۵ گویه با آلفای ۰/۹۱) و همکاری با افراد/سازمان‌های ذی‌ربط (۵ گویه با آلفای ۰/۸۵) بود. در پژوهش حاضر پس از هنجاریابی گویه‌های مدنظر آساهارا و همکاران، صلاحیت اخلاقی با زیرمقیاس ارزش‌های اعضای جامعه، اراده قوی برای مواجهه‌شدن با شرایط دشوار و همکاری با افراد هرکدام با ۵ گویه سنجش شدند و به‌ترتیب آلفای به‌دست‌آمده برای آن‌ها برابر با ۰/۷۷، ۰/۶۹ و ۰/۶۹ بود. آخرین مؤلفه ارزش‌های اخلاقی بر اساس پژوهش خدادادیان (۱۳۹۲)، اخلاق تجارت است که پس از تغییراتی در آن براساس موضوع پژوهش حاضر در پنج مؤلفه اصل صداقت، شفافیت اطلاعات، اصل کرامت انسانی، توجه به سلامت و رقابت سالم اقتصادی با ۱۵ گویه

سنجش شد که میزان آلفای آن‌ها در پژوهش خدادادیان برابر با ۰/۸۳ و در پژوهش حاضر برابر با ۰/۸۰ به دست آمد.

به‌طور کلی می‌توان گفت که پرسشنامه ارزش‌های اخلاقی با هفت زیرمقیاس ذکر شده می‌تواند ابزار نسبتاً جامعی برای ادارات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی، مؤسسات تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و پژوهشگرانی باشد که تمایل دارند در زمینه ارزش‌های اخلاقی کار پژوهشی انجام دهند. پرسشنامه ارزش‌های اخلاقی که در پژوهش حاضر طراحی شده است، حاصل مطالعات بسیاری است که تاکنون در ایران و خارج از ایران در زمینه ارزش‌های اخلاقی انجام شده است و نگارندگان با مطالعه این آثار و هنجاریابی پرسشنامه استفاده‌شده آن‌ها تلاش کرده‌اند تا ابزاری نسبتاً جامع‌تر در این زمینه ارائه دهند.

کتاب‌نامه

۱. احمدی، ش.، یاقوتی، ح.، و فلاحی، و. (۱۳۹۶)، نقش بی‌اشتیاقی اخلاقی و هوش اجتماعی در پیش‌بینی ولع مصرف افراد مصرف‌کننده مواد. / *اعتیاد پژوهی*، (۴۴)، ۱۵۵-۱۶۸.
۲. تحف العقول. (۱۳۸۵). *سخنان چهارده معصوم* (ص. حسن زاده، مترجم). قم: نشر آل علی.
۳. سیدی، ا.، و خدادادیان، ز. (۱۳۹۳)، رابطه تبلیغات اخلاقی با رفتار مصرف‌کنندگان. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، (۴)، ۱-۱۰.
۴. عصاره، ع.، مهدیزاده تهرانی، آ.، امینی زرین، ع.، و عظیمی، ش. (۱۳۹۷). نقدی بر نظریه رشد قضاوت اخلاقی لارنس کلبرگ: پژوهشی در بررسی چندجانبه نظریه کلبرگ و ارائه رهنمودی درباره مراحل رشدی او. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، (۲)، ۹۳-۱۱۲.
۵. غررالحمک، (۱۳۸۴). *سخنان قصار امام علی (ع)* (س. ه. رسولی محلاتی). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. نجاری، س. (۱۳۹۲)، *بررسی رابطه بین ارزش‌های اخلاقی و کارایی کارکنان شرکت ارتباطات زیرساخت* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). مدیریت امور فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

۷. نراقی، م. (۱۳۸۶)، *معراج السعاده*. قم: دفتر انتشارات زرینی.
۸. نصیری، م. (۱۳۸۶)، مؤلفه‌هایی از اخلاق اجتماعی پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله). *فصلنامه اخلاق*، (۸)، ۵۴-۹۵.
۹. نهضتی، ب.، پژیوان، ج.، محمدی، ت.، و شاکری، ع. (۱۳۹۱)، تحلیل رفتار خیرخواهانه در ایران. *دوفصلنامه مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، (۲۶)، ۴۶-۲۵.
10. Aprilyandi, B., & Ismiyati, Y. (2020) An analysis of moral values from the characters in the novel 'Frankenstein' by Mary Shalley. *JELT: Journal of English Language Teaching*, 3(2), 95-104.
11. Aquino, K., & Reed, I. I. (2002) the self-importance of moral identity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 83(6), 4-23.
12. Asahara, K., Kobayashi, M., & Ono, W. (2015) Moral competence questionnaire for public health nurses in Japan: Scale development and psychometric validation. *Japan Journal of Nursing Science*, 12(1), 18-26.
13. Bandura, A., Barbaranelli, C., & Caprara, G. V., & Pastorelli, C. (1996). Mechanisms of moral disengagement in the exercise of moral agency. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71(2), 364-374.
14. Bentham, J. (1996). *An introduction to the principles of morals and legislation: The collected works of Jeremy Bentham*. London: Clarendon Press.
15. Bergstra, T. J., Gremmen, B., & Stassen, E. N. (2015) Moral values and attitudes toward Dutch sow husbandry. *Journal of Agricultural and Environmental Ethics*, 28(2), 375-401.
16. Black, J. (2012) *Initial development and psychometric characteristics of the moral cognition inventory* (Doctoral dissertation). Humboldt State University.
17. Black, J. E., & Reynolds, W. M. (2016) Development, reliability and validity of the Moral Identity Questionnaire. *Personality and Individual Differences*, 97, 120-129.
18. Churchland, P. S. (2015). The neurobiological platform for moral values. *Royal Institute of Philosophy Supplements*, 76, 97-110.
19. Cohen, N. E. (2010) *considering animals: Moral convictions about animals and judgment on the culling of healthy animals in animal disease epidemics* (Vol. Dissertation). Wageningen: Wageningen University.
20. Dahling, J. J., Whitaker, B. G., & Levy, P. E. (2009) The development and validation of a new Machiavellianism scale. *Journal of Management*, 35(2), 219-257.
21. Fraser, D. (1999). Animal ethics and animal welfare science: bridging the two cultures. *Applied Animal Behaviour Science*, 65(3), 171-189.

22. Haidt, J., & Graham, J. (2007). When morality opposes justice: Conservatives have moral intuitions that liberals may not recognize. *Social Justice Research*, 20(1), 98-116.
23. Hazlitt, H. (2003). *Dasar-dasar moralitas*. Yogyakarta: Pustaka Pelajar.
24. Kohlberg, L. (1981). *Essays on moral development: The philosophy of moral development: Moral Stages and the idea of justice*. San Francisco: Harper & Row.
25. Krebs, D. L., & Denton, K. (2005) toward a more pragmatic approach to morality: a critical evaluation of Kohlberg's model. *Psychological Review*, 112(3), 629-649.
26. Parsons, T., & Shils, E. A. (1951). *Toward a general theory of action*. New York: Harper & Row.
27. Pittel, S. M., & Mendelsohn, G. A. (1966). Measurement of moral values: A review and critique. *Psychological Bulletin*, 66(1), 22-35.
28. Schlenker, B. R. (2008) Integrity and character: Implications of principled and expedient ethical ideologies. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 27(10), 1078-1125.
29. Schwartz, S. H. (1968) Words, deeds and the perception of consequences and responsibility in action situations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 10(3), 232-242.
30. Taebi, B., & Kadak, A. C. (2010) Intergenerational considerations affecting the future of nuclear power: Equity as a framework for assessing fuel cycles. *Risk Analysis: An International Journal*, 30(9), 1341-1362.
31. Tahrir, N., Damayanti, F.S., & Royani, I (2020). The role of critical thinking as a mediator variable in the effect of internal locus of control on moral disengagement. *International Journal of Instruction*, 13(1), 17-34.
32. Yang, H., Stoeber, J., & Wang, Y. (2015) Moral perfectionism and moral values, virtues, and judgments: A preliminary investigation. *Personality and Individual Differences*, 75, 229-233.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مواجهه بازاندیشانه با بحران اقتصادی در زندگی روزمره: راهبردها و پیامدها

مجتبی میرزائی (دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

m_mirzaie1990@yahoo.com

غلامرضا صدیق اورعی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

sedighourae@um.ac.ir

مهدی کرمانی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

m-kermani@um.ac.ir

احمدرضا اصغریپور ماسوله (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

asgharpour@um.ac.ir

چکیده

بروز بحران اقتصادی و در کنار آن ظهور پدیده همه‌گیر کرونا و تأثیر آن بر اوضاع اقتصادی، در سال‌های اخیر شرایط اقتصادی نامطلوبی را برای اقشار مختلف جامعه به وجود آورده است. در این شرایط خانوارها نیازمند کنش‌ها و راهبردهایی برای انطباق با شرایط و گذر از این وضعیت هستند. تحقیق حاضر نیز با هدف بررسی همین راهبردها که در شرایطی از نامطلوبیت اقتصادی از سوی خانوارها صورت می‌پذیرد، گام برداشته است. این مطالعه در چهارچوب پارادایم تفسیری و برساخت‌گرا با رویکرد کیفی، تکنیک تحلیل مضمون و ابزار پرسشنامه نیمه‌ساخت‌یافته انجام شده است. افراد بیشتر از ۱۸ سال نمونه تحقیق را تشکیل داده‌اند که برای انتخاب آن‌ها از نمونه‌گیری هدفمند از نوع در دسترس استفاده شده است. معیار ورود به مطالعه نیز سرپرست خانوار بودن نمونه‌ها در نظر گرفته شده است که درنهایت با توجه به قاعده اشباع نظری با ۳۶ نفر مصاحبه شد. نتایج تحقیق نشان داد که راهبردهای مواجهه شهروندان در سه دسته قرار می‌گیرد: بعضی از کنش‌ها

مقاومتی بودند و تنها درصدد کاهش میزان اثرات بحران‌ها بر اقتصاد خانوار و تلاش برای ادامه حیات بودند. برخی کنش‌ها نیز بازیابی‌کننده بودند؛ بدین صورت که خانوارها در صدد حفظ سطح رفاهی خود قبل از بروز بحران‌ها بودند. در اینجا کنش‌های اقتصادی کوتاه‌مدت و ناپایدار بوده است و تأثیر چندانی بر بازیابی اقتصاد خانوار و دفع شوک‌های بحران نداشته‌اند. برخی کنش‌های دیگر نیز در حوزه راهبرد خلاقیت قرار گرفتند. در این راهبرد افراد با استفاده از شرایط هرج و مرج اقتصادی کنش‌هایی نامولد و ناکارا را برای افزایش سهم خود از اقتصاد به کار بردند. در این راهبرد منفعت عمومی نادیده گرفته می‌شود و فقط نفع شخصی مدنظر افراد قرار دارد؛ البته برخی از کنش‌های خلاق مولد با عنوان خلاق بالقوه معرفی شده‌اند که با موانع بسیار در جهت عملی‌شدن روبه‌رو بوده‌اند. در کنار این، نتایج تحقیق همچنین بیانگر اعتقاد شهروندان به تأثیرگذاری محیط و بستر اجتماع بر نحوه راهبردهای اقتصادی مردم بوده است؛ بدین صورت که فقدان بلوغ سیاسی علت ایجاد پیامدهایی چون اقتصاد شکننده، جامعه کم‌عیار و فرهنگ عقلانیت ستیز است؛ شرایطی که نوع راهبردها و کنش‌های اقتصادی خانوار را متأثر کرده است.

کلیدواژه‌ها: بحران اقتصادی، راهبردهای مواجهه، راهبرد مقاومت، فقدان بلوغ سیاسی، راهبرد خلاقیت.

۱. مقدمه

با آغاز دهه اول قرن بیست و یکم، بیشتر کشورهای دنیا شاهد بحران‌های بی‌سابقه اقتصادی، مالی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بوده‌اند (میسرینسکی، ایواسکوویچ و رایلن^۱، ۲۰۱۴؛ کاپور^۲، ۲۰۱۰؛ رینهارت و روگاف^۳، ۲۰۰۹). به‌خصوص در سال‌های بعد از ایجاد بحران مالی ۲۰۰۸، مخاطرات و تغییرات ایجادشده در حوزه اقتصادی بر سایر حوزه‌ها مثل حوزه سیاسی، زیست‌محیطی و به‌ویژه اجتماعی اثرگذار بوده است (گزارش بانک جهانی،

1. Mačerinskienė, Ivaškevičiūtė & Railienė

2. Kapoor

3. Reinhart & Rogoff

۲۰۱۰، ص. ۳). فقر، تورم افسارگسيخته، بيکاري هاي گسترده، محروميت هاي اقتصادي و افزايش سرسام آور هزينه هاي زندگي از جمله پيامدهاي بحران هاي مالي اخير هستند که هريک بر زندگي افراد جامعه تأثير گذاشته است (ايزدي، ۱۳۸۷؛ فليکس^۱، ۲۰۱۱). پيامدهاي که در طول يکي دو سال اخير و با ظهور پديده همه گير کرونا به مراتب از تأثيرپذيري بيشتري برخوردار شده اند. ظهور بحران کرونا به طور روشن به جنبه اقتصادي زندگي اجتماعي نيز حمله کرده و وضعيت افراد بسياري را براي زيستن و تأمين معاش زندگي را با مشکل مواجه کرده است. تأثيرگذاري اين بحران ها (اعم از بحران مالي و بحران کرونا) در ايران نيز شرايط متفاوتي را براي مردم فراهم آورده است. درباره ايران بايد عنوان کرد که اين کشور به لحاظ نوع ارتباطاتي که با دنياي خارج دارد، به ويژه در حوزه اقتصادي، از تنش ها و بحران هاي اخير ايجاد شده در دنيا تأثير پذيرفته است. به علاوه، ايران به دنبال تحريم هاي صورت گرفته از سوي دولت آمريکا و فشار اين دولت بر ساير سازمان هاي بين المللي براي تحريم بيشتري، شرايط دشوارتري را تجربه مي کند. افزايش تورم، کاهش نرخ رشد اقتصادي، افزايش شديد نرخ ارز، خروج سرمايه، افزايش بيکاري به دليل ورشکستگي و تعطيلي بنگاه هاي اقتصادي، افت توليد، کاهش قدرت خريد مردم، افزايش قيمت بنزين و کالاهاي ضروري، مشکلات و موانع تأمين دارو و نهاده هاي اوليه براي توليد کالاهاي ضروري و... (بانک مرکزي، ۱۳۹۸) از مهم ترين مشکلاتي بوده است که بر مردم تحميل شده و بر معيشت و زندگي اجتماعي آنان تأثير گذاشته است. از طرفي ديگر، در کنار تهديد هاي اقتصادي و فشارهاي معيشتي، بروز بحران جهاني و همه گير کرونا نيز شرايط را بيش از پيش پيچيده تر و بغرنج تر کرده است. به دنبال اين مسائل، داده هاي مرکز آمار در سال ۱۳۹۸، افزايش شکاف بين درآمد و هزينه در بين خانوارهاي شهري و روستايي و درنتيجه مشکلات در تأمين معيشت را نشان مي دهد. اين پيامدها مردم را ملزم به ارائه پاسخ ها و راهکارهايي براي ادامه روند زندگي و برون رفت از شرايط بحراني و وضعيت نامطلوب مي کند. راهکارهايي در

سطوح خرد که مطالعه آن‌ها و بررسی این نوع از کنش‌ها و نحوه تصمیم‌گیری‌ها در این شرایط، روند مدیریت بحران برای سال‌های آتی را متأثر خواهد کرد.

بنابراین شکل ساده پژوهش حاضر، بر این اساس صورت‌بندی می‌شود که کنش‌های اقتصادی مردم و راهبردهای آن‌ها برای برون‌رفت از شرایط حال حاضر جامعه چیست؟ و این کنش‌ها و راهبردها متأثر از چه شرایط و زمینه اجتماعی برخاسته است؟

نکته درخور توجه اینکه مطالعه کنش‌های اقتصادی افراد و خانواده‌ها امری است که بسیار کم در مطالعات اندیشمندان مختلف اجتماعی و اقتصادی پیدا می‌شود؛ چراکه در اکثر مطالعات دیدگاه‌های کلان نگر و ساختاری غلبه داشته است (به‌عنوان مثال مراجعه شود به دی‌گرایو^۱، ۲۰۱۰؛ دلاپورتا^۲، ۲۰۱۲؛ گاردو و رینر^۳، ۲۰۱۰؛ نیوتون^۴، ۲۰۰۱؛ خاویر^۵، ۲۰۱۳؛ پاول^۶، ۲۰۱۲). همین جریان در مطالعات مربوط به ایران نیز مشاهده‌شدنی است. بیشتر مطالعات به ساختارهای سیاسی و اقتصادی کلان توجه داشته‌اند و کمتر توجهی را به عاملان اجتماعی می‌توان دید (به‌عنوان مثال مراجعه شود به رضایی، ۱۳۹۷؛ خضری، ۱۳۸۷؛ احمدزاده، حیدری و ذوالفقاری، ۱۳۹۱؛ شیخیانی و موسوی، ۱۳۹۱). در مطالعات مربوط به ایران نیز بیشتر بر سیاست‌های اتخاذشده در سالیان دراز و وابستگی و تک‌محصولی بودن اقتصاد کشور تأکید شده است؛ اینکه تا چه حد اتکا به درآمدهای ناشی از فروش نفت و مشتقات آن توانسته روند توسعه و تولید را در کشور تحت‌تأثیر خود قرار دهد؛ ازاین‌رو سطوح خرد کمتر توجهی را به خود جلب کرده است. در سطح خرد تنها می‌توان به تحقیق میرزایی، صدیق‌اورعی، کرمانی و اصغریور (۱۴۰۰) اشاره کرد که با مطالعه‌ای فراترکیب راهبردهای انطباق با بحران‌های اقتصادی را در دو سطح خرد و کلان مشخص کرده است.

-
1. Paul De Grauwe
 2. Donatella Della Porta
 3. Sandro Gardo & Martin Reiner
 4. Kenneth Newton
 5. Javier Polavieja
 6. Charles Powell

مطابق با اين تحقيق، در سطح خرد رايج ترين راهبردهاي خانوار براي مقابله با بحران، کاهش هزينه‌هاي مصرفي خانوار، تنوع معيشتي و درخواست کمک از شبکه‌هاي اجتماعي و مدني و در نهايت مهاجرت بوده است.

۲. چارچوب نظري تحقيق

امروزه مسئله‌اي که بيش از هر چيز اذهان را به خود مشغول کرده است، رابطه‌ي ميان مناسبات نظام اقتصاد و محيط اجتماعي است؛ اين در حالي است که در دهه‌هاي ۵۰ و ۶۰ از آن غفلت شد. اين غفلت عمدتاً از نوع نگاه اقتصاد کلاسيک به انسان اقتصادي و روابط و مناسبات انسان‌ها و روابط نهادهاي اجتماعي ناشي مي‌شد؛ زيرا در اقتصاد کلاسيک بازار، به انسان‌ها همچون «ذره» يا «اتم» نگريسته مي‌شد و حداکثر روابط آن‌ها به دادوستد اقتصادي محدود مي‌شد؛ البته اقتصاد مارکسيستي نيز تنها توانست آن را تا سطح رابطه کارگر و سرمايه‌دار و رابطه مالکيتي ارتقا دهد، ولي اساساً به ساير روابط اجتماعي مؤثر بر عملکرد اقتصادي و تأثير و تأثر نهادها کم‌توجهي مي‌شد. از دهه ۱۹۷۰ به بعد، به‌ويژه در دو دهه پاياني قرن بيستم، عمدتاً اقتصاددانان نهادگرا و جامعه‌شناسان اقتصادي اين بحث‌ها را زنده کردند و پرورش دادند و به روابط بين حوزه اقتصادي و اجتماعي توجه نشان دادند (ولي‌زاد، احمدش و ساعي ارسى، ۱۳۹۷)؛ از همين رو، در اين تحقيق براي بررسي کنش اقتصادي مردم در شرايط نبود اطمينان اقتصادي، از نظريه‌هايي استفاده شده است که به‌رغم توجه به مناسبات اقتصادي، محيط اجتماعي و فرهنگي را نيز به‌عنوان يکي از مهم‌ترين عوامل تأثيرگذار بر عملکرد اقتصادي مدنظر قرار داده باشند. براي اين منظور، گذري مختصر به نظريه‌هاي نهادگرایی، کارآفريني و نظريه‌هاي حوزه جامعه‌شناسي اقتصادي صورت گرفته است.

در چهارچوب مربوط به نظريه‌هاي نهادگرایی بر مدل‌هاي ذهني افراد براي تفسير جهان اطراف تأکيد شده است. در اين دیدگاه براي تجزيه و تحليل کنش کنشگران اقتصادي به فرد

به عنوان یک وجود فردی نگاه نمی شود؛ بلکه در آن کنش فرد را در ارتباط با فرایند تغییر نهادی و جمعی بودن عمل تحلیل می کنند. این چهارچوب اهداف و ترجیحات فردی را به عنوان وسیله و محرک کنش های اقتصادی فرد قلمداد می کند، اما به این امر نیز توجه دارد که فرد را نباید امری ثابت و متعین در نظر گرفت. در تحلیل های اقتصادی این چهارچوب، فرد هم تولیدکننده هم عامل تغییر شرایط و هم محصول شرایط است (کسمائی، ۱۳۹۷؛ متوسلی و احقاقی، ۱۳۹۱؛ نورث^۱، ۲۰۰۵؛ دیویی، ۱۹۷۷؛ جواس، ۱۹۹۶).

در چهارچوب نظریه های مربوط به کارآفرینی درباره تحلیل کنش های اقتصادی در شرایط نبود اطمینان و ناکارایی اقتصادی، بیشتر به ظهور کارآفرینی های نابهره ور و نامولد تأکید شده است. در اینجا فرد صرفاً به دنبال مطلوبیت شخصی خود است و برای کلیت اقتصاد منفعت ندارد. در این چهارچوب حتی بر تمایل به انجام دادن اقدامات غیرقانونی تأکید شده است؛ بدین صورت که چنانچه در این شرایط منافع درگیری در این نوع فعالیت ها بر هزینه های آن پیشی بگیرد، گرایش افراد به سمت کارآفرینی مخرب بیشتر خواهد شد. در نهایت اینکه این چهارچوب مطرح می کند در زمان ناکارایی اقتصادی امکان گرایش افراد به کارآفرینی بیشتر می شود، ولی از نوع مخرب و نامولد آن (هنرکسون، ۲۰۰۷؛ زبیری، ۱۳۹۵؛ اسکات شین و ون کاترمن^۲، ۲۰۰۰؛ هولکامب^۳، ۲۰۰۳؛ دیو، ساراسوتی، ولاموری و ون کاترمن^۴، ۲۰۰۳).

در حوزه جامعه شناسی نیز نظریه های متفاوتی در این زمینه مطرح شده است؛ از نظریه کنش وبر که به سنخ بندی انواع کنش می پردازد گرفته است تا مباحث مطرح شده در نظریه های انتخاب عقلانی، حکم شدگی گرانووتر و پولانی و ساختارگرایی تکوینی بوردیو. هرکدام از این نظریه ها به طور متفاوتی درصدد تحلیل کنش های انسانی برآمده اند. وبر، فرد

1. North

2. scott shane & venkataraman

3. Holcombe

4. Dew, Sarasvathy, Velamuri & Venkataraman

انساني و کنش يا عمل وي را به عنوان پايه اساسي مطالعات خود قرار داده و انواع مختلفي را براي آن تعريف کرده است. او با ايجاد ارتباط بين نظريه اقتصادي و جامعه شناسي، کنش اقتصادي را تعريف کرده است و معتقد است که ارضاي ميل به مطلوبيت سبب رخ دادن کنش اقتصادي مي شود. وي جنبه اجتماعي کنش اقتصادي را با مفهوم انحصاري کردن فرصت ها نشان مي دهد؛ اينکه دستيابي فردي به فرصت، ديگران را از آن محروم مي کند؛ بنابر اين در بررسي کنش اقتصادي بايد عوامل بيروني نيز مدنظر باشد (اشرف، ۱۳۵۷؛ سوئدبرگ، ۱۳۹۶). تئوري انتخاب عقلاني نيز کنش افراد را با دو عامل ترجيحات و محدوديت ها بررسي مي کند و تاکيد دارد که در بررسي کنش افراد در کنار توجه به اولويت هاي فردي، عوامل خارج از فرد يا عوامل بيروني نيز حائز اهميت است، اما تاکيد اين تئوري بر يک رويکرد عقلاني صرف يا عقلانيت ابزاري است که البته سايمون با طرح عقلانيت محدود آن را به عقلانيت اجتماعي تغيير داد و نقش محيط در نوع کنش افراد را روشن تر کرد (ماتياس و استفان، ۲۰۱۵؛ جيگرنزر و سلتن^۱، ۲۰۰۱؛ رناني و همکاران، ۱۳۹۵).

پولاني و گرانووتر نيز با طرح مفاهيم حک شدگي و فک شدگي، سعي در نشان دادن ارتباط بين عمل اقتصادي و ساختار اجتماعي داشته اند. پولاني با نگاه تاريخي خود به دنبال نشان دادن اين مطلب است که حوزه اقتصادي افراد با حوزه اجتماعي آنها ارتباط نزديک دارد؛ به طوري که هر کدام ديگري را متأثر از خود مي کند (فاس فلد، ۱۹۹۳؛ مالجو، ۱۳۸۵). گرانووتر نيز در جهتي متفاوت از پولاني قدم برداشته و به دنبال تکميل ايده وي بوده است. او معتقد است کنشگران به عنوان افراد اتميزه و منفرد، جدا از زمينه هاي اجتماعي رفتار نمي کنند يا تصميم نمي گيرند. آنان همچنين کورکورانه از تجويزهايي پيروي نمي کنند که توسط گروه بندي هاي اجتماعي شان براي آنها نگاشته شده است؛ بلکه تلاش هاي آنها براي کنش هاي هدفمند، در نظام در حال جريان روابط اجتماعي حک شده است (گرانووتر، ۱۹۸۵).

بورديو نیز برای تحلیل کنش با طرح نظریه ساختارگرایی تکوینی و تولید مفاهیمی چون میدان، عادتواره، سرمایه‌ها، ذائقه و خلق‌وخوی، تأثیرپذیری کنش افراد را از محیط اجتماعی نشان می‌دهد. از دید بورديو، در میدان‌های اجتماعی کنشگران به رقابت برای کسب سرمایه‌های متنوع می‌پردازند. به اعتقاد او به میزانی که سرمایه بین کنشگران اجتماعی به صورت متفاوت تقسیم شود، تفاوت و تمایز نیز بین آن‌ها روی خواهد داد. بورديو نشان می‌دهد که می‌توان از رهگذر سلائق و ذائقه افراد که تحت تأثیر میزان سرمایه‌های دریافتی از میدان است، تفاوت در کنش‌ها و موضع‌گیری‌های افراد را تحلیل کرد. او ادعا می‌کند فضایی که در آن با توجه به امکانات موجود سلیقه یا عادتواره‌ها را ایجاد می‌کند، به فضای موضع‌گیری و کنش قابل ترجمه است؛ بنابراین به‌ازای هر سطح از موقعیت‌ها، سطحی از عادتواره‌ها (یا سلیقه‌ها) وجود دارد که بر اثر شرایط اجتماعی مناسب با آن به وجود می‌آید و توسط این عادتواره‌ها نیز مجموعه‌ای انتظام‌یافته از خصلت‌ها و ثروت‌ها به وجود می‌آید که کنش افراد را نیز هدایت می‌کند (بورديو، ۱۹۸۴؛ هوانگ، ۲۰۱۹؛ سوئدبرگ، ۲۰۰۹؛ بورديو، ۲۰۰۵؛ گرنفل، ۱۳۸۹).

در جمع‌بندی نظریه‌های بحث‌شده باید عنوان کرد که در این نظریه‌ها تأکید بر نقش محیط و نهادهای مختلف به‌عنوان متغیری مستقل در شکل‌دادن به روندها و نتایج کنش‌های فردی و جمعی به‌وضوح دیده می‌شود. در همه این نظریه‌ها تأکید بر این است که تحلیل کنش‌های افراد تنها با تأکید بر افراد، دید و نگاه جامعی را در اختیار قرار نخواهد داد. برای کسب نگاهی کامل‌تر و جامع‌تر نباید از عوامل محیطی و نهادی غافل ماند. تحلیل کنش اقتصادیِ عاملان اقتصادی نیز جدای از این مسئله نیست و مطالعه و بررسی آن و همچنین درک جهت‌گیری‌های متفاوت در آن بین افراد، این مسئله را لازم می‌کند که باید مطالعه‌ای همه‌جانبه‌تر برای درک آن صورت پذیرد؛ از همین روی در تحقیق حاضر، با تأکید بر مفهوم حک‌شدگی و همچنین مفاهیم عادتواره و میدان در نظریه ساختارگرایی بورديو، سعی شده است تا ضمن نشان‌دادن اهمیت محیط اجتماعی افراد در نوع کنش‌های اقتصادی و عملکرد

آنها، سيطره حوزه اقتصادي بر زمينه اجتماعي نيز نمايان شود؛ به عبارتي اين مطالعه بر آن است كه رابطه ديالكتيك و متقابل بين حوزه اقتصادي و حوزه اجتماعي را با نظريه‌هاي مرتبط نشان دهد؛ با اين تأكيد كه در شرايط فعلي در جامعه ايراني مي‌توان مفهوم حك‌شدگي حوزه اقتصادي بر زمينه اجتماعي را بيش از هر زمان ديگر احساس كرد.

۳. روش تحقيق

تحقيق حاضر به لحاظ مباني نظري و معرفت‌شناسي در چهارچوب پارادايم تفسيرى و برساخت‌گرا قرار مي‌گيرد. در اين رويکرد تلاش شده است تا پيامدهاي شرايط نامطلوب اقتصادي و راهبردهاي شهروندان براي مقابله با اين وضعيت با استفاده از روش كيفي كشف و توضيح داده شود. در اين تحقيق براي تحليل داده‌ها نيز از تكنيك تحليل مضمون استفاده شده است. فرايند تحليل مضمون زماني شروع مي‌شود كه تحليلگر به دنبال شناخت الگوهائي از معاني و موضوعات در داده‌ها باشد. نقطه پايان اين فرايند نيز تهيه گزارشي از محتوا و معاني الگوها و مضامين در داده‌هاست (براون و كلارك^۱، ۲۰۰۶).

نمونه تحقيق، ۳۶ نفر از شهروندان بيشتر از ۱۸ سال شهر مشهد بوده‌اند كه در بازه زماني ارديبهشت ماه و خرداد ماه سال ۱۴۰۰ از طريق مصاحبه نيمه‌ساختاريافته مطالعه شدند. براي انتخاب افراد مطالعه‌شده از شيوه نمونه‌گيري هدفمند از نوع در دسترس استفاده شده است. معيار مكمل ورود به مطالعه نيز سرپرست خانوار بودن نمونه‌ها در نظر گرفته شده است. در كنار اين مسئله، در انتخاب نمونه‌ها سعي شده است تا در حد امكان مشاركت‌كنندگان از مناطق و محله‌هاي كم‌برخوردار و پايين شهر و نيز از مناطق و محله‌هاي متوسط و بالاي شهر انتخاب شوند. روند مصاحبه و انتخاب نمونه در اين تحقيق تا زماني ادامه يافت كه ديگر مضمون و مفهوم جديدي از تحليل مصاحبه‌ها به دست نيامد؛ به عبارتي در جمع‌آوري

داده‌ها و انتخاب تعداد نمونه از قاعده اشباع نظری پیروی شده است. ویژگی‌های عمومی مشارکت‌کنندگان در تحقیق در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱- ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق

ردیف	سن	جنس	شغل	ردیف	سن	جنس	شغل
۱	۵۸	مرد	آجیل فروش	۱۳	۴۲	مرد	کارشناس شهرداری
۲	۳۸	مرد	کارمند شرکت جهاد	۱۴	۵۵	مرد	میوه فروش
۳	۳۹	مرد	کاسب محصولات فرهنگی	۱۵	۳۸	مرد	عینک ساز
۴	۲۴	مرد	نظامی و مغازه دار	۱۶	۳۷	مرد	آرایشگر
۵	۶۱	مرد	بازنشسته	۱۷	۴۵	مرد	میوه فروش
۶	۲۷	مرد	مهندس پیمانکار	۱۸	۴۳	مرد	نصاب دوربین
۷	۴۰	مرد	کارگر شهربازی	۱۹	۵۶	مرد	مکانیک
۸	۳۲	زن	ادمین پیج	۲۰	۳۰	مرد	فروشنده پوشاک
۹	۳۶	مرد	کارمند نظامی و لحافدوز	۲۱	۳۵	مرد	نظافت‌چی
۱۰	۴۵	مرد	استاد دانشگاه	۲۲	۴۶	مرد	معلم
۱۱	۴۷	مرد	بنا	۲۳	۳۸	مرد	کارگر ساختمان
۱۲	۳۴	مرد	فعال در حوزه پوشاک	۲۴	۶۴	مرد	بازنشسته

۴. يافته‌هاي تحقيقاتي

با توجه به اصول روش تحليل مضمون، مصاحبه‌هاي انجام‌شده درباره موضوع تحقيقاتي، کدگذاري و تجزيه و تحليل شدند. در اين مراحل، مضامين از مصاحبه‌ها در سه سطح مضامين فراگير، مضامين سازمان‌دهنده و مضامين پايه استخراج شد. نتايج تحقيقاتي بيانگر دو مضمون فراگير، هفت مضمون سازمان‌دهنده و ۳۸ مضمون پايه بوده است. اولين مضمون فراگير استخراج‌شده در تحقيقات حاضر، مضمون ساختار توسعه‌گريز بوده است. اين مضمون چهار مضمون سازمان‌دهنده و ۲۱ مضمون پايه دارد.

جدول ۲- تحليل مضمون مربوط به مضمون فراگير ساختار توسعه‌گريز

مضامين فراگير	مضامين سازمان‌دهنده	مضامين پايه
ساختار توسعه‌گريز	علت	فقدان بلوغ سياسي
		انباشت ناکارآمدی نهادی
		ضعف بروکراسی
		رواج هنجارگریزی در قانون
		تأثیرگذاری تحریم
		رفتار انتخاباتی نادرست
	اقتصاد شکننده	کوچک‌شدن سفره
		اقتصاد زخمی
		اقتصاد بقا
		اقتصاد ضد توسعه
		کرونا
پیامد	جامعه کم‌عيار	سرشدگی اجتماعی
		ناامیدی اجتماعی
		بی‌اعتمادی اجتماعی
		نارضایتی عمومی
		کاهش انتظارات اجتماعی
		کیفیت زندگی

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
	فرهنگ عقلانیت ستیز	فرسایش شأن شغلی
		بازدارندگی دین
		تقلیدگرایی هیجانی
		اتمیزه شدن فرهنگ
		فروپاشی اخلاق اجتماعی

۴. ۱. ساختار توسعه‌گریز

ساختار توسعه‌گریز یکی از مهم‌ترین مضامین احصاء‌شده در تحقیق حاضر است. این مضمون نگاهی کلی از مردم و شهروندان را درباره بخشی از نهادهایی چون سیاست، اقتصاد، وضعیت اجتماعی و وضعیت فرهنگی ارائه می‌دهد. آنچه از مصاحبه با افراد نمونه تحقیق به دست آمده است، بیانگر این موضوع است که ساختار غالب کنونی در جامعه ما، به تصور شهروندان قادر به فراهم کردن شرایط توسعه نیست. جامعه در بخش‌هایی از این نهادها دچار کاستی‌ها و مشکلاتی است که هم‌زمانی آن‌ها با وضعیت نامطلوب اقتصادی حاکم بر جامعه، شرایط را برای حرکتی رو به جلو هم در سطوح کلان و هم در سطوح خرد مشکل کرده است. مضمون ساختار توسعه‌گریز بیانگر همین مطلب است که شرایط برای بهبود و افزایش عملکرد جامعه در لایه‌های مختلف آن وجود ندارد.

در ادامه مضامین سازمان‌دهنده مرتبط با مضمون فراگیر ساختار توسعه‌گریز بررسی شده است.

۴. ۱. ۱. فقدان بلوغ سیاسی

در پژوهش حاضر نخستین مضمون سازمان‌دهنده، مضمون فقدان بلوغ سیاسی بوده است. تجزیه و تحلیل مجموعه برداشت‌های شهروندان از چپستی و چرایی راهبردهای کنشی آن‌ها در شرایط بحرانی نشان می‌دهد که برای شهروندان، مضمون امر سیاسی (فقدان بلوغ سیاسی) در شکل‌دهی به نوع و نحوه کنشگری آن‌ها، بالاترین وجه اهمیت را دارد؛ بر همین

اساس است که در روايت بسياري از آنها، مضامين پايه‌اي نظير انباشت ناکارآمدی نهادی، ضعف بروکراسی، رواج هنجارگريزي در قانون، رفتار انتخاباتي نادرست و تأثير تحریم، محصول مستقيم فقدان بلوغ سياسي در شرايط فعلي است. به‌طور مشخص از نظر شهروندان، بخشي از کنشگري اقتصادي آنها به علت مناسبات موجود در یک نظام سياسي نابالغ است؛ يعني الگوي رفتاري شهروندان در اين برهه از زمان، بيشتري واکنش در برابر کنشگري مضمون سياست بوده است.

اين امر به‌ويژه در دو مضمون پايه شامل تأثير گذاري تحریم و ناکارآمدی نهادي بيش از ساير مضمون‌هاي پايه خود را به شکل بديهي نمايان کرده است. معنای آن از ديدگاه مخاطبان اين است که به دليل فقدان بلوغ سياسي، در مواجهه با مضامين پايه‌اي نظير تحریم، ناکارآمدی نهادي، ضعف بروکراسي يا ديوان‌سالاري تصميم‌هاي مناسب گرفته نشده است؛ براي نمونه يکي از شهروندان در اين باره تأکيد مي‌کند که مهم‌ترين مشکل کشور ايران ناکارآمدی مديريتي است:

«در حال حاضر بزرگ‌ترين مشکل مردم ما ناکارآمدی مديريتي است. اگر مديريت وجود داشته باشد، با کم‌ترين منابع مي‌توان بيشتريين بازدهي را به دست آورد. در ايران اما منابع زيادي وجود دارد که بر اثر بي‌تدبيري و ناکارآمدی استفاده مناسب از آنها نشده است و باعث ايجاد شرايط کنوني شده است».

شهروندی ديگر مي‌گويد:

«نگاه اونيورآبي دولت‌مردان نيز از ناکارآمدی آنان نشئت مي‌گيرد؛ اينکه دائماً به دنبال بهبود مسئله‌اي از سمت خارج از کشور باشيم تا بتوانيم شرايط داخلي را مناسب‌تر کنيم، چيزي را درست نخواهد کرد».

يا ديگري مطرح مي‌کند:

«مسئولين مي‌بايد در مديريت خود کارآمدتر باشند و فکري به حال مردم کنند؛ زيرا اوضاع مردم بسيار وخيم است و از نظر معيشتي در مضيقه هستند و بايد به فکر راه چاره‌اي

باشند. درآمد ها نسبت به تورم خیلی پایین آمده و درآمدها به هیچ وجه پاسخگوی تورم نیست و هر روز همه چی گران تر می شود. مردم ناامید شده اند. مسئولان باید چاره ای برای حل این اوضاع پیدا کنند».

بنابراین از دیدگاه مردم پیداست که ناکارآمدی مسئولان و انباشت ناکارآمدی یکی از اصلی ترین علل ایجاد شرایط کنونی شناخته شده است که در قالب مضمون فقدان بلوغ سیاسی نشان داده شده است. رفع فقدان بلوغ سیاسی و حل و فصل این مشکل در کنار توجه به مسئله انباشت ناکارآمدی نهادی نیازمند توجه به ضعف بروکراسی، هنجارگریزی در قانون، بحث تحریم و حتی رفتار انتخاباتی نادرست از سوی مردم است.

۴. ۱. ۲. اقتصاد شکننده

دومین مضمون سازمان دهنده مرتبط با ساختار توسعه گریز، امری اقتصادی با عنوان مضمون اقتصاد شکننده است. بی گمان، مهم ترین حوزه ای که تحت تأثیر زمینه سیاسی یک جامعه قرار دارد و به سرعت نتیجه تغییرات و فقدان بلوغ در امر سیاسی در آن نمایان می شود، حوزه اقتصادی آن جامعه است.

تجزیه و تحلیل مجموعه برداشت های شهروندان از این مضمون نشان می دهد که اقتصاد شکننده در جامعه کنونی با مضامین پایه ای چون کوچک شدن سفره مردم، اقتصاد زخمی، اقتصاد بقا، اقتصاد ضد توسعه و همچنین تأثیرگذاری کرونا مشخص شده است.

کوچک شدن سفره خانوار که خود نتیجه کاهش قدرت خرید و افزایش تورم و رکود بوده است، باعث شکل گیری اقتصادی زخمی و ناتوان در زندگی مردم شده است؛ امری که مسبب اتخاذ کنش های اقتصادی نه چندان توسعه زا از سوی مردم شده است. در شرایط کنونی آنچه بیشتر در سطوح اقتصادی خرد اجتماعی دیده می شود، انتخاب اقتصاد بقا یا اقتصاد روزمرگی و معیشتی به عنوان راهبردی برای تأمین نیازهای زندگی است. در این خصوص شهروندی روایت می کند:

«در اين شرايط الان در كسب و كار مون و كاسبى هامون دچار درجاذدگى شديم. الان طوري هستيم كه تمام تلاشمون به اندازه روزمرگيمون هست. اگر ما الان هزينه هاى زندگى مون در بياد خدا را شكر مي كنيم. تورم هزار برابر شده و كاسبى هاى ما هم در جا زدن».

يا شهروندى ديگر درباره راهبردى اقتصادى مردم عنوان مي كند:

«مردم بندگان خدا با توجه به فشارى كه روشونه، ديگه كارى نمى تونن انجام بدن. صبح تا شب كار مي كنن و كل ذكر و خيرشون اين شده كه فقط در بيارن و شب هم سر سیر رو بالشت بدارند».

اتخاذ چنين راهبردهاى كنشى با ظهور پديده کرونا و تحت تأثير قراردادن فعاليت هاى اقتصادى بيش از پيش در سطوح خرد جامعه گسترش پيدا كرد؛ امرى كه در نهايت باعث كاهش سرمايه گذارى، كاهش پس انداز و در نهايت كاهش قدرت اقتصادى در جامعه شده است. چنين جامعه اى با اقتصادى ضد توسعه مواجه است كه پيش شرط هاى ابتدايى براى توسعه اقتصادى در آن رعايت نشده است يا مردم توان حركت به سوى ايجاد اين پيش شرط ها را ندارند. در همين باره شهروندى روايت مي كند:

«من خودم امسال نتونستم پس انداز كنم. غير از اونم كلاً تو اين چندين سال هم همين طور چيزى نميشه به اون صورت پس انداز كرد؛ نه اينكه نخوام پس انداز كنم، بلكه هيچ موقع نتونستم؛ چون درآمد آنچنان بالايى ندارم. همين كه فعلاً اموراتم گذشته، گفتم خدا رو شكر دستت درد نكنه».

يا شهروندى ديگرى با جملاتى کوتاه وضعيت خود و ساير مردم را اين گونه توصيف مي كند:

«مردم الان دارند دست و پا مي زنند. هر كس الان به فكر نجات خودش. مردم فقط به فكر اين اند كه نون شبشون رو در بيارند و غير از اين كارى نمى تونند بكنند».

۴. ۱. ۳. جامعه کم‌عیار

مضمون جامعه کم‌عیار^۱ به جامعه‌ای اشاره دارد که در آن اصول اجتماعی مورد نیاز برای یک زندگی طبیعی وجود نداشته باشد یا موجودیت این اصول زیر سؤال رفته باشد. در چنین جامعه‌ای به دلیل افزایش مشکلات اقتصادی، کیفیت زندگی افراد و استانداردهای آن کاهش پیدا می‌کند. ناامیدی و بی‌اعتمادی در سطح جامعه گسترش می‌یابد و مشاغل پست و کم‌بازده به راهی برای تأمین مخارج روزانه تبدیل می‌شوند. چنین جامعه‌ای با چنین شرایطی نارضایتی عمومی و کاهش آستانه تحمل مردم را در پی دارد که البته به واسطه نبود شرایط مطالبه‌گری و رشد نکردن این خصیصه اجتماعی، حالتی از سرشدگی در بین مردم روی خواهد داد؛ حالتی که در آن همبستگی بین مردم کم است و بی‌تفاوتی و بی‌انگیزگی اجتماعی افزایش می‌یابد.

روایت شهروندان تصویر روشن‌تری از این پدیده را نشان می‌دهد. یکی از مصاحبه‌شوندگان از همه‌گیری ناامیدی اجتماعی سخن می‌گوید:

«مشکلات زیادی برای مردم از نظر مالی و اقتصادی وجود دارد و وضعیت بسیار وخیم است. اغلب افراد ناامیدند و من هم گمان نمی‌کنم که وضعیت رو به بهبود باشد. اقلام خوراکی و... روز به روز در حال گران‌تر شدن است و این مسئله معلوم نیست که حل شود». یا شهروند دیگری عنوان می‌کند:

«فکر می‌کنم الآن کسی تحمل این وضعیت را نداشته باشد، ولی خب به هر حال جوریه که چاره‌ای ندارند و مجبورند کنار بیان. چرا چاره‌ای ندارند؟ چون حرفشون اصلاً به جایی و به مسئولان نمی‌رسد و جوری نیست که کسی بخواد براشون پیگیر باشه. مردم مجبورند کنار بیان».

۱. این مفهوم برگرفته از ایده مفهومی دکتر غلامرضا صدیق‌اورعی است که در پژوهش‌های مختلفی در باب آن تأملاتی شده و گزارش شده است؛ برای نمونه به باقری، صدیق‌اورعی و فرزانه (۱۳۹۹) و باقری، صدیق‌اورعی و یوسفی (۱۳۹۸) مراجعه شود.

شهروندی نیز به نحوه کسب مخارج روزانه اشاره دارد:

«چون در آدم کفاف زندگیمو نمی ده، الآن کارهای خرده ریزه هم انجام می دم. مهم نیست کارش چی باشه. فقط یه پولی دست ما رو بگیره، خرجمون دربیاد». مردم به اتفاقاتی که در سطح جامعه رخ می دهد، حساس نیستند؛ حتی درباره اتفاقاتی که ممکن است بر زندگی روزمره آنها تأثیر بگذارد. چنین شرایطی حالتی از بی تفاوتی اجتماعی را رقم می زند که مردم به سرعت با آن خو می گیرند؛ حالتی که می توان آن را در شرایطی از بحران اقتصادی، انعطاف پذیری نامطلوب و نبود مطالبه گری در شرایط کنونی عنوان کرد. «مردم اصولاً خود را با شرایط سازگار کرده و به راحتی این شرایط را تحمل می کنند و به صورت جدی به شرایط اعتراض نمی کنند. هرچه اتفاق می افتد را می پذیرند».

۴. ۱. ۴. فرهنگ عقلانیت ستیز

این مضمون نیز بیانگر نبود کنشی منطقی در سطح جامعه به شرایط بحران است. کنش های موجود در جامعه از سوی مردم بیشتر سمت و سویی از نبود عقلانیت و تسلط عاملی غیرعقلانی بر آن دارد. از طرفی کنش هایی از جنس تقدیرگرایی و توجیه تحمل فشار به واسطه دین، در سطح جامعه گسترش پیدا کرده و این امر عادی شدن وضعیت و از بین رفتن روحیه انتقادی را در مردم در پی داشته است. در جایی نیز گسترش کنش های توده ای و رفتارهای هیجانی در سطح جامعه دیده می شود که بیانگر نوعی تقلیدگرایی هیجانی است. کنش هایی چون هجوم برای خرید دلار، خرید ماشین، خرید کالاهای مصرفی، عضویت در بورس، تمایل گسترده برای دلالتی گری و... از آن جمله اند. این کنش ها بنا بر ماهیت خود که مبتنی بر بازی های سرجمع صفر پیش برده می شوند، به موازات منافع موردی و مقطعی که به برخی افراد می رسانند، بسیاری از مردم و عاملان اجتماعی را متضرر کرده است. گسترش روحیه فردگرایی و بی توجهی به منافع جمعی و همچنین کاهش اخلاق مندی و اخلاق گرایی در ذیل این مضمون قرار می گیرند که نشان از اتمیزه شدن فرهنگ و فروپاشی اخلاق اجتماعی دارد.

شهروندی می گوید: «تو این وضعیت مردم به خاطر دینشون تحمل می کنند. به خاطر اسلام و آلا صبر مردم تمام شده است».

در اینجا شهروندان تصور می کنند که مطالبه گری و کنش برای مطلوبیت سازی شرایط، امری متضاد و متقابل با دین است؛ تصویری که به شدت مانع از کنش مردم برای مطالبه گری از مسئولان و مدیران برای بهبود شرایط می شود.

شهروند دیگری نیز حجم زیاد مشکلات در زندگی مردم را یکی از دلایل بی توجهی مردم به هم و منافع جمعی می داند. وی مطرح می کند:

«نظرم اینه که مردم همه درگیر کارای خودشون شدن. هر خانواده ای یک مشکلی داره؛ یکی مشکل طلاق داره، یکی مشکل اعتیاد داره، یکی مشکل مسائل سیاسی داره. هر کسی تو خانواده ش یک مشکلی داره و باعث شده که همه به فکر خودشون باشن و به فکر جامعه نباشند».

به عبارتی کنش هایی از این دست که نوعی فردگرایی و خودمحوری را نشان می دهد، از شرایطی ناشی می شود که مردم در آن درگیر هستند. مردم فارغ از این نوع کنش ها قادر به تأمین مایحتاج زندگی خود نخواهند بود. همان طور که شهروندی می گوید:

«آنقدر بار زندگی زیاد شده و شرایط دشوار شده و سخت می گذره که بعضی ها مجبورن به خاطر جبران ضررهای خودشون، به همنوع خودشون ضرر برسونن. این کار مورد قبول نیست، اما حق دارند؛ چون خرج دارند. این ها که کلاه سر مردم نمی ذارن. جامعه مون آنقدر تورم و مشکلات داره که عادی شده».

۴.۲. راهبردهای اقتصادی مردم

در تحقیق حاضر در کنار مطالعه نگرش شهروندان در خصوص شرایطی از بحران و نامطلوبیت اقتصادی که به استخراج مضمون فراگیر ساختار توسعه گریز، در دو گروه (علت: فقدان بلوغ سیاسی و پیامدها: اقتصاد شکننده، جامعه کم عیار و فرهنگ عقلانیت ستیز) انجامید، راهبردهای اقتصادی مردم نیز در ارتباط با نحوه برخورد آنها با چنین شرایطی

بررسي شد. در اين بخش از مطالعه نيز با بررسي مصاحبه‌هاي شهروندان مضامين مختلفي مرتبط با کنش‌هاي اقتصادي مردم احصاء شده است؛ بنابر اين دومين مضمون فراگير استخراج شده در تحقيق حاضر، مضمون راهبردهاي مواجهه بوده است. اين مضمون داراي سه مضمون سازمان‌دهنده و ۱۶ مضمون پايه است.

جدول ۳- تحليل مضمون مربوط به مضمون فراگير راهبردهاي مقابله‌اي

مضامين فراگير	مضامين سازمان‌دهنده	مضامين پايه
راهبردهاي مواجهه	مقاومت	تغيير سبک زندگي
		تغيير سبک مصرف
		استقراض حلقوي
		اولويت درآمد بر منزلت اجتماعي
		بازتنظيم مداوم اولويت‌هاي هزينه‌اي
		قناعت‌ورزي
		خوش‌نشيني
	بازيابي	کسب درآمد بيشتر
		خريد و فروش سرمايه
		استفاده از پس‌انداز
	خلاقيت	احتکار کالا
		دلالي گري و واسطه‌گري
		سرمايه گذاري عجولانه
		تبهکاري مالي اينترنتي
		گسترش شغل
		فرصت يابي درآمدي از فضاي مجازي
	ناکارا	
	بالقوه	

با توجه به وضعیت اجتماعی مردم روشن است که شرایطی از بحران و نامطلوبیت اقتصادی بر توانایی آن‌ها برای برآورد نیازها و تأمین هزینه‌های زندگی تأثیر گذاشته است. در این وضعیت مردم با کاربرد راهبردهای متفاوت، قدم در نوعی بازسازی اقتصادی یا معیشتی گذاشته‌اند. در این مسیر، نوع کنش‌ها در برابر تهدیدهای موجود درخور تأمل است و بررسی آن‌ها نکات مهمی را درباره اوضاع اقتصادی مردم نمایان خواهد کرد. در این بررسی‌ها سه نوع راهبرد مقابله‌ای درباره کنش‌های مردم احصاء شده است که عبارت‌اند از: مقاومت، بازیابی و خلاقیت.

۴. ۲. ۱. مقاومت

مضمون مقاومت در این تحقیق بیانگر این مطلب است که مردم بعد از اینکه بحران و شرایط نامطلوب اقتصادی تأثیراتش را بر زندگی آن‌ها گذاشت، قادر به بازگشت به حالت قبل از بحران نخواهند بود. در این شرایط افراد بیشتر سعی در اداره زندگی به صورت کوتاه‌مدت و چندروزه دارند. در چنین وضعیتی، عده‌ای حتی روزانه هدف‌گذاری می‌کنند و هدف‌گذاری آن‌ها بیشتر از تأمین مایحتاج ضروری زندگی‌شان نیست.

شهروندی می‌گوید: «شرایط قبلاً خیلی بهتر بود اما الآن برای تأمین مایحتاج زندگی در مضیقه‌ایم». یا دیگری می‌گوید: «در این وضعیت فقط می‌توانم مخارج روزمره‌ام را تأمین کنم و مجبورم بسیاری از چیزها را هم از اقلام خانواده حذف کنم. دیگر وام هم نمی‌توانم بگیرم؛ چون قدرت قسط‌دادن هم ندارم».

راهبرد مقابله با تهدید و شرایط نامطلوب در قالب تغییر سبک زندگی (حذف تفریح، سعی در تأمین معیشت روزانه، کاهش خرید پوشاک و هزینه پزشکی و...)، تغییر سبک مصرف خانوار (حذف میوه‌جات، استفاده از کالاهای بی کیفیت و ارزان و...)، استقراض حلقوی^۱، اولویت درآمد بر منزلت اجتماعی (صف‌نشینی، انجام‌دادن کارهای پست و

۱. در استقراض حلقوی افراد برای تأمین نیاز خود و پرداخت اقساط و بدهی خود، مجبور به قرض و وام‌گرفتن از بانک و اطرافیان می‌شوند. این امر تنها به افزایش مبلغ بدهی و تغییر طرف طلبکار منجر می‌شود.

کم‌بازده، انجام‌دادن کار خانگی و...)، بازتنظیم مداوم اولویت‌های هزینه‌ای (قراردادن هزینه فرزندان و زن به‌عنوان اولویت اول، کاهش سطح توقعات، حذف نیاز سرپرست خانوار و...)، قناعت‌ورزی و خوش‌نشینی^۱ نمایان شده است. در توضیح این مسئله باید گفت که شرایط مالی و اقتصادی مردم آنقدر ضعیف شده است که کمتر کسی در این شرایط توان حفظ شرایط گذشته خود قبل از وضعیت نامطلوب اقتصادی جامعه را دارد. همین امر افراد را به‌سوی راهبرد مقاومت در برابر شرایط سوق داده است که مطابق آن مردم مجبورند که برای تأمین نیازهای خود از کیفیت و حتی کمیت نیازهای خود بکاهند. این نوع از کنش اقتصادی مردم برای عبور از بحران، صرفاً کنشی برای تأمین نیازهای معیشتی روزانه است؛ به‌عبارتی، دیگر راهبرد مقاومت، راهبردی برای بقای افراد است. در این راهبرد، بیشتر تأکید بر رفع نیازهای ضروری است. گفتنی است که در این راهبرد سرپرستان خانوار بیش از سایر اعضای خانواده از نیازها و خواسته‌های خود دست می‌کشند.

۴.۲.۲. بازیابی

راهبرد بازیابی به توانایی مردم در عبور از شرایط حاضر اشاره دارد. این راهبرد به این مفهوم است که بعد از ظهور شرایطی از نامطلوبی اقتصادی، افراد جامعه درصدد این برمی‌آیند تا به سطح رفاهی خود، قبل از شرایط نامطلوب بازگردند. در جامعه بررسی شده، شهروندان از طریق کسب درآمد بیشتر، خرید و فروش سرمایه و استفاده از پس‌انداز، به‌دنبال حفظ شرایط خود حتی با وجود وضعیت نامطلوب اقتصادی جامعه هستند؛ بدین صورت که افراد برای کسب درآمد بیشتر، انجام‌دادن کارهای نیمه‌وقت در کنار شغل اصلی، افزایش ساعات کاری و حتی اتکا به نیروی مالی سرپرست دیگر را نیز مدنظر داشته‌اند. خرید و فروش سرمایه در این افراد نیز در زمینه خرید و فروش طلا (که عموماً با ضرر همراه بوده

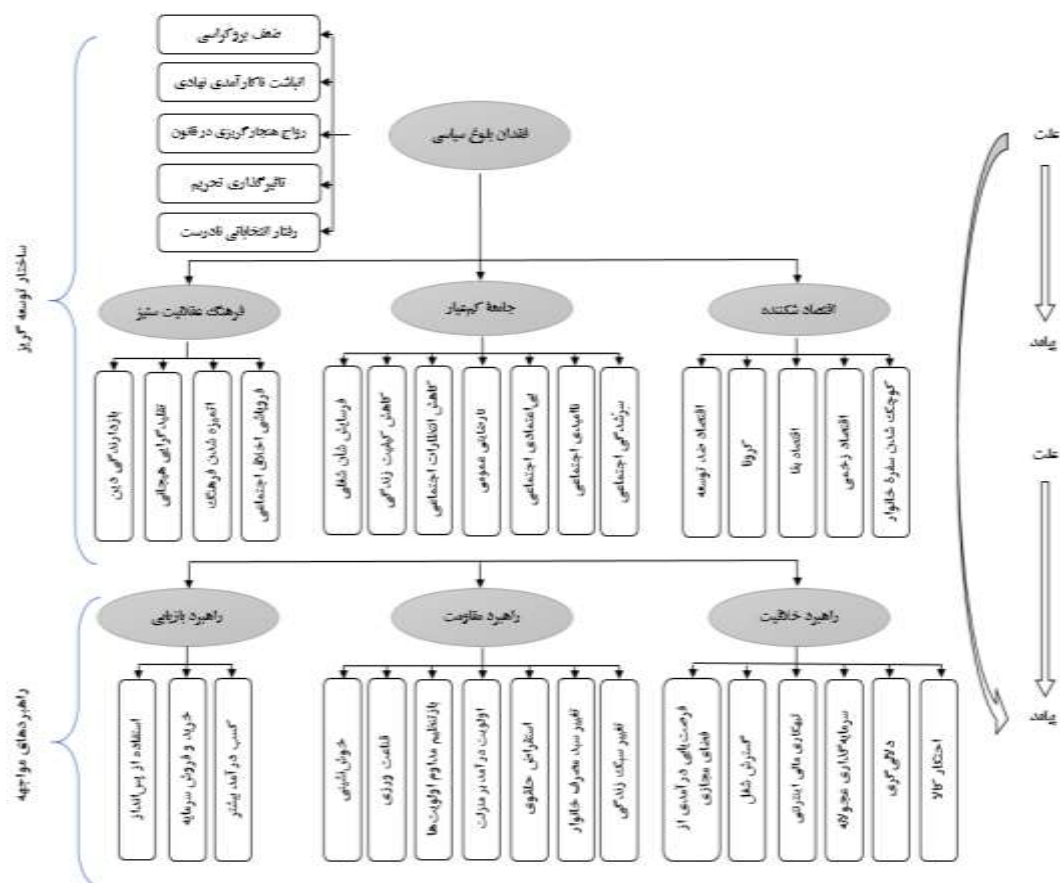
۱. خوش‌نشینان افرادی هستند که تحت تأثیر شرایط کاملاً از تلاش برای تأمین مایحتاج نیز دست کشیده‌اند و همیشه در انتظار اتفاقی هستند که مایحتاج آن‌ها نیز تأمین شود؛ مثل عده زیادی از افراد جامعه که به امید دریافت یارانه نقدی زندگی می‌کنند. این افراد انتظارات خودشان را نیز تا همان سطح پایین آورده‌اند.

است) و همچنین ملک بوده است؛ امری که بیشتر برای تأمین مخارج یا پرداخت بدهی روی می‌دهد. گفتنی است که نوع کنش افراد برای بازگشت به شرایط خود قبل از بحران و حفظ آن از نوع کنش‌های مالی کوتاه‌مدت بوده است؛ به عبارتی راهبرد بازیابی در جامعه ما یک راهبرد بلندمدت برای عبور از شرایط نامطلوب نیست؛ بلکه کنشی برای درمان‌ماندن از تأثیرات مقطعی شرایط بحرانی است. در این حالت با ادامه شرایط نامطلوب و مصرف پس‌انداز و عواید ناشی از خرید و فروش ملک و طلا، این خانوارها نیز چاره‌ای جز استفاده از راهبرد مقاومت نخواهند داشت؛ بنابراین کنش‌های صورت‌گرفته از سوی افراد در بازیابی اقتصادی خود در بلندمدت چندان مورد اتکا نبوده است و این کنش‌ها با ادامه شرایط نامطلوب اقتصادی، از دایره کنش‌های انجام‌شدنی افراد حذف خواهند شد.

۴.۲.۳. خلاقیت

مضمون سوم درباره راهبردهای مقاومتی، خلاقیت است. در این راهبرد افراد فقط بازگشت به نقطه تعادل اولیه را در نظر ندارند؛ بلکه به دنبال این هستند تا با سازگاری با شرایط جدید، به سطوح بالاتری از عملکرد اقتصادی و مالی برسند. در جامعه بررسی شده در تحقیق حاضر نیز افراد راهکارهای متعددی را برای عبور از شرایط و بهبود وضعیت خود در مقایسه با قبل در نظر داشته‌اند. نکته درخور توجه در این کنش‌ها، نامولد و ناکارابودن آن‌ها برای عموم جامعه است که در جایی نیز همراه با متضررشدن جامعه و فرد بوده است. راهکارهایی چون احتکار کالا (در سطح عمومی و خانگی)، دلالی‌گری، سرمایه‌گذاری‌های عجولانه (غالباً منجر به ضرر) و تبه‌کاری مالی اینترنتی با استفاده از فضای مجازی ازجمله راهبردهای خلاق، اما ناکارای افراد بوده است. در کنار این نوع کنش‌ها، باید از کنش‌های خلاق نارس نیز سخن گفت؛ ازجمله گسترش شغل و فرصت‌یابی درآمدی از فضای مجازی. نکته مهم درباره راهبرد خلاقیت نارس، حمایت‌نشدن از افراد برای شکوفاشدن استعدادهاست. در اینجا افراد تمایل خود را به این نوع از کنش‌ها نشان داده‌اند که غالباً یا با موانع روبه‌رو شده‌اند یا از نبود سازگاری شرایط با موقعیت آن‌ها گله‌مند هستند. این نوع

کنش‌های خلاق به‌عنوان پتانسیلی در درون برخی افراد جامعه وجود دارد و زمانی بالفعل می‌شود که شرایط برای انجام آن‌ها مهیا شود؛ باین‌حال در حال حاضر، مصاحبه‌کنندگان از نبود چنین شرایطی سخن گفته‌اند؛ بنابراین کاربرد راهبرد خلاقیت در جامعه بررسی شده صرفاً نوعی کنش اقتصادی ناکارا است که نه تنها شرایط جامعه را بهبود نمی‌بخشد، بلکه به صرف دستیابی به منافع شخصی، خیر و منفعت عمومی را نیز نادیده گرفته است.



شکل ۱- مدل (نقشه مضمونی) تحقیق

۵. نتیجه گیری

این مطالعه با هدف فهم و شناخت و درنهایت، توضیح راهبردهای اقتصادی مردم در مواجهه با شرایطی از نامطلوبیت اقتصادی انجام شده است. در فرایند اجرا، داده‌ها با شیوه مصاحبه گردآوری شدند و در چهارچوب کدگذاری نظری با استفاده از روش تحلیل مضمون تحلیل شدند. از این طریق معانی و مفاهیم مدنظر شهروندان در قالب دو مضمون فراگیر ساختار توسعه‌گریز و راهبردهای مواجهه که شامل هفت مضمون سازمان‌دهنده بودند، جای داده شدند. مضامین فقدان بلوغ سیاسی، جامعه کم‌عیار، اقتصاد شکننده و فرهنگ عقلانیت‌ستیز مرتبط با مضمون فراگیر ساختار توسعه‌گریز بودند و مضامین راهبرد مقاومت، راهبرد بازبایی و راهبرد خلاقیت نیز در حوزه مضمون فراگیر راهبردهای مواجهه قرار گرفتند.

براساس نتایج احصاء‌شده، داده‌های حاصل از تحقیق نشان دادند که تحلیل نوع راهبردهای مواجهه‌ای مردم نیازمند شناخت محیط و بستر روی‌دادن کنش‌هاست. اول از همه شهروندان به توصیف محیطی اشاره کرده‌اند که زمینه‌ساز کنش‌های آن‌ها بوده است. آن‌ها هم ناکارآمدی نهادی شامل مسئولان ناکارآمد و مسئولیت‌ناپذیر را دیده‌اند و هم از رواج قانون-گریزی و گسترش تحریم‌ها گله‌مندند و هم رفتار انتخاباتی و رفتارهای سیاسی مردم را زیر سؤال می‌برند؛ عواملی که با عنوان فقدان بلوغ سیاسی معرفی شده‌اند. شهروندان این فقدان را به‌عنوان پشت‌صحنه و علت رخدادهای موجود در جامعه معرفی کردند و اصلاح و رفع مشکلات بخش‌های دیگر جامعه را در گرو اصلاح این عوامل می‌دانند.

فقدان بلوغ سیاسی در جامعه بر بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن نیز تأثیر گذاشته است. در حوزه اقتصادی، مردم درباره کوچک‌شدن سفره خود و تلاش برای رفع مایحتاج روزمره صحبت می‌کنند. اقتصاد در سطوح خرد بیش‌ازپیش شکننده شده است و ظهور پدیده کرونا بیش‌ازپیش شرایط را برای مردم دشوارتر کرده است، اما در حوزه اجتماعی با جامعه‌ای کم‌عیار مواجه شده‌ایم که از سرشدگی اجتماعی (بی‌تفاوتی شدید

اجتماعي)، نااميدي اجتماعي، بي‌اعتمادی اجتماعي و نارضائيتي عمومي به شدت رنج مي‌برد؛ عواملی که حضور هرکدام در حوزه اجتماعي یک جامعه مي‌تواند به شدت مخرب و آسیب‌زا باشد.

در حوزه فرهنگي نیز نوعی از امر عقلانیت ستیز رو به رواج گذاشته است که از مهم‌ترین آن‌ها در بین نمونه تحقیق این موارد قابل‌احصاء بود؛ استفاده از دین برای توجیه کنش نبود مطالبه‌گری؛ به این معنی که مطالبه‌گری مردم در اجتماع ممکن است امری ضد دین باشد، تقلیدگرایی هیجانی به معنی گسترش کنش‌های بدون فکر و آموزش، تمیزه‌شدن فرهنگ و گسترش فردگرایی و درنهایت، فروپاشی اخلاقی در جامعه.

اما در تحقیق حاضر در کنار مطالعه نگرش شهروندان درباره شرایطی از بحران و نامطلوبیت اقتصادی، راهبردهای اقتصادی مردم نیز در ارتباط با نحوه برخورد آن‌ها با چنین شرایطی بررسی شده است. نتایج احصاء شده از داده‌های تحقیق نشان از سه نوع راهبرد بازسازی اقتصادی در زندگی مردم دارد. راهبرد غالب در بین مردم، راهبرد مقاومت نامیده شده است. در راهبرد مقاومت صحبتی از هدف‌های بلندمدت اقتصادی و بهبود اقتصادی نیست. در اینجا مردم صرفاً به دنبال تهیه مایحتاج زندگی خود هستند و اقتصادی از نوع بقا دارند. این راهبرد گستره‌ای از کنش‌های اقتصادی کوتاه‌مدت و کاهشی را در بر می‌گیرد. کوتاه‌مدت به معنی پیگیری مایحتاج روزانه و نداشتن برنامه بلندمدت اقتصادی و کاهشی نیز به معنی کم کردن و کاستن از کمیت و کیفیت نیازهای خانوار است. راهبرد بعدی احصاء شده از نتایج، راهبرد بازیابی نامیده شده است. در این راهبرد کنش‌های اقتصادی افراد و خانوارها در سطحی بالاتر از راهبرد مقاومت قرار دارد. در اینجا خانوارها سعی دارند تا سطح رفاهی خود قبل از بحران را نیز در شرایط بحرانی حفظ کنند؛ اما در نمونه مطالعه شده، این امر به وضوح قابل مشاهده بود که کنش‌های اقتصادی در راهبرد بازیابی نیز وجهه‌ای کوتاه‌مدت و ناپایدار داشته‌اند و صرفاً راهبردی برای عبور از شرایطی بحرانی است؛ به عبارتی، ادامه وضعیت نامطلوب اقتصادی در جامعه به مرور به حذف کنش‌های اقتصادی در این راهبرد

می‌انجامد. سومین راهبرد استفاده‌شده نیز راهبرد خلاقیت نامیده می‌شود. ماهیت این راهبرد این است که افراد به‌دنبال استفاده از شرایط موجود در جامعه، خواهان ترقی و پیشرفت مالی خود هستند. در شرایط کنونی جامعه نیز بسیاری به این راهبرد متوسل شده‌اند که البته نوعی خلاقیت نامولد و ناکارا را در جامعه گسترش داده است؛ خلاقیتی که منفعت عمومی نادیده گرفته شده و نفع شخصی در اولویت قرار گرفته است. در قالب این راهبرد، کنش‌هایی چون احتکار کالا در سطوح خرد و کلان، دلالی‌گری و واسطه‌گری، سرمایه‌گذاری‌های عجولانه و غالباً منتج به ضرر و تبه‌کاری‌های مالی اینترنتی صورت می‌گیرند؛ بنابراین نوع خلاقیت نیز در اجتماع از نوع ناکارا و نامولد آن است که در سطح بسیار وسیعی شرایط را برای عده بسیاری از افراد وخیم‌تر کرده است.

به‌طورکلی و با درنظرداشتن آگاهی محققان از سطح برخورداری مشارکت‌کنندگان می‌توان گفت که قاطبه افراد کمتربرخوردار در مواجهه با بحران به سراغ راهبردهای مقاومتی رفته‌اند؛ درحالی‌که مصاحبه‌شوندگانی با سطح برخورداری متوسط بیشتر متمایل به راهبردهای بازبایی بوده‌اند و راهبردهای خلاق نیز مورد اتکای افرادی با سطح برخورداری بالاتر بوده است. در تبیین این نتیجه می‌توان به خصلت ضمنی متمایزکننده راهبردهای احصاء‌شده اشاره کرد که مبتنی بر آن هریک از این راهبردها مشتمل بر درجات متفاوتی از توان ریسک‌پذیری هستند. منابع مادی و ذهنی افراد کمتربرخوردار برای پذیرش ریسک‌های پیش‌رو غالباً در سطح پایین است؛ درنتیجه راهبرد مقاومتی که از حیث ماهیت، خطرپذیری کمتری را طلب می‌کند، بیشتر مورد اتکای این گروه از مصاحبه‌شوندگان بوده است. چنین تفسیری را در ارتباط با دو رهیافت دیگر نیز می‌توان داشت؛ بر این اساس شرایط اقتصادی حد متوسط، سطح بالاتری از ریسک‌پذیری و درنتیجه توان اتخاذ راهبردهای بازبینانه را برای فرد فراهم کرده است و درنهایت این افراد برخوردارتر بودند که از عهده تقبل و پرداخت هزینه ریسک که در راهبرد خلاقانه در بالاترین سطح قرار داشته است، برآمده‌اند. در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که پدیده اقتصادی مطالعه‌شده یعنی الگوی مواجهه با بحران

اقتصادي در زندگي روزمره، به طور مشخص بر پايه ترکيبي از ويژگي هاي اجتماعي، فرهنگي و حتي نظام شخصيتي عاملان اجتماعي، حک شده است؛ از اين روست که مي توان در طبقات اجتماعي-اقتصادي مختلف انعکاس متفاوتي از اين حک شدگي را در قالب راهبردهاي مختلف اتخاذ شده از سوي عاملان اجتماعي مشاهده کرد.

بنابراين با توجه به مطالب ذکر شده بايد عنوان کرد که در شرايط کنوني مردم با تراکمي از آبچالاش ها روبه رو شده اند که از سطوح بالاي جامعه سرازير شده و تا سطوح خرد توزيع شده است. کنش هاي اقتصادي افراد به وضوح متأثر از شرايط جامعه بوده است و وجود ناکارآمدي و نقصان در بخشي از آن، قسمت هاي ديگر را نيز دچار نقصان کرده است. در اين شرايط بايد با تلاش بيشتري و اصلاح بسياري از امور در بخش هاي مختلف اعم از سياسي، اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي، به بهبود وضعيت کمک کرد. نکته ديگر بيان شدني در نتايج اين تحقيق اين است که با اين نوع از کنش هاي اقتصادي نمي توان انتظار توسعه و رشد را از جامعه داشت. ادامه اين شرايط به تدريج جامعه را به سمت زوال سياسي، اجتماعي و فرهنگي خواهد کشاند و رشد اقتصادي را نيز متوقف خواهد کرد؛ بنابراين مقتضي است تا با استفاده از نظر کارشناسان و متخصصان امر، اصلاح امور در دستور کار قرار داده شود و از تراکم بيش از پيش مشکلات و چالاش ها جلوگيري شود؛ زيرا بي توجهي به اين موضوع بدون شک مي تواند روند توسعه کشور را چندين سال به عقب اندازد؛ امري که با توجه به پيشرفت روزافزون کشورهاي منطقه و ساير کشورهاي جهان، موقعيت کشور را نيز در سطوح مختلف بين المللي متأثر مي کند.

کتاب نامه

۱. احمد زاده، ع.، حيدري، ح.، ذوالفقاري، م. (۱۳۹۱). تحليلي بر بحران مالي اخير و اثر آن بر اقتصاد نفتي ايران. *ماهنامه بررسي مسائل و سياست هاي اقتصادي*، (۶ و ۷)، ۲۹-۴۶.
۲. اشرف، ا. (۱۳۵۹). *موانع تاريخي رشد سرمايه داري در ايران دوره قاجاريه*. تهران: نشر زمينه.

۳. ایزدی، م. (۱۳۸۷). *پیدایش و گسترش بحران مالی در جهان و اثرات آن بر اقتصاد ایران*. تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
۴. باقری، م.، صدیق‌اورعی، غ.، و فرزانه، ا. (۱۳۹۹)، مسئله تعامل اجتماعی در خانواده ایرانی. *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۱۱ (۲)، ۳۳-۶۴.
۵. باقری، م.، صدیق‌اورعی، غ.، و یوسفی، ع. (۱۳۹۸)، مسئله تعامل اجتماعی در جامعه ایران، بازکاوی مشکلات تعامل در مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور. *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۱۰ (۱)، ۵۳-۸۰.
۶. خضری، م. (۱۳۸۷). بررسی آثار بحران مالی در اقتصاد آمریکا بر اقتصاد ایران. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۲ (۱)، ۶۵-۸۲.
۷. رضایی، م. (۱۳۹۷). ارزیابی علل و پیامدهای عمده بحران اقتصادی در ایران. *فصلنامه اقتصاد مالی*، ۱۲ (۴۲)، ۲۰۱-۲۲۷.
۸. رنانی، م.، سرمدی، ح.، و شیخ انصاری، م. (۲۰۱۷). نقد عقلانیت کلاسیک؛ رویکرد عقلانیت محدود (مرزبندی شده) سایمون. *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، ۳ (۲)، ۷۱-۹۳.
۹. زبیری، ه. (۱۳۹۶). ریسک سیاسی، نهادها و کارآفرینی. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری*، ۱۴ (۱)، ۱۷۳-۲۰۶.
۱۰. سایت بانک مرکزی ایران. <https://www.cbi.ir/>
۱۱. سوئدبرگ، ر. (۱۳۹۶). *منفعت‌طلبی و ساختار اجتماعی: مباحثی در جامعه‌شناسی اقتصادی* (ع. سعیدی، مترجم). تهران: لوح فکر.
۱۲. شیخیانی، ح.، و موسوی، س.م. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر بحران اقتصاد جهانی بر متغیرهای اقتصادی ایران. *حصون*، (۳۵)، ۱۲۰-۱۰۲.
۱۳. صدیقی کسمایی، م. (۱۳۹۷). مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های اقتصاد نئوکلاسیک، اقتصاد نهادگرا، و جامعه‌شناسی اقتصادی. *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، ۵ (۱)، ۷۱-۹۰.
۱۴. فاس فلد، د. (۱۹۹۳). *بازار در پهنه تاریخ: نگاهی به آموزه‌های اقتصادی کارل پولانی* (پ. راستی، مترجم). فرهنگ توسعه، (۲۰)، ۵۰-۴۸.

۱۵. گرنفل، م. (۱۳۸۹). *مفاهيم کليدي پيريورديو: محمد مهدي لبيبي (چاپ اول)*. تهران: شرکت نشر نقد افکار.
۱۶. مالجو، م. (۱۳۸۵). رابطه اقتصاد و جامعه در تاريخ اقتصادي از نگاه کارل پولاني. *اقتصاد و جامعه*، ۲ (۷)، ۲۰۲-۲۱۱.
۱۷. متوسلي، ا. (۱۳۹۱). بررسي فرايند تغييرها در تعامل هاي انساني از منظر علوم انساني؛ با تاکيد بر دو جريان اتريشي و نهادي. *فصلنامه برنامه ريزي و بودجه*، ۱۷ (۴)، ۶۸-۴۵.
۱۸. ميرزايي، م.، صديق اورعي، غ.، کرمانی، م.، و اصغريور، ا. (۱۴۰۰). راهبردهاي انطباق با بحران هاي اقتصادي: فراترکيب کيفي مقالات علمي از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰. *جامعه شناسي اقتصادي و توسعه*، ۱۰ (۱)، ۲۹۷-۳۲۰.
۱۹. ولي زاده، ع.، احمدرش، ر.، و ساعي ارسى، ا. (۱۳۹۷). مطالعه تاريخي نقش مناسبات نظام بازار در توسعه اجتماعي ايران (با تاکيد دوران معاصر). *مطالعات توسعه اجتماعي ايران*، ۱۰ (۲)، ۱۰۵-۱۲۵.

20. Baumol, W. J. (1996). Entrepreneurship: Productive, unproductive, and destructive. *Journal of Business Venturing*, 11(1), 3-22.
21. Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A social critique of the judgement of taste*. Harvard University Press.
22. Bourdieu, P. (2005). *The social structures of the economy*. Polity.
23. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 2(3), 77-101.
24. De Grauwe, P. (2010). *The financial crisis and the future of the Eurozone* (No. 21). European Economic Studies Department, College of Europe.
25. Della Porta, D. (2012). Critical trust: Social movements and democracy in times of crisis. *Cambio. Rivista sulle Trasformazioni Sociali*, 2(4), 33-43.
26. Gardo, S., & Martin, R. (2010). *The impact of the global economic and financial crisis on central, eastern and south-eastern Europe: A stock-taking exercise*. ECB Occasional paper.
27. Gigerenzer, G., & Selten, R. (Eds.). (2001). *Bounded rationality: The adaptive toolbox*. The MIT Press.
28. Granovetter, M. (1985). Economic action and social structure: The problem of embeddedness. *American Journal of Sociology*, 91(3), 481-510.
29. Henrekson, M., & Roine, J. (2007). Promoting entrepreneurship in the welfare state. In *The handbook of research on entrepreneurship policy* (pp. 64-93). USA: Edward Elgar Publishing.

30. Holcombe, R. G. (2003). The origins of entrepreneurial opportunities. *The Review of Austrian Economics*, 16(1), 25-43.
31. Huang, X. (2019). Understanding Bourdieu-cultural capital and habitus. *Review of European Studies*, 11, 45.
32. Kapoor, S. (2010). *The financial crisis-causes & cures*. Friedrich-Ebert-Stiftung, EU Office Brussels.
33. Mačerinskienė, I., Ivaškevičiūtė, L., & Railienė, G. (2014). The financial crisis impact on credit risk management in commercial banks. *KSI Transactions on Knowledge Society*, 7(1), 1-12.
34. Mathis, K., & Steffen, A. D. (2015). From rational choice to behavioural economics. In *European perspectives on behavioural law and economics* (31-48). Cham: Springer.
35. Newton, K. (2001). Trust, social capital, civil society, and democracy. *International Political Science Review*, 22(2), 201-214.
36. North, D. C. (2005). *Introduction to understanding the process of economic change*. Introductory Chapters.
37. Polavieja, J. (2013). Economic crisis, political legitimacy, and social cohesion. Economic crisis, *quality of work and social integration: The European experience*, 256-278.
38. Powell, C. (2012). *The pain in Spain: political, social and foreign policy implications of the European economic crisis*. Análisis del Real Instituto Elcano.
39. Reinhart, C. M., & Rogoff, K. S. (2009). *This time is different: Eight centuries of financial folly*. Princeton: Princeton University Press.
40. Sarasvathy, S. D., Dew, N., Velamuri, S. R., & Venkataraman, S. (2003). Three views of entrepreneurial opportunity. In *Handbook of entrepreneurship research* (pp. 141-160). Boston: Springer,
41. Shane, S., & Venkataraman, S. (2000). The promise of entrepreneurship as a field of research. *Academy of Management Review*, 25(1), 217-226.
42. Swedberg, R. (2009). *Bourdieu's contribution to economic sociology*. In *Frontiers of sociology* (pp. 231-244). Leiden: Brill.
43. The World Bank Annual Report. (2010). *World Bank Annual Report*. Washington, DC.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

ارائه مدل همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد انسجام ملی (مطالعه کیفی مبتنی بر نظریه برخاسته از داده‌ها)

نوراله رضائی کلواری (دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران)

rn210@yahoo.com

سعید شریفی (استادیار گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول)

saeid.Sharifi2003@gmail.com

فائزه تقی‌پور (استادیار گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران)

faezeh.taghipour@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش ارائه مدل همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد انسجام ملی است. برای دستیابی به این هدف از روش‌شناسی کیفی مبتنی بر نظریه برخاسته از داده‌ها و با بهره‌گیری از رویکرد سیستماتیک استراوس و کوربین استفاده شد. در این راستا مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با استفاده از نمونه‌گیری نظری و در ادامه، تکنیک گلوله‌برفی با کارشناسان و صاحب‌نظران مرتبط با موضوع انجام گرفت. تعداد نمونه‌ها تا زمانی ادامه پیدا کرد که پاسخ‌ها به مرحله اشباع برسد (تعداد ۳۰ مصاحبه). پدیده اصلی تحقیق، «همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد انسجام ملی» نام گرفت. شرایط علی ایجاد همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی عبارت‌اند از «سلامت اجتماعی، آموزش و خودآگاهی، ابتکار اجتماعی، عدالت قومی، اتحاد ملی، کثرت گرایی، همزیستی و قوم‌مداری». عوامل بستر یا زمینه‌ای شامل

«کنشگری قومی، نگرش‌های قومی، تشخیص قومی و ارزش‌های قومی» و عوامل مداخله‌گر شامل «آموزش فرهنگی، نمادسازی، مدیریت تفاوت‌های قومی و مداخلات میان‌فرهنگی»، از دیدگاه مشارکت‌کنندگان پژوهش شناسایی شدند. راهبردها شامل «فرصت‌شمردن تنوع قومی، احیای حقوق اقوام، عدالت و توسعه، تولید محصول و محتوا، نمایش قومی، برندسازی، بهره‌گیری از تعالیم دینی و آموزش و تربیت» است. پیامدها شامل «پیامدهای مثبت حاوی ایجاد سلامت اجتماعی، مشارکت‌پذیری، شناخت اسطوره‌ها، احساس عدالت، انسجام ملی، ارتقای امنیت ملی و توسعه اقتصادی و همچنین پیامدهای منفی حاوی کاهش انسجام ملی، تهدید امنیت ملی و واگرایی ملی» به‌عنوان پیامدهای حاصل از همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد انسجام ملی در قالب مدل پارادایمی نظریه داده‌بنیاد تبیین شد.

کلیدواژه‌ها: مدل همدلی، قومی-فرهنگی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، انسجام ملی.

۱. مقدمه

ایران سرزمینی دربرگیرنده گروه‌های قومی، زبانی و دینی گوناگون است. هریک از این گروه‌ها، به‌ویژه گروه‌های ترکمن و عرب، فرهنگ و زبان ویژه جامعه خود را دارند که جدا از فرهنگ و زبان (قومی غیرایرانی مهاجر ترک) ترک‌زبانان، آذربایجان قومی ایرانی کرد، بلوچ و مانند آن‌ها بوده است. فرهنگ‌های این اقوام ایرانی و غیر ایرانی با همه گونه‌گونی به دلیل همزیستی تاریخی-اجتماعی طولانی در سرزمین ایران در برخی وجوه قرابت‌ها و اشتراکاتی دارند که آن‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند و میان مردم آن‌ها همبستگی فرهنگی و باور و آرمان جمعی پدید می‌آورد. این شبکه‌ها در هر اندازه‌ای به مثابه یک ساختار اجتماعی، افراد را در مجموعه‌ای از ارتباطات و تعاملات میان فردی درگیر می‌کنند. با توسعه جوامع و گسترش ارتباطات در اجتماعات و جوامع گوناگون، ساختارهای این جوامع و نتایج حاصل از این ساختارها نیز دگرگون شد و به‌سوی پیچیدگی سوق پیدا کرد (عاملی، ۱۳۸۸، ص. ۲۵).

قومیت و ملیت از انواع هویت‌های اجتماعی هستند که چگونگی رابطه و مناسبات آن‌ها با یکدیگر نقش مهم و مؤثری بر همبستگی و انسجام اجتماعی، وحدت و وفاق ملی و به تبع آن ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی دارد (چلپی و یوسفی، ۱۳۸۰). در شرایطی که مردم جوامع مختلف به طور فزاینده‌ای خودشان را در قالب گروه‌ها و اجتماعاتی تعریف می‌کنند که هم فروملی و هم فراملی هستند (میلر، ۱۳۸۳: ۱۰۲)، تاریخ ایران نشانگر این مسئله است که ایرانیان از هر قوم و ملتی دغدغه حفظ وحدت ملی و تمامیت ارضی داشته‌اند و انسجام و وحدت همواره محور پیوستگی نژادی و تاریخی ایرانیان بوده است؛ این پیوستگی راز بقای ایران و نجات کشور در مقابل هجوم و اشغال بیگانگان است (صالحی امیری، ۱۳۸۸، ص. ۵۰). کشور ایران به دلیل داشتن اقوام زیاد در ترکیب جمعیتی خود، ناگزیر است سیاست‌هایی را در پیش بگیرد که در آن به قومیت‌ها توجه می‌شود؛ زیرا اکثر اقوام موجود در ایران روی نقشه جغرافیایی، هم‌مرز هم‌قومان خویش در کشورهای همسایه هستند و در صورت نبود نگاه علمی و کارشناسانه به موضوع و مسائل قومیت‌ها، باعث جذب آن‌ها از طرف کشورهای همسایه و در نتیجه واگرایی آن‌ها از مرکز می‌شود.

در عصر حاضر، ارتباطات عاملی بسیار قوی و محرکی برای پیشبرد اهداف سازمان‌ها، گروه‌ها، احزاب و جوامع است. یکی از ابزارهایی که می‌تواند این ارتباطات را به شکلی مؤثر توسعه دهد، شبکه‌های اجتماعی مجازی است (تقی پور، ۱۳۹۶، ص. ۳۲). امروزه توسعه روزافزون فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، به‌ویژه پدیده‌های جدید این فناوری از قبیل شبکه‌های اجتماعی، ماهواره، اینترنت و... تأثیر شگرفی بر زندگی مردم گذاشته است (خضری، ۱۳۹۱). در فضای سایبر همه بر هم مرتبط و تأثیر گذارند؛ آن‌ها نه در گستره‌ای محدود و مشخص، بلکه در دنیایی بی‌کران که هیچ حد و مرزی ندارد (جلالی فراهانی، ۱۳۸۷). موفقیت و محبوبیت روزافزون شبکه‌های اجتماعی به دلیل داشتن یک رنگ و بوی اجتماعی است (آلوین، ۱۳۷۸، ص. ۶۵). از طرفی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر فرهنگ، زندگی اقوام مختلف کشورها بر کسی پوشیده نیست. یکی از عوامل مهم و اساسی

ایجاد همدلی قومی و فرهنگی در جوامع امروزی، شبکه‌های اجتماعی مجازی است. همدلی، شامل طیف گسترده‌ای از حالات عاطفی از جمله مراقبت از دیگران و داشتن تمایل کمک به آن‌هاست؛ به گونه‌ای که کمتر تفاوتی بین خود و دیگری تشخیص دادنی باشد (هودگز و کلین^۱، ۲۰۰۱) راجرز (۱۹۶۱) را به عنوان توانایی برای ورود به جهان دیگری که در درجه اول در سطح احساسی و در نهایت به درک او محقق می‌شود، معرفی می‌کند. همدلی مفهومی روان‌شناختی است؛ اما پژوهش‌هایی به ارتباط آن با فرهنگ و زمینه‌های فرهنگی دست یافته‌اند.

ابراهیم (۱۹۹۱) نشان داد تفاوت همدلی از لحاظ زمینه فرهنگی معنادار است؛ در حالی که سو، یائو و مائو^۲ (۱۹۹۵) تفاوت‌های فرهنگی افراد و نه زمینه فرهنگی متفاوت را در همدلی مؤثر دانستند. به هر حال تاکنون همه مقیاس‌های اندازه‌گیری توانش همدلانه قومی-فرهنگی، دو متغیر همدلی فکری و احساسات همدلانه و ارتباط آن دو را مدنظر قرار داده‌اند (وانگ^۳ و همکاران (۲۰۰۳)). همانند همدلی، توانش همدلانه قومی-فرهنگی نیز براساس ویژگی‌های دموگرافیک و عوامل اجتماعی متفاوت است.

با توجه به این مشکلات و نبود احساس همدلی بین بعضی از اقوام، مطالعه و بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در ایجاد همدلی قومی-فرهنگی می‌تواند در شناسایی امکانات و ابزارهای ایجادکننده همدلی میان اقوام ایرانی، به حفظ هویت و تقویت انسجام ملی منجر شود؛ از این رو انجام این پژوهش به دلیل پرداختن به نقش‌آفرینی شبکه‌های اجتماعی مجازی در همدلی قومی-فرهنگی و تعمیق همبستگی اقوام و تقویت انسجام ملی می‌تواند از ضرورت برخوردار باشد؛ چراکه با بررسی تحقیقات پیشین مشخص شد تاکنون تحقیقی جامع برای تدوین مدل همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد انسجام ملی در کشور انجام نگرفته است و اکثر پژوهش‌های انجام‌شده، بیشتر برای جامعه

1. Hodges & Klein

2. Sue, Yau & Mao

3. Wang

آماري خاص يا يك يا چند قوميت خاص به شيوه كمى بررسى شده است؛ بنابراین كمى تحقيقات و منابع علمى درباره اين مسئله و نقش انكارناپذير تأثيرات شبكه‌هاى اجتماعى مجازى بر قوميت‌گرایی در ايجاد بحران‌ها و تنش‌هاى ملي و منطقه‌اى در كشور، از دلايل مهم پرداختن به آن است.

با توجه به مطالب بيان‌شده، هدف اصلى پژوهش ارائه مدل همدلى قومی-فرهنگی در شبكه‌هاى اجتماعى مجازى با رويکرد انسجام ملي است و به دنبال آن اهداف فرعى پژوهش عبارت‌اند از:

- شناسايى شرايط على همدلى قومی-فرهنگی در شبكه‌هاى اجتماعى مجازى براى نيل به انسجام ملي؛

- شناسايى عوامل مداخله‌گر در شبكه‌هاى اجتماعى مجازى در ايجاد همدلى قومی-فرهنگی با رويکرد انسجام ملي؛

- شناسايى عوامل بسترساز يا زمينه‌اى همدلى قومی-فرهنگی در شبكه‌هاى اجتماعى مجازى با رويکرد انسجام ملي.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. همدلی

همدلی به معنای دیدن دنیا از زاویه دید دیگران، توانایی عاطفی برای تجربه هیجان‌های دیگران و توانایی شناختی برای فهم هیجان‌های اشخاص دیگر است؛ به بیانی دیگر، توانایی انسان برای شناسایی و پاسخ‌دهی به حالات ذهنی دیگران است (علی‌اکبری، ۱۳۹۲). همدلی مهارتی است که از طریق آن به شناخت بیشتری از دیگری می‌رسیم و این شناخت بیشتر باعث تفاهم میان طرفین می‌شود. ایجاد رابطه عمیق میان انسانها در ایجاد فضای آرامش‌بخش برای تعامل انسانی بسیار مؤثر است.

اساس همدلی، کنار نهادن نگرش‌های از پیش شکل گرفته توأم با تعصب است. همدلی، عالی‌ترین سطح صمیمیت و همگرایی است، ولی همگرایی الزاماً به معنای همدلی نیست؛

بلکه همدلی سطحی بالاتر از همگرایی است که در نتیجه عشق و علاقه همدیگر شدت می‌یابد و کدورت‌ها به حداقل می‌رسد و جامعه منسجم و یکپارچه می‌شود. عوامل همدلی بر ارزش‌های عاطفی و معنوی مبتنی‌اند و معنای آن احساس است (حیدریان، ۱۳۹۴).

همدلی شامل طیف گسترده‌ای از حالات عاطفی از جمله مراقبت از دیگران و داشتن تمایل کمک به آن‌هاست؛ به گونه‌ای که کمتر تفاوتی بین خود و دیگری قابل تشخیص باشد (هودگز و کلین^۱، ۲۰۰۱) در زبان انگلیسی همدلی در اصل از واژه یونانی «امپاتیا»^۲ به معنای دیدی است که نسبت به واکنش‌های یک نفر دیگر وجود دارد (اکلوند^۳، ۲۰۱۱). این مفهوم ابهام زیادی دارد؛ به گونه‌ای که با شفقت^۴، ترحم^۵ و همدردی^۶ هم‌معناست و در پژوهش‌های مختلف ممکن است به یک معنا به کار گرفته شود. واژه همدلی، در روان‌شناسی توسعه‌ای^۷، روان‌شناسی اجتماعی (ایزنبرگ و میلر^۸، ۱۹۸۷) و حتی در علوم عصبی^۹ (لام باتسون، دسلی^{۱۰}، ۲۰۰۷) به مفاهیم مختلف به کار برده شده است. یکی از مهم‌ترین کارکردهای همدلی، رفتارهای حمایتی از جامعه و گروه‌های اجتماعی است (جولیک و فارینگتون^{۱۱}، ۲۰۰۶).

همدلی قومی-فرهنگی فراتر از همدلی عمومی است و شامل درک و پذیرش تفاوت‌های فرهنگ‌ها و اقوام دیگر است و نوعی پاسخ، حس و درک عمیق و دوسویه^{۱۲} ناشی از ارزش و انتظار همدلانه است که اغلب شامل تبادل فرهنگی می‌شود. اتحاد، وفاق، همراهی،

-
1. Hodges & Klein
 2. Empatheia
 3. Eklund
 4. Compassion
 5. Pity
 6. Sympathy
 7. Developmental Psychology
 8. Eisenberg & Miller
 9. Neuroscience
 10. Lamm..Batson&Deseli
 11. Jollille & Farrington
 12. Mutuality

همفکری، یک‌رنگی و احساس یگانگی و پذیرش تفاوت‌های بین اقوام و فرهنگ‌های مختلف یک جامعه را همدلی قومی-فرهنگی می‌گویند (امانی، ۱۳۹۴، ص. ۳۷۸).

۲.۲. انسجام ملی

انسجام ملی به معنای هماهنگی و همبستگی میان اجزای تشکیل‌دهنده یک نظام سیاسی و اجتماعی و یکی از مؤلفه‌های اقتدار و امنیت ملی است. افزایش ضریب وحدت و همبستگی ملی باعث کاهش تهدیدهای خارجی و داخلی می‌شود و زمینه‌های مناسبی را برای توسعه و پیشرفت کشور فراهم می‌کند (حیدری و حیدری، ۱۳۹۳، ص. ۶۵).

انسجام ملی موقعیتی است که در آن افراد جامعه از طریق تعهدات مشترک اجتماعی و فرهنگی به یکدیگر پیوند خورده‌اند (میشل، ۱۹۸۱، ص. ۱۸۰). دانکن میشل انسجام ملی را دارای سه بعد می‌داند: تعهد افراد جامعه به ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، وابستگی متقابل افراد جامعه به یکدیگر که ناشی از منافع مشترک است؛ احساس هویت جمعی مشترک.

۳.۲. شبکه‌های اجتماعی

شبکه اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از افراد یا سازمان‌هایی دانست که از طریق روابط اجتماعی مانند دوستی، همکار بودن یا تبادل اطلاعات با یکدیگر مرتبط شوند؛ بدین ترتیب، شبکه اجتماعی، الگویی ارتباطی است که مردم را به هم متصل می‌کند یا پیوندهای است که افراد را با گروه‌هایی از مردم مرتبط می‌کند (افتاده، ۱۳۸۸، ص. ۴). با ظهور فناوری‌های مدرن و به‌خصوص اینترنت و ورود شبکه‌های اجتماعی به زندگی افراد، نوع جدیدی از روابط بین‌فردی شکل گرفته است که از آن به ارتباطات مجازی تعبیر می‌شود. درواقع، این ارتباطات مجازی بین‌فردی در قالب شبکه‌سازی اجتماعی برپایه مشارکت همگانی بنا شده‌اند. ایجاد ارتباطات جمعی و میان‌فردی، تشکیل اجتماعات مجازی، اطلاع‌رسانی، تبادل اطلاعات و نظرها از شناخته‌ترین کارکردهای این فضاهاست (ساروخانی و دربیکی، ۱۳۹۸، ص. ۳۳۱). شبکه‌های اجتماعی، الگویی از روابط است که کنشگران را به هم متصل می‌کند (شارع‌پور، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۰).

۲. ۴. تنوع فرهنگی در ایران

تنوع فرهنگی در کنار تنوع زیستی پخش از میراث مشترک بشری است و بر این اساس سازمان ملل متحد در اعلامیه زوهانسبورگ در سپتامبر سال ۲۰۰۲، درباره توسعه پایدار یونسکو در کنوانسیون مصوب در ۲۱ اکتبر سال ۲۰۰۵ از تنوع فرهنگی حمایت کرده است. یونسکو تنوع فرهنگی و بیان‌های فرهنگی را به معنای وجود الگوها، شیوه‌های عمل، بیان احساس، سبک‌های زندگی، نظام‌های ارزشی متنوع در میان گروه‌های اجتماعی در درون مرزهای جغرافیایی یک کشور دانسته است که به طور طبیعی با یکدیگر همزیستی و تعامل دارند (برتون، ۱۳۸۴، ص. ۱۰۲).

برای بررسی تنوع فرهنگی در ایران نباید آن را به تنوع قومی، مذهبی یا حتی زبانی محدود کرد؛ بلکه باید به مفهوم حوزه‌های فرهنگی توجه داشت. منظور از حوزه‌های فرهنگی مناطقی است که مجموعه‌های فرهنگی مشابه دارند (بتین و بلاگ، ۱۳۷۵، ص. ۷۹) و بنابراین سطح آن بسیار جزئی‌تر و خردتر از سطح قومیت است؛ برای مثال، باید به فرهنگ‌های محلی و منطقه‌ای توجه داشت که این خود مشتمل بر طیف وسیعی از فرهنگ‌های محلی می‌شود؛ برای مثال، در ایالات متحده ۱۲۵ گروه فرهنگی و حدود ۱۲۰۰ مذهب وجود دارد یا در میان افراد ایرانی حداقل چهار گروه زبانی اصلی به چشم می‌خورد (هوشمند، ۱۳۸۴). در اینجا می‌توان حتی به تفاوت‌های فرهنگی در میان دو روستای نزدیک به هم که به دو گویش سخن می‌گویند، توجه کرد؛ بر این مبنا و برحسب برآوردی که رزم‌آرا در اداره جغرافیایی ارتش طی سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۷ ارائه کرده است، گروه‌های متنوع زبانی، قومی، دینی مثل ترکمن-کردی، فارس-کردی-لکی، عربی-فارسی، ترکی، تالشی و غیره که مشتمل بر ۸۰ منطقه فرهنگی می‌شود یا حدود ۳۰ منطقه ترکیبی مذهبی را شامل می‌شود، در ایران وجود دارد. (هوشمند، ۱۳۸۴).

ویل کیملیکا، فرهنگ را با قوم و ملت مترادف میدانند و منظور وی از تنوع فرهنگی ناشی از وجود اقلیت‌های قومی و ملی است؛ این در حالی است که ادوارد تایلور فرهنگ را کلیت در هم تافته‌ای می‌داند که باورها، هنر، اخلاقیات، قانون، آداب و رسوم و هرگونه توانایی انسان

را در بر می‌گیرد (نورس^۱، ۱۹۹۳). امان‌الهی نیز در بررسی تنوع فرهنگی در ایران، سه معیار تربیت، زبان و دین آن‌ها را مشتمل بر ۲۲ قوم، ۱۹ زبان و ۹ دین دانسته است که البته هر کدام دارای انشعابات متعدد هستند (امان‌الهی، ۱۳۸۰، ص. ۲۰).

بررسی پیشینه تحقیقات انجام‌شده نشان داد که تاکنون به‌طور جامع و کامل به مفهوم همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی با رویکرد انسجام ملی با جامعیت مدنظر در تحقیق حاضر، با استفاده از روش کیفی با رویکرد داده‌بنیاد پرداخته نشده است. بخش زیادی از تحقیقات موجود این مفهوم را با رویکردی جزئی و خرد مطالعه کرده‌اند؛ به‌طوری‌که اکثر این تحقیقات بر شناسایی برخی از عناصر تشکیل‌دهنده این فرایند تمرکز کرده‌اند؛ برای مثال به تحقیقات داخلی اشاره می‌شود. این پژوهشگران این مطالعات را انجام داده‌اند: خانیکی و زندیه (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «طراحی الگوی کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی»، روشندل اربطانی و مولایی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «ارائه مدل تقویت هویت ملی جوانان با استفاده از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی داخلی»، شریفی و خوشنویسان (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر توانایی همدلی قومی-فرهنگی در کلان‌شهر تهران»، ایمانی، شفیعی و مرجانی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «بررسی مهارت‌های همدلی قومی-فرهنگی کارکنان هتل‌ها با مشتریان»، رهبرقاضی و ایمانیان مفرد (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روی هویت ملی» با هدف شناخت و تبیین تأثیر فضای مجازی با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی بر هویت ملی دانشجویان دانشگاه شیراز، کرمانی و ساعی (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «مطالعه تأثیر استفاده از سایت‌های شبکه اجتماعی بر هویت قومی دانشجویان دانشگاه‌های تهران» با هدف بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در تحولات اجتماعی و سیاسی، احمدی پور و آستا (۱۳۹۶) مقاله‌ای با عنوان «انسجام ملی و توسعه پایدار گردشگری در مناطق مرزی» و مهری (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان «نقش اقوام درهم‌بستگی ملی».

در بخش تحقیقات خارجی، وان دوسن (۲۰۱۹)، بنت و راجل^۱ (۲۰۱۹)، گلدمن، مراق و دادونا^۲ (۲۰۱۹)، باگ سی و کلبی^۳ (۲۰۱۸)، رود ری گاز و سولورا^۴ (۲۰۱۸) و راسول و اندرسون^۵ (۲۰۱۱) نیز تحقیقاتی در این حوزه انجام داده‌اند. فکوهی و عیاری (۱۳۸۸) در پژوهشی به مطالعه اینترنت و هویت در پنج هویت قومی ایرانی یعنی هویت‌های آذری، بلوچ، ترکمن، عرب خوزستانی و کرد پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که جهانی‌شدن موجب شکسته‌شدن مرزها و شکل‌گیری مجدد مرزبندی‌های جدید شده است. سیدامامی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «قومیت از منظر سیاست‌های هویت» به این نتیجه رسیده است که تنوع قومی در ایران همچنان ماندگار خواهد بود و تفاوت‌های قومی می‌توانند در شرایط خاصی در خدمت بسیج احساسات گروهی و خلق هویت‌های واگرا قرار گیرند. احمدی‌پور، حیدری و موصولو (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان «تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران جهت امنیت پایدار» انجام داده است. او به این نتیجه رسیده است که از مهم‌ترین عواملی که در صورت غفلت حکومت مرکزی می‌تواند از طرف اقوام مختلف باعث تهدید و آسیب‌پذیری امنیت ملی کشور مطرح شود، وجود اقوام هم‌آیین در کشورهای همسایه و رابطه آن‌ها با یکدیگر، دخالت عوامل بیگانه و موقعیت مرزی اقوام و غیره است.

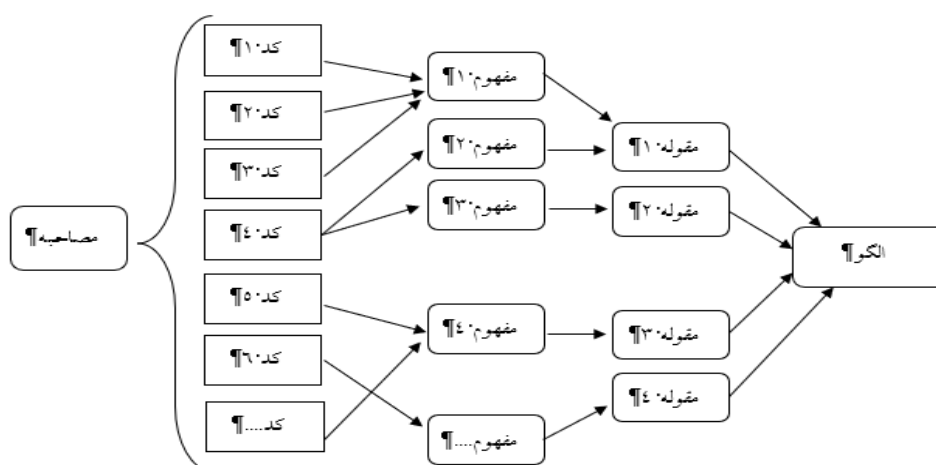
بنابراین در تحقیق حاضر به دنبال ارائه مدلی جامع و کامل برای همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی با رویکرد انسجام ملی هستیم که تمام ابعاد وجوانب این حوزه را پوشش دهد.

-
1. Bennett & Rochell
 2. Goldma, Meddaugh, & Daddona,
 3. Bagci & Çelebi
 4. Rodríguez- Hidalgo & Solera
 5. Rasals & Andersson

۳. روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از روش تحقیق کیفی، نظریه زمینه‌ای (گراند تئوری) انجام شده است؛ زیرا تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر ایجاد همدلی قومی-فرهنگی با رویکرد انسجام ملی مشخص نیست. تحقیق حاضر از حیث نتیجه، در زمره تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد؛ زیرا از طریق طراحی مدل به دنبال ایجاد همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد انسجام ملی است. به لحاظ هدف این تحقیق جزو تحقیقات اکتشافی است و بر این مبنا استراتژی تحقیق از نوع مصاحبه میدانی است. به سه دلیل ذیل ۱- این تحقیق از راهبرد داده‌بنیاد تبعیت کرده است، ۲- روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری نظری است. مشارکت‌کنندگان در تحقیق، اساتید و صاحب‌نظران در حوزه‌های ارتباطات، رسانه و فرهنگ و جامعه‌شناسی هستند و ۳- صاحب‌نظران از بین مدیران و کارشناسان خبره، اساتید دانشگاه در رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، مدیریت فرهنگی، مدیریت رسانه، علوم ارتباطات، فعالان در شبکه‌های اجتماعی مجازی و متخصصان ارتباطات، IT و رسانه انتخاب شدند. معیارهای اصلی در انتخاب مشارکت‌کنندگان عبارت‌اند از: ۱- افراد انتخابی حتماً تجربه فعالیت علمی یا عملی درباره اقوام، به‌ویژه ارتباطات بین‌قومی، شبکه‌های اجتماعی مجازی و انسجام ملی داشتند؛ ۲- افراد حداکثر تمایز، از نظر حوزه فعالیت، نوع فعالیت و حضور در حوزه‌ها، میزان پابندی به تقیدات دینی، سن و سطوح مختلف اجتماعی را داشتند؛ ۳- افراد با کمال میل حاضر به همکاری و بیان تجربیات خود بودند؛ ۴- تجربیات متفاوت و متنوعی از موضوع مدنظر داشتند. از میان ۳۰ نفر مصاحبه‌شونده، ۱۵ نفر از صاحب‌نظران اقوام کرد، لر، آذری، بلوچ، عرب، ترکمن و بقیه از فارس انتخاب شدند. از میان کارشناسان و مدیران کسانی انتخاب شدند که به‌نوعی با اقوام مرتبط بودند و مسئولیت سیاسی، امنیتی و اجرایی در سطح ملی و استانی داشتند و در رابطه با اقوام تصمیم‌گیرنده بودند. از مشارکت‌کنندگان مذکور، ۱۶ نفر متخصص در حوزه رسانه، فرهنگ و ارتباطات انتخاب شدند که در این زمینه فعالیت داشتند و صاحب‌نظر بودند. همچنین ۸ نفر از

جامعه‌شناسان و اساتید خبره دانشگاهی که تألیفات و تحقیقاتی در زمینه اقوام در سطح کشور داشتند و ۶ نفر از مدیران سیاسی، امنیتی، اجرایی و انتظامی که در مناطق قومی و مذهبی مسئولیت داشتند و از نزدیک ارتباط مستقیم با اقوام و مذاهب داشتند، انتخاب شدند. در تحقیق حاضر محقق تا پایان مصاحبه سی‌ام به اشباع نظری رسید و برای اطمینان، مصاحبه‌ها تا ۳۳ مصاحبه ادامه یافت که مقوله جدیدی از سه مصاحبه آخر به دست نیامد. به‌منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش‌های کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شد. برای بررسی اعتبار و استحکام داده‌ها، مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی دوباره در اختیار خبرگان برای بازبینی قرار گرفت. به‌طورکلی، مراحل سه‌گانه تحلیل در این تحقیق در شکل منعکس شده است. در ادامه این رویه کدگذاری، انسجام لازم برای توسعه نظریه داده‌بنیاد، به‌منظور تبیین همدلی در شبکه‌های اجتماعی فراهم شد. در این مرحله، ماتریس شرطی پیشنهادشده توسط استراوس و کوربین (۱۹۹۸) نیز به‌عنوان یک ابزار کمکی-تحلیلی برای تسهیل بررسی و تجمیع سلسله شرایط مرتبط با فرایند ایجاد همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی و مرتبط‌کردن آن‌ها با راهبردها کنش/واکنش استفاده شد. در شکل ۱ مراحل کلی انجام تحقیق بیان شده است.



شکل ۱- مراحل سه‌گانه تحلیل

۴. یافته‌های تحقیق

در جدول ۱ خصوصیات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش بیان شده است. در این جدول اطلاعات مربوط به جنسیت، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، قومیت و سمت شغلی ذکر شده است.

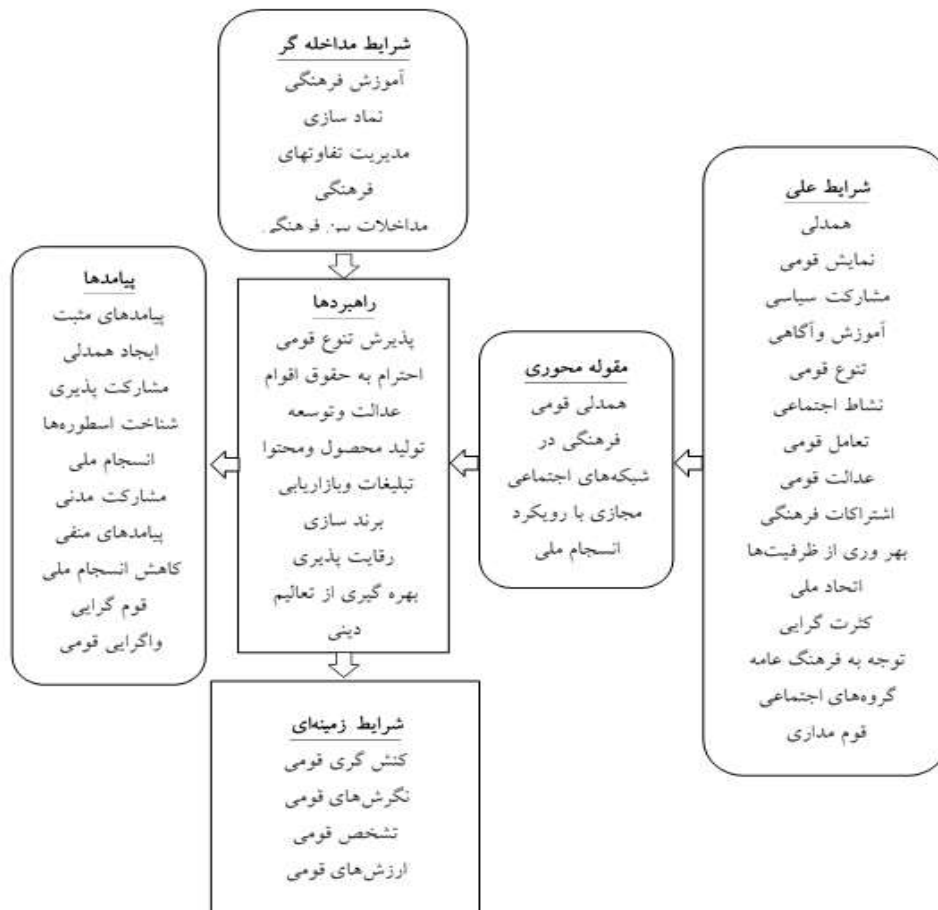
جدول ۱- خصوصیات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	جنس	میزان تحصیلات	رشته تحصیلی	قومیت	شغل
۱	مرد	دکتری	مدیریت رسانه	فارس	عضو هیئت‌علمی و پژوهشگر در زمینه شبکه‌های اجتماعی
۲	مرد	دکتری	مدیریت فرهنگی	لر	عضو هیئت‌علمی و پژوهشگر در زمینه مباحث فرهنگی و انسجام ملی
۳	مرد	دکتری	جامعه‌شناسی	فارس	رئیس دانشکده، عضو هیئت‌علمی و پژوهشگر در زمینه جامعه‌شناسی
۴	مرد	کارشناسی ارشد	فیزیک	فارس	استاندار استان‌های مرزی، قومی، مذهبی و انجام مطالعات قوم‌شناسی
۵	مرد	دکتری	علوم ارتباطات	فارس	عضو هیئت‌علمی و پژوهشگر در زمینه شبکه‌های اجتماعی
۶	مرد	دکتری	مدیریت رسانه	آذری	عضو هیئت‌علمی و پژوهشگر در زمینه شبکه‌های اجتماعی
۷	زن	دکتری	علوم ارتباطات	فارس	عضو هیئت‌علمی و پژوهشگر و مؤلف چندین کتاب در زمینه شبکه‌های اجتماعی
۸	مرد	دکتری	مدیریت فرهنگی	بختیاری	عضو هیئت‌علمی و پژوهشگر در زمینه هم‌افزایی فرهنگی
۹	زن	دکتری	علوم سیاسی	فارس	عضو هیئت‌علمی و پژوهشگر در زمینه قوم‌شناسی و انسجام ملی
۱۰	مرد	دکتری	مدیریت فرهنگی	فارس	عضو هیئت‌علمی و پژوهشگر در زمینه همدلی اقوام
۱۱	مرد	دکتری	کتابداری	آذری	مدیر اطلاع‌رسانی و منابع علمی دانشگاه، عضو هیئت‌علمی و پژوهشگر در زمینه قوم‌آذری
۱۲	مرد	دکتری	علوم سیاسی	لک	معاون استاندار و فرماندار مناطق قومی-مذهبی و داشتن تألیفاتی در زمینه اقوام
۱۳	مرد	دکتری	جامعه‌شناسی	عرب	عضو هیئت‌علمی و پژوهشگر در زمینه شبکه‌های اجتماعی
۱۴	زن	دکتری	پرستاری	کرد	عضو هیئت‌علمی و پژوهشگر در مباحث اقوام

ردیف	جنس	میزان تحصیلات	رشته تحصیلی	قومیت	شغل
۱۵	مرد	دکتری	جامعه‌شناسی	بلوچ	رئیس سازمان صدا و سیما استان‌های قوم نشین
۱۶	مرد	دکتری	آمار	کرد و اهل تسنن	عضو هیئت‌علمی و پژوهشگر مباحث قومی مذهبی
۱۷	مرد	کارشناسی‌ارشد	امنیت ملی	بختیاری	صاحب‌نظر در زمینه مباحث امنیت ملی
۱۸	زن	دکتری	مدیریت رسانه	لر	خبرنگار و محقق در زمینه مباحث فرهنگی اقوام ایرانی
۱۹	زن	دکتری	جامعه‌شناسی	فارس	عضو هیئت‌علمی و پژوهشگر سازمان صدا و سیما
۲۰	مرد	سطح ۴	تحصیلات حوزوی	فارس	مدرس حوزه و دانشگاه و پژوهشگر آسیب‌های اجتماعی فضای مجازی
۲۱	مرد	دکتری	جامعه‌شناسی	آذری	عضو هیئت‌علمی و پژوهشگر در زمینه شبکه‌های اجتماعی
۲۲	مرد	دکتری	جغرافیای سیاسی	فارس	مدرس دانشگاه و معاونت سیاسی-امنیتی استانداری استانهای قومی
۲۳	زن	دکتری	علوم ارتباطات	ترکمن	عضو هیئت‌علمی و پژوهشگر در زمینه شبکه‌های اجتماعی
۲۴	مرد	دکتری	امنیت ملی	فارس	عضو هیئت‌علمی و پژوهشگر امنیتی
۲۵	مرد	دکتری	جغرافیای سیاسی	فارس	استادیار جغرافیای سیاسی
۲۶	مرد	کارشناسی‌ارشد	علوم سیاسی	بلوچ	کارشناس مسائل امنیتی
۲۷	زن	دکتری	IT	کرد	استاد فناوری اطلاعات و صاحب‌نظر درباره شبکه‌های اجتماعی مجازی
۲۸	زن	دکتری	جغرافیای سیاسی	فارس	دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه، نویسنده و محقق
۲۹	مرد	دکتری	قوم‌شناسی	عرب	روزنامه نگار، نویسنده و پژوهشگر مسائل اعراب
۳۰	زن	کارشناسی‌ارشد	پرستاری	ترک	عضو هیئت‌علمی



شکل ۲- مدل همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد انسجام ملی



شکل ۳- مدل پارادایمی کدگذاری: فرایند همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد انسجام ملی

در شکل ۲، مدل همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد انسجام ملی نشان داده شده است. در شکل ۳، مدل پارادایمی کدگذاری: فرایند همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد انسجام ملی نمایش داده شده است. در شکل ۴، مدل پارادایمی کدگذاری: فرایند همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی

مجازی با رویکرد انسجام ملی نمایش داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، شرایط علی به ایجاد مقوله‌های محوری منجر شده است. شرایط مداخله‌گر و مقوله‌های محوری سبب ایجاد راهبردها شده و در نهایت از راهبردهای شکل گرفته شرایط زمینه‌ای و پیامدها استخراج شده است.



شکل ۴- مدل همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد انسجام ملی

براساس مدل‌های تولیدشده در این پژوهش در شکل‌های ۲، ۳، ۴، در ادامه به سؤال‌های مطرح‌شده در این تحقیق پاسخ داده شده است.

شرایط علی‌همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی برای نیل به انسجام ملی کدام‌اند؟

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که شرایط علی از ۸ درون‌مایه اصلی (سلامت اجتماعی، آموزش و خودآگاهی، ابتکار اجتماعی، عدالت قومی، اتحاد ملی، کثرت‌گرایی، همزیستی و قوم‌مداری) تشکیل شده است. در این پژوهش براساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان در مرحله کدگذاری گزینشی، شرایط علی‌همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی برای نیل به انسجام ملی است.

عوامل مداخله‌گر در شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایجاد همدلی قومی-فرهنگی با رویکرد انسجام ملی کدام‌اند؟

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که عوامل مداخله‌گر از ۴ درون‌مایه اصلی (آموزش فرهنگی، نمادسازی، مدیریت تفاوت‌های فرهنگی و مداخلات بین‌فرهنگی) تشکیل شده است.

-آموزش فرهنگی: مقوله‌های آموزش رسمی و آموزش پنهان ازجمله مواردی بود که از دیدگاه تعدادی از مشارکت‌کنندگان شامل آموزش فرهنگی می‌شود.

-نمادسازی: شامل مقوله‌های اسطوره‌سازی و بازخوانی تاریخی است.

-مدیریت تفاوت‌های فرهنگی: شامل تنش‌زدایی، حساسیت فرهنگی، مداخله سیاسی، یکسان‌سازی، تکرپذیری، تنش‌زایی و تحریک‌پذیری است.

-مداخلات بین‌فرهنگی: شامل مقوله‌های چند فرهنگ‌گرایی و تفکر فرهنگ‌گرایی می‌شود.

عوامل بسترساز همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد انسجام ملی کدام‌اند؟

-کنشگری قومی: شامل همزیستی قومی و گفت‌وگوی میان‌قومی است که از عوامل زمینه‌ای شناخته شد.

-نگرش‌های قومی: شامل حقوق قومی-فرهنگی، اشتراکات میان‌قومی و تنوع‌پذیری است که از دیگر عوامل زمینه‌ای شناخته شد.

-تشخص قومی: شامل مقوله‌های هویت قومی و سواد فرهنگی است.

-ارزش‌های قومی: شامل مقوله‌های عدالت قومی و رهبری قومی است.

استرتژی‌های (راهبردهای) شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایجاد همدلی قومی-فرهنگی برای نیل به انسجام ملی کدام‌اند؟

راهبردها به‌عنوان مضمون در یافته‌ها، دارای ۸ درون‌مایه اصلی هستند که در زیر به‌همراه تعدادی از نمونه‌های متن مصاحبه با مشارکت‌کنندگان و صاحب‌نظران که در استخراج یافته‌های پژوهش استفاده شده، آمده است.

-فرصت دانستن تنوع قومی و فرهنگی: تنوع قومی و فرهنگی شامل پذیرش تنوع، تعدیل قومی، فرهنگی، نبود نگاه مجهول و معضل‌دار به اقوام و بهره‌گیری از شعائر و مناسک اقوام است. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، جامعه ایرانی موزاییکی از همنشینی و همزیستی اقوام گوناگون در قالب ملتی واحد و کشوری یکپارچه است. توجه به اقوام و مسائل مربوط به قومیت‌ها به‌عنوان نقطه قوت و سرمایه ملی مهم است و هر تهدیدی درباره مسئله قومیت تهدیدی برای منافع و امنیت ملی به شمار می‌رود. مسئله قومیت در ایران همان‌گونه که مدنظر برنامه‌ریزان و مدیران کشور است، مورد علاقه و توجه دشمنان داخلی و خارجی نیز بوده و است؛ چراکه ضعف و تحلیل هر نقطه قوتی یک نقطه ضعف و تهدیدی است که متوجه کشور است؛ ازاین‌رو از دیرباز به‌ویژه در دهه‌های اخیر عوامل خارجی به‌منظور بهره‌جویی از علایق قومی برای ایجاد بحران و چالش‌های داخلی در ایران، برنامه‌ریزی و اقدامات مذبوحانه‌ای را انجام داده‌اند.

-احترام به حقوق اقوام: احترام به حقوق اقوام شامل رعایت حقوق شهروندی، اشتراکات میان قومی، استفاده از توانمندی اقوام و توجه به هویت قومی است. احترام به حقوق اقوام به معنی این است که تمامی اقوام را در یک ردیف قرار می‌دهد و حقوق همه یکسان تلقی می‌شود.

-عدالت و توسعه: عدالت و توسعه قومی به توزیع عادلانه قدرت، ثروت و عدالت رسانه‌ای، توسعه متوازن منطقه‌ای و پرهیز از تمرکز گرایی گفته می‌شود.

-تولید محصول و محتوا: عبارت است از تولید محتوا درباره توانمندی‌های اقوام و تولید محصول فرهنگی و اشتراکات قومی.

-تبلیغات و بازاریابی: تبلیغات و بازاریابی شامل نمایش قومی، برجسته‌سازی نقاط مشترک، معرفی میراث ملموس و ناملموس و جشنواره‌های قومیتی است.

-نمایش قومی: اولین اتفاقی که باید بیفتد، شناساندن ویژگی‌های اقوام به سایر مردم ایران است؛ یعنی با این ابزارها باید بشناسانیم که مثلاً قوم لر دست و دلباز و مهمان‌نواز است تا سایر اقوام آن‌ها را بشناسند. یا مطرح کردن چهره‌های ملی اقوام ستارخان، کریم‌خان زند و غیره.

-برندسازی: برندسازی شامل برجسته‌سازی، اسطوره‌شناسی، توسعه گردشگری قومی و ملی اقوام و رقابت‌پذیری است.

-عدالت و توسعه: عدالت و توسعه شامل عدالت رسانه‌ای و معرفی اقوام با برنامه مدون است.

-بهره‌گیری از تعالیم دینی: شامل تقویت اخوت و برادری بین اقوام براساس تعالیم دینی، دیدگاه‌های وحدت‌بخش بزرگان دینی و سوابق وحدت‌بخش دینی از نظر مشارکت‌کنندگان است.

-آموزش و تربیت: آموزش و تربیت شامل سواد رسانه‌ای و افزایش دانش و آگاهی است. فناوری سبب افزایش قدرت اختیار انسان می‌شود. دامنه این اختیار از صرف زمان

مازاد فرد در اثر استفاده از فناوری تا بازدید از محتوای خام گسترده است. در صورتی که کاربر نتواند امکانات ابزار نوین را درک کند، نمی‌تواند استفاده بهینه‌ای از آن ابزار کند. همچنین والدینی که نحوه استفاده از فناوری را نمی‌دانند، مسلم است که کنترل کمتری بر فرزندان خود دارند که این خود سبب استفاده نامناسب از محتوای شبکه‌های اجتماعی می‌شود.

پیامدهای حاصل از به‌کارگیری راهبردهای مؤثر در ارائه مدل همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی با رویکرد انسجام ملی کدام‌اند؟
پیامدها به‌عنوان مضمون ۸ درون‌مایه اصلی دارند.

-سلامت اجتماعی: سلامت اجتماعی عبارت است از نتیجه همدلی، ایجاد همبستگی و کارکردهای اجتماعی. ازجمله پیامدهای مثبت به‌کارگیری راهبردها «سلامت اجتماعی» است که شامل مؤلفه‌های ایجاد همبستگی، ایجاد وفاق در ارزش‌ها، تفاهم و وحدت‌بخشی، اعتماد اجتماعی و ارتقای سرمایه اجتماعی است.

-مشارکت‌پذیری: مشارکت‌پذیری شامل ارتقای مشارکت مدنی، تحکیم پیوند اقوام و احساس هویت و تعلق می‌شود.

-شناخت اسطوره‌ها: شناخت قومی با تقویت نمادهای قومی و شناسایی چهره‌های ملی و دینی و آشنایی با توانمندی‌های اقوام معنا پیدا می‌کند.

-انسجام ملی: شامل میهن‌دوستی، تعهد و احساس مسئولیت، ارتقای هم‌افزایی، تقویت نشاط اجتماعی، مشارکت مدنی و جامعه‌پذیری و ایجاد هم‌سرنوشتی است.

-ارتقای امنیت ملی: شامل تفاهم و وحدت ملی، حفظ سرمایه اجتماعی، ارتقای اعتماد اجتماعی، کاهش مناقشات قومی و امنیت در مرزهای قومی است.

-توسعه اقتصادی: شامل ارتقای معیشت اقوام، رشد اقتصادی در مناطق قومی و مذهبی، افزایش کسب‌وکار در مناطق قومی و سرمایه‌گذاری در مناطق قومی، پیامدهای مثبت اقتصادی می‌شود.

توسعه اقتصادی و توسعه یافتگی از مفاهیمی هستند که مشارکت کنندگان بر تعریف و معانی آن اتفاق نظر دارند، رشد اقتصادی را شرط لازم توسعه یافتگی می دانند و رسیدن به توسعه بدون همبستگی و مشارکت فعال اقوام را غیرممکن می دانند. یکی از لوازم برنامه ریزی در دنیای جدید را توجه به مشارکت فعال و اثربخش همه افراد جامعه به ویژه اقوام در ابعاد مختلف توسعه اقتصادی را لازم دانسته اند.

- کاهش انسجام: انشقاق و جدایی، کاهش اعتماد اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی، کاهش انسجام را معنا می بخشند.

- تهدید امنیت ملی: تجزیه طلبی، تهدید هویت ملی و تشدید اقدامات اپوزسیون، افزایش جنبش های قومی و ناامن شدن مرزهای قوم نشین، تهدیدات امنیت ملی و محرومیت نسبی را به همراه دارد.

۵. نتیجه گیری و پیشنهادها

۵.۱. نتیجه گیری

به طور کلی بررسی ها در این پژوهش نشان می دهد که امروزه قومیت گرایی، چالشی است که بشریت و به ویژه کشورهای جهان سوم را همواره تهدید کرده است و به عنوان عاملی مؤثر برای نیل به اهداف سلطه جویانه، سوءاستفاده قدرتمندان و کشورهای سودجو قرار گرفته است. از نتایج این سوءاستفاده، ایجاد بحران ها و جنگ های خونین قومیتی در عصر حاضر در کشورهای جهان سوم است. از سوی دیگر با توجه به شرایط خاص کشور ایران از نظر داشتن تنوع قومی، فراهم شدن زمینه و بستر لازم برای تولید شکاف ها و منازعات قومی در کشور و همچنین نبود کارآمدی و کارایی مسئولان در حوزه های مختلف، دشمنان ایران که مترصد فرصت هستند، با ظرافت و به سرعت اوضاع داخلی را پیگیری می کنند و با به کارگیری ابزار مناسب فرایند تحریک و ترغیب حرکت های منازعه آمیز قومی و قبیله ای را جهت دهی می کنند. سپس آن ها با ایجاد موجی از احساسات و عواطف سرخورده قومی بر

گرده آن سوار می‌شوند و برنامه‌های مدون خود را اجرا می‌کنند؛ این در حالی است که می‌دانیم، قومیت‌ها برای ملت و هویت ملی یک کشور تهدید نیستند، ولی در صورت بی‌توجهی به حل مشکلات و پاسخگویی به مطالبات مشروع و قانونی قومیت‌ها، فرصت سوءاستفاده دشمن فراهم می‌شود و فرصت تنوع قومی که می‌تواند به تقویت هویت ملی منتهی شود، به تهدید و چالشی بس خطرناک تبدیل می‌شود.

برای ارائه مدلی در زمینه تقویت همدلی قومی-فرهنگی با استفاده از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی، به بررسی شرایط علی و زمینه‌ای و ارائه راهبرد برای رسیدن به نتایج پرداختیم. در این پژوهش، مقوله محوری همدلی قومی-فرهنگی شامل ایجاد همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان ابزار تقویت انسجام ملی شناسایی بود. هدف این پژوهش، دستیابی به مدل همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد انسجام ملی بود، اما با توجه به اینکه عوامل دیگری در کنار شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایجاد همدلی قومی-فرهنگی نقش دارند، علاوه بر ابعاد و نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی، سایر عوامل از جمله عوامل حاکمیتی، مردمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، قانونی، تاریخی، سیاسی و ملی در خصوص ایجاد همدلی قومی-فرهنگی نیز به دست آمد.

مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های خود همگی به تعریف و ارائه ابعاد مختلف همدلی پرداختند و همدلی را به معنای درک شرایط دیگران، همدل‌بودن ذاتی ایرانیان و نقش همدلی در ایجاد همبستگی و انسجام دانستند و از شرایط علی ایجاد همدلی قومی-فرهنگی، بیان توانمندی‌های اقوام، مشارکت سیاسی و تقویت جامعه مدنی دانستند. همچنین آموزش و خودآگاهی را در ایجاد ارتباطات میان قومی و آموزش و تربیت از دیگر شرایط علی دانستند. آن‌ها ذاتی‌بودن تنوع قومی و ارتقای نشاط اجتماعی را از دیگر شرایط علی شناختند. آن‌ها عدالت قومی را رعایت انصاف و عدالت در برخورد با اقوام، توسعه متوازن، تسهیلات و تأمین معیشت اقوام، رعایت حقوق شهروندی، توجه به حقوق اقوام در قانون اساسی، پیوند

فرهنگی، توجه به منافع مشترک اقوام را از شرایط علی دانستند. پیوند اشتراکات فرهنگی شامل پیوند فرهنگی و توجه به منافع مشترک ازجمله کدهایی بود که جزو شرایط علی محسوب شدند. اتحاد ملی ازجمله شرایط علی است که شامل استفاده مطلوب از فضای مجازی، زبان فارسی به عنوان مادر زبان‌ها، آداب و رسوم مشترک، دفاع ملی، مام میهن، آثار سنتی ملموس و غیرملموس، ملیت و ملی‌گرایی، نمادهای مشترک دینی، آیینی و ملی، تقویت حس وطن‌دوستی، ارتقای هویت ملی و همگرایی و حفظ خرده‌فرهنگ‌ها می‌شود. کثرت‌گرایی از موارد مهم دیگر شرایط علی ذکر شد که کدهای به‌دست‌آمده از آن شامل هم‌افزایی، نسبیّت فرهنگی، پذیرش دیدگاه‌های مثبت اقوام، حفظ سرمایه اجتماعی، تبادل فرهنگی، تقویت همگرایی قومی، آزادی و پذیرش اقوام می‌شود. همزیستی مورد دیگر مطرح شده بود که شامل زندگی جمعی، پذیرش اقوام و توجه به تنوع قومی اقوام بود. همچنین قوم‌مداری از دیگر شرایط علی همدلی قومی-فرهنگی بود که شامل قوم‌محوری، واگرایی قومی، نبود نگاه جنسیتی و نگاه ابزاری استعمار به اقوام بود.

شرایط بسترساز یا زمینه‌ای ایجاد همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی عبارت‌اند از: کنشگری قومی شامل همزیستی قومی و گفت‌وگوی میان‌قومی بود. مفهوم نگرش‌های قومی شامل حقوق قومی-فرهنگی، اشتراکات میان‌قومی و تنوع‌پذیری کدهایی بود که در طول مصاحبه‌ها به دست آمد. تشخیص قومی، هویت قومی و سواد فرهنگی، ارزش‌های قومی شامل عدالت قومی و رهبری قومی ازجمله کدهای به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها بود که از عوامل بسترساز یا زمینه‌ای همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی با رویکرد انسجام ملی است.

شرایط مداخله‌گر در ایجاد همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد انسجام ملی این‌گونه به دست آمد. آموزش فرهنگی شامل آموزش رسمی و آموزش پنهان، نمادسازی شامل اسطوره‌سازی و بازخوانی تاریخی، مدیریت تفاوت‌های فرهنگی شامل تنش‌زدایی و حساسیت فرهنگی، مداخله سیاسی، یکسان‌سازی، تکثرپذیری و

تنش‌زایی ازجمله کدهای به‌دست‌آمده در طول مصاحبه‌ها بود. همچنین مداخلات میان‌فرهنگی شامل چند فرهنگ‌گرایی و تفکر فرهنگ‌گرایی از مواردی بوده است که به‌عنوان عوامل مداخله‌گر در ایجاد همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی مؤثر بوده‌اند.

استراتژی‌های (راهبردها) برای ایجاد همدلی قومی-فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با رویکرد انسجام ملی حاوی مفاهیم و پذیرش تنوع قومی شامل فرصت‌شمردن تنوع قومی، نبود نگاه مجهول و معضل‌دار به اقوام، توجه به تنوع زبانی و احترام به تفاوت‌های فرهنگی اقوام، توجه به توانمندی‌های اقوام، عدالت و توسعه شامل کدهای رعایت عدالت و انصاف، توزیع عادلانه ثروت و قدرت و توسعه متوازن منطقه‌ای بودند. همچنین تولید محصول و محتوا درباره توانمندی‌های اقوام، تفریح و تبلیغات، بازاریابی، برندسازی، رقابت‌پذیری درباره توانمندی‌ها و پتانسیل‌های اقوام و بهره‌گیری از تعالیم دینی به‌منظور تقویت اخوت و برادری بین تمامی اقوام ازجمله کدهایی بوده‌اند که در طول مصاحبه‌ها به دست آمدند.

پیامدهای مثبت ناشی از به‌کارگیری راهبردها عبارت‌اند از: ایجاد همدلی شامل ایجاد سلامت اجتماعی و ایجاد همبستگی، مشارکت‌پذیری شامل ارتقای مشارکت، تحکیم پیوند اقوام و احساس هویت و تعلق، اسطوره‌پردازی شامل تقویت نمادهای قومی و شناسایی اسطوره‌ها، عدالت قومی با توسعه هم‌جانبه و متوازن، ایجاد انسجام ملی شامل ارتقای حس میهن‌دوستی و هم‌افزایی، مشارکت مدنی، ارتقای امنیت ملی شامل تفاهم، وحدت و وفاق، حفظ سرمایه اجتماعی، ارتقای اعتماد اجتماعی و افزایش نشاط اجتماعی، رونق اقتصادی شامل ارتقای وضعیت معیشتی مناطق قوم‌نشین، ارتقای فضای کسب‌وکار و رشد اقتصادی در مناطق قوم‌نشین.

پیامدهای منفی ناشی از اجرایی‌نشدن راهبردها در ابعاد مختلف عبارت‌اند از: کاهش انسجام شامل انشقاق و جدایی، افزایش چالش و مناقشات بین قومی، کاهش اعتماد

اجتماعی؛ قوم گرایی شامل افزایش عصبیت قومی، تهدید و کشمکش بین قومی؛ واگرایی قومی: شامل ایجاد واگرایی، افزایش خاصیت گریز از مرکز اقوام، احساس محرومیت نسبی؛ تهدید امنیت ملی شامل تجزیه طلبی، نبود امنیت در مرزهای قومی، افزایش جنبش های قومی، کاهش تعلق و هویت ملی، افزایش تعلق و هویت قومی.

در نهایت برای برخورد با چالش های عنوان شده و رفع کارکردهای منفی و استفاده از کارکردهای مثبت، در جهت تقویت همدلی قومی-فرهنگی از طریق بستر شبکه های اجتماعی راهبردها، پیشنهادهای زیر مشخص شد.

۲.۵. پیشنهادات کاربردی

۱.۲.۵. برنامه ریزی و سیاست های حاکمیت

- پذیرش سلیقه ها و نظرهای متفاوت و سازنده شبکه های اجتماعی مجازی و ارائه معیارها و ملاک های صحیح برای ایجاد وحدت و انسجام ملی در سطح جامعه؛
- تأکید بر اشتراکات اقوام به ویژه اشتراکات دینی بین شیعه و سنی و جلوگیری از نزاع بین شیعه و سنی با تأکید بر وحدت کلمه؛

تلاش و برنامه ریزی در جهت جلب اعتماد گروه های مختلف قومی از طریق عملکردهای بهینه مدیریتی و مشارکت دادن واقعی اقوام در تصمیم گیری ها، سیاست گذاری ها، برنامه ریزی ها و امور اجرایی از طریق تشکیل شوراهای NGO ها و تدوین ضوابط، مقررات، آیین نامه ها و قوانین مرتبط؛

- ایجاد فضای بهینه برای اظهار نظرهای قومی از طریق شبکه های اجتماعی مجازی و سایر رسانه های گروهی غیردولتی و نیز هدایت گروه های قومی به سوی شکل های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای مشارکت در امور و فعالیت های اجتماعی و در راستای هدف های برنامه توسعه انسانی پایدار و موزون در سطح کشور؛

- تلاش برای گسترش حسن تفاهم فرهنگی و اجتماعی بین گروه های قومی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از طریق اعمال مدیریت فراگروهی و فراقومی.

-برنامه‌ریزی برای بیان خاطرات تاریخی، حافظه جمعی، پیوندهای مشترک تاریخی ایرانی به صورت برجسته در شبکه‌های اجتماعی مجازی نماد و نمود پیدا کند؛

-راه‌اندازی کارگروه‌های فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با موضوع قوم‌شناسی و معرفی ویژگی‌های اقوام؛

-ایجاد فضای بهینه برای اظهارنظرهای قومی از طریق گسترش نشریات تخصصی و عمومی و سایر رسانه‌های گروهی غیردولتی و نیز هدایت گروه‌های قومی به سوی تشکلهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای مشارکت در امور و فعالیت‌های اجتماعی در راستای اهداف برنامه توسعه انسانی پایدار و موزون در سطح کشور؛

-احترام به حقوق فردی و اجتماعی اقوام در چهارچوب قانون اساسی و قوانین مصوب و تعهد به اجرای آن‌ها از سوی مدیریت جامعه؛

-از کارشناسان و صاحب‌نظران اقوام در جهت تولید محصول و محتوای غنی و مؤثر درباره اقوام کمک گرفته شود؛

-تولید محصول و محتوا با محوریت توانمندی‌های اقوام می‌تواند در دستور کار فعالیت‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی قرار گیرد؛

-استفاده از زبان‌های محلی و قومی در شبکه‌های اجتماعی مجازی و سایر رسانه‌های جمعی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس و دانشگاه‌ها در کنار زبان فارسی با توجه به اصل ۱۵ قانون اساسی؛

-با به‌کارگیری راهبردهای ارائه‌شده می‌توان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی را به صورت کانالیزه و هدفمند مدیریت کرد و سبب همگرایی مؤلفه‌های متعارض در ایجاد همدلی قومی-فرهنگی شد؛

-ایجاد تمایز بین هویت واقعی و مجازی ناشی از فردی شدن هویت در فضای مجازی است؛ در نتیجه هویت ملی مجازی و واقعی نیز تفاوت‌های زیادی دارد که می‌باید رفع شود.

-حضور اندیشمندان و افراد تأثیرگذار در شبکه‌های اجتماعی مجازی هنجارمحور مؤثر است؛ بدین صورت که با تعریف هنجارها توسط مراجع سیاست‌گذار و ترویج آن‌ها در سطح شبکه‌های اجتماعی توسط افراد تأثیرگذار^۱ می‌توان این امر را ارتقا بخشید.

-سیاست‌گذاری در شبکه‌های اجتماعی مجازی باید به گونه‌ای باشد که تمام اقوام ایران در تمام نقاط کشورمان این احساس را داشته باشند که می‌توانند مانند دیگر اقوام از تمام امکانات کشور استفاده کنند.

-حقوق شهروندی برای تمام افراد به صورت مساوی در سطح جامعه به صورت مشهود و ملموس وجود داشته باشد؛

-از بسط محرومیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در تمامی نواحی کشور به صورت عینی و ملموس به ویژه در مناطق قومی‌نشین جلوگیری شود.

۵.۲.۲. ارتقای شفافیت

یکی از اهداف اصلی این راهبرد، از بین بردن دوگانگی در فضای مجازی و واقعی است. این دوگانگی به دلیل نبود شفافیت و شناخته‌نشدن فرد در فضای مجازی رخ می‌دهد که به دلیل ارائه اطلاعات کاربری خلاف واقع باعث ایجاد انشقاق بین اقوام می‌شود. با ارتقای شفافیت و شناسایی^۲ افراد از روش‌های مختلف مثل دریافت اطلاعات هویتی کاربر می‌توان در راستای از بین بردن انشقاق و ایجاد همدلی قومی-فرهنگی گام برداشت.

به منظور ارتقای اعتماد اقوام به یکدیگر و اعتماد به حاکمیت، شبکه ملی و شبکه‌های اجتماعی داخلی، برای تولید محصول و محتوای غنی اقوام اقدام شود و اطلاع‌رسانی قوی صورت پذیرد. همچنین برای شبکه‌های اجتماعی مجازی داخلی طوری برنامه‌ریزی شود تا همه اقوام به آن‌ها اعتماد داشته باشند و توانمندی‌های خود را در این شبکه‌ها ارائه کنند.

1. Influencers

2. Authentication

۳.۵. پیشنهادهای پژوهشی

پیشنهادهای پژوهشی به منظور انجام دادن پژوهش‌های آینده در راستای این مطالعه عبارت‌اند از:

- پیشنهاد می‌شود با استفاده از سایر رویکردهای داده‌بنیاد (روش گیلزر و چارمز) نیز پژوهش متناظر انجام شود و نتایج با پژوهش حاضر مقایسه شود؛
- پیشنهاد می‌شود راهبردهای این مدل در یکی از استان‌های قوم‌نشین عملیاتی شود و نتایج به‌طور عملی بررسی شود؛
- انجام دادن مطالعات کمی و بررسی آثار شبکه‌های اجتماعی مجازی بر ایجاد همدلی قومی-فرهنگی و مقایسه با نتایج این پژوهش سودمند است؛
- مطالعات ایران‌شناسی و قوم‌شناسی برای تدوین سیاست‌گذاری‌های دقیق و صحیح در جهت تحکیم هویت ملی ایرانی، با ویژگی خرده‌فرهنگ‌ها و قومیت‌ها گسترش پیدا کند.

کتاب‌نامه

۱. احمدی پور، ز.، و آستا، ی. (۱۳۹۴). انسجام ملی و توسعه پایدار گردشگری در مناطق مرزی؛ نمونه موردی استان آذربایجان غربی، مقاله ارائه‌شده در هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک / ایران، همدلی اقوام ایرانی: انسجام و اقتدار ملی، دانشگاه کردستان، سنندج.
۲. آلون، ل. (۱۳۷۸). *تغییری اجتماعی و توسعه* (م. مظاهری، مترجم). تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. امان‌اللهی بهاروند، س. (۱۳۸۰). بررسی علل گونه‌گونی قومی در ایران از دیدگاه انسان‌شناسی. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۳(۹)، ۱۳-۳۴.
۴. امانی، م. (۱۳۹۴). نقش همدلی اقوام ایرانی در مشارکت سیاسی. مقاله ارائه‌شده در همایش همدلی اقوام ایرانی، انسجام و اقتدار ملی، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.

۵. ایمانی، م.، شفیعی، م.، و مرجانی، ت. (۱۳۹۷). بررسی مهارت‌های همدلی قومی-فرهنگی کارکنان هتل‌ها با مشتریان (مورد مطالعه: گروه هتل‌های پارسیان). گردشگری و توسعه، ۱۷(۱)، ۱۷۹-۱۹۴.
۶. برتون، ر. (۱۳۸۴). قوم‌شناسی سیاسی (ن، فکوهی، مترجم). تهران: نشر نی.
۷. تقی‌پور، ف. (۱۳۹۶). واکاوی شبکه‌های اجتماعی مجازی (چاپ اول). اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۸. جلالی‌فراهانی، ا.، و باقری اصل، ر. (۱۳۸۷). پیشگیری از جرائم و انحرافات سایبری. مجلس و پژوهش، ۱۴(۵۵)، ۱۲۱-۱۵۵.
۹. چلبی، م.، و یوسفی، ع. (۱۳۸۰). روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت اقوام در ایران. فصلنامه مطالعات ملی، ۱، ۴۲-۱۱.
۱۰. حیدری، غ.، و حیدری بنی، ز. (۱۳۹۳). بررسی چالش‌های قدرت ملی در ایران با تأکید بر بحران هویت ملی. ژئوپلیتیک، ۱۰(۱)، ۶۰-۸۲.
۱۱. حیدریان، م. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مبادلات مرزی بر همدلی اقوام. مقاله ارائه‌شده در همایش همدلی اقوام ایرانی، انسجام و اقتدار ملی، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
۱۲. خانیکی، ا. (۱۳۹۲). شبکه‌های اجتماعی و امنیت ملی، تهدیدات و فرصت‌ها. مقاله ارائه‌شده در همایش تخصصی بررسی ابعاد شبکه‌های اجتماعی، تهران.
۱۳. خانیکی، ه.، و زندیه، ز. (۱۳۹۸). طراحی الگوی کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۲۶(۱)، ۹-۴۰.
۱۴. خضری، د. (۱۳۹۱). الزامات امنیت ملی در فضای سایبر. مقاله ارائه‌شده در پنجمین کنگره/انجمن: ژئوپلیتیک ایران: قابلیت‌ها و ظرفیت‌های کاربردی جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت.
۱۵. رهبرقاضی، م.، و ایمانیان مفرد، ز. (۱۳۹۶). بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روی هویت ملی. دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قدرت نرم، ۷(۱۷)، ۷۷-۱۰۵.
۱۶. روشندل اربطانی، ط.، و مولایی، س. م. (۱۳۹۷). ارائه مدل تقویت هویت ملی جوانان با استفاده از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی داخلی. مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۹(۴۲)، ۱۱۹-۱۴۳.

۱۷. ساروخانی، ب. و دربیکی، ب (۱۳۹۰). مشارکت رسانه‌های جدید در قلمروی سیاست. *پژوهشنامه رسانه و مشارکت سیاسی*، ۵۰، ۱۴۵-۱۶۲.
۱۸. سیدامامی، ک. (۱۳۸۵). قومیت از منظر سیاست‌های هویت. *نشریه علمی-پژوهشی دانش سیاسی*، ۲(۱)، ۱۴۳-۱۶۶.
۱۹. شارع‌پور، م. (۱۳۸۶). نقش شبکه‌های اجتماعی در بازتولید نابرابری آموزشی. *مجله تعلیم تربیت*، ۹۱، ۱۶۵-۱۸۰.
۲۰. شریفی، س. و خوشنویسان، ف. (۱۳۹۷). تحلیلی بر توانایی همدلی قومی-فرهنگی در کلان شهر تهران. *راهبرد فرهنگ*، ۱۱(۴۱)، ۱۹۹-۲۱۹.
۲۱. صالحی امیری، س. ر. (۱۳۸۸). *انسجام ملی و تنوع فرهنگی*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲۲. عاملی، س. (۱۳۸۸). *شبکه‌های اجتماعی مجازی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲۳. علی‌اکبری، م.، کاکا جویباری، ع.، امیرآبادی، ف.، شقاقی، ف.، زارع، ن. و خالقی، ف. (۱۳۹۲). بررسی نقش تئوری ذهن و کارکرد اجرایی در پیش‌بینی همدلی. *فصلنامه علمی پژوهشی علوم شناختی*، ۲، ۱-۱۰.
۲۴. کیومرث، م. (۱۳۹۸). گردشگری پایدار، راهکاری برای توسعه مناطق مرزی (مطالعه موردی: استان کرمانشاه). *نشریه پژوهش گردشگری*، ۱(۲)، ۴۶-۶۳.
۲۵. مصر آبادی، ج. و یارمحمدزاده، پ. (۱۳۹۲). بررسی مقایسه‌ای ابعاد هویت قومی، ملی و جهانی؛ دانشجویان قومیت‌های مختلف دانشگاه شهید مدنی آذربایجان. مقاله ارائه شده در همایش قومیت و فرهنگ ایران اسلامی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی تبریز.
۲۶. مهری، ک. (۱۳۹۶). نقش اقوام در همبستگی ملی. *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۴(۱۶)، ۱۵۳-۱۷۴.
۲۷. میلر، د. (۱۳۸۳). *ملیت* (د. غرایق زندگی، مترجم). تهران: انتشارات تمدن ایرانی.

28. Bagci, S. C., & Çelebi, E. (2018). Are your cross-ethnic friends ethnic and/or national group identifiers? The role of own and perceived cross-ethnic friend's identities on outgroup attitudes and multiculturalism. *European Journal of Social Psychology*, 48(1), O36-O50.

29. Bennett, E. E., & McWhorter, R. R. (2019). Social movement learning and social innovation: Empathy, agency, and the design of solutions to unmet social needs. *Advances in Developing Human Resources*, 21(2), 224-249.
30. Eisenberg, N., & Miller, P. A. (1987). The relation of empathy to prosocial and related behaviors. *Psychological bulletin*, 101(1), 91.
31. Eklund, J. (2011). *Empathy as feeling, understanding and care*. Unpublished manuscript, School of Sustainable Development of Society and Technology, Mälardalen University.
32. Goldman, B. M., Chang, P. S., Meddaugh, J. R., & Daddona, M. F. (2019). Stimulating a response: Does exposure to the confederate flag impact people's attitudes regarding social dominance orientation, ethnocultural empathy, and their political beliefs? *The Journal of Public and Professional Sociology*, 11(1), 1-23.
33. Hodges, S. D., & Klein, K. J. (2001). Regulating the costs of empathy: The price of being human. *The Journal of Socio-Economics*, 30(5), 437-452.
34. Jolliffe, D., & Farrington, D. P. (2006). Development and validation of the Basic Empathy Scale. *Journal of Adolescence*, 29(4), 589-611.
35. Lamm, C., Batson, C. D., & Decety, J. (2007). The neural substrate of human empathy: effects of perspective-taking and cognitive appraisal. *Journal of Cognitive Neuroscience*, 19(1), 42-58.
36. Mitchell, G. D. (1981). *A new dictionary of sociology*. London: Routledge & Kegan paul.
37. Rasool, C., Jungert, T., Hau, S., & Andersson, G. (2011). Development of a Swedish version of the scale of ethnocultural empathy. *Psychology*, 2(6), 568-573.
38. Rodríguez-Hidalgo, A. J., Solera, E., & Calmaestra, J. (2018). Psychological predictors of cyberbullying according to ethnic-cultural origin in adolescents: a national study in Spain. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 49(10), 1506-1522.
39. Sue, H. T., Yau, Y., & J. Mao. (1995). *Micro skills in Multicultural Counseling*. Unpublished Manuscript.
40. VanDeusen, A. J. (2019). A cultural immersion field experience: Examining preservice music teachers' beliefs about cultural differences in the music classroom. *Journal of Music Teacher Education*, 28(3), 43-57.
41. VanDeusen, A. J. (2019). A cultural immersion field experience: Examining preservice music teachers' beliefs about cultural differences in the music classroom. *Journal of Music Teacher Education*, 28(3), 43-57.
42. Wang, Y. W., Davidson, M. M., Yakushko, O. F., Savory, H. B., Tan, J. A., & Bieier, J. K. (2003). The Scale of Ethnocultural Empathy: Development, validation, and reliability. *Journal of Consulting Psychology*, 50(2), 221-234.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

فهم ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی در حاشیه شهر مشهد: (مطالعه موردی محله قلعه‌خیابان مشهد)

احمد رمضانی فرخ (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

ahmad.ramezani60@gmail.com

حسین اکبری (دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

h-akbari@um.ac.ir

مجید فولادیان (دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

fouladiyan@um.ac.ir

میثم موسایی (استاد گروه برنامه‌ریزی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

mousaaei@ut.ac.ir

چکیده

اقتصاد غیررسمی نمودی از تحولات جهان سرمایه‌داری است که بخش مهمی از اقتصاد را در شهرها تشکیل می‌دهد. هدف اصلی این پژوهش شناسایی و فهم ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی در حاشیه شهر مشهد بوده است. به منظور دستیابی به این هدف، ابتدا ضمن شناسایی مشاغل غیررسمی در محله قلعه‌خیابان به طبقه‌بندی و توصیف مشاغل غیررسمی اقدام شد. برای دستیابی به این یافته، از روش تحقیق کیفی و تکنیک‌های مشاهده و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۷ نفر در چارچوب نمونه‌گیری نظری بهره گرفته‌ایم. جامعه آماری این پژوهش ساکنان، کسبه، اعضای شورای اجتماعی محلات و نخبگان محله‌ای بودند که در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در محله قلعه خیابان مشهد سکونت داشتند. همچنین ما برای فهم ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی از تکنیک مصاحبه گروه کانونی (گروه ۱۶ نفر از خبرگان محلی) استفاده کردیم. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش

حاکی از آن است که در محله قلعه خیابان ۸۴ شغل در حوزه غیررسمی اقتصاد فعال است که در ۲۱ رسته شغلی قرار می گیرند. فهم ابعاد جامعه شناختی مشاغل غیررسمی نشان داد برپایه هشت متغیر شامل تداوم بخشی به فقر، حضور زنان و کودکان، منزلت اجتماعی، پردشدگی اجتماعی، خاص گرایی شغلی، سلامت اجتماعی، ناپایداری شغلی و احساس بی قدرتی منتج شده از مصاحبه های محقق با گروه کانونی و منطبق بر رویکرد نظری این تحقیق، می توان مشاغل اقتصاد غیررسمی را تحلیل کیفی کرد؛ به گونه ای که براساس کمیت ارائه شده برای این متغیرها با استفاده از تحلیل عاملی و تحلیل خوشه ای، مشاغل شناسایی شده در این محله در قالب دو گونه اصلی مشاغل غیررسمی و مشاغل شبه رسمی نوع شناسی شدند.

کلیدواژه ها: اقتصاد غیررسمی، مشاغل غیررسمی، قلعه خیابان، تحلیل عاملی، تحلیل

خوشه ای.

۱. مقدمه

رشد روزافزون شهرها در تمامی کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه به همراه الگوهای توسعه نابرابر از یک سو و از سوی دیگر وضعیت محیطی و اقلیمی و متغیرهای اجتماعی و فرهنگی، زمینه وقوع مهاجرت های گسترده از مناطق کمتر برخوردار روستایی به شهرهای دارای جاذبه را فراهم کرده است (نقدی، روئین تن، حقیریان، شاهرخ و خانین، ۱۴۰۰، ص. ۲۵۰). شهرهای این کشورها ظرفیت و توانایی جذب و مدیریت فضایی و اقتصادی این حجم از مهاجران را در مدتی اندک ندارند؛ بنابراین به دلایل ذکر شده سکونتگاه های غیررسمی به عنوان پدیده ای شهری در کشورهای مختلف جهان و از جمله ایران شکل گرفته اند و گسترش یافته اند. علاوه بر این، رشد نامتوازن اقتصاد شهری به تبع این گسترش جمعیت در این مناطق سبب افزایش تضاد طبقاتی در شهرها شده است که پیامدهای آن پدیده ای موسوم به فقر شهری است. امروزه تلاش برای رهایی از فقر اقتصادی در کنار ناتوانی اقتصاد رسمی در پاسخگویی به نیاز گسترده عرضه نیروی کار، پدیده اشتغال

در بخش غیررسمی اقتصاد را در فضای کلان‌شهرها به‌عنوان یک مسئله اجتماعی شهری مطرح کرده است (احمدی و حامد، ۱۳۹۹).

شهر مشهد به دلیل داشتن ویژگی‌های مذهبی، صنعتی و تمرکزگرایی منابع اقتصادی، بهداشتی، فرهنگی، سیاسی در مقایسه با سایر شهرها، همواره به‌عنوان مقصدی جذاب مورد توجه مهاجران بوده است. در دهه‌های گذشته سیل مهاجرت به شهر مشهد به همراه نبود برنامه‌ریزی در مدیریت شهری، سبب گسترش فضاهای سکونتگاه‌های غیررسمی در این شهر شده است.

جدول ۱- جمعیت و مساحت حاشیه‌نشینان در مشهد

منبع: آمار اطلس شهر مشهد ۱۴۰۰

سال	وسعت شهر مشهد (کیلومتر مربع)	وسعت حاشیه شهر (کیلومتر مربع)	نسبت وسعت حاشیه شهر به کل وسعت شهری (درصد)	جمعیت شهر مشهد (نفر)	جمعیت حاشیه شهر مشهد (نفر)	درصد جمعیت حاشیه به شهر مشهد (درصد)
۱۳۵۵	۷۸	۸/۵	۱۰	۶۶۷,۷۷۰	۴۶,۲۶۲	۷
۱۳۶۵	۲۰۱	-	-	۱,۴۶۳,۵۰۸	۷۴,۸۹۴	۵
۱۳۷۵	۲۰۳	-	-	۱,۸۹۱,۵۱۸	۱۴۸,۹۵۸	۸
۱۳۸۵	۲۵۷	۲۷/۵	۱۱	۲,۴۲۷,۲۹۱	۴۷۸,۹۹۴	۲۰
۱۳۹۰	۳۲۸	۳۸/۹	۱۲	۲,۷۷۲,۲۸۷	۸۸۳,۴۸۵	۳۲
۱۳۹۵	۳۵۱	۳۸/۹	۱۱	۳,۰۶۲,۲۴۲	۱,۱۹۳,۱۹۶	۳۹

مطابق با یافته‌های جدول ۱، در فاصله سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۵ جمعیت حاشیه شهر مشهد در یک دوره‌ای سی‌ساله تقریباً ۱۶ برابر شده است؛ درحالی‌که جمعیت شهری در طول این دوره تقریباً دو برابر شده است. جمعیت حاشیه‌نشین براساس آمار سرشماری نفوس مسکن سال ۱۳۹۵، ۱,۱۹۳,۱۹۶ نفر برآورد می‌شود که مانند کمربندی دور تا دور شهر مشهد را در بخش‌های شمال، شمال شرق و شمال غرب در هشت

پهنه و ۶۶ محله شهری به وسعت ۳۸۹۴ هکتار فراگرفته است (آمارنامه حاشیه شهر مشهد، ۱۳۹۹). یکی از دغدغه‌هایی که در حوزه حاشیه‌نشینی وجود دارد، نحوه بازتولید و تداوم سکونت حاشیه‌نشین است که بیشترین ارتباط با اشتغال در بخش غیررسمی اقتصاد دارد. آمارهای اقتصادی سال ۱۳۹۸ در شهر مشهد حاکی از آن است که نرخ مشارکت اقتصادی^۱ ۴۷/۲۵، نرخ اشتغال ناقص^۲ ۱۳/۳۲ و نرخ بیکاری ۸/۴ است؛ به عبارتی در این شهر ۱۱۰،۳۹۳ نفر (۸۰،۴۵۰ مرد و ۲۹،۹۴۳ زن) به صورت رسمی بیکار هستند؛ بنابراین با توجه گستردگی جمعیت حاشیه‌نشین در شهر مشهد و آمارهای معرفی‌شده، تلاش برای رهایی از فقر اقتصادی و بیکاری، پدیده اشتغال در بخش غیررسمی را در شهر مشهد بسیار برجسته کرده است؛ به طوری که وجود بیش از ۵،۳۰۰ دست فروش مجوزدار^۳، ۶۲،۰۰۰ کارگر ساختمانی ثبت شده^۴، ۷۶۹،۷۴۲ نفر زن خانه‌دار^۵ و بیش از ۴۷۰۰ نفر متکدی^۶ خود مبین این موضوع مهم است؛ هرچند نباید از عوامل کلان اقتصادی در طی سال‌های گذشته همچون نوسانات ارزی، تحریم، تورم، تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی و تأثیر آن بر گسترش اقتصاد غیررسمی در کلان‌شهر مشهد غافل ماند.

بنابراین هدف پژوهش حاضر شناسایی و فهم ابعاد اقتصاد غیررسمی در حاشیه شهر مشهد می‌باشد، لذا مطالعه حاضر در راستای پاسخگویی به این سوال شکل گرفته است که چه انواعی از اقتصاد غیررسمی در حاشیه شهر مشهد شکل گرفته است و چگونه می‌توان ابزاری برای فهم ابعاد جامعه‌شناختی این پدیده اقتصادی ارائه کرد؟

۱. درصد جمعیت دارای درآمد به کل جمعیت بیشتر از ۱۵ سال

۲. کسانی که کمتر از ۴۴ ساعت کار کرده‌اند.

۳. آمار ثبت شده سازمان میادین شهرداری مشهد در سال ۱۳۹۸

۴. آمار ثبت شده سازمان میادین شهرداری مشهد در سال ۱۳۹۹

۵. آمار سرشماری نفوس مسکن در سال ۱۳۹۵

۶. آمار دستگیرشدگان سازمان اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۳۹۹

۲. مبانی نظری تحقیق

۱. پیشینه تحقیق

مرور پیشینه تجربی نشان می‌دهد (جدول ۲) پژوهش‌های انجام‌شده درباره اقتصاد غیررسمی را می‌توان به چهار دسته طبقه‌بندی کرد: الف- برخی پژوهش‌ها با رویکرد کلان اقتصادی و اقتصادسنجی، حجم اقتصاد غیررسمی را اندازه‌گیری کرده‌اند، ب- برخی پژوهش‌ها نیز به بررسی عوامل شکل‌گیری و گسترش اقتصاد غیررسمی پرداخته‌اند، ج- در دسته سوم، پژوهش‌ها به بررسی و سنجش اثرات اقتصاد غیررسمی بر متغیرهای مختلف پرداخته‌اند و د- دسته آخر شامل مطالعاتی می‌شود که به تحلیل وضعیت شاغلان بخش اقتصادی پرداخته‌اند.

جدول ۲- پیشینه تجربی تحقیق

محور پژوهش‌ها	محققان سال اجراء	روش تحقیق	مهمترین نتایج
برآورد حجم اقتصاد غیررسمی	اشنایدر، بوهن و مونته نگو (۲۰۰۷)	علل چندگانه	تولید سرانه، شاخص آزادی، فساد ارتباط معنادار با حجم اقتصاد زیر زمینی دارد.
	مدینا و اشنایدر (۲۰۱۷)	علل چندگانه	افزایش بار مالیاتی، پرداخت تأمین اجتماعی، سخت گیرانه بودن قوانین بازار کار بر روی اقتصاد غیر رسمی مؤثرند.
	خانزادی و دل‌انگیزان (۱۳۹۹)	علل چندگانه	نرخ بیکاری، مالیات، تورم، تولید ناخالص داخلی، حجم دولت، متغیرهای مؤثر بر اقتصاد زیرزمینی در استان کرمانشاه در دوره زمانی مورد بررسی است.
	مطلبی، علیزاده و فرجی (۱۳۹۸)	رگرسیون	متغیرهای بار مالیات بر واردات، درآمد حاصل از منابع طبیعی، نرخ بیکاری، نرخ تورم، کسری بودجه علت به وجود آمدن اقتصاد غیر رسمی در کشور هستند.
عوامل شکل‌گیری	فراحتی (۱۳۹۹)	رگرسیون	جایگزینی مالیات بر ثروت برای مالیات بر درآمد، مالیات بر کالا و خدمات، مالیات بر شرکت‌ها یا مالیات بر واردات اندازه

محور پژوهش‌ها	محققان سال اجراء	روش تحقیق	مهمترین نتایج
و گسترش اقتصاد غیررسمی			اقتصاد سایه را کاهش می‌دهد.
	شوهانی (۱۳۹۸)	پیمایش	فقدان سرمایه کافی و تحصیلات مناسب، مهاجرت های روستا- شهری نقش بسزایی در گسترش و ایجاد این بخش از اقتصاد دارند. محل سکونت شاغلان بخش اقتصاد غیر رسمی در حاشیه شهر و بخش فقیر نشین شهر است.
	صدر موسوی، پورمحمدی و ظفری (۱۳۹۵)	پیمایش	فقدان سرمایه کافی، تحصیلات مناسب، مهاجرت روستا- شهری سبب ایجاد اقتصاد غیررسمی شده است.
اثرات اقتصاد غیررسمی	آقاجری، زراء نژاد و اکبرزاده (۱۳۹۷)	روش داده های ترکیبی	اثر منفی اقتصاد زیر زمینی، افزایش نابرابری در توزیع درآمد و سطح توسعه اجتماعی است.
	کریمی موغاری، زورکی و احمدی (۱۳۹۷)	تحلیل داده	یکی از مهم ترین آثار اقتصاد غیر رسمی، از دست رفتن منابع سازمان تأمین اجتماعی و ورشکستگی این سازمان است.
	اشنایدر و مدینا (۲۰۱۸)	پیمایش	مالیات، میزان فراغت و عرضه نیروی کار با اشتغال در اقتصاد غیررسمی رابطه دارد.
	نسترن، ربیعی و عبدخدا (۱۳۹۸)	پیمایش	در مناطقی که تمرکز اشتغال غیررسمی در (محدوده مرکزی) بیشتر است، در مقایسه با محدوده پیرامونی، ناپایداری اجتماعی شدیدتر است.
تحلیل وضعیت شاغلان اقتصاد غیررسمی	کریمی موغاری و زورکی (۱۳۹۷)	پیمایش	افزایش سن، تحصیلات و متأهل بودن اشتغال غیر رسمی را کاهش می‌دهند.
	جعفری، ذکایی، زاهدی اصل و مؤمنی (۱۳۹۹)	کیفی (گراندد تئوری)	اشتغال غیر رسمی نوعی سازو کار بقا گرایانه به شمار می‌رود و کارگران زن با سرمایه تهی و تجربه کاستی قدرتی در چهارگانه حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و روانشناختی وارد این گسترده شده در آن می‌مانند یا از آن خروج می‌یابند.
	پرفرا، بور و فورکورسانچز مورال (۲۰۱۹)	پیمایش	شاغلان زن مشاغل غیررسمی با کمبود مشتری، نبود توانایی در پرداخت بدهی، منابع مالی، کمبود تجهیزات سرمایه و چالش های قانونی روبه‌رو هستند.
	هنلی و اربشیانی (۲۰۰۹)	پیمایش	سطح پایین سواد، ضعف سیستم های حمایتی اجتماعی، امنیت شغلی در گسترش اشتغال غیر رسمی مؤثر است.

مرور پیشینه نشان می‌دهد که با وجود گستردگی اقتصاد غیررسمی و پیچیدگی‌هایش، پژوهش علمی کمی نسبت به تحلیل جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی در محلات شهری صورت گرفته است و عمده جهت‌گیری پژوهش‌ها در ایران به سمت مشاغل غیررسمی آشکار مانند دست‌فروشی، کارگران ساختمانی و... بوده است و به گستردگی فعالیت‌های اقتصاد غیررسمی توجه نشده است. همچنین برآیند یافته‌های پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد مالیات، نرخ تورم، نرخ بیکاری، فقر، سطح سواد، قوانین دولتی و سیاست‌های حمایت اجتماعی پرکاربردترین متغیرهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر بر اقتصاد غیررسمی بوده‌اند؛ یافته‌هایی که بیشتر با تأکید بر روش‌های کمی برپایه مدل‌سازی و مستخرج از اطلاعات و داده‌های ثبتي به دست آمده است و به بررسی رفتارها، فهم ذهنی، زمینه‌های اجتماعی و ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی کمتر توجه شده است. در این پژوهش کوشش شده است با بهره‌گیری از روش کیفی و استفاده ترکیبی از چند تکنیک جمع‌آوری داده شامل مشاهده، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و گروه کانونی، ضمن شناسایی همه مشاغل آشکار و پنهان، این فعالیت‌های اقتصاد غیررسمی در ابعاد جامعه‌شناختی واکاری شود.

۲.۲. چارچوب نظری تحقیق

امروزه اغلب صاحب‌نظران بخش غیررسمی را جدای از کل سیستم اقتصاد و در مقابل بخش رسمی نمی‌دانند؛ بلکه پیدایش و توسعه این بخش را ناشی از افزایش تنوع و گوناگونی سیستم اقتصادی به حساب می‌آورند که توان پایداری و دوام سیستم را افزایش می‌دهد. نتایج مطالعه ویلیامز و ویندبانک^۱ (۱۹۹۸) نیز نشان داده است که بخش غیررسمی در مواقع بحرانی که اقتصاد جامعه‌ای با مشکلات عمیق و پیچیده همچون فقر، بیکاری، کمبود اشتغال و درآمد و نابرابری فرصت‌ها روبه‌رو می‌شود، همچون یک عامل

1. William & Windebank

تخفیف‌دهنده و تسکین‌دهنده عمل می‌کند و بخشی از فشار ناشی از بحران‌های بیکاری، کمبود اشتغال و درآمد را کاهش می‌دهد.

اقتصاد غیررسمی با عبارات دیگری چون اقتصاد زیرزمینی^۱، سایه‌ای^۲، سیاه^۳، خاکستری^۴، پنهان^۵، مشاهده‌ناپذیر^۶، نامنظم^۷، غیرقانونی^۸، و... یاد می‌شود؛ به‌طوری‌که صاحب‌نظران این عرصه همواره در تعاریف خود از اقتصاد غیررسمی به‌عنوانی مفهومی گسترده (هنلی، عربشیبانی و کارینو^۹، ۲۰۰۹، ص. ۹۹۲)، مبهم (نادران و صدیقی، ۱۳۸۷)، رنگارنگ، شناور و به‌طور مستمر در حال تغییر (دانیلز^{۱۰}، ۲۰۰۴)، دشوار و پوشیده (اشنایدر و کرنی^{۱۱}، ۲۰۱۳، ص. ۳۸) نام می‌برند.

اصلاح بخش غیررسمی اقتصاد برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ توسط کیت هارت مطرح گردید، ولی ریشه آن به سیاست‌های توسعه‌ای در دهه قبل (۱۹۶۰) در کشورهای جهان سوم برمی‌گردد. در این کشورها مهاجرت روستاییان به شهرها و نبود ظرفیت لازم برای جذب این افراد در مراکز صنعتی موجود در شهرها سبب شد تا بسیاری از این افراد به‌سمت فعالیت‌های غیررسمی کشیده شوند (بنگاسر^{۱۲}، ۲۰۰۰، ص. ۴).

فایگ از جمله صاحب‌نظرانی است که در تعریفی که از اقتصاد غیررسمی ارائه کرده است، آن را به چهار دسته تقسیم می‌کند: غیرقانونی، گزارش‌نشده، ثبت‌نشده و غیررسمی

-
1. Underground
 2. Shadow
 3. Black
 4. Grey
 5. Hidden
 6. Unobserved
 7. Irregular
 8. Illicit
 9. Hendly, Arabsheibani & Carneiro
 10. Daniles
 11. Schneider& Kearney
 12. Bengaser

(فایگ^۱، ۱۹۹۷). توماس^۲ در تقسیم‌بندی خود از اقتصاد غیررسمی، از دو معیار قانونی بودن و مبادله در بازار استفاده کرده است. براساس تقسیم‌بندی او، اقتصاد غیررسمی به چهار بخش خانوار، بخش غیررسمی، بخش نامنظم و بخش غیر قانونی تقسیم می‌شود (توماس، ۱۹۹۲). هرچند تعریف جامعی درباره اقتصاد غیررسمی ارائه نشده است، در این بخش با استفاده از مرور نظام‌مند مبانی نظری، مرزهای تعاریف مطرح‌شده در باب اقتصاد غیررسمی را بررسی نموده و پس از شناسایی متغیرها، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی ۹ گانه‌ای را استخراج کرده‌ایم که صاحب‌نظران در متون و اسناد پژوهشی مطرح کرده‌اند. شاخص‌های (نبود مجوزات قانونی، غیر ثبتي بودن، پرداخت‌نشدن مالیات، نداشتن قرارداد رسمی، محرومیت از خدمات بیمه‌ای، محرومیت از کمک‌ها و مزایایی دولتی، فعالیت دارای ارزش افزوده مالی، تمرکز کار بر نیروی انسانی، مکانیزه معاش) تمایز دهنده مشاغل رسمی از غیررسمی می‌باشند.

در پژوهش‌های کیفی از اصطلاح چارچوب مفهومی و رویکرد نظری برای اشاره به مجموعه مفاهیم مرتبط استفاده می‌شود (پاتن^۳، ۲۰۰۱) و به تئوری مدون و فرضیه اولیه نیاز نیست (استروس و کربین، ۱۳۸۵)؛ بلکه نیازمند اتخاذ رویکرد نظری و چارچوب مفهومی دقیقی است که در مراحل تدوین سؤال‌های تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها راهگشای محقق باشد؛ ازاین‌رو رویکرد نظری اتخاذشده در پژوهش حاضر بر مبنای نظریه‌های اقتصادی و جامعه‌شناسی، بر دو رویکرد سطح خرد، سطح کلان بنا شده است.

۱.۲.۲. رویکرد نظری خرد به اقتصاد غیر رسمی

این نظریه‌پردازان، اقتصاد غیررسمی را در دیدگاه کنشگرانی عاقل و محاسبه‌گر در نظر می‌گیرند که به دنبال حداکثر رساندن منافع و به حداقل رساندن هزینه‌ها می‌باشند.

1. Fige
2. Thomas
3. Patton

نظریه پردازان دیدگاه انتخاب عقلانی^۱، مطلوبیت گرایی، فردگرایی نسبت گرایانه و اقتصاد جرم در این محور قرار می گیرند.

ریمون بودن معتقد است که کنشگران اگر تصور کنند با یکدیگر برابرند، دست به انتخاب عقلانی می زنند؛ در صورتی که کنشگران از طبقات مختلف‌اند و در الگوهای رفتاری با یکدیگر متفاوت هستند، به صورتی که اراده، نفع فردی و به حداکثر رساندن سود تعاریف متفاوتی در بین کنشگران دارد (جوادی یگانه، ۱۳۸۷). جیمز کلمن نقطه شروع نظریه اجتماعی را نفع شخصی بر می شمارد. او معتقد است کنشگران به دنبال نفع فردی‌اند و به گونه‌ای عمل می کنند که گویی می خواهند سود حاصل از منابع و وقایع را به حداکثر برسانند (مطلبی و عزیزاده، ۱۳۹۸). جان هرسانی در نظریه فردگرایی نسبت گرایانه معتقد است کنشگر در انتخاب خود، به منظور حداکثر سازی نفع خود، ابتدا به صورت حداکثر سازی مطلوبیت و سپس به صورت حداکثر سازی ترجیحات گروهی اقدام می کند (آقاجری، زراءنژاد و اکبرزاده، ۱۳۹۷). بکر نیز در نظریه اقتصاد جرم معتقد است که کنشگران زمانی که پاداش مادی و غیرمادی بیشتری نسبت به کار قانونی دریافت کنند، دست به رفتار مجرمانه می زنند.

در چارچوب رویکرد خرد نظریه پردازان از قبیل گرانوویتتر^۲، ولمن^۳، لین^۴ و بارت^۵ به شبکه ارتباطات و پیوندهای اجتماعی کنشگر و تأثیرگذاری بر انتخاب کنشگران اشاره داشته‌اند (فاطمی امین، ۱۳۹۷). بورديو در تئوری سرمایه اجتماعی خود معتقد است که کنشگران از طریق شبکه‌ها، به اشخاص اطلاعات و اعتبار اعطاء می کند و این‌ها به سهم خود باعث دسترسی به فرصت های شغلی می شوند. اسکار لوئیس نیز در نظریه خود فقر را نتیجه الگوهای ارزشی و رفتاری خاص طبقه پایین و نبود انگیزه و توانایی افراد برمی شمارد که از

1. Rational choice theory

2. Granovetter

3. Wellman

4. Lin

5. Burt

طریق خانواده از نسلی به نسل بعدی منتقل می شود (جعفری مهرآبادی و محمدزاده، ۱۳۹۴).

۲.۲.۲. رویکرد کلان به اقتصاد غیررسمی

دیدگاه‌های کلان دارای رهیافتی ساختاری و کلان هستند و بر تأثیر الزام‌آور ساختارها بر کنشگران فردی در سطح خرد تأکید دارند. طرفداران این رویکرد بیشتر تأکید را بر ساختارها و نهادها دولتی دارند و اقتصاد غیررسمی را زائیده عملکرد ساختارها و نهادها کلان قلمداد می‌کنند (احمدی و حامد، ۱۳۹۹).

نظریه پردازان کارکردگرایی ساختاری معتقدند که هر جامعه‌ای به دنبال تعادل و نظم است و متناسب با سطح توسعه و پیشرفت خود برحسب توانایی‌های اقتصادی و ظرفیت‌های تولید، میزان خاصی از شهروندان را در اقتصاد رسمی جذب می‌کند و سایر افراد در سایر بخش‌های اقتصاد غیررسمی به اشتغال مشغول هستند (جعفری مهرآبادی و محمدزاده، ۱۳۹۴). نظریه پردازان دیدگاه کارکردگرا نیز بر این اعتقادند که نابرابری در پایگاه‌ها به شایستگی افراد و فرصت‌های زندگی بستگی دارد. چنانچه افراد به آسانی ترغیب شوند، می‌توانند شغل متناسب با پایگاه و منزلت خود را به دست آورند (احمدی و حامد، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۳).

ایلور، والتون، اسپیتز^۱ از جمله نظریه‌پردازان مارکسیستی هستند که بر کشمکش اجتماعی ناشی از نابرابری اقتصادی تمرکز دارند. صاحب‌نظران این دیدگاه ساخت اجتماعی جامعه را مسئول محرومیت و فقر تهیدستان و مانع دسترسی آن‌ها به امکانات و منابع جامعه برمی‌شمارند (ابریشمی، ۱۳۸۵). پورترز^۲ و والتون^۳ نیز در چارچوب نظریه تضاد بر این اعتقادند که نظام سرمایه‌داری برای تأمین خدمات ارزان قیمت اجتماعات فقیر، بخش غیررسمی اقتصاد را به وجود آورده است تا ضمن تأمین نیروی کار ارزان نظام سرمایه‌داری

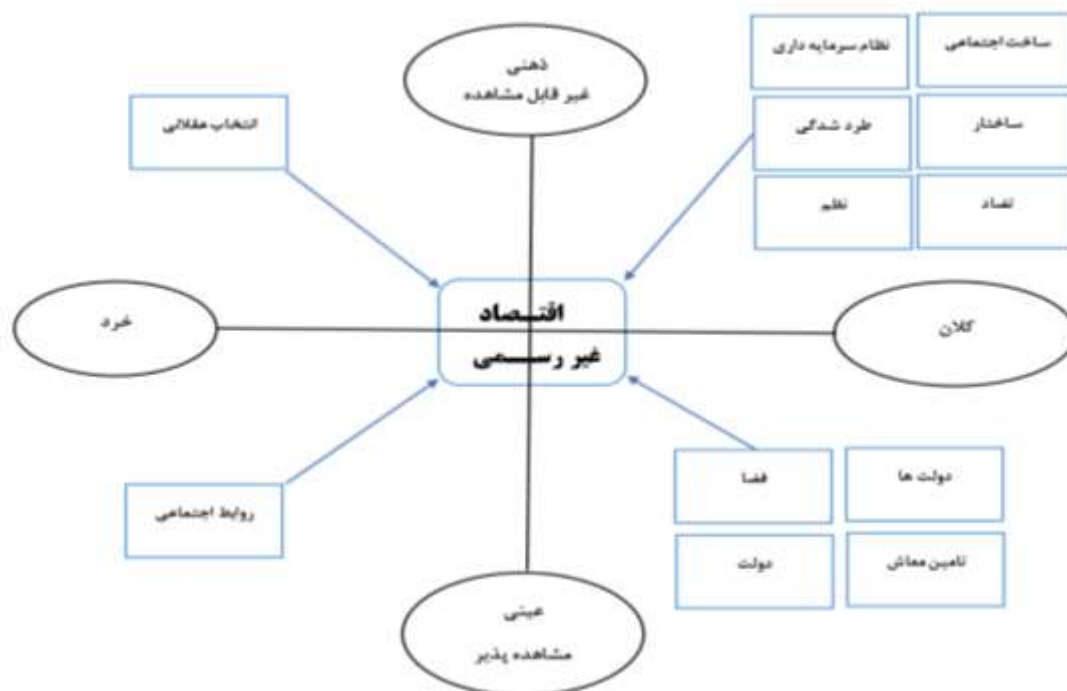
1. Elver, Walton & Spitz

2. Portes

3. Walton

ثبات سیاسی خود را تضمین کند (مدینا و اشنایدر، ۲۰۱۷، ص. ۲۵۱). کافمن^۱ از طرفداران دیدگاه لیبرالیسم دخالت سیاستمداران و نظام بروکراسی در عرصه فعالیت اقتصادی را مهم‌ترین عامل در گسترش بخش غیر رسمی در جامعه می‌داند (جعفری مهرآبادی و محمدزاده، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۳). اندیشمندان نئولیبرالیسم بخش غیررسمی اقتصاد مکمل اقتصاد رسمی است که در ایجاد درآمد به‌ویژه برای اقشار فرودست نقش مهمی برعهده دارد. و تخفیف دهنده فقر شهری به شمار می‌آید.

جمع‌بندی رویکرد نظری مدنظر در پژوهش حاضر مطابق با شکل ۱ است. این نمودار نشان می‌دهد، اقتصاد غیررسمی را به‌عنوان پدیده‌ای برنامه‌ریزی نشده می‌توان ناشی از تأثیر عناصر کلان و خرد دانست که در ارتباط با کنشگر به‌صورت ذهنی و عینی سبب شکل‌گیری رفتاری شده است که در یک بستر اجتماعی خاص به‌عنوان رفتار مطلوب/قانونی یا غیرمطلوب/غیرقانونی از آن یاد می‌کنند.



شکل ۱- رویکرد نظری تحلیلی اقتصاد غیررسمی

۳. روش تحقیق

از آنجاکه ویژگی‌های موضوع و ماهیت پرسش تحقیق، تعیین‌کننده تناسب بین یکی از روش‌های تحقیق با پژوهش مورد نظر است، برای شناسایی و فهم ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی در دو مرحله از روش تحقیق کیفی استفاده شده است؛ به‌گونه‌ای که با ورود به میدان تحقیق و با استفاده از تکنیک‌های مشاهده میدانی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مصاحبه گروه کانونی با افراد دارای اطلاعات، داده‌های مدنظر در راستای پاسخ به سؤالات این تحقیق را جمع‌آوری کردیم. علت انتخاب روش کیفی در مطالعه حاضر آن بود که موضوع فهم ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی موضوعی است که در جامعه ایران کمتر

به آن پرداخته شده و هنوز ناشناخته‌های فراوانی در مورد آن وجود دارد. همچنین درک بهتر مسئله، استنتاج‌های معتبر و مبتنی بر داده‌های میدانی و تولید دانش و بینش جدید، دومین دلیل استفاده ما از این روش بوده است.

در این پژوهش به منظور دستیابی به هدف اول (شناسایی مشاغل فعال اقتصاد غیررسمی در محله قلعه خیابان) و در راستای تدوین مصاحبه نیمه ساختاریافته، ضمن مرور نظریه‌ها و رویکرد نظری تحقیق و بر پایه تعاریف و اصلاحات به کار رفته توسط صاحب نظران، شاخص‌های نه‌گانه‌ای برای تمایز مشاغل رسمی از غیررسمی احصاء شد و پس از ورود به محیط تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی ۲۷ نفر از ساکنان، کسبه، افراد دارای اطلاعات (نمایندگان شورای محلات، پاکبانان، مسئولین محلی، طلاب و فعالان بسیج) که در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در محله قلعه خیابان ساکن بودند (جدول ۳)، برای مصاحبه برگزیدیم تا داده‌های ما به مرحله اشباع نظری رسید. در این مرحله به منظور تعیین روایی سؤالات مصاحبه، از روایی محتوایی استفاده شد که طی آن سؤالات مصاحبه به تأیید نخبگان دانشگاهی و صاحب نظران رسید.

جدول ۳- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

شماره	گروه شغلی	سابقه سکونت / اشتغال (سال)	جنسیت	قومیت	شماره	گروه شغلی	سابقه سکونت / اشتغال (سال)	جنسیت	قومیت
۱-۱	کارگر روزمزد	۳۵	زن	بلوچ	۱۵-۱	خرده فروش مواد مخدر	۱۳	مرد	بلوچ
۲-۱	دست‌فروش محلی	۱۸	مرد	بلوچ	۱۶-۱	دانشجو	۲۶	مرد	فارس
۳-۱	کاسب محلی (رسمی)	۵۰	مرد	فارس	۱۷-۱	سرکار زن	۱۹	زن	بلوچ

شماره	گروه شغلی	سابقه سکونت / اشتغال (سال)	جنسیت	قومیت	شماره	گروه شغلی	سابقه سکونت / اشتغال (سال)	جنسیت	قومیت
۴-۱	کارگر ساختمانی	۶۰	مرد	افغان	۱۸-۱	کارگر	۲۰	زن	افغان
۵-۱	طلبه	۸	مرد	چلو	۱۹-۱	کارمند	۴	مرد	فارس
۶-۱	کارمند	۲۵	مرد	فارس	۲۰-۱	طلبه	۱۴	مرد	بلوچ
۷-۱	کارگر ساختمانی	۳۰	مرد	بلوچ	۲۱-۱	کارمند	۴۰	مرد	فارس
۸-۱	کشاورز	۵۵	مرد	افغان	۲۲-۱	کسبه	۱۷	مرد	بلوچ
۹-۱	کشاورز	۱۳	زن	بلوچ	۲۳-۱	کسبه	۱۲	مرد	بلوچ
۱۰-۱	کارمند	۲۲	مرد	فارس	۲۴-۱	کسبه	۱۵	مرد	بلوچ
۱۱-۱	کارمند	۳۰	مرد	چلو	۲۵-۱	کسبه	۴۰	مرد	-
۱۲-۱	کارگر ساختمانی	۴۷	مرد	بلوچ	۲۶-۱	کشاورز	۷۰	مرد	فارس
۱۳-۱	کشاورز	۶۲	زن	فارس	۲۷-۱	ساکن	۱۷	زن	فارس
۱۴-۱	کاسب خواروبار	۶۶	مرد	فارس					

برای دستیابی به هدف دوم تحقیق یعنی فهم ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی در محله قلعه‌خیابان، از روش تحقیق کیفی و تکنیک گروه کانونی استفاده شده است. مورگان گروه‌های کانونی را شکلی از مصاحبه گروهی می‌داند که شامل مصاحبه هم‌زمان تعدادی از افراد است و تمرکز اصلی بر پرسش‌ها و پاسخ‌های مطرح شده بین محقق و مصاحبه‌شوندگان است (فلیک، ۱۳۸۸، ص. ۲۲۰). جامعه آماری ما در این پژوهش، شامل ساکنان و شاغلانی بودند که در بازه زمانی سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ در محله قلعه خیابان سکونت داشتند. اعضای مشارکت کننده در جلسات مصاحبه گروه کانونی شامل ۱۶ نفر از نخبگان و مطلعین کلیدی بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند (جدول ۴). در نمونه‌گیری

نظری، نمونه‌ها با توجه به اهداف تحقیق، آگاهانه و برای پوشش دادن تمام مسئله تحقیق انتخاب می‌شوند (فلیک، ۱۳۸۸).

جدول ۴- فهرست مصاحبه‌شوندگان گروه‌های کانونی

اعضای گروه اول مصاحبه کانونی							
شماره	اسامی	ویژگی	قومیت	شماره	اسامی	ویژگی	قومیت
۱-۲	علی. گ.	خیر محله	بلوچ	۹-۲	سیدهاشم. ا.	خیر محله شهید باهنر	بلوچ
۲-۲	زهر. ن.	قدیمی محله تاجرآباد	بلوچ	۱۰-۲	علی. ر.	عضو فعال بسیج و مسجد	فارس
۳-۲	الدین محمد. ح.	عضو شورای اجتماعی محله	فارس	۱۱-۲	اکبر. ا.	پژوهشگر حاشیه شهر	فارس
۴-۲	رضا. ر.	عضو شورای اجتماعی محله	فارس	۱۲-۲	خ. بنی.	عضو شورای اجتماعی محله	فارس
۵-۲	حاج داوود. ک.	قدیمی محله	فارس	۱۳-۲	حمیرا. ف.	قدیمی محله	بلوچ
۶-۲	احمد. م.	قدیمی و معتمد محلی	فارس	۱۴-۲	حافظ. ح.	معتمد محلی	افغان
۷-۲	فخری. ف.	فعال محلی	فارس	۱۵-۲	ماهر. م.	ساکن محله بسکابادی	چلو
۸-۲	قاسم. س.	عضو شورای اجتماعی محله	فارس	۱۶-۲	سید باقر. ا.	قدیمی محله	فارس

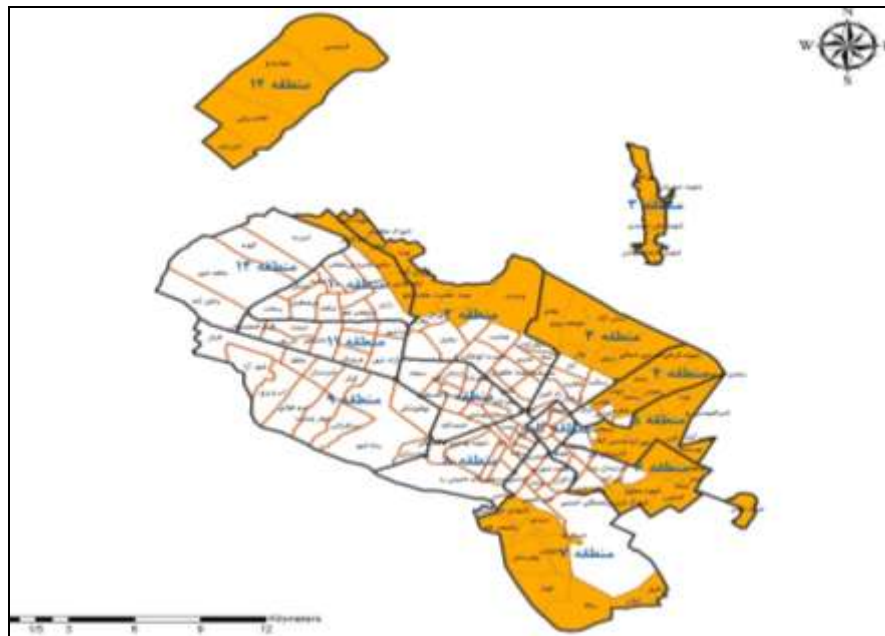
بنابراین در این مطالعه محقق از طریق تشکیل و برگزاری جلسات مصاحبه با گروه کانونی کوشید، ضمن معرفی و طبقه‌بندی هریک از مشاغل شناسایی شده در محله قلعه‌خیابان، ابعاد جامعه‌شناختی مشاغل اقتصاد غیررسمی را احصاء کند و در انتها با استفاده از شاخص‌های مورد توافق مشارکت‌کنندگان گروه کانونی و کمیت ارائه‌شده توسط آن‌ها، به تحلیل جامعه‌شناختی و گونه‌شناسی این مشاغل اقدام کند. مشارکت‌کنندگان گروه کانونی در این قسمت می‌توانستند درباره دادن نمرات (صفر = نبود صفت)، (۱ = احتمال وجود صفت)

و (۲ = وجود صفت) در هریک از مشاغل با یکدیگر به توافق برسند. سپس کمیت نهایی هر شغل توسط مشارکت‌کنندگان گروه کانونی، با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ و استفاده از دو آزمون تحلیل خوشه‌ای و تحلیل عاملی اکتشافی بررسی شد. در تحقیق حاضر برای اطمینان از صحت تحقیق تلاش شد تا «روایی سازه‌ای»^۱ با تدوین رویه‌های عملیاتی دقیق، «روایی درونی»^۲ با کسب داده‌ها از منابع مختلف، «روایی بیرونی»^۳ استفاده از روش توافق داوران و «اعتبار»^۴ آن با تشریح دقیق نحوه گردآوری داده‌ها و بیان آنها تامین شود.

۳.۱. معرفی قلمرو تحقیق

جامعه آماری پژوهش حاضر، محله «قلعه‌خیابان» یا «شهرک شهید باهنر» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محلات حاشیه‌نشین در شهر مشهد بود. در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران تا سال ۱۳۸۵، این شهرک به نام روستای «قلعه‌خیابان» به‌عنوان زیرمجموعه دهستان میامی از بخش رضویه شهرستان مشهد شناخته شده است، اما این شهرک از تیرماه ۱۳۸۹ به محدوده شهری افزوده شد و از خدمات شهرداری برخوردار شد. این محله با تراکم نسبی ۲۷۴ نفر در هر هکتار، در حاشیه شهر مشهد واقع شده است. (شریفی پستچی، جوان، شاپان و رهنما، ۱۳۹۴: ۹). از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی این محله می‌توان به وجود مشکلات کالبدی، مشکلات امکانات شهری، مشاغل غیررسمی، آسیب‌های اجتماعی، بافت قومیتی (متشکل از اقوام فارس، بلوچ، افغان و چلو)، بی‌هویتی، اعتیاد و تنوع مذاهب (شیعه و سنی) اشاره کرد.

1. Construct validity
2. Internal validity
3. External validity
4. Reliability



شکل ۲- نقشه پراکنش حاشیه شهر در کلان شهر مشهد

منبع: اطلس محلات شهر مشهد

براساس آمار سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، محله قلعه خیابان ۳۳۹۴۴ نفر جمعیت داشته است که ۱۷۱۲۱ نفر از این جمعیت را مردان و ۱۶۸۲۳ نفر را زنان تشکیل دادند. این محله از ۹۰ شهر ایران جمعیت بیشتری را به خود اختصاص داده است. از دیگر ویژگی های جمعیتی که براساس آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ احصاء شده است، می توان به تراکم جمعیتی کودکان زیر ۱۰ سال و گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال اشاره کرد. از دیگر ویژگی های این محله منطبق با جدول ۵ می توان به این موارد اشاره کرد: ۶۹۴۰ نفر بی سواد (زن ۳۹۰۳ و مرد ۳۰۳۷ نفر)، بیش از ۱۱۵۰۰ نفر شاغل (۸۲۹۳ مرد شاغل و ۲۲۲۱ زن شاغل)، بیش از ۱۲۰۰ نفر بیکار، ۱۶۳۸ نفر مهاجر خارجی رسمی و بیش از ۸۰۰۰ مسکن که غالب آن ها کمتر از ۷۵ متر مساحت دارند (ریزدانگی).

جدول ۵- مشخصات جمعیت‌شناختی ساکنان محله قلعه‌خیابان

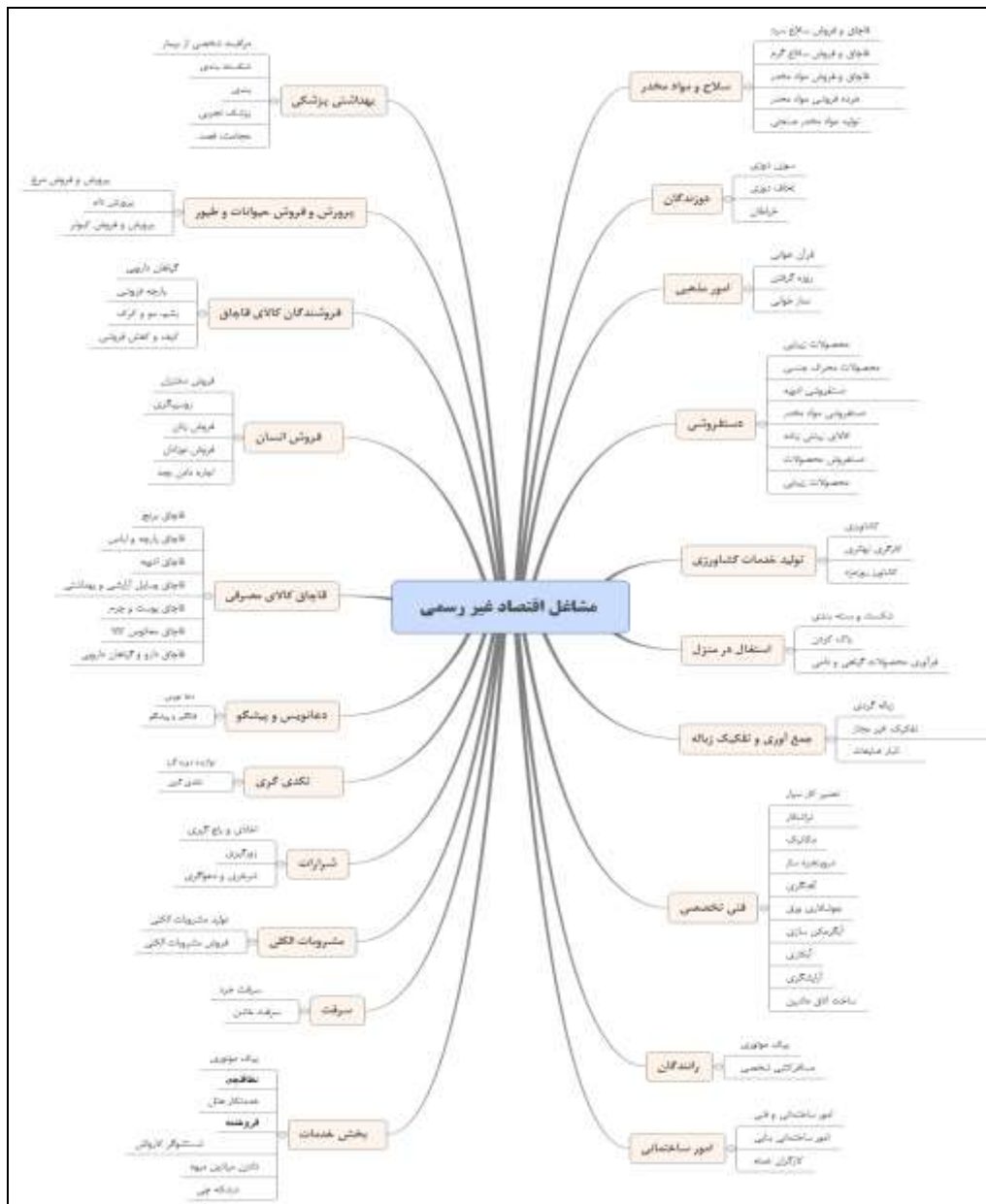
فعالیت								وضعیت سواد	
کل	دارای			جمعیت	جمعیت	جمعیت	جمعیت	بی سواد	باسواد
مهاجران	درآمد	خانه‌دار	محصل	بیکار زن	بیکار مرد	شاغل زن	شاغل مرد		
قانونی	بدون کار								
۱۶۳۸	۱۶۸۳	۸۱۷۱	۳۴۷۴	۱۴۷	۹۱۹	۲۲۲۱	۸۲۹۳	۶۹۴۰	۲۱۳۲۰

منبع: براساس آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵

۴. یافته‌های تحقیق

محقق برای شناسایی و اکتشاف مشاغل غیررسمی در حاشیه شهر، ضمن ورود به محدوده محله قلعه‌خیابان به عنوان یکی از سکونتگاه‌های غیررسمی و قلمرو مطالعه‌شده در این پژوهش، با استفاده از روش گلوله‌برفی سراغ کسبه، نخبگان، معتمدین محلی، ساکنان قدیمی و اعضای شورای اجتماعی محلات رفت و ضمن تعریف شاخص‌های اقتصاد غیررسمی از آن‌ها درخواست کرد مشاغلی را که در محله فعال هستند و دارای ۹ شاخص (نبود مجوزات قانونی، غیر ثبتی بودن، پرداخت نشدن مالیات، نداشتن قرارداد رسمی، محرومیت از خدمات بیمه‌ای، محرومیت از کمک‌ها و مزایای دولتی، فعالیت دارای ارزش افزوده مالی، تمرکز کار بر نیروی انسانی، برپایه مکانیزه معاش) هستند را به وی معرفی کنند. پس از اجرای ۲۷ مصاحبه، داده‌های تحقیق به اشباع نظری رسید و ۱۰۳ شغل (پنهان یا آشکار) متمایز شناسایی شد. در ادامه، محقق در جلسات گروه قانونی، ضمن معرفی اهداف طرح پژوهش از مشارکت‌کنندگان جلسات گروه قانونی درخواست کرد ضمن ارائه توضیحات درباره شغل‌های احصاء‌شده، مشاغلی را در هم ادغام کنند که دارای تشابه کاری یا نامی بودند. بر اساس این فرایند مشاغل غیررسمی از ۱۰۳ شغل به ۸۴ شغل مجزا کاهش یافت. در گام بعدی، همه مشاغل غیررسمی براساس ویژگی‌های مشترک آن‌ها در یک حوزه و با رویکرد هدفمند طبقه‌بندی شدند. یافته‌های این قسمت برپایه توافق نظر میان مشارکت‌کنندگان در جلسات گروه قانونی نشان می‌دهد که مطابق با شکل ۳، در محله قلعه‌خیابان

شهر مشهد ۲۱ رسته مجزا از مشاغل غیررسمی اقتصاد فعال هستند که عبارت‌اند از: قاچاق سلاح و موادمخدر، دست‌فروشی، دوزندگان، امور مذهبی، تولید خدمات کشاورزی، اشتغال در منزل، جمع‌آوری و تفکیک زباله، فنی و تخصصی، رانندگان، امور ساختمانی، بهداشتی و پزشکی، پرورش دام و طیور، فروشندگان کالای قاچاق، فروش انسان، قاچاق کالای مصرفی، تکدی‌گری، شرارت، تولید و فروش مشروبات الکلی، سرقت و خدمات.



شکل ۳- رسته‌بندی مشاغل غیررسمی محله قلعه‌خیابان

۴. ۱. فهم ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی

ورود اقتصاد غیررسمی به عنوان یک مسئله شهری به حوزه علوم اجتماعی و به ویژه جامعه‌شناسی اقتصادی، از آنجاکه بر نقش متغیرهای خرد و کلان اجتماعی، فرهنگی، نهادها و ویژگی‌های ساختاری در تحلیل‌ها تأکید شده است، می‌تواند ضمن درک عمیق‌تری از مسئله اقتصاد غیررسمی، قدرت تبیین‌کنندگی زیادی را برای این مفهوم اقتصاد غیررسمی فراهم کند. شایان ذکر است چالشی که محقق در راستای فهم ابعاد جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی با آن روبه‌رو بود، تدوین‌نشدن ابعاد و متغیرهایی برای تحلیل جامعه‌شناختی و با رویکرد کیفی این پدیده شهری بود؛ بنابراین در راستای تحلیل جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی، با استفاده از نتایج مصاحبه با گروه کانونی و بهره‌گیری از رویکرد نظری و مرور نتایج پیشینه تجربی، هشت متغیر جامعه‌شناختی (تداوم بخشی به فقر، حضور زنان و کودکان، منزلت اجتماعی، پردشدگی اجتماعی، سلامت اجتماعی، ناپایداری شغلی، خاص‌گرایی شغلی، احساس بی‌قدرتی) شناسایی گردید.

۴. ۲. یافته‌های تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی

در این قسمت از مطالعه حاضر، بعد از دستیابی به هشت متغیر جامعه‌شناختی و ثبت کمیت اکتسابی هر شغل، مشاغل غیررسمی برپایه متغیرهای جامعه‌شناختی با استفاده از تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی در هشت سطح به خوشه‌های همگن تقسیم‌بندی شدند. یافته‌های تحلیل خوشه‌ای حاکی از آن است که در سطح اول تحلیل خوشه‌ای از مجموع ۸۴ شغل غیررسمی شناسایی شده، مشاغلی که دارای کمترین فاصله (بیشترین شباهت) با هم بودند، برپایه کمیت متغیرهای جامعه‌شناختی در هم ادغام شدند و با هم یک خوشه را تشکیل دادند؛ به گونه‌ای که ۸۴ شغل در سطح اول تحلیل خوشه‌ای به ۵۵ خوشه همگن تبدیل شدند. در این قسمت مشاغل روسپی‌گری، تکدی‌گری، فروش زنان، اخاذی و باج‌گیری، فال‌گیری و دست‌فروشی ادویه با یکدیگر به یک خوشه همگن تبدیل شدند. از دیگر مشاغل تلفیق شده با هم می‌توان به ادغام مشاغل سرقت خرد و زباله‌گردی، زورگیری و

سرقت خشن، دست‌فروشی و محصولات کشاورزی و کارگری تهاتری با یکدیگر اشاره کرد. در سطح دوم پس از تلفیق‌شدن و ادغام‌شدن مشاغلی از قبیل نوازندگی دوره‌گرد، زباله‌گردی، سرقت خرد، داذن در میدان‌ها میوه و تره‌بار، شکستن و پاک‌کردن در منزل و...، به ۴۱ خوشه از مشاغل دست یافتیم. در سطح سوم با تلفیق خوشه‌ها در یکدیگر و اضافه‌شدن مشاغل در درون خوشه‌های قبلی، به ۳۱ خوشه شغلی غیررسمی فعال در محله قلعه‌خیابان دست یافتیم. این ادغام مشاغل در سطوح چهارم و پنجم نیز ادامه داشت؛ به‌صورتی‌که در سطح چهارم تحلیل خوشه‌ای، با ۲۷ خوشه مجزا روبه‌رو بودیم که در سطح پنجم به ۱۷ خوشه تقلیل یافتند. در این سطح همچنان با مشاغلی روبه‌رو بودیم که در چهار سطح قبلی با دیگر مشاغل به خوشه واحد تبدیل نشدند. مشاغل تفکیک غیرمجاز، پرورش و فروش دام، فرآوری محصولات دامی و کشاورزی، اجاره‌دادن بچه و شغل غیررسمی خیاطی، از این قبیل هستند که این تفاوت با دیگر مشاغل غیررسمی در این سطح درخور توجه است. در سطح ششم تحلیل خوشه‌ای تقریباً همگی مشاغل به‌جز فرآوری محصولات دامی و کشاورزی، در یکدیگر ادغام شدند و هشت خوشه مشاغل غیررسمی را تشکیل دادند. این ادغام در سطح هفتم سبب شد با سه گونه (تیپ) جامعه‌شناختی از مشاغل روبه‌رو باشیم. در سطح هشتم آزمون تحلیل خوشه‌ای با نتایج نهایی روبه‌رو بودیم که بر مبنای آن همه مشاغل فعال اقتصاد غیررسمی در محله قلعه‌خیابان در دو خوشه جامعه‌شناختی که دارای تشابه زیاد درون‌خوشه‌ای و تمایزات برون‌خوشه‌ای بودند، تقسیم‌بندی شدند؛ بنابراین در مدل نهایی خوشه‌بندی، ۳۲ شغل در خوشه اول قرار گرفتند که به لحاظ تحلیل جامعه‌شناختی از آن‌ها با عنوان «مشاغل غیررسمی» نام می‌بریم. در خوشه دوم ۵۲ شغل فعالیت می‌کنند که از آن‌ها با عنوان «مشاغل شبه‌رسمی» یاد می‌کنیم؛ زیرا به‌واسطه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ابعاد جامعه‌شناختی، در سطح محله قلعه‌خیابان تشابه زیادی با مشاغل رسمی دارند و غیررسمی‌بودن آن‌ها ریشه در ضعف نهادهای دولتی در نظارت و رسمیت‌بخشی به این مشاغل دارد.

جدول ۶- یافته‌های تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی مشاغل اقتصاد غیررسمی در محله قلعه خیابان

سطح ۸	سطح ۷	سطح ۶	سطح ۵	سطح ۴	سطح ۳	سطح ۲	سطح ۱	مشاغل	ردیف
خوشه ۱	خوشه ۱	خوشه ۱	خوشه ۱	خوشه ۱	خوشه ۱	خوشه ۱	خوشه ۱	روسیگری	۱
								تکدیگری	۲
								فروش زغال	۳
								احادی و باج گیری	۴
								فانگری	۵
								دستفروشی ادویه	۶
								سرفت جرد	۷
								زباله گردی	۸
								نوازندگی دوزخ گرد	۹
								فروشی دوزخ گرد	۱۰
								فروشی نوازندگی	۱۱
								شکستنی و شکسته بندی	۱۲
								یاگا گردن	۱۳
								داد زن میادین میوه	۱۴
								جوده فروشی میوه مخمر	۱۵
								تفکیک غیر مجاز	۱۶
								فاجاق و فروش سلاح گرم	۱۷
								توزیع میوه مخمر کلان	۱۸
								فاجاق و فروش سلاح سرد	۱۹
								سرفتی	۲۰
								تولید میوه مخمر	۲۱
								پروزی و فروش کبوتر	۲۲
								جوده فروشی میوه مخمر	۲۳
								تولید مشروبات الکلی	۲۴
								فروش مشروبات الکلی	۲۵
								زور گیری	۲۶
								سرفت خشن	۲۷
								درنگه چر	۲۸
								دستفروشی محصولات کشاورزی	۲۹
								کارگری تهرانی	۳۰
								پروزی و فروش دام	۳۱
								فراوری محصولات دامی و کشاورزی	۳۲
خوشه ۲	خوشه ۳	خوشه ۵	خوشه ۴	خوشه ۳	خوشه ۲	خوشه ۱	خوشه ۱	ایگری	۳۳
								اهنگری	۳۴
								روزه گرفتن برای اموات	۳۵
								نماز خوانی برای اموات	۳۶
								قرآن خوانی برای اموات	۳۷
								سوزن دوزی	۳۸
								فروشنده میوه	۳۹
								شکستنی کاروانی	۴۰
								سرباز و نگهبان	۴۱
								دستفروشی لوازم آستر خانه	۴۲
								لحاف دوزی	۴۳
								مراقبت شخصی بیماران	۴۴
								نظافتچی منزل	۴۵
								خدمتکار هتل	۴۶
								عمله کارگر ساده	۴۷
								کشاورز	۴۸
								کشاورز روز مزد	۴۹
								آرایشگری	۵۰
								آچاره دادن بچه	۵۱
								ایگر مکن ساز	۵۲
								ساخت اتاق مانسین	۵۳
								تعمیر کار سیر	۵۴
								جوشکاری ورق	۵۵
								درو پنجره ساز	۵۶
								پیک موتوری	۵۷
								مسافر گذر شخصی	۵۸
								مکانیک	۵۹
								تالکاری	۶۰
								امور ساختمانی قتی	۶۱
								امور ساختمانی بنابر	۶۲
								حجامت و قصد	۶۳
								آبپاشی غیر مجاز	۶۴
								خیاطان	۶۵
								فاجاق دارو	۶۶
								فاجاق معکوس	۶۷
								داروهای جنسی	۶۸
								فاجاق برنج	۶۹
								فاجاق لباس و پارچه	۷۰
								دغاغی سر	۷۱
								فروش پشم و ترک	۷۲
								فروش نقش و شیب فاجاق	۷۳
								فروش کلاه دارویی	۷۴
								بندی	۷۵
								فاجاق وسایل آرایشی	۷۶
								فاجاق پوست	۷۷
								فاجاق کالای زیاده و بهداشت	۷۸
								فاجاق ادویه	۷۹
								کالای زینتی زنانه	۸۰
								پیرک تجزیه	۸۱
								شکسته بندی	۸۲
								یورتر و فروشنده	۸۳

۴.۳. یافته‌های آزمون تحلیل عاملی

در این قسمت از پژوهش حاضر، هشت متغیر جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی با استفاده از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی به دو عامل تبدیل شدند. در ادامه با استفاده از تلفیق این عامل‌ها با نتایج تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی، ضمن تحلیل جامعه‌شناختی مقایسه‌ای مشاغل اقتصاد غیررسمی به نوع‌شناسی کیفی این مشاغل دست یافتیم؛ بنابراین در ابتدا ساختار عاملی متغیرهای جامعه‌شناختی با استفاده از شیوه تحلیل عاملی اکتشافی بررسی شد.^۱ در جدول ۷ نتایج آزمون تحلیل عاملی نشان می‌دهد که تداوم‌بخشی به فقر (۰/۷۳۷) و حضور زنان و کودکان (۰/۸۲۵) به عنوان دو متغیر روی یک بار عاملی بارگذاری شدند و شش متغیر منزلت اجتماعی (۰/۸۰۴)، طردشدگی اجتماعی (۰/۷۳۲)، خاص‌گرایی شغلی (۰/۶۵۶)، آسیب به سلامت اجتماعی (۰/۷۲۶)، ناپایداری شغلی (۰/۶۲۱) و احساس بی‌قدرتی (۰/۸۰۹) روی عامل دوم بارگذاری شدند. دو عامل طردشدگی و آسیب به سلامت اجتماعی روی هر دو عامل بارگذاری شده‌اند، اما با توجه میزان همبستگی، این دو متغیر در عامل اول بارگذاری شده‌اند.

جدول ۷- عامل‌های حاصل از تحلیل اکتشافی

متغیر	عامل ۱	عامل ۲
احساس بی‌قدرتی	۰/۸۰۹	
منزلت اجتماعی پایین	۰/۸۰۴	
طردشدگی اجتماعی	۰/۷۳۲	۰/۴۳۸
آسیب به سلامت اجتماعی	۰/۷۲۶	۰/۴۴۶
خاص‌گرایی شغلی	۰/۶۵۶	

۱. آزمون بارتلت درصد اطمینان این آزمون ۰/۰۰ و آزمون شاخص کفایت نمونه برادری ($KMO = 0/83$) محاسبه گردیده است، معنی دار بودن آزمون کرویت بارتلت و همچنین کفایت نمونه برداری نشان می‌دهد که تحلیل عامل روش مناسبی می‌باشد، هر چند در این تحقیق ما تنها به دنبال دستیابی به نوع‌شناسی جامعه‌شناختی جدیدی از مشاغل غیررسمی هستیم، لذا در متن اصلی کمتر به این موضوع اشاره گردیده است.

متغیر	عامل ۱	عامل ۲
ناپایداری شغلی	۰/۶۲۱	
حضور زنان و کودکان		۰/۸۲۵
تداوم بخشی به فقر		۰/۷۳۷

ضریب همبستگی پیرسون بین دو عامل طردشدگی و آسیب به سلامت اجتماعی برابر با ۰/۳۸۷ است که تمایز این دو عامل را از یکدیگر نشان می‌دهد. همچنین مطابق با یافته‌های جدول ۸، عامل‌های جامعه‌شناختی به ترتیب ۴/۸ و ۴/۱۶ درصد از واریانس آزمون و در مجموع ۵۴/۶۵ درصد از تجمعی واریانس متغیر آزمون را تبیین می‌کنند؛ بنابراین یافته‌های این قسمت به عنوان یک روش تدوین و تولید تئوری و نه یک روش آزمون تئوری نشان می‌دهد که شش متغیر منزلت اجتماعی، طردشدگی اجتماعی، خاص‌گرایی شغلی، آسیب به سلامت اجتماعی، ناپایداری شغلی و احساس بی‌قدرتی، به عنوان عامل پنهان تأثیرات جامعه-شناختی اقتصاد غیررسمی نام‌گذاری می‌شوند و ۱/۴۸ درصد از واریانس متغیر اقتصاد غیررسمی را تبیین می‌کنند. دو عامل حضور زنان و کودکان و تداوم بخشی به فقر که به عنوان ابعاد آشکار و ملموس جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی نام‌گذاری کردیم، ۴/۱۶ درصد از واریانس متغیر آزمون را تبیین می‌کنند؛ بنابراین مجموع عامل پنهان و آشکار قابلیت تبیین ۵۴/۶۴ درصد از واریانس متغیر آزمون را دارند.

جدول ۸- درصد واریانس تبیین شده توسط هر عامل

عامل	ارزش ویژه	درصد تبیین واریانس	درصد تراکمی واریانس
عامل ۱	۳/۸۴	۴۸/۱۱۶	۴۸/۱۱۶
عامل ۲	۱/۳۱۵	۱۶/۴۳۲	۶۴/۵۴۸

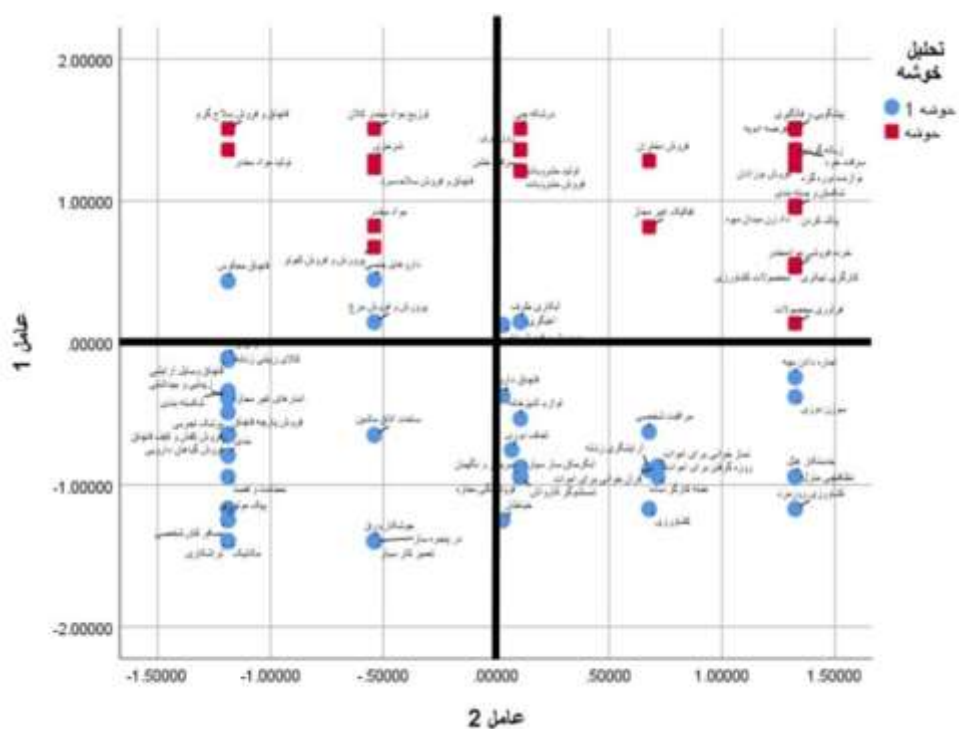
همچنین یافته‌های شکل ۴ که برپایه هشت متغیر جامعه‌شناختی بارگذاری شدند، در دو عامل ابعاد آشکار و پنهان جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی شکل گرفته است که در درون

خود، ۳۲ شغل را به عنوان مشاغل خوشه اقتصاد غیررسمی با دایره آبی و ۵۲ شغل را با مربع قرمز به عنوان خوشه مشاغل شبه‌رسمی جای داده است. نوع‌شناسی کیفی این مشاغل نشان می‌دهد هرچقدر از محل تلاقی محور عمودی و افقی (عامل‌های ۱ و ۲) فاصله بگیریم، مشاغل از نظر ابعاد جامعه‌شناختی غیررسمی می‌شوند و مشاغلی که در محل تقاطعی این محور قرار گرفته‌اند، از لحاظ ابعاد جامعه‌شناختی به مشاغل اقتصاد رسمی شبیه‌تر هستند. برپایه یافته‌های این نمودار، مشاغلی از قبیل تراشکاری، مکانیکی، پیک موتوری، حجامت، فروش گیاهان دارویی، فروش کفش و کیف قاچاق، مسافرکش شخصی، جوشکاری، فروش کالاهای قاچاق، تعمیرکار سیار، پزشک تجربی و شکسته‌بندی، به ترتیب شباهت بیشتری به مشاغل اقتصاد رسمی دارند؛ بنابراین این مشاغل از منزلت اجتماعی بیشتری در محله، پردشدگی کمتر، خاص‌گرایی کمتر، آسیب کمتر به سلامت اجتماعی، احساس قدرت و پایداری شغلی بیشتری برخوردار هستند. همچنین این مشاغل با کسب سود بیشتر سبب رهایی افراد از فقر می‌شوند و صاحبان آن را کمتر زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. شایان ذکر است که برخلاف نتایج تحلیل خوشه‌ای که هر ۵۲ شغل در خوشه مشاغل شبه‌رسمی قرار گرفته بود، براساس نتایج آزمون تحلیل عاملی و نمودار نقطه‌ای، هر ۵۲ شغل از لحاظ کیفی به یک میزان شبه‌رسمی نیستند و تنها مشاغل ذکرشده بیشترین شباهت را به اقتصاد رسمی در محله قلعه‌خیابان دارند.

همچنین مشاغل اجاره‌دادن بچه، سوزن‌دوزی، خدمتکاری هتل، نظافتچی منزل و کشاورزی روزمزد، از جمله خوشه مشاغل شبه‌رسمی هستند، اما به دلیل تداوم فقرزدایی و فعالیت اجباری زنان و کودکان جزو مشاغلی هستند که به میزان کمتری به مشاغل رسمی شباهت دارند. فروش سلاح گرم، توزیع مواد مخدر، شرخری و تولید مواد مخدر نیز از جمله مشاغلی هستند که در آن‌ها زنان کمتری مشارکت دارند و این مشاغل به تداوم فقر پایان می‌دهند، اما به لحاظ کمیت متغیرهای عامل اول یعنی منزلت اجتماعی بیشتر در محله،

طردشدگی کمتر، خاص‌گرایی کمتر، آسیب کمتر به سلامت اجتماعی و احساس قدرت و پایداری شغلی، بیشتر از سایر مشاغل، غیررسمی‌اند.

دیگر نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۳۲ شغلی که به‌عنوان مشاغل غیررسمی در خوشهٔ دوم قرار گرفته‌اند، مشاغل پیشگویی و فال‌گیری، دست‌فروشی ادویه، زباله‌گردی، سرقت خرد، فروش نوزاد و شکسته‌بندی، به‌ترتیب در مقایسه با سایر مشاغل غیررسمی‌اند؛ بنابراین می‌توان از این مشاغل به‌عنوان غیررسمی‌ترین مشاغل اقتصاد غیررسمی یاد کرد.



شکل ۴- نمودار نقطه‌ای نوع‌شناسی کیفی مشاغل اقتصاد غیررسمی در محله قلعه‌خیابان

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف از انجام‌شدن پژوهش حاضر تحلیل جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی در حاشیه شهر بود. برای بررسی اقتصاد غیررسمی، در گام نخست با استفاده از روش کیفی و تکنیک‌های مصاحبه نیمه‌ساختار یافته با ۲۷ نفر، ۸۴ شغل فعال غیررسمی در محله قلعه‌خیابان شناسایی شد که همگی آن‌ها به تناسبی در ۹ متغیر اقتصاد غیررسمی مشترک بودند. در ادامه با استفاده از جلسات گروه کانونی، ۲۱ رسته شغل رسته‌بندی شد. تاکنون تحقیقات بسیاری در حوزه اقتصاد غیررسمی انجام شده است، اما یافته‌های پژوهش حاضر مطابق با هیچ‌کدام از یافته‌های پیشینه تجربی پژوهش حاضر نیست؛ زیرا در هیچ‌کدام از پژوهش‌های انجام‌شده به دلیل نوع روش (استفاده از روش کمی)، پنهانی‌بودن مشاغل غیررسمی (دل آنو، ۲۰۰۹، ص. ۲۲۷)، ابهام در تعاریف (هنلی، عربشیانی و کارینو، ۲۰۰۹، ص. ۹۹۲)، تغییرات پی‌درپی مشاغل (دانیلز، ۲۰۰۴) و نوع رویکرد کلان اقتصادی، پژوهشگران کمتر به شناسایی مشاغل اقتصاد غیررسمی توجه داشته‌اند؛ بنابراین این مشاغل و طبقه‌بندی آن‌ها از جمله نتایج نوینی است که در این پژوهش شناسایی شده است. از سوی دیگر، برخی از مشاغل اصولاً دارای ویژگی‌های اقتصاد رسمی‌اند و تنها به دلیل کم‌رنگ‌شدن نظارت نهادهای دولتی، منفعت‌گرایی صاحبان مشاغل، کوچک مقیاس بودن، استفاده از تکنولوژی‌های سنتی، پنهان‌بودن و قرارنگرفتن در چارچوب قوانین، ساماندهی نشده‌اند که در پژوهش حاضر از آن‌ها با عنوان مشاغل غیررسمی نام برده‌ایم.

از دیگر یافته‌های این پژوهش این است که نگاه صرفاً اقتصادی برپایه تعاریف و اصطلاحات اقتصادی به مشاغل اقتصاد غیررسمی نمی‌تواند در تحلیل کیفی این پدیده اجتماعی ما را یاری رساند لذا ما برای دستیابی به فهم جامعه‌شناختی ابعاد کیفی اقتصاد غیررسمی در قلمرو مورد مطالعه از تکنیک مصاحبه گروه کانونی بهره گرفتیم. در این مجال نتایج یافته‌های این قسمت به عنوان مهمترین یافته‌های کیفی پژوهشی این رساله و ارتباط آن با مبانی نظری و پیشینه تجربی مورد بررسی قرار گرفته است.

تداوم بخشی به فقر؛ میان فقر و اشتغال در بخش غیررسمی اقتصاد رابطه دوطرفه وجود دارد. صاحب نظران بسیاری با تأیید ارتباط بین فقر و اقتصاد غیررسمی از آن به عنوان گریزگاهی به منظور تأمین معاش (نظریه لویس برگ)، فقردرمانی (طرفداران نظریه های دوگانگی)، تور حمایتی فقرا (نظریه پردازان دوآلیستی) و تخفیف دهنده فقر شهری (دیدگاه نئولیبرالیسم) نام برده اند. همچنین یافته های مطالعات جعفری مهرآبادی و محمدزاده (۱۳۹۴)، شوهانی (۱۳۹۸) و پرفرا و همکاران (۲۰۱۹) مبین این ارتباط است. تحلیل مصاحبه های گروه کانونی در این پژوهش نیز مشخص کرد که «فقر» عامل ورود به اشتغال غیررسمی است و اشتغال غیررسمی موجب قرارگرفتن تداوم فقر از طریق مکانیزم های زیر می شود.

میزان درآمد در بخش غیررسمی از کارفرمایان به کارگران خوداشتغالی و از کارگران خوداشتغالی به کارگران مزدبگیر و موقت کاهش می یابد، ولی درمجموع به طور میانگین میزان درآمد شاغلان در بخش غیررسمی کمتر از بخش رسمی است؛

افراد شاغل در بخش غیررسمی اقتصاد علاوه بر کانال درآمد، از طریق محرومیت از تأمین اجتماعی و سیستم حداقل دستمزد نیز در فشار هستند؛ این در حالی است که تأمین اجتماعی در پیشگیری از فقر و رفع فقر نقش بسزایی دارد؛ بنابراین محرومیت از خدمات تأمین اجتماعی در این مشاغل به تداوم فقر صاحبان مشاغل غیررسمی می انجامد؛

تحصیلات مکانیزمی است که بر فقر خانوار تأثیر می گذارد. در پژوهش حاضر مطالعات میدانی مانند سایر پژوهش ها نشان می دهد کسانی که در بخش غیررسمی اقتصادی فعال هستند، تحصیلات زیادی ندارند: هنلی، عربشیانی و کارینو (۲۰۰۹)، جعفری مهرآبادی و محمدزاده (۱۳۹۴)، بلکبرن، بوز و کاپاسو^۱ (۲۰۱۴)، صدر موسوی و همکاران (۱۳۹۵)، کریمی موغاری و همکاران (۱۳۹۷)، ظفری، صدرموسوی و پورمحمدی (۱۳۹۷) و شوهانی (۱۳۹۸). از سوی دیگر سطح پایین تحصیلات سرپرست خانوار، شانس فقیربودن آن خانوار را افزایش می دهد. سایر یافته های مصاحبه های کانونی مشخص کرد که فقر به همراه کاهش

1. Black Burn, Bose & Capasso

تحصیلات سرپرست خانواده موجب ترغیب دیگر افراد خانوار برای اشتغال در بخش غیررسمی و نبود تحصیلات آکادمیک می‌شود که درنهایت شانس فرزندان این خانوار را برای رهایی از اشتغال در بخش رسمی اقتصاد و کسب شغل‌هایی با دستمزد زیاد را به شدت کاهش می‌دهد؛

نسبت ساعت کار با میزان درآمد در مشاغل غیررسمی به شدت نامتوازن و ناعادلانه است؛ به طوری که مصاحبه‌شوندگان گروه کانونی پژوهش حاضر معتقدند بودند که صاحبان این مشاغل مجبور هستند زمان بیشتری را در خارج از خانه صرف کنند. این پدیده خود سبب فقر زمانی در کنشگران می‌شود که کاهش پویایی و آسیب‌پذیری بیشتر و هزینه بیشتر درمانی را به همراه دارد؛

یافته‌های مصاحبه با گروه کانونی پژوهش حاضر مشخص کرد، صاحبان مشاغل غیررسمی که به صورت غیرقانونی به دنبال تأمین معاش خود هستند، با ریسک زیاد دستگیر شدن و از دست دادن جایگاه شغلی روبه‌رو هستند؛ بدین ترتیب احتمال تداوم فقر در این افراد و خانواده آن‌ها گسترش می‌یابد.

حضور زنان و کودکان: حضور زنان و کودکان از دیگر شاخص‌های کیفیت سنجی به اقتصاد غیررسمی است. مقایسه بین مشاغل غیررسمی و رسمی انجام‌شده توسط سازمان بین‌المللی کار حاکی از این است که زنان و کودکان در مشاغل غیررسمی در مقایسه با هم‌تایان خود، حضور بیشتری دارند (بارون، ۲۰۰۲). یافته‌های مصاحبه‌های کیفی پژوهش حاضر نیز مشخص کرد که حضور زنان به همراه کودکان در مشاغل غیررسمی در محله قلعه-خیابان به دلیل فرایندهای ذیل تشدید می‌شود.

میانگین درآمد زنان شاغل در بخش غیررسمی از مردان کمتر است؛ بنابراین زنان در راستای تأمین معاش خانواده خود مجبورند همراه با کودکان خود کار کنند.

در محله قلعه‌خیابان به دلیل وضعیت دشوار اقتصادی ساکنان آن، تقاضا برای ورود به بازار اشتغال زنان افزایش یافته است. از طرفی بی‌توجهی به بازار کار زنان و فقدان

سیاست گذاری مناسب باعث تراکم و عرضه بیشتر نیروی کار انسانی در این محله شده است؛ بنابراین زنان به عنوان نیروی کار دوم در جامعه مطالعه شده مجبورند، مشاغل سخت تر و با مزدهای کمتری را بپذیرند.

افزایش مسائل اجتماعی و از جمله طلاق در مناطق حاشیه شهر و به ویژه محله قلعه خیابان سبب شده است بر تعداد زنان سرپرست خانوار ساکن این محله افزوده شود. این زنان به دلیل نداشتن مهارت توانمندی لازم برای پذیرش مشاغل رسمی را ندارند و در مشاغل غیررسمی به کار مشغول اند.

یافته های مصاحبه با گروه کانونی پژوهش حاضر مشخص کرد که در محله قلعه خیابان، تعصبات جنسیتی موجب ایجاد فرصت های نابرابر در آموزش، اشتغال و مالکیت برای زنان در مقایسه با مردان شده است؛ بنابراین زنان بیشتر در شغل های کم درآمد و زمان بر در این محله به کار گرفته می شوند.

منزلت اجتماعی: منزلت اجتماعی که معادل این اصطلاح را آبروی اجتماعی، شأن اجتماعی، حیثیت اجتماعی و اعتبار اجتماعی دانسته اند، بیشتر به جنبی ذهنی شأن و منزلت افراد از دیدگاه جامعه اشاره دارد (کلاکی و دوستدار، ۱۳۸۸، ص. ۲۳۲). اینکه شأن و منزلت فرد در مقایسه با افراد دیگر تا چه اندازه است، تحت تأثیر نگاه مردم جامعه به فرد است یافته های کیفی مطالعه حاضر برپایه مصاحبه با گروه کانونی مشخص کرد که در محله قلعه خیابان اگرچه میزان درآمد، تحصیلات و مسکن در منزلت اجتماعی ساکنان اثرگذار است، نوع شغل از نگاه مردم نقش بسزایی در تعیین حیثیت اجتماعی کنشگران اجتماعی در این محله دارد. این یافته کیفی حاضر در نظریه های نورث، هات، مندارس و گوروپچ نیز تأیید شده است (کلاکی و دوستدار، ۱۳۸۸، ص. ۲۳۲).

طردشدگی اجتماعی: «طرد اجتماعی» نخستین بار در دهه ۱۹۷۰ در فرانسه به کار برده شد. طرد اجتماعی بر انقطاع در روابط با جامعه دلالت دارد که همواره در تقابل با ادغام اجتماعی معنی می یابد؛ به طوری که فقدان ادغام طرد را رقم می زند و از آن به عنوان فرایندی

یاد می‌شود که طی آن افراد یا گروه‌ها به‌طور کامل یا تاحدودی از مشارکت در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، محروم می‌شوند (حمیدیان، زاهدی، ملکی و انصاری، ۱۳۹۴، ص. ۱۱).

براساس یافته‌های جلسات گروه کانونی، در محله قلعہ‌خیابان صاحبان برخی از مشاغل به‌واسطه اشتغال در بخش غیررسمی اقتصاد با محرومیتی مواجه می‌شوند که به جدایی از جریان اصلی محله می‌انجامد. این محرومیت‌ها عبارت‌اند از: مشارکت نکردن در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور محله، دسترسی‌نداشتن به فرصت‌ها و شبکه ارتباطات اجتماع محلی؛ فرایندی که در نتیجه مشارکت نکردن در فعالیت‌های امور محله و ادغام‌نشده‌گی در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی در محله، صاحبان این مشاغل را به‌طور ناخواسته دچار تعارضی رفتاری کرده است. از سوی دیگر به‌دلیل منزلت اجتماعی پائینی که این مشاغل در ذهن ساکنان محله قلعہ‌خیابان دارند، آن‌ها این قشر را (صاحبان این مشاغل را) نادیده گرفته‌اند و به رسمیت نمی‌شناسند؛ به عبارت دیگر، این طرد اجتماعی در محله قلعہ‌خیابان دستاورد کنش عامدانه عاملانی بیرونی است که به‌صورت فعال به‌واسطه نوع شغل مانع از مشارکت و ورود فرد به عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی محله می‌شود. کنشی که برپایه باورهای ساختاریافته در باب یک شغل به شکل‌های گوناگون در ذهنیت ساکنان این محله بر رفتار آن‌ها تأثیر می‌گذارد، برگرفته از ارزش‌های محلی، غیرقانونی بودن، نوع قومیت، تبلیغات و باورهای جنسیتی است.

دیگر یافته کیفی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تحلیل چگونگی ارتباط بین طرد اجتماعی و اشتغال در بخش غیررسمی اقتصاد، پویا و دوطرفه است؛ به‌گونه‌ای که افرادی که در جامعه شهری ادغام اقتصادی نمی‌شوند، به این محله مهاجرت می‌کنند و به‌دلیل بیکاری به اشتغال در بخش غیررسمی اقتصاد روی می‌آورند و به‌واسطه این فعالیت نیز توأمان دچار طردشدگی اجتماعی و اقتصادی در محله قلعہ‌خیابان می‌شوند؛ به بیان دیگر، اشتغال در بخش غیررسمی زاده طردشدگی و سبب بازتولید طردشدگی در اجتماعی محلی می‌شود.

سلامت اجتماعی (آسیب پذیری شغلی): در جوامع امروز، سلامت اجتماعی به منزله یکی از ابعاد سلامت، در کنار سلامت جسمانی و روانی نقش گسترده ای ایفا می کند؛ به طوری که دیگر سلامتی فقط عاری بودن از بیماری های جسمی و روانی نیست؛ بلکه چگونگی عملکرد انسان در روابط اجتماعی و چگونگی تفکر وی نیز معیار ارزیابی سلامت فرد در سطح کلان جامعه به شمار می رود (روتمن، کیرستن و ویسینگ، ۲۰۰۳، ص. ۲۱۵).

از جمله عوامل تأثیرگذار بر سلامت اجتماعی، نوع اشتغال فرد است. مصاحبه با گروه کانونی این پژوهش مشخص کرد که مشاغل غیررسمی به واسطه داشتن خطرهای اجتماعی، احتمال آسیب دیدگی فیزیکی، کمی حقوق و مزایا، ناامنی شغلی، نبود حمایت بیمه ای و سازمانی و...، با آسیب رساندن به سلامت جسمی، روحی، روانی و اجتماعی فرد را دچار تضاد و تناقض در نقش های اجتماعی در محله می کنند و عملکرد اجتماعی و روابط اجتماعی او را با دیگر ساکنان محله مخدوش می کنند. چنین شخصی با انطباق نیافتن با اجزای جامعه محلی، توانایی تعامل مؤثر با دیگران به منظور ایجاد روابطی با هدف ایفای نقش های اجتماعی ندارد و نمی تواند با مشارکت با سایر افراد محله، ضمن ایجاد زندگی سازگار با سایر ساکنان، روابط مثبت متکی به دیگر افراد جامعه و داشتن روابط سالم را بنا کند.

ناپایداری شغلی (ریسک شغلی): دیگر یافته های کیفی پژوهش حاضر نشان می دهد که ناپایداری شغلی یکی از متغیرهای جامعه شناختی مشاغل بخش غیررسمی اقتصاد در محله قلعه خیابان به شمار می آید. مشاغل غیررسمی به واسطه سهولت ورود به آنها و خروج از آنها، فقدان قوانین استاندارد مکتوب، کارهای کوتاه مدت و همچنین مکفی نبودن درآمد، نداشتن بیمه و قرارداد رسمی، بیشتر از مشاغل رسمی دچار ناپایداری هستند که این امر بر احساس امنیت شغلی دارندگان این مشاغل نیز مؤثر است. نتایج پژوهش بارون (۲۰۰۲) نیز مبین این واقعیت است.

خاص‌گرایی شغلی: مصاحبه با گروه کانونی و مطالعات میدانی پژوهشگر نشان می‌دهد که برخی از مشاغل غیررسمی شناسایی شده در محله قلعه‌خیابان، تنها به یک گروه نژادی، مذهبی یا قومی خاص اختصاص دارند و سایر اعضای جامعه کمتر قادر هستند در آن مشاغل امرار معاش کنند. نپذیرفتن برخی مشاغل به دلیل منزلت شغلی پایین آن‌ها در ذهنیت افراد محله قلعه‌خیابان، نیاز به داشتن مهارتی خاص برای انجام دادن آن‌ها و تقاضای قومیت‌محور آن‌هاست. این خاص‌گرایی سبب کوچک شدن مقیاس عملکردی آن مشاغل می‌شود که ساماندهی و رسمیت‌بخشی این دسته از مشاغل را با چالش مواجه می‌کند.

احساس بی‌قدرتی: مفهوم «بی‌قدرتی» را نخستین بار کارل مارکس در نظریه بیگانگی-اش به کار برد. سپس اندیشمندانی نظیر مزاروس، فروم، سیمن، میلز و دیگران آن را توسعه داده‌اند (واعظی و رهبر، ۱۳۹۵). در این پژوهش احساس بی‌قدرتی به مفهوم احساس فردی است که قادر به نفوذ بر جریان‌ات و امور نیست. یافته‌های کیفی برمبنای مصاحبه با گروه کانونی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که افراد به واسطه داشتن مشاغل غیررسمی و تأثیر متغیرهایی همچون ناپایداری شغلی، احساس توانمندی و احساس تحرکات فردی، به میزان متفاوت احساس توانایی تأثیرگذاری بر جریان امور یعنی قدرت دارند؛ به‌طوری‌که در این حالت فرد از خود بیگانه می‌شود؛ زیرا احساس می‌کند در وضعیت اجتماعی که در آن قرار دارد، بر آن کنش متقابل نمی‌تواند تأثیر بگذارد و قدرت کافی برای مهار رویدادهای محلی را ندارد.

در ادامه این پژوهش، نتایج مصاحبه با گروه کانونی و کمیت ارائه شده برای هر شغل، با استفاده از روش آماری تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی، به مشاغل اقتصاد غیررسمی و مشاغل شبه‌رسمی طبقه‌بندی شد. این گونه‌شناسی برخلاف گونه‌شناسی‌های ارائه شده از اقتصاد غیررسمی توسط صاحب‌نظران از جمله فایگ، توماس، چرن، گیلز، گویمای و وان است که به‌صورت کاملاً کیفی هریک از مشاغل را در مقایسه با شغل دیگر ارزیابی جامعه‌شناختی کرده‌اند.

در انتهای پژوهش در راستای تحلیل جامعه‌شناختی اقتصاد غیررسمی، با استفاده از تلفیق یافته‌های روش تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل خوشه‌ای گونه‌شناسی نوینی از مشاغل غیررسمی شناسایی شده که قدرت ارزیابی کیفیت مشاغل غیررسمی اقتصاد در محله قلعه خیابان را داراست. این گونه‌شناسی برخلاف گونه‌شناسی‌های ارائه‌شده از اقتصاد غیررسمی توسط صاحب‌نظران از جمله فایگ (شامل غیرقانونی، گزارش‌نشده، ثبت‌نشده، غیررسمی)، توماس (شامل خانوار، غیررسمی، نامنظم، غیرقانونی)، چرن (شامل مزدبگیر، خوداشتغال)؛ گیلز (شامل قانونی، غیرقانونی)، گویمای و وان دفن (شامل تولید غیرقانونی، تولید بخش غیررسمی، تولید زیرزمینی، تولید زیرزمینی و مخفی)، به‌صورت کاملاً کیفی هریک از مشاغل را در مقایسه با شغل دیگر ارزیابی جامعه‌شناختی می‌کند.

در ادامه پیشنهادهایی کاربردی برآمده از نتایج تحقیق ارائه می‌شود.

مشاغل غیررسمی بر پایه استراتژی بقا در محلات حاشیه شهر شکل گرفته‌اند؛ بنابراین هر نوع برخورد قهری با صاحبان این مشاغل می‌تواند حیات این افراد را با خطر مواجه کند؛ یافته‌های تحقیق حاضر درباره مشاغل شبه‌رسمی، بهترین فرصت رسمیت‌بخشی به مشاغل را برای نهادهای متولی می‌تواند مهیا کند؛

برای رهایی از اقتصاد غیررسمی باید مهارت‌افزایی را به‌ویژه در زنان به‌منظور رهایی‌یافتن از شغل‌های غیررسمی به‌سوی شغل‌های شبه‌رسمی در پیش گرفت؛

مدیریت شهری قبل از اجرای هر سیاستی تأثیرات احتمالی آن سیاست را بر گسترش مناطق حاشیه‌ای بسنجد.

کتاب‌نامه

۱. احمدی، و.، و حامد، ب. (۱۳۹۹). مطالعه جامعه‌شناختی مشاغل غیررسمی در مناطق محروم شهر کرمانشاه. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۱(۲)، ۱۶۷-۱۹۹.
۲. استروس، ا.، و کرین، ج. (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنايي، رویه‌ها و شیوه‌ها* (ب. محمدی، مترجم). تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. آقاجری، س. ج.، زراءنژاد، م.، و اکبرزاده، م. ه. (۱۳۹۷). بررسی اثر اقتصاد زیرزمینی بر توسعه اجتماعی در منتخبی از کشورهای خاورمیانه. *فصلنامه توسعه اجتماعی*، ۲(۲)، ۱۹۵-۲۱۸.
۴. آمارنامه اطلس محلات شهر مشهد. (۱۴۰۰). مشهد: معاونت برنامه‌ریزی شهرداری مشهد.
۵. جعفری مهرآبادی، م.، و محمدزاده، ر. (۱۳۹۴). ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی زنان شاغل در بخش غیررسمی (مطالعه موردی: منطقه ۲ شهر رشت). *فصلنامه علمی و پژوهشی آمایش محیط*، ۳۷(۳)، ۹۹-۱۲۱.
۶. جواد یگانه، م. (۱۳۸۷). رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی. تهران. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، ۳(۱)، ۶۴-۳۳.
۷. حمیدیان، ا.، زاهدی، م. ج.، ملکی، ا.، و انصاری، ا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و طرد اجتماعی گروه‌ها در کلان‌شهر اصفهان. *دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۴(۶)، ۱-۳۲.
۸. خانزادی، آ.، دل‌انگیزان، س.، و منوچهری، ت. (۱۳۹۹). برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی در استان کرمانشاه. *فصلنامه علمی دانش انتظامی کرمانشاه*، ۱۰(۲)، ۱۹-۵۴.
۹. شریفی پستیچی، م.، جوان، ج.، شایان، ح.، و رهنما، م. ر. (۱۳۹۴). تحلیل علل جمعیت‌پذیری روستاهای حریم مادرشهرها با استفاده از تحلیل عاملی (مطالعه موردی: قلعه‌خیابان مشهد). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۴(۱)، ۱۵-۲۸.
۱۰. شوهانی، ن.، شوهانی، م.، و شوهانی، س. (۱۳۹۸). تحلیل نقش مهاجرت (روستا-شهر) در شکل‌گیری و گسترش مشاغل غیررسمی در شهر ایلام. *فصلنامه علمی فرهنگ ایلام*، ۲۰(۶۴ و ۶۵)، ۱۲۰-۱۴۹.

۱۱. صدرموسوی، م. س.، پورمحمدی، م. ر.، و ظفری، د. (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل نقش مهاجرت روستایی در ایجاد بخش غیررسمی: مطالعه موردی کلان شهر تبریز. *نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری*، ۷(۲۵)، ۲۳-۴۲.
۱۲. ظفری، د.، صدرموسوی، م. س.، و پورمحمدی، م. ر. (۱۳۹۷). بررسی جایگاه شاغلان بخش غیررسمی در پایداری اقتصاد شهری (مطالعه موردی: کلان شهر تبریز). *پژوهش های جغرافیای انسانی*، ۵۰(۳)، ۶۴۳-۶۵۹.
۱۳. فلیک، ا. (۱۳۸۸). *درآمدی بر روش تحقیق کیفی* (ه. جلیلی، مترجم). تهران: نشر نی.
۱۴. کریمی موعاری، ز.، زروکی، ش.، و زریان، احمدی (۱۳۹۷). محاسبه و تحلیل ساختار اشتغال غیررسمی در مناطق شهری استان کردستان. *فصلنامه اقتصاد کاربری*، ۸(۲۶)، ۱-۱۵.
۱۵. کلاکی، ح.، و دوستدار، ر. (۱۳۸۸). بررسی منزلت شغلی و اجتماعی پلیس ایران و عوامل مؤثر بر آن. *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، ۴(۲)، ۲۲۸-۲۵۰.
۱۶. لوح فشرده آمارنامه حاشیه شهر مشهد. (۱۳۹۹). مشهد: مدیریت توسعه و پژوهش شهرداری مشهد.
۱۷. مطلبی، م.، علیزاده، م.، و فرجی دیزجی، س. (۱۳۹۸). برآورد اقتصاد سایه و فرار مالیاتی با استفاده از متغیرهای انضباط مالی دولت. *فصلنامه اقتصاد مقداری*، ۱۶(۴)، ۶۹-۱۰۰.
۱۸. نادران، ا.، و صدیقی، ح. (۱۳۸۷). بررسی اثر مالیات ها و اجزای آن بر حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران. *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۴(۴)، ۲۵۷-۲۸۲.
۱۹. نسترن، م.، ربیعی، ک.، و عبدخدا، ک. (۱۳۹۸). بررسی اثرات اشتغال غیررسمی بر پایداری اجتماعی (نمونه موردی شهر بانه). *فصلنامه برنامه ریزی رفاه توسعه اجتماعی*، ۳۷(۳)، ۸۹-۱۲۲.
۲۰. نقدی، ا. ا.، رویین تن، م.، حقیریان، ش.، شاهرخ، ع.، و خانین، م. (۱۴۰۰). مطالعه گونه شناسی چالش های حاشیه نشینی و بازی های حاشیه نشینان با سیاست های شهری (مورد مطالعه: شهر ساوه). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۰(۱)، ۲۴۳-۲۷۵.
۲۱. واعظی، س. ک.، و رهبر، ر. (۱۳۹۵). بررسی اهمیت میانجی مؤلفه احساس بی قدرتی در میزان تأثیر ادراک از پاسخ گویی بر رفتار مشارکتی دانشجویان. *نشریه مدیریت دولتی*، ۸(۱)، ۱۱۳-۱۳۶.

22. Bangasser, P. (2000). *The ILO and the informal sector: An institutional history*. ILO Employment Paper, Retrieved from www.ilo.org/public/english/employment/strat/publ/ep00-9.htm
23. Barron, L., & Gauntlett, E., (2002). *Housing and sustainable communities indicators project*. Stage 1 report – Model of social sustainability. Retrieved from http://wacoss.org.au/images/assets/SP_Sustainability/HSCIP%20Stage%201%20Report.pdf
24. Black Burn, K., Bose, N., & Capasso, S. (2014). Tax evasion, the underground economy and financial development. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 83, 243-253.
25. Daniles, P. W. (2004). Urban challenges: The formal and informal economics in mage – cities, *Cities*, 21(6), 501-511.
26. Darity, Jr. W. A. (2008). *International encyclopedia of the social sciences* (2nd ed). USA: Macmillan Reference.
27. Dell'Anno, R. (2009). Institutions and human development in the Latin American informal economy. *Constitutional Political Economy*, 21(3), 207-230.
28. Fige, E. L. (1997). *Revised estimates of the underground economy: Implications of US currency held abroad*. MPRA Paper 13805, University Library of Munich, Germany.
29. Hendly, A., Arabsheibani, G. R., & Carneiro, F. G. (2009). On defining and measuring the informal sector, evidence from Brazil. *World Development*, 37(5), 992-1003.
30. Medina, L., & Schneider, F. (2017). *Shadow economies around the world: New results for 158 countries over 1991-2015*. CESifo Working Paper No. 6430. Retrieved from EconStor: Shadow Economies around the World: New Results for 158 Countries over 1991-2015
31. Patton, M. Q. (2001). *Qualitative research & evaluation methods: Integrating theory and practice* (4th Ed.). Saint Paul: Sage.
32. Perprah, V., Buor, D., Forkour, D., & Sanchez-Moral, S. (2019). Characteristics of informal sector activities and challenges faced by women in Kumasi Metropolis, Ghana. *Cogent Social Science*, 1(5), 1656383.
33. Roothman, B., Kirsten, D. K., & Wissing, M. P. (2003). Gender differences in aspects of psychological well-being. *South African Journal of Psychology*, 33, 202-218.
34. Schneider, F., & Kearney, A. T. (2013). *The shadow economy in Europe*. Johannes Kepler Universitat, Linz, Australia.
35. Schneider, F., & Medina, L. (2018). Shadow economies around the world: What did we learn over the last 20 years? *IMF Working Paper*, (17), 1-16.
36. Thomas, J. J. (1992). *Informal economic activity*. LSE, Handbooks in Economics. London: Harvester Wheatsheaf.

37. Williams, C. C., & Windebank, J. (1998). *Informal employment in the advanced economics*. London: Routledge.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مطالعه زمینه‌های اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری بیماری‌های اعصاب و روان^۱ (روان‌پریشی) با استفاده از استراتژی نظریه زمینه‌ای

علیرضا صنعت‌خواه (استادیار و عضو گروه جامعه‌شناسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران، نویسنده
مسئول)

asanatkah@yahoo.com

محمد جلال کمالی (استادیار و عضو گروه مدیریت بحران، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران)

mjalalkamali@yahoo.co.uk

نوید فاتحی‌راد (استادیار و عضو گروه مدیریت بحران، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران)

fatehi-rad@iauk.ac.ir

مهناز زعیم‌باشی (کارشناسی‌ارشد گروه جامعه‌شناسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران)

zaeimbashi@yahoo.com

چکیده

این تحقیق در تلاش است تا شناخت وسیع‌تری از دلایل، زمینه‌ها و فرایندهای اجتماعی مؤثر بر بروز بیماری‌های اعصاب و روان به دست آورد؛ ازاین‌رو با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق و آزاد در چهارچوب نظریه زمینه‌ای و با استفاده از نمونه‌گیری نظری از ۲۳ بیمار بهبودیافته مبتلا به بیماری‌های اعصاب روان و پنج نفر از اعضای خانواده‌های بیماران، داده‌های لازم گردآوری و تنظیم شد. پس از تحلیل یافته‌های پژوهش، مقوله‌های دغدغه‌های زندگی، مشاوره و آموزش کاربردی، بی‌توجهی به عدالت، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای، مشاجره و تنش در خانواده، شخصیت حساس عاطفی، تنش‌های اقتصادی، سوء مصرف مواد مخدر به‌عنوان شرایط علی،

1. Mental Disorders

مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۶۷-۲۹۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۰۳/۱۲

باورپذیری، ناآگاهی شناختی، کنترل احساسات فردی و اجتماعی به عنوان شرایط مداخله گر، پشتیبانی حمایتی و عاطفی، اثربخشی درمان به عنوان تعاملات و ایجاد تشنج و هراس در خانواده، ترک مسئولیت خانوادگی و اجتماعی و افزایش هزینه های خانواده، تأثیرات فردی به عنوان پیامدها تعیین شدند. سرانجام مفهوم بیماری اعصاب و روان برخاسته از «شخصیت حساس شکننده» به عنوان مقوله هسته برگزیده شد. نتایج بررسی نشان می دهد که فشار روانی دارای منشأ اجتماعی است و با ساختارها و نظام اجتماعی ارتباط وسیع و تنگاتنگ دارد. عواملی همچون تأهل، تحصیلات، روابط خانوادگی، مشکلات اقتصادی، بیکاری و ازدواج های ناموفق، افراد را برای ابتلا به بیماری روانی مستعدتر می کنند.

کلیدواژه ها: بیماری های اعصاب و روان، نظریه زمینه ای، زمینه های اجتماعی،

۱. مقدمه

یکی از معضلات و مشکلات جوامع امروزی، بیماری های روانی است. پژوهشگران معتقدند با صنعتی شدن و پیشرفت های دیگر بشری میزان اختلالات روانی از جمله اختلالات روان پریشی و اختلالات خلقی رو به افزایش است (نوریان، شریف، اشکانی، ده بزرگی و طباطبایی، ۱۳۸۳، ص. ۶۴)

اختلالات روان پریشی نه تنها سبب مختل شدن درخور ملاحظه کارکردهای بیمار و بروز به هم ریختگی احساس، افکار و رفتار بیمار می شود، بلکه ضربه سنگینی نیز بر پیکر اجتماع وارد می کند؛ بنابراین به شناخت بیشتر نیاز دارد (گروسی و شبستری، ۱۳۹۰، ص. ۲).

بر همین اساس یکی از پدیده های قابل مطالعه در عرصه اجتماعی-روان شناختی، پدیده بیماری های روانی و روان پریشی است که طی یکی دو دهه اخیر در قالب پژوهش های مختلف نظری و تجربی به آن پرداخته شده است. نکته درخور توجه درباره این پژوهش ها، اجرای آن ها در چهارچوب پارادایم اثبات گرایی و بر مبنای مبانی نظری مرتبط با این پدیده ها از طریق تدوین فرضیه های از قبل قالب ریزی شده، تعاریف مفهومی و عملیاتی برگرفته از

نظریه‌های موجود و آزمون این فرضیه‌ها با استفاده از روش‌شناسی کمی و آماری است که به‌نوعی به تکرار برخی متغیرها در تحقیقات گوناگون پرداخته شده است؛ این در حالی است که در رویکردهای نظری و تجربی نوین در حوزه بیماری‌های روانی و روان‌پریشی بر هر دو عامل فرد و اجتماع و همچنین فرهنگ و اقتصاد در بروز بیماری‌های روانی تأکید شده است و تمایل علمی بیشتر به سمت تفسیرگرایی سوق یافته است؛ با این استدلال که بی‌توجهی به محیط اجتماعی و فرهنگی کنش‌های اجتماعی و همچنین تفسیر افراد درباره پدیده‌های روانی و روان‌شناختی، قوانین، روش‌ها، منابع و سایر موارد مربوط به این پدیده‌ها (روان‌پریشی) را ناکارآمد و غیراثربخش می‌کند. گروهی از پژوهشگران معتقدند شرایط اجتماعی نقش مهمی در شکل‌گیری بیماری‌های اعصاب و روان دارد (لی^۱ و کیم^۲، ۲۰۱۵). گروه دیگر به تفاوت زندگی مدرن در ارتباط با سبک زندگی سستی تأکید دارند. از طرف دیگر، عوامل اقتصادی را در بروز بیماری‌های اعصاب و روان نباید فراموش کرد. یانزون دلاتوری^۳ و همکاران (۲۰۱۶) معتقدند که مسائل اقتصادی عامل مهمی در بروز بیماری‌های روانی است. کیویتس، ارپل‌دینگ و گویلیمین^۴ (۲۰۱۲) نیز به نقش عوامل اجتماعی و اقتصادی در بروز بیماری‌های روانی تأکید کرده‌اند. ایشان همچنین تأکید بسیاری بر نقش جنسیت بر بروز بیماری‌های روانی دارند. تحقیقات جدید در حوزه سلامت روان به عامل دیگری نیز توجه نشان داده است که منجر به بروز بیماری‌های روانی می‌شود. عبدالواحد^۵ (۲۰۱۶) نقش عوامل فرهنگی و نقش مؤلفه‌های فرهنگی در هر جامعه را عامل مهمی در استرس و اضطراب بین دانشجویان معرفی می‌کند. با توجه به این تحقیقات که همگی با روش کمی و پیمایشی انجام شده است، می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با پدیده روان‌پریشی در ایران که مستلزم مطالعه و واکاوی است و در پژوهش‌های پیشین

1. Lee

2. Kim

3. Yanzón de la Torre

4. Kivits, Erpelding & Guillemin

5. Abdel Wahed

چندان مدنظر قرار نگرفته است، کشف درک معنایی و تفسیر بیماران بهبودیافته اعصاب و روان و چگونگی معنابخشی آن‌ها به پدیده بیماری روانی و روان‌پریشی به‌منظور ارائه توصیفی دقیق و عمیق از این درک و تفسیر است. در همین راستا، پژوهش حاضر با مدنظر قراردادن بیماران بهبودیافته اعصاب و روان به‌عنوان کنشگران اصلی عرصه این پدیده و تمرکز بر مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به‌عنوان واقعیتی که توسط آن‌ها ساخت و ساز می‌شود، به دنبال این بوده است که با استفاده از رویکرد تفسیری و واکاوی نظام معنایی بیماران بهبودیافته (مرکز اعصاب و روان دکتر بهشتی کرمان) از طریق کنکاش در تجربه درونی آن‌ها، عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر بروز بیماری روانی را کشف کند. و از این طریق تحلیل و تفسیر جامعی از آن در بستر مطالعه‌شده ارائه دهد.

۱.۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

هدف اصلی این مطالعه کیفی، کشف نظام معنایی بیماران روانی (بهبودیافته و مصاحبه با خانواده بیماران بستری‌شده) درباره پدیده بیماری اعصاب و روان با اتخاذ رویکرد تفسیری و نگاه از درون^۱ به‌منظور ارائه الگوی پارادایمی داده‌بنیاد زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر بیماری اعصاب و روان است؛ به عبارت دقیق‌تر، نظریه قائم به ذات^۲ مربوط به این پدیده در بستر مطالعه‌شده است. در راستای هدف مذکور، سؤال‌های اصلی پژوهش را می‌توان این گونه برشمرد:

- ۱- بیماران بهبودیافته چه درک و تفسیری از پدیده بیماری روانی دارند و نظام معنایی آن‌ها درباره چه مفاهیمی شکل گرفته است؟ ۲- راهبردها یا عمل-تعامل بیماران بهبودیافته درباره پدیده بیماری روانی در بستر مطالعه‌شده چگونه است؟ شرایط یا عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر شکل‌دهنده به نظام معنایی بیماران بهبودیافته کدام‌اند؟ پیامدهای راهبردها یا عمل-تعامل بیماران بهبودیافته در رابطه با پدیده بیماری روانی چیستند؟ ۵- بر مبنای چه

1. Emic

2. Substantive

مفهوم مرکزی می‌توان نظام معنایی بیماران بهبودیافته و همچنین عوامل مرتبط با آن را در بستر مطالعه‌شده تفسیر و تحلیل کرد؟

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق

حکاک خادم و احمدی زاویه (۱۳۹۸) در بررسی اثربخشی هنردرمانی (هنرهای بصری) در بهبود علائم منفی بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی اظهار کرده‌اند که هنردرمانی در کاهش علائم منفی (مانند اضطراب، بی‌توجهی، کمبود اعتماد به نفس و افسردگی) در این بیماران مؤثر است. عقیقی، محمدی، رحیمی و طاقانکی (۱۳۹۹) در تحقیق خود نشان دادند که اجرای درمان گروهی مبتنی بر تنظیم هیجان در افراد مبتلا به اختلال اضطراب بیماری، علائم اضطرابی و کیفیت زندگی افراد را بهبود می‌بخشد؛ بنابراین درمان مبتنی بر تنظیم هیجان، به‌عنوان یک درمان موج سوم شناختی-رفتاری اثربخش است. محسنی تبریزی و سیدان (۱۳۸۳) در بررسی منشأ اجتماعی بیماری افسردگی زنان نشان دادند فشار روانی زنان منشأ اجتماعی دارد و با ساختارها و نظام اجتماعی ارتباط وسیع و تنگاتنگ دارد. دستیابی نابرابری زنان به منابع ارزشمند در خانواده، تقسیم جنسیتی کار و نوع روابط قدرت در خانواده همراه با وضعیت اجتماعی-اقتصادی و متغیرهای مربوط به پیشینه زنان در ایجاد فشارهای روانی در آن‌ها نقش مهمی دارد. فرایند جامعه‌پذیری زنان براساس صفات متناسب به نقش‌های جنسیتی زنان مانند داشتن فشار روانی و فقدان خود اثربخشی در زنان را برای ابتلا به بیماری‌های روانی به‌ویژه افسردگی مستعدتر می‌کند. شکیب، طهماسبی و نوروزی (۱۳۹۳) در بررسی عوامل مؤثر بر سلامت روان دختران دبیرستانی شهر بوشهر نشان دادند که سطح سلامت روان در افراد مطالعه‌شده در حد متوسط است. از طرفی حمایت اجتماعی یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های سلامت و روان است و هرچه شبکه حمایت اجتماعی فرد بهتر و گسترده‌تر باشد، سلامت روان وی ارتقا می‌یابد.

پینگ، کوه، چانگ، چینگ و لین^۱ (۲۰۲۲) در بررسی خطرات اختلالات روانی در میان بازماندگان بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان‌ها در تایوان به این نتیجه رسیدند که افراد بستری‌شده در بخش مراقبت‌های ویژه در مقایسه با افراد بستری‌شده در بخش عمومی، اختلالات روانی بیشتری را از خود نشان می‌دهند و با خطر بیشتری برای درگیری با اختلالات روانی شدیدتر مواجه هستند. جیمز^۲ و همکاران (۲۰۲۲) در بررسی اختلالات روانی افراد بعد از همه‌گیری بیماری کوید-۱۹ در شش کشور اروپایی و استرالیا به این نتیجه رسیدند که سلامت روان در میان افراد مبتلا به اختلال روانی قبلی بدتر از افراد بدون اختلال روانی بود، اما با گذشت زمان تغییرات مشابه بود؛ البته سلامت روان در طول همه‌گیری با وضعیت مهاجرت در اکثر کشورها تفاوت نداشت. بیدناریک و سانپوریز^۳ (۲۰۲۲) در پژوهش خود مفهوم جدیدی را به نام خود اهلی کردن^۴ معرفی کرده‌اند. این مفهوم به فرایندی اشاره دارد که انسان در جوامع مدرن خود را با زندگی وفق می‌دهد یا به معنای دیگر به زندگی خانگی و خانوادگی خو می‌گیرد و عادت می‌کند. اهلی‌شدن فرایندی برای محافظت از مجموعه خاصی از افراد در برابر برخی از تأثیرات محیط طبیعی آن‌ها و مدیریت تولیدمثل آن‌ها مطابق با نیازهای خاص است. ویژگی‌های بیولوژیک انسان‌های امروزی نتیجه فرایند خود اهلی‌سازی است که ادامه دارد؛ بنابراین آن‌ها معایبی دارند که در گونه‌های اهلی روی می‌دهد: توانایی ضعیف برای مقابله با محیط خارجی، کاهش سیستم عصبی مرکزی که توسط ناهنجاری‌های ذهنی گرفتار شده است، کمبودهای گوارشی و متابولیک از جمله کاهش مراقبت از دندان‌ها و محدودیت‌های اسکلتی-عضلانی. از آنجاکه فرایند خانگی‌سازی خودکار ادامه دارد، این معایب در نسل‌های آینده افزایش خواهد یافت. پژوهش به‌طور خلاصه درباره

1. Peng, Koh, Chung, Chien, & Lin

2. Gémes

3. Bednarik & Saniotis

4. Auto-domestication

این دلایل بحث می‌کند که چرا انسان‌های امروزی به دلیل خود اهل‌ی سازی بیشتر مستعد ابتلا به اختلالات روانی هستند.

لی و کیم (۲۰۱۵) در بررسی عوامل مرتبط با افسردگی در زنان شاغل کره‌ای، میزان شیوع افسردگی در این زنان را ۱۵/۵ درصد ذکر کردند. آن‌ها عواملی از جمله وضعیت تأهل و استرس شغلی را عامل مهمی در بروز افسردگی قلمداد کردند. فوجیس و همکاران^۱ (۲۰۱۶) در مقایسه شیوع و عوامل مرتبط با افسردگی بزرگسالان و میان‌سالان بین شهری و جمعیت روستایی ژاپن به این نتیجه رسیدند که میزان شیوع افسردگی در مناطق روستایی خیلی کمتر از مناطق شهری است. دلیل آن را مشغله‌های کاری و فکری می‌داند که در شهر بیشتر از روستاست. دلاتوری و همکاران (۲۰۱۶) در بررسی افسردگی در بیماران بستری‌شده در بیمارستان عمومی در آرژانتین به این نتیجه رسیدند که مسائل اقتصادی عامل مهمی در بروز بیماری‌های روانی است. کیویتس و همکاران (۲۰۱۲) در بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با سلامت روان به این نتیجه رسیدند که عواملی از جمله وضعیت اقتصادی فرد، وضعیت اشتغال، تأهل و جنسیت عوامل مهم تأثیرگذار بر بروز بیماری‌های روانی هستند. عبدالواحد (۲۰۱۶) در بررسی شیوع و عوامل مرتبط با استرس، اضطراب و افسردگی در دانشگاه فیوم به این نتیجه رسید که شیوع کلی استرس در میان دانشجویان پزشکی ۶۲/۵ درصد است. با مقایسه این آمار با دانشجویان پزشکی در کشورهای عربستان و مالزی نتایج تحقیق نشانگر آن است که عوامل فرهنگی و نقش مؤلفه‌های فرهنگی در هر جامعه عامل مهمی در استرس و اضطراب بین دانشجویان است.

۲.۲. چارچوب مفهومی تحقیق

اصولاً با توجه به تفاوت‌های پارادایمی روش کیفی با روش کمی، اعتقاد پژوهشگران بر این است که در پژوهش کیفی به جای استفاده از چهارچوب نظری از چهارچوب مفهومی برای استخراج سؤال یا سؤال‌های پژوهش استفاده شود (ایمان، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۸)؛ به عبارت

1. Fujise

دیگر، استفاده از نظریه در روش‌شناسی کیفی برای نظریه آزمایی نیست و نظریه‌ها نقشی الهام‌بخش و مکمل‌گونه در فرایند پژوهش و تحلیل داده‌ها برای ایجاد حساسیت نظری-مفهومی برای کمک به بازبودن ذهن محقق درباره مسائل و مقوله‌های پژوهش شده دارند (محمدپور، ۱۳۹۲)؛ در نتیجه در این روش چهارچوب نظری مشخصی هدایتگر پژوهش نیست (حیدری، قاسمی، رنانی و ایمان، ۱۳۹۸)، اما به نظریه‌های زیر در قالب چهارچوب مفهومی توجه شده است. جامعه‌شناسان علل بیماری روانی را در ساختار جامعه جست‌وجو می‌کنند و معتقدند که علت بیماری‌های اجتماعی را باید در ساختار اجتماعی جوامع جست‌وجو کرد (قادرزاده و درویش‌منش، ۱۳۹۶). درواقع، در این رویکردها برخلاف زیست‌شناسی و روان‌شناسی، بیماری روانی همچون مرض یا ناتوانی، حالت یا مشخصه فرد است که محیط اجتماعی آن را به وجود می‌آورد؛ به بیان دیگر، بیماری روانی حالتی نیست که درون فرد باشد؛ بلکه پایگاهی اجتماعی دانسته می‌شود که از دیگر اعضای جامعه به فرد نسبت داده می‌شود. درواقع، شخص، بیمار روانی شناخته می‌شود که دیگران وی را بیمار روانی بنامند (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۹۱، ص. ۳۴). در رویکرد کنش متقابل نمادین بر برچسبی که دیگران به افراد بیمار روانی می‌زنند، تأکید می‌شود. در این رویکرد بیماری روانی یک برچسب یا طبقه‌بندی است که از طرف برخی به افراد خاص نسبت داده می‌شود. در اینجا اعضای جامعه را می‌توان کنشگرانی فعال دانست که کنش اجتماعی خود را براساس معانی و تفسیری بنا می‌کنند که برای محیط خود قائل‌اند؛ تا آنجا که گافمن، اختلالات روانی را یک نوع «داغ ننگ» می‌داند که به شدت بدنام‌کننده است و از نظر وی، قدرت داغ‌زنی یک صفت نه در ذات آن، بلکه در روابط اجتماعی ریشه دارد (گافمن، ۱۳۸۶، ص. ۲۰). پژوهشگران دیگری نیز پیوندی نزدیک بین عوامل اجتماعی و سلامت روانی را نشان داده‌اند (ایلاند^۲، ۱۹۹۱؛ دیلاتوری^۳، ۲۰۱۶) بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخی از مسائل مربوط به

1. E Lund

2. Annandale ,e, and hunt,k

3. De la torre

سلامتی افراد به‌طور مستقیم به ویژگی‌های زیستی آنان مربوط نیست؛ بلکه با نابرابرهای اجتماعی پیوند دارد. محسنی تبریزی و سیدان (۱۳۸۳، ص. ۳۳) به برخی از عوامل ساختاری از جمله نابرابری طبقاتی و جنسیتی در زمینه دستیابی به منابع ارزشمند اجتماعی و اقتصادی اشاره کردند. از نظر ایشان از مهم‌ترین عوامل اجتماعی‌ریال ایجاد نقش و بیماری‌های روانی است. روان‌شناسان انتقادی نقش عوامل بیولوژیک را انکار نمی‌کنند، ولی اصرار دارند که چه این عوامل باشند و چه نباشند، مشکلات زیادی همواره در یک متن اجتماعی یافت می‌شود (اسکندری، ۱۳۹۲، صص. ۸-۹).

اسکندری (۱۳۹۲، صص. ۸-۹) معتقد است که فرهنگ از راه‌های گوناگون بر نگرش‌های مربوط به سلامت تأثیر می‌گذارد. سنت‌ها و عقاید فرهنگی مربوط به سلامت دیدگاه‌های یک جامعه خاص را شکل می‌دهد و دیدگاه‌های جامعه به نوبه خود روش‌های درمان را تعیین می‌کند. از طرف دیگر نشانه‌های اختلالات در مقایسه با خود بیماری احتمال بیشتری دارد که تحت تأثیر فرهنگ تغییر یابند و عمیقاً در فرهنگ‌های مختلف آسیب‌شناسی و درمان متفاوتی دارند.

۳.۲. جمع‌بندی پیشینه مطالعاتی و چارچوب مفهومی

در پژوهش‌های نوین در حوزه بیماری‌های روانی و روان‌پریشی، بر هر دو عامل فرد و اجتماع و همچنین فرهنگ و اقتصاد در بروز بیماری‌های روانی تأکید می‌شود و تمایل علمی بیشتر به سمت تفسیرگرایی سوق یافته است. طبق نتایج این پژوهش‌ها، شرایط اجتماعی نقش مهمی در شکل‌گیری بیماری‌های اعصاب و روان دارد. غفلت از عوامل فرهنگی و اجتماعی باعث می‌شود که تبیین مناسبی درباره عوامل مؤثر بر بروز بیماری‌های روانی در جوامع مدرن صورت نپذیرد. پژوهشگران معتقدند فشار روانی دارای منشأ اجتماعی است و با ساختارها و نظام اجتماعی ارتباط وسیع و تنگاتنگ دارد. دستیابی نابرابری به منابع ارزشمند، تقسیم کار و نوع روابط قدرت در جامعه همراه با وضعیت اقتصادی و متغیرهای مربوط به پیشینه زندگی فرد در ایجاد فشارهای روانی در آن‌ها نقش مهمی دارد؛ بااین‌حال،

رابطه دوسویه‌ای (تأثیر متقابل) بین ابتلا به بیماری‌های جسمی و روانی است. بیماری اپیدمی کرونا خود ابتلا به بیماری‌های روانی را افزایش داده است، اما کسانی که سابقه قبلی بیماری روانی داشته‌اند، طبق نتایج تحقیقات، احتمال بیشتری به شدت گرفتن بیماری قبلی آن‌ها وجود دارد.

۳. روش تحقیق

روش استفاده‌شده در تحقیق پیش‌رو، کیفی و روش نظریه زمینه‌ای^۱ است. نظریه زمینه‌ای به کاررفته در این پژوهش، سیستماتیک یا نظام‌مند^۲ است. پژوهشگر به صورت نظام‌مند به دنبال توسعه نظریه‌ای است که به تبیین فرایند، کنش و تعامل در موضوع مطالعه‌شده بپردازد (ایمان، ۱۳۹۱، ص. ۷۵). او از طریق عمل نظام‌مند پژوهش معانی موجود در داده‌ها را کشف می‌کند، طی مراحل کدگذاری معانی کشف‌شده را در ظرف‌های مقوله‌ای تاحدی از قبل مشخص می‌ریزد و مدل پارادایمی و در سطوح بالاتر نظریه محدود به واقعیت خاص را ارائه می‌دهد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

در خصوص روش نمونه‌گیری کیفی، ابتدا با توجه به حساسیت موضوع تحقیق و دشواری دسترسی به نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است و سپس نمونه‌گیری نظری در جهت کمک به پیدایش نظریه زمینه‌ای راهنمای ادامه روند پژوهش بوده است. جریان پژوهش به نحوی پیش رفت که در مصاحبه نفر بیستم به اشباع نظری دسترسی پیدا شد، اما برای اطمینان هر چه بیشتر از پدیدنیامدن مقوله جدید مصاحبه‌ها تا مصاحبه نفر بیست و سوم پیش رفت. مشارکت‌کنندگان در پژوهش، ۱۴ زن و ۹ مرد ترخیص‌شده از بیمارستان اعصاب و روان شهید بهشتی کرمان و ۵ نفر از اعضای خانواده‌های بیماران (که هنوز در بیمارستان بستری بوده‌اند) در سال ۱۳۹۹ بودند. اطلاعات داده‌های لازم با استفاده از تکنیک مصاحبه آزاد و عمیق جمع‌آوری شدند که درنهایت با

-
1. Grounded Theory
 2. Systematic approach

استفاده از مقایسه‌های ثابت^۱ و کدگذاری نظری^۲ (کدگذاری باز^۳، محوری^۴، گزینشی^۵) تجزیه و تحلیل شدند.

درباره اعتبار^۶ و پایایی^۷ تحقیق کیفی، اتفاق نظری بین محققان وجود ندارد و برخی اندیشمندان از مفاهیمی شبیه تحقیقات کمی استفاده کرده‌اند (ایمان، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۷)، اما در تحقیق پیش‌رو برای رسیدن به معیار پایایی از سه تکنیک بهره گرفته می‌شود که عبارت است از: اول اینکه از مشارکت‌کنندگان (بیماران بهبودیافته) خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کنند و درباره درستی آن نظر دهند. محقق برای درستی یا نادرستی اطلاعات به‌دست‌آمده، بعد از انجام تحلیل‌ات و ارائه نتیجه‌گیری کلی، بار دیگر به میدان تحقیق، بیمارستان شهید بهشتی کرمان، رفت تا بار دیگر اطلاعات به‌دست‌آمده را با بیماران و خانواده‌های بیمار در میان بگذارد. بعد از ارائه نتیجه‌گیری پژوهش، بیشتر افراد با نتایج تحقیق موافق بودند؛ دوم اینکه به داده‌های خام مراجعه شد تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود؛ سوم اینکه چند متخصص (دو نفر دکتری جامعه‌شناسی و یک نفر دکتری روان‌شناسی) بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند. همچنین براساس دیدگاه لینکلن و گوبا^۸ (۱۹۸۵)، به نقل از حیدری، قاسمی، رنانی و ایمان، ۱۳۹۸) برای افزایش قابلیت اطمینان پژوهش، تلاش شده است تا شرایط متغیر طرح پژوهش، تغییرات پدیده‌های مطالعه‌شده و به‌طورکلی به زمینه در حال تغییر پژوهش، توجه کافی شود و این تغییرات به‌طور دقیق در تحقیق توصیف شده است. مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش در جدول ۱ ذکر شده است.

1. fixed comparison
2. theoretical coding
3. open coding
4. axial coding
5. selective coding
6. validity
7. reliability
8. Lincoln & Guba

جدول ۱- مشخصات مشارکت کنندگان در پژوهش

شماره	جنسیت	سن	میزان تحصیلات	شغل	تأهل	سابقه بیماری در اعضای دیگر خانواده
۱	زن	۳۲	ابتدایی	بیکار	مطلقه	بله
۲	زن	۳۰	ابتدایی	بیکار	مجرد	خیر
۳	زن	۲۸	ابتدایی	بیکار	متاهل	خیر
۴	زن	۲۶	ابتدایی	بیکار	متاهل	خیر
۵	زن	۳۵	ابتدایی	بیکار	مطلقه	خیر
۶	مرد	۴۰	بی سواد	بیکار	متاهل	خیر
۷	زن	۴۵	ابتدایی	بیکار	متاهل	خیر
۸	مرد	۳۵	ابتدایی	بیکار	مجرد	خیر
۹	زن	۳۹	بی سواد	بیکار	متاهل	خیر
۱۰	مرد	۱۶	بی سواد	بیکار	متاهل	خیر
۱۱	زن	۲۶	سیکل	کارگر	متاهل	خیر
۱۲	مرد	۳۶	سیکل	کارگر	مجرد	خیر
۱۳	زن	۳۸	سیکل	کارگر	متاهل	خیر
۱۴	زن	۴۵	دیپلم	کارگر	متاهل	خیر
۱۵	زن	۶۰	دیپلم	آزاد	مجرد	خیر
۱۶	مرد	۵۱	دیپلم	آزاد	متاهل	خیر
۱۷	مرد	۲۸	دیپلم	آزاد	متاهل	خیر
۱۸	مرد	۵۵	دیپلم	آزاد	مجرد	خیر
۱۹	زن	۴۲	دیپلم	آزاد	مجرد	خیر
۲۰	مرد	۴۵	لیسانس	محصل	متاهل	خیر
۲۱	زن	۳۲	دیپلم	آزاد	متاهل	خیر
۲۲	زن	۳۵	دیپلم	آزاد	متاهل	خیر
۲۳	مرد	۴۰	فوق لیسانس	کارمند	متاهل	خیر
خانواده	مرد	۶۰	دیپلم	بازنشسته	متاهل	خیر
خانواده	زن	۵۵	فوق دیپلم	خانه دار	متاهل	خیر
خانواده	زن	۳۵	لیسانس	بیکار	متاهل	خیر

شماره	جنسیت	سن	میزان تحصیلات	شغل	تأهل	سابقه بیماری در اعضای دیگر خانواده
خانواده	زن	۵۲	دیپلم	خانه دار	فوت همسر	خیر
خانواده	مرد	۶۰	دیپلم	بازنشسته	متاهل	خیر

۴. یافته‌های تحقیق

هدف این پژوهش، مطالعه زمینه‌های اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری بیماری‌های روان‌پریشی با استفاده از استراتژی نظریه زمینه‌ای است. فرایند کدگذاری در سه مرحله کدگذاری (محوری و گزینشی) صورت گرفته است و کدگذاری به صورت جمله به جمله انجام شده است. با ظاهرشدن مفاهیم حاصل از کدگذاری خط به خط، وارد مرحله کدگذاری محوری شدیم و مفاهیم به زیرمقوله‌های مربوط به داده‌ها پیوند داده شدند و در ادامه زیرمقولات به مقولات عمده مرتبط شدند. در ادامه فرایند کدگذاری محوری، مقولات کلی به دست آمده در جریان کدگذاری باز در قالب چهارچوب مدل پارادایمی تنظیم شدند که این مدل به شرایط، زمینه‌ها، استراتژی‌ها و پیامدهای پدیده اعصاب و روان در بین بیماران بهبودیافته بیمارستان شهید بهشتی کرمان می‌پردازد (شکل ۱). در نهایت، در مرحله کدگذاری انتخابی، مقوله هسته انتخاب شد و با استفاده از تکنیک داستان‌پردازی به طور منظم با سایر مقوله‌ها پیوند داده شد (شرح خط داستان در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری). مقولات و زیرمقولات عمده به دست آمده از جریان پژوهش به شرح زیر است:

شرایط علی یا سبب‌ساز: شرایط و عواملی هستند که به شکل‌گیری نظام معنایی بیماران بهبودیافته از پدیده بیماری روانی و روان‌پریشی منجر شده‌اند. در جدول ۲ شرایط علی اکتشافی در پژوهش مشاهده می‌شود.

جدول ۲- شرایط علی- مفاهیم، مقوله‌های فرعی و اصلی

مفاهیم	مقوله عمده	مقوله اصلی
وجود تنش‌ها در خانواده، مشکلات عاطفی در خانواده، اختلاط روابط خانوادگی (طلاق)، نبود اعتقاد به گفت و شنود در جهت حل مشکلات خانواده، خشونت در خانواده، نبود آرامش در خانه، ازدواج ناموفق خواهران و برادران، بی‌توجهی والدین به خواسته‌های فرزندان و سرکوب کردن خواسته‌های فرزندان، بی‌توجهی والدین به تحصیلات فرزندان، دعوا و زد و خورد در خانواده، نبود آرامش در محیط خانواده، بی‌توجهی فرزندان به بیمار، بی‌توجهی همسر به بیمار	گفت و شنودی نبودن خانواده سرکوب خواسته‌های اعضای خانواده غیرعاطفی بودن روابط افراد درون خانواده	مشاجره و تنش در خانواده
احساساتی و عاطفی بودن بیش از اندازه، کناره‌گیری کردن از صحبت با اعضای خانواده، شکست عشقی، شکست در ازدواج و تنش‌های عاطفی آن، تجربه خیانت از همسر یا دوست، وابستگی زیاد به خانواده و تحمل نکردن دوری از آن‌ها، وابستگی زیاد به خانواده و تحمل نکردن دوری از آن‌ها	حساسیت بیش از اندازه عاطفی	شخصیت حساس عاطفی
بیکاری، مشکلات اقتصادی در خانواده، ورشکستگی، اخراج از کار، فشارهای اقتصادی ناشی از تورم و گرانی، کاستی‌های وضعیت اقتصادی در شهر، وجود فقر در استان، عدم برخورداری از امکانات رفاهی، عدم برخورداری از امکانات تفریحی، تنگنای مالی	تورم و گرانی بیکاری	تنش‌های اقتصادی
کاهش حمایت دوستان، کاهش حمایت بستگان، کاهش حمایت اعضای خانواده، کاهش حمایت همکاران، همکلاسی‌ها		نبود حمایت خانوادگی
سابقه اعتیاد به هروئین، تریاک، حشیش و ماری جوانا، قرص‌های روان‌گردان، متادون، اعتیاد به قرص‌های ترک اعتیاد	مواد مخدر	سوء مصرف مواد مخدر

مشاجره و تنش در خانواده: براساس تفسیر افراد مطالعه شده، یکی از عوامل مؤثر بر ایجاد بیماری‌های روانی در افراد به خانواده برمی‌گردد. تنش‌ها و مشاجره‌های خانوادگی نقش مهمی در ایجاد بیماری‌های روانی دارند. پاسخگوی شماره ۱۲ بیان می‌کند: «در خانواده هر وقت مشکلی داشتیم، با کتک خوردن از برادریم پاسخ می‌گرفتم». پاسخگوی شماره ۱۳

می‌گوید: «در خانواده ما همیشه مشاجره و زد و خورد بود». یکی دیگر از مسائلی که افراد مطالعه‌شده بسیار بر آن تأکید کردند، نقش مشکلات خانوادگی به‌ویژه طلاق یا خیانت همسر به‌عنوان عامل مهمی در بروز بیماری روانی معرفی شده است.

شکست عاطفی: در بستر مطالعه‌شده، باور بر این است افرادی که به بیماری‌های روانی و روان‌پریشی دچار شده‌اند، از لحاظ روان‌شناختی شخصیت ویژه‌ای داشته‌اند که می‌توان آن را شخصیت حساس عاطفی نام نهاد: «پسرم قبل از بیماری بسیار حساس بود»، «به درد دل همه خواهران و برادرانش گوش می‌داد» و «سنگ صبور خانواده ما بود».

تنش‌های اقتصادی: براساس تفسیر افراد مطالعه‌شده، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بیماری روانی آن‌ها، مشکلات معیشتی و اقتصادی بوده است: «فرزندم گرفتار یک پاپوش در محل کار شد و این موضوع باعث اخراج او از کار شد»، «همیشه اعصابش از بیکاری خورد بود و مدام از آن سخن می‌گفت»، «بعد از اخراجش حال روحی خوبی نداشت و اگر ما به داد او نرسیده بودیم، خودکشی او به مرگش ختم می‌شد».

نبود حمایت خانوادگی نیز می‌تواند به‌عنوان عامل مهم دیگر در بروز بیماری‌های روانی تلقی شود: «خیلی سخت است که درگیر مشکلات زندگی باشید و کسی را نداشته باشید که حتی به درد دل شما گوش دهد»، «احساس می‌کردم همه اطرافیانم یک‌باره پشت من را خالی کردند»، «احساس بی‌کسی داشتم؛ مثل کسی که یک‌باره همه عزیزانش را در یک سانحه غم‌انگیز از دست داده باشد»، «در اوج مشکلاتم به هرکسی زنگ می‌زدم یا پیشش می‌رفتم، مرا تحویل نمی‌گرفت».

سوء مصرف مواد مخدر: مواد مخدر را یکی از مهم‌ترین عواملی می‌توان قلمداد کرد که در بین تعداد زیادی از بیماران ترخیص‌یافته از بیمارستان مشترک بوده است. مقوله اصلی اکتشافی در تحقیق، سوء مصرف مواد مخدر است که با زیرمقوله‌هایی از جمله مصرف هروئین، تریاک، حشیش، مورفین، قرص‌های روان‌گردان و... مشخص می‌شود.

شرایط زمینه‌ای: مجموعه خاصی از شرایطی‌اند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آشوند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل/تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ می‌دهد (اکبری و صفری، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۷). مجموعه‌ای از عوامل در قالب شرایط زمینه‌ای بر نظام معنایی بیماران بهبود یافته در بستر مطالعه تأثیر دارند (جدول ۳).

جدول ۳- شرایط زمینه‌ای: مفاهیم، مقوله‌های فرعی و اصلی

مفاهیم	مقوله عمده	مقوله اصلی
طاعت‌فرسای بودن امور زندگی، تنش‌زایی، نبود صداقت در روابط اجتماعی، مشکلات زندگی استرس‌زا، دغدغه برآورده‌کردن نیازهای خانواده، ترس از طرد خانواده، ترس از طرد دوستان و وابستگان		دغدغه‌های زندگی
لزوم آموزش‌های کاربردی درباره نحوه برخورد با مسائل و مشکلات در خانه، نیاز به آموزش‌های کاربردی قبل از ازدواج، نیاز به آموزش و مشاوره درباره برخورد با مسائل روانی و استرس‌زای زندگی		مشاوره و آموزش کاربردی
بی‌توجهی مسئولان به شرایط زندگی مردم، بی‌توجهی به شرایط اقتصادی مردم، بی‌توجهی به شرایط اقتصادی، ناتوانی خانواده در پرداخت هزینه‌ها، ضرر و زیان اقتصادی، کم‌بودن درآمد ماهیانه، بیکاری	انکار واقعیت مشکلات اقتصادی انکار هزینه‌ها تحقق نیافتن شعارهای مسئولان	بی‌توجهی به عدالت اجتماعی
ارتباط ضعیف مسئولان با مردم، نبود امکان صحبت با همکاران (وجود زیرآب‌زدن)، ارتباط ضعیف و خودخواهانه دیگران، نبود صداقت در رفتار مردم، نبود صداقت در نهادها و سازمان‌ها، پارتی‌بازی، فساد و اختلاس، ضعف شبکه‌های اجتماعی سودمند، همکاری دیگران فقط با خودی‌ها، بی‌توجهی به شرایط دیگران و توجه به خودی‌ها	اعتماد درون‌گروهی شبکه‌های ناموزون اجتماعی مشارکت درون‌گروهی	سرمایه اجتماعی درون‌گروهی
مصرف نامرتب دارو پس از مرخصی از بیمارستان، مراجعه نامرتب به پزشک، ابتلا به بیماری جسمانی، وقوع حوادث غیرمترقبه در زندگی فرد	بی‌توجهی به درمان	عود بیماری

از نظر افراد مطالعه‌شده، دغدغه‌های زندگی یکی از عواملی محسوب می‌شود که زمینه مستعدی را برای ایجاد بیماری‌های روانی در آن‌ها ایجاد کرده است: «زندگی در این روزگار آنقدر سخت است که گاهی دوست دارم ای کاش هرگز به دنیا نمی‌آمدم»، «به فرزندانم که نگاه می‌کنم با خودم می‌گویم شامل عامل بدبختی آن‌ها من باشم»، «دیگر امیدی به آینده و بهبود اوضاع ندارم».

تفسیر افراد مطالعه‌شده درباره عوامل زمینه‌ای که می‌توانند با شناخت و بهبود بیماری آن‌ها در ارتباط باشند، مشاوره و آموزش کاربردی است. از نظر این افراد، مشاوره و آموزش درباره نحوه برخورد با مسائل و مشکلات (درون خانواده و همچنین در جامعه و محیط کاری و...) عامل مهمی از میان زمینه‌های شکل‌گیری و مدیریت بیماری روانی است. عامل زمینه‌ای مهم دیگری که در بروز بیماری روانی در جامعه نقش دارد، بر اساس تفسیر افراد مطالعه‌شده، بی‌توجهی به عدالت اجتماعی در جامعه است؛ اینکه آن‌ها احساس می‌کنند: «مسئولان به مردم اهمیت نمی‌دهند» و «مسئولان به مردم بی‌توجهی هستند» توان تحمل شرایط اقتصادی را از آن‌ها گرفته است. بیشتر افراد مطالعه‌شده اظهار کردند از عهده هزینه‌های اقتصادی تحمیل‌شده به خانواده بر نمی‌آیند. زمینه مهم دیگر در بروز بیماری روانی که در تحقیقات دیگر به آن توجه نشده است، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی^۱ است. این سرمایه نوعی سرمایه اجتماعی است که دارای شعاع محدودی است که شامل اعتماد اجتماعی محدود، شبکه‌های اجتماعی محدود و مشارکت‌های اجتماعی محدود می‌شود و اصولاً با کشیدن خط قرمز بین خودی‌ها و دیگران یا غریبه‌ها که آن‌ها را دشمن می‌دانند، به‌عنوان سرمایه اجتماعی منفی قلمداد می‌شود. در این نوع سرمایه اجتماعی، اگر اعتمادی وجود دارد، این اعتماد از شعاع خویشان، اعضای خانواده و دوستان نزدیک که به‌اصطلاح «خودی‌ها» نامیده می‌شود، فراتر نمی‌رود. اگر قرار است مشارکتی اجتماعی که شامل خیریه‌ای، همیارانه، مذهبی، سیاسی و مدنی می‌شود صورت گیرد، این مشارکت بیشتر تمایل

1. Bonding social capital

دارد تا با خودی‌ها جریان یابد و دیگران به نام غریبه‌ها از مشارکت‌های اجتماعی خط می‌خورند. مقوله اصلی اکتشافی در تحقیق (سرمایه اجتماعی درون گروهی) با زیرمقوله‌هایی از جمله ارتباط ضعیف مسئولان با مردم، نبود امکان صحبت با همکاران (وجود زیرآب‌زدن)، ارتباط ضعیف و خودخواهانه دیگران، نبود صداقت در رفتار مردم، نبود صداقت در نهادها و سازمان‌ها، پارتی‌بازی، فساد و اختلاس، ضعف شبکه‌های اجتماعی سودمند، همکاری دیگران فقط با خودی‌ها، بی‌توجهی به شرایط دیگران و توجه به خودی‌ها مشخص می‌شود. افراد مطالعه‌شده در این زمینه اعتقاد دارند که «متأسفانه مسئولان درکل مردم را فراموش کرده‌اند»، «در این جامعه هرکس به فکر خودش و نزدیکان خودش است»، «تمامی پست‌ها و سمت‌ها با پارتی‌بازی است»، «خیلی در جامعه برایم مشکل بود که می‌دیدم نزدیک‌ترین همکارانت از پشت به آدم خنجر می‌زدند و آدم‌فروش بودند»، «در اینجا هرکس فقط به فکر خودش است».

شرایط مداخله گر به شرایطی اشاره دارد که بر عمل-تعامل‌ها تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را تسهیل یا محدود می‌کند یا به بیان دیگر شرایطی است که شرایط علی را تخفیف یا تغییر می‌دهد. (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). شرایط مداخله گر در پژوهش حاضر به شرح جدول ۴ مشخص شده است.

جدول ۴- شرایط مداخله گر: مفاهیم، مقوله‌های فرعی و اصلی

مفاهیم	مقوله عمده	مقوله اصلی
بعضی از اعضای خانواده بیماری او را باور ندارند و می‌گویند «فرزندم سالم است»، باورهای غلط درباره تصور ذهنی افرادی که می‌خواهند به او آسیب برسانند، شنیدن صدای افرادی که پیش از این از دنیا رفته‌اند یا وجود خارجی ندارند.	باورپذیری	ناآگاهی از وضعیت بیماری
ناآگاهی از بیماری اعصاب و روان، روحیات افراد بیمار روان، عوارض بیماری روانی، رفتار بیماران روانی که می‌تواند با خودکشی یا آسیب رساندن به دیگران توأم شود.	ناآگاهی شناختی	

مفاهیم	مقوله عمده	مقوله اصلی
بسیار وقت‌شناس بودن، به قول و قرار خود پایبندی شدید داشتن، حساسیت به اجتماع و مشکلات کشور، وسواس شدید در انجام‌دادن فعالیت‌های اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و حساسیت به وظایف		مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی
حساسیت بیش از اندازه به مسائل و مشکلات اطراف، عواطف لجام‌گسیخته، افکار لجام‌گسیخته که خواب شب را از فرد می‌گیرد، حساسیت به محیط اطراف، حساسیت به مسائل اجتماعی با پیگیری لحظه‌ای اخبار از جراید و رسانه‌ها، استرس داشتن از شنیدن اخبار از رسانه‌ها	کنترل عواطف و احساسات فردی کنترل عواطف و احساسات اجتماعی	کنترل احساسات فردی و اجتماعی
داشتن شخصیت اجتماعی بالا قبل از بیماری، داشتن شخصیت شاد قبل از بیماری، داشتن شخصیت مطیع، داشتن شخصیت آرام قبل از بیماری		روحیات اجتماعی و فردی

یکی از عوامل مهم مداخله‌گر از نظر افراد مطالعه‌شده، باورپذیری است که اشاره به باورهای بیمار و اطرافیان او درباره بیماری آن‌ها دارد. بی‌اطلاعی خانواده‌ها از بیماری روانی و شناخت کافی نداشتن آن‌ها از پیامدهای بیماری برای فرد و خانواده باعث می‌شود که در مواجهه با بیماری اظهار کنند که «فرزندم سالم است و نیازی به درمان یا مراجعه به پزشک ندارد». این امر باعث می‌شود تا بیماری در فرزندان یا بیمار عود کند و بیماری وارد مرحله دیگری شود که بیمار از محیط اطراف صداهایی را می‌شنود و تصاویری را می‌بیند که دیگران نمی‌بینند: «در خلوت خودم احساس می‌کردم که دیگران می‌خواهند سخنان مرا ضبط کنند و علیه من استفاده کنند». بیمار کد ۳ می‌گوید: «همیشه صداهای عجیب و غریب می‌شنیدم». خانواده بیمار می‌گوید: «در ابتدا می‌دیدیم که پسرمان رفتار عجیبی دارد، اما ما با بیماری‌های روانی و رفتارهای مربوط به آن آشنا نبودیم و پدرش می‌گفت پسرم مریض نیست. نباید او را به بیمارستان ببریم»، «تا حالا رفتار یک فرد با مشکل روانی را در خانواده ندیده بودیم و برایمان هضم‌نشدنی بود»، «باور نداشتیم که برادرم این قدر بیمار است؛ چراکه

او با ما در حال صحبت کردن بود که یک مرتبه چاقو را برداشت و می خواست خودکشی کند».

از دیگر عوامل مداخله گر براساس تفسیر افراد مطالعه شده می توان به مواردی از جمله مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی، کنترل احساسات فردی-اجتماعی و روحیات اجتماعی-فردی اشاره کرد. بیشتر بیماران را کسانی تشکیل می دهند که در طول زندگی بسیار مسئولیت پذیر و احساساتی-عاطفی بوده اند؛ کسانی که بسیار در قبال خویشان و اطرافیان و حتی در قبال به جامعه احساس مسئولیت داشته اند.

راهبردها (عمل-تعامل ها)

راهبردها یا عمل-تعامل ها، کنش های بامنظور عمدی اند که برای حل یک مسئله صورت می گیرند و با صورت گرفتن آن ها پدیده شکل می گیرد. شایان ذکر است که راهبردها به آنچه فرد در درون خود می گوید و می کند نیز گفته می شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). مهم ترین راهبردها یا عمل-تعامل در تحقیق پیش رو در جدول ۵ گزارش شده است. همان طور که در این جدول مشخص است، وابستگی عاطفی بیمار به پزشک و کادر درمان و همچنین پشتیبانی و حمایت خانواده ها از افراد بیمار عامل مهمی در بهبودی آن هاست.

جدول ۵- راهبردها (عمل-تعامل ها): مفاهیم، مقوله های فرعی و اصلی

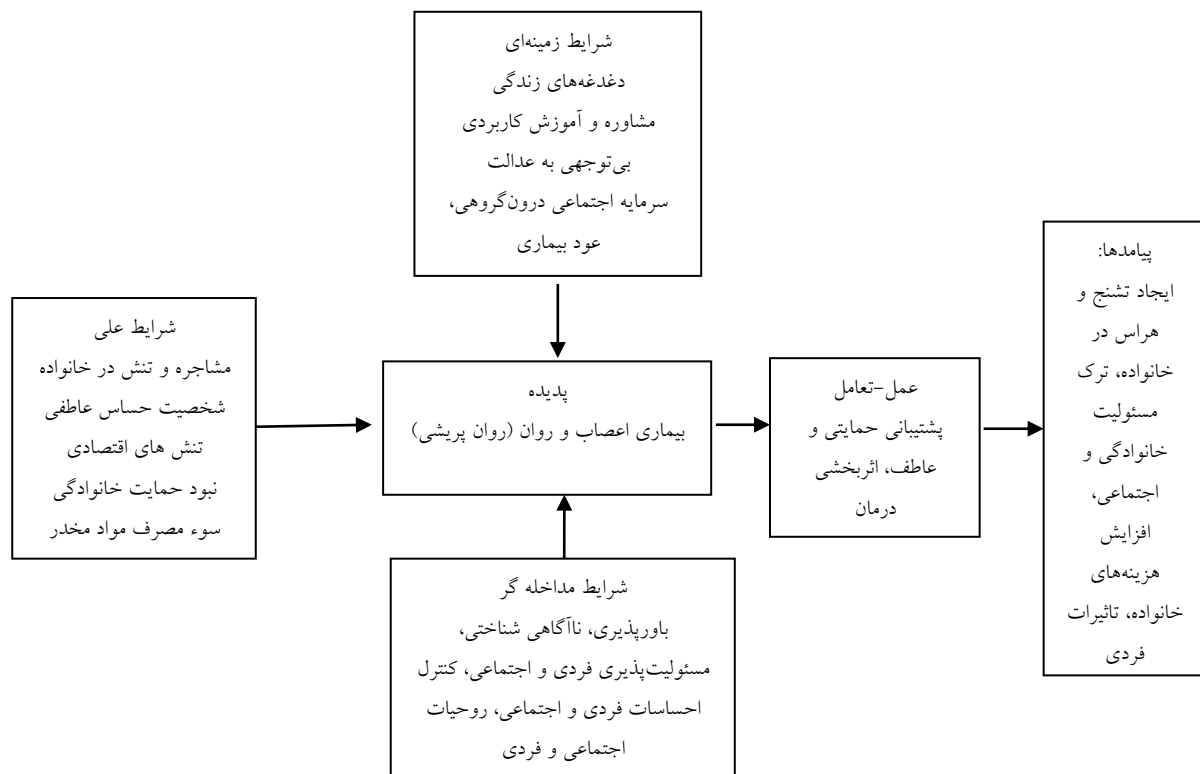
مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
بهبود بیمار با بستری در بیمارستان، رابطه عاطفی بیمار با کادر درمان (پزشکان و پرستاران)، مراقبت های پزشکی، تأثیر داروهای تجویز پزشک، شوک درمانی، زحمات پرستاران و پزشکان	وابستگی عاطفی به کادر درمان	پشتیبانی حمایتی و عاطفی
توجه خانواده به صحبت های بیمار (همدردی)، تشویق بیمار به انجام دادن کارهای متفرقه تا تمرکز او از موضوعات تنش زا جدا شود، فراهم کردن آرامش در خانواده، محول کردن مسئولیت های فردی و اجتماعی به فرد پس از ترخیص، صحبت با بیمار در طول روز و جویای احوال او شدن، حلقه زدن اشک در چشمان پدر و مادر	وابستگی عاطفی خانواده آرامش محیط خانواده پشتیبانی خانواده از بیمار	

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
ایجاد انسجام گروهی در بیماران در جلسات روان‌درمانی گروهی، توضیح‌دادن نگرانی‌های زندگی برای گروه، نوشتن نگرانی‌ها روی کاغذ، صحبت از تنش‌ها و نگرانی‌ها، آموزش تحمل سختی‌های زندگی، به چالش کشیدن عقاید منفی، پاسخ‌دهی متقابل بیماران	شیوه‌های روان‌درمانی	اثر بخشی درمان

پیامدها: هر جا شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری کنش یا عمل معینی در پاسخ به مسئله بیماری روانی یا به‌منظور اداره یا حفظ موقعیت سلامت روانی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهای پدیده بیماری روانی مشخص می‌شود. راهبردها یا عمل-تعامل بیماران روانی در شرایط موجود به پیامدهایی از جمله ایجاد تشنج و هراس در خانواده، ترک مسئولیت‌پذیری خانوادگی و اجتماعی در فرد و همچنین افزایش هزینه‌های خانواده منجر می‌شود و در مواردی از جمله هزینه‌های درمانی و بیمارستان، هزینه دارو و... را در پی خواهد داشت و اگر بیمار نان‌آور خانواده باشد، خانواده لطمه‌های بیشتری خواهد دید؛ البته تفسیر پاسخگویان از تأثیرات فردی این پدیده دلالت بر مواردی از جمله گوشه‌گیری، بی‌خوابی، پرخاشگری و مواردی از این قبیل دارد.

مقوله مرکزی

مقوله هسته یا مرکزی را می‌توان به‌عنوان مضمون اصلی در پژوهش معرفی کرد. در تحقیق پیش‌رو، «شخصیت آگاه شکننده» به‌عنوان مقوله هسته در نظر گرفته شده است که توان تحلیل فرایند درک و تفسیر بیماران ترخیص‌شده از بیمارستان اعصاب و روان را دارد.



شکل ۱- الگوی پارادایمی داده‌بنیاد عوامل اجتماعی مؤثر بر بروز بیماری‌های اعصاب و روان

۵. نتیجه‌گیری

تحقیق پیش‌رو در تلاش است تا زمینه‌های اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری بیماری‌های روان را با استفاده از استراتژی نظریه زمینه‌ای تشریح کند. در این خصوص شرایط علی یا سبب‌ساز که درواقع رویدادها و وقایعی هستند که بر پدیده بیماری‌های اعصاب و روان (روان‌پریشی) اثر می‌گذارند، به چند دسته تقسیم می‌شوند. یکی از نتایج مهم تحقیق این است که تنش‌ها و مشاجره‌های خانوادگی نقش مهمی در ایجاد بیماری‌های روانی دارند. از نظر افراد مطالعه‌شده، خانواده‌هایی که در آن‌ها زد و خورد و تنش به‌جای گفت و شنود در حل مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی اعضای خانواده در جریان است، این امر بستر

مناسبی را برای بیماری روانی در آن‌ها مهیا کرده است. از طرف دیگر، خیانت یکی از زوجین، طلاق عاطفی و طلاق، بی‌توجهی خانواده به تربیت فرزندان از دیگر عواملی هستند که از درون خانواده زمینه مناسبی را برای بیماری‌های اعصاب و روان مهیا می‌کنند. حمایت یا نبود حمایت خانواده از افراد می‌تواند به‌عنوان عامل مهم دیگر در بروز بیماری‌های روانی تلقی شود. بیشتر پاسخگویان اظهار کردند که در شرایط قبل از بیماری مقوله‌های کاهش حمایت خانوادگی و اجتماعی را تجربه کرده‌اند. از طرف دیگر، افرادی که به بیماری‌های روانی و روان‌پریشی دچار شده‌اند، از لحاظ تفاسیر ارائه‌شده دارای شخصیت ویژه‌ای بوده‌اند که می‌توان آن را «شخصیت حساس شکننده» نام نهاد. علاوه بر این، تنش‌های اقتصادی را نیز می‌توان به‌عنوان عامل مهم تأثیرگذار دیگر بر ایجاد بیماری روانی قلمداد کرد. اعتیاد به مواد مخدر به‌ویژه مواد صنعتی، عامل مهمی در بروز بیماری روانی بوده است. تعداد درخور ملاحظه‌ای از بیمارانی که در بیمارستان مطالعه‌شده بستری بودند، از معضل اعتیاد رنج می‌بردند و بیشتر هم‌جوانان بودند.

نتایج دیگر تحقیق این است که مجموعه‌ای از عوامل در قالب شرایط زمینه‌ای بر نظام معنایی بیماران بهبودیافته در بستر مطالعه‌شده تأثیر دارند که می‌توان از این میان به «دغدغه‌های زندگی» اشاره کرد. از نظر افراد مطالعه‌شده، «طاقت فرسا بودن امور زندگی، تنش‌ز بودن تمکین، نبود صداقت در روابط اجتماعی، مشکلات زندگی استرس‌زا» و مسائلی از این قبیل زمینه را برای بیماری‌های روانی ایجاد می‌کنند.

اهمیت مشاوره و آموزش کاربردی نیز یکی دیگر از نتایج تحقیق است که در قالب عوامل زمینه‌ای می‌تواند بر بیماری روانی تأثیرگذار باشد. راهکاری که در این زمینه می‌توان مطرح کرد، این است که نهادهای دولتی و مردم‌نهاد از طریق ایجاد بستر آموزشی و مشاوره‌ای مطلوب برای افراد و خانواده‌هایی که بیماران روانی را در زندگی خود تجربه کرده‌اند، می‌توانند از شدت بیماری بکاهند. احساس محرومیت نسبی دیگر عامل زمینه‌ای است که تفسیر افراد مطالعه‌شده در قالب مقوله «عدالت اجتماعی» بر آن حکایت دارد. تعداد

زیادی از افراد مطالعه شده با خود احساس می کنند که متأسفانه در جامعه ای زندگی می کنند که مسئولان به شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه توجه ندارند. از طرف دیگر، سرمایه اجتماعی درون گروهی نیز به عنوان شرایط زمینه ای نقش درخور ملاحظه ای در ایجاد بیماری های روانی برای افراد داشته است. این نوع سرمایه اصولاً با کشیدن خط قرمز بین خودی ها و دیگران (یا غریبه ها که آن ها را دشمن می دانند) و با داشتن شعاع محدود اعتماد، مشارکت و ارتباطات شبکه ای که از سطح خویشان، اعضای خانواده و دوستان نزدیک که به اصطلاح «خودی ها» نامیده می شود، فراتر نمی رود. اگر قرار است مشارکتی صورت گیرد، این مشارکت بیشتر تمایل دارد تا با خودی ها جریان یابد و دیگران به نام غریبه ها از مشارکت های اجتماعی خط می خورند. این نوع سرمایه با افزایش شدت، بستر مناسبی را برای شکل گیری بیماری های روانی مهیا می کند.

نتایج دیگر تحقیق این است که تعداد بسیاری از کسانی که بیماری اعصاب و روان را تجربه کرده اند، پس از ترخیص از بیمارستان، در مدت زمان کوتاهی دوباره دچار عود بیماری شده اند تا آنجا که خانواده های ایشان دوباره مجبور شده اند آن ها را به بیمارستان بازگردانند و بستری کنند. یکی از عوامل مؤثر بر عود مجدد بیماری، «مصرف نامرتب دارو» است.

نکته دیگری که درباره بیماری های روانی اهمیت است دارد، شرایط مداخله گر است. ناآگاهی شناختی به عنوان یکی از شرایط مداخله گر اشاره به باورهای اطرافیان و شخص بیمار از بیماری روان دارد. اکثر خانواده ها از بیماری روان و عواملی که می تواند آن را ایجاد کنند و همچنین از علایم و نشانه های آن اطلاعی نداشته اند و این موضوع باعث «شدت گرفتن بیماری» در بیمار شده است. از دیگر عوامل مداخله گر می توان به مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی اشاره کرد که اکثر خانواده ها شخصیت افراد را دارای نوعی مسئولیت پذیری و عاطفی و حساس بودن در مسائل خانوادگی و اجتماعی معرفی کرده اند. عوامل مذکور در کنار عامل مداخله گر «کنترل نکردن احساسات فردی و اجتماعی» می تواند فرد را به سوی

بیماری هدایت کند. از نظر مشارکت‌کنندگان، بیمار در دوران قبل از بیماری خود «مشکل حساسیت بیش از اندازه به مسائل و مشکلات» داشته است. مقوله کنترل احساسات فردی و اجتماعی به‌عنوان مقوله اصلی با زیرمقوله‌هایی از جمله حساسیت بیش از اندازه به مسائل و مشکلات اطراف، عواطف لجام‌گسیخته، افکار لجام‌گسیخته که خواب شب را از فرد می‌گیرد، حساسیت به محیط اطراف، حساسیت به مسائل اجتماعی با پیگیری لحظه‌ای اخبار از جراید و رسانه‌ها، استرس‌داشتن از شنیدن اخبار از رسانه‌ها معرفی می‌شوند. از نظر مشارکت‌کنندگان در تحقیق (پنج نفر از اعضای خانواده بیماران بستری‌شده)، ویژگی خاص بیمار را قبل از بیماری می‌توان با مقوله اصلی روحيات اجتماعی و فردی مشخص کرد که شامل زیرمقوله‌هایی از جمله داشتن شخصیت اجتماعی سطح بالا قبل از بیماری، داشتن شخصیت شاد قبل از بیماری، داشتن شخصیت مطیع، داشتن شخصیت آرام قبل از بیماری، مشخص کرد. این مشخصات نشان می‌دهد که افراد مطالعه‌شده دارای یک روحیه اجتماعی و فردی مهربان و حساس بوده‌اند.

اما نتایج دربارهٔ راهبردها و تعاملات حاکی از آن است که مشارکت‌کنندگان جهت‌گیری ذهنی خود یا باورهای حاکم بر طرز تلقی‌شان دربارهٔ پدیده بیماری اعصاب و روان را در جهت بهبودی با مقولاتی از جمله پشتیبانی حمایتی و عاطفی مشخص می‌کنند که از سوی خانواده و همچنین کادر درمان در بیمارستان شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، وابستگی عاطفی به خانواده و درواقع پشتیبانی خانواده از بیمار می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر بیماری روانی افراد بستری‌شده در بیمارستان داشته باشد.

در پایان نتایج حاصل حاکی از آن است که یکی از پیامدهای بیماری‌های روانی و روان‌پریشی، ایجاد تشنج در خانواده است. آن‌ها اذعان داشته‌اند که پیامدهای بیماری‌های روانی با مفاهیمی از جمله ناراحتی اعضای خانواده، ایجاد تشنج در خانواده، بی‌انگیزگی شغلی، ترک شغل و ترک مسئولیت‌های خانوادگی همراه شده است. با شروع بیماری روانی برای یک فرد در خانواده، دیگر اعضای خانواده همیشه با استرس از خواب بیدار می‌شوند.

از دیگر پیامدهای بیماری روانی برای بیمار می‌توان به ترک مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی به‌عنوان مقوله اصلی استخراج‌شده اشاره کرد. از طرف دیگر، یکی از مشکلاتی که همه اعضای خانواده بیماران به آن اشاره کردند، افزایش هزینه‌های سرسام‌آور درمان است. این افزایش با افزایش هزینه‌های خانواده همراه است. اگر پدر خانواده که «نان‌آور خانواده» محسوب می‌شود، دیگر نتواند به فعالیت‌های شغلی خود برسد، «حتی پول خریدن یک نان را نخواهند داشت». از طرف دیگر، تأمین هزینه‌های درمان سرسام‌آور می‌شود؛ به‌طوری‌که اکثر بیمارستان‌های دولتی جای خالی برای بیماران ندارند.

در تحقیق پیش‌رو بر مبنای فرایند تحقیق و داده‌های حاصل و همچنین مقولات اکتشافی در مرحله موسوم به کدگذاری گزینشی، «شخصیت آگاه‌شکننده» به‌عنوان مقوله هسته در نظر گرفته شده است که توان تحلیل فرایند درک و تفسیر بیماران ترخیص‌شده از بیمارستان اعصاب و روان را دارد. حتی بیمارانی که از اعتیاد رنج می‌برند و اعتیاد به‌عنوان عامل برانگیزاننده بیماری روانی آن‌ها هم نقش مهمی داشته است، بیشتر به قول خانواده‌های آن‌ها، افرادی با روحیه عاطفی حساس قبل از عود بیماری بوده‌اند. در توضیح مقوله هسته مرکزی باید گفت که حساسیت به مسائلی از جمله مشکلات زندگی، مسائل اجتماعی، حساسیت عاطفی، احساس مسئولیت‌پذیری شدید، دنبال کردن مداوم اخبار حوادث و مسائل اجتماعی از جراید و رسانه‌ها و مسائلی از این قبیل باعث شده است که روحیه حساسی به مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی داشته باشند و احساس نگرانی مداوم که گاهی «خواب شب را از چشم» می‌گیرد، آن‌ها را مستعد بیماری روانی کرده است. گاه مرز بین دیوانگی و سلامت همچون مویی باریک است که لحظه‌ای غفلت می‌تواند انسان را در این مسیر ناهموار از سلامت به دام بیماری روانی اندازد. همه افراد اگر علایم و پیامدهای بیماری‌های روانی را درک نکنند، می‌توانند در لحظه‌ای دردناک از زندگی از این پل باریک به پرتگاه جنون بیفتند و گاهی حتی با تمامی زحمات خانواده‌ها و کادر درمانی و شیوه‌های پزشکی نتوانند بهبودی دائمی به دست آورند. بیشتر خانواده‌هایی که حاضر به مصاحبه

شدند، به این موضوع اشاره داشتند که «عزیزشان» پس از بهبودی دوباره به سمت دیوانگی هدایت شده است.

کتاب‌نامه

۱. اسکندری، ح. (۱۳۹۲). کشف جهان اجتماعی بیماری روانی، بازنگری در ماهیت بیماری روانی و تأکید بر ساخت زبانی آن. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۳(۱۲)، ۱-۲۰.
۲. ایمان، م. (۱۳۹۱). *روشن‌شناسی تحقیقات کیفی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. حکاک خادم، ف.، و احمدی زاویه، س. (۱۳۹۸). اثربخشی هنردرمانی (هنرهای بصری) در بهبود علایم منفی بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی در مرکز روزانه اعصاب و روان احبا. *روان‌شناسی افراد/استثنایی*، ۹(۳۳)، ۹۷-۱۱۶.
۴. حیدری، م.، قاسمی، و.، رنانی، م.، و ایمان، م. (۱۳۹۸). ارائه الگوی پارادایمی فرهنگ مالیاتی نزد مؤدیان مالیاتی شهر اصفهان (پژوهشی کیفی در حوزه جامعه‌شناسی اقتصادی). *دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۸(۱۵)، ۱-۳۵.
۵. رابینگتون، ا.، و واینبرگ، م. (۱۳۹۱). *رویکردهای هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی* (ر. صدیق سروستانی، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.
۶. شکیب، ز.، طهماسبی، ر.، و نوروزی، آ. (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر سلامت روان دختران دبیرستانی شهر بوشهر براساس نظریه شناخت اجتماعی. *آموزش بهداشت و ارتقای سلامت*، ۲(۲)، ۱۳۱-۱۴۲.
۷. عقیقی، آ.، محمدی، ن.، رحیمی، چ.، و طاقانکی، م. (۱۳۹۹). اثربخشی گروه‌درمانی مبتنی بر تنظیم هیجان بر بهبود علائم و کیفیت زندگی افراد مبتلا به اختلال اضطراب بیماری. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۵(۵۸)، ۵۹-۷۹.
۸. قادرزاده، ا.، و درویش‌منش، م. (۱۳۹۶). مطالعه کیفی دلایل و پیامدهای بیماری روانی. *مسائل اجتماعی/ایران*، ۸(۱)، ۴۹-۷۲.
۹. گافمن، ا. (۱۳۸۶). *داغ‌ننگ* (م. کیانپور، مترجم). تهران: مرکز.

۱۰. گروسی، س.، و شبستری، ش. (۱۳۹۰) بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روان در بین زنان سرپرست خانوار در شهر کرمان. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۵(۱)، ۹۹-۱۲۳.
۱۱. محسنی تبریزی، ع.، و سیدان، ف. (۱۳۸۳). منشأ اجتماعی بیماری افسردگی زنان. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۲(۲)، ۸۹-۱۰۲.
۱۲. محمدپور، ا. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۲. تهران: جامعه شناسان.
۱۳. نوریان خ.، شریف، ف.، اشکانی، ح.، ده بزرگی، س.، و طباطبائی، ح. (۱۳۸۳). تأثیر روان درمانی گروهی بر عملکرد فیزیکی و درد جسمی بیماران مبتلا به افسردگی اساسی بستری در بخش های اعصاب و روان. *ارمغان دانش*، ۹(۱)، ۷۰-۶۳.

14. Abdel Wahed, V. (2016). Prevalence and associated factors of stress. Anxiety and depression among medical Fayoum university student. *Alexandria Journal of Medicine*, 53(1), 77-84.
15. Bednarik, R. G., Saniotis, A., & Henneberg, M. (2022). Auto-domestication hypothesis and the rise in mental disorders in modern humans. *Medical Hypotheses*, 164, 110874.
16. Gémes, K., Bergström, J., Papola, D., Barbui, C., Lam, A. I. F., Hall, B. J., ..., & Mittendorfer-Rutz, E. (2022). Symptoms of anxiety and depression during the COVID-19 pandemic in six European countries and Australia: Differences by prior mental disorders and migration status. *Journal of Affective Disorders*, 311, 214-223.
17. Kivits, J., Erpelding, M.-L., & Guillemin, F. (2012) Social determinants of health-related quality of life. *Revue d'Épidémiologie et de Santé Publique*, 61(Supplement 3), S189-S194.
18. Lee, K.-J., & Kim, J.-I. (2015). Relating factor for depression in Korean working women. *Asian Nursing Research*, 9(3), 265-270.
19. Lund, V. E., & Frank, D. I. (1991). Helping the medicine go down: Nurses' and patients' perceptions about medication compliance. *Journal of Psychosocial Nursing and Mental Health Services*, 29(7), 6-9.
20. Peng, F., Koh, W. Y., Chung, C. H., Chien, W. C., & Lin, C. E. (2022). Risks of mental disorders among intensive care unit survivors: A nationwide cohort study in Taiwan. *General Hospital Psychiatry*, 77, 147-154.
21. Wilson, H. S., & Kneisl, I. (1992). *Psychiatric nursing* (4th ed.). Redwood: Addison-Wesley Nursing.
22. Yanzón de la Torre, A., Oliva, N., Echevarrieta, P. L., Pérez, B. G., Caporusso, G. B., Titaro, A. J., ..., & Daray, F. M. (2016). Major depression in hospitalized

argentine general medical patients: Prevalence and risk factors. *Journal of Affective Disorders*, 197, 36-42.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

DOI: 10.22067/social.2022.73596.1101

مقاله پژوهشی - موردی

دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در شهرستان‌های کشور (مطالعه موردی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶)

ابراهیم صالح‌آبادی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)
salehabadi@pnu.ac.ir

چکیده

براساس تحقیقات نظری و تجربی، عامل دین یا جهت‌گیری دینی از عوامل تعیین‌کننده رفتار انتخاباتی است. در ایران پس از پیروزی انقلاب، دین با کنترل نهاد سیاست توانسته است، گستره وسیع‌تری از زندگی را تحت‌تأثیر قرار دهد. با توجه به اهمیت نهاد دین و نظام سیاسی دینی در ایران، تبیین‌شدن امور از جانب دین، اعوجاجات نظری مربوط به دین در جامعه و اغتشاشات تجربی درباره تأثیر دین‌داری بر مشارکت انتخاباتی در متون غالب خارجی و کمبود مطالعات مشخص و موثق درباره این موضوع، این مطالعه درصدد بررسی رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در شهرستان‌های ایران در انتخابات دوازدهمین دوره ریاست‌جمهوری است. روش تحقیق، روش تطبیقی درون‌کشوری و داده‌های آن اسناد ثانویه (دست دوم) و پیمایش‌های قبلی است. جامعه آماری مدنظر، همه داده‌های اسنادی در شهرستان‌های کشور است. واحد تحلیل، شهرستان‌های کشور در واحد زمانی و سطح تحلیل کشور ایران است که جمعیت آماری تحقیق، معادل با ۴۲۶ شهرستان است. داده‌های این مطالعه از نوع داده‌های تجمیعی است. نتایج تحقیق نشان داد که تأثیر نوع مذهب بر مشارکت انتخاباتی تحت‌تأثیر قومی‌بودن شهرستان قرار دارد و این قومی‌بودن شهرستان است که موجب افزایش و کاهش میزان مشارکت انتخاباتی است، نه

نوع مذهب. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که دین‌داری تأثیر مهم و اساسی بر مشارکت انتخاباتی ندارد، اما این سخن به معنای تأثیر نداشتن دین‌داری بر نتایج انتخابات و ترجیح انتخاباتی نیست. شاخص‌های دین‌داری، بیشتر از آنکه در مشارکت انتخاباتی مؤثر باشند، در ترجیح انتخاباتی تأثیر دارند.

کلیدواژه‌ها: دین‌داری، نوع مذهب، مشارکت انتخاباتی، آرای باطله، شهرستان‌های ایران.

۱. مقدمه

در جمهوری اسلامی ایران بررسی رفتار انتخاباتی، یک حوزه نسبتاً جدید پژوهشی به شمار می‌آید. در مقایسه با غرب در جمهوری اسلامی ایران که حکومت خود را طبق قانون اساسی بر مبنای جمهوریت و مردم‌سالاری دینی بنا کرده است و چهار دهه از قدمت آن می‌گذرد، این حوزه مطالعاتی، چندان عمق پیدا نکرده و عمومی نشده است؛ به عبارت دیگر، با توجه به دینی‌بودن نظام سیاسی و در یک کلام، این‌همانی دین و سیاست در سطح کلان جامعه ایرانی، شناخت و رصد رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی حائز اهمیت و درخور توجه بیشتری است. در اینکه دو نهاد دین و سیاست در کشور ما به لحاظ رسمی و سیستماتیک با یکدیگر هم پیوندند، تردیدی نیست، اما در اینکه نمود اجتماعی و عینی این پیوند و شواهد تجربی آن در عرصه عمومی چگونه است، جای بسی تحقیق و بررسی تجربی دارد؛ به عنوان مثال، یک سؤال اساسی در این زمینه آن است که شهروندان ایرانی در کنش‌های سیاسی خویش تا چه حد به صورت دینی عمل می‌کنند؟ دین، دین‌داری و دینی‌بودن چه ارتباطی با سیاسی‌شدن و کنش سیاسی دارد؟ دین چه نقشی در گسیل پیروانش به عرصه فعالیت سیاسی دارد؟ آیا میان دین‌ورزی و سیاست‌ورزی ارتباط معناداری وجود دارد؟ و

درباره نقش و جایگاه مذهب در جوامع دو دیدگاه متناقض وجود دارد. برخی بر این ادعا هستند که با توجه به روند سکولارشدن زندگی اجتماعی، مذهب محکوم به فناست. به عقیده

برخی از دانش‌پژوهان، عامل اصلی و تعیین‌کننده رفتار انتخاباتی طبقه اجتماعی است؛ به‌طوری‌که تحلیل‌های بعدی نیز درباره تأثیرگذاری طبقه اجتماعی بر رفتار انتخاباتی، نقش دین را نادیده یا ناچیز شمرده‌اند (طالبان و میرزایی، ۱۳۸۹، ص. ۳۵). برخی دیگر معتقدند که این روند درحقیقت به معنای نابودشدن مذهب نیست؛ بلکه حکایت از تغییر شکل آن دارد. اینگلهارت^۱ این نظر را که ارزش‌های مادی در جوامع صنعتی جایگزین جهان‌بینی‌های معنوی و مذهبی می‌شود، نمی‌پذیرد و معتقد است در بلندمدت انتقال به جامعه مابعد صنعتی موجب تأکید مجدد بر ارزش‌های معنوی می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ص. ۲۰۱). بررسی نتایج داده‌های مطالعات تطبیقی نظام‌های انتخاباتی نیز نشان می‌دهد، دین هنوز در مقایسه با هریک از شاخص‌های پایگاه اقتصادی-اجتماعی، شاخص قوی‌تر و پیوسته‌تری در ارتباط با ترجیح انتخاباتی است (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷، ص. ۲۸۹، به نقل از طالبان و میرزایی، ۱۳۸۹، ص. ۳۶). واقعیت مشهود در حوزه‌های جامعه‌شناسی سیاسی و دین این است که تاکنون بحث و فحص درباره ارتباط میان دین و سیاست عمدتاً در سطح تحلیل کلان و در ساحت نظری مطرح شده است؛ اما بررسی تجربی ارتباط میان این دو حوزه غالباً در سطح خرد صورت گرفته است؛ بنابراین به‌ندرت شاهد بررسی تجربی ارتباط میان آن‌ها در سطح کلان (سیستمی) هستیم؛ ازاین‌رو کمبود کار تحقیقی در سطح سیستمی درباره رابطه دین‌داری و رفتار انتخاباتی در ایران ضرورت و اهمیت درجه اول این تحقیق است.

با توجه به اهمیت نهاد دین و نظام سیاسی دینی در ایران و بررسی‌نشدن و تبیین‌نشدن مشارکت انتخاباتی در سطح سیستمی و تجربی به‌وسیله دین‌داری در ایران به‌وسیله محققان، اعوجاجات نظری مربوط به دین در جامعه (سکولاریسم) و اغتشاشات تجربی درباره تأثیر دین و دین‌داری بر رأی‌دهی در متون غالب خارجی و کمبود مطالعات مشخص و موثق درباره رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در داخل ایران، این مطالعه درصدد بررسی رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در شهرستان‌های ایران در انتخابات ۱۳۹۶ است.

از آنجاکه تحقیق فعلی تحقیقی است که در آن متغیر مستقل و وابسته از قبل معلوم و مشخص و در شکل «بررسی ارتباط X و Y » است، محقق درصدد است تا رابطه آن دو را به صورت تجربی در سطح واقعیت نشان دهد. در این مقاله محقق درصدد کشف متغیرهای جدید و مستقل نیست؛ بنابراین نیازمند تدوین مبانی نظری است تا با رجوع به دانش نظری و استفاده از استدلال نظری، چنین ارتباط از قبل فرض گرفته شده‌ای را معقول و موجه کند. هدف این تحقیق، تبیین رابطه بین نوع مذهب، مؤلفه‌های دین‌داری و میزان مشارکت انتخاباتی و الگوهای رأی‌دهی است. سؤالات تحقیق را می‌توان به صورت زیر مطرح کرد: رابطه نوع مذهب و میزان مشارکت انتخاباتی چگونه تبیین‌شدنی است؟ و رابطه میزان دین‌داری و میزان مشارکت انتخاباتی و الگوهای رأی‌دهی چگونه تبیین‌شدنی است؟

۲. مبانی نظری تحقیق

تحقیقات تبیینی در علوم اجتماعی را می‌توان به دودسته کلی تقسیم کرد: دسته اول شامل پژوهش‌هایی می‌شوند که در ابتدا تنها متبیین یا متغیر وابسته آن معلوم و روشن است و محقق قصد دارد حین انجام تحقیق در مرحله‌ای از مراحل تحقیق با استفاده از نظریه‌ها و پژوهش تجربی و استدلال‌های شخصی، تبیین‌کننده‌ها یا متغیرهای مستقل را انتخاب کند. در اینجا محقق تحقیق خود را در قالب «تبیین جامعه‌شناختی Y » قرار داده و می‌تواند از دو استراتژی اشباع‌کننده (تعیین و تشخیص تمامی متغیرهای مستقل تبیین‌کننده متغیر وابسته) و یا صرفه‌جویانه و امساک‌ی (تعیین و تشخیص حداقلی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار ملهم و مأخوذ از نظریه‌ها، سابقه تحقیق و استدلال‌های شخصی بر اساس مدل‌سازی قیاسی) استفاده کند. دسته دوم از تحقیقات که در آن متغیر مستقل و وابسته از قبل معلوم و مشخص و در شکل «بررسی ارتباط X و Y » است و محقق درصدد است تا رابطه آن دو را به صورت تجربی در سطح واقعیت نشان دهد. از آنجاکه متغیرهای تحقیق از قبل معلوم و مشخص است و محقق درصدد کشف متغیرهای جدید و مستقل نیست، هیچ‌یک از استراتژی‌های اشباع و

امساک کاربرد ندارد؛ با وجود این، نیاز به تدوین مبانی نظری برای انجام تحقیق رفع نمی‌شود. در این نوع پژوهش‌ها ضروری است که محقق با رجوع به دانش نظری و استفاده از استدلال نظری، چنین ارتباط از قبل فرض گرفته‌شده‌ای را معقول و موجه کند. سپس با انجام تحقیق تجربی نشان دهد آیا ارتباطی که وجودش به طور مستدل مدعی شده است، در عالم واقع نیز به همان شکل وجود دارد یا از نظر تجربی آن مدعا واقعیت ندارد (طالبان، ۱۳۹۹، صص. ۱۴۸-۱۴۹). چون این رویه در تحقیق حاضر به کار گرفته شده است، هم‌اکنون به سراغ دانش تئوریک و استدلال‌های نظری می‌رویم تا ارتباط میان متغیرها انتخاباتی را معقول و موجه کنیم.

۲.۱. نظریه‌ها

نقش مذهب و ایدئولوژی از دیرباز در فعالیت‌های سیاسی مدنظر اندیشمندان و جامعه‌شناسان بوده است و به مثابه نظام فرهنگی و پدیده اجتماعی در مطالعات جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی جایگاه خاصی دارد. دین موجب انسجام‌بخشی و اجتماع‌سازی (دورکیم)، معنابخشی (وبر)، اعتمادسازی (پوتنام)^۱، تضادسازی و دشمن‌تراشی (لنسکی)^۲، از خودبیگانگی و تسکین‌بخشی (مارکس) و... می‌شود. دین دارای آثاری در دو سطح فردی و اجتماعی است که در سطح فردی آثاری چون آرامش روانی، خشنودی، رضایت از زندگی، معنابخشیدن به آن، تفسیر صحیح از مرگ و سلامت جسمانی مدنظر است. در سطح اجتماعی نیز انسجام اجتماعی، کاهش جرم و بزهکاری، نوع‌دوستی و حس مسئولیت‌پذیری مهم‌ترین آثار هستند (کتابی، گنجی، احمدی و معصومی، ۱۳۸۳، ص. ۱۷۸).

هاری آلپر^۳ پژوهشگر دورکیمی، چهار کارکرد عمده را برای دین به عنوان نیروهای اجتماعی از نظر دورکیم چنین برمی‌شمرد: ۱. انضباط‌بخشی: آماده‌سازی انسان‌ها برای زندگی اجتماعی از طریق تحمیل انضباط بر نفس و خویشتن‌داری؛ ۲. انسجام‌بخشی: تحکیم

1. Putnam

2. Lenski

3. Harry

همبستگی اجتماعی از طریق گردهم آوردن مردم در مراسم مذهبی و تصدیق مجدد پیوندهای مشترک؛ ۳. حیات بخشی: احیا و ابقای میراث اجتماعی گروه از طریق اجرای مراسم دینی و انتقال ارزش های پایدار آن به نسل های آینده و ۴. خوشبختی بخشی: مقابله با احساس ناکامی و فقدان ایمان با برانگیختن احساس خوشبختی در میان مؤمنان و احساس اطمینان به حقانیت جهان اخلاقی (کوزر^۱، ۱۳۸۵، ص. ۲۰۰، به نقل از ریاحی ریاحی، علیوردی نیا و بنی اسدی، ۱۳۸۷، ص. ۶۲). جامعه شناسان نوین افکار دورکیم را تکمیل کرده اند و کارکردهای اجتماعی متعددی را برای مذهب تشخیص داده اند؛ از جمله همبستگی اجتماعی، دادن معنی به زندگی، کنترل اجتماعی و حمایت روانی؛ بنابراین مذهب، افراد را در دنیای ناامنی ها، به ویژه ناامنی های روانی حمایت عاطفی می کند و آن ها را در حوادث مهم زندگی یاری می دهد. با وجود چنین تأثیر گذاری، در باب تأثیر دین بر سیاست به طور عام و مشارکت انتخاباتی به طور خاص، نظریه هایی که برای توضیح تأثیر دین داری بر مشارکت انتخاباتی وجود دارد، دارای انشقاقی است و توضیح جامع و کاملی برای این توضیح وجود ندارد. در زمینه رابطه دین داری و انتخابات، ما می توانیم به نظریه های اشاره کنیم که متکلف توضیح و تفسیری نظری دین بر ترجیح انتخاباتی هستند تا مشارکت انتخاباتی و آن ها عبارت اند از: نظریه جنگ های فرهنگی، نظریه شکاف ها و نظریه قومی-مذهبی، تعلقات اجتماعی، دل بستگی گروهی، سرمایه اجتماعی و نظریه ایدئولوژی مسلط (برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به میرزایی، ۱۳۹۲؛ کشاورز، یزدخواستی و ربانی خوراسگانی، ۱۳۹۴؛ زارع و روهنده، ۱۳۹۵؛ سیدامامی، ۱۳۸۶؛ سیدامامی و عبدالله، ۱۳۸۸؛ سیدامامی و مددلو، ۱۳۹۴؛ رهبر قاضی، امام جمعه زاده، نوربخش و خاکی، ۱۳۹۵؛ امام جمعه زاده، رهبر قاضی، برزگر قاضی و صادقی نقدعلی، ۱۳۹۲؛ دارابی، ۱۳۸۸). نظریه های مذکور بیشتر برای تحلیل و تبیین ترجیح انتخاباتی به کار می رود تا مشارکت انتخاباتی.

در متون موجود، به‌طور کلی دین از سه راه بر مشارکت انتخاباتی می‌تواند تأثیر بگذارد که هرکدام از این‌ها بعدی از ابعاد دین (دکترین، وابستگی و مشارکت) هستند و نظریه‌های مذکور درصدد توضیح تأثیرگذاری دین بر مشارکت سیاسی هستند که عبارت‌اند از: از طریق محتوای آموزه‌های دینی (سازگار و یا ناسازگار با مشارکت سیاسی) که در فرایند جامعه‌پذیری مذهبی کسب می‌شود و بنای نظریه یادگیری اجتماعی است. برخی از مذاهب مشارکت سیاسی را تشویق و برخی آن را مذموم می‌دارند؛

از طریق ارتباط نهادی (یکی بودن و جدایی دین از سیاست) که موجب شکل‌گیری مذهب حاکم و اقلیت دینی و در نتیجه همگرایی و واگرایی نسبت به نظام سیاسی می‌شود. در نهایت در حوزه انتخابات به شکل‌گیری مشارکت یا بیگانگی و انزوای سیاسی منجر می‌شود. این مکانیسم بنای نظریه جنگ‌های فرهنگی و نظریه شکاف‌های مذهبی است.

از طریق سازمان و اجتماع‌سازی و عضویت در آن‌ها که به‌عنوان مجاری انتقال تجارب و مهارت‌های مدنی، اطلاعات و انگیزش‌های سیاسی، آموزش شهروندی، عضوگیری برای جریان‌های سیاسی همسو، سازمان‌دهی سیاسی و بسیج گروهی، بسیج‌کنندگی منابع و... بر میزان‌های مشارکت تأثیر می‌گذارند (معمار، ۱۳۹۶، ص. ۲۵۹).

هرکدام از مکانیسم‌های مذکور، توسط نظریه‌های موجود برای توضیح تأثیرگذاری دین بر مشارکت انتخاباتی به کار برده می‌شود. ممکن است یک نظریه برای توضیح تأثیرگذاری از دو یا همه مکانیسم‌های مذکور استفاده کند.

۲.۲. پیشینه تحقیق

تحقیقات زیادی در خارج از کشور وجود دارد که بر رابطه میزان دین‌داری (میزان کلیسا رفتن) و میزان مشارکت انتخاباتی اشاره دارند که برای جلوگیری از طولانی شدن مقاله از ارائه آن معذوریم^۱. تحقیقاتی که رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی را در سطح سیستمی

۱. برای مشاهده این آثار به حیدرآبادی و صالح‌آبادی (۱۳۹۹) و معمار (۱۳۹۶) مراجعه شود.

(شهرستان و استان) در ایران، بررسی کرده‌اند و ارتباط مهمی با موضوع این مقاله دارند، یک رساله در مقطع دکترا، دو پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد و یک مقاله است که به ترتیب معمار (۱۳۸۸)، سراج‌زاده (۱۳۶۸)، رضی (۱۳۷۴) و حیدرآبادی و صالح‌آبادی (۱۳۹۹) انجام داده‌اند. در ادامه درباره نتایج این تحقیقات توضیح داده می‌شود.

معمار (۱۳۹۱) با تحلیل سیستمی (۱۸۹ شهرستان)، یک دوره ۱۶ ساله (۱۳۶۸-۱۳۸۴) و دوره‌های پنجم (۱۳۶۸)، هفتم (۱۳۷۶) و نهم (۱۳۸۴) دوره‌های انتخابات ریاست جمهوری نشان می‌دهد که اگر افزایش نسبت طبقات متوسط در جمعیت، با افزایش میزان دینی‌بودن جامعه همراه باشد، میزان رأی‌دهی نیز بالا خواهد بود و برعکس. این یافته نشان می‌دهد که ارتباط میان نسبت طبقات متوسط در جمعیت و میزان رأی‌دهی در شهرستان‌های کشور، به‌طور معناداری متأثر از میزان دینی‌بودن آن‌هاست (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۸۱). تحقیق همچنین نشان می‌دهد که میانگین میزان رأی‌دهی شهرستان‌های شیعه‌نشین و سنی‌نشین در مقطع بررسی‌شده، تفاوت معناداری با یکدیگر دارد و میانگین رأی‌دهی شهرستان‌های سنی‌نشین پایین‌تر از شهرستان‌های شیعه‌نشین است (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۵۵). تحلیل رگرسیونی به ما می‌گوید که صرف‌نظر از نوع مذهب، میزان دینی‌بودن شهرستان‌ها به‌تنهایی و به نحو معناداری نزدیک به ۴۰ درصد از واریانس میزان مشارکت انتخاباتی آن‌ها را توضیح می‌دهد که حاکی از نقش و تأثیر نسبتاً قدرتمند آن در تبیین این فرایند سیاسی مهم است (معمار، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۸).

سراج‌زاده (۱۳۶۸) با استفاده از چهارچوب نظری مدرنیزاسیون و انتخاب ۸۰ شهرستان (از ۱۹۵ شهرستان) و داده‌های سرشماری سال ۱۳۵۵، میزان شرکت در انتخابات ریاست جمهوری (سال ۱۳۵۸ و ۱۳۶۳) و مجلس (سال ۱۳۵۸ و ۱۳۶۳) را بررسی کرده است. او نشان می‌دهد تبلیغات و انگیزش‌های دینی برای تشویق و ترغیب مردم به عمل سیاسی و شرکت در انتخابات در اقشار وسیعی از مردم نافذ و مؤثر می‌افتد (سراج‌زاده، ۱۳۶۸، به نقل از سرداری، ۱۳۹۱، ص. ۱۵).

رضی (۱۳۷۴، ۱۳۸۰) با تحلیل انتخابات شش دوره ریاست جمهوری از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۲ در استان‌های کشور مدعی است میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری در استان‌هایی که نسبت افراد معتقد به مذهب شیعه بیشتر از سایر مذاهب (اهل تسنن، مسیحیان و...) بوده، بیشتر از استان‌های دیگر بوده است. همچنین این مذهبی‌ها هستند که مشارکت فعالانه در امور سیاسی جامعه دارند و در مقابل آنان که دارای گرایش‌های رقیق‌تر مذهبی هستند و کسانی که مذهبی نیستند، میزان مشارکت سیاسی‌شان محدودتر است (رضی، ۱۳۸۰، صص. ۲۰۲-۲۰۳).

نتایج تحقیق حیدرآبادی و صالح‌آبادی (۱۳۹۹) نیز با بررسی در سطح استان‌های ایران نشان می‌دهند رابطه بین دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در بین استان‌های ایران برحسب مرزی‌بودن و قومی‌بودن متفاوت است. محققان تأثیر متفاوت و متباین میزان شرکت در نماز جمعه بر مشارکت انتخاباتی را در سال‌های متعدد نشان داده‌اند. در انتخابات ۱۳۸۸، برخلاف انتخابات ۱۳۸۰، ۱۳۸۴، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶، استان‌هایی که بیشتر در نماز جمعه شرکت کرده‌اند، مشارکت انتخاباتی آن‌ها کمتر از استان‌هایی بوده است که کمتر در نماز جمعه شرکت کرده‌اند، کرده‌اند و تأثیر دین‌داری تا حد خاصی است و بیش از آن تأثیری ندارد؛ به این معنا که در جامعه میزان خاص و ویژه‌ای از دین‌داران وجود دارند که همیشه همین تعداد در انتخابات شرکت می‌کنند (حیدرآبادی و صالح‌آبادی، ۱۳۹۹). این مقاله در مقایسه با آثار دیگر، نوعی وسواسی درباره نتایج دیگرگونه تأثیر دین‌داری بر مشارکت انتخاباتی دارد.

سابقه تحقیق ارائه‌شده آسیب‌هایی دارد که در بخش نتیجه‌گیری به آن‌ها اشاره می‌شود. در این مقاله تلاش داریم، در حد وسع (داده‌های موجود) و بضاعت نویسنده رابطه ابعاد دین‌داری را با مشارکت انتخاباتی بررسی و کاستی‌های تحقیقات پیشین را تا حد امکان جبران کنیم.

۳. روش تحقیق

روش پژوهش این تحقیق، روش تطبیقی درون‌کشوری^۱ (از نوع طولی) است. در این روش به مقایسه واحدهای اجتماعی (شهرستان‌های ایران) مدنظر پژوهش می‌پردازند. در جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک بررسی کتابخانه‌ای شامل کتب، مقالات، تحقیقات، پایان‌نامه‌ها و داده‌های اسناد ثانویه (دست دوم) برآمده از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در دوازدهمین دوره استفاده شده است. جامعه آماری مدنظر همه داده‌های اسنادی در شهرستان‌های کشور است. واحد تحلیل، شهرستان‌های کشور در واحد زمانی و سطح تحلیل کشور ایران است که جمعیت آماری تحقیق، برابر با ۴۲۶ شهرستان است که داده‌های مربوط به عوامل تبیین‌کننده و تبیین‌شونده برای آن‌ها موجود بوده است. داده‌های این مطالعه از نوع داده‌های تجمیعی است؛ به این ترتیب تحلیل با استفاده از یافته‌های دین‌داری تجمیعی برای هر شهرستان در سطح فردی مدنظر قرار می‌گیرد.

۳.۱. تعاریف متغیرها

در این بخش از مقاله تعاریف متغیرها و نحوه سنجش آن‌ها را ارائه می‌دهیم. **مشارکت انتخاباتی:** برای سنجش میزان مشارکت انتخاباتی از اطلاعات ارائه‌شده از سوی وزارت کشور استفاده شده است. در این مقاله، مشارکت انتخاباتی، محدود به دوره دوازده انتخابات ریاست جمهوری است که برای آن‌ها داده‌های متغیر مستقل (شاخص‌های دین‌داری) موجود هستند.

دین‌داری: ما برای سنجش دین‌داری شهرستان‌ها از اطلاعات ثانویه استفاده کردیم. دین‌داری از پیمایش ملی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران^۲ (دفتر طرح‌های

1. Sub-national

۲. واحد جمع‌آوری داده و اطلاعات در این طرح (پیمایش ملی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران) شهر مرکز شهرستان است که ما داده و اطلاعات آن را برای کل شهرستان به کار می‌بریم؛ زیرا داده و اطلاعات متغیر وابسته (مشارکت انتخاباتی) ما در سطح شهرستان است و از این منظر، نتایج تحقیق ممکن است در مظان شک و شبهه قرار گیرد

ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری دانشگاه تهران، ۱۳۹۶، ۳۱ جلد). استخراج و براساس فنون آماری شاخص‌سازی شده است: در این مقاله شاخص‌های زیر بررسی می‌شود: نوع مذهب (سنی و شیعه بودن شهرستان‌ها)، اقامه نماز، روزه‌گرفتن، شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه، پرداخت خمس، باور به حضور خداوند، داشتن مرجع تقلید، نحوه برخورد با ناهمنوایی‌های اجتماعی و عضویت در اجتماعات مذهبی.

شایان ذکر است که ما برای شاخص‌سازی، ترکیب و تجمیع داده‌ها به این صورت اقدام کردیم؛ به‌عنوان نمونه: انجام اعمال دینی (اقامه نماز، روزه‌گرفتن، شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه و پرداخت خمس): این اعمال در پیمایش به‌صورت طیف چهارگزینه‌ای (هیچ‌وقت، گاهی اوقات، اکثر اوقات و همیشه) پرسیده شده است. ما برای شاخص‌سازی ابتدا درصد هر گزینه را به‌ترتیب در اعداد ۱ تا ۴ ضرب کرده و سپس با هم تجمیع کرده و درنهایت بر عدد ۱۰۰ تقسیم کردیم؛ به‌عنوان مثال، برای روزه‌گرفتن دو شهرستان گمیشان و داراب به‌صورت زیر اقدام کردیم:

که داده‌های سطح شهری را در سطح شهرستان به کار گرفته است؛ اما با توجه به اوصاف شهرهای مرکز شهرستان‌های ایران، می‌توانیم این تعمیم را تعمیم درست و بجا بدانیم؛ زیرا بیشتر جمعیت شهرستان‌های کشور، در شهر مرکز شهرستان ساکن هستند و در بیشتر شهرستان‌های کشور، نسبت کمی از جمعیت در خارج از شهرهای مرکز شهرستان ساکن باشند؛ بنابراین بیشتر شهرهای مرکز شهرستان‌های ایران نماینده کل شهرستان هستند و علاوه بر این، از آنجاکه این تعمیم برای تمامی شهرستان‌ها صورت می‌گیرد و دین‌داری بالاتر روستاها و شهرهای غیر مرکز شهرستان‌ها به‌صورت سیستماتیک در همه شهرستان‌ها جاری و ساری است، می‌توان آن را نادیده گرفت.

جدول ۱- نحوه محاسبه شاخص های دین داری

هیچ وقت	گاهی اوقات	اکثر اوقات	همیشه	میزان روزه گرفتن در شهرستان
۰	۱	۰	۹۷	توزیع نسبی افراد در شهرستان گمیشان برحسب وزن
۱	۲	۳	۴	وزن
۰	۲	۰	۳۸۸	جمع
۳۶/۳	۵۹/۱	۴/۷	۰	توزیع نسبی افراد در شهرستان داراب برحسب وزن
۱	۲	۳	۴	وزن
۳۶/۳	۱۱۸/۲	۱۴/۱	۰	جمع

درباره میزان روزه گرفتن شهرستان گمیشان، می توان گفت که این شهرستان با کسب ۳/۹ نمره از ۴ نمره، بیشترین میزان روزه گرفتن و شهرستان داراب با نمره ۱/۶۸ از ۴ نمره، کمترین میزان روزه گرفتن را در بین شهرستان ها دارد؛ به این معنا که میزان روزه گرفتن در شهر گمیشان نزدیک به عدد ۴ (همیشه) و میزان روزه گرفتن در شهرستان داراب میانه عدد ۱ و ۲ (هیچ وقت و گاهی اوقات) قرار دارند. برای اعمال دیگر (نماز، شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه و پرداخت خمس) نیز به صورت ذکر شده در بالا عمل کردیم.

۴. یافته های تحقیق

در این بخش از مقاله، نخست تأثیر نوع مذهب بر مشارکت انتخاباتی را گزارش می دهیم. سپس با ارائه تحلیل های دومتغیره (تحلیل همبستگی) و تحلیل چندمتغیره (تحلیل رگرسیون) رابطه بین میزان دین داری و مشارکت انتخاباتی را بررسی می کنیم.

۴.۱. نوع مذهب و مشارکت انتخاباتی

در بررسی رابطه بین نوع مذهب و مشارکت انتخاباتی با توجه به سطح سنجش اسمی متغیر مستقل (دو گروه شهرستان سنی نشین و شیعه نشین)، از آزمون مقایسه میانگین بین دو گروه استفاده می کنیم. در تحقیقات قبلی تفاوت معناداری بین میزان مشارکت انتخاباتی بین شهرستان های شیعه نشین و سنی نشین (معمار، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۷) و بین استان های شیعه نشین

و سنی‌نشین (رضی، ۱۳۸۰، ص. ۲۲۳) وجود داشت و مناطق (استان و شهرستان) شیعه‌نشین مشارکت انتخاباتی بیشتری در مقایسه با مناطق سنی‌نشین داشتند. محققان نوع مذهب مناطق (شیعه و سنی بودن) را عامل مؤثر در مشارکت انتخاباتی این مناطق بیان کردند (معمار، ۱۳۹۱؛ رضی، ۱۳۸۰). ما برای آزمون تأثیر نوع مذهب بر میزان مشارکت انتخاباتی، با استفاده از آزمون مقایسه میانگین‌ها برای دو نوع شهرستان شیعه‌نشین و سنی‌نشین دریافتیم که تفاوت معناداری بین این دو نوع شهرستان وجود دارد و میزان مشارکت انتخاباتی در شهرستان‌های شیعه‌نشین بیشتر از شهرستان‌های سنی‌نشین و میزان آرای باطله در شهرستان‌های سنی‌نشین بیشتر از شهرستان‌های شیعه‌نشین است. معیار تشخیص سنی و شیعه بودن شهرستان براساس معیار معمار و تحلیل‌های محقق مقاله است.^۱ شایان ذکر است که کاهش و افزایش چنین شهرستان‌هایی، یافته‌های تحلیل را مخدوش نمی‌کند. جدول ۲ تحلیل مقایسه میانگین میزان مشارکت انتخاباتی و آرای باطله را در دوازدهمین دوره ریاست جمهوری بین شهرستان‌های شیعه‌نشین و سنی‌نشین نشان می‌دهد (با ۲۰ شهرستان سنی‌نشین برحسب تحلیل معمار و ۶۱ شهرستان سنی‌نشین براساس تحلیل محقق).

۱. شایان ذکر است که شهرستان‌های سنی‌نشین و اهل سنت ایران به‌خاطر برخی مسائل مشخص نیست. معمار در اثر خود (۱۳۹۱، ص. ۲۱۸) با استفاده از نظر هفت داور کارشناس و متخصص، شهرستان‌های زیر را سنی‌نشین قلمداد کرده است: زاهدان، مریوان، تربت جام، قشم، میاندوآب، نقده، چابهار، تایباد، پیرانشهر، بانه، پاوه، سراوان، بندر ترکمن، سقز، ایرانشهر، سنندج، سردشت، مهاباد، سرپل زهاب و قروه (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۲۲). ما براساس کم‌بودن داشتن مرجع تقلید و مفروضات دیگر، ۶۱ شهرستان کشور را سنی‌نشین قلمداد کردیم.

جدول ۲- مقایسه میانگین میزان مشارکت انتخاباتی و آرای باطله بین شهرستان‌های شیعه‌نشین و سنی‌نشین

نوع مذهب	تعداد	میانگین	انحراف	سطح معناداری	توضیحات
شیعه	۴۰۶	۱۵/۸۱	۹۱/۱۱	P-value= ۰/۰۱۱	میزان مشارکت انتخاباتی
سنی	۲۰	۷۲/۷۲	۱۳/۱۷		
شیعه	۴۰۶	۳/۰۳	۱/۷۵	P-value= ۰/۰۰۰	آرای باطله
سنی	۲۰	۵/۳۷	۴/۴۶		
شیعه	۳۶۵	۸۱/۵۵	۱۱/۸۷	P-value= ۰/۰۱۱	میزان مشارکت انتخاباتی
سنی	۶۱	۷۵/۹۵	۱۲/۳۵		
شیعه	۳۶۵	۲/۹۰	۱/۴۲	P-value= ۰/۰۰۰	آرای باطله
سنی	۶۲	۴/۵۷	۳/۷۷		

مقایسه میانگین‌ها نشان داد که در شهرستان‌های سنی‌نشین نسبت به شهرستان‌های شیعه‌نشین میزان مشارکت انتخاباتی کمتر و میزان آرای باطله بیشتر است، اما مسئله این است که آیا این تفاوت را می‌توان به تأثیر نوع مذهب ارجاع داد یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا نوع مذهب موجب تغییر در میزان مشارکت انتخاباتی و آرای باطله شهرستان‌ها شده است یا عوامل دیگری در این امر دخیل هستند؟ با توجه به نقدهایی که بر یافته‌های معمار وارد کردیم که در فرازهای بعدی به آن می‌پردازیم، تحلیل در سطح استان نشان داد که مرزی‌بودن و قومیت استان‌ها در میزان مشارکت انتخاباتی تأثیر دارد و از آنجاکه تأثیر نوع مذهب با تأثیر مرزی‌بودن و قومیت شهرستان‌ها تعامل و هم‌پوشی دارد و اکثر شهرستان‌های سنی‌نشین متصف به مرزی‌بودن و قومیت هستند، تأثیر نوع مذهب بر مشارکت انتخاباتی را باید با احتیاط به کار برد. ما برای رصد هرچه دقیق‌تر تأثیر نوع مذهب بر مشارکت انتخاباتی و آرای باطله، دو متغیر مرزی‌بودن و قومی‌بودن شهرستان را کنترل کردیم تا از این طریق تأثیر نوع مذهب بر میزان مشارکت انتخاباتی را فارغ از مرزی‌بودن و قومی‌بودن، بررسی کنیم. از آنجاکه متغیر مرزی‌بودن، برخلاف قومیت تأثیر مهم و اساسی بر تأثیر و تأثر (تعامل) نوع مذهب و مشارکت انتخاباتی نداشت، ما تحلیل و آزمون آن را ارائه نمی‌دهیم. درباره تأثیر

قومیت می‌توان گفت که شهرستان‌های متصف به قومیت^۱ میزان مشارکت انتخاباتی کمتر و میزان آرای بیشتری نسبت به شهرستان‌های غیرقومی دارند. جدول ۳ مقایسه میانگین مشارکت انتخاباتی و میزان آرای باطله را در شهرستان‌های قومی و غیرقومی نشان می‌دهد.

۱. با توجه به نامشخص بودن هویت قومی شهرستان‌ها در ایران، برای تعیین و تشخیص قومی بودن و غیرقومی بودن شهرستان‌ها (نه هویت قومی و قومیت آن‌ها) براساس زبان رایج شهرستان عمل کردیم و شهرستان‌هایی که حداقل نصفی از جمعیت آن شهرستان (۵۰ درصد) به زبان غیرفارسی (آذری، ترک، کرد، لر، عرب، ترکمن، لک، بلوچی و ...) تکلم کنند، آن شهرستان را قومی قلمداد کرده‌ایم. محتمل است که اخذ چنین معیاری سهل‌انگارانه و غیرعلمی باشد؛ زیرا زبان نمایانگر مناسبی برای بازگوی قومیت نباشد. با وجود معایب این‌چنینی و معایب دیگر و به دلیل مخاطرات احتمالی در به‌کارگیری معیارهای دیگر (معیارهای دیگر نیز خالی از اشکال نیست و گردآوری داده برای آن معیارها سخت است)، با توجه به اقتضائات روشی (آسان بودن و در دسترس بودن) در جمع‌آوری داده، ما آسان‌ترین معیار - و محتمل است که مشکوک‌ترین و معیوب‌ترین معیار باشد - را به کار گرفته‌ایم. براساس این معیار، به‌قرار زیر عمل کردیم:

الف. اکثر قریب به اتفاق شهرستان‌های استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی، زنجان، قزوین، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان و لرستان و همچنین بیشتر شهرستان‌های ایلام، سیستان و بلوچستان، گلستان و همدان را جزو شهرستان‌های قومی قلمداد کردیم.

ب. اکثر قریب به اتفاق شهرستان‌های استان‌های البرز، تهران، خراسان جنوبی، سمنان، قم و یزد و بیشتر شهرستان‌های خراسان رضوی (به‌جز شهرستان‌های شمالی استان از قبیل قوچان، درگز، جوین، خوشاب، جغتای و کلات) را غیر قومی قلمداد کردیم.

ج. برای سایر شهرستان‌ها با مراجعه به سایت‌های دانشنامه‌ای (از قبیل ویکی‌پدیا) و تارنماهای دیگر در اینترنت برای استان‌های اصفهان، بوشهر، فارس، کرمان، گیلان، مازندران، مرکزی و هرمزگان اقدام کردیم.

با توجه به معایب چنین تعریفی از قومیت، در تحلیل شهرستان‌های متصف به قومیت، محتمل است که اعتبار و روایی اندازه‌گیری ما در مظان شک و تردید قرار گیرد. با وجود چنین معایبی تا اطلاع ثانویه ناچاریم شدیم به چنین تحلیلی اطمینان کنیم.

جدول ۳- مقایسه میانگین میزان مشارکت انتخاباتی و آرای باطله بین شهرستان‌های قومی و غیر قومی

	وجود قومیت	تعداد	میانگین	انحراف میانگین	سطح معناداری
میزان مشارکت انتخاباتی	قومی	۲۷۳	۸۰/۰۰	۱۱/۴۴	P-value=۰/۰۷
	غیر قومی	۱۵۶	۸۲/۲۴	۱۳/۰۳	
آرای باطله	قومی	۲۷۳	۳/۴۳	۲/۳۸	P-value=۰/۰۰۰
	غیر قومی	۱۵۶	۲/۶۵	۱/۰۵	

برای کنترل قومی بودن شهرستان‌ها در تحلیل تأثیر نوع مذهب شهرستان بر میزان مشارکت انتخاباتی و آرای باطله، ما میانگین میزان مشارکت انتخاباتی و آرای باطله شهرستان‌های قومی و غیر قومی شهرستان‌های سنی نشین و شیعه نشین را در جدول ۴ نشان داده‌ایم. جدول زیر تأثیر نوع مذهب و قومی و غیر قومی بودن آن را نمایان می‌سازد. جدول نشان می‌دهد که میزان مشارکت انتخاباتی شهرستان‌های سنی نشین در شرایط قومی بودن (۷۴/۸۶) پایین‌تر از میزان مشارکت انتخاباتی شهرستان‌های شیعه نشین در شرایط قومی بودن (۸۱/۲۴) است و در شرایط غیر قومی بودن میزان مشارکت انتخاباتی شهرستان‌های سنی نشین (۸۳/۱۹) تفاوت معناداری با میزان مشارکت انتخاباتی شهرستان‌های شیعه نشین (۸۲/۹) ندارد. این امر برای میزان آرای باطله نیز صادق است و شهرستان‌های سنی نشین قومی میزان آرای باطله بیشتری نسبت به شهرستان‌های شیعه نشین قومی دارند (مقایسه میزان آرای باطله ۴/۹۳ با میزان آرای باطله ۳/۰۷).

جدول ۴- مقایسه میانگین میزان مشارکت انتخاباتی و آرای باطله بین شهرستان‌های قومی و غیرقومی

قومی بودن و نبودن	متغیر وابسته	نوع شهرستان	تعداد	میانگین	انحراف میانگین	معناداری
قومی	میزان مشارکت انتخاباتی	سنی	۵۳	۷۴/۸۶	۱۲/۱۶	۰/۰۰۱
		شیعه	۲۲۰	۸۱/۲۴	۱۰/۹۳	
	آرای باطله	سنی	۵۳	۴/۹۳	۳/۹۱	۰/۰۰۱
		شیعه	۲۲۰	۳/۰۷	۱/۶۵	
غیرقومی	میزان مشارکت انتخاباتی	سنی	۸	۸۳/۱۹	۱۱/۸۴	۰/۸۲۴
		شیعه	۱۴۸	۸۲/۱۹	۱۳/۱۲	
	آرای باطله	سنی	۸	۲/۶۸	۰/۸۴	۰/۱۳۳
		شیعه	۱۴۸	۲/۶۸	۱/۰۶	

بنابراین براساس تحلیل مقایسه میانگین‌ها می‌توان گفت که تأثیر نوع مذهب بر مشارکت انتخاباتی و آرای باطله تحت تأثیر قومی بودن شهرستان قرار دارد و این قومی بودن شهرستان است که موجب افزایش و کاهش میزان مشارکت انتخاباتی است، نه نوع مذهب. شاهد این مطلب را می‌توان در میزان مشارکت انتخاباتی در شهرستان‌های سنی‌نشین و شیعه‌نشین غیرقومی دید که تفاوت معناداری باهم ندارند (۸۳/۱۹ با ۸۲/۱۹) و همچنین این امر که شهرستان‌های سنی‌نشین غیرقومی به اندازه شهرستان‌های شیعه‌نشین غیرقومی آرای باطله یکسانی را در صندوق‌های رأی ریخته‌اند (۲/۶۸ درصد آرای باطله بر هر دو نوع شهرستان است)؛ به عبارت دیگر، ۲/۶۸ درصد از آرای صندوق‌های شهرستان‌های غیرقومی باطله است. حال فرقی نمی‌کند این شهرستان سنی باشد یا شیعه؛ چون آنچه موجب تفاوت می‌شود، قومی بودن و غیرقومی بودن شهرستان‌ها است، نه سنی و شیعه بودن شهرستان.

۴.۲. دین‌داری و مشارکت انتخاباتی

در بررسی رابطه بین میزان دین‌داری و مشارکت انتخاباتی با توجه به سطح کمی و نسبی متغیرها ما از تحلیل دومتغیره استفاده می‌کنیم. در ابتدا رابطه بین دو شاخص دین‌داری (میزان احساس حضور و ناظر بودن خداوند و میزان داشتن مرجع تقلید) و میزان مشارکت انتخاباتی را بررسی می‌کنیم. جدول ۴ رابطه بین متغیرها را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی مرتبه صفر میزان احساس حضور و ناظر بودن خداوند و داشتن مرجع تقلید با میزان مشارکت انتخاباتی مستقیم و خیلی ناچیز است. ضریب همبستگی مرتبه صفر بین میزان احساس حضور و ناظر بودن خداوند و میزان آرای باطله معکوس و خیلی ناچیز است و نمی‌توان بر پیوند بین آن‌ها حکم داد.

جدول ۵- ضریب همبستگی بین شاخص‌های دین‌داری و مشارکت انتخاباتی و آرای باطله در دوازدهمین دوره ریاست جمهوری (۱۳۹۶)

شاخص دین‌داری	مشارکت انتخاباتی	آرای باطله
میزان موافقت درباره این‌که خداوند در همه‌جا حضور دارد و ناظر اعمال ماست	۰/۰۶۰	-۰/۰۴۳
داشتن مرجع تقلید	۰/۰۹۷	-۰/۲۳۲**
داشتن مرجع تقلید (با حذف ۲۰ شهرستان سنی‌نشین) ^۱	۰/۱۳۱**	-۰/۳۰۹**
داشتن مرجع تقلید (با حذف ۶۰ شهرستان سنی‌نشین) ^۲	۰/۱۳۱*	-۰/۱۶۴**
*معنادار در سطح ۰/۰۵ . **معنادار در سطح ۰/۰۱ ۱. شایان ذکر است که شهرستان‌های سنی‌نشین و اهل سنت ایران، به دلیل برخی مسائل مشخص نیست. معمار (۱۳۹۱) با استفاده نظر هفت داور کارشناس و متخصص (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۱۸) شهرستان‌های زیر را سنی‌نشین قلمداد کرده است: زاهدان، مریوان، تربت جام، قشم، میاندوآب، نقده، چابهار، تایباد، پیرانشهر، بانه، پاوه، سراوان، بندر ترکمن، سقز، ایرانشهر، سنندج، سردشت، مهاباد، سرپل زهاب و قروه (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۲۲). در اینجا ۲۰ شهرستان مذکور از تحلیل حذف شده‌اند. ۲. ما براساس کم‌بودن میزان داشتن مرجع تقلید در برخی شهرستان‌ها، چنین شهرستان‌هایی را سنی‌نشین قلمداد کردیم. شایان ذکر است که کاهش و افزایش چنین شهرستان‌هایی، برای رابطه بین داشتن مرجع تقلید و مشارکت انتخاباتی تغییر نمی‌کند؛ بلکه ضرایب همبستگی کاهش می‌یابد.		

ضریب همبستگی مرتبه صفر بین داشتن مرجع تقلید و میزان مشارکت انتخاباتی مستقیم و ضعیف است. ضریب همبستگی مرتبه صفر بین داشتن مرجع تقلید و میزان آرای باطله معکوس و در حد متوسط و معنادار^۱ است و با افزایش افراد دارای مرجع تقلید در شهرستان‌های کشور میزان آرای باطله کاهش می‌یابد. با ملاحظه این نکته که میان اهل تسنن و تشیع درباره تقلید و جایگاه آن تفاوت وجود دارد و شهرستان‌های که سنی‌نشین هستند، کمتر از شهرستان‌های شیعه‌نشین دارای مرجع تقلید هستند^۲، ما برای برقراری رابطه بین داشتن مرجع تقلید و مشارکت انتخاباتی، شهرستان‌های سنی‌نشین را از تحلیل حذف کردیم. با حذف چنین شهرستان‌هایی ضریب همبستگی ضعیفی بین میزان داشتن مرجع تقلید و مشارکت انتخاباتی ایجاد شد که نشانگر تأثیر این متغیر بر مشارکت انتخاباتی است.

جدول ۷ ضرایب همبستگی بین شاخص‌های دین‌داری را با مشارکت انتخاباتی و آرای
باطله در دوازدهمین دوره ریاست جمهوری (۱۳۹۶) نشان می‌دهد.

۱. شایان ذکر است که استفاده از آزمون‌های معناداری فقط هنگامی مناسب است که داده‌ها از یک نمونه احتمالی به دست آمده باشند و برای نمونه‌های غیر احتمالی کاربرد ندارد و اگر داده‌ها مربوط به یک جمعیت باشند، استفاده از آن‌ها بی‌معناست (بلیکی، ۱۳۸۹، ص. ۲۴). متأسفانه معناداری آماری یافته‌های تحقیق، کاملاً به‌غلط، معمولاً با اهمیت عملی یا ذاتی نتایج تحقیق به اشتباه گرفته می‌شود؛ درحالی‌که که این اهمیت وابسته به قضاوت ماست و نمی‌توان آن را به‌طور مکانیکی با روش‌های آماری تعیین کرد (بلیکی، ۱۳۸۹، ص. ۲۷۰). به‌دلیل استفاده نامناسب از این امر، ما نیز در این مقاله معناداری را می‌آوریم، ولی اساس کار ما بر معناداری آزمون‌ها قرار ندارد.
۲. ما برای استدلال خود مبنی بر پایین بودن تقلید از مراجع در شهرستان‌های سنی‌نشین، میزان داشتن مرجع تقلید در برخی از شهرستان‌های سنی‌نشین را در جدول ۶ ارائه می‌کنیم که در حد پایینی است.

جدول ۶- میزان داشتن مراجع تقلید در شهرستان‌های سنی‌نشین										
تربت‌جام	سردشت	پاوه	سرپل زهاب	قروه	مریوان	بانه	سقز	سنندج	چابهار	مهاباد
۵۷,۸	۵۶,۴	۴۶,۵	۴۱,۵	۳۸,۶	۱۶,۸	۱۳,۸	۳۰	۹,۶	۵,۵	۲,۷

جدول ۷- ضریب همبستگی بین شاخص‌های دین‌داری و مشارکت انتخاباتی و آرای باطله در دوازدهمین دوره ریاست جمهوری (۱۳۹۶)

شاخص دین‌داری	مشارکت انتخاباتی ۹۶	آرای باطله
اقامه نماز	۰/۰۵۶	-۰/۱۱۶*
روزه گرفتن	۰/۰۶۳	-۰/۰۹۳
شرکت در نماز جماعت	۰/۰۴۶	-۰/۲۰۳**
شرکت در نماز جمعه	۰/۰۲۲	-۰/۰۹۵*
پرداخت خمس	۰/۰۱۷	-۰/۱۰۶*
دین‌داری فردی	۰/۰۶۳	-۰/۱۰۹*
دین‌داری جمعی	۰/۰۳۵	-۰/۱۵۵**
*معنادار در سطح ۰/۰۵ **معنادار در سطح ۰/۰۱		

رابطه خیلی ناچیزی بین شاخص‌های دین‌داری و مشارکت انتخاباتی وجود دارد. روزه گرفتن، اقامه نماز و شرکت در نماز جماعت نسبت به دو شاخص شرکت در نماز جمعه و پرداخت خمس تأثیر بیشتری در مشارکت انتخاباتی دارند، ولی تأثیر همگی آن‌ها ناچیز است و نمی‌توان بر رابطه بین آن‌ها حکم داد تأثیر کاهنده سه شاخص دین‌داری یعنی اقامه نماز، شرکت در نماز جماعت و پرداخت خمس بر میزان آرای باطله نشان می‌دهد که این شاخص‌ها در انتخابات ریاست جمهوری نسبت به دو شاخص شرکت در نماز جمعه و روزه گرفتن تأثیر بیشتری دارند.

ما با استفاده از تجمیع و ترکیب دو مؤلفه میزان اقامه نماز و میزان روزه گرفتن و دو گویه شرکت در نماز جمعه و جماعت، دو متغیر تصنعی به ترتیب دین‌داری فردی و جمعی را ایجاد کردیم. جدول ۷ رابطه این دو با مشارکت انتخاباتی و آرای باطله را نمایش می‌دهد. ضرایب نشان می‌دهد که دین‌داری چه در شکل فردی و چه در شکل جمعی تأثیر مهمی بر مشارکت انتخاباتی ندارد. همبستگی معکوس دین‌داری جمعی و دین‌داری فردی با آرای باطله نشان می‌دهد که با افزایش دین‌داری در هر دو صورت آن، آرای باطله کاهش می‌یابد.

در ادامه با انجام تحلیل چند متغیره (تحلیل رگرسیون) درصدد بررسی تأثیر شاخص‌های دین‌داری بر مشارکت انتخاباتی هستیم تا نشان دهیم که چه عوامل و متغیرهای در تحلیل و مدل رگرسیون باقی می‌مانند. با انجام تحلیل رگرسیون مشخص شد، ضریب رگرسیون چندگانه نشانگر تأثیر میزان داشتن مرجع تقلید بر میزان مشارکت انتخاباتی در سال ۱۳۹۶ است. جدول ۸ نتایج تحلیل رگرسیون را نشان می‌دهد. معادله زیر در رابطه با میزان مشارکت انتخاباتی برای سال ۱۳۹۶ بیان می‌شود:

$$\text{میزان مشارکت انتخاباتی } ۱۳۹۶ = ۰/۱۰۸ + ۷۳,۱۷ (\text{داشتن مرجع تقلید})$$

جدول ۸- رگرسیون میزان مشارکت انتخاباتی بر داشتن مرجع تقلید

متغیر	میزان مشارکت انتخاباتی							Beta
	R	R2	Adjusted R Square	F	Sig	Constant	B	
میزان داشتن مرجع تقلید	۰,۱۰۸	۰,۰۱۲	۰,۰۰۹	۴,۳۷	۰,۰۰۰	۷۳,۱۷۴	۰,۱۰۵	۰,۱۰۸

در این معادله، رقم ۷۳,۱۷ نشانگر عرض از مبدأ (Constant) است؛ یعنی اینکه بدون لحاظ کردن تأثیر میزان داشتن مرجع تقلید بر میزان مشارکت انتخاباتی، این مقدار مشارکت انتخاباتی وجود داشته است و به‌ازای یک واحد افزایش در میزان داشتن مرجع تقلید ۰,۱۰۸ واحد بر میزان مشارکت انتخاباتی افزوده می‌شود.

۳.۴. ناهمنوایی اجتماعی و مشارکت انتخاباتی

یکی از ابعاد دین‌داری که در تحلیل محققان به‌عنوان دین‌داری پیامدی بررسی شده است، برخورد با ناهمنوایی اجتماعی است.^۱ دین‌داری با تأثیرگذاری بر شکل‌گیری هنجارهای

۱. نوریس و اینگلهارت (۲۰۰۴) در کتاب مقدس و عرفی با فرض این امر که نهادهای مذهبی به‌طور سنتی نگرش‌های پررنگی نسبت به زندگی و مرگ دارند و مواردی از قبیل قتل از روی ترحم، خودکشی و سقط‌جنین را طرد (نوریس و اینگلهارت، ۲۰۰۴، ص. ۱۷۳) و همچنین درباره مواردی از قبیل طلاق، روسپی‌گری و هم‌جنس‌گرایی دیدگاه سخت و

خاص درباره ناهمنوایی اجتماعی (بدحجابی خانم‌ها، معاشرت و دوستی غیرشرعی دختر و پسر، تماشای موسیقی همراه با رقص زنان (شو) و شرکت در مهمانی و جشن‌های مختلط) می‌تواند بر مشارکت و ترجیح انتخاباتی تأثیر بگذارد. جدول ۹ روابط بین برخورد با ناهمنوایی اجتماعی و میزان مشارکت انتخاباتی و آرای باطله را در دوازدهمین دوره ریاست جمهوری نشان می‌دهد. رابطه مستقیم و ناچیزی بین برخورد با ناهمنوایی اجتماعی^۱ و مشارکت انتخاباتی وجود دارد. همچنین همبستگی معکوسی بین برخورد با ناهمنوایی اجتماعی و میزان آرای باطله وجود دارد که با افزایش میزان سختگیری در نحوه برخورد با ناهمنوایی اجتماعی میزان آرای باطله کاهش می‌یابد.

تعصب‌آمیزی دارند (نورس و اینگلهارت، ۲۰۰۴، ص. ۲۲۴)، تساهل، مدارا و تعصب به این موارد را به‌عنوان پیامد دین‌داری طرح می‌کنند.

۱. با انجام تحلیل عاملی از گویه‌های چهارگانه فوق یک عامل استخراج شد و آلفای کرونباخ این پنج گویه ۰/۹۲۵ است که نشان می‌دهد می‌توان این گویه‌ها را به یک متغیر فروکاست. وزن عاملی آن‌ها به‌قرار زیر است:

جدول ۹- تحلیل عاملی گویه‌های ناهمنوایی اجتماعی		
گویه‌ها	وزن عاملی	عامل استخراج‌شده
بدحجابی خانم‌ها	۰,۸۹۶	ناهمنوایی اجتماعی
معاشرت و دوستی غیرشرعی دختر و پسر	۰,۹۳۱	
تماشای موسیقی همراه با رقص زنان (شو)	۰,۹۳۹	
شرکت در مهمانی و جشن‌های مختلط	۰,۸۶۸	

جدول ۱۰- ضریب همبستگی مرتبه صفر نحوه برخورد با ناهمنوایی اجتماعی با مشارکت انتخاباتی و آرای

باطله در دوازدهمین دوره ریاست جمهوری

نحوه برخورد با ناهمنوایی اجتماعی	مشارکت انتخاباتی ۹۶	آرای باطله
بدحجابی خانم‌ها	۰/۰۶۰	-۰/۲۴۹**
معاشرت و دوستی غیرشرعی دختر و پسر	۰/۰۶۱	-۰/۲۵۵**
تماشای موسیقی همراه با رقص زنان (شو)	۰/۰۲۴	-۰/۲۷۱**
شرکت در مهمانی و جشن‌های مختلط	۰/۰۳۶	-۰/۳۵۱**
ناهمنوایی اجتماعی	۰/۰۴۸	-۰/۳۱۳**
*معنادار در سطح ۰/۰۵ **معنادار در سطح ۰/۰۱		

درنهایت تحلیل رگرسیونی نشان داد برخورد با ناهمنوایی‌ها در معادله رگرسیون تأثیری بر مشارکت انتخاباتی ندارد؛ بنابراین می‌توان ادعا کنیم که دین‌داری از طریق ناهمنوایی اجتماعی بر مشارکت انتخاباتی تأثیری ندارد، اما این سخن به معنای تأثیرنداشتن دین‌داری بر آرای باطله نیست. شاخص‌های دین‌داری، بیشتر از آنکه در مشارکت انتخاباتی مؤثر باشند، در میزان آرای باطله تأثیر دارند.

۴.۴. عضویت در اجتماعات مذهبی و مشارکت انتخاباتی

در بررسی روابط بین متغیرهای ذکرشده در بالا، قبل از انجام تحلیل رگرسیون ضروری است با استفاده از تحلیل همبستگی رابطه بین دین‌داری و عضویت در انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمان‌ها را رصد کنیم. شایان ذکر است که دین‌داری در کل به‌طور عام و دین‌داری فردی به‌صورت خاص تأثیر مسدودکننده بر عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها دارد و تنها دین‌داری جمعی (شرکت در نماز جمعه و جماعت) عضویت در انجمن‌های اسلامی، هیئت‌های مذهبی، فعالیت در پایگاه بسیج، کانون‌های فرهنگی هنری و شورایاری‌ها و گروه‌های محله‌ای را تقویت می‌کند؛ به عبارت دیگر، تأثیر دین‌داری فردی بر عضویت در انجمن‌ها،

گروه‌ها و سازمان‌ها اثر انسدادی و دین‌داری جمعی تنها بر برخی از عضویت‌ها (انجمن‌های اسلامی، هیئت‌های مذهبی، پایگاه بسیج، کانون‌های فرهنگی هنری و شورایی‌ها و گروه‌های محله‌ای) اثر بازکنندگی و اتساعی دارد. جدول ۱۱ ضرایب همبستگی بین شاخص‌های دین‌داری و مشارکت و عضویت در انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمان‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱- ضریب همبستگی بین شاخص‌های دین‌داری و عضویت در انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمان‌ها

مشارکت انتخاباتی	آرای باطله	دین‌داری فردی	دین‌داری جمعی	باور به حضور	داشتن مرجع تقلید	
۰/۱۸۴**	۰/۰۳۵	-۰/۱۹۵**	۰/۰۴۵	-۰/۲۱۹**	-۰/۱۴۶**	انجمن‌های زیست‌محیطی
۰/۱۳۳**	۰/۰۱۵	-۰/۰۱۹	۰/۰۲۰	-۰/۲۰۲**	-۰/۰۵۲	مؤسسات خیریه
۰/۱۹۷**	۰/۰۳۹	-۰/۲۰۱**	۰/۰۱۵	-۰/۲۶۲**	-۰/۱۹۱**	انجمن‌های هنری و ادبی
۰/۱۹۱**	۰/۰۶۴	-۰/۲۲۸**	-۰/۰۱۴	-۰/۳۰۴**	-۰/۱۷۵**	باشگاه‌های ورزشی و تفریحی
۰/۲۳۳**	۰/۰۱۲	-۰/۲۴۱**	-۰/۰۵۴	-۰/۲۲۱**	-۰/۱۳۲**	اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنّف، و حرفه‌ای
۰/۱۶۵**	-	-۰/۰۰۳	-۰/۲۵۲**	-۰/۱۶۷**	-۰/۰۳۸	انجمن‌های اسلامی
۰/۱۸۹**	-۰/۰۱۹	-۰/۱۹۹**	۰/۰۴۳	-۰/۲۹۰**	-۰/۱۵۳**	تشکل‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی
۰/۱۰۵*	۰/۰۴۵	-۰/۱۳۳**	۰/۰۱۴	-۰/۲۳۷**	-۰/۱۷۵**	انجمن‌های علمی
۰/۲۵۹**	-	-۰/۰۶۲	-۰/۱۴۳**	-۰/۰۶۲	۰/۱۰۴*	هیئت‌های مذهبی هفتگی یا ماهانه
۰/۲۴۳**	-	۰/۰۵۳	۰/۲۶۳**	-۰/۱۳۴**	۰/۰۷۶	فعالیت در پایگاه بسیج
۰/۲۲۰**	-۰/۰۸۲	-۰/۰۱۲	۰/۱۵۰**	-۰/۲۵۷**	-۰/۰۹۵	کانون‌های فرهنگی هنری
۰/۱۲۲*	۰/۰۲۱	-۰/۱۲۸**	۰/۰۲۱	-۰/۲۷۳**	-۰/۱۷۹**	خانه‌های فرهنگ و فرهنگسرا

مشارکت انتخاباتی	آرای باطله	دین‌داری فردی	دین‌داری جمعی	باور به حضور	داشتن مرجع تقلید	
۰/۱۶۷**	-۰/۰۴۴	-۰/۱۹۴**	۰/۱۳۴**	-۰/۱۷۳**	-۰/۱۸۴**	شورایاری‌ها و گروه‌های محله‌ای
۰/۲۰۳**	۰/۱۴۹**	-۰/۲۲۱**	-۰/۱۵۴**	-۰/۲۳۵**	-۰/۲۲۰**	صندوق‌های قرض‌الحسنه دوستی یا خانوادگی
۰/۱۳۸**	۰/۰۹۷*	-۰/۱۳۸**	۰/۰۵۹	-۰/۲۰۰**	-۰/۱۴۹**	سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)
*معنادار در سطح ۰/۰۵ **معنادار در سطح ۰/۰۱						

با انجام تحلیل عاملی، از میان ۱۵ مورد ذکرشده در جدول ۱۱ (به‌جز دو مورد که در ادامه توضیح می‌دهیم) دو عامل استخراج شد که می‌توان آن‌ها را با عنوان کلی عضویت در اجتماعات مذهبی^۱ (۴ مورد: اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای، هیئت‌های مذهبی، پایگاه بسیج و انجمن‌های اسلامی) و غیرمذهبی (سایر ۹ مورد) نام نهاد. دو مورد تشکل‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی و صندوق‌های قرض‌الحسنه دوستی یا خانوادگی روی هیچ‌یک

۱. شایان ذکر است که با ملاحظه برای تأثیر مستقیم چهار معرف فوق با مشارکت انتخاباتی و جهت‌گیری مذهبی اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای، مجاز به تجمع آن‌ها در یک عامل هستیم. تجمع معرف‌های زیر در یک عامل با توجه به آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی انجام شد. ضریب آلفای کرونباخ برای چهار معرف عضویت در اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای، انجمن‌های اسلامی، هیئت‌های مذهبی هفتگی یا ماهانه و فعالیت در پایگاه بسیج، ۰/۷۶۲ است. با تحلیل عاملی از بین گویه‌ها، یک عامل استخراج شد که نام آن را عضویت در اجتماعات مذهبی نامیدم. بار هر معرف روی عامل به قرار زیر است.

جدول ۱۲- تحلیل عاملی گویه‌های ناهمنوایی اجتماعی		
گویه‌ها (معرف‌ها)	بار عاملی	آلفای کرونباخ
اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای	۰/۷۱۰	۰/۷۶۳
انجمن‌های اسلامی	۰/۸۳۶	
هیئت‌های مذهبی هفتگی یا ماهانه	۰/۸۱۸	
فعالیت در پایگاه بسیج	۰/۸۳۹	

از عامل‌ها بار نشد. بررسی تحلیل رگرسیون مشارکت انتخاباتی نشان داد که از میان شاخص‌های دین‌داری (اقامه نماز، روزه گرفتن، شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه و پرداخت خمس، باور به حضور خداوند، داشتن مرجع تقلید، نحوه برخورد با ناهمنوایی‌های اجتماعی و عضویت در اجتماعات مذهبی)، تنها دو شاخص عضویت در اجتماعات مذهبی و باور به حضور خداوند در معادله رگرسیون باقی ماندند. معادله به‌قرار زیر است:

$$\text{(باور به } 0.102 + \text{ (عضویت در اجتماعات مذهبی) } 0.262 + 75.54 = \text{میزان مشارکت انتخاباتی حضور خداوند)}$$

برای انجام تحلیل مسیر، ضروری است که جایگاه متغیرها در مورد وابسته و مستقل بودن آن‌ها بار دیگر تعریف شود. با وابسته بودن مشارکت انتخاباتی، ضرایب بتاها به دست آمد. سپس متغیری را که بیشترین بتا (β) را داشت (عضویت در اجتماعات مذهبی)، به عنوان متغیر وابسته انتخاب کردیم و این کار را برای متغیر دیگری که بتای (β) زیاد داشت؛ یعنی باور به حضور خداوند نیز انجام دادیم که در نهایت، مسیرهای زیر به دست آمد.

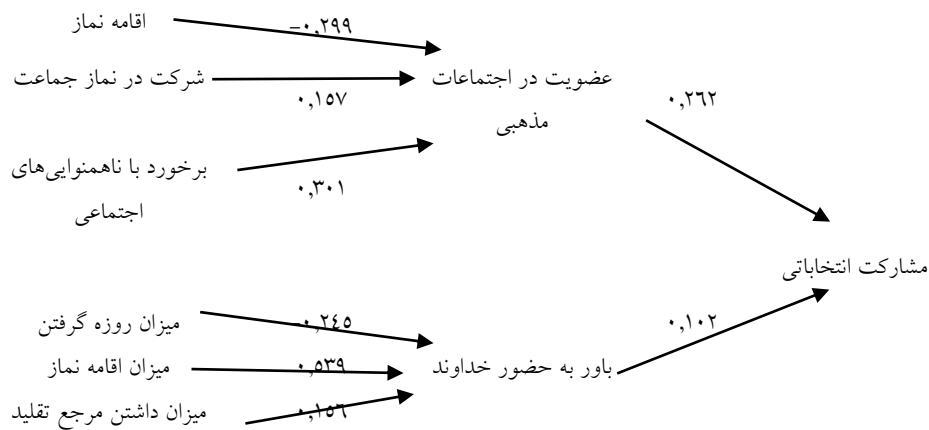
$$\text{(شرکت در نماز جماعت)} 0.157 + \text{(اقامه نماز)} 0.301 + 66.12 = \text{عضویت در اجتماعات مذهبی}$$

$$0.299 - \text{(برخورد با ناهمنوایی‌های)}$$

$$\text{(داشتن مرجع تقلید)} 0.186 + \text{(اقامه نماز)} 0.539 + 0.245 - 81.94 = \text{باور به حضور خداوند}$$

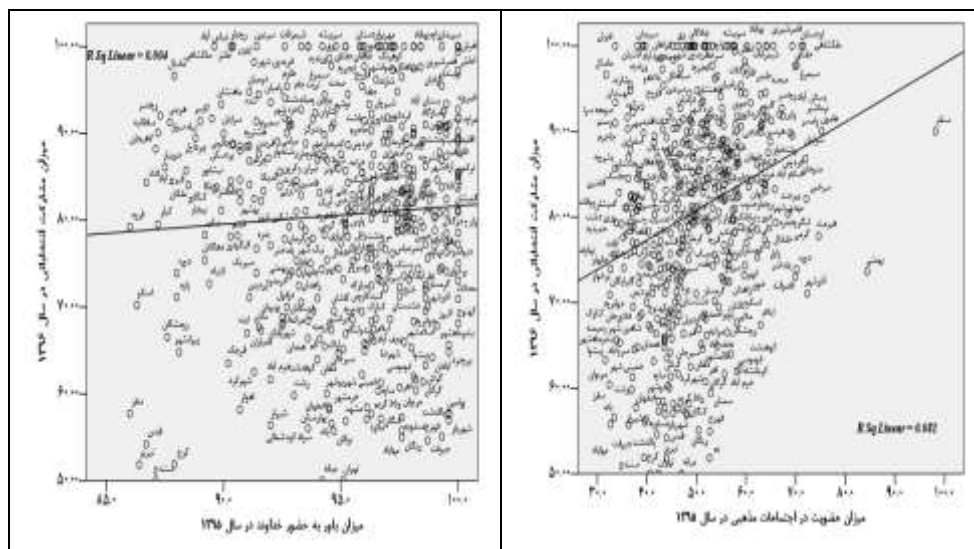
$$\text{(گرفتن روزه)}$$

بنابراین با توجه به تحلیل‌های یک متغیره و دو متغیره می‌توانیم مدل تحلیل مسیر زیر را برای مشارکت انتخاباتی ترسیم کنیم.



شکل ۱- تحلیل مسیر تأثیرگذاری عوامل بر مشارکت انتخاباتی

مدل نشان می‌دهد که تأثیر غیرمستقیم شاخص‌های دین‌داری بر مشارکت انتخاباتی آن‌قدر نیست که بخواهیم در این زمینه فرضیه نبود رابطه بین این دو را رد کنیم؛ به عبارت دیگر، با احتساب تأثیرگذاری عضویت در اجتماعات مذهبی با ضریب ۰/۲۶۲ و شاخص باور به حضور خداوند بر مشارکت انتخاباتی با ضریب همبستگی ۰/۱۰۲، در مجموع با تأثیر $0/364 * 0/102 * 0/262$ می‌شود که در حد متوسط است. ذکرشدنی است که تأثیر غیرمستقیم شاخص‌های دین‌داری بر مشارکت انتخاباتی در حد بسیار ناچیز است که می‌توان آن را نادیده بگیریم. در مجموع می‌توان گفت، دین‌داری تأثیر مستقیم بر مشارکت انتخاباتی ندارد و تنها باور به حضور خداوند و میزان عضویت در اجتماعات مذهبی (در مدل نهایی باقی ماندند) در حد بسیار کمی بر مشارکت دینی تأثیر دارند. شکل ۲ رابطه بین میزان عضویت در اجتماعات مذهبی و میزان باور به خداوند و مشارکت انتخاباتی در سال ۱۳۹۶ را روشن‌تر نشان می‌دهد.



شکل ۲- ترسیم توزیعی میزان عضویت در اجتماعات مذهبی و میزان باور با خداوند و مشارکت انتخاباتی در سال ۱۳۹۶

۵. بحث و بررسی

نتایج به دست آمده از تحلیل‌ها نشان می‌دهد دین‌داری تأثیر مستقیم، مهم و اساسی بر مشارکت انتخاباتی در سطح شهرستان ندارد. این نتایج با یافته‌های پژوهش معمار^۱ متضاد و متباین است. ما معتقدیم که یافته ما وثاقت بیشتری در مقایسه با تحقیق معمار دارد. برای این امر ضروری است تا ضمن معرفی نتایج تحقیق معمار، آسیب‌های تحقیق وی را نشان دهیم. معمار مدعی است صرف‌نظر از نوع مذهب، میزان دینی بودن شهرستان‌ها به‌تنهایی و به نحو معناداری نزدیک به ۴۰ درصد از واریانس میزان مشارکت انتخاباتی آن‌ها را توضیح می‌دهد.

۱. شایان ذکر است نتایج به دست آمده تحقیق با نتایج تحقیقات سراج‌زاده (۱۳۶۸)، رضی (۱۳۸۰) و حیدرآبادی و صالح‌آبادی (۱۳۹۹) ناسازگار است. با توجه به اینکه سطح تحلیل رضی و حیدرآبادی و صالح‌آبادی استان و سطح تحلیل ما شهرستان است، از تحلیل و بررسی بیشتر آن دو پرهیز می‌کنیم. تحقیق سراج‌زاده با عطف به اینکه در سطح شهرستان است، ولی به دلیل محدودبودن شهرستان‌های بررسی شده (۸۰ شهرستان)، قدیمی‌بودن (انتخابات قبل از ۱۳۶۳) و در دسترس نبودن داده‌های آن، قابل نقد و بررسی بیشتر نیست.

که حاکی از نقش و تأثیر نسبتاً قدرتمند آن در تبیین این فرایند سیاسی مهم است (معمار، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۸). این ادعا در مقاله معمار ارائه شده است که مستخرج از رساله دکترای وی است.^۱ وی در رساله و کتاب (رساله منتشر شده) خویش ضریب مسیر $0/228$ را گزارش و در مقاله ضریب دیگری را که برابر با 40% درصد^۲ از واریانس است، ارائه می‌دهد. محقق برای اینکه تأثیر دین‌داری بر مشارکت انتخاباتی را بزرگ‌نمایی کند، رقم $0/375$ را به $0/40$ تبدیل و از کلمه نسبتاً قدرتمند استفاده کرده است؛ درحالی‌که در اصل تحقیق (رساله) و کتاب، دین‌داری تأثیر قدرتمندی بر مشارکت انتخاباتی ندارد (معمار، ۱۳۸۸، ص. ۲۸۳؛ معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۹۴).^۳ معمار در رساله و کتاب خویش تأثیر دین‌داری را به‌عنوان متغیر تعدیلگر نیز به کار برده و مدعی است که تأثیر حجم طبقه متوسط (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۸۱) و شهرنشینی (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۸۸) منوط به دینی‌بودن جامعه است. با بازخوانی نتایج پژوهش معمار، می‌توان به شاخص‌سازی و اندازه‌گیری شاخص دینی‌بودن جامعه و مشارکت انتخاباتی وی نقدهای وارد کرد که اعتبار و روایی اندازه‌گیری تحقیق وی را مخدوش می‌کند. باوجود چنین نقدی نکات دیگری نیز وجود دارد که اعتبار و روایی داده‌های وی را در مظان شک و شبهه قرار می‌دهد که عبارت‌اند از:

۱. وی در رساله خویش که در سال ۱۳۹۱ در قالب کتاب منتشر شد مدعی است: دریافتیم که میزان دینی‌بودن، صرف‌نظر از نوع مذهب، تأثیر مستقیم و معناداری در میزان رأی‌دهی شهرستان‌ها دارد (با ضریب مسیر $= 0/228$)؛ البته مقدار این ضریب، نشان می‌دهد که برخلاف تصور رایج و انتظار اولیه، میزان دینی‌بودن شهرستان‌ها در مقطع مطالعه‌شده، تأثیر قدرتمندی بر میزان مشارکت انتخاباتی آن‌ها ندارد؛ به‌ویژه اگر مقدار این ضریب را با ضریب تأثیر بازتوزیع منابع، مقایسه کنیم (با ضریب مسیر $= 0/469$)، به این استنباط می‌رسیم که در مقطع مطالعه‌شده، اعمال عدالت توزیعی و اقدام برای رفع فقر و فلاکت، بیش از دو برابر عامل دینی‌بودن، در میزان مشارکت انتخاباتی شهرستان‌ها، تأثیر تقویت‌کننده داشته است (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۹۴).

۲. این 40% درصد محتمل است همان ضریب همبستگی پیرسون (R یا r) باشد که برابر یا $0/375$ است (معمار، ۱۳۹۱، صص ۲۷۴، ۲۷۵ و ۲۵۹؛ معمار، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۸).

۳. عین جمله رساله و کتاب وی است. شایان ذکر است که در مقاله (۱۳۹۶) اثری از تحلیل مسیر و رقم $0/228$ نیست.

اوصاف و خصوصیات که وی برای دینی بودن جامعه در نظر می گیرد، بیشتر جنبه عینی، مکانی و ساختاری (در معنای عامیانه) و به زبان مؤلف ساختاری و نهادی (معمار، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۵) دارد که پیوند متناظر و وثیقی با دین داری افراد ندارد. نسبت اماکن زیارتی، مناسبتی و عبادتی به جمعیت شهرستان، به عنوان شاخصی دیگری برای سنجش بعد شعاعی دینی، همگی اموری مکانی هستند که خارج از افراد حضور دارند. این ابعاد و معرف ها شاید در دین داری فرد تأثیرگذار باشند، اما کمتر جنبه ذهنیت و دین داری افراد جامعه را می سنجند. میزان اوقاف و هزینه کرد سالانه مذهبی نیز برای سنجش مشارکت دینی بیشتر جنبه اقتصادی و امنیتی دارد تا صرفاً دینی (معمار، ۱۳۹، صص. ۲۱۵-۲۲۰).

نحوه سنجش دینی بودن جامعه از سوی معمار با ملاحظه مشکلات خاص خود، مورد اجماع محققان نیست و با توجه به این نکته که معمار اعتبار و روایی آن را ارائه نداده است، می تواند اعتبار داده های کتاب و مقاله را به مرز نیستی فروبرد. محقق برای سنجش سازه مرتبه دوم اعمال دینی سازه های استاندارد شده مشارکت دینی و شعائر دینی را با یکدیگر ترکیب می کند و در نهایت نیز سازه مرتبه سوم، میزان دینی بودن جامعه را با استفاده از ترکیب سازه های استاندارد شده اعلام دین و اعمال دین اندازه گیری می کند (معمار، ۱۳۹۰، صص. ۲۱۶-۲۱۷). محقق مشخص که اولاً نحوه ترکیب آن ها چگونه است؛ هرچند به صورت مصداقی درباره یزد و مشهد توضیحاتی ارائه می دهد (معمار، ۱۳۹۰، ۲۴۱)، ولی رفع ابهام نمی کند؛ ثانیاً مشخص نیست که ترکیب آن ها به لحاظ فنی روش تحقق، آیا درست/کارا و یا نادرست/ناکاراست؟

داده های تحقیق معمار در سطح سیستمی ارائه شده است و شاخص های استفاده شده توسط وی برای یک دوره ۱۶ ساله (۱۳۶۸-۱۳۸۴) (معمار، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۳) است که بعد زمانی را در بر نمی گیرد. فرض اساسی محقق این است که دینی بودن شهرستان ها در طول زمان ۱۶ ساله یکسان است؛ امری که پذیرش آن سخت و دشوار است. دلایل انتخاب دوره های پنجم (۱۳۶۸)، هفتم (۱۳۷۶) و نهم (۱۳۸۴) دوره های انتخابات ریاست جمهوری

(معمار، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۴) نیز مستدل و مشخص نیست که چرا محقق این سه دوره را انتخاب کرده و آن‌ها را با هم تجمیع و دوره‌های ششم و هشتم را حذف می‌کند. با توجه به تأثیرگذاری دوره به‌عنوان عامل مؤثر و مستقل^۱ (متغیر جدید)، تجمیع داده‌ها و حذف برخی از دوره‌های انتخاباتی مستدل نیست؛ بنابراین تجمیع دوره‌های انتخاباتی با هم باید براساس معیار و استدلالی معقول انجام گیرد. علاوه بر تأثیر دوره انتخاباتی بر میزان مشارکت انتخاباتی، ما مدعی هستیم که رابطه بین مؤلفه‌های دین‌داری و میزان مشارکت انتخاباتی برحسب قومی‌بودن، مرزی‌بودن و دوره‌های انتخاباتی متفاوت است. لازم به ذکر است رابطه دین‌داری با مشارکت انتخاباتی برحسب این عوامل (مرزی‌بودن و دارای ترکیب قومی، دوره‌ها و استان‌ها) متفاوت است؛ به‌عنوان نمونه رابطه میزان شرکت در نماز جماعت و میزان مشارکت انتخاباتی در استان‌های مرزی معکوس و در استان‌های غیرمرزی مستقیم است. رابطه بین دین‌داری و مشارکت انتخاباتی برحسب دوره انتخابات نیز تغییر می‌کند. در دوره هشتم ریاست جمهوری (سال ۱۳۸۰) رابطه مستقیمی بین میزان شرکت در نماز جمعه و مشارکت انتخاباتی وجود دارد؛ درحالی‌که در دوره دهم ریاست جمهوری (سال ۱۳۸۸) رابطه معکوس بین آن‌ها و در دوره یازدهم ریاست جمهوری چنین رابطه‌ای وجود ندارد (حیدرآبادی و صالح‌آبادی، ۱۳۹۹، ص. ۲۴۸)؛ بنابراین اگر تحلیل ما در سطح استانی پذیرفته شود، بنای تجمیع دوره‌های پنجم (۱۳۶۸)، هفتم (۱۳۷۶) و نهم (۱۳۸۴) سست می‌شود و بر این اساس اعتبار نتایج در مرز شک و تردید قرار می‌گیرد. ذکر این نکته اهمیت دارد که شاخص‌سازی به‌عنوان گام اساسی در علم و روش تحقیق حاوی مزایای زیادی است که به ذکر اهمیت و ضرورت آن نیاز نیست، اما این فن دارای آسیب‌ها و معایبی است که از

۱. حیدرآبادی و صالح‌آبادی (۱۳۹۹) در سطح استانی، با تحلیل عاملی دوره‌های دوازده‌گانه انتخابات ریاست جمهوری، نشان می‌دهند که دوره‌های هشتم تا دوازدهم انتخابات ریاست جمهوری روی یک عامل و دوره‌های اول تا هفتم روی عامل دیگر بار می‌شوند. در این تحلیل، رابطه معکوسی بین دوره‌ها و میزان مشارکت انتخاباتی در برخی از استان‌ها وجود دارد و با افزایش دوره‌ها، مشارکت انتخاباتی کاهش می‌یابد (حیدرآبادی و صالح‌آبادی، ۱۳۹۹، ص. ۲۴۷).

تجمع داده‌ها و اطلاعات به دست می‌آید. شاخص‌سازی که برای کمی کردن کیفیت‌ها استفاده می‌شود، موجب می‌شود که پدیده‌ها به اعداد تقلیل یابند و در طی فرایند تبدیل و تبدل مقداری از داده‌ها از بین برود. سازه ترکیبی که از تجمع داده‌ها به وسیله تکنیک‌های تحلیل عاملی، تاکسونومی (Taxonomy) و ... به دست می‌آید، موجب دفن داده‌ها در چاله‌های تحلیلی می‌شود. از این منظر، تجمع داده‌های ۱۶ ساله در یک شاخص، این نتیجه ناموجه (از جانب نگارنده فعلی مقاله) را به بار آورده است.^۱

بخشی از علل نتایج متفاوت تحقیق معمار به دلیل ماهیت تورشی و کجی بودن (Bias)^۲ مورد‌های مطالعه‌شده (نمونه‌ها) است. به نظر ما، در تحلیل و بررسی ایشان شهرستان‌هایی انتخاب و تحلیل شده‌اند که در بیشتر آن‌ها، دین‌داری رابطه مستقیمی با میزان مشارکت انتخاباتی دارد. تحلیل‌ها نشان می‌دهند که رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در ۲۲۵ شهرستان مستقیم و در ۲۰۱ شهرستان معکوس است. در عبارت آماری، ۵۲/۸ درصد شهرستان‌ها دارای رابطه مستقیم و ۴۷/۲ درصد دارای رابطه معکوس هستند؛ درحالی‌که در تحلیل معمار، در ۵۹/۸ درصد شهرستان‌ها رابطه دینی‌بودن و مشارکت انتخاباتی مستقیم

۱. برای نشان دادن آسیب این‌گونه تجمع، می‌توانیم با مثال فرضی بی‌اعتباری آن را نشان دهیم. اگر بین متغیر x_1 و y ضریب همبستگی ۰/۶۰ در سطح ۰/۰۰۰ معنادار باشد و همچنین ضریب همبستگی معناداری بین x_2 و y ، ۰/۶۰ باشد، ضریب همبستگی بین x (که از تجمع x_1 و x_2 حاصل می‌گردد) و y هرچه باشد، کاذب است. در تفسیر این امر که رابطه کاذب کدام است، می‌توان کاذب‌بودن را بر سازه ترکیبی و تجمعی حمل کرد؛ زیرا داده‌های مربوط به x_1 و x_2 مطابق با واقعیت است، ولی داده تجمعی ساختگی است. کاذب‌بودن همبستگی در پرتو عقلانیتی استنباط می‌شود، نه به صرف ساختگی بودن سازه‌ای.

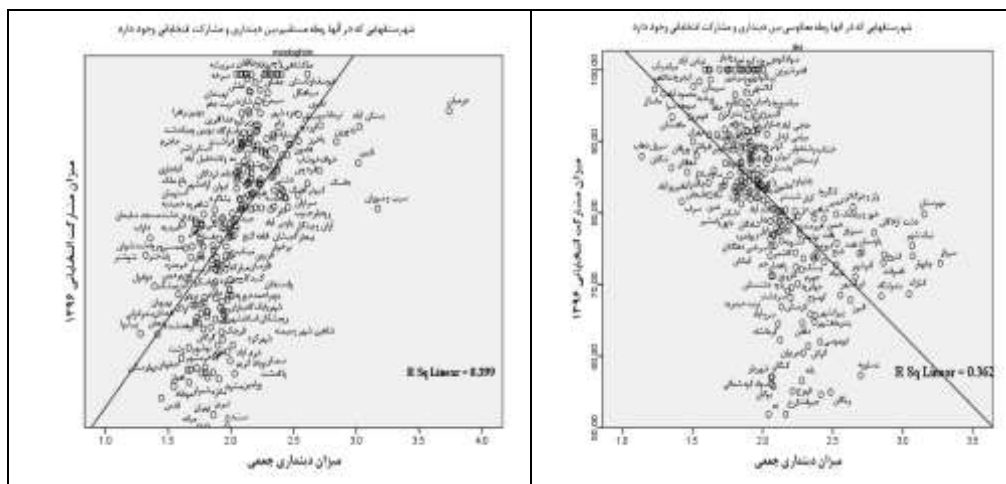
۲. محقق مدعی است که مطالعه وی با هدف پرهیز از تورش نمونه‌ای و افزایش قابلیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها، به جای نمونه‌ها، با جمعیت‌ها سروکار دارد تا موارد بررسی‌شده را بیشینه کند؛ بنابراین جامعه آماری تحقیق، همه شهرستان‌های موجود کشور در سال ۱۳۶۸ است که تعداد آن‌ها ۱۸۹ شهرستان است (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۵)؛ بنابراین موارد مطالعه‌شده وی تمام‌شماری و بدون نمونه‌گیری است (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۲۶۵). محقق همچنین مدعی است مطالعه شهرستان‌ها در یک بازه زمانی و معدل‌گیری از خصایص شهرستان در کل دوره زمانی، می‌تواند تا حدود زیادی تضمین کند که اعوجاج ناشی از تغییر محدوده نواحی مختلف، به حداقل برسد (معمار، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۶).

(۱۱۳ شهرستان از ۱۸۹ شهرستان) و در ۴۰/۲ درصد رابطه فوق، معکوس است (۷۶ شهرستان‌ها از ۱۸۹ شهرستان). در تحقیق معمار، اگر ۱۰۰ شهرستان با رابطه مستقیم و ۸۹ شهرستان با رابطه معکوس، انتخاب و تحلیل می‌شدند، جامعه بررسی شده ایشان دارای کجی و تورش نمی‌شد؛ به عبارت دیگر، در تور پژوهش معمار شهرستان‌های افتاده‌اند که بیشتر آن‌ها دارای رابطه مستقیم بین رأی‌دهی و دینی‌بودن جامعه است. شایان توجه است که این آسیب بر محقق وارد نیست؛ زیرا محقق تمام‌شماری انجام داده است.

جدول ۱۳- توزیع شهرستان‌های کشور برحسب نوع رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی

تحقیق معماری		تحقیق کنونی		نوع رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی
تعداد شهرستان	درصد	تعداد شهرستان	درصد	
۱۱۳	۵۹٫۸	۲۲۵	۵۲٫۸	رابطه مستقیم (مثبت)
۷۶	۴۰٫۲	۲۰۱	۴۷٫۲	رابطه معکوس (منفی)
۱۸۹	۱۰۰	۴۲۶	۱۰۰	جمع

اگر بخواهیم مطالب خود را به صورت تصویری نمایش دهیم، شکل ۳ ارائه می‌شود؛ بر این مبنا شهرستان‌های کشور برحسب نوع رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی به دو نوع شهرستان تقسیم می‌شوند: ۱. شهرستان‌هایی که در آن‌ها بین دین‌داری و مشارکت انتخاباتی رابطه مستقیم وجود دارد و ۲. شهرستان‌های که در آن‌ها بین دین‌داری و مشارکت انتخاباتی رابطه معکوس وجود دارد. براساس این تعریف، شهرستان‌های تحقیق‌شده توسط معمار بیشتر از نمودار چپ انتخاب شده‌اند تا نمودار سمت راست (نکته جالب این‌که بیشتر مراکز استان‌ها و شهرستان‌های بزرگ در پایین نمودار سمت چپ دیده می‌شوند (دین‌داری جمعی پایین و مشارکت انتخاباتی پایین)؛ از قبیل تهران، مشهد، تبریز، شیراز، اهواز، رشت، سنج، اصفهان، سمنان، بوشهر، گرگان، خرم‌آباد، زنجان، همدان، قم، اراک، ایلام، بویراحمد و...).



شکل ۳- ترسیم توزیعی رابطه بین مشارکت انتخاباتی و دین‌داری بین شهرستان‌های که در آنها رابطه مستقیم و معکوسی وجود دارد

براساس آسیب‌های وارد بر تحلیل معمار، معتقدیم که دین‌داری تأثیر مهم و اساسی بر مشارکت انتخاباتی ندارد، اما این سخن به معنای تأثیر نداشتن دین‌داری بر نتایج انتخابات و ترجیح انتخاباتی نیست. شاخص‌های دین‌داری، همچنان که جدول ۱۴ نشان می‌دهد، بیشتر از آنکه در مشارکت انتخاباتی مؤثر باشند، در ترجیح انتخاباتی تأثیر دارند.

جدول ۱۴- ضریب همبستگی بین شاخص‌های دین‌داری و میزان آرای نامزدهای انتخاباتی (۱۳۹۶)

شاخص دین‌داری	هاشمی‌طبا	میرسلیم	رئسی	روحانی
داشتن مرجع تقلید	-۰/۰۷۳	-۰/۰۷۳	-۰/۳۱۱**	-۰/۲۹۸**
اقامه نماز	-۰/۰۸۶	-۰/۰۸۶	۰/۲۶۰**	-۰/۲۵۹**
روزه‌گرفتن	-۰/۰۸۰	-۰/۰۸۰	۰/۲۱۲**	-۰/۲۱۰**
شرکت در نماز جماعت	-۰/۲۶۲**	-۰/۲۶۲**	-۰/۰۶۸	-۰/۰۵۷
شرکت در نماز جمعه	-۰/۳۵۱**	-۰/۳۵۱**	-۰/۰۹۳	۰/۱۰۲*

شاخص دین‌داری	هاشمی‌طبا	میرسلیم	رئیزی	روحانی
پرداخت خمس	-۰/۱۳۶**	-۰/۱۳۶**	-۰/۰۸۴	۰/۰۹۶*
دین‌داری فردی	-۰/۰۸۷	-۰/۰۸۴	۰/۲۴۷**	-۰/۲۴۵**
دین‌داری جمعی	-۰/۳۱۸**	-۰/۳۱۸**	-۰/۰۱۴	۰/۰۲۴
*معنادار در سطح ۰/۰۵ **معنادار در سطح ۰/۰۱				

ضریب همبستگی مرتبه صفر بین داشتن مرجع تقلید و میزان آرای رئیسی مستقیم و در حد متوسط است و با افزایش افراد دارای مرجع تقلید در شهرستان‌های کشور میزان آرای رئیسی افزایش می‌یابد. رابطه بین داشتن مرجع تقلید و میزان آرای روحانی معکوس و در حد متوسط است و با افزایش افراد دارای مرجع تقلید در شهرستان‌های کشور میزان آرای روحانی کاهش می‌یابد.

رابطه معکوسی بین میزان نمازخواندن و روزه‌گرفتن و میزان آرای روحانی وجود دارد و با افزایش میزان اقامه‌نماز و روزه‌گرفتن در سطح شهرستان‌های کشور از میزان آرای روحانی کاسته می‌شود. همچنین رابطه مستقیم بین میزان نمازخواندن و روزه‌گرفتن و میزان آرای رئیسی وجود دارد و با افزایش اقامه‌نماز و روزه‌گرفتن در سطح شهرستان‌های کشور بر آرای رئیسی افزوده می‌شود. تأثیر کاهنده سه شاخص دین‌داری یعنی شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه و پرداخت خمس بر آرای دو نامزد کم رأی (هاشمی‌طبا و میرسلیم) نشان می‌دهد که این شاخص‌ها (شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه و پرداخت خمس) در انتخابات ریاست جمهوری نسبت به دو شاخص اقامه‌نماز و روزه‌گرفتن تأثیر کمتری دارند. شایان توجه است که دو نامزد میرسلیم و هاشمی‌طبا در مقایسه با روحانی و رئیسی نامزدهای غیرمطرح در انتخابات ریاست جمهوری بودند و این دو نامزد تنها دو

درصد آرای ریاست جمهوری را کسب کردند. بیشترین آرای (۵۷ درصد) ریاست جمهوری به روحانی و ۳۸ درصد به رئیسی متعلق بود.

تأثیر افزایشی و ناچیز دو شاخص دین‌داری یعنی شرکت در نماز جمعه و پرداخت خمس بر آرای روحانی نیز نشان می‌دهد که این دو شاخص برخلاف دو شاخص اصلی دین‌داری یعنی میزان نمازخواندن و روزه‌گرفتن (هر دو با تأثیر کاهنده و در حد متوسط) تأثیر مثبتی بر آرای روحانی دارند که نشانگر پیچیدگی تأثیرات و اثرات متباین شاخص‌های دین‌داری بر ترجیح انتخاباتی است. ضرایب نشان می‌دهد که دین‌داری چه در شکل فردی و چه در شکل جمعی تأثیر مهمی بر ترجیح انتخاباتی دارد. دین‌داری فردی همبستگی بیشتری با آرای رئیسی (همبستگی مستقیم و در حد متوسط) و روحانی (همبستگی معکوس و در حد متوسط) دارد تا دین‌داری جمعی. نکته درخور توجه این است که همبستگی دین‌داری جمعی با آرای رئیسی و روحانی در جهت متباینی با دین‌داری فردی است.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت نهاد دین و نظام سیاسی دینی در ایران و بررسی‌نشدن و تبیین‌نشدن مشارکت انتخاباتی در سطح سیستمی به‌وسیله دین در ایران به‌وسیله محققان، اعوجاجات نظری مربوط به دین در جامعه (سکولاریسم) و اغتشاشات تجربی درباره تأثیر دین و دین‌داری بر رأی‌دهی در متون غالب خارجی و کمبود مطالعات مشخص و موثق درباره دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در داخل ایران، این مطالعه رابطه دین‌داری و مشارکت انتخاباتی را در شهرستان‌های ایران بررسی می‌کند. در این زمینه، مقاله با نقد یافته‌های سه تحقیق سراج‌زاده (۱۳۶۸)، رضی (۱۳۷۴) و معمار (۱۳۹۱) پژوهش‌های انجام‌گرفته در سطح سیستمیک و مطابق با سطح مقاله) نشان داد که نتایج این پژوهش‌ها در برابر نقدها وارد شده آسیب‌پذیر هستند. باوجود چنین آسیب‌هایی می‌توان نتایج تحقیق معمار و رضی را حفظ کرد و نقدها را به سمت‌وسویی منتقل کرد که هسته اصلی پژوهش (تأثیر نسبتاً

قدرتمند دین‌داری بر مشارکت انتخاباتی) حفظ شود و چنین بنویسیم که تأثیر دین‌داری بر مشارکت انتخاباتی نسبتاً قدرتمند است (معمار، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۸)، ولی این تأثیر فقط و فقط در همین تحقیق و با همین تعداد نمونه و با همین ترکیب و با همین نوع از سنجش دین‌داری و مشارکت انتخاباتی و... جاری و ساری است. این‌گونه توجیهات، نشانه‌ای از خارج‌سازی قرائن متناقض از حوزه تحقیق است تا پژوهشگر بتواند تحقیق و نتایج آن را در هر شکلی تأیید کند. در این مهم، مهم‌ترین وظیفه محقق آن است مبطلات بالقوه و بالفعل تحقیق را به نحوی از انحاء توضیح یا توجیه کند. از نظر روشی، این‌گونه توجیهات، اصلاحات موضعی، دورانی، برای خود یا تبصره‌ای^۱ (Ad Hoc) است که یکی از انواع شناخته‌شده تبیین‌های بی‌اعتبار (رجب‌زاده، ۱۳۷۶، ص. ۶۷) است که بدترین شیوه برای دفاع و نجات یک تحقیق است.

تحقیقات پیشین به این نتیجه رسیده بودند که نوع مذهب هم در سطح شهرستان (معمار، ۱۳۸۹، ۱۳۹۱، ۱۳۹۶) و هم در سطح استان (رضی، ۱۳۷۴، ۱۳۸۰) بر مشارکت انتخاباتی تأثیر دارد؛ امری که در بدو امر به نظر می‌رسد معتبر باشد، اما با تعمیق بیشتر و کنترل دو متغیر هم‌پوش با نوع مذهب (مرزی‌بودن و قومی‌بودن)، تحقیق نشان داد که تأثیر نوع مذهب بر مشارکت انتخاباتی تحت تأثیر قومی‌بودن شهرستان قرار دارد و این قومی‌بودن شهرستان است که موجب افزایش و کاهش میزان مشارکت انتخاباتی است، نه نوع مذهب؛ به عبارت روشن‌تر، آنچه موجب تفاوت در میزان آرا می‌شود، قومی‌بودن و غیرقومی‌بودن شهرستان‌ها است، نه سنی و شیعه بودن شهرستان. تحقیق همچنین نشان داد که دین‌داری تأثیر مهم و

۱. سعید زیباکلام در کتاب چستی علم این اصطلاح را به تبصره‌ای ترجمه نموده است. برخی از دانشمندان جرح و تعدیل نظریه را با اضافه کردن تبصره‌هایی بر آن رد می‌کنند و چنین اصلاح و توجیهی را اصلاح موضعی یا تبصره‌ای می‌نامند (چارلمرز، ۱۳۷۴: ۱۸). به این‌گونه تبیین‌ها (تبیین یا استدلال Ad Hoc) که پوپر به آن اشاره می‌کند؛ استدلال دورانی یا دایره‌ای هم می‌گویند (رفیع‌پور، ۱۳۶۰: ۱۱۸). ما این مفهوم را که برای نظریه و تبیین به‌کار می‌رود؛ به‌کل تحقیق و پژوهش تعمیم دادیم. اساس چنین تعمیمی بجا و درست است.

اساسی بر مشارکت انتخاباتی ندارد، اما این سخن به معنای تأثیر نداشتن دین‌داری بر نتایج انتخابات و ترجیح انتخاباتی نیست. شاخص‌های دین‌داری، بیشتر از آنکه بر مشارکت انتخاباتی مؤثر باشند، بر ترجیح انتخاباتی تأثیر دارند. از منظر نظریه‌ها، دین از طریق اجتماع‌سازی (عضویت در اجتماعات مذهبی) و جنگ‌های فرهنگی، نظریه شکاف‌ها و نظریه قومی-مذهبی بر ترجیح انتخاباتی، نه مشارکت انتخاباتی اثر می‌گذارد.

کتاب‌نامه

۱. امام‌جمعه‌زاده، س. ج.، رهبر قاضی، م. ر.، برزگر قاضی، ک. و صادقی‌نقدعلی، ز. (۱۳۹۲). بررسی رابطه میان دین‌داری و رفتار انتخاباتی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تبریز). *فصلنامه علمی پژوهشی قدرت نرم*، ۸ (۳)، ۲۷-۴۴.
۲. اینگلهارت، ر. (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی* (م. وتر، مترجم). تهران: کویر.
۳. اینگلهارت، ر.؛ ولزل، ک. (۱۳۸۹). *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی* (ی. احمدی، مترجم). تهران: کویر.
۴. چالمرز، آ. ف. (۱۳۷۴). *چیستی علم: درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی* (س. زیباکلام، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. حیدرآبادی، ا. و صالح‌آبادی، ا. (۱۳۹۹). دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در ایران (مطالعه موردی انتخابات ریاست‌جمهوری سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹). *دو فصلنامه علم دین و ارتباطات*، ۲۷، ۲۶۶-۲۲۹.
۶. دارابی، ع. (۱۳۸۸). *رفتار انتخاباتی در ایران: الگوها و نظریه‌ها*. تهران: انتشارات سروش.
۷. دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری دانشگاه تهران (۱۳۹۶). *پیمایش ملی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران* (۳۱ جلد). تهران: ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۸. رابرتسون، ی. (۱۳۷۲). *درآمدی بر جامعه* (ح. بهروان، مترجم). مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

۹. رجب‌زاده، ا. (۱۳۷۶). نقد روشی یک تحقیق، نمایه پژوهش، ۲، ۶۶-۷۸.
۱۰. رضوانی، م. (۱۳۸۶). تحلیل رفتار انتخاباتی: (مورد شناسی انتخابات نهم ریاست جمهوری). مجله معرفت، ۱۲۳، ۱۴۹-۱۶۶.
۱۱. رضی، د. (۱۳۷۴). بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
۱۲. رضی، د. (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از انقلاب. مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ۳۷ و ۳۸، ۱۹۳-۲۳۶.
۱۳. رفیع‌پور، ف. (۱۳۶۰). کندوکاوها و پنداشته‌ها: مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۴. رهبر قاضی، م.ر.، امام‌جمعه‌زاده، س.ج.، نوربخش، س.، و خاکی، م. (۱۳۹۵). بررسی رابطه دین‌داری با دو نوع فرهنگ سیاسی مشارکتی و دموکراتیک، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۷۱(۱۹)، ۱۴۱-۱۶۵.
۱۵. ریاحی، م.ا.، علیوردی‌نیا، ا.، و بنی‌اسدی، م.ر. (۱۳۸۷). بررسی اثرات دین‌داری و جهت‌گیری دینی بر سلامت روان دانشجویان دانشگاه مازندران، دو فصلنامه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۵ (۲)، ۵۱-۹۰.
۱۶. زارع، ب.، و روهنده، م. (۱۳۹۵). پژوهشی در باب دین‌داری و مشارکت سیاسی (مورد مطالعه: شهروندان شهر کرج). پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۸، ۲۳-۴۶.
۱۷. سراج‌زاده، س.ح. (۱۳۶۸). بررسی میزان شرکت مردم در انتخابات بعد از انقلاب در شهرستان‌های کشور و رابطه آن با برخی از متغیرهای اجتماعی (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
۱۸. سرداری، ع.ا. (۱۳۹۱). تحلیل میزان مشارکت انتخاباتی در انتخابات ریاست جمهوری ایران (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
۱۹. سیدامامی، ک. (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۶ (۲)، ۳۳-۵۲.

۲۰. سیدامامی، ک.، و عبدالله، ع. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس: مطالعه موردی شهر تهران، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، ۴ (۴)، ۱۰۹ - ۱۴۶.
۲۱. سیدامامی، ک.، و مددلو، ر. (۱۳۹۴). دلایل مشارکت در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری: مطالعه موردی رأی‌دهندگان شهر خوی، *جستارهای سیاسی معاصر*، *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۳ (۶)، ۲۷ - ۴۹.
۲۲. طالبان، م.ر.، و میرزائی، م. (۱۳۸۹). بررسی تجربی ارتباط سطوح دین‌داری با رفتار انتخاباتی دانشجویان، *دانشنامه علوم اجتماعی*، ۴ (۱)، ۳۳-۶۷.
۲۳. کتابی، م.، گنجی، م.، احمدی، ی.، و معصومی، ر. (۱۳۸۳). دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی. *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، ۲ (۱۷)، ۱۶۹ - ۱۹۲.
۲۴. کشاورز، ز.س.، یزدخواستی، ب.، و ربانی خوراسگانی، ع. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر دین‌داری بر گرایش به رفتار انتخاباتی شهروندان اصفهانی با تأکید بر نظام مردم‌سالاری دینیو جامعه‌شناسی کاربردی، ۲ (۲۶)، ۱۷-۴۰.
۲۵. معمار، ر.ا. (۱۳۸۸). تبیین جامعه‌شناختی مشارکت انتخاباتی: بررسی تطبیقی میزان رأی‌دهی بین شهرستان‌های ایران، (رساله منتشر نشده دکتری). دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
۲۶. معمار، ر.ا. (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۷. معمار، ر.ا. (۱۳۹۶). پژوهشی جامعه‌شناختی درباره تأثیر دینی بودن و نوع مذهب بر مشارکت سیاسی در ایران: یک تحلیل کلان نگر. *دوفصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۹ (۴)، ۲۵۳-۲۸۳.
۲۸. میرزائی، م. (۱۳۸۸). *بررسی رابطه دین‌داری و رفتار انتخاباتی (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد)*. دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
۲۹. میرزائی، م. (۱۳۹۲). *دین‌داری و رفتار انتخاباتی (مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی دین و جامعه‌شناسی سیاسی)*، تهران: سبز رایان گستر.
۳۰. نوریس، پ.، و اینگلهارت، ر. (۱۳۸۷). *مقدس و عرفی، دین و سیاست در جهان: کندوکاوی در جوامع مذهبی و غیرمذهبی جهان* (م. وتر، مترجم). تهران: کویر.

31. Norris, P., & Inglehart, R. (2004), *Sacred and secular: Politics and religion worldwide*. Cambridge: Cambridge University Press.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

شناسایی مؤلفه‌ها و سنجش روابط ابعاد دانش کارآفرینی در تعاونی‌های بزرگ‌مقیاس

عبدالرضا کریم‌پور ملک‌شاه (دانشجوی دکتری کارآفرینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، مازندران، ایران)

akmalakshah@gmail.com

مریم تقوایی یزدی (دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، مازندران، ایران، نویسنده

مسئول)

m_taghvaeeyazdi@yahoo.com

فاطمه هاشم نژاد آبرسی (استادیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، مازندران، ایران)

hashemzade_f@yahoo.com

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، ارائه الگوی شکل‌گیری دانش کارآفرینی در تعاونی‌های بزرگ‌مقیاس است. در این پژوهش، با بررسی ادبیات موضوعی مرتبط با مفاهیم دانش و کارآفرینی، ابعاد و مؤلفه‌های دانش کارآفرینی استخراج و جمع‌بندی شد و سپس با استفاده از نظرهای خبرگان و متخصصان تعاونی کشور، این ابعاد و مؤلفه‌ها در تعاونی‌های بزرگ‌مقیاس تعیین شد و در مرحله بعد با استفاده از روش دیمتل روابط بین ابعاد و مؤلفه‌های الگو با توجه به نظرهای خبرگان، تعیین و شبکه روابط به‌صورتی یکپارچه صورت‌بندی، طراحی و در قالب مدلی ارائه شد که بیانگر شدت اثر ابعاد و مؤلفه‌ها بر هم است. براساس یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش، الگوی شکل‌گیری دانش کارآفرینی در تعاونی‌های بزرگ‌مقیاس دارای چهار بعد ویژگی‌های فردی، زیرساخت‌ها و سازمان، محیط و حمایت است. همچنین برای سنجش اثرگذاری و اثرپذیری ابعاد بر هم به کمک روش دیمتل مشخص شد که علت‌ها شامل ویژگی‌های فردی و زیرساخت‌ها و سازمان است و معلول‌ها شامل محیط و حمایت می‌شوند.

مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۳۳۹-۳۷۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۷ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

کلیدواژه‌ها: دانش کارآفرینی، تعاونی‌های بزرگ‌مقیاس و روش دیمتل.

۱. مقدمه

با ظهور و پیشرفت سریع در فناوری و پدیده جهانی شدن، جهان به دهکده‌ای جهانی تبدیل شده است که مشخصه آن رشد انفجاری تجارت و رقابت بین‌المللی است. بخشی از اقتصاد جهانی بودن، چالش‌های بی‌شماری را برای سازمان‌ها و صنایع در سراسر جهان به وجود آورده است. از یک طرف، بقا، همگام‌شدن با پیشرفت‌ها و رهبری در دنیای امروزه سخت و درعین حال این امر دری از فرصت‌های مختلف، جدید و کشف‌نشده را به روی سازمان‌ها باز می‌کند (ون دن بوش، ولبردا و دی بوئر^۱، ۱۹۹۹). کارآفرینی که یکی از قوی‌ترین نیروهای اقتصادی شناخته‌شده برای بشر است به افراد این قدرت را می‌دهد تا جایی که در آن مشکلات حل‌شدنی دارند، به دنبال فرصتی برای استفاده از آن باشند. کارآفرینی نماد سرسختی و موفقیت کسب‌وکار و منبع حیاتی تحول در همه ابعاد جامعه است. کارآفرینان با هوش ذاتی، هدایت و سخت‌کوشی خود، بهترین استفاده را از فرصت‌های موجود برای سازمان‌ها کرده‌اند آن‌ها از نظر تاریخی مسیر اقتصاد ملی، صنایع یا بازارها را تغییر داده‌اند. آن‌ها سازمان‌ها را توسعه داده‌اند، محصولات جدید معرفی شده‌اند و باعث ظهور فناوری‌های جدید در بازارها بوده‌اند. بسیاری از کارآفرینان با نوآوری‌هایشان جامعه را تغییر داده‌اند؛ جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم و از نتایج آن لذت می‌بریم. در کنار آن، فعالیت‌های کارآفرینی در همه بخش‌های دولتی، خصوصی و تعاونی برای رشد اقتصادی و توسعه ملی بسیار مهم هستند (فاضل، المومن، منصوری و ابیر^۲، ۲۰۱۹). توجه به کارآفرینی و شکل‌گیری و توسعه آن، گام مهم و روبه‌جلویی در جهت ایجاد فضای مناسب برای افزایش منابع ملی، کاهش نرخ بیکاری، تعادل ساختاری و توسعه شهرها و روستاها خواهد بود. امروزه، در بازارهای پرتقاضا، کارآفرینان راه‌هایی را هدایت می‌کنند که اغلب از

1. Van den Bosch, Volberda and De Boer

2. Fazal, Al Mamun, Mansori & Abir

دانش برای اتصال فناوری‌های موجود و جدید استفاده می‌کنند. کارآفرینان موفق پیوسته قابلیت‌ها، مهارت‌ها و فنون خود را گسترش می‌دهند و به‌منظور بقا و نوآوری در فرصت‌های کارآفرینی جدید در صنایع خود، دانش خود را به‌روز و توسعه می‌دهند. براساس برخی از پژوهش‌ها، کارآفرینان اغلب در مراحل اولیه رشد خود فاقد مهارت‌ها و دانش خاص هستند؛ با وجود این همچنان می‌توانند موفق شوند. رشد کسب‌وکار در این مرحله به دلیل دید، پایداری، شبکه‌سازی، نگرش مثبت به ایده کارآفرینی و توانایی حل مسئله آن‌ها تضمین شده است (لاسن^۱، ۲۰۰۷). کارآفرینان طی آموزش رسمی خود مهارت استفاده از دانش در فرایند کارآفرینی را کسب نمی‌کنند؛ بلکه حین کار، مهارت‌های عملی مختلفی را با هدف درک موقعیت‌ها و مشکلات تجاری فرا می‌گیرند. کارآفرین موفق به‌طور مداوم سیستم کسب دانش را با دید خود تکمیل می‌کند؛ بنابراین کارآفرینان دانش خود را با هم ترکیب می‌کنند، آن را گسترش می‌دهند و ایده‌های نوآورانه را ایجاد می‌کنند (موزینا و کواچ^۲، ۲۰۰۶). این ویژگی در کارآفرینان سبب می‌شود تا به‌صورت مستمر دانش خود را متناسب با دوره‌های مختلف شرکت توسعه دهند (هارتونو و حلیم^۳، ۲۰۱۴). زمانی که یک شرکت جدید راه‌اندازی شد و یک کسب‌وکار جدید آغاز شد، زمان عمدتاً صرف مسائل مربوط به تولید محصول می‌شود. از دیدگاه تولید محصول، یک کارآفرین معمولی عمدتاً تحصیل کرده است، اما فاقد مهارت‌ها و دانش خاصی درباره بازار، بازاریابی، امور مالی و مدیریت منابع انسانی است. محدودیت‌های دانش از یک سو و باور به توانایی حل همه مشکلات اغلب نشان‌دهنده مانع اصلی در مسیر موفقیت است. ویژگی دیگر این است که کارآفرینان معمولی به‌ندرت می‌دانند که کدام مهارت‌ها را ندارند و چه دانشی را باید برای مدیریت موفق شرکت‌هایشان بیابند (تاجینکار^۴، ۲۰۰۰).

1. Lassen

2. Mozina and Kovac

3. Hartono & Halim

4. Tajnikar

دانش، عاملی است که کارآفرینان می‌توانند به واسطه آن خود را از رقبا متمایز کنند و به این وسیله محیط کسب و کار با سازمان‌دهی ضعیف را به خوبی سازمان‌دهی کنند (امرزل، آنتونسیچ و روزیر^۱، ۲۰۱۱). کارآفرینانی که دانش بیشتری دارند، به اثربخشی خود اطمینان بیشتری دارند و سریع‌تر قادر خواهند بود تغییرات بازار را یاد بگیرند و به آن‌ها توجه کنند. نقش آن‌ها در اقتصاد همچنان برای تقویت عملکرد اقتصادی با توجه به شرایط حال حاضر اقتصادی، حیاتی است (روزیر، انتوسیچ و کانچنیک^۲، ۲۰۰۶)؛ بنابراین مهم است که کارآفرینان از اهمیت بهبود دانش خود و دلیل نیاز به آن آگاه باشند. کسب دانش فرایندی خاص برای کارآفرینان است. آن‌ها معمولاً از بهترین چیزها یاد می‌گیرند. می‌توان گفت که هیچ محدودیتی برای دانش کارآفرینی^۳ وجود ندارد. با ترکیب ابزارها، فناوری‌ها، منابع و فرصت‌های جدید کارآفرینان می‌توانند به طور مداوم ارزش افزوده جدیدی خلق کنند (امرزل، آنتونسیچ و روزیر، ۲۰۱۱). اهمیت انجام این پژوهش در این است که از یک سو مجموعه شرایط و مقتضیات جامعه امروز ما و از سوی دیگر، برنامه‌ها و اهداف مشترکی که بین دو مقوله «دانش کارآفرینی» و «تعاون» وجود دارد، ضرورت ارتباط راهبردی این دو مقوله اساسی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند؛ به عبارتی از یک سو اهداف مشترک مهمی از قبیل افزایش اشتغال مولد، توسعه اقتصادی، افزایش رقابت در اقتصاد و توسعه کارایی بازار، کمک به افزایش صادرات، دستیابی به توسعه منطقه‌ای، کاهش انحصار و تمرکززدایی و افزایش مشارکت بخش غیردولتی در اقتصاد کشور بین «کارآفرینی» و «تعاون» وجود دارد و از سوی دیگر، مزایای نسبی که هرکدام از این مقوله‌ها دارند می‌تواند هم‌افزایی عظیمی را در راه دستیابی به اهداف مشترک به وجود آورد. یافته‌های این پژوهش کمک می‌کند تا درباره دانش کارآفرینی‌های بزرگ مقیاس شناخت بهتری پیدا شود؛ بنابراین سؤال اصلی این پژوهش، چگونگی الگوی شکل‌گیری دانش کارآفرینی در تعاونی‌های بزرگ مقیاس با استفاده

1. Omerzel, Antončič & Ruzzier

2. Ruzzier, Antončič & Konečnik

3. Entrepreneurial Knowledge

از روش دیمتل^۱ است. چرایی استفاده از روش دیمتل این است که دیمتل روشی بسیار مفید برای تحلیل روابط علت و معلولی با قابلیت ارائه معیارهای کمی است. همچنین دیمتل قادر است به طور مؤثر ساختار یک نقشه روابط را با روابط متقابل واضح بین زیرمعیارها برای هر معیار بسازد. همچنین از آن می‌توان برای ایجاد نمودارهای علی استفاده کرد که بتوان رابطه علی و معلولی زیرسیستم‌ها را تجسم کرد (بویوکوزان و کیفیکی^۲، ۲۰۱۱).

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. دانش کارآفرینی

امروزه دانش به یکی از موضوعات اصلی در میان اقتصاددانان و سیاستمداران تبدیل شده است؛ زیرا همان‌طور که متکالف^۳ (۲۰۰۴) اشاره کرد، همه اقتصادها مبتنی بر دانش هستند و نمی‌توانند غیر از این باشند. دانش اقتصادی، نیروی اقتصادی غالب در دنیای امروز است و بسیاری از سیاست‌های اقتصادی و دیگر سیاست‌ها در ارتباط با آن به وجود آمده‌اند. اقتصاددانان نوکلاسیک به نمایندگی از آلفرد مارشال و لیون والراس، تمایل دارند دانش را با دانش یا اطلاعات مدون برابر کنند (نوناکا^۴، ۲۰۰۵). فردریک فون هایک، یکی از اقتصاددانان برجسته اتریشی، هنگامی که مسئله نظم اقتصادی منطقی را توضیح می‌دهد، دانش را به عنوان کلید ایده خود استخراج کرد. او تأکید کرده است که دانش علمی مجموع تمام دانش نیست؛ یعنی برای درک تعادل همان‌طور که در نظریه سستی تصور می‌شود، باید انطباق حقایق واقعی عینی اقتصاد و دانش ذهنی موضوعات انسانی وجود داشته باشد.

شومپتر^۵، اقتصاددان اتریشی، سعی کرد در مقاله اولیه خود، مفهوم کارآفرینان را در مجموعه اقتصاد نوکلاسیک و سیستم والراسی^۶ بیان کند. وی معتقد بود که به نظریه تغییر اقتصادی نیاز است؛ زیرا تفکر تعادل عمومی والراسی تنها می‌تواند «فرایند ساکن» را توضیح دهد؛ به عنوان مثال، جریان

1. Decision Making Trial and Evaluation (DEMATEL)

2. Büyüközkan & Çifçi

3. Metcalfe

4. Nonaka

5. Schumpeter

6. Walrasian System

چرخشی منابع در یک سیستم اقتصادی موجود را توضیح دهد؛ باین حال، شومپیتر از این ایده به عنوان نقطه شروع تجزیه و تحلیل پویا استفاده کرد. همان طور که نشان می دهد، چگونه یک اقتصاد سرمایه داری در غیاب آنچه به عنوان ضروری ترین ویژگی خود می بیند رفتار خواهد کرد که وی نام آن را تکامل مداوم نامید. به گفته شومپیتر، نیروی اصلی که تغییر ساختاری را به ارمغان می آورد، «طوفان دائمی تخریب خلاق» است (شومپیتر، ۱۹۷۲، صص. ۸۴-۸۳). این فرایند به امواج فعالیت نوآورانه اشاره دارد که در زمان های مختلف به سیستم اقتصادی ضربه می زند و به تخریب ساختار اقتصادی قدیمی و ایجاد ساختار جدید منجر می شود؛ بنابراین شومپیتر (۱۹۳۴) اشاره کرد که نوآوری نتیجه تصمیم گیری منطقی نیست؛ بلکه یک فرایند پیشگام خلاقانه است که با عدم قطعیت محیطی، تخیل شخصی و انتظارات مشخص می شود. از آنجا که کارآفرینان به جای اختراع، «اولین شروع کنندگان» هستند، موقعیتی است که آن ها را به قدرت انحصاری موقتی با پتانسیل مرتبط برای سود انحصاری بزرگ تبدیل می کند؛ در نتیجه، «دانش» به عنوان یک اصطلاح کلیدی در برخی از دلایل اقتصادی مهم به نظر می رسد. برخی از اقتصاددانان، مانند هایک و شومپیتر، بر دانش و ایجاد تفکر اصلی خود درباره تغییر اقتصادی تمرکز می کنند. یکی از ایده های کلیدی نوآوری است که به معنی ترکیب جدیدی از منابع موجود از جمله دانش است. این فکر در آن زمان دست کم گرفته شد، اما در میان اقتصاددانانی که به نظریه تکاملی و توسعه اقتصادی علاقه مند بودند، تأثیرگذار بود. بعدها نوآوری، فعالیت کارآفرینی، تخریب خلاق و دانش به اصطلاحات محوری در اقتصاد تبدیل شدند.

توسعه تکنولوژیک فعال شده توسط علوم مدرن، توسعه را از صنعتی شدن به خدمات صنعتی و اقتصاد دانش فراصنعتی آورد (بل^۱، ۱۹۷۴؛ تورن^۲، ۱۹۷۱). از آنجا که با توجه به تحقیقات مانویل کاستلز (۱۹۹۶، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱، ۲۰۰۴)، شبکه های جهانی اقتصادی و اطلاعاتی شرایط جدیدی دارند، پیشنهاد می شود که این جامعه را جامعه شبکه ای بنامیم. در جامعه امروز، توانایی کار دانش برای شناسایی، یادگیری و استفاده از دانش جدید مربوط به پروژه خاص در دسترس، و همچنین مربوط

1. Bell

2. Touraine

به خصوصی‌سازی از اهمیت اساسی برخوردار است (سنگس^۱، ۲۰۰۷). براساس دیدگاه مبتنی بر دانش، می‌توان دانش را در قلب چشم‌انداز مبتنی بر منابع کسب‌وکار یافت که همه مسائل مربوط به دانش اختصاصی است و به‌عنوان مزیت رقابتی شناخته می‌شود؛ به این دلیل که تقلید دانش دشوار است و همین عامل باعث تمایز شرکت‌ها می‌شود. هنگامی که برای شرکت‌ها فضای رقابتی جهانی‌تر می‌شود، دانش به‌عنوان منبع مزیت رقابتی تلقی شده و به یکی از اصلی‌ترین منابع تبدیل می‌شود. توسعه شرکت عمدتاً تحت‌تأثیر کارآفرینی است که به نوبه خود دانش کارآفرینان را بسیار مهم جلوه می‌کند. دانش به‌عنوان یک منبع بر توانمندسازی سازمان برای کارآفرینی در هنگام جست‌وجو فرصت‌ها تأثیر می‌گذارد و همچنین کارآفرینان با دانش بیشتر می‌توانند سریع‌تر یاد بگیرند و متوجه تغییرات در بازار شوند (امرزل، آنتونسیچ و روزیر، ۲۰۱۱). با توجه به نقش کارآفرینی در گرایش افراد به کسب دانش می‌توان بیان کرد که گرایش به دانش کارآفرینی تابع دو عامل است: اول، نگرش در زمینه رفتار است که نشان‌دهنده درجه ارزیابی فرد از مطلوب بودن یا مطلوب نبودن میزان دانش در خود فرد است؛ دوم، هنجار ذهنی افراد از باورهایی که برای فرد مهم است، تشکیل می‌شود و فرد فکر می‌کند چه عملی را باید یا نباید انجام دهد. بر پایه مدل فیش بین و ایزن^۲ (۱۹۷۵)، هنجارهای ذهنی و نگرش افراد در زمینه رفتار، پیش‌بینی‌کننده گرایش‌های رفتاری هستند و توانایی آنان برای پیش‌بینی رفتار در اساس به شدت ارتباط بین گرایش فرد به رفتار و انجام رفتار بستگی دارد؛ بر این اساس، رابطه‌ای نزدیک بین کارآفرینی و کسب دانش و به‌طور همسان وجود دارد.

بنابراین دانش کارآفرینی به‌عنوان مفاهیم، مهارت‌ها و ذهنیت مورد نیاز مالک کسب‌وکار توصیف می‌شود (جک، دود و اندرسون^۳، ۲۰۰۸). این دانش شامل چند رشته بین‌رشته‌ای، مهارت‌ها و عوامل فنی است (وی و گو^۴، ۲۰۱۰). پخام اسکوتی، جین، اویجانو و بورمن^۵ (۲۰۱۰) بیان می‌کنند، دانش و

1. Senges

2. Fishbein & Ajzen

3. Jack, Dodd & Anderson

4. Wei & Guo

5. Packham

مهارت‌های کارآفرینی را می‌توان آموزش و توسعه داد (وسپر^۱، ۱۹۸۶). فزال المومن، منصوری و ابیر (۲۰۱۹) نیز بیان می‌کنند که نگرش‌ها و ویژگی‌های شخصیتی مورد نیاز برای کارآفرینی می‌تواند از طریق یادگیری منتقل شود. علاوه بر این، دانش کارآفرینی نقش مهمی در فرایند شکل‌گیری ظرفیت کارآفرینی ایفا می‌کند. در کنار آن سه هدف اصلی برای دانش کارآفرینی وجود دارد: ابتدا باعث ایجاد درک متقابلی از کارآفرینی برای فرد می‌شود؛ دوم یک مجموعه ذهنیت کارآفرینی قوی برای افراد را ایجاد می‌کنند و درنهایت، چگونگی شروع و راه‌اندازی یک کسب‌وکار را برای افراد ترسیم می‌کند (پاخم، اسکوتی، جین، اویجانو و بورمن^۲، ۲۰۱۰).

۲.۲. تعاونی‌های بزرگ‌مقیاس

در طول ادوار تاریخی، تعاون به معنی با هم کار کردن برای انجام یک هدف مشترک بوده است؛ به عبارت دیگر، تعاون اقتضای زندگی اجتماعی است. ماده ۲ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب سال ۱۳۵۰ شرکت تعاونی را چنین تعریف کرده است: «شرکتی است از اشخاص حقیقی یا حقوقی که به‌منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان موافق اصولی که در این قانون مصرح است تشکیل می‌شود».

شرکت‌های تعاونی شرکت‌هایی هستند که تمام یا حداقل ۵۱ درصد از سرمایه به‌وسیله اعضا در اختیار شرکت تعاونی قرار می‌گیرد و وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت و زیر پوشش دولت، بانک‌ها، شهرداری‌ها، شوراهای اسلامی کشوری، بنیاد مستضعفان و سایر نهادهای عمومی می‌توانند برای اجرای بند ۲ اصل ۴۳ از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر از قبیل مشارکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، اجاره، اجاره به شرط تملیک، بیع شرط، فروش اسقاطی و صلح اقدام به کمک در تأمین یا افزایش سرمایه شرکت‌های تعاونی کنند، بدون آن‌که عضو باشند. همچنین شرکت‌های تعاونی با بیش از ۵۰۰ عضو و اتحادیه‌هایی که تعداد اعضای تعاونی‌های عضو آن‌ها در مجموع بیش از ۲۰۰۰ عضو باشد، «تعاونی بزرگ» محسوب می‌شوند.

1. Vesper

2. Packham, Escuti, Ginn, Quijano & Boreman

۳.۲. پیشینه تحقیق

دانش کارآفرینی متفاوت از کارآفرینی اقتصادی «ستی» است که در آن بر تحقق فرصت‌ها به‌منظور بهبود تولید (تحقیق) و بازده دانش (مانند تحول شخصی)، به‌جای به حداکثر رساندن سود مالی تمرکز می‌کند (سنگس، ۲۰۰۷). دانش کارآفرینی توانایی تشخیص یا ایجاد فرصت و اقدام به‌منظور تحقق عمل یا دانش نوآورانه دانش را توصیف می‌کند (تائوک^۱، ۲۰۰۴)؛ بر این اساس، هنینگ و مک‌کاولی^۲ (۲۰۲۰) به بررسی نقش دانش در تحریک کارآفرینی و تحول منطقه‌ای پرداختند. آن‌ها به درک دقیق‌تر چگونگی استفاده از بیان‌های مختلف دانش از جمله علم، روتین‌ها، فناوری، آموزش، طراحی و مهارت در راه‌های تغییر فعالیت‌های تجاری بنگاه‌ها و اقتصاد منطقه‌ای پرداختند. این پژوهش با استفاده از دیدگاه شومپیتر، تکاملی را برای درک کارآفرینی به‌عنوان یک فرایند، پیشنهاد می‌دهد. این پژوهش به این ترتیب درک تئوری و تجربی ما را از روابط بین دانش، کارآفرین فردی و کارآفرینی فرایندی تبیین می‌کند. مک‌دول^۳ (۲۰۱۶) نیز در پژوهشی که به‌منظور بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت کارآفرینان انجام داد، دریافت که بیشتر کارآفرینان تحصیلات دانشگاهی دارند. همچنین دیگر نتایج تحقیق حاکی از این است که موفقیت یک کارآفرین بیش از ویژگی‌های دموگرافیک به عوامل اقتصادی اجتماعی وابسته بوده است. به‌علاوه، مولین و گویت^۴ (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی فرایند به‌کارگیری دانش استفاده‌توسط از سوی کارآفرینان در فرایند توسعه کسب‌وکار و درک چگونگی مشارکت دانش شخص در کارآفرینی پرداختند. تحقیقات نشان می‌دهد که دانش کارآفرینی که بیشتر در مراحل مختلف فرایند کارآفرینی برجسته بوده است، شامل شناسایی فرصت‌ها، رهبری، نحوه ساماندهی و شروع یک تجارت، تدوین استراتژی‌ها، تجاری‌سازی یک مفهوم و دانش صنعت است. این عوامل را می‌توان عوامل اصلی در نظر گرفت که پیامدهای عملی می‌تواند برای مؤسسات و آموزش کارآفرینی داشته باشد.

1. Taewook

2. Henning & McKelvey

3. McDowell

4. Molin & Goitom

درباره ابعاد شکل‌گیری دانش کارآفرینی می‌توان به تحقیقات مک‌دونالد^۱ (۲۰۰۲)، سنگس (۲۰۰۷)، رکساس، کایوکا-پانزیلس و دی ژسوس^۲ (۲۰۰۸)، آلوز، فیشر، ونورتاس و کویرز^۳ (۲۰۱۹) و آپونته و آیوارز^۴ (۲۰۱۷) اشاره کرد. مک‌دونالد (۲۰۰۲) در پژوهش خود به‌عنوان نقطه عزیمت یا «تئوری جهت‌گیری»، مجموعه از عوامل را پیشنهاد می‌دهد که می‌توانند به‌طور مستقیم بر شکل‌گیری دانش کارآفرینی تأثیر بگذارند. از نظر وی، عواملی نظیر یادگیری سازمانی، رهبری، فرهنگ، چشم‌انداز، راهبرد، محیط، ارتباطات، حمایت از پروژه‌های جدید و ریسک‌پذیری عوامل مؤثر بر دانش کارآفرینی هستند که در نهایت به کارآفرینی منجر می‌شود. یین^۵ (۲۰۰۳) در کتاب خود به تشریح مدل تبیین دانش کارآفرینی دانشگاهی براساس مدل مک‌دونالد پرداخت. وی در پژوهش خود از آگاهی محیطی، ارتباطات، فرهنگ سازمانی، ساختار سازمانی، سیستم مدیریتی و فضای مجازی به‌عنوان عوامل اثرگذار بر دانش کارآفرینی نام برد. سنگس (۲۰۰۷) در پژوهش خود درباره شکل‌گیری دانش کارآفرینی، مدلی ارائه کرد که به اساس شکل‌گیری دانش کارآفرینی در افراد اشاره دارد. این مدل به دو بخش فردی (فلسفی) و سازمانی (زیرساختی) اشاره دارد. در ابتدا سازمان به توسعه طرز فکر کارآفرینی دانش نیاز دارد. این مدل در بخش فردی متشکل از چهار بخش است: (۱) منبع کنترل داخلی، (۲) مجموعه‌ای از ارزش‌ها که غایت‌شناسی نهاد فرد را می‌سازند، (۳) عمل‌گرایی تضمین‌کننده تمرکز بر تحقق و یادگیری با انجام بهینه‌سازی است و (۴) اخلاق و پایداری که باید جذب‌کننده مرکزی برای اطمینان از امکان‌پذیر بودن طولانی مدت باشد. جنبه دوم که باید وجود داشته باشد، زیرساخت پشتیبان است. عناصر کلیدی برای دانش کارآفرینی عبارت‌اند از: الف. ساختار نظارتی که اجازه رهبری توزیعی و اهرم برای فرصت‌طلبانه بودن فعالان را می‌دهد، ب. فضای متنوع و گسترده برای فعالیت‌های دانشی و فضاهای غیررسمی که به‌عنوان فراهم‌آوردنده زمینه‌های حاصلخیز برای پدیدارشدن انتخاب می‌شوند، ج. تعریف و نهادینه‌سازی توابع پشتیبانی کارآفرینی و

1. McDonald

2. Roxas, Cayoca-Panizales & de Jesus

3. Alves, Fischer, Vonortas & Queiroz

4. Aponte & Alvarez

5. Yin

در نهایت موضوعات بررسی شده، به صورت سستی در قالب سرمایه انسانی، سیاسی و مالی اولویت بندی شده‌اند.

رکساس، کایوکا-پانیزلس و دی خسوس^۱ (۲۰۰۸) در تبیین مدل خود درباره شکل گیری دانش کارآفرینی بر به کارگیری دو نوع دانش تأکید داشتند که عبارت بودند از: دانش کاربردی محور و دانش مدیریت استراتژیک محور. دانش کارکردگرا شامل فروش، بازاریابی، تولید، مدیریت منابع انسانی و مدیریت مالی بود و دانش مدیریت استراتژیک محور شامل استراتژی و تحلیل رقابتی، مدیریت رشد، اکتشاف و بهره‌برداری فرصت و ارزیابی محیط کسب و کار بود. در پژوهشی دیگر، آلوز، فیشر، ونورتاس و کویرز^۲ (۲۰۱۹) به بررسی پیکربندی زیست بوم‌های کارآفرینی مبتنی بر دانش پرداختند. در این پژوهش به پنج بعد اثرگذار علم و فناوری، سرمایه انسانی، پویایی بازار، پویایی کسب و کار و زیرساخت به عنوان عناصر شکل دهنده زیست بوم کارآفرینی مبتنی بر دانش اشاره کردند. آپونته و آیوارز (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی شرایط چهارچوب کارآفرینی دانشی برای کارآفرینی تعاونی-محور در پورتوریکو پرداختند. این مطالعه اکتشافی نشان داد که متخصصان بخش تعاونی معتقدند که اکثر چهارچوب کارآفرینی‌های موجود به پیشرفت نیاز دارند؛ حتی اگر پورتوریکو چارچوبی جامع برای پشتیبانی و توسعه بخش تعاونی داشته باشد. آن‌ها به عواملی نظیر آموزش و آموزش کارآفرینی تعاونی در سطوح ابتدایی و متوسطه، حمایت‌های مالی و زیرساخت‌های تجاری و حقوقی (پشتیبانی حقوقی و حرفه‌ای در روند راه اندازی تعاونی) به عنوان ابعاد مؤثر در شکل گیری دانش کارآفرینی اشاره کردند. درباره اثر آموزش و ارزیابی بر دانش کارآفرینی می‌توان به پژوهش‌های تیشیکواهی و شامبری^۳ (۲۰۱۵) و امرزل، آنتونسیچ و روزیر^۴ (۲۰۱۱) اشاره کرد. تیشیکواهی و شامبری (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی چگونگی تأثیر آموزش کارآفرینی مبتنی بر عمل بر دانش کارآفرینی و نگرش‌های شخصی پرداختند. نتایج نشان داد که هم دانش کارآفرینی و هم نگرش شخصی تأثیر معناداری بر

1. Roxas, Cayoca-Panizales & de Jesus

2. Alves, Fischer, Vonortas & Queiroz

3. Tshikovhi & Shambare

4. Omerzel, Antončič & Ruzzier

اهداف کارآفرینی داشتند، اما نگرش شخصی تأثیر بیشتری بر دانش کارآفرینی داشت. علاوه بر این، سطح بالایی از دانش کارآفرینی برای تأثیر بر نگرش مطلوب به کارآفرینی مشاهده شد. امرزل و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش خود برای ارزیابی شکل‌گیری دانش کارآفرینی به چهار عامل اثرگذار در بین مدیران و صاحبان صنایع اشاره کرد. این عوامل عبارت‌اند از: (۱) سطح تحصیلات، (۲) تجربه کار، (۳) دانش درباره رشته‌های عملکردی و (۴) اعتماد به نفس. دانش مالک یا مدیر عمدتاً از تحصیلات و تجربه گذشته آن‌ها ناشی می‌شود. این آموزش رسمی، مواجهه و تجربه آن‌ها در سازمان‌های دیگر است که مجموعه منحصربه‌فردی از مهارت‌ها یا پایگاه دانش را تعیین می‌کند که به سازمان می‌آورند. مورد دیگر تجربه است که نقش مهمی در فرایندهای شناسایی فرصت‌های موفق ایفا کند. دانش درباره حوزه عملیاتی مدیر یا مالک عامل دیگری است که باعث شکل‌گیری دانش کارآفرینی و در نهایت اعتماد به نفس می‌شود که سبب تقویت قوه تصمیم‌گیری در فرد می‌شود.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر با توجه به هدف آن، کاربردی و براساس روش، توصیفی-علی است؛ بر این اساس، با مرور جامع ادبیات پژوهش، ابتدا معیارهای شکل‌گیری دانش کارآفرینی تعیین شدند و سپس براساس معیارها و زیر معیارهای شناسایی شده، پرسشنامه دیمتل به منظور تبیین و ارزیابی روابط علت و معلولی میان معیارها تدوین و در اختیار خبرگان قرار گرفت. خبرگان و اساتید آشنا با مباحث کارآفرینی در تعاونی‌ها جامعه آماری این پژوهش را تشکیل دادند. خبرگان به روش گلوله‌برفی و از میان اعضای هیئت علمی و فعالان متخصص در زمینه کارآفرینی و تعاونی‌ها انتخاب شدند.

از نظر ترسینگ و رینگز^۱ (۱۹۷۶)، در صورت همگن بودن گروه مشارکت‌کنندگان، برای ایجاد نتایج اثربخش، حجم نمونه‌ای متشکل از ۱۰ تا ۱۵ نفر کفایت می‌کند. در برخی منابع نیز تعداد مطلوب خبرگان، ۱۰ تا ۲۰ نفر توصیه شده است (ضیائی، محمودزاده و شاهی،

1. Tersine & Riggs

(۲۰۱۷)؛ بنابراین در پژوهش حاضر برای دستیابی به نتایج معتبر، حجم نمونه در نظر گرفته شده برای تکمیل پرسشنامه، ۱۸ نفر از اساتید دانشگاهی و متخصصان حوزه پژوهش تعیین شد. ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان در جدول ۱ ذکر شده است.

در این پژوهش، ابتدا با مرور جامع ادبیات پژوهش، معیارهای شکل‌گیری دانش کارآفرینی تعیین شد (جدول ۲). سپس براساس معیارها و زیرمعیارهای شناسایی شده، پرسشنامه دیمتل به منظور تبیین و ارزیابی روابط علت و معلولی میان معیارها تدوین شد و در اختیار خبرگان قرار گرفت. پرسشنامه استفاده شده شامل ۴۲ سؤال درباره میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری معیارها و زیرمعیارها بر یکدیگر و از یکدیگر بود. از آنجاکه پرسشنامه استفاده شده، بر پایه معیارهای شناسایی شده در پیشینه پژوهش و دیدگاه کارشناسان و صاحب‌نظران تهیه شده بود، روایی پرسشنامه خودبه‌خود تأیید می‌شود. به منظور سنجش پایایی پرسشنامه، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار آن ۰/۸۱ به دست آمد که این نشان‌دهنده پایایی مناسب پرسشنامه است.

جدول ۱- ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نقش فعال
۱	عضو هیئت‌علمی دانشگاه و مشاور بخش تعاون کشور
۲	عضو هیئت‌علمی دانشگاه و مشاور در بخش کارآفرینی و تعاون کشور
۳	مدیر در بخش کارآفرینی و تعاونی کشور و مدیرعامل سابق بانک توسعه تعاون کشور
۴	عضو هیئت‌علمی دانشگاه، مشاور در بخش کارآفرینی و تعاون کشور و منتور در استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان
۵	عضو هیئت‌علمی دانشگاه و مشاور در بخش کارآفرینی و تعاون کشور
۶	عضو هیئت‌علمی دانشگاه و مشاور در بخش کارآفرینی و تعاون کشور
۷	بنیان‌گذار و فعال در شکل‌گیری تعاونی‌ها و مشاور مراکز قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری بخش تعاون
۸	مشاور در بخش تعاون کشور، فعال در شکل‌گیری و راه‌اندازی نهادهای حمایتی بخش تعاون کشور
۹	عضو هیئت‌علمی دانشگاه و مشاور در بخش کارآفرینی و تعاون کشور
۱۰	مدیر در بخش کارآفرینی و تعاونی کشور و صاحب‌نظر در تعاونی‌ها و اتحادیه‌های تعاونی تولیدی بزرگ

ردیف	نقش فعال
۱۱	عضو هیئت علمی دانشگاه و مشاور در بخش کارآفرینی و تعاون کشور و منتور در استارت آپ ها و شرکت های دانش بنیان
۱۲	عضو هیئت علمی دانشگاه و مشاور در بخش کارآفرینی و تعاون کشور
۱۳	عضو هیئت علمی دانشگاه و مشاور در بخش کارآفرینی و تعاون کشور
۱۴	مشاور در بخش تعاون کشور و از مدیران بخش تعاون کشور
۱۵	عضو هیئت علمی دانشگاه و مشاور در بخش کارآفرینی و تعاون کشور
۱۶	مدیرعامل یکی از اتحادیه تعاونی های بزرگ کشور و صاحب نظر و فعال در شکل گیری اتحادیه ها و تعاونی های بزرگ مقیاس
۱۷	مشاور در بخش تعاون کشور و از مدیران بخش تعاون کشور
۱۸	مشاور در بخش تعاون کشور و از مدیران بخش تعاون بزرگ مقیاس کشور

جدول ۲- ابعاد و مؤلفه های نهایی احصاء شده دانش کارآفرینی در تعاونی های بزرگ مقیاس

ابعاد	مؤلفه	منابع
ویژگی های فردی	سن، تحصیلات، توانایی برقراری ارتباطات، توانایی برانگیزش دیگران، آگاهی محیطی، تجربه کاری، توانایی اقناع دیگران، خلاقیت و نوآوری، دانش عمومی، ریسک پذیری، کار گروهی، کارآفرین اجتماعی، کاریزمای شخصی و قابل اعتماد بودن	آلوز و همکاران (۲۰۱۹)، مک دول (۲۰۱۶)، گاماچی و ویراکن ^۱ (۲۰۱۷)، امرزل و همکاران (۲۰۱۱)، تشیکوهی و شمیره (۲۰۱۵)، ین (۲۰۰۳)، رکساس و همکاران (۲۰۰۸)، هانون، اسکات، سورسانی و میل من ^۲ (۲۰۰۶)
زیرساخت ها و سازمان	استراتژی سازمانی، زیرساخت آموزشی، زیرساخت فناوری اطلاعات، ساختار سازمانی، سرمایه انسانی، سیستم مدیریتی، علم و فناوری، فرهنگ سازمانی، مالی، مدیریت دانش، واحدهای R&D و یادگیری سازمانی	هانون و همکاران (۲۰۰۶)، آپتی و آیوارز (۲۰۱۷)، آلوز و همکاران (۲۰۱۹)، هارتونو و حلیم (۲۰۱۴)، رکساس و همکاران (۲۰۰۸)، مک دول (۲۰۱۶)، ین (۲۰۰۳)، مولین و گویتوم (۲۰۱۳)، سنگس (۲۰۰۷)
محیط	امنیت (روانی، سیاسی، مالی و...)، دانشگاه ها و	مک دول (۲۰۱۶)، آپتی و آیوارز (۲۰۱۷)، مولین و

1. Gamage & Weerakoon
2. Hannon, Scott, Sursani & Millman

ابعاد	مؤلفه	منابع
	مراکز آموزشی، دولت، ارتباطات بین‌المللی کشوری، فرصت‌ها و رقابت، فرهنگ جامعه، فضای کسب‌وکار، فضای مجازی، قوانین و مقررات، مراکز شتاب‌دهنده و مراکز نوآوری	گویتوم (۲۰۱۳)، آلوز و همکاران (۲۰۱۹)، ین (۲۰۰۳)
حمایت	صندوق‌های خطرپذیر، صندوق‌های ضمانت، حمایت از پروژه‌های جدید، حمایت دولتی و حمایت درون‌سازمانی	ین (۲۰۰۳)، آپتی و آیوارز (۲۰۱۷)، سنگس (۲۰۰۷)

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها با استفاده از دیمتل در محیط نرم‌افزار اکسل، روابط علی بین عوامل تعیین شد. دیمتل یکی از ابزارهای تصمیم‌گیری چندمعیاره بر مبنای تئوری گراف است که موجب می‌شود برای درک بهتر روابط علی، نقشه روابط شبکه‌ای چندین معیار در گروه علت معلول ترسیم شود (آقایی، آقایی و محمدحسینی ناجی‌زاده حسینی‌نیا، ۱۳۹۴). از برتری‌های این روش در مقایسه با سایر روش‌های تصمیم‌گیری بر پایه مقایسات زوجی، پذیرش بازخورد روابط است؛ یعنی در ساختار سلسله‌مراتبی حاصل، هر عنصر می‌تواند بر تمام عناصر هم‌سطح، سطح بالاتر یا سطح پایین‌تر از خود تأثیر بگذارد و به‌صورت متقابل، از تک‌تک آن‌ها تأثیر بپذیرد (مروتی شریف آبادی، عزیزی، و جمشیدی، ۱۳۹۵). در مسائل مدیریتی و اجتماعی می‌توان با استفاده از دیمتل، اثرات متقابل تعداد زیادی از عوامل مؤثر بر یک مسئله خاص را دسته‌بندی و سازمان‌دهی کرد (پاموکار، میه‌ایلوویچ، ابرادویچ و آتانسکوویچ^۱، ۲۰۱۷). در ادامه تکنیک دیمتل و مراحل آن بیان شده است.

۳.۱. تکنیک دیمتل

اولین بار دو پژوهشگر به نام‌های فونتلا و گابوس^۲ در سال ۱۹۷۶ روش دیمتل را ارائه کردند. این تکنیک براساس مقایسه‌های زوجی و از ابزارهای تصمیم‌گیری بر مبنای تئوری

1. Pamučar, Mihajlović, Obradović and Atanasković
2. Fontela & Gabus

گراف است. این روش ممکن است تأییدکننده روابط میان متغیرها یا محدودکننده روابط در یک روند توسعه‌ای و نظام‌مند باشد؛ به عبارت دیگر، این تکنیک با بررسی روابط متقابل بین معیارها، میزان تأثیر و اهمیت آن‌ها را به صورت امتیاز عددی مشخص می‌کند. مهم‌ترین شاخصه روش دیمتل، تصمیم‌گیری چندمعیاره و عملکرد آن در ایجاد روابط و ساختار بین عوامل است. این تکنیک علاوه بر تبدیل روابط علت و معلولی به یک مدل ساختاری-بصری، قادر است وابستگی‌های درونی بین عوامل را نیز شناسایی کرده و آن‌ها را فهم‌پذیر کند (یادگاری و تارخ، ۲۰۱۷).

اجرای تکنیک دیمتل شامل این مراحل است:

مرحله اول: جمع‌آوری نظرهای پاسخگویان و محاسبه میانگین ماتریس Z

$$z = \frac{1}{m} \sum_{i=1}^m x_{ij}^k$$

مرحله دوم: محاسبه اولیه و نرمالیزه کردن ماتریس D

$$D = \lambda * Z$$

$$[d_{ij}] n \times n = \lambda [z_{ij}] n \times n$$

$$\lambda = \min \frac{1}{\max_{1 \leq i \leq n} \sum_{j=1}^n z_{ij}}, \frac{1}{\max_{1 \leq j \leq n} \sum_{i=1}^n z_{ij}}$$

$$\lim_{m \rightarrow \infty} (d)^m = \{0\} n \times n$$

مرحله سوم: استخراج ماتریس رابطه کل T

$$T = \lim_{m \rightarrow \infty} (D + D^1 + D^2 + \dots + D^m)$$

$$= \sum_{m=0}^{\infty} D^m = I D^0$$

$$\sum_{m=0}^{\infty} D^m = D + D^1 + D^2 + \dots + D^m$$

$$= D (I + D^1 + D^2 + \dots + D^{m-1})$$

$$\begin{aligned}
 T &= D(I - D)^{-1}(I - D)(I + D_1 + D_2 + \dots + D_{m-1}) \\
 &= D(I - D)^{-1}(I - D)m \\
 &= D(I - D)^{-1}
 \end{aligned}$$

مرحله چهارم: محاسبه مجموع از سطر و ستون از ماتریس T

$$r = [r_i]_{n \times 1} = \left(\sum i^n = 1T_{ij} \right)_{n \times 1},$$

$$c = [c_j]_{1 \times n} = \left(\sum i^n = 1T_{ij} \right)_{1 \times n},$$

مرحله پنجم: تنظیم مقدار آستانه (α)

$$\alpha = \frac{\sum i^n = 1 \sum i^n = 1\{t_{ij}\}}{N}$$

مرحله ششم: ساخت نمودار رابطه علت و معلول (سامریت و آنوناورانیچ^۱، ۲۰۰۴).

۴. یافته‌های تحقیق

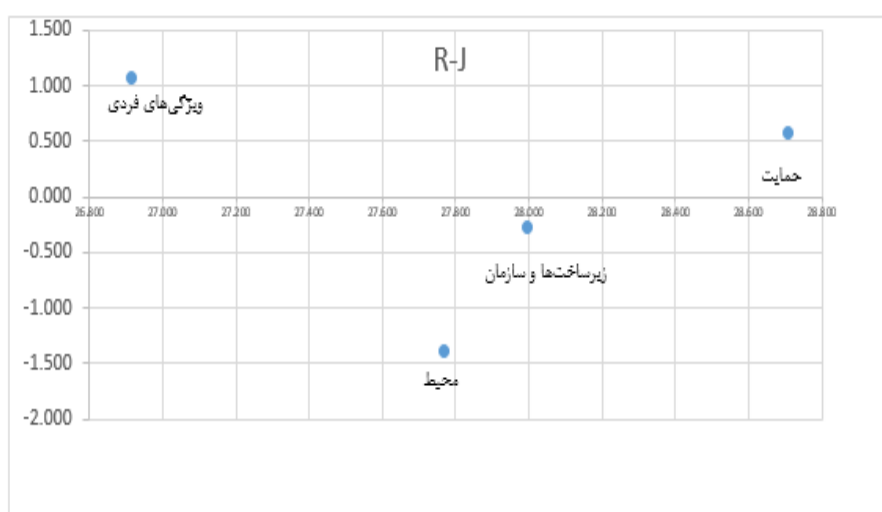
۴.۱. بررسی زیر معیار ابعاد دانش کارآفرینی

پس از اجرای تکنیک DEMATEL، درباره سلسله مراتب ابعاد دانش کارآفرینی نتایج در جدول ۳ مشاهده می‌شود.

جدول ۳- سلسله مراتب نفوذ ابعاد دانش کارآفرینی

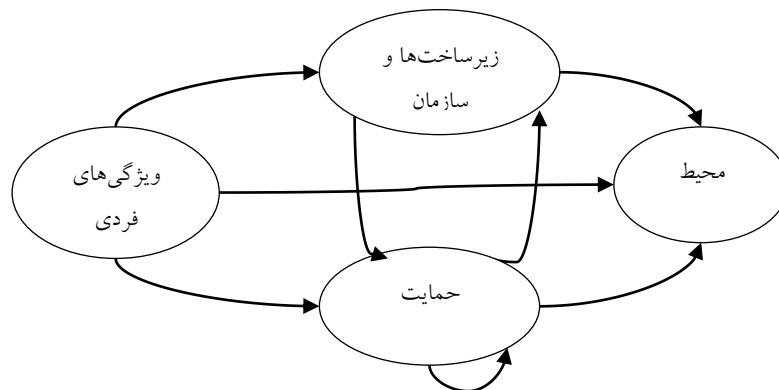
ابعاد	R+J	R-J	J-Value	R-Value
ویژگی‌های فردی	۲۶/۹۱۳	۱/۰۷۳	۱۳/۹۹۳	۱۲/۹۲۰
زیرساخت‌ها و سازمان	۲۷/۹۹۴	-۰/۲۶۳	۱۳/۸۶۵	۱۴/۱۲۸
محیط	۲۷/۷۶۸	-۱/۳۹۴	۱۳/۱۸۷	۱۴/۵۸۱
حمایت	۲۸/۷۰۹	۰/۵۸۵	۱۴/۶۴۷	۱۴/۰۶۲

روابط علت و معلولی ابعاد چهارگانه دانش کارآفرینی تعاونی‌های بزرگ مقیاس بر مبنای نتایج حاصل در شکل ۱ نشان داده شده است. در این شکل، محور افقی $(R+J)$ و محور عمودی $(R-J)$ را نشان می‌دهند.



شکل ۱- نمودار علت و معلولی شکل‌گیری دانش کارآفرینی تعاونی‌های بزرگ مقیاس

در نهایت الگوی شکل‌گیری دانش کارآفرینی در تعاونی‌های بزرگ مقیاس در شکل ۲، براساس ماتریس شدت نسبی روابط مستقیم و غیرمستقیم ابعاد نشان داده شده است.



شکل ۲- الگوی شکل‌گیری دانش کارآفرینی در تعاونی‌های بزرگ‌مقیاس

۲.۴. بررسی زیرمعیار ویژگی‌های فردی دانش کارآفرینی

در جدول ۴ نتایج بررسی زیرمعیارهای بعد ویژگی‌های فردی دانش کارآفرینی شهر ارائه شده است.

جدول ۴- سلسله‌مراتب نفوذ مؤلفه‌های بعد ویژگی‌های فردی

مؤلفه‌ها	R+J	R-J	J-Value	R-Value
سن	۱۲/۲۳۴	۰/۳۲۷	۵/۹۵۳	۶/۲۸۱
تحصیلات	۱۲/۲۶۱	۰/۷۸۴	۵/۹۳۶	۶/۶۸۴
توانایی برقراری ارتباطات	۱۲/۱۵۵	-۰/۲۲۳	۶/۱۸۹	۵/۹۶۶
توانایی برانگیزش دیگران	۱۱/۶۳۸	-۱/۱۳۲	۶/۳۸۵	۵/۲۵۳
آگاهی محیطی	۱۰/۷۲۷	-۰/۲۱۵	۵/۴۷۱	۵/۲۵۶
تجربه کاری	۱۲/۲۳۰	-۰/۳۹۰	۶/۳۱۰	۵/۹۲۰
توانایی اقناع دیگران	۱۳/۷۸۴	۰/۳۱۸	۶/۷۳۳	۷/۰۵۱
خلاقیت و نوآوری	۱۲/۳۰۱	۱/۲۲۴	۵/۵۳۸	۶/۷۶۲
دانش عمومی	۱۲/۹۳۳	-۱/۵۳۳	۷/۲۳۳	۵/۷۰۰
ریسک‌پذیری	۱۱/۱۶۴	۰/۳۳۸	۵/۴۱۳	۵/۷۵۱
کار گروهی	۱۲/۹۵۸	۰/۸۰۰	۶/۰۷۹	۶/۷۸۹

مؤلفه‌ها	R+J	R-J	J-Value	R-Value
کارآفرین اجتماعی	۱۲/۵۸۹	-۰/۹۳۸	۶/۷۶۴	۵/۸۲۶
کاریزمای شخصی	۱۲/۰۸۲	۰/۱۴۸	۵/۹۶۷	۶/۱۱۵
قابل اعتماد بودن	۱۲/۰۴۹	۰/۵۲۸	۵/۷۶۱	۶/۲۸۹

مؤلفه‌های سن، تحصیلات، توانایی اقناع دیگران، خلاقیت و نوآوری، ریسک‌پذیری، کار گروهی، کاریزمای شخصی و قابل اعتماد بودن علت‌ها هستند. همچنین مؤلفه‌های توانایی برقراری ارتباطات، توانایی برانگیزش دیگران، آگاهی محیطی، تجربه کاری، دانش عمومی و کارآفرین اجتماعی معلول‌ها شناخته می‌شوند.

۳.۴. بررسی زیرمعیار زیرساخت‌ها و سازمان دانش کارآفرینی

در جدول ۵ نتایج بررسی زیرمعیارهای بعد ویژگی‌های زیرساخت‌ها و سازمان دانش کارآفرینی ارائه شده است.

جدول ۵- سلسله‌مراتب نفوذ مؤلفه‌های بعد زیرساخت‌ها و سازمان

مؤلفه‌ها	R+J	R-J	J-Value	R-Value
استراتژی سازمانی	۳۲/۳۰۳	-۱/۶۵۲	۵/۹۵۳	۶/۲۸۱
زیرساخت آموزشی	۳۰/۵۱	۰/۰۲۸	۵/۹۳۶	۶/۶۸۴
زیرساخت فناوری اطلاعات	۳۱/۹۶۳	۰/۳۵۲	۶/۱۸۹	۵/۹۶۶
ساختار سازمانی	۳۲/۱۸۴	۲/۴۵۹	۶/۳۸۵	۵/۲۵۳
سرمایه انسانی	۳۳/۲۵۰	-۲/۹۵۴	۵/۴۷۱	۵/۲۵۶
سیستم مدیریتی	۳۵/۸۳۴	-۲/۱۸۵	۶/۳۱۰	۵/۹۲۰
علم و فناوری	۳۴/۰۳۱	-۰/۰۱۶	۶/۷۳۳	۷/۰۵۱
فرهنگ سازمانی	۳۲/۴۸۸	۰/۰۹۴	۵/۵۳۸	۶/۷۶۲
مالی	۳۲/۷۸۵	۰/۹۰۷	۷/۲۳۳	۵/۷۰۰
مدیریت دانش	۳۱/۷۵۵	۲/۱۳۸	۵/۴۱۳	۵/۷۵۱
واحدهای R&D	۳۲/۷۵۰	۰/۱۶۸	۶/۰۷۹	۶/۷۸۹
یادگیری سازمانی	۳۲/۹۶۴	۰/۶۶۱	۶/۷۶۴	۵/۸۲۶

مؤلفه‌های زیرساخت آموزشی، زیرساخت فناوری اطلاعات، ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، مالی، مدیریت دانش، واحدهای R&D و یادگیری سازمانی علت‌ها هستند. همچنین مؤلفه‌های استراتژی سازمانی، سرمایه انسانی، سیستم مدیریتی و علم و فناوری معلول‌ها شناخته می‌شوند.

۴. بررسی زیرمعیار محیط دانش کارآفرینی

در جدول ۶ نتایج بررسی زیرمعیارهای محیط دانش کارآفرینی ارائه شده است.

جدول ۶- سلسله‌مراتب نفوذ مؤلفه‌های بعد محیط

مؤلفه‌ها	R+J	R-J	J-Value	R-Value
امنیت (روانی، سیاسی، مالی و...)	۲۰/۴۵۷	۰/۱۸۵	۱۰/۱۳۶	۱۰/۳۲۱
دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی	۱۷/۹۷۷	۰/۲۵۲	۸/۸۶۲	۹/۱۱۵
دولت	۲۱/۴۱۳	۰/۰۳۹	۱۰/۶۸۷	۱۰/۷۲۶
ارتباطات بین‌المللی کشوری	۱۸/۲۰۷	-۰/۷۴۴	۹/۴۷۶	۸/۷۳۲
فرصت‌ها و رقابت	۲۱/۱۲۸	-۰/۹۷۴	۱۱/۰۵۱	۱۰/۰۷۷
فرهنگ جامعه	۱۴/۸۸۴	-۰/۹۹۴	۷/۹۳۹	۶/۹۴۵
فضای کسب‌وکار	۲۰/۶۰۷	۰/۰۷۶	۱۰/۲۶۵	۱۰/۳۴۲
فضای مجازی	۲۰/۶۱۳	-۱/۰۳۵	۱۰/۸۲۴	۹/۷۸۹
قوانین و مقررات	۱۸/۸۶۰	۱/۲۴۰	۸/۸۱۰	۱۰/۰۵۰
مراکز شتاب‌دهنده	۱۹/۷۲۲	۲/۰۷۷	۸/۸۲۳	۱۰/۸۹۹
مراکز نوآوری	۲۱/۶۰۵	-۰/۱۲۴	۱۰/۸۶۵	۱۰/۷۴۱

مؤلفه‌های امنیت (روانی، سیاسی، مالی و...)، دولت، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، فضای کسب‌وکار، قوانین و مقررات و مراکز شتاب‌دهنده علت‌ها هستند. همچنین مؤلفه‌های ارتباطات بین‌المللی کشوری، فرصت‌ها و رقابت، فرهنگ جامعه، فضای مجازی و مراکز نوآوری معلول‌ها شناخته می‌شوند.

۴. ۵. بررسی زیرمعیار حمایت دانش کارآفرینی

در جدول ۷ نتایج حاصل از بررسی زیر معیارهای حمایت دانش کارآفرینی ارائه شده است.

جدول ۷- سلسله مراتب نفوذ مؤلفه های بعد حمایت

مؤلفه ها	R+J	R-J	J-Value	R-Value
صندوق های خطرپذیر	۱۷/۹۸۵	-۰/۲۲۸	۹/۱۰۶	۸/۸۷۸
صندوق های ضمانت	۱۴/۴۸۱	۲/۳۸۸	۶/۰۴۶	۸/۴۳۴
حمایت از پروژه های جدید	۱۴/۸۲۸	۰/۲۱۳	۷/۳۰۸	۷/۵۲۱
حمایت دولتی	۱۵/۰۷۵	۰/۰۴۵	۷/۵۷۵	۷/۵۶۰
حمایت درون سازمانی	۱۸/۳۹۴	-۲/۴۱۹	۱۰/۴۰۷	۷/۹۸۸

مؤلفه های صندوق های ضمانت، حمایت از پروژه های جدید و حمایت دولتی علت ها هستند و مؤلفه های صندوق های خطرپذیر و حمایت درون سازمانی معلول ها شناخته می شوند. محور افقی (R+J) و محور عمودی (R-J) را نشان می دهند. مدل تحلیلی این بعد در شکل ۴، پس از اعمال تعدیل روابط براساس ضابطه پیش گفته نشان داده شده است.

۵. نتیجه گیری و پیشنهادها

این پژوهش با هدف ارائه الگوی شکل گیری دانش کارآفرینی و سنجش روابط آن در تعاونی های بزرگ مقیاس انجام شد. به منظور دستیابی به هدف پژوهش از تکنیک دیمتل استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد که در مرحله اول شکل گیری دانش کارآفرینی در تعاونی های بزرگ مقیاس دارای چهار بعد ویژگی های فردی، زیرساخت ها و سازمان، محیط و حمایت است. همچنین با استفاده از تکنیک دیمتل مشخص شد که ابعاد ویژگی های فردی و زیرساخت ها و سازمان به عنوان ابعاد اثرگذار یا علت ها و ابعاد محیط و حمایت معلول ها باید در نظر گرفته شوند که اولویت ابعاد شکل گیری چهارگانه ی دانش کارآفرینی

تعاونی‌های بزرگ‌مقیاس، براساس سلسله‌مراتب ممکن عبارت است از: ویژگی‌های فردی، زیرساخت‌ها و سازمان، محیط و حمایت.

نتایج ارزیابی مؤلفه‌های ویژگی‌های فردی دانش کارآفرینی نشان داد که از بین مؤلفه‌های مربوط به این بعد، مؤلفه‌های سن، تحصیلات، توانایی اقناع دیگران، خلاقیت و نوآوری، ریسک‌پذیری، کار گروهی، کاریزمای شخصی و قابل‌اعتماد بودن علت‌ها هستند. همچنین مؤلفه‌های توانایی برقراری ارتباطات، توانایی برانگیزش دیگران، آگاهی محیطی، تجربه کاری، دانش عمومی و کارآفرین اجتماعی، معلول‌ها شناخته می‌شوند.

نتایج ارزیابی مؤلفه‌های زیرساخت‌ها و سازمان دانش کارآفرینی نشان داد که از بین مؤلفه‌های مربوط به این بعد، مؤلفه‌های زیرساخت آموزشی، زیرساخت فناوری اطلاعات، ساختار سازمانی، فرهنگ‌سازمانی، مالی، مدیریت دانش، واحدهای R&D و یادگیری سازمانی علت‌ها هستند. همچنین مؤلفه‌های استراتژی سازمانی، سرمایه انسانی، سیستم مدیریتی و علم و فناوری معلول‌ها شناخته می‌شوند.

نتایج ارزیابی مؤلفه‌های محیط دانش کارآفرینی نشان داد که از بین مؤلفه‌های مربوط به این بعد، مؤلفه‌های امنیت (روانی، سیاسی، مالی و...)، دولت، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، فضای کسب‌وکار، قوانین و مقررات و مراکز شتاب‌دهنده علت‌ها هستند. همچنین مؤلفه‌های ارتباطات بین‌المللی کشوری، فرصت‌ها و رقابت، فرهنگ جامعه، فضای مجازی و مراکز نوآوری معلول‌ها شناخته می‌شوند. نتایج ارزیابی مؤلفه‌های حمایت دانش کارآفرینی نشان داد که از بین مؤلفه‌های مربوط به این بعد، مؤلفه‌های صندوق‌های ضمانت، حمایت از پروژه‌های جدید و حمایت دولتی علت‌ها هستند و مؤلفه‌های صندوق‌های خطرپذیر و حمایت درون‌سازمانی معلول‌ها شناخته می‌شوند.

همان‌طور که از نتایج این پژوهش مشخص شد، برای شکل‌گیری دانش کارآفرینی در سازمان به تقویت یا شکل‌گیری عوامل مختلفی نیاز است که در چهارچوب ابعاد چهارگانه

دانش کارآفرینی معرفی شد. در ادامه دربارهٔ تک تک ابعاد دانش کارآفرینی بحث خواهیم کرد.

بعد ویژگی‌های فردی: ویژگی‌های فردی شخص کارآفرین تأثیر زیادی بر جریان و شکل‌گیری دانش در تعاونی‌ها می‌گذارد؛ به‌طوری‌که چنانچه فرد کارآفرین تجربه کافی و آگاهی محیطی لازم را داشته باشد، سبب خلق و گسترش دانش در سازمان می‌شود. توانایی برقراری ارتباط با سایر اعضا از زمینه‌های بروز و گسترش دانش در سطح تعاونی است که خود این قابلیت نیازمند قابل‌اعتماد بودن فرد برای سایر اعضا دارد. همچنین کارآفرین حوزه تعاونی در کنار دانش تخصصی باید از دانش روز بهره‌برد و آگاه به مسائل روز کشور باشد تا در جریان شکل‌گیری دانش در تعاونی مؤثرتر واقع شود. براساس مطالعات مشخص شده است که رشد یک کسب‌وکار تاحدی به تصمیم‌هایی مربوط است که یک کارآفرین گرفته است. مطالعات قبلی نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی، انگیزه رشد، شایستگی‌های فردی و سوابق شخصی کارآفرین، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رشد یک کسب‌وکار هستند (شان و لوکی و کالینز، ۲۰۰۳؛ باثوم، فرسی و بارون، ۲۰۰۷). این موارد نشان‌دهنده ویژگی‌های فردی شخص کارآفرین‌اند.

بعد زیرساخت‌ها و سازمان: وجود زیرساخت‌های آموزشی به گسترش و بسط‌دادن مفهوم دانش کارآفرینی در تعاونی‌ها منجر می‌شود و اساساً نمی‌توان دانش کارآفرینی را بدون زیرساخت آموزشی مناسب تصور کرد. فرهنگ سازمانی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های زیرساخت و سازمان به پویایی، شکل‌گیری و گسترش دانش کارآفرینی کمک شایانی می‌کند. در بستر یک فرهنگ سازمانی، کارآفرینی است که دانش کارآفرینی ایجاد می‌شود و بدون وجود فرهنگ سازمانی حامی کارآفرینی نمی‌توان به شکل‌گیری دانش کارآفرینی در سازمان امیدوار بود. با وجود فرهنگ و دانش اعضا می‌توان به شکل‌گیری دانش امیدوار بود، ولی

-
1. Shane, Locke & Collins
 2. Baum Frese and Baron

عنصر لازم در این رابطه بسترهای مالی است. چنانچه در تعاونی حمایت و پشتیبانی لازم از کارآفرینی صورت نگیرد، نمی‌توان به شکل‌گیری دانش امیدوار بود. براساس مطالعه انجام‌گرفته می‌توان گفت که رشد کسب‌وکار ناظر بر افزایش در مواردی نظیر فروش، اشتغال‌پذیری و سود در طول زمان است (هاکرت و کمپ^۱، ۲۰۰۶). رشد کسب‌وکار را می‌توان با توجه به میزان اثربخشی و توانایی تعیین منابع ویژه شرکت مانند سرمایه انسانی، سرمایه و دانش از طریق فرایندهای اداری، شیوه‌ها و ساختارها تعریف کرد (نیکل، نیکولیتساس و درایدن^۲، ۱۹۹۷)؛ بنابراین عوامل تعیین‌کننده سازمانی باید تأثیرات مستقیم‌تری بر رشد شرکت داشته باشند. مطالعات تجربی مختلفی برای کشف عوامل تعیین‌کننده رشد با توجه به این بعد انجام شده است (هننینگ و مک‌کاولی^۳، ۲۰۲۰؛ آلوز، فیشر، ونورتاس و کوپرز، ۲۰۱۹). این موارد نشان‌دهنده بعد زیرساخت‌ها و سازمان در شکل‌گیری دانش کارآفرینی هستند.

محیط: تعاونی‌ها همانند سایر سازمان‌ها از بیرون تأثیر گرفته و بر بیرون تأثیر می‌گذارند. محیط و شیوه تعامل با آن از مورد بحث‌ترین موضوعات بیان‌شده در مصاحبه‌ها بود. دولت به‌عنوان عامل تأثیرگذار بیرونی بر تعاونی‌ها همواره در سیاست‌های تعاونی نقشی اساسی ایفا کرده است. دولت به‌عنوان اصلی‌ترین جهت‌دهنده اقتصاد کشور، با توجه به شرایط حال حاضر کشور، تلاش بسیاری در راستای تبدیل‌شدن تعاونی‌ها به تعاونی‌های کارآفرین گذاشته است، اما این تلاش‌ها تنها با سیاست‌گذاری مناسب در سطح ملی روی می‌دهد؛ بنابراین نقش دولت به‌عنوان بازیگر اصلی محیط تعاونی‌ها نباید فراموش شود. در کنار دولت می‌توان به فرصت‌ها و رقابت‌های حال حاضر نیز در شکل‌گیری دانش کارآفرینی نام برد. نیاز به حضور فعال در صحنه رقابت‌های ملی و بین‌المللی دانش نوین را طلب می‌کند؛ ازاین‌رو دانش کارآفرینی می‌تواند در پاسخ به فرصت‌ها و رقابت‌های محیطی در سطح تعاونی‌ها

1. Hakkert & Kemp

2. Nickell, Nicolitsas & Dryden

3. Henning & McKelvey

مطرح شود. براساس مطالعات انجام شده می توان گفت که انگیزه های محیطی ممکن است تا حد زیادی پتانسیل رشد شرکت ها را تعیین کند. همچنین این استدلال وجود دارد که وقتی تغییرات در جامعه، سیاست، بازار و فناوری ایجاد می شود، فرصت های بیشتری برای رشد وجود دارد (ویکلوند، داویدسون و دلمار^۱، ۲۰۰۳). شرکتی در چنین محیطی با دسترسی بهتر به منابع مورد نیاز شانس بیشتری برای رشد دارد. محیط خصمانه می تواند تهدیدی برای شرکت از طریق افزایش شدت رقابت ایجاد کند؛ بنابراین شدت رقابت از فرصت های رشد شرکت ها می کاهد (ژو، ۲۰۱۰). در این پژوهش نیز نشان داده شد که محیط از عوامل مؤثر در شکل گیری دانش کارآفرینی است.

حمایت: حمایت ها چه از سوی سازمان و چه از بیرون تعاونی باشد، همواره به عنوان یک عامل تسهیل کننده کارآفرینی عمل می کند. بدون حمایت از جانب تعاونی کمتر فرایند انتقال و شکل گیری دانش در سازمان می گیرد. فرایند شکل گیری نیاز به حمایت مدیران ارشد تعاونی نیاز دارد تا با تدارک مقدمات آن دانش کارآفرینی در سازمان شکل گیرد. در این راه نیز صندوق های خطرپذیر و صندوق های ضمانتی نقش اساسی دارند. این سازمان ها با سرمایه گذاری در تعاونی و قبول ریسک زیاد فرایند کارآفرینی، نقشی حیاتی در رشد و نمو تعاونی دارند. تعاونی نیز بدون استقرار دانش و کاربرد آن توانایی پاسخگویی به سرمایه گذار را ندارد؛ در نتیجه وجود صندوق های خطرپذیر و ضمانتی برای شکل گیری دانش کارآفرینی امری ضروری و لازم است. درباره بعد حمایت نشان داده شد که حمایت یک محیط برای رشد شرکت ها ضروری است (آلدریچ و وایدنمایر^۲، ۲۰۱۹). حمایت مهم ترین عامل مدیریت سیستماتیک (نظام مند) دانش است (امرزل و آنتونسچ، ۲۰۱۱). طراحی و تدوین سازوکارهای حمایت کننده از فعالیتهای کارآفرینی و تأمین زیرساخت های حمایتی مورد نیاز برای فعالیت کارآفرینان از عناصر و موارد اصلی برنامه های

-
1. Wiklund, Davidsson and Delmar
 2. Aldrich and Wiedenmayer

توسعه کارآفرینی در هر دولتی است (لرد کیپانیدز، بریزت و بکمن^۱، ۲۰۰۲). هوگ، نیمن و نیوهنزن^۲ (۲۰۰۳) بیان می‌کنند که هدف دولت تنها افزایش تعداد کسب‌وکارهای جدید نیست؛ بلکه ماندگارشدن و رشد کسب‌وکارهای موجود نیز است. توانمندی محیط هر کسب‌وکاری به محیط حمایتی نیاز دارد که کارآفرینان را تشویق به انجام کار کنند. تحلیل خدمات حمایتی مختلف نشان می‌دهد که تمامی خدمات حمایتی مالی نیست و خدمات همچون مشاوره، آموزش، اطلاعات عمومی و حرفه‌ای را نیز در بر می‌گیرد (احمدپور داریانی، ۱۳۹۳). در کنار آن نیز می‌توان به صندوق‌های خطرپذیر و صندوق‌های ضمانت نیز اشاره کرد که از نتایج این پژوهش می‌باشد.

به‌منظور شکل‌گیری دانش کارآفرینی در تعاونی‌های بزرگ مقیاس پیشنهادهای زیر بیان می‌شود:

- با توجه به تأثیر ویژگی‌های فردی بر شکل‌گیری دانش کارآفرینی در تعاونی‌های بزرگ مقیاس پیشنهاد می‌شود که مدیران تعاونی‌ها شرایط را طوری فراهم آورند که در سازمان نوآوری، عزت نفس، میل به موفقیت به‌عنوان ارزش اصلی نگریسته شود. این امر در به‌وجودآمدن نگرش کارآفرینانه در نیروی انسانی سهم بسزایی دارد؛ به‌طوری‌که باعث می‌شود آن‌ها به هر تغییری به‌عنوان فرصت از طریق ارائه ایده‌های جدید نگاه کنند و آن‌ها را برای تشخیص فرصت‌های مناسب مهیا می‌کند. این نگرش کارآفرینانه موجب می‌شود افراد فعال در تعاونی، شهود (ذهنیت) خود را درباره یک فرصت کسب‌وکار و بر مبنای تجربه پیشین و شناخت الگوهای رویدادهای خارجی در کسب و انتقال دانش توسعه دهند؛
- با توجه به تأثیر زیرساخت‌ها و سازمان بر تشکیل دانش کارآفرینی در تعاونی‌های بزرگ مقیاس پیشنهاد می‌شود که ساختار سازمان را به‌حدی منعطف و ارگانیک

طراحی کنند تا کارکنان سازمان قادر باشند ایده‌ها و تفکرات خلاقانه خود را با دیگران در جریان بگذارند. ایجاد چنین ساختارهای ارگانیک و منعطف، ضمن پرورش رفتارهای کارآفرینانه، ریسک‌پذیری را افزایش می‌دهند که لازمه چنین ساختاری به حداقل رساندن سلسله‌مراتب سازمانی، کاهش لایه‌های مدیریتی، دادن زمان آزاد به کارکنان برای تفکر بر روی پروژه‌های نوآورانه، تأکید بر ارتباطات باز و ساختارهای تیمی است. این امر باعث می‌شود جریان اطلاعات و دانش در سازمان با سرعت بیشتر روی دهد و تصمیم‌گیری‌ها نیز با سرعت و آزادی عمل بیشتری اعمال شوند؛

■ در زمینه فرهنگ باید خلاقیت و نوآوری به عنوان یک ارزش اصلی از طریق اعمال تغییر در سازمان حاکم شود؛ بدین ترتیب تعاونی‌ها به جای تولید تعداد محدودی محصول به صورت انبوه، قادر به ایجاد تنوع در محصولات و ارائه محصولات مختلف خواهند شد. در زمینه مؤلفه‌های دیگر همچون استراتژی باید از استراتژی‌های کارآفرینانه استفاده شود که بیانگر تعهد تعاونی‌ها به فرایند نوآوری است. با توجه به تأثیر محیط بر شکل‌گیری دانش کارآفرینی در تعاونی‌های بزرگ مقیاس که از تغییر در سلايق مشتری یا فناوری‌های پایه ایجاد شده است، به مدیران پیشنهاد می‌شود که به فرصت‌های جدید در بازار بپردازند. نتیجه این تغییرات خلق تقاضای برآورده‌نشده برای خدمات جدید است. مدیران کارآفرین باید این فرصت‌های بالقوه را بشناسند و کسب‌وکارهای جدید را به منظور بهره‌برداری از این فرصت‌ها راه‌اندازی کنند. برای پیشی گرفتن از رقبای این محیط پویا، تعاونی‌ها می‌باید پایه‌هایی برای شکل‌گیری مزیت‌های رقابتی ایجاد کنند. این موضوع اغلب به معنای لزوم دانش نوآوری مطرح می‌شود؛ یعنی این سازمان‌ها می‌باید از طریق پیگیری دانش جدید در فناوری‌ها، محصولات، بازارها، استراتژی‌ها و یا مدل‌های کسب‌وکار خود، از فرصت‌ها برای رقابتی بر مبنای تمایز و ارزش

بهره‌برداری کنند؛ در غیر این صورت در خطر حذف از بازار از طریق رقیبی قرار می‌گیرند که از این دانش‌های نوین استفاده می‌کند؛

▪ در پایان با توجه به تأثیر حمایت بر شکل‌گیری دانش کارآفرینی در تعاونی‌های بزرگ مقیاس، پیشنهاد می‌شود باید از فرصت‌های کارآفرینی حمایت کرده، از آن‌ها مراقبت کنند و درعین حال منابع موردنیاز برای بهره‌برداری از فرصت‌ها را نیز تشخیص و توسعه دهند. آن‌ها باید چشم‌اندازهای کارآفرینی سازمانی مورد انتظار مدیران سطح بالا را تأیید کنند و ظرفیت‌های بالقوه ارزش‌آفرین آن‌ها را در اختیار مجریان سطوح اولیه (مدیران عملیاتی و کارشناسان) قرار دهند. این‌گونه اقدامات و رفتارهای مدیران سطح میانی این اطمینان را می‌دهد که اقدامات کارآفرینانه‌ای که در سطوح پایین سازمان شکل می‌گیرند، نادیده گرفته نشود. در زمینه دانش کارآفرینانه نیز تعاونی‌ها باید به‌ویژه با برپایی دوره‌های آموزشی، زمینه‌های لازم برای تفکر خلاقانه، استفاده ابتکاری از دانش و توانایی دیدن فرصت‌ها در مسائل را برای کارکنان خود فراهم کنند؛ بدین ترتیب با تبدیل کارکنان خود به افرادی کارآفرین، ضمن تصرف گوشه‌های جدید در بازار داخلی در مقایسه با رقبا، امکان بین‌المللی کردن کسب‌وکارهای جدید خود را نیز فراهم می‌آورند.

کتاب‌نامه

۱. احمدپور داریانی، م. (۱۳۹۳). کارآفرینی (تعاریف، نظریات، الگوها) (چاپ اول). تهران: انتشارات پردیس.
۲. آقایی، ر.، و آقایی، ا.، و محمدحسینی ناجی زاده، ر. (۱۳۹۴). شناسایی و رتبه‌بندی شاخص‌های کلیدی مؤثر بر نگهداری و تعمیرات چابک با استفاده از رویکرد دلفی فازی و دیمتل فازی (مطالعه موردی: صنعت خودروسازی ایران). مدیریت صنعتی (دانش مدیریت)، ۷(۴)، ۶۷۲-۶۴۱.
۳. مروتی شریف‌آبادی، ع.، و عزیزی، ف.، و جمشیدی، ز. (۱۳۹۵). تحلیل عوامل مؤثر بر رضایت گردشگران داخلی استان یزد با استفاده از مدل دیمتل فازی، مطالعات مدیریت گردشگری

(مطالعات جهانگردی)، ۱۱ (۳۳)، ۸۵-۱۰۴.

4. Aldrich, H. E., & Wiedenmayer, G. (2019). From traits to rates: An ecological perspective on organizational foundings. In *Seminal Ideas for the Next Twenty-Five Years of Advances*. Bingley: Emerald Publishing Limited.
5. Alves, A. C., Fischer, B., Vonortas, N. S., & Queiroz, S. R. R. D. (2019). Configurations of knowledge-intensive entrepreneurial ecosystems. *Revista de Administração de Empresas*, 59(4), 242-257.
6. Aponte, M., & Álvarez, M. (2017). Cooperative entrepreneurship in Puerto Rico. *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 32(3), 386-401.
7. Baum, J. R., Frese, M., Baron, R. A., & Katz, J. A. (2007). Entrepreneurship as an area of psychology study: An introduction. *The Psychology of Entrepreneurship*, 1, 18.
8. Bell, R. Q. (1974). Contributions of human infants to caregiving and social interaction.
9. Büyüközkan, G., & Çifçi, G. (2011). A novel fuzzy multi-criteria decision framework for sustainable supplier selection with incomplete information. *Computers in Industry*, 62(2), 164-174.
10. Castells, M. (1996). *The rise of the network society*. Malden, Mass.: Blackwell Publishers.
11. Castells, M. (2000). Materials for an exploratory theory of the network society. *British Journal of Sociology*, 51(1), 5-24.
12. Castells, M. (2001). *The Internet galaxy: Reflections on the Internet, business, and society*. Oxford: New York: Oxford University Press.
13. Castells, M. (Ed.). (2004). *The network society: A cross-cultural perspective*. Cheltenham, UK : Northampton, MA: Edward Elgar Pub.
14. Fazal, S. A., Al Mamun, A., Mansori, S., & Abir, T. (2019). Entrepreneurial competencies and microenterprises performance: A study among the poor and low-income households in Malaysia. *Academy of Entrepreneurship Journal*, 25(4), 1-11.
15. Fishbein, M., & Ajzen, I. (1975). *Belief, attitude, intention and behavior: An introduction to theory and research*. Reading, MA: Addison-Wesley.
16. Fontela, E. and Gabus, A. (1976). *The DEMATEL observer*. Battelle Geneva Research Center, Geneva.
17. Gamage, P. G. M. S. K., & Weerakoon, W. M. P. G. C. (2017). Relationship between entrepreneurial knowledge and strategic orientation. *International Journal of Scientific and Research Publications*, 7(11), 86-116.

18. Hakkert, R., & Kemp, R. G. M. (2006). An ambition to grow. *Netherlands, Zoetemeer, Scales*, (s 26), 27.
19. Hannon, P. D., Scott, J. M., Sursani, S. R., & Millman, C. (2006). The state of education provision for enterprise and entrepreneurship: A mapping study of England's HEIs. *International Journal of Entrepreneurship Education*, 4(1), 41-72.
20. Hartono, H., & Halim, E. (2014). The impact of knowledge management and entrepreneur's knowledge on innovation and firm performance. *The Winners*, 15(2), 108-114.
21. Henning, M., & McKelvey, M. (2020). Knowledge, entrepreneurship and regional transformation: contributing to the Schumpeterian and evolutionary perspective on the relationships between them. *Small Business Economics*, 54(2), 495-501.
22. Hough, J., Nieman, G., & Nieuwenhuizen, C. (2003). *Entrepreneurship: A South African perspective*. Van Schaik: Pretoria.
23. Jack, S., Dodd, S. D., & Anderson, A. R. (2008). Change and the development of entrepreneurial networks over time: a processual perspective. *Entrepreneurship and Regional Development*, 20(2), 125-159.
24. Lassen, A. H. (2007). Corporate entrepreneurship: An empirical study of the importance of strategic considerations in the creation of radical innovation. *Managing Global Transitions*, 5(2), 109.
25. Lordkipanidze, M., Brezet, H., & Backman, M. (2005). The entrepreneurship factor in sustainable tourism development. *Journal of Cleaner Production*, 13(8), 787-798.
26. McDonald, R. E. (2002). *Knowledge entrepreneurship: Linking organizational learning and innovation*. University of Connecticut, Barcelona.
27. McDowell, D. (2016). Success factors for small entrepreneurs in North Carolina, Selected. Paper prepared at the Southern Agricultural Economics Association Annual Meeting, San Antonio, Texas.
28. Metcalfe, J. S. (2004). The entrepreneur and the style of modern economics. *Journal of Evolutionary Economics*, 14(2), 157-175.
29. Molin, M., & Goitom, M. (2013). *The entrepreneurs prior knowledge of entrepreneurship: a qualitative study of innovative Swedish SME*. (Master's thesis), Halmstad University School of Business and Engineering.
30. Možina, S., & Kovač, J. (2006). *Knowledge management*. Maribor: Pivec Publishing House.
31. Nickell, S., Nicolitsas, D., & Dryden, N. (1997). What makes firms perform well? *European Economic Review*, 41(3-5), 783-796.
32. Nonaka, I. (Ed.). (2005). *Knowledge management: critical perspectives on business and management* (Vol. 2). Taylor & Francis.

33. Omerzel, D. G., Antončič, B., & Ruzzier, M. (2011). Developing and testing a multi-dimensional knowledge management model on Slovenian SMEs. *Baltic Journal of Management*, 2(1), 18-39.
34. Packham, C., Escuti, M., Ginn, J., Oh, C., Quijano, I., & Boreman, G. (2010). Polarization gratings: A novel polarimetric component for astronomical instruments. *Publications of the Astronomical Society of the Pacific*, 122(898), 1471.
35. Pamučar, D., Mihajlović, M., Obradović, R., & Atanasković, P. (2017). Novel approach to group multi-criteria decision making based on interval rough numbers: Hybrid DEMATEL-ANP-MAIRCA model. *Expert Systems with Applications*, 88(1), 58-80.
36. Roxas, B. G., Cayoca-Panizales, R., & de Jesus, R. M. (2008). Entrepreneurial knowledge and its effects on entrepreneurial intentions: development of a conceptual framework. *Asia-Pacific social science review*, 8(2), 61-77.
37. Ruzzier, M., Antončič, B., & Konečnik, M. (2006). The resource-based approach to the internationalisation of SMEs: Differences in resource bundles between internationalised and non-internationalised companies. *Zagreb International Review of Economics & Business*, 9(2), 95-116.
38. Schumpeter, J. A. (1934). The theory of economic development, tr. By Redvers Opie, *Harvard Economic Studies*, 40, 20.
39. Schumpeter, J. A. (1972). *Imperialism and social classes: Two essays*. Ludwig von Mises Institute.
40. Senges, M. (2007). *Knowledge entrepreneurship in universities. Practice and strategy in the case of Internet based innovation appropriation* (Doctoral dissertation). Universitat Oberta de Catalunya.
41. Shane, S., Locke, E. A., & Collins, C. J. (2003). Entrepreneurial motivation. *Human resource management review*, 13(2), 257-279.
42. Sumrit, D., & Anuntavoranich, P. (2013). Using DEMATEL method to analyze the causal relations on technological innovation capability evaluation factors in Thai technology-based firms. *International Transaction Journal of Engineering, Management, & Applied Sciences & Technologies*, 4(2), 81-103.
43. Taewook, C. (2004). *Promoting a Northeast Asia economic integration policy*. Retrieved 2009, 10 September, http://www.koreafocus.or.kr/main_view.asp?volume_id=33&cate_code=A&g_cate_code=AA&g_code=537
44. Tajnikar, M. (2000). From a labor-managed economy to a market economy: A contribution to economic transformation. *Atlantic Economic Journal*, 28(1), 93-103.
45. Tersine, R. J., & Riggs, W. E. (1976). The Delphi technique: A long-range planning tool. *Business Horizons*, 19(2), 51-56.
46. Touraine, A. (1971). *The post-industrial society: tomorrow's social history*:

- classes, conflicts and culture in the programmed society* (Vol. 6813). Random House.
47. Tshikovhi, N., & Shambare, R. (2015). Entrepreneurial knowledge, personal attitudes, and entrepreneurship intentions among South African Enactus students. *Problems and Perspectives in Management*, 13(1), 152-158.
 48. Van den Bosch, F. A., Volberda, H. W., & De Boer, M. (1999). Coevolution of firm absorptive capacity and knowledge environment: Organizational forms and combinative capabilities. *Organization Science*, 10(5), 551-568.
 49. Vesper, K. H. (1986). New developments in entrepreneurship education. *The art and Science of Entrepreneurship*, 24(1), 379-387.
 50. Wei, Y., & Guo, W. (2010). Construction of the entrepreneurship education teachers based on the characteristics of business education level. *International Education Studies*, 3(2), 91-96.
 51. Wiklund, J., Davidsson, P., & Delmar, F. (2003). What do they think and feel about growth? An expectancy-value approach to small business managers' attitudes toward growth. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 27(3), 247-270.
 52. Yadegari, M., & Tarokh, M. (2017). Using fuzzy DEMATEL technique to ranking knowledge management strategies. *Iranian Journal of Information processing and Management*, 32(3), 761-788.
 53. Yin, R. K. (2003). *Case study research: design and methods* (3rd ed.). Thousand Oaks, Calif.: Sage Publications.
 54. Zhou, H. (2010). *Knowledge, entrepreneurship and performance: Evidence from country-level and firm-level studies* (No. EPS-2010-207-ORG).
 55. Ziaee, M., Mahmoudzade, S., & Shahi, T. (2017). Prioritization of factors influencing on implementing green supply chain management in tourism industry. *Geography And Development Iranian Journal*, 15(46), 19-34.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

تحلیل جامعه‌شناختی همسرستایی و نکوهش همسر (زن-مرد) در شعر و ادب فارسی

محمدیار انصاری (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران)

my.ansari3236@gmail.com

محمدهادی خالق زاده (استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران، نویسنده

مستول)

asatirpars@yahoo.com

جلیل نظری (دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران)

jnazari1334@yahoo.com

چکیده

جنس زن در شعر و ادب فارسی چهره مثبت ندارد و در اشعار معمولاً مورد بی‌مهری گویندگان قرار گرفته است، اما آنگاه که در جایگاه همسر قرار می‌گیرد، با اینکه در ادبیات کلاسیک در هاله‌ای از ابهام و پوشیدگی قرار می‌گیرد، کم‌وبیش ستایش می‌شود، ولی در غزل معاصر از جایگاه والایی برخوردار است که پیوسته در قاب مدح و ستایش شاعران قرار می‌گیرد. همسر (مرد) در غزل فارسی - چه کلاسیک و چه معاصر - کمتر نمود دارد، ولی همین تعداد کم، کمتر ستایش شده است و بیشتر از طرف زنان نکوهش شده است. هدف از نگارش این مقاله، بررسی و تحلیل همسرستایی و نکوهش همسر (زن - مرد) در شعر و ادب فارسی است. روش کار کتابخانه‌ای و توصیفی تحلیلی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در شعر کلاسیک شاعران کمتر از همسر (زن) خویش سخن گفته‌اند و اگر از او ستایش کرده‌اند، بسیار محدود و بیشتر در مرثیه وفات آن‌ها شعر سروده‌اند و از همسر (مرد) خبری نیست، اما در غزل معاصر از آن تفکرات مردسالاری و مردمحوری تا

حد زیادی کاسته شده و به‌ویژه همسر (زن) شاعر ستایش و مدح شده است و حتی مردان در جایگاه همسر گاه ستایش و گاه نکوهش شده‌اند. در این دوره ذهنیت غنایی شاعران تغییر کرده است و آن‌ها نه تنها زبان به ستایش همسر (زن) خود گشوده‌اند، حتی نام آن‌ها را هم در غزل ذکر کرده‌اند که در ادبیات کلاسیک ما اصلاً سابقه ندارد.

کلیدواژه‌ها: شعر فارسی، جامعه‌شناختی، همسر (زن - مرد)، ستایش همسر.

۱. مقدمه

با آغاز دوره معاصر شرایط اجتماعی تا حد زیادی دگرگون می‌شود و شرایط حاکم باعث شد که روابط دو جنس مؤنث و مذکر در جامعه حالت عادی‌تری به خود بگیرد و روابط بین آن‌ها ملموس‌تر می‌شود و آن دیوار حائل که قرن‌ها بین دو جنس مخالف کشیده شده بود، برداشته شد. از این منظر عاشق و معشوق به هم نزدیک‌تر شدند؛ بنابراین شاهد آن هستیم که در این دوره، دیگر از معشوق مذکر خبری نیست و هر معشوقی که در شعر این دوره نمود می‌یابد و ستایش می‌شود، الزاماً از جنس مؤنث است. در غزل معاصر بیش از آنکه از وصال‌نیافتن و فراق و هجران یار سخن گفته شود و عاشق در نبود معشوق خویش زانوی غم به بغل بگیرد و ناامید و مأیوس به گوشه‌ای خیره شود، از عشقش به معشوقی صحبت می‌کند که به راحتی می‌تواند با هم قدم بزنند و حرف‌های عاشقانه به هم بگویند. این تصور از عشق و معشوق در دوره معاصر از فضای رمانتیک نشئت می‌گیرد که ماحصل جریان‌های فرهنگی و سیاسی جدیدی است که جامعه فعلی را متأثر کرده است. «درواقع، غزل معاصر، افق روشنی را در مقابل خویش نظاره می‌کند که طرح‌های تازه‌ای را رقم خواهد زد؛ از این رو می‌کوشد خودش را از حیطة سنت برهاند. آنگاه که غزل فضای رمانتیکش را در عرصه مدرنیته تجربه می‌کند، مسلم است که مهم‌ترین رکن آن یعنی معشوق نمی‌تواند از این تغییر و تحول به دور بماند. آن معشوق دست‌نیافتنی و گاه آسمانی که برای عاشق ستاره سهیل بود، حالا به معشوق انسانی-زمینی تبدیل شده است که عاشق می‌تواند با او معاشرت داشته باشد» (خلفی، نظری و فاموری، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۱). این موضوع چنان عینیت پیدا می‌کند و به

طرف فردیت معشوق سوق می‌یابد که حتی زن و همسر شاعران با ذکر نام وی، در شعر در جایگاه معشوق قرار می‌گیرد و شاعر -عاشق- او را می‌ستاید و توصیف می‌کند. از این منظر می‌توان بیان کرد که معشوق در این جایگاه نگرشی تازه پیدا می‌کند؛ بنابراین شاهد آن هستیم که دیدگاه‌های تازه‌ای در این زمینه در شعر معاصر مطرح می‌شود. در عمر چندین ساله شعر فارسی، تقریباً زن، به‌خصوص در جایگاه معشوق، چهره روشنی ندارد و شاعران سیمای واضحی از او ارائه نکرده‌اند، اما باید به این نکته توجه کرد که زن در جایگاه مادر، همواره در طول تاریخ از جایگاه و مقام والایی برخوردار بوده است و حتی در حماسه‌ها، زنان نام‌آور و گرد ستایش شده‌اند، اما جنس زن در مقابل مرد، کم‌وبیش چهره‌ای نکوهیده را در ادبیات از خود بر جای گذاشته است و تنها دلیل این موضوع را می‌توان جامعه مردسالاری دانست که سال‌ها بر آن سیطره داشته و در قرن متمدن فعلی نیز تا حد زیادی چهره خودش را نشان داده است. «حقیقت این است که زن ایرانی در گذشته، عملاً وجود خارجی نداشته است و اگر وجود خارجی داشته، وجودی مخفی، مرموز، عقب‌نگه‌داشته‌شده و مردزده بوده است. سیادت تاریخی مرد، زن را تنها به‌عنوان یک انسان درجه دو، انسان شیئی شده و از انسانیت افتاده، خواسته‌است؛ طوری که گویی او حتی حاضر و ناظر بر جریان‌های تاریخی هم نمی‌توانسته‌است باشد؛ چه رسد به اینکه مثل زینب اعراب با نطق و بیانش مجلس یزید را به لرزه درآورد یا مثل ژاندارک، عصیان را به وحی و الهام درآمیزد و قیامش را منطقی و درعین حال الهی نشان دهد و یا مثل الیزابت اول دل شیر پیدا کند و سلیح رزم بپوشد و در میدان جنگ حاضر شود و قوم خود را به ضدناوگان شکست‌ناپذیر فیلیپ اسپانیایی، به مبارزه برانگیزد و حتی پیروز هم از آب درآید» (براهنی، ۱۳۶۳، صص. ۲۹-۲۸).

۲. مبانی نظری تحقیق

زن به طور کلی در اجتماع و ادبیات فارسی سیمایی چندگانه دارد که می توان گفت زن در طول زندگی خویش از سیمایی چندگانه برخوردار است؛ گاه مظهر عشق و دلدادگی است و سیمایی عاشقانه دارد؛ البته این عشق و دلدادگی هم می تواند در قالب عشق مجازی و زمینی نمود یابد که در آن بیشتر جنبه های مادی و جسمانی مدنظر است و در ادبیات از این نوع عشق کم نیست و عشق سیاوش و سودابه و یا زال و رودابه از این گونه اند و هم می تواند در ساختار عشق الهی و سماوی جلوه کند که در این نوع عشق، عاشق یا هر دو – عاشق و معشوق – به جنبه جسمانی و مادی توجه ندارند. معمولاً این عشق ها، عشق هایی همراه با عفت است و عاشق پروایی از بیان عشق خویش ندارد و به سرعت رنگ عرفانی و روحانی به خود می گیرد. همچنین زن گاه معشوق است، زمانی همسر است و در وقتی دیگر در مقام مادری دلسوز و فداکار و مربی تربیتی خانواده، گاه زن مظهر پارسایی و توکل است و زمانی مظهر زهد و پرهیزگاری، گاه مظهر خردمندی و سیاستمداری و میهن پرستی است و در جایگاهی دیگر کینه توز و فتان. اصولاً مرد در ادبیات فارسی در توصیفات عاشقانه کمتر نمود دارد. در ادبیات کلاسیک کمتر با ستایش و مدح معشوق مرد روبه رو می شویم؛ البته در ادبیات معاصر فروغ فرخزاد این تابو را می شکند و سیمای مرد هم در توصیفات عاشقانه جای می گیرد. از آنجاکه ستایش همسر (زن-مرد) در ادبیات فارسی کمتر نمود داشته است، محقق به دنبال بررسی و تحلیل این مسئله است که اول اینکه جایگاه و مدح همسران در شعر کلاسیک و معاصر چگونه است؟ دوم اینکه از منظر جامعه شناختی جایگاه و مقام همسران در شعر معاصر چگونه است؟ بررسی ها نشان می دهد که آشنایی ایرانیان با فرهنگ غرب و ارتقا از جایگاه رعیت به مقام شهروندی باعث شد که جنس زن و به تبع آن همسر، هویت واقعی خود را در جامعه ایرانی باز یابد و بتواند خودش را در اجتماعی که مردسالاری در آن بسیار پررنگ بود نشان دهد. این موضوع در شعر معاصر بسیار نمود داشته است و شاعران زیادی

نه تنها از همسر خویش سخن گفته‌اند و وی را ستوده‌اند، بلکه نام او را هم در شعر خویش عنوان کرده‌اند؛ کاری که در ادبیات کلاسیک ایران کمتر دیده شده است.

۱.۲. پیشینه تحقیق

درباره جایگاه زن در ادبیات تا به حال کارهای زیادی نوشته شده و مقاله‌ها و کتاب‌های گوناگونی به رشته تحریری درآمده است، ولی درباره همسر و جایگاه وی در شعر فارسی از آغاز تاکنون کار مستقل و جامعی صورت نگرفته است. جعفری و متوسلی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «سیمای زن در ادبیات معاصر» می‌نویسند: زن به عنوان قشر لطیف و شکننده جامعه، در ادبیات داستانی ایران، جایگاه ویژه‌ای دارد. هرکدام از نویسندگان معاصر، به فراخور تقاضا و امکانات فرهنگی جامعه زمان خود، این جنس حساس را به گونه‌ای در آثار خود جای داده‌اند. بعضی از این نویسندگان، زن را مانند همان معشوق خوش‌سیما و دلبر عشوه‌گر و طناز ادبیات سنتی تصویر کرده‌اند و گروهی دیگر به رخدادهای اجتماعی و فرهنگی مربوط به زنان پرداخته‌اند. شیرخانی، آهیخته و آهیخته (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جایگاه اجتماعی زن در میان متون ادبی ایران باستان و اعراب جاهلی عرب» می‌نویسند: زن در اجتماع و فرهنگ ملت‌های گوناگون، در تمامی ادوار، جایگاه و موقعیت خاص خود را داشته است. کرمی و جمالی (۱۳۹۶) در مقاله «زن ستایی در شعر فارسی: بررسی و تحلیل ستایش ممدوحان زن در قصاید مدحی» بیان کرده‌اند که در کنار حجم انبوه ستایش مردان، تعدادی از شاعران به مدح زنان نیز پرداخته‌اند. رسولی‌پور، روشن و نیکنام (۱۳۹۵) در مقاله «جایگاه‌شناسی ارزش زن (همسر) در شعر معاصر فارسی و عربی» می‌نویسند: یکی از مباحث مهم ادبیات معاصر، توجه به زن و جایگاه وی در خانواده و به تبع آن اجتماع است. نامدار (۱۳۹۲) در مقاله «زن ستایی و زن‌ستیزی در شعر معاصر ایران و عرب» می‌نویسد: یکی از گفتمان‌های پر قدرت در ادبیات، گفتمان جنسیت است و با فرض اینکه زبان و ادب فارسی و عربی از زبان‌هایی است که در چهارچوب گفتمان مردسالاری شکل گرفته است، به بررسی ریشه‌ها و جلوه‌های زن‌ستیزی در شعر معاصر ایران و عرب

پرداخته است. خافی (۱۳۹۱) در پایان نامه خود با عنوان «بررسی تطبیقی سیمای زن در شعر احمد شاملو و نزار قبانی» می نویسد: یکی از موضوعات اساسی شعر معاصر فارسی و عربی توجه به مسائل اجتماعی، سیاسی و غیره است. زن به عنوان یکی از عناصر تأثیرگذار بر اجتماع، پس از دوره بیداری در شعر معاصر مدنظر ویژه قرار گرفت؛ درحالی که تا قبل از آن، چندان برای موقعیت و حقوق او اهمیتی قائل نمی شدند. ازجمله شاعرانی که موضوع زن و جایگاه او در شعرشان انعکاس یافته است، ملک الشعرای بهار است.

۳. روش تحقیق

جامعه مطالعه شده در این تحقیق، شاعران ادب فارسی است، ولی از آنجاکه تعداد شاعران این حوزه بسیار زیاد است و بررسی تمامی دواوین شعر فارسی در این مجال نمی گنجد، پژوهشگر در این مقاله قصد دارد همسرستایی را در اشعار فارسی با تکیه بر آثار شاعران کلاسیک (فردوسی، ناصر خسرو، نظامی گنجوی، خاقانی، انوری، سعدی، حافظ، خواجه کرمانی، صائب تبریزی) و شاعران معاصر (شاملو، اخوان ثالث، بهمنی، منزوی، محمدتقی بهار، نیما یوشیج، فروغ فرخزاد، هوشنگ ابتهاج، سیمین بهبهانی، شهریار، ژاله قائم مقامی) بررسی کند. وقتی شعر معاصر را از نظر می گذرانیم، به شاعرانی برمی خوریم که همسر خویش را با نام در اشعار خود ستوده اند و از این منظر همسرستایی در اشعار معاصر شکل گرفته است که توانسته زن را در مقام همسر از آن ابهام برهاند و تشخیص بخشد؛ البته در شعر کلاسیک هم بسیاری از شاعران از همسر خویش سخن گفته اند و او را ستوده اند، اما به صراحتی که در شعر معاصر عنوان شده است، نیست. گردآوری اطلاعات تحقیق به روش کتابخانه ای انجام گرفته است؛ به این صورت که منابع مورد نیاز مطالعه شد، سپس مطالب مربوط به تحقیق به صورت فیش دسته بندی شد و بعد از اینکه مطالب استخراج شده از منابع پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی معمول در حوزه علوم انسانی تجزیه و تحلیل شد، نگارش مقاله آغاز شده است.

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. همسرستایی (زن-مرد) در شعر کلاسیک

خانواده از جمله پایه‌های اصلی و اساسی در هر اجتماع است که جایگاه شکل‌گیری آینده یک کشور قلمداد می‌شود که سلامت و سعادت جامعه در گرو سلامت و پویایی نظام خانواده است. از این نظر می‌توان استنباط کرد که خانواده اولین و درعین‌حال مهم‌ترین عامل اثرگذار بر رفتار است و نقش بسزایی در تشکیل و رشد شخصیت افراد دارد؛ چراکه سلامت جسمی و روانی هر فرد رابطه مستقیمی با خانواده سالم دارد. در این میان، نقش زن در ایجاد و انسجام خانواده سالم در دو بعد نقش همسری که شامل تأمین نیازهای جسمی و روانی، مدیریت و تدبیر امور خانه، شاکر بودن و قناعت‌پیشگی، عفت و وفاداری به همسر و مادری که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نقش زن در خانواده است و همچنین نقش اجتماعی زنان در جامعه درخور توجه است. زن نقش اصلی در شکل‌گیری شخصیت، خودپنداری، دلبستگی و اعتماد بنیادی فرزندان و ایجاد یک خانواده متعادل دارد که محیطی آکنده از آرامش، حمایت، محبت و تنها مکان برای تجربه عمیق‌ترین عواطف انسانی است.

به روایت اسناد و منابع تاریخی کهنی که از گذشته به‌جا مانده است، زن در بیشتر جوامع بشری حتی جوامع متمدنی چون ایران، از بسیاری از حقوق اجتماعی و مادی خویش همچون حق معامله، پیشه، مالکیت، انتخاب همسر، طلاق و غیره محروم بوده است (ر. ک: حکیم پور، ۱۳۸۲، ص. ۷۱).

زنانی که در طول تاریخ عموماً چهره منفی داشته‌اند و از آن‌ها به بدی یاد شده است، آنگاه که در جایگاه مادر قرار می‌گیرند، ستایش می‌شوند و گاه که در موقعیت معشوق می‌نشینند، چنان مقامی می‌یابند که با معبود پهلوی می‌زنند، اما در ادبیات کلاسیک آنگاه که زن در جایگاه همسر قرار می‌گیرد، چهره‌ای مبهم و ناآشنا دارد و کمتر شناخته شده است و یا اصلاً در کانون توجه شاعران قرار ندارد و اگر هم یادی از او شده، بسیار اندک است. واکاوی در این زمینه نشان می‌دهد که این موضوع بیشتر به‌خاطر تعصباتی است که زاده قرون

متمادی تمدن و اشرافیت ایرانیان است که بیشتر متمایل به جنس مذکر بوده است و اصولاً ربط چندانی به دین و مذهب هم نداشته است؛ بنابراین همسر به خاطر برخی تعصبات و دیدی منفی که درباره زنان وجود داشت، در اشعار و توصیفات عاشقانه جایگاه مطلوبی نداشته است و شاعران کمتر یا هیچ یادی از او نکرده اند و اگر هم از او نام برده اند، در لفافه سخن گفته اند. به نظر می رسد یا شاعران آن ها را که پیوسته در کنارشان بوده اند، نمی دیده اند یا به خاطر تعصب و غیرت مردانه خویش سخنی از آن ها به میان نیاورده اند، اما هستند شاعرانی که هرچند کوتاه از همسران خویش سخن رانده و در مدح و ستایش آن ها اشعاری سروده یا دست کم از آن ها به نیکی یاد کرده اند. در بخشی از شاهنامه، درباره صفات و ویژگی های همسر از قول انوشیروان می خوانیم:

چنان دان که چاره نباشد ز جفت ز پوشیدن و خورد و جای نهفت

اگر پارسا باشد و رای زن یکی گنج باشد براگنده زن

(فردوسی، ۱۳۸۴، ۹۵/۸)

در این میان فردوسی به بسیاری از زنان بی مهری کرده و حتی آن ها را شایسته مشاوره ندانسته است، اما به همسر خویش نهایت ادب و احترام را روا داشته و با ادب، متانت و سرشار از عشق از وی سخن گفته است. این زن در سرای خود فردوسی است و به نظر می رسد همسر اوست (ر.ک: مزداپور، ۱۳۶۹، ص. ۵۵۲؛ مزداپور، ۱۳۶۹، صص. ۷۱-۹۴؛ کامرون، ۱۳۶۵، ص. ۱۸) که در ابتدای داستان بیژن و منیژه نمود می یابد و چنانکه فردوسی بیان می کند، اوست که داستان بیژن و منیژه را برای فردوسی احتمالاً از روی شاهنامه ابومنصوری خوانده و فردوسی آن را به نظم کشیده است:

بدان تنگی اندر بجستم ز جای یکی مهربان بودم اندر سرای

خروشیدم و خواستم زو چراغ برفت آن بت مهربانم ز باغ

مرا گفت شمعت چه باید همی؟ شب تیره خوابت بباید همی

بدان سرو بن گفتم ای ماهروی یکی داستان امشبم بازگوی

که دل گیرد از مهر او فرّ و مهر	بدو اندرون خیره ماند سپهر
مرا مهربان یار بشنو چه گفت	از آن پس که با کام گشتیم جفت
بیمای می تا یکی داستان	ز دفتر برخوامت داستان
بگفتم بیار ای بت خوب‌چهر	بخوان داستان و بیفزای مهر
همت گویم و هم پذیرم سپاس	کنون بشنو ای جفت نیکی شناس

(فردوسی، ۱۳۸۴، ۷/۵)

همسر (زن) در فرهنگ ایرانی کانون پرورش ارزش‌های والای انسانی چون تربیت، عفت، عطوفت، رحمت، عشق و محبت و ده‌ها خصلت دیگر است. شاهد این مدعی سخنان بسیار شعرا و بزرگان در مدح و ستایش زن خانه یا همان همسر است. شاعران اگرچه مطلقاً نام همسر خویش را بر زبان نیاورده است، اما ستایش همسران است. نظامی گنجوی در اسکندرنامه از بت قبحاقتی خود سخن می‌گوید که با توجه به محتوای اشعار سروده شده چنین برمی‌آید که همسر وی باشد:

سبک‌رو چون بت قبحاقت من بود	گمان افتاد خود کافاق من بود
-----------------------------	-----------------------------

(نظامی، ۱۳۸۳، ۳۶۲/۱)

ادبیات کلاسیک ما منهای توصیف معشوق، ادبیاتی کاملاً مردانه تلقی می‌شود که زنان به‌طور عام و همسران به‌طور خاص در آن جایگاهی ندارند: «تاریخ ما، به شهادت خودش، در طول قرون، به‌ویژه پیش از مشروطیت، تاریخی مذکر بوده است؛ یعنی تاریخی بوده است که همیشه مرد، ماجراهای مردانه، زور و ستم‌ها و عدل و عطوفت‌های مردانه، نیکی‌ها و بدی‌ها، محبت‌ها و پلشتی‌های مردانه بر آن حاکم بوده‌اند. زن اجازه نقش‌آفرینی نیافته است؛ به همین دلیل از عوامل مؤنث در این تاریخ چندان خبری نیست» (براهنی، ۱۳۶۳، ص. ۲۷)، اما شاعران کم‌وبیش آن هم در حجم اندک، گاهی به ستایش همسر خویش، گریزی زده و او را ستوده‌اند. نظامی آنگاه که داستان عاشقانه خسرو و شیرین را به اتمام می‌رساند، یادی هم

از آفاق، کنیزک قبیچاقی می کند که او را به همسری خودش برگزید و در ستایش وی چنین سروده است:

در این افسانه شرط است اشک راندن
به حکم آنکه آن کم زندگانی
گلایبی تلخ بر شیرین فشاندن
سبک رو چون بت قبیچاق من بود
چو گل بر باد شد روز جوانی
گمان افتاد خود کآفاق من بود
(نظامی، ۱۳۸۳، ۳۶۲/۱)

اصولاً خاقانی را در ادبیات در زمره شاعران زن ستیز قلمداد کرده اند تا جایی که این موضوع را می توان از اشعارش نیز دریافت:

از یکی زن رسد هزار بلا
سنگ باران ابر لعنت باد
پس بین تا ز ده به صد چه رسد
بر زن نیک! تا به بد چه رسد
(خاقانی، ۱۳۷۵، ۱۱۵۶/۲)

وی نه تنها زنان را نکوهش می کند، حتی از زادن دخترش سرافکنده است:

مرا چه نقصان گر جفت من بزاد کنون
که دختری که ازینسان برادران دارد
به چشم زخم هزاران پسر یکی دختر
اگر بمیرد باشد بهشت را خاتون
عروس دهرش خوانند و بانوی کشور
اگر چه هست بدین سان خداش مرگ دهد
و گر بماند زبید مسیح را خواهر
اگر نخواندی نعم الختن برو برخوان
که گور بهتر داماد و دفن اولی تر
و گر ندیدی دفن البنات شو بنگر
(خاقانی، ۱۳۷۵، ۴۵۶/۲)

خاقانی در ابیاتی دیگر آرزوی مرگ دخترش را می کند. او معتقد است که گور برای دختران بهترین داماد است و به حدیث «نعم الختن القبر» استناد می کند؛ چنانچه صاحب قابوس نامه هم در این باره معتقد است: «دختر نابوده به و چون بوده باشد به شوهر به یا در

گور؛ چنانکه صاحب‌شریعت محمد مصطفی (ص) فرموده است: «دفن البنات من المکرمات» (عنصرالمعالی کیکاووس، ۱۳۶۸، ص. ۱۳۷).

اما مقام مادرش را به‌عنوان یک زن پاس می‌دارد و از نخستین همسرش هم به نیکی یاد می‌کند (خاقانی سه همسر اختیار کرده بود که از دومی و سومی خاطره خوشی ندارد) (ر. ک: زرین‌کوب، ۱۳۷۸، ص. ۱۸؛ کزازی، ۱۳۷۴، ص. ۴). «همسر اول خاقانی، دختر ابوالعلاء گنجوی، از لطیف‌ترین موضوع‌های دلبستگی خاقانی در زندگی است و از مرثی‌های پرسوزی که در سوگ وی سروده می‌توان به میزان مهر و علاقه شاعر نسبت به او پی برد. خاقانی در این اشعار از همسرش به‌عنوان «اندوه‌گسار»، «آشنای جان»، «آب زندگانی»، «یار وفا پرورد»، «یادگار عمر»، «یادگار دل»، «جگر ترکن»، «آینه آرزو نگار» و «طیب کار» خویش یاد می‌کند» (معدن کن، ۱۳۷۲، ص. ۴؛ حسینی، ۱۳۸۷، ص. ۹۱).

بس و فاپرورد یاری داشتم	بس به راحت روزگاری داشتم
من نبودم بی‌دل و یار این‌چنین	هم‌دلی، هم یار غاری داشتم
آن نه یار، آن یادگار عمر بود	بس به آیین یادگاری داشتم
راز من بیگانه کس نشینده بود	کاش نادل رازداری داشتم
هرگز از هیچ اندهیم انده نبود	کز جهان، انده‌گساری داشتم

(خاقانی، ۱۳۷۵، ۳۶۰/۱)

سعدی شیرازی از ازدواج اول خود که ظاهراً اجباری بوده، چندان رضایتی نداشته است (ر. ک: ماسه، ۱۳۶۹، صص. ۴۴-۴۳) و بنا بر آنچه در گلستان آورده همسرش «بدخوی، ستیزه روی، نافرمان بود؛ زبان‌درازی کردن گرفت و عیش مرا منغص داشتن» (سعدی، ۱۳۸۰، ص. ۲۰۲)؛ بنابراین ستایش چنین همسری مسلماً دور از عقل و خرد است، اما ازدواج دوم وی در طول سفر در صنعا اتفاق می‌افتد و به نوشته هانری ماسه «در آنجا ازدواج کرد و در همان‌جا بایستی از سعادت پدرشدن بهره‌مند گردیده باشد» (ماسه، ۱۳۶۹، ص. ۷۹). از وضعیت، خوشایندی و ناخوشایندی این ازدواج، سعدی هیچ سخن نگفته است، اما وی در

بوستان مشخصات و ویژگی‌های یک همسر خوب را عنوان کرده است که می‌تواند درباره همسر دوم خودش نیز مصداق داشته باشد (ر.ک: کدیور، ۱۳۸۶، ص. ۸۲):

زن خوب فرمان‌بر پارسا	کند مرد درویش را پادشا
برو پنج نوبت بزن بر درت	چو یاری موافق بود در برت
همه روز اگر غم خوری غم مدار	چو شب غمگسارت بود در کنار
سفر عید باشد بر آن کدخدای	که بانوی زشتش بود در سرای

(سعدی، ۱۳۷۹، ص. ۱۶۳)

در دیوان حافظ شیرازی به صراحت از همسر او یاد نشده است، اما شاعر از زنی با عناوین «یار خانگی» و «شمشاد خانه‌پرور» و به قولی «شاخ نبات»، به تکرار یاد کرده است: باغ مرا چه حاجت سرو صنوبر است شمشاد خانه‌پرور من از که کمتر است (حافظ، ۱۳۸۰، ص. ۵۷)

حافظ‌شناسان (خرمشاهی، ۱۳۸۱، ص. ۲۶۷) برای حافظ همسری اهل فضل و کمال می‌شناسند که حتی در تصحیح شعر، او را یاری می‌داده است: این همه شهد و شکر کز سخنم می‌ریزد اجر صبری ست کز این شاخه نباتم دادند (حافظ، ۱۳۸۱، ص. ۲۴۷)

خواجوی کرمانی نیز در زمان حیات همسرش، شعری برای او سروده و لب به ستایشش نگشوده است، اما بعد از مرگش در مرثیه وی این گونه سروده است:

روزگاری روی در روی نگاری داشتم	راستی با رخس خوش روزگاری داشتم
همچو بلبل می‌خروشیدم به فصل نوبهار	زان که در بستان عشرت نوبهاری داشتم
گر غم خون‌جگر می‌خورد هیچم غم نبود	از برای آن‌که چون او غمگساری داشتم
داشتم یاری که یک ساعت ز من غیبت نداشت	گرچه هر ساعت نشیمن در دیاری داشتم

(خواجوی کرمانی، ۱۳۶۹، ص. ۷۲۱)

اگر آغاز شعر معاصر را مشروطه بدانیم، به‌جرات می‌توان گفت که طالب آملی (۱۰۳۶ - ۹۴۴ ه.ق) صریح‌ترین ستایش و مدح را در شعر کلاسیک درباره همسر خویش بیان کرده است:

زنی دارم از دودمان اصیل	به اندام نازک، به صورت جمیل
پری‌پیکری رشک حور بهشت	خمیر وجودش ملایک‌سرشت
نگاری ز سر تا قدم رنگ و بوی	به حسن گل و سنبلس روی و موی
چو لب را به وصفش کنم رهنمون	پری ریزم از شیشه دل برون

(طالب آملی، ۱۳۴۶، ص. ۲۱۸)

در ادبیات کلاسیک با اینکه کلیت معشوق مطرح است، اما در ژرف‌ساخت معنا، معمولاً معشوق زن است. شاعران کوشیده‌اند سیمایش را تنها در لفافه بیان کنند و مرد -چه در جایگاه معشوق و چه در جایگاه همسر- اساساً آن‌گونه که جنس زن خودنمایی می‌کند، نمود ندارد و معشوق مذکر هم معمولاً منظور نوظطانی هستند که آن هم در مقام معشوق زن از طرف شاعران توصیف می‌شوند؛ حتی زنان شاعر نیز که مسلم است معشوقشان مرد است، به‌طور واضح از مرد در غزلیات خود سخن نرانده‌اند؛ بنابراین شاهد آن هستیم که رابعه و مهستی گنجوی در اشعارشان چهره مشخصی از مرد را نمایان نکرده‌اند و درواقع، معشوق خود یا همان مرد را به‌صورت مبهم نام برده‌اند.

۴. ۲. ستایش همسر (زن) در شعر معاصر

در دوره معاصر نه‌تنها زن‌ستیزی کم شده، بلکه ستایش همسر در قالب معشوق شاعر صریح و آشکار در غزلیات نمود یافته است؛ بنابراین در شعر معاصر، گاهی شاهد آن هستیم که معشوق، همان همسر شاعر است که رخ می‌نماید و شاعر وی را می‌ستاید و حتی وی را بانامش خطاب می‌کند. بهار ازجمله شعرای معاصر است که نگاه مثبتی به زن و به‌تبع آن به همسر دارد. وی در عین حال که مقام زن را پاس می‌دارد و او را حرمت می‌نهد و از حقوق

اجتماعی‌اش دفاع می‌کند، بر لزوم علم آموختن زنان به دلیل نقش مؤثرشان در تربیت نسل آینده تأکید دارد:

سوی علم و هنر بشتاب و کن شکر که در این دوره والایی ای زن
(بهار، ۱۳۸۷، ص. ۵۰۴)

ولی نگاهش به زن در جایگاه همسر هنوز متأثر از رویکرد مردگرایانه کلاسیک است که از نوعی تفکر سنتی نشئت می‌گیرد. در شعر بهار هیچ نشانی از آزادی اجتماعی همسران نمی‌توان یافت و فعالیت اجتماعی آن‌ها تنها در حیطه خانه تعریف می‌شود. بهار با اینکه همسرش را امیر خانه خطاب می‌کند و در حق او نهایت احترام را قائل است، اما فقط وظایفش را در چارچوب خانه می‌داند و از وی این‌چنین یاد می‌کند:

وان خاتون کوست مادر اطفال کدبانوی منزل است و نیک‌اختر
زیر نظر وی است هر چیزی از مطبخ و از اتاق و از دفتر
آزاد بود به خانه و برزن مانند یکی امیر در کشور
(بهار، ۱۳۸۷، ص. ۳۹۹)

بهار همسر خود را می‌ستاید که به پرورش و تربیت کودکان می‌پردازد و از آموزش و تعلیم ایشان نیز غافل نیست:

خود زاید و خود بهرورد اطفال خود شیر به کودکان دهد یکسر
در حفظ مزاج کودکان کوشد مانند یکی پزشک دانشور
ز مدرسه کودکان چو برگردند بنشسته و درسشان کند از بر
(بهار، ۱۳۸۷، ص. ۳۹۹)

در میان غزل‌سرایان معاصر، حسین منزوی بیش از دیگران از همسر و مدح و ستایش وی سخن رانده و تصویر او را در اشعار خود توصیف کرده است:

تو شاید آن زن افسانه‌ای که می‌آری به هدیه با خود، خورشید را به خانه من
تو شاید آمده‌ای سوی من که برداری به مهر، بار غریبیم را، ز شانه من
(منزوی، ۱۳۸۷، ص. ۳۰)

منزوی به‌راستی تصویری دگرگونه از همسر دارد. وی به‌هیچ‌وجه دیگر نگاه تحقیرآمیز به زن ندارد؛ چراکه این زن همان همسر اوست و به نظر می‌رسد ذهنیت غنایی شاعر درباره زن و جنس وی به‌کلی تغییر یافته است که این‌گونه می‌گوید:

زنی چنین که تویی بی‌شک شکوه و روح دیگر بخشد به آن تصور دیرینه که دل ز معنی زن دارد
(منزوی، ۱۳۸۷، ص. ۶۶)

آن نگاه آرمانی شاعر که در گذشته، الهه‌ای در ذهن وی می‌ساخت و معشوق را تا حد بسیار زیادی دست‌نیافتنی جلوه می‌داد، در قوس نزولی خود به زنی می‌رسد که در خانه‌اش حضور دارد و در جایگاه معشوقه شاعر قرار می‌گیرد و قابل‌دسترسی است. این معشوق کاملاً شناخته شده است که حتی عاشق می‌تواند جزء به جزء سیمایش را بیان کند و آدرسی از رابطه عاشقانه‌اش عنوان کند:

از بیست سال پیش / در بیست سالگی / آن دختر یگانه / شهدخت دختران / تا این زن
یگانه / زیبای بانوان / بر ما چه رفت از پس آن سال و سال‌ها / تو آن مسافر سفر شور و
حال‌ها / من، این نشسته در دل رنج و ملال‌ها.
(مصدق، ۱۳۸۶، ص. ۴۴۲)

همسر در غزل کلاسیک یا وجود عینی نداشت یا در هاله‌ای از ابهام و رازناکی توصیف می‌شد و چنان در لفافه پیچیده شده بود که بیانش برای شاعر هم مشکل می‌نمود و حتی عاشق آرزو داشت، بخشی از اعضای بدن وی را ببیند، اما در دوره معاصر و شعر و غزل نو، این موضوع به‌کلی منتفی است و همسر بر روی عاشق چهره می‌گشاید و چهره ناپوشیده خود را برای عاشقش می‌نمایاند. چنانکه می‌دانیم ملک‌الشعرای بهار شاعر معاصر است، اما او هنوز زن را فتان و حيله‌گر و بی‌وفا قلمداد می‌کند:

زن یکی بیش مبر ز آنکه بود فتنه و شر فتنه آن به که در اطراف تو کمتر باشد
(بهار، ۱۳۸۷، ص. ۳۵۴)

اما در عوض همسر را گوهری می‌شناسد که در صدف خانه جای دارد:
صدف خانه است و صاحب‌خانه غواص تو در وی گوهر یکتایی ای زن
تو یکتا گوهری در درج خانه و زان بهتر که گوهر زایی ای
(بهار، ۱۳۸۷، ص. ۵۰۴)

و تواضع و فروتنی وی را در خانه در مقابل شوهر می‌ستاید:
تواضع را چو خیزی پیش شوهر همایون شاخه طوبایی ای زن
(بهار، ۱۳۸۷، ص. ۵۰۴)

در دوره معاصر و با افزایش شعور اجتماعی و گسترش رسانه‌های سمعی و بصری، روزنامه‌ها، مجلات، آشنایی با فرهنگ غرب و ارتقای سطح آگاهی افراد جامعه، این موضوع نیز دستخوش تغییر و تحول شده است تا جایی که توان آدم‌ها برحسب نیروی فکری و استعداد آن‌ها محک می‌خورد و در ترازوی سنجش قرار می‌گیرد، نه براساس زور و بازو. پژوهشگران این حوزه معتقدند که «تفاوت زن و مرد، مانند نکته‌های دیگری که با تعصب درآمیخته مانند رنگ پوست، موقعیت قشری، محل تولد، سلیقه دینی - سیاسی، لهجه محلی و... می‌تواند باعث تفاوت در نقش اجتماعی نسل‌های آتی گردد. زن‌ستیزی در تاریخ جهان، نشانگر همین آلودگی فکری در سطح کل جامعه بوده است» (شیرازی، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۰).

در گذشته معشوق خیالی در قاب تصویر شاعر می‌نشست که مسلم است نمی‌توان اذعان داشت که همسر او باشد؛ زیرا هیچ نشانه‌ای دال در این باره یافت نمی‌شد، اما در سایه آشنایی شاعران فارسی با ادبیات جهان، به‌ویژه ادبیات فرانسه و تأثیرپذیری آن‌ها از فعالیت‌های زنان و مردان برای احقاق حقوق زنان، در دوره حاضر با اشعاری متفاوت و جسورانه مواجه می‌شویم که معشوق «زن شرعی و قانونی شاعر؛ یعنی همسر شاعر محسوب

می‌شود که در مشکلات و شادی‌های زندگی پایه‌پای او پیشرفته است. شاعر در این گونه از اشعار خود، در مقام قدردانی از همسرش برآمده‌است» (یزدانی، ۱۳۷۸، ص. ۱۸۶).

آنگاه که در شعر معاصر زن و معشوق یک شخص واحد می‌شوند و مقابل دیدگان عاشق –شاعر– قرار می‌گیرند، به‌هیچ‌وجه دیگر آن زن که در شعر سابق فتان، حيله‌گر و بی‌وفا بود، نمی‌تواند در غزل معاصر متجلی شود؛ بلکه سیمایی متفاوت خواهد داشت که البته دیگر آرمانی و دست‌نیافتنی نیست. همان زنی که در اجتماع می‌زید و در مقابل دیدگان همگان است و با افراد جامعه حشرونشر دارد و همراه و همگام همسر خویش زندگی می‌کند، حالا در غزل، معشوق عاشق خود قرار می‌گیرد و ستایش می‌شود. «نگاه شاعر در این گونه اشعار، به‌هیچ‌وجه رمانتیک صرف و انفعالی نسبت به زن نیست، بلکه وی را با همه حقیقت وجودی‌اش می‌ستاید و برای مخاطب توصیفش می‌کند تا ارزش وی را به تصویر بکشد. در ادب فارسی می‌توان به شاملو، نیما، قیصر امین‌پور و حسین منزوی و در شعر عربی به ماغوط، الیاس ابوشیکه و بدرالشاكر السیاب اشاره کرد که با دیدی ارزشی به همسران خود نگاه کرده و شعرشان را با نام آن‌ها مزین کرده‌اند و به جایگاه والایی که زنانشان در زندگی‌شان دارند، اشاره کرده‌اند» (رسولی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۳۰).

ولی در غزل معاصر عاشق و معشوق به هم نزدیک‌تر شدند و آن معشوق آرمانی از گنجینه ذهن شاعر رخت بربست و ذهن شاعر به واقعیت سوق یافت و عشق به همسر در غزل معاصر شکل گرفت. کاوش و بررسی در شعر و ادب فارسی نشان می‌دهد که این موضوع اتّفاقی نیست و ریشه در سیر تحولات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی دارد که در تاریخ معاصر به وقوع پیوسته‌است؛ بنابراین شاعران رویکردی متفاوت و شاید هم آگاهانه به جنس زن و به شعر کهن یافته‌اند و از این منظر معشوق مذکر در غزل معاصر مطرح نیست؛ از این رو شائبه لذات جنسی و ظاهری کاملاً مرتفع شده و به زن و شایستگی‌های وی نگاهی ارزشی شده است و نگاه شاعر به او نگاهی متعالی و قابل‌ستایش است:

زنی که صاعقه وار آنک، ردای شعله به تن دارد فرونیامده خود پیداست که قصد خرمن من دارد
همیشه عشق به مشتاق پیام وصل نخواهد داد که گاه پیراهن یوسف، کنایه های کفن دارد
زنی چنین که تویی بی شک شکوه و روح دگر بخشد به آن تصوّر دیرینه که دل ز معنی زن دارد
(منزوی، ۱۳۸۷، صص. ۶۶-۶۵)

شاملو به این نتیجه رسیده است که اگر بخواهد معشوق خیالی و دور از دسترسی را ستایش کند، بهتر است همسر^۱ خویش را که در کنارش هست، بستاید؛ به همین دلیل است که عشق به همسر در غزل شکل می گیرد و بخشی از درون مایه غزل معاصر را به خودش اختصاص می دهد. شاید بتوان گفت شاملو در میان شاعران معاصر در این زمینه سرآمد است. وی در کتاب *آیدا* در آئینه که در ستایش آیدا، همسرش، سروده است، عشق خود را به وی ابراز می کند:

میان خورشیدهای همیشه / زیبایی تو لنگری ست / خورشیدی که از سپیده دم همه
ستارگان / بی نیازم می کند / نگاهت / شکست عریانی روح مرا / از مهر جامه ای کرد /
بدانسان که کنونم / شب بی روزن هرگز / چنان نماید که کنایتی طنزآلود بوده است / و
چشمانت با من گفتند / که فردا / روز دیگری ست / آنک چشمانی که خمیرمایه مهر است
(شاملو، ۱۳۸۴، صص. ۴۵۴-۴۵۳).

شاملو در این شعر از کلمات و عبارات کلیشه ای که شاعران در غزل نثار معشوق می کردند، خود را رها کرده است. توصیفات وی از معشوق همان است که در واقعیت وجود دارند، نه عباراتی که خارج از ذهن هستند و عقل نمی تواند آن را بپذیرد. زیبایی معشوق، پیوند عشق را در قلب عاشق محکم و استوار می کند تا او را در کنارش برای همیشه نگه دارد. این گونه رابطه عاشقانه همان است که در سیر واقعی آدم ها در روی زمین جریان دارد.

۱. عشق شاملو به همسرش آیدا در اشعارش کاملاً هویداست و در مورد دیگر شاعرانی همچون منزوی، که همسر خویش را در شعرشان سروده اند، اگرچه نمی توان با قطعیت صحبت کرد، ولی بررسی زندگی نامه ایشان نشان می دهد که معشوقی جز همسر در شعرشان توصیف نشده است.

با آنکه بسیار ساده و ابتدایی است، نشان از یک واقعیت دارد. می‌توان گفت که محوریت عشق شاملو در این شعر آیدا است. «مدار و محور اندیشه و عواطف عاشقانه شاملو آیدا است که برایش مظهر تمامیت عشق و انسان و سرنوشت است» (روزبه، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۱). حسین منزوی نیز در همسرستایی غزل معاصر، فارسی ید طولانی دارد. همسر به عنوان معشوق در غزل‌های وی نقش محوری دارد. «نمود عشق در غزل منزوی فردگراست؛ یعنی رابطه عاشق و معشوقی را بیان می‌کند که رابطه‌ای ساده و ابتدایی دارند. معشوق شاعر، معشوقی زمینی است و شاعر، معشوق خود را آن‌چنان‌که هست، توصیف می‌کند؛ از همین رو، عشق‌ها و اندوه‌هایش، نیز سرشتی زمینی دارد» (مدرسی و کاظم زاده، ۱۳۹۰، ص. ۵۴۸). شاعر در بسیاری از اشعار به صراحت به بانوی من اشاره می‌کند:

چه بنویسم، چه ننویسم، چه بسرایم چه نسرایم تویی تو، گفته و ناگفته، بانوی غزل‌هایم
تمام عشق‌ها، پیش از تو مثل رودها بودند که باید می‌رساندم به تو، آری به دریایم
به‌سختی خسته‌ام از زندگی و ز خود، کجایی تا به‌قدر یک‌نفس، در سایه سروت بیاسایم؟
(منزوی، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۰)

بانوی من که چشم فرو بست خواب را در خواب خود به بند کشید آفتاب را
(منزوی، ۱۳۸۷، ص. ۷۳)

چنانکه اشاره شد، زن در شعر معاصر از آن مهجوریت که در گذشته گرفتارش شده بود، رهایی یافت و جایگاهش را در شعر پیدا کرد. به نظر می‌رسد شروع این اتفاق را باید به پدر شعر نو فارسی، نیما یوشیج، نسبت دهیم. او نیز در اشعارش از همسرش، عالیه، سخن می‌گوید. او همسرش را در نقش یک معشوق نمی‌ستاید و از وی تمجید نمی‌کند، ولی ذکر آن همسر در شعر، موضوع جدیدی در شعر معاصر بود که نیما آن را شروع کرد:

کاش می‌آمد از این پنجره، من بانگ می‌دادمش از دور بیا
با زخم عالیه می‌گفتم: زن! پدرم آمده، در را بگشا
(یوشیج، ۱۳۸۰، ص. ۲۳۸)

نیما در نامه‌های عاشقانه‌ای که به همسرش، عالیه، می‌نویسد به ارزش و جایگاه زن اشاره کرده و مقام والای زن را گوشزد می‌کند:

عالیه عزیزم!

بیا! عزیزم! تا ابد مرا مقهور بدار. برای این که انتقام زن را از جنس زن مرد کشیده باشی، قلب مرا محبوس کن. اگر بتوانم این ستاره قشنگ را به چنگ بیاورم! سلسله پربرف البرز را به میل و سماجت خود از جا حرکت بدهم! اگر بتوانم جریان باد را از وسط ابرها ممانعت کنم، آن وقت می‌توانم به قلبم تسلط داشته، این سرنوشت را که طبیعت برایم تعیین کرده است، تغییر بدهم! (یوشیج، ۱۳۸۰، ص. ۷).

فریدون توللی نیز با زبانی مملو از احترام و تکریم از همسرش سخن می‌گوید:

بر من ای همسر آزرده ببخشای که درد می‌شکافد دلم از یاد پریشانی تو
 وه! که می‌سوزم و پوزش به لب از رنج گناه بوسه‌ها می‌زنم از دور به پیشانی تو
 راست می‌بینمت آن گوشه در آن خانه مهر اشکریزان، سر آشفته فروبرده به چنگ
 (توللی، ۱۳۸۰، ص. ۲۰۳)

بهمنی نیز از جمله شاعرانی است که عاشقانه همسرش را در غزلیات می‌ستاید و از او و

خوبی‌هایش سخن می‌گوید^۱:

تا تو هستی و غزل هست دلم تنها نیست محرمی چون تو هنوزم به چنین دنیا نیست
 از تو تا ما سخن عشق همان است که رفت که در این وصف زبان دگری گویا نیست
 (بهمنی، ۱۳۸۵، ص. ۸۵)

۱. او در جایی گفته: «من همه شعرهایم را برای همسر می‌گویم، چه آنجایی که به او اشاره کردم و چه جایی که اشاره نکرده باشم. همسرمد مدیر انتشارات چی‌چی‌کا و ناشر بیشتر آثار من است» (مؤسسه فرهنگی هنری شهرستان ادب، عاشقانه ای برای همسرمد، ۱۳۹۸).

این معشوق دست‌یافتنی است و به نظر می‌رسد همسر شاعر باشد که در کنارش زندگی می‌کند؛ بنابراین قد و قامت معمولی و انسانی دارد و شاعر به همان قامت رعنائش عشق می‌ورزد و با او خوش است:

با خاستگاه افرایی / دل‌خوش به هم‌نشینی شمشادم (بهمنی، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۲)

غزل‌سرایان معاصر از آن تفکر سنتی که همسر را در هاله‌ای از ابهام و پوشیدگی فروبرده بود، رها شده‌اند و او را جزئی از اجتماعی انسانی قلمداد کرده‌اند که می‌تواند علاوه بر تولید نسل و خانه‌داری در سایر امور سیاسی و اجتماعی نقشی فعال داشته باشد. این موضوع نشان می‌دهد که اندیشهٔ مردم‌محورانهٔ گذشته دربارهٔ همسر رنگ باخته است و با نگاهی انسانی‌تر به وی نگرسته می‌شود. همسری که در غزل کلاسیک نشانی از او نمی‌توان یافت، در غزل معاصر با نام خودش مخاطب قرار می‌گیرد و ستایش می‌شود:

بنگر ای جانانه توران تا که به رخسار من اشک‌های من خبر دارت کنند از ماجرا
دیدم آن مرغک چون منقار کبود از هم می‌ستاید عشق محبوب من و حسن تو را
(اخوان، ۱۳۶۹، ص. ۱۹)

شاعر در این عصر به‌جای اینکه معشوقی را بستاید که هیچ نشانی نمی‌توان در عالم خلقت از او یافت، همسر خویش را عاشقانه در فضای خانه‌اش ستایش می‌کند:

من بودم و توران و هستی لذتی داشت آرامشی خوش بود، چون آرامش صلح
(اخوان، ۱۳۶۹، ص. ۱۱)

بنابراین در غزل و شعر معاصر همسر نه‌تنها چهره می‌گشاید و شاعر (عاشق) را نظاره می‌کند، بلکه حتی شاعر نام را هم در شعر عنوان می‌کند که در ادبیات کلاسیک به‌هیچ‌وجه سابقه نداشته است. «در اشعار قیصر امین‌پور هم همسر در جایگاه معشوق، تجلیات چشمگیری دارد. قیصر، اشعار بسیاری در ستایش همسرش سروده است. شاعر، در غزل زیر نیز هنرمندانه به نام همسر خود - زیبا - اشاره می‌کند و از ابعاد معنایی آن بهره‌های هنری

می‌برد و در نهایت نیز دیوان اشعار خود را به او تقدیم می‌کند» (روزبه و ضرونی، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۳).

ای از بهشت باز دری پیش چشم تو افسانه‌ای است حور و پری پیش چشم تو
صورتگران چین همه انگار خوانده‌اند زیباشناسی نظری پیش چشم تو
چیزی نداشتم که کنم پیشکش به جز دیوان شعر مختصری پیش چشم تو
(امین پور، ۱۳۸۷، ص. ۴۷)

۳.۴. همسرستایی و نکوهش همسر (مرد) در شعر معاصر

در شعر معاصر به زنان شاعری برمی‌خوریم که همسران خویش را ستوده‌اند؛ البته بررسی‌ها نشان می‌دهد که تعدادشان اندک است. از این منظر بسیاری از زنان شاعر اصولاً سخنی از همسران خویش نگفته‌اند و برخی دیگر هم دل‌خوشی از همسران خویش نداشته‌اند که بخواهند آن‌ها را در قالب تصویر و ستایش شعر خود بنشانند. چه بسا به شاعرانی می‌رسیم که نه تنها همسران خویش را نستوده‌اند، بلکه آن‌ها را نکوهش هم کرده‌اند. پروین اعتصامی از جمله شاعرانی است که فقط دو ماه و نیم زندگی زناشویی را تجربه کرد که از آن هم خاطره‌ خوشی نداشت. وی به‌طور مستقیم از همسر خویش سخنی نمی‌گوید، ولی در واکاوی شعرش می‌توان نفرت او را از همسرش یافت:

مرا بن‌باز بپرورد باغبان روزی نگفت هیچ به گوشم، حدیث فتنه و شر
چنان ز یاد زمان گذشته خرسندم که تیره‌بختی خود را نمی‌کنم باور
نمود شبرو گیتیم سنگسار، از آنک ندید شاخی ازین شاخسار کوتاه‌تر
ندید هیچ، به غیر از جفا و بد روزی هر آنکه هم‌نفسش سفله بود و بدگوهر
ز چون منی، چه توان چشم داشت غیر ستم ز همنشین جفا جو، گریختن خوش‌تر
(اعتصامی، ۱۳۹۳، ص. ۲۲۷)

پروین زن و مرد را مکمل یکدیگر می‌داند و معتقد است که وجود هر کدام در کنار دیگری در زندگی لازم و ضروری است:

وظیفه زن و مرد ای حکیم دانی چیست؟ یکی است کشتی و آن دیگری کشتی‌بان
چو ناخداست خردمند و کشتیش محکم اگرچه باک ز امواج و ورطه و طوفان
(اعتصامی، ۱۳۹۳، ص. ۲۰۹)

او از زندگی کوتاه و ناموفق خود این‌گونه شکوه می‌کند که می‌توان آن را به همسرش هم
تعمیم داد:

ای گل تو ز جمعیت گلزار چه دیدی جز سرزنش و بدسری خار چه دیدی
ای لعل دل‌افروز، تو با این همه پرتو جز مشتری سفله به بازار چه دیدی
رفتی به چمن، لیک قفس گشت نصیبت غیر از قفس، ای مرغ گرفتار چه دیدی
(اعتصامی، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۷)

ژاله قائم‌مقامی نیز سرنوشتی همچون پروین اعتصامی در کارنامه زندگی خود دارد؛ «در
تهران ناگزیر از ازدواج با یک آشنای قدیم پدر شد؛ علی مرادخان میرپنج بختیاری، مردی
چهل و اند ساله، نظامی، خشن، کم‌سواد و بیست‌وچند سال بزرگ‌تر از همسر جوان یا حتی
نوجوانش. این پیوند بسیار زود از هم گسست» (عابدی، ۱۳۸۰، ص. ۲۲). قائم‌مقامی هم
خاطره خوشی از همسر و زندگی زناشویی ندارد که بخواهد همسر خویش را بستاند و از
شوهر کردن خودش هم ناراحت و شاکی است:

چه می‌شد آخر ای مادر! اگر شوهر نمی‌کردم گرفتار بلا خود را چه می‌شد گر نمی‌کردم
گر از بدبختی‌ام افسانه خواندی داستان‌گویی به بدبختی قسم، کان قصه را باور نمی‌کردم
(قائم‌مقامی، ۱۳۷۴، ص. ۶۹)

روح لطیف و هنرمند قائم‌مقامی در زندگی زناشویی گوهر عشق را می‌طلبد، اما
باز نمی‌یابد؛ همان چیزی که همسران بسیاری در پی‌اش بودند و نیافتند. وی جزو معدود
زنانی است که هیبت تابوی مردسالاری را برای اولین بار در ادب فارسی می‌شکند و زبان به
نکوهش همسر می‌گشاید:

مردسیما ناجوانمردی که ما را شوهر است مر زنان را از هزاران مرد نامحرم‌تر است هست

آنکه زن را بی‌رضای او به زور و زر، خرید نامحرم به معنی، و به صورت شوهر است (قائم‌مقامی، ۱۳۷۴، ص. ۱۱۳)

وی شوهر خویش را این‌گونه توصیف می‌کند:

شوهری سخت بلعجب دارم	همدمی آدمی سلب دارم
دود رنگ است و شعله‌ور گویی	همسری دوزخی حسب دارم
پیر و پر کبر و زشت و تند و خسیس	الغرض، نخبه‌النخب دارم
سرخود را به سینه‌ام چو نهد	حالت مآدر و هب دارم

(قائم‌مقامی، ۱۳۷۴، ص. ۱۲۵)

او شوهر خویش را غول نیمه‌شب می‌نامد:

وحشتی کودکانه در دل خویش	من از این غول نیمه‌شب دارم
دخترانش ز من بزرگ‌ترند	بمگو شکوه بی‌سبب دارم

(قائم‌مقامی، ۱۳۷۴، ص. ۱۲۷)

سروده‌های قائم‌مقامی در رابطه با شکستن تابوی مردسالاری می‌تواند آینه‌ای از موقعیت‌های بسیار تلخ و مکرر باشد که با تکیه بر سنت‌های دیرین برای زنان در طول تاریخ ایران آفریده شد:

به خود گفتم از دست این بختیاری	گر آسوده گردم، شود بخت یارم
گر از او جدا گردم، آسوده گردد	تن رنج فرسود و جان نزارم

(قائم‌مقامی، ۱۳۷۴، ص. ۱۶۶)

سیمین بهبهانی نیز دو بار تجربه ازدواج دارد. از ازدواج نخست راضی نیست و آن را «بستری بی‌تمنا» معرفی می‌کند، اما ازدواج دوم او را به کام دل می‌رساند؛ چراکه خود را «هم‌گام و همراه و همسر» شوهرش می‌داند:

در بستری بی‌تمنا	بیگانگی‌ه‌وار اوفتادم
------------------	-----------------------

تــا کــودکــانــم بــرآمــد	زبــیــا تــر از هــر عــرو ســک
بــا تــلــخ و شــیرین هــســتــی	ا مـضـا بـه تـسـلـیم دادم
و ان عــشــق و آغــوش دــیگــر	هــم گــام و هــمــراه و هــمــســر
گــیرم شــدش خــاک بــســتــر	بــیــرــون ز خــاطــرم مــبــاد

(بهبهانی، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۰۵)

وی در شعری از هر دو همسر خویش سخن می‌گوید یکی را نکوهش و دیگری را می‌ستاید:

آز مـون نـخسـتـین	نقـطـه دـید مـن شـد
عشـق را پـوچ مـی دـید	چشـم بـی اخیـتـیـارم
دو مـین آن وفـا دادر	راسـتی راسـتین یـار
مرد و مردانه مـی خواست	دل بـه دسـتش سـپردم
چشـم ترسـیده ا مـا	هـیچ رخصـت نـمی دادم
تـا بـه امـکان عشـقی	دسـتی از دل بـرآرم
وقـت پیوسـتگی هـا	از هـراس گسـستن
ابر مـی شـد بـه چشـم	جسـم پرشـور یـارم
یـار، آن یـار، آن یـار	پـاک، عشـق، وفـا دادر
ماند چندان کـه مـرگش	در ربـود از کـنـارم

(بهبهانی، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۸۶)

بهبهانی خطاب به همسرش می‌گوید:

هم دوش نیز هستم و هم گام و هم طریق تنها گمان مدار که هم بسترت شدم
 بی من تو را، قسم به خدا، زندگی نبود جان عزیز بودم و در پیکرت شدم
 یک دست بوده ای تو و یک دست بی صداست دست دگر به پیکر نام آورت شدم
 بیرون ز خانه، همره و همگام استوار در خانه، غمگسار و نوازشگرت شدم
 دیگر تو در مبارزه بی یار نیستی یار ظریف و یاور سیمین برت شدم.
 (بهبهانی، ۱۳۸۵، ص. ۳۷۸)

فروغ هم به طور کلی در اشعارش نظری دوگانه و پارادوکسیکال به جنس مرد دارد؛ البته نظری خوبی به مرد ندارد. این را می شود از صفاتی که برای مرد در اشعارش آورده است، حس کرد: پرغرور، خودخواه، هوسران، کور، بی وفا. ازدواجش با پرویز شاپور بسیار زود به طلاق انجامید. ظاهراً از ازدواج کوتاهش نتوانست به کام دل برسد؛ چراکه خودش را در امر این ازدواج سرزنش می کند:

چرا امید بر عشقی عبث بست چرا در بستر آغوش او خفت
 چرا راز دل دیوانه اش را به گوش عاشقی بیگانه خو گفت
 (فروغ، ۱۳۷۶، ص. ۵۰)

ولی گاهی هم به ستایش همسر خویش می پردازد:

ای شب از رویای تو رنگین شده سینه از عطر توام سنگین شده
 ای به روی چشم من گسترده خویش شادیم بخشیده از اندوه بیش
 (فروغ، ۱۳۷۶، ص. ۱۲۲)

و گاهی چنان لحنش درباره مرد تغییر می کند که انگار تمام وجودش را سرشار از وی می داند:

خلوت خالی و خاموش مرا تو پر از خاطره کردی ای مرد
 شعر من شعله احساس من است تو مرا شاعره کردی ای مرد
 (فروغ، ۱۳۷۶، ص. ۶۲)

در دوره معاصر برای اولین بار این تابو را فروغ فرخزاد می‌شکند و معشوق مرد را به صورت محسوسی در اشعارش می‌آورد و توصیفی از وی ارائه می‌دهد. براهنی معتقد است که «تا زمان فروغ فرخزاد، شعر فارسی از داشتن معشوق مرد، معشوق مردی از دیدگاه جنسی، عاطفی و جسمانی یک زن دیده و تصویر شده باشد، محروم مانده است» (براهنی، ۱۳۶۳، ص. ۳۵).

کوچه‌ای است که در آنجا / پسرانی که به من عاشق بودند، هنوز / با همان موهای درهم و گردن‌های باریک و پاهای لاغر / به تبسم‌های معصوم دخترکی می‌اندیشند که یک‌شب او / باد با خود برد (براهنی، ۱۳۶۳، ص. ۱۰۴).

و مردی از کنار درختان خیس می‌گذرد/ مردی که رشته‌های آبی رگ‌هایش / مانند مارهای مرده از دو سوی گلوگاهش / بالا خزیده‌اند / (براهنی، ۱۳۶۳، ص. ۷۵).

معشوق من / انسان ساده‌ای است / انسان ساده‌ای که من او را / در سرزمین شوم عجایب / چون آخرین نشانه یک مذهب شگفت / در لابه‌لای پستان‌هایم / پنهان نموده‌ام / (براهنی، ۱۳۶۳، ص. ۶۶).

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵.۱. نتیجه‌گیری

بررسی شعر فارسی از آغاز تاکنون نشان می‌دهد که نقش و جایگاه زنان در اندیشه شاعران یکسان نبوده و تا حد زیادی متحول شده است.

در شعر کلاسیک و قبل از اینکه شعر از سنتی به مدرنیته وارد شود، جنس زن پیوسته نکوهش و سرزنش شده و چهره‌ای مبهم و مغشوش از خود به جای گذاشته است. در این میان، شاعران از همسر خویش کمتر سخن گفته‌اند و هر کجا هم که به وی اشاره کرده‌اند، بسیار محدود، مبهم و در لفافه بوده است؛ از این رو همسر -چه زن و چه مرد- در ستایش‌های عاشقانه و شاعرانه جایی نداشته‌اند. علت این امر در گذشته، غلبه رویه مردسالاری، جو مردمحوری و حاکمیت فرهنگ و تعصب‌های خشک مذهبی در جامعه بوده

است که تا حد زیادی جنس زن را به حاشیه برده و وی را از فعالیت‌های اجتماعی منع کرده است. زن در گذشته موجودی ضعیف و ناکارآمد تلقی می‌شده است که فعالیت وی تنها به کار خانه، زادوولد و تولید نسل و ابزاری در دست مرد محدود شده بود که حتی در ادبیات هم جایی برای خودنمایی پیدا نکرد. شاعران که اغلب آن‌ها مرد بوده‌اند در اشعار خود زن را موجودی فتان، حيله‌گر، ضعیف، سخن‌چین و دو به هم زن معرفی کرده‌اند؛ غافل از اینکه این زن همسر آن‌هاست که اغلب هم دیده نشده است؛ چراکه در اشعار هیچ‌وقت ستایش نشده‌اند؛ درحالی‌که شاعران معشوق رؤیایی خویش را در اشعار زیادی ستوده‌اند.

در دوره معاصر که اجتماع انسانی در سایه پیشرفت‌های اقتصادی و صنعتی تا حد زیادی متحول شد، زن نیز توانست جایگاه واقعی خود را در جامعه بیابد و از آنجاکه جامعه با ادبیات در تعامل است، به تدریج زن و به خصوص همسر در ادبیات فارسی نمود یافت. به‌مرور که ادبیات فارسی از سنت پای به مدرنیته می‌گذارد، اوضاع هم تا حد زیادی تفاوت می‌کند و ذهنیت غنایی شاعران تغییراتی را تجربه می‌کند. مردسالاری و مرد محوری گذشته به تدریج کم می‌شود، زنان کم‌کم در جامعه دیده می‌شوند و تا حدی جایگاه اجتماعی خویش را باز می‌یابند. این تغییرات موجب می‌شود که نگرش شاعران به همسر هم تغییر یابد.

در شعر معاصر، همسر در جایگاه معشوق در شعر قرار می‌گیرد و عاشقانه ستایش می‌شود. شاعران در این دوره به جای اینکه از معشوقی خیالی و دور از دسترس سخن بگویند و وی را در قاب تصویر بنشانند و با رؤیاهای او دل‌خوش باشند، بیشتر همسر خود را ستایش کرده و او را در فضایی کاملاً واقعی و عینی می‌ستایند. این نوع ستایش از همسر در شعر کلاسیک کمتر نمود دارد و در گذشته شاعران خیلی مختصر به این امر اهتمام ورزیده‌اند، اما با گذر از دوره کلاسیک به معاصر، ایجاد تحولات سیاسی و اجتماعی در سطح جامعه و تغییر نوع نگارش شعرا، جنس زن در شعر فارسی نمود می‌یابد و بیشتر دیده می‌شود و به خصوص همسر در شعر معاصر در جایگاه معشوق می‌نشیند و ستایش می‌شود. این نوع ستایش همسر تا جایی پیش می‌رود که حتی شاعر نام همسرش را هم در غزلیات

ذکر می‌کند. سیمایش را توصیف می‌کند، اما زنان شاعر علاوه بر ستایش همسر گاه زبان به نکوهش همسر نیز گشوده‌اند.

در ادبیات کلاسیک مادر و زنان گرد و نام‌آور ستایش شده‌اند، اما جنس زن تقریباً در بیشتر دیوان‌های شعر شاعران نکوهش شده است. همسر در ادبیات گذشته فارسی هیچ جایگاهی ندارد و باینکه برخی از شاعران از همسر خود سخن گفته‌اند، بسیار محدود و جزئی است. با گذر از سنت به مدرنیته نوع نگاه شاعران به زن و به تبع آن همسر تا حد زیادی تغییر می‌کند. در دوره معاصر نقش اجتماعی زنان افزایش می‌یابد، فرهنگ مردسالاری به تدریج کم‌رنگ می‌شود و زنان جایگاه خود را در اجتماع به دست می‌آورند. در شعر معاصر زن کمتر نکوهش می‌شود و بسیاری از شاعران زنان را ستوده‌اند؛ همچنین در شعر معاصر همسر در جایگاه معشوق شاعر قرار می‌گیرد و ستایش می‌شود.

۲.۵. پیشنهادها

برای پژوهش‌های آتی به پژوهشگران، موضوع بررسی انواع معشوق در شعر معاصر پیشنهاد می‌شود.

کتاب‌نامه

۱. اخوان ثالث، م. (۱۳۶۹). *زمستان*. تهران: انتشارات مروارید.
۲. اعتصامی، پ. (۱۳۹۳). *دیوان*. تهران: انتشارات مهرآوید.
۳. امین پور، ق. (۱۳۸۷). *مجموعه کامل اشعار*. تهران: مروارید.
۴. براهنی، ر. (۱۳۶۳). *تاریخ ملکر*. تهران: اول.
۵. بهبهانی، س. (۱۳۸۵). *مجموعه اشعار*. تهران: نگاه.
۶. بهمنی، م. (۱۳۸۵). *گاهی دلم برای خودم تنگ می‌شود*. تهران: دارینوش.
۷. جامی، ع. (۱۳۸۳). *سلامان و آبسال*. به کوشش سیدحسن امین (چاپ اول). تهران: دائرةالمعارف ایران‌شناسی.

۸. جامی، ع. (۱۳۸۷). *هفت‌ورنگ*. تصحیح و تحقیق اعلان خان افصح زاده و حسین احمد تربیت (چاپ اول). تهران: مرکز مطالعات ایرانی.
۹. حافظ، ش. (۱۳۸۰). *دیوان*. به کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: صفی علিশاه.
۱۰. حسینی، م. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی زن در آثار خاقانی و نظامی. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان*، (۲۳)، ۸۹-۱۱۰.
۱۱. خاقانی (۱۳۷۵). *دیوان*. به کوشش میر جلال‌الدین کزازی. تهران: مرکز.
۱۲. خرمشاهی، ب. (۱۳۸۱). *حافظ نامه* (جلد اول). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. خلفی، ح.، نظری، ج.، و فاموری، م. (۱۳۹۹). سیمای معشوق در غزل‌های حسین منزوی. *نشریه زیبایی‌شناسی ادبی*، ۱۱ (۴۳)، ۹۵-۱۱۹.
۱۴. خواجه‌ی کرمانی. (۱۳۶۹). *دیوان*. به اهتمام احمد سهیلی خوانساری. تهران: پاژنگ.
۱۵. رسولی‌پور، ر.، روشن، م.، و نیک‌نام، ش. (۱۳۹۵). ارزش‌شناسی جایگاه زن (همسر) در شعر معاصر فارسی و عربی (با رویکردی انتقادی بر دیدگاه فمینیست اگزیستانسیالیستی دوبار. کاوش *نامه ادبیات تطبیقی*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه رازی کرمانشاه. ۶ (۲۲)، ۴۷-۲۳.
۱۶. زرین‌کوب، ع. (۱۳۷۸). *دیدار با کعبه جان*. تهران: سخن.
۱۷. سعدی، م. (۱۳۷۹). *بوستان*. به اهتمام غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.
۱۸. شاملو، ا. (۱۳۸۷). *مجموعه اشعار*. تهران: انتشارات نگاه.
۱۹. طالب‌آملی (۱۳۴۶). *کلیات اشعار*. به اهتمام طاهری شهاب. تهران: کتاب‌خانه سنایی.
۲۰. عابدی، ک. (۱۳۸۰). *به‌رغم پنجره‌های بسته*. تهران: کتاب نادر.
۲۱. عنصرالمعالی، ک. (۱۳۶۸). *قابوس‌نامه*. به تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: علمی و فرهنگی.
۲۲. فرخزاد، ف. (۱۳۷۶). *دیوان فروغ فرخزاد*. تهران: اهورا.
۲۳. فردوسی، ا. (۱۳۸۴). *شاهنامه*. به اهتمام سعید حمیدیان. تهران: سخن.
۲۴. کامرون، ج. (۱۳۶۵). *ایران در سده‌دم تاریخ* (ح. انوشه، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۵. کدیور، ج. (۱۳۸۶). زن از نگاه سعدی (در بوستان و گلستان). *مجله زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان*. ۵، ۹۶-۷۳.

۲۶. کزازی، م. (۱۳۷۴). رخسار صبح. تهران: مرکز.
۲۷. ماسه، ه. (۱۳۶۹). تحقیق درباره سعدی (غ. م. یوسفی و م. ح. مهدوی، مترجمان). تهران: توس.
۲۸. مدرسی، ف.، و کاظم‌زاده، ر. (۱۳۹۰). آزادی، عنصر غالب غزل‌های نمادین منزوی. نشریه ادبیات پایدار/ری دانشگاه کرمان، ۲(۴)، ۵۶۴ - ۵۴۵.
۲۹. مزدآپور، ک. (۱۳۶۹). زن در آیین زرتشتی. تهران: امیرکبیر.
۳۰. مزدآپور، ک. (۱۳۶۹). یکی مهربان بودم اندر سرای، چیستا. (۷۴ و ۷۵). ۵۵۱-۵۵۶.
۳۱. منزوی، ح. (۱۳۸۷). از ترمه تا تغزل (چاپ پنجم). تهران: روزبهان.
۳۲. نظامی (۱۳۸۳). کلیات نظامی. به اهتمام وحید دستگردی. تهران: طلایه.
۳۳. یوشیج، ن. (۱۳۸۰). دیوان/شعار. به کوشش سیروس طاهباز. تهران: نگاه.

Sociological Analysis of Praise and Criticism of Spouse (Male and Female) in Persian Poetry and Literature ¹

Mohammadyar Ansari

PhD Student of Persian language and literature, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran

Mohammad Hadi Khaleqzadeh ²

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran

Jalil Nazari

Associate Professor of Persian Language and Literature, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran

Received: 10 January 2022

Accepted: 21 May 2022

Abstract

Though females are not presented positively in Persian literature, and poets usually ignore them, but when they get the role of a wife they are somehow praised, even in classical literature that again their presence is not so clear. Women in contemporary sonnets have a lofty place. They are constantly praised by poets. Men usually do not appear in Persian sonnets, whether classic or contemporary, but when they appear, they usually are not praised but criticized by women. The study tried to investigate and analyze the praise and criticism of spouse (male-female) in Persian poetry and literature. Library resources were used and a descriptive-analytical method was applied. The results showed that in classical poetry, poets do not usually speak about their spouses and even if they praised them, the poems are so limited and mostly briefly praise them in the mourning of their deaths. Men even do not appear in these poems. In contemporary Persian sonnets, however, patriarchal or man oriented thoughts have been greatly reduced, so that poets' wives are praised and even men are sometimes praised and sometimes criticized for just being spouse. Contemporarily, poets' lyrical thoughts has changed as not only they praise their wives, they even mention their names in sonnets. This is not seen at all in Persian classical poetry. This issue is so tangible in contemporary poetry. Spouses get sometimes the position of the poets' lovers. No more do they praise an imaginary lover. Spouses only are praised by poets.

Keywords: Persian Poetry, Sociological Analysis, Spouse (Male and Female), Praise of Spouse

1. Extracted from PhD dissertation, defended at Islamic Azad University, Yasouj Branch, Yasouj, Iran.

2. Corresponding author. Email: asatirpars@yahoo.com

Identifying the Components of and Measuring the Relationship between Dimensions of Entrepreneurial Knowledge in Large-Scale Cooperatives ¹

Abdolreza Karimpour Malekshah

PhD Candidate in Entrepreneurship, Islamic Azad University, Sari Branch, Mazandaran, Iran

Maryam Taghvae Yazdi ²

Associate Professor, Department of Educational Management, Islamic Azad University, Sari Branch, Mazandaran, Iran

Fatemeh Hashemnezhad Abarsi

Assistant Professor in Business Management, Islamic Azad University, Sari Branch, Mazandaran, Iran

Received: 7 January 2022

Accepted: 30 January 2022

Abstract

Entrepreneurs can distinguish themselves from competitors through knowledge and are able to organize the business environment well. Entrepreneurs who have more knowledge will be able to understand the changes and developments of markets faster. Considering the importance of knowledge in economic performance, the existence of organizations in which entrepreneurial knowledge is institutionalized is so significant. The purpose of this research is providing a model of entrepreneurial knowledge formation in large-scale cooperatives. To do the the descriptive-causal rsearch at first, with a comprehensive review of the research literature, the criteria for the formation of entrepreneurial knowledge were found and summarized, and then, based on the identified criteria and sub-criteria, the Dimtel questionnaire was given to experts in order to explain and evaluate the cause and effect relationships between the criteria. The statistical population of this research consisted of experts and faculty members familiar with entrepreneurship issues in large-scale cooperatives. They were selected using snowball sampling. The obtained dimensions and components included individual characteristics, infrastructure and organization, environment and support. In the next step, using Dimetal's method, the relations between the dimensions and components of the model were determined according to the opinions of the experts and the network of relations was designed and presented in a model format. The results showed that regarding the main dimensions, the causes are individual characteristics, infrastructure, and organization, and the effects are environment and support. The four dimensions of the formation of entrepreneurial knowledge of large-scale cooperatives based on the possible hierarchy are individual characteristics, infrastructure and organization, environment, and support.

Keywords: Entrepreneurial Knowledge, Large-scale Cooperatives, Dematel Method

1. Extracted from PhD dissertation, defended at Islamic Azad University, Sari Branch, Sari, Iran

2. Corresponding author. Email: m_taghvaeeyazdi@yahoo.com

Religiosity and Electoral Participation in the Cities of Iran (Case Study of the 2017 Presidential Election)

*Abraham Salehabadi*¹

Assistant Professor in Sociology, Department of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 13 November 2021

Accepted: 6 June 2022

Abstract

According to theoretical and empirical studies, the factor of religion or religious orientation is one of the decisive factors in electoral behavior. In Iran, after the victory of the Revolution, religion was able to influence a larger area of life by controlling the institution of politics. Considering the importance of religion and the religious political system in Iran, lack of explanations from the side of religion, the theoretical biases regarding religion in society, and the empirical disturbances regarding the effects of religiosity on voter turnout in the prevailing foreign texts, and the lack of specific and reliable studies on this topic, this study aimed to investigate the relationship between religiosity and voter turnout in the cities of Iran in the 12th presidential elections in the cities of Iran. Comparison at the level of country was used, secondary documents (second hand) and previous surveys were also used. The targeted statistical population includes all documented data in the cities of the country. The unit of analysis is the cities of the country and the statistical population of the study was 426 cities. The data of this study is aggregated data. The research showed that the effect of religious affiliation on turnout is influenced by the ethnicity of the city, and that the ethnicity of the city increases or decreases turnout, not religious affiliation. The research also showed that religiosity does not have a significant and fundamental impact on turnout; however, this does not mean that religiosity does not have an impact on election outcomes and voting preference. Religiosity indicators are more effective than turnout; they influence voting preference.

Keywords: Religiosity, Type of Religion, Electoral Participation, Invalid Votes, Cities of Iran

1. Corresponding author. Email: salehabadi@pnu.ac.ir

Exploring Social Backgrounds Affecting the Creation of Mental Disorders (Psychosis) Using Grounded Theory

Alireza Sanatkhanh¹

Assistant professor, Department of sociology, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

Mohamad Jalal Kamali

Assistant Professor, Department of Crisis Management, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

Navid Fatehi-Rad

Assistant Professor, Department of Crisis Management, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

Mahnaz Zaeimbashi

MSc in Department of Sociology, Islamic Azad University, Kerman Branch, Kerman, Kerman, Iran

Received: 27 October 2021

Accepted: 2 June 2022

Abstract

The study tried to provide the readers with a better understanding of the social grounds, causes, and processes affecting mental disorders. The study was done using grounded theory. Deep interviews were conducted with 23 healed patients suffering from mental disorders and five members of their families. The analysis of the data resulted in the following categories: 1) life concerns, counseling and practical trainings, ignoring justice, and intra-group social capital are background conditions; 2) arguments and tension among members of family, emotionally sensitive personality, economical problems, and using drugs are causal conditions; 3) gullibility, lack of cognitive awareness, and inability in controlling social and personal feelings are intervening conditions; 4) emotional and encouraging supports and efficiency of treatments are interactions; 5) making tension and fear among family members, lack of responsibility for family and society, increased costs of family, and personal influences are the consequences. Finally, “vulnerable sensitive personality” was chosen as the main concept. The study showed that mental pressure has social roots and very close relationship with social structures and systems. Such factors as marriage, education, family relationships, economical problems, unemployment, and failed marriages make people more vulnerable against mental disorders.

Keywords: Mental Disorders, Grounded Theory, Social Backgrounds

1. Corresponding author. Email: asanatkhanh@yahoo.com

Understanding the Sociological Dimensions of the Informal Economy in the Suburbs of Mashhad:(Case Study of Qalakhayaban Neighborhood of Mashhad)

Ahmad Ramezani Farrokhd

PhD Candidate in Economic Sociology and Development, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Hossein Akbari ¹

Associate Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Majid Fouladiyan

Associate Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Meysam Mousaee

Professor, Department of Planning, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 3 October 2021

Accepted: 20 October 2021

Abstract

Informal economy is a manifestation of developments in the capitalist world is an important aspect of the urban economy. The primary goal of this research was to conduct a sociological analysis of the informal economy in Mashhad's outskirts, as well as a case study of the Qala-e-Khiaban neighborhood. To reach the goal, informal occupations were first classified and described while identifying informal occupations in the Qala-e-Khiaban neighborhood. A qualitative research method, semi-structured interview techniques, observation, and focus groups were used in this study. Residents, merchants, members of local community councils, and neighborhood elites who lived in the investigated region consisted the statistical population of this study. The most important findings indicated that 84 jobs in the informal economy sector are located in 21 occupational groups in the Qala-e-Khiaban neighborhood. Sociological analysis of informal occupations was done based on eight variables, including poverty persistence, the presence of women and children, social status, social exclusion, job specificity, social health, job instability, and a sense of powerlessness. The results showed that based on the quantity presented for these variables using factor analysis and cluster analysis, the jobs identified in this neighborhood were categorized into two main types: including informal jobs and semi-formal jobs.

Keywords: Informal Economics, Informal Occupations, Qala-e-Khiaban, Sociological Analysis

1. Corresponding author. Email: h-akbari@um.ac.ir

Presenting a Model of Ethnic-Cultural Empathy in Virtual Social Networks using National Cohesion (A Qualitative Study Based on Data Theory)

Noorullah Rezaei Kalvari

PhD Candidate in Media Management, Islamic Azad University, Esfahan (Khorasgan) Branch, Esfahan, Iran

Saeed Sharifi¹

Assistant Professor in Management Department, Islamic Azad University, Esfahan (Khorasgan) Branch, Esfahan, Iran

Faezeh Taghipour

Assistant Professor in Management Department, Islamic Azad University, Esfahan (Khorasgan) Branch, Esfahan, Iran

Received: 12 September 2021

Accepted: 9 February 2022

Abstract

The purpose of this study was to present a model of ethnic-cultural empathy in virtual social networks with a national cohesion approach. To achieve this goal, qualitative methodology based on data theory (including open, axial and selective coding steps) using the systematic approach of Strauss and Corbin was applied. In this regard, in-depth and semi-structured interviews were conducted with theoretical sampling and continuing the snowball technique with experts on the subject. The number of samples continued until the responses reached saturation (30 owners). To evaluate the reliability of data and interpretations, the criteria of interpretive research including reliability, transferability, reliability, verifiability (Lincolnogoba, 1998) and criteria of data theory including conformity, comprehensibility, generality and controllability (Strauss and Corbin) were used. The main phenomenon of the research was called “ethnic-cultural empathy in virtual social networks with a national cohesion approach”. Causal conditions for creating ethnic-cultural empathy in virtual social networks include social health, education and self-awareness, social initiative, ethnic justice, national unity, pluralism, coexistence and ethnicity. Substrate factors were ethnic activism, ethnic attitudes, ethnic identity and ethnic values. Intervening factors were cultural education, symbolism, management of ethnic differences and intercultural interventions. Strategies were the revival of ethnic rights, justice and development, content production, ethnic representation, branding, the use of religious teachings and education. Positive consequences were improving national security and economic development and negative consequences were reducing national cohesion, threat to national security and national divergence. They were concluded as the consequences of ethnic-cultural empathy in virtual social networks with the national cohesion approach in the paradigm model of the foundation data theory.

Keywords: Empathy, Ethnicity, Culture, Ethnic Cultural Diversity, Virtual Social Networks

1. Corresponding author. Email: saeid.Sharifi2003@gmail.com

The Intersection of the Economic Crisis and the Corona Conditions in Everyday Life: Strategies and Consequences ¹

Mojtaba Mirzaie ²

*PhD in Economic Sociology and Development, Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad, Iran*

Gholamreza Sedigh Ouraee

*Assistant Professor, Department of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad, Iran*

Mehdi Kermani

*Assistant Professor, Department of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad, Iran*

Ahmadreza Asgharour Masouleh

*Assistant Professor, Department of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad, Iran*

Received: 12 August 2021

Accepted: 19 February 2022

Abstract

In times of economic crisis and corona, households need strategies to adapt themselves to and overcome this situation. This study tried to examine these strategies. It was conducted within the framework of an interpretive and constructivist paradigm with a qualitative approach, content analysis technique, and semi-structured questionnaire tool. The research sample consisted of people over 18 who were selected using purposive sampling. The results showed that citizens' exposure strategies fall into three categories. Some actions are resistant and only seek to reduce the effects of crises on the household economy and try to survive. Some actions were also restorative. In this way, households sought to maintain their well-being before crises. Some other actions were also included in the creative strategy area. In this strategy, people used economic chaos to produce unproductive actions to increase their share of the economy. In this strategy, the public interest is ignored and only personal interest is considered. But, some productive creative actions have been introduced as potential creative ones, which have faced many obstacles to their implementation. Moreover, the results of the study also showed the belief of citizens in the impact of the environment and the context of society on the way of economic strategies of the people. Thus, the lack of political maturity is the cause of such consequences as a fragile economy, a low-income society, and an anti-rational culture; Conditions that affect the type of economic strategies and actions of the household.

Keywords: Economic Crisis, Coping Strategies, Resistance Strategy, Lack of Political Maturity, Creativity Strategy

1. Extracted from PhD dissertation, defended at Ferdowsi university of Mashhad, Mashhad, Iran

2. Corresponding author. Email: m_mirzaie1990@yahoo.com

Standardization, Validating and Measuring Reliability of Moral Values Measurement (Case Study: Kermanshah)

*Ali Moradi*¹

Associate Professor of Sociology Department, Eslam Abad-E-Gharb Branch, Islamic Azad University, Eslam Abad-E-Gharb, Kermanshah, Iran

Nejat Mohammadifar

Assistant Professor Department of Political Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, Ardakan University, Ardakan, Iran

Received: 27 April 2021

Accepted: 12 July 2021

Abstract

A moral value as an interdisciplinary concept is a set of rules and principles that humans use in life. This research aimed to standardize, validate and measure the reliability of the tool for measuring moral values. In line with the purpose of this survey, after studying and examining tools available in the world (standard tools) and also completing the gaps in these tools (by the researchers in the process of conducting the research), a comprehensive tool was taken and out of all the citizens over 20 years of age in Kermanshah in 2019, 440 people were selected. The selection and data of this study were collected by cluster random sampling method. SPSS and AMOS software were used for data analysis. Cronbach's alpha coefficient is 0.936, the correlation between test halves is equal to 0.554, Guttman coefficient is 0.709, Spearman-Brown coefficient is 0.703, and the total explained variance of all dimensions together by factor analysis is 87.72. The results of the measurement model show that the CMIN/DF index is 4.58, the relative fit of CFI is 0.85, the Lewis coefficient is 0.80, and the RMSEA index is 0.08 that confirm the fit of the model. The results of this study showed that the validity of the tool used is confirmed by the use of formal and structural validity to estimate the reliability of Cronbach's alpha results, bisecting method and Spearman-Brown. Since some items of the studied questionnaires were not appropriate for the local culture, they were modified and normalized based on the opinions of experts to make the appropriate for the cultural situation of the Iranian society.

Keywords: Ethical Values, Validity, Reliability, Factor Analysis, Measurement Tools

1. Corresponding author. Email: moradi.pop@gmail.com

Sociological Instigation of the Relationships between Social Factors, Work Ethics and Job Performance among Employees of Kalat Industrial Town

Zahra Khezri

PhD in Economic and Developmental Sociology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Mohammad Mazloom Khorasani¹

Professor in Department of Sociology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Mohsen Noghani Dokhtbahmani

Associate Professor in Department of Sociology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 8 March 2021

Accepted: 8 September 2021

Abstract

Since human resources has a great role in fulfilling organizational goals, the presence of high qualified workforces requires considering work ethics and managing tangible and intangible assets. The study tried to sociologically explore the relationship between capital factors, work ethics, and job performance among the employees of Kalat Industrial Town, Mashhad. The statistical population of the applied survey were all employees of Kalat Industrial Town, among of which 280 were randomly selected. A researcher-made questionnaire was designed for measuring social capital, cultural capital, economic capital, work ethics, and job performance variables. Measured the content validity and construct validity, and using internal consistency by the alpha Cronbach, its validity and reliability was confirmed. The results reported that: a) only social capital has a significant and positive effect on employees' work ethics; b) social and cultural capital have also a significant and positive effect on job performance; c) economic capital has no significant effect; d) work ethics has a significant effect on job performance of employees. The square of the multiple correlation coefficient of the structural equation model showed that the independent variables explain 33%, and the variance of work ethics as dependent variable 39% of the variance of the dependent variable of job performance. Accordingly, to boost job performance of employees, while considering work ethics, CEOs and staff of the companies should pay attention to capital factors of employees, especially social and cultural capital.

Keywords: Capital Factors, Work Ethics, Job Performance, Kalat Industrial Town of Mashhad

1. Corresponding author. Email: mmkhorasani@um.ac.ir

Investigating the Relationship Between Women's Social Capital and Their Discriminability in Family

Maryam Rafatjah¹

Associate Professor in Anthropology, University of Tehran, Tehran, Iran

Marjan Rashvand Sorkhkouleh

Assistant Professor of Demography, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Fatemeh Seyedzadeh

MA in Women Studies, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 3 March 2021

Accepted: 28 June 2021

Abstract

Gender discrimination is a social problem which most current societies are encountered. Women are the main target of such discrimination, so they have been received the most sufferings of the issue. Hence, it is highly necessary to address the problem and, more importantly, women's acquiescence to the gender-based discrimination in order to improve their life conditions and positions in the family and society. This research aims to study the relation between women's social capital and their discriminability in the family. For this purpose, Collins conflict theory was used as the theoretical framework. The investigation was conducted using survey method and the necessary data were gathered by questionnaire. The statistical population was the total married women at the age of 25 to 50 who had been living in Tehran city. Using cluster sampling, 196 women were chosen. According to the descriptive findings, the women's discriminability was lower in terms of attitude than behavior, since socio-cultural changes occur faster and sooner in attitude than behavior. Moreover, among the studied women, the level of cultural capital was more than the social capital and their economic capital was the lowest. Finally, the findings confirm the effect of women's social capital on their discriminability in the family. In addition, the effect of cultural and economic capital and also the number of children on women's discriminability is confirmed. The results of multivariate analysis show that a decrease in discriminability among women is highly depend on an increase in their cultural capital and then their social and economic capital, but by increasing the number of children, women's discriminability increases too.

Keywords: Gender Discrimination, Discriminability, Social Capital, Cultural Capital, Economic Capital

1. Corresponding author. Email: rafatjah@ut.ac.ir

Investigating the Relationship between the Rate of Religiosity and Lifestyle among High School Girls of Shirvan City ¹

Nowrooz Nimrooz Navokhi ²

Assistant Professor in Sociology, Golestan University, Gorgan, Iran

Maryam Baqerzadeh

Master of Sociology, Qochan Islamic Azad University, Qochan, Iran

Received: 16 December 2020

Accepted: 10 March 2022

Abstract

The aim of this study was investigating the relationship between the rate of religiosity and high lifestyle among school girls in Shirvan city. The problematic assumption is that social-cultural changes at the macro-level of society and consequently possible changes at the middle level of the family, significant changes in the attitudes and beliefs of individuals, especially the younger generations of society, are also likely. The research method is survey and data collection tool is LSQ and Gluck and Stark Religious Scale. The statistical population of the study was all the students of 16 girls' high schools in Shirvan. The sample includes 368 students who were selected by simple random sampling. For analyzing data, PLS structural equations were used. Results showed a strong and direct relationship (with path coefficient of 0.804, T-Value possibility of 37.458 and effect of 0.382) between level of religiosity and lifestyle of girls. Moreover, the literacy level of parents has a direct relationship with their health-oriented lifestyle (with a path coefficient of 0.096, a probability value of T-Value of 2.288 and an effect size of 0.110), but there was not a strong relationship between the socio-economic status of students and their lifestyle. There is a high possibility that this relationship is not significant because of the low variance of the socio-economic status of families in a small city like Shirvan. The findings have also confirmed such low variance.

Keywords: Lifestyle, Religiosity, Students, High School, Shirvan

1. Extracted from Master thesis, defended at Islamic Azad University, Shirvan Branch, Shirvan, Iran

2. Corresponding author. Email: nimrooz58@gmail.com

Meta-Analysis of Studies on the Relationship between Social Capital and Social Tolerance in Iran in the Years 1388-1398/2009-2019

Mohsen Niazi

Professor, Department of Social Sciences, Kashan University, Kashan, Iran

Shiva Aghabozorgizadeh ¹

PhD Candidate in Sociology of Iranian Social Issues, Kashan University, Kashan, Iran

Amin Gudarzi

PhD Candidate in Sociology of Iranian Social Issues, Kashan University, Kashan, Iran

Received: 18 January 2020

Accepted: 11 July 2020

Abstract

In recent years, there have been many studies on social capital and social tolerance. The extent and dispersion of these studies make a need to conduct a coherent meta-analysis to achieve a more comprehensive picture and see the shortcomings of the research field. The purpose of this study was to investigate the relationship between social capital and social tolerance in studies conducted in Iran. Social capital is the position and relationships in social groups and networks and tolerance refers to a situation in which individuals and groups act with restraint and resistance against a situation or phenomenon that they find extremely distasteful or indifferent. In this research, the theories of Putnam and Coleman were used for social tolerance and the theories of Pierre Bourdieu were used for investigating social capital. This research was conducted with the meta-analysis method on the relationship between social capital and social tolerance in Iran. The statistical population of the research included all the studies conducted in Iran between 2008 and 2018 with the same subject as the present research. The results showed that the relationship between social capital and social tolerance with fixed and random effects is significant at the 99% confidence level. The results show the heterogeneity of the studies. On the other hand, the average effect size of social capital (random mixed effects) on social tolerance in the studies is 0.205, which is at a low to medium level.

Keywords: Social Capital, Social Tolerance, Effect Size, Meta-Analysis

1. Corresponding author. Email: shiva.bozorgy@gmail.com

Table of Contents

▪ Meta-Analysis of Studies on the Relationship between Social Capital and Social Tolerance in Iran in the Years 1388-1398/2009-2019	1
Mohsen Niazi, Shiva Aghabozorgizadeh, Amin Gudarzi	
▪ Investigating the Relationship between the Rate of Religiosity and Lifestyle among High School Girls of Shirvan City	2
Nowrooz Nimrooz Navokhi, Maryam Baqerzadeh	
▪ Investigating the Relationship Between Women's Social Capital and Their Discriminability in Family	3
Maryam Rafatjah, Marjan Rashvand Sorkhkouleh, Fatemeh Seyedzadeh	
▪ Sociological Instigation of the Relationships between Social Factors, Work Ethics and Job Performance among Employees of Kalat Industrial Town	4
Zahra Khezri, Mohammad Mazloom Khorasani, Mohsen Noghani Dokhtbahmani	
▪ Standardization, Validating and Measuring Reliability of Moral Values Measurement (Case Study: Kermanshah)	5
Ali Moradi, Nejat Mohammadifar	
▪ The Intersection of the Economic Crisis and the Corona Conditions in Everyday Life: Strategies and Consequences	6
Mojtaba Mirzaie, Gholamreza Sedigh Ouraee, Mehdi Kermani, Ahmadreza Asgharour Masouleh	
▪ Presenting a Model of Ethnic-Cultural Empathy in Virtual Social Networks using National Cohesion (A Qualitative Study Based on Data Theory)	7
Noorullah Rezaei Kalvari, Saeed Sharifi, Faezeh Taghipour	
▪ Understanding the Sociological Dimensions of the Informal Economy in the Suburbs of Mashhad:(Case Study of Qalakhayaban Neighborhood of Mashhad)	8
Ahmad Ramezani Farrokhd, Hossein Akbari, Majid Fouladiyan, Meysam Mousaaei	
▪ Exploring Social Backgrounds Affecting the Creation of Mental Disorders (Psychosis) Using Grounded Theory	9
Alireza Sanatkah, Mohamad Jalal Kamali, Navid Fatehi-Rad, Mahnaz Zaeimbashi	
▪ Religiosity and Electoral Participation in the Cities of Iran (Case Study of the 2017 Presidential Election)	10
Abraham Salehabadi	
▪ Identifying the Components of and Measuring the Relationship between Dimensions of Entrepreneurial Knowledge in Large-Scale Cooperatives	11
Abdolreza Karimpour Malekshah, Maryam Taghvaei Yazdi, Fatemeh Hashemnezhad Abari	
▪ Sociological Analysis of Praise and Criticism of Spouse (Male and Female) in Persian Poetry and Literature	12
Mohammadyar Ansari, Mohammad Hadi Khaleqzadeh, Jalil Nazari	

ABSTRACTS

In the Name of God



Ferdowsi University of Mashhad

Journal of Social Sciences
Ferdowsi University of Mashhad
A semi-annual, research-based journal

RESEARCH JOURNAL

Vol. 18, No. 2, Fall & Winter 2021-2022,
Serial Number 38

License Holder

Ferdowsi University of Mashhad

General Director

Dr. Mohsen Noghani Dokht Bahmani
Ferdowsi University of Mashhad

Editor-in-Chief

Dr. Hossein Behravan
Ferdowsi University of Mashhad

Editorial Board

Dr. Taghi Azad armaki

University of Tehran

Dr. Hossein Behravan

Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Gholamreza Jamshidiha

University of Tehran

Dr. Mohsen Noghani Dokht Bahmani

Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Seyed Mohammad Seyed Mirzaie

Shahid Beheshtie University

Dr. Ali Asghar Seylanian Toosi

Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Mohammad Taghi Sheikhi

Alzahra University

Dr. Rampoor Sadr Nabavi

Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Abdolali Lahsaeizadeh

Shiraz University

Dr. Mansoor Vosooghi

University of Tehran

Dr. Ali Yousofi

Ferdowsi University of Mashhad

Internal Manger:

Dr. Hossein Mirzaei

Ferdowsi University of Mashhad

English Language Editor:

Abdullah Nowruzy

Executive Coordinator:

Zahra Baniasad

Persian Editor:

Dr. Seyede Maryam Fazaeli

Typesetting:

Elaheh Tajvidi

Printing & Binding:

Ferdowsi University of Mashhad
Press

Circulation: 30

Subscription: 25 USD (USA)

20 USD (other)

Address:

Faculty of Letters and Humanities

Ferdowsi University Campus

Azadi Sq.

Mashhad-Iran

Post code: 9177948883

Tel: (+98 51) 38806724

Fax: (+98 51) 38807060

E-mail: JSS@ferdowsi.um.ac.ir

Internet Address:

http: // social.um.ac.ir



FERDOWSI UNIVERSITY
OF MASHHAD

Journal of Social Sciences

Ferdowsi University of Mashhad

A semi-annual, research-based journal

Vol. 18, No. 2, Fall & Winter 2021-2022, Serial Number 38

ISSN: 2008-1383

Meta-Analysis of Studies on the Relationship between Social Capital and Social Tolerance in Iran in the Years 1388-1398/2009-2019	1
Mohsen Niazi, Shiva Aghabozorgizadeh, Amin Gudarzi	
Investigating the Relationship between the Rate of Religiosity and Lifestyle among High School Girls of Shirvan City	2
Nowrooz Nimrooz Navokhi, Maryam Baqerzadeh	
Investigating the Relationship Between Women's Social Capital and Their Discriminability in Family	3
Maryam Rafatjah, Marjan Rashvand Sorkhkouleh, Fatemeh Seyedzadeh	
Sociological Instigation of the Relationships between Social Factors, Work Ethics and Job Performance among Employees of Kalat Industrial Town	4
Zahra Khezri, Mohammad Mazloom Khorasani, Mohsen Noghani Dokhtbahmani	
Standardization, Validating and Measuring Reliability of Moral Values Measurement (Case Study: Kermanshah)	5
Ali Moradi, Nejat Mohammadifar	
The Intersection of the Economic Crisis and the Corona Conditions in Everyday Life: Strategies and Consequences	6
Mojtaba Mirzaie, Gholamreza Sedigh Ouraee, Mehdi Kermani, Ahmadrza Asgharour Masouleh	
Presenting a Model of Ethnic-Cultural Empathy in Virtual Social Networks using National Cohesion (A Qualitative Study Based on Data Theory)	7
Noorullah Rezaei Kalvari, Saeed Sharifi, Faezeh Taghipour	
Understanding the Sociological Dimensions of the Informal Economy in the Suburbs of Mashhad :(Case Study of Qalakhayaban Neighborhood of Mashhad)	8
Ahmad Ramezani Farrokhd, Hossein Akbari, Majid Fouladiyan, Meysam Mousaaci	
Exploring Social Backgrounds Affecting the Creation of Mental Disorders (Psychosis) Using Grounded Theory	9
Alireza Sanatkah, Mohamad Jalal Kamali, Navid Fatehi-Rad, Mahnaz Zaeimbashi	
Religiosity and Electoral Participation in the Cities of Iran (Case Study of the 2017 Presidential Election)	10
Abraham Salehabadi	
Identifying the Components of and Measuring the Relationship between Dimensions of Entrepreneurial Knowledge in Large-Scale Cooperatives	11
Abdolreza Karimpour Malekshah, Maryam Taghvace Yazdi, Fatemeh Hashemnezhad Abari	
Sociological Analysis of Praise and Criticism of Spouse (Male and Female) in Persian Poetry and Literature	12
Mohammadyar Ansari, Mohammad Hadi Khaleqzadeh, Jalil Nazari	